# فارسی باستان

## دستور زبان، متون، واژه نامه



رولاند گ. کنت

ترجمه و تحقیق:
سعید عریان

سازمان میراث فرهنگی کشور

رولاند گ. کنت

# فارسی باستان

دستور زبان، متون، واژه نامه

ترجمه و تحقیق: سعید عریان

# Old Persian

## Grammar, Text, Glossary



Ronald G. Kent

S. Oryan

ISBN: 964-421-045-X

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

بسم الله الرحمن الرحيم

سازمان میراث فرهنگی کشور

# فارسی باستان

## دستور زبان ، متون ، واژه‌نامه


تألیف:

**رولاند. گ. کنت**

ترجمه و تحقیق:

**سعید عریان**



۱۳۸۴

**۱۲۱۵**

Kent, Roland Grubb

کنت. رولاند گراب، ۱۸۷۷ - ۱۹۵۲ م.

فارسی باستان: دستور زبان، متون، واژه‌نامه /اثر رولاند ج. کنت؛ ترجمه و تحقیق سعید عریان. ـ [ویراست ۲] ـ ـ تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری (پژوهشگاه)، پژوهشکده زبان و گویش: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، اداره کل امور فرهنگی، ۱۳۸۴.

۷۱۱ ص.

ISBN: 964-421-045-X: ۶۰۰۰۰ ریال

فهرستنویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

پشت جلد به انگلیسی:

Ronald G. Kent. Old Persian: grammar, text, glossary.

کتابنامه به صورت زیرنویس.

ویراست دوم.

۱. فارسی ـ ـ واژه‌نامه ـ ـ انگلیسی. ۲ ـ فارسی باستان ـ ـ دستور. ۳. فارسی باستان. الف. عریان، سعید، ۱۳۲۹ ـ ب. سازمان میراث فرهنگی و گردشگری. پژوهشکده زبان و گویش. ج. سازمان میراث فرهنگی و گردشگری. اداره کل امور فرهنگی. د. عنوان.

۲ ف ۹ک / PIR ۱۶۰۲ ۴/۰۳ فا ۸

۱۳۸۴

کتابخانه ملی ایران ۲۷۸۹۴-۸۳ م

پژوهشگاه پژوهشکده زبان و گویش

**فارسی باستان (دستور زبان، متون، واژه‌نامه)**

**تالیف / ترجمه و تحقیق:** رولاند گ. کنت / سعید عریان

**ناشر:** پژوهشکده زبان و گویش با همکاری اداره کل امور فرهنگی

**نوبت چاپ:** اول / ۱۳۸۴

**شمارگان:** ۲۰۰۰ نسخه

**شابک:** ۹۶۴-۴۲۱-۰۴۵-X

**حروفچینی و صفحه آرایی:** فرزانه محمدی

**لیتوگرافی / چاپ:** نقش‌آور / توسکاگستر

**قیمت:** ۶۰۰۰ تومان

**نشانی ناشر:** تهران، خیابان آزادی، نبش زنجان جنوبی، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری

**تلفن:** ۶۶۰۴۴۲۰۷

به گزیداران سخن

آنان که خرد را ارج می‌نهند

و برای پایایی و مانایی اندیشه دست به ترجمه می‌برند.

# فهرست

## فصل III : نظام آوایی

## فصل IV- ساخت بن‌های اسمی و صفتی

## فصل V- صرف اسامی، صفات، ضمایر

## فصل VI- بن‌ها و ساخت افعال

## فصل VII- نحو و سبک

## بخش دیگر: متن‌ها

### کتیبه‌های جعلی:



### متن‌ها همراه با یادداشت‌ها و ترجمه

## پیوست تاریخی



## بخش سدیگر: واژه‌نامه

# مقدمه مترجم

در میان زبانهای ایرانی دوره‌باستان، زبان کتیبه‌های هخامنشی یا زبان فارسی‌باستان از ارزش‌های ویژه‌ای برخوردار است. نخست اینکه، نیای زبان امروز ماست؛ بعبارت دیگر، فارسی‌نو، با یک میانجی یعنی فارسی‌میانه ساسانی یا پهلوی، با فارسی‌باستان پیوند می‌خورد. دیگر اینکه این زبان ـ دستکم نوع رسمی آن ـ در زمان حیات به کتابت در آمده است و از این روی از نظر زبانی دارای اهمیت خاصی است. ارزش دیگر این زبان و آثار بازمانده از آن که تنها در مجموعه‌ای از کتیبه‌های شاهان هخامنشی محدود می‌شود، به مطالب و داده‌های تاریخی مربوط می‌شود و این ارزش تا حدی است که باید گفت چنانچه این کتیبه‌ها ـ و در میان آنها بویژه کتیبه‌های داریوش ـ رمزگشایی، قرائت و ترجمه نمی‌شد، بی‌تردید، پژوهش‌های تاریخی ما در مورد تاریخ هخامنشیان تنها به روایات یونانی محدود می‌شد؛ و سرانجام اینکه پاره‌ای از موارد دستوری زبان فارسی‌نو، که عده‌ای آنها را در ردیف استثنائات دستوری و زبانی فارسی به شمار می‌آورند، با توجه به دستور این زبان توجیه می‌شود.

از زمانیکه رولاند،جی.کنت، با نوشتن پیشگفتار بر کتاب با ارزش «فارسی‌باستان[1]» خود، پایان تدوین آنرا اعلام کرد، تاکنون نزدیک به نیم قرن می‌گذرد، علیرغم گذشت این زمان نسبتاً طولانی، باید گفت که این اثر هنوز در پهنه مطالعات زبانی و زبانشناسی درزمانی و بویژه زبانهای باستانی ایران، بی‌تردید بلامنازع است. البته خواننده متخصص، خود بر این حقیقت آگاهی دارد؛ و ارزش این کتاب با بهره‌گیری از آن روشن

---

۱. کتابی که ترجمه فارسی آن از نظر خواننده می‌گذرد.

می‌شود، نه گفتار درباره آن.

کتاب «فارسی‌باستان» سه بار در ایالات متحده‌آمریکا ـ ۱۹۵۰ چاپ نخست، ۱۹۵۳ یعنی یک سال پس از درگذشت کنت، ویرایش دوم، و ۱۹۶۱ چاپ دیگر از ویرایش دوم توسط موسسه شرق شناسی آمریکا ـ و نیز دوبار در ایران بصورت چاپ عکسی توسط انتشارات طهوری، منتشر شده است؛ و چنانکه کنت خود در آغاز پیشگفتارش بر چاپ نخست کتاب اشاره می‌کند، هیچیک از آثار پیشین، چه در زمینه متون، چه در زمینه واژگان و چه در زمینه دستور زبان، نمی‌توانستند به کتیبه‌های فارسی‌باستان از ابعاد فوق، رویکردی جامع داشته باشند.

یکی از ویژگی‌های اساسی و مهم این اثر این است که کنت در سرتاسر کار گسترده خود هرگز اسیر یکسونگری و جزمیت در نظریات خود و دیگران نشده است، چنانکه او خود در بخشی از پیشگفتار نخست می‌گوید «دیدگاه‌های منتشر شده خود من در مورد مسایل درگیر، در صورت ناسازگاری و تناقض با دیدگاه‌های ارائه شده در این کتاب به گونه دیدگاه‌های منسوخ نگریسته شده‌اند، حتی چنانچه آشکارا مورد انصراف قرار نگرفته باشند...»؛ و این خود ویژگی است که در هر پژوهشگری بسادگی یافت نمی‌شود. دیگر اینکه کتاب از نظام و شیوه‌ای منسجم ترکیب یافته است، بطوریکه در کوتاهترین زمان ممکن می‌توان به مطالب مورد نیاز مراجعه نمود. البته به این ارزش‌ها باید ارزش دیگری را نیز افزود و آن اینکه کنت در بخش دستور زبان که خود دارای نظامی موجه است، و نیز در واژه‌نامه، از شیوه‌ای فراگیر و تطبیقی در زبانهای هند و اروپایی بهره گرفته است و این برای پژوهشگر متخصص فوق‌العاده اهمیت دارد.

بهرحال، برگردان کار سترگی چون کار کنت، بی‌گمان دانش و چیرگی گسترده‌ای در حد خود او را می‌طلبد و این همه، از توان مترجم فراتر است. از این روی با امید به اینکه این کوشش بتواند منشاء اثر قرارگیرد، ذکر موارد زیر در مورد ترجمه اثر ضروری است:

۱ـ یکی از دشواریهای ترجمه اثر کنت، اصطلاحات دستوری فراوانی است که وی آنها را در سرتاسر کار خود، بویژه بخش اصلی اثر یعنی دستور زبان بکار برده است. بطورکلی بجز اصطلاحاتی که در زبان فارسی امروز دارای معادلی کاملاً مشخص و متعارف هستند،اصطلاحات‌دیگررامی‌توان به‌سه گروه‌بخش کرد:نخست‌آنهایی‌که در فارسی امروز بهیچ‌وجه معادلی نداشته‌اند و ساختن برابر نهادی برای آنها نیز نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند بلکه ضمن تداعی مفاهیم دیگر، به دشواری موجود افزوده و زبان ترجمه را نا متعارف می‌کند، از جمله، اصطلاحات guna, vriddhi ، sandhi و

غیره، که البته می‌توان آنها را تعریف کرد ولی ساختن معادلی که در حد یک واژه اعم از ساده یا مرکب بتواند تمام ویژگی‌های این پدیده‌ها را بیان کرده و با مفهوم یا مقوله‌ای دیگر آشفتگی ایجاد نکند، ممکن به نظر نمی‌رسد. این گروه از اصطلاحات، در ترجمه فارسی به همان صورت اصلی بکار رفته است.

دیگر، پاره‌ای از اصطلاحات که در فارسی امروز دارای معادل تقریباً شناخته شده‌ای هستند اما این معادل‌ها را نمی‌توان در هر بافت بیانی بکاربرد و این وضع همانا از عدم جامعیت معادل نسبت به تمام ویژگی‌های پدیده مورد نظر سرچشمه می‌گیرد. از جمله اصطلاح Thematic که در پاره‌ای از موارد می‌توان معادل «ماده ساز» را در برابر آن قرار داد مانند Thematic vowel «واکه ماده ساز»، ولی در مواردی دیگر این امر تهی از دشواری نیست؛ مانند Thematic stem؛ زیرا بر اهل فن روشن است که بن یا ماده صورتی است که پس از فراینده ماده سازی جهت تصریف آماده می‌شود و این صورت زبانی خود ماده ساز نیست. در این موارد، آنجا که بکار بردن معادل ممکن بود، از برابر نهاد ساخته شده در فارسی استفاده شده، ولی در موارد دیگر، خود اصطلاح به همان صورت بکار رفته است.

سه دیگر، اصطلاحاتی که تاکنون در زبان فارسی برای آنها برابر نهادی ساخته نشده است اما می‌توان در این موارد برابر نهادهایی را پیشنهاد کرد. برای این دسته از اصطلاحات، تا آنجا که در توان مترجم بود، معادل سازی شده است؛ از جمله minimal consanant" = همخوان کمینه" و یا "ablaut series = رشته‌های گردش یافته" و غیره...

۲- مثال‌هایی که برای نشان دادن حالت‌های صرفی و نحوی آمده، گاه در ترجمه فارسی به گونه‌ای متفاوت در آمده‌اند. این تفاوت که بویژه میان مثال‌های نحوی و ترجمه متون بیشتر بچشم می‌خورد، اجتناب ناپذیر و طبیعی است، زیرا دستگاه نحوی زبان فارسی امروز بگونه‌ای چشمگیر با نظام نحوی فارسی‌باستان متفاوت است. بعبارت دیگر ترجمه دقیق آنها بطوریکه بتوانند نشان دهنده حالت نحوی مربوطه باشند، از نظر نحو فارسی‌نو نا متعارف خواهد بود. از این روی برای بررسی دقیق حالت نحوی باید به صورت‌های فارسی باستان توجه نمود.

این وضعیت در ترجمه انگلیسی نیز از سوی کنت اعمال شده است. چنانکه وی در پیشگفتار نخست خود می‌گوید «ترجمه انگلیسی واژه‌ها و قطعات در دستور، بویژه در بخش نحو، معمولاً با ترجمه متون در بخش دوم متفاوت است. این تفاوت برای آشکار نمودن بیشتر ویژگی که واژه یا قطعه با آن بر شمرده شده بطور عمدی صورت گرفته

است».

این امر در صرف پاره‌ای از افعال نیز که در غیر زمان ساختاری خود ترجمه شده‌اند، بچشم می‌خورد. در این گونه موارد، حتماً باید به بحث دستوری آن فعل در بخش دستور مراجعه کرد. زیرا کنت تمام موارد و کاربردهای گوناگون دستوری را در ترجمه متون رعایت کرده است و این ویژگی در ترجمه فارسی نیز دقیقاً مورد توجه قرار گرفته است.

برای ترجمه و مفهوم دقیق واژه‌ها باید به ترجمه متون مراجعه نمود و واژه را در بافت جمله دید، زیرا در بخش دستور، واژه‌ها، معمولاً خارج از بافت جمله بکار رفته‌اند و در نتیجه معنی آنها نمی‌تواند جامع و مانع باشد.

۳- اساس ترجمه فارسی متون، متن فارسی‌باستان است. از این روی تمام اعلام بصورت رایج در زبان فارسی‌باستان بکار رفته و صورت یونانی آن‌ها که مورد استفاده کنت بوده، در زیرنویس صفحه مربوطه مورد اشاره قرار گرفته است. البته برگردان اسامی فارسی‌باستان به خط فارسی، در بعضی موارد فوق‌العاده دشوار است و این دشواری هنگام قرائت به خواننده نیز منتقل می‌شود. ولی برای حل این مشکل، در موارد لزوم می‌توان به متن واجنویسی شده کتیبه مراجعه نمود.

۴- کنت در واجنویسی‌های خود، به تبع رسم‌الخط انگلیسی، اعلام را با حرف بزرگ آغاز کرده است. در ترجمه فارسی، کلیه واجنویسی‌ها با حروف کوچک تحریر شده است. در برخی موارد نیز، واجنویسی‌های ارائه شده مربوط به واژه‌های فارسی‌نو، از سوی کنت، صورت متعارفی ندارد؛ که به تمام این موارد در زیر صفحه مربوطه اشاره رفته است.

۵- برخی از کتیبه‌هایی که در فهرست کتیبه‌ها به آنها اشاره رفته، در ردیف کتیبه‌های ترجمه شده نیامده است. در این مورد به توضیح کتیبه مربوطه مراجعه شود. زیرا علت امر در آنجا روشن شده است.

۶- کنت، واژه‌های پهلوی را براساس سنت قدیم واجنویسی کرده است. این واجنویسی‌ها به همان صورت در ترجمه فارسی آمده است، حتی در مواردی که موافق نظر مترجم نبوده است.

۷- مثال‌های مربوط به بخش دستور زبان، و نیز یادداشت‌های مربوط به متون، در پاره‌ای موارد به همان صورت موجود در متن اصلی، یعنی با کلیه اختصارات دستوری به زبان انگلیسی آمده و تنها معانی واژه‌ها به فارسی برگشته است. این امر دو علت داشته است. نخست اینکه خط فارسی و لاتین همسو نیستند و این عدم

همسویی در نوشتار در مواردی که مثال‌ها گسترده و ترکیبی باشند، هم در ترجمه، هم در چاپ و هم در خواندن، ایجاد دشواری و آشفتگی می‌کند، بویژه اینکه نظام آوانویسی نیز از رسم‌الخط لاتین تبعیت می‌کند. دیگر اینکه این کتاب برای خواننده فنی نوشته شده و طبعاً چنین خواننده‌ای با این کوته‌نوشت‌ها آشنایی دارد. ولی با این حال برای حل این دشواری احتمالی، فهرستی از این کوته‌نوشت‌ها تنظیم شده که پس از مقدمه آمده است. البته باید گفت که این وضعیت تنها در مواردی پیش آمده که راهی جز آن دیده نشده است، و موارد دیگر از این وضع برخوردار نیستند. افزون بر آن، بخش واژه‌نامه نیز به سبب اهمیت خود و نیز از این جهت که از بخش‌های دیگر پیوسته به آن ارجاع داده شده، بطور کامل و دقیق با تمام جزئیات به فارسی برگشته است.

۸- در متن انگلیسی، برای نشان دادن ترکیب معمولاً از نشانه + استفاده شده است. باز به سبب عدم همسویی خط فارسی و لاتین، بکاربردن این نشانه برای ترکیب، در ترجمه فارسی می‌توانست دشواری آفرین باشد. لذا برای حل این مشکل، در بعضی موارد به جای نشانه +، از واژه «بعلاوه» استفاده شده است تا مطلب به آسانی خوانده شود.

۹- متن انگلیسی بصورت دو ستونی تنظیم و چاپ شده و یادداشت‌های مربوط به هر مطلب نیز از شماره یک ردیف شده و در زیر ستون مربوطه مورد بحث و توضیح قرارگرفته است. رعایت این امر در ترجمه فارسی، بویژه پیش از چاپ ممکن نبود. از این روی برای رفع مشکل، یادداشت‌های تمام فصل‌ها از یک تا شماره پایانی ردیف شده و ضمن اشاره به شماره فصل مربوطه، مجموعاً در پایان بخش نخست یعنی دستور زبان آمده است. در ترجمه فارسی، کلیه یادداشتهای زیر صفحات نیز به مترجم تعلق دارد.

۱۰-اسامی زبانها، به همان صورتی که کنت آنها را بکاربرده، در ترجمه فارسی آمده است، و خواننده اهل فن خود می‌داند که برخی از آن‌ها مانند «پهلوی ترفانی» و یا «پهلوی اشکانی»، امروزه از رواج کمتری برخوردار است. ولی بهرحال رعایت امانت در ترجمه حکم می‌کرد که این اسامی به همان صورت در ترجمه فارسی بکار رود.

سرانجام سپاس بیکران من نخست: بر استادان همیشه‌ام. آنانکه در آموزش من در طول سالها، فراوان تلاش کردند ولی افسوس که من آن اندازه که باید از دانش آنها بر نگرفتم. بی‌گمان اگر بر این کتاب حسنی مترتب باشد از دانش آنان و اگر بر آن خطایی

رفته باشد از عدم توانمندی من در، برگرفتن دانش آنان سرچشمه می‌گیرد.

دیگر: بر محمدرجبی، دوست گرانمایه‌ای که به پژوهش‌های بنیادین، سخت علاقه‌مند است و در این راه از هیچ تلاشی فرو نمی‌گذارد.

سدیگر: بر مسئولان پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، بویژه آقای محسن غنی‌یاری که در آماده سازی این اثر و همچنین آثار ارزنده دیگر کوششی پیگیر دارند.

و نیز: بر خانم فرزانه محمدی که با فرزانگی، صبر و چیرگی خود، حروفچینی این کتاب را، بصورتی آراسته، به انجام رساند.

**سعید عریان**

تهران ـ ۱۳۸۴

## فهرست کوته‌نوشت‌ها

این فهرست از سوی مترجم تنظیم شده و در متن انگلیسی کتاب دیده نمی‌شود. کوته‌نوشت حالات هشتگانه نحوی، جنس، شمار، مقولات دستوری، زبان‌ها و غیره مندرج در فهرست زیر، از سوی کنت بصورت غیر ترکیبی بکار رفته است.

| ترجمه فارسی | صورت کامل | کوته‌نوشت |
|---|---|---|
| حالت ازی | ablative | abl. |
| حالت مفعولی صریح | accusative | acc. |
| معلوم | active | act. |
| قید | adverb | adv. |
| اکدی | Akkadian | Akk. |
| آئوریست، ماضی ساده | aorist | aor. |
| آریایی | Aryan | Ar. |
| عربی | Arabic | Arab. |
| اوستا، اوستایی | Avestan | Av. |
| مقایسه شود با | Confer | Cf. |
| حرف‌ربط | Conjunction | Conj. |
| صرف | Conjugation | Conj. |
| ترکیب | Compound | Cpd. |
| عیلامی | Elamite | Elam. |
| انگلیسی | English | Eng. |

| | | |
|---|---|---|
| etc. | et cetera | وغیره |
| fem. | feminine | مونث |
| fut. | future | آینده |
| GAv. | Gāthic Avestan | اوستایی گاهانی |
| gen. | genitive | حالت وابستگی |
| Gk. | Greek | یونانی |
| Gk(Dor). | ____ Doric | یونانی (لهجه درین) |
| GK(Hom). | ____ Homeric | یونانی (همری) |
| Gm. | German | آلمانی |
| Gmc. | Germanic | ژرمنی |
| Hdt. | Herodotus | هرودوت |
| ins(t). | instrumental | حالت بایی |
| imf. | imperfect | ماضی‌استمراری |
| imv. | imperative | وجه‌امری |
| LAv. | Late Avestan | اوستایی متاخر |
| Lith. | Lithuanian | لیتوانیایی |
| loc. | locative | حالت دری |
| Lt. | Latin | لاتین |
| Med. | Median | مادی |
| mid. | middle | میانه |
| nom. | nominative | حالت فاعلی |
| Npers. | New persian | فارسی‌نو |
| nt. | neuter | خنثی |
| ocs. | old celto saxon | سلتی و ساکسونی کهن |
| op. | old persian | فارسی‌باستان |
| opt. | optative | وجه تمنایی |
| osc. | oscan | (زبان) اوسکی |
| pAr. | proto Aryan | آریایی آغازین |
| pass. | passive | مجهول |

| | | |
|---|---|---|
| perf. | perfect | ماضی‌نقلی |
| phl. | pahlavi | پهلوی |
| phon. | phoneme | واج |
| pIE. | proto Indo-European | هندو اروپایی آغازین |
| pIr. | ____ Iranian | ایرانی آغازین |
| pl. | plural | جمع |
| prep. | preposition | حرف (اضافه)پیشایند |
| pres. | present | مضارع |
| ptc. | participle | وجه وصفی |
| Skt. | sanskrit | سنسکریت |
| subj. | subjunctive | التزامی |
| ved. | vedic | ودایی |

فهرست کوته‌نوشت حالات هشتگانه نحوی، جنس و شمار که کنت آنها را بصورت ترکیبی در سراسر کتاب، بویژه در واژه‌نامه، با ترتیب حالت، شمار، جنس، به شرح زیر بکاربرده است.

| | | |
|---|---|---|
| a. | accusatiue | حالت مفعولی صریح |
| ab. | ablative | حالت ازی |
| d. | dative | حالت برایی |
| g. | genitive | حالت وابستگی |
| i. | instrumental | حالت بایی |
| l. | locative | حالت دری |
| n. | nominative | حالت فاعلی |
| v. | vocative | حالت ندایی |
| d. (درجایگاه شمار) | dual | تثنیه |
| f. | feminine | مونث |
| m. | masculine | مذکر |
| n. (درجایگاه جنسیت) | neuter | خنثی |
| p. | plural | جمع |
| s. | singular | مفرد |

# فهرست منابع مترجم


۱ـ ارانسکی، ای.م. مقدمه فقه‌اللغه ایرانی. ترجمه کریم کشاورز، تهران ۱۳۵۸.

۲ـ براون، ادوارد، تاریخ ادبی ایران، ترجمه علی‌پاشا صالح، جلد اول، تهران ۱۳۵۶.

۳ـ داندامایف، م.آ. ایران در دوران نخستین پادشاهان هخامنشی، ترجمه روحی ارباب، تهران ۱۳۵۲.

۴ـ ریپکا، یان، تاریخ ادبیات ایران، ترجمه دکتر عیسی شهابی، تهران ۱۳۵۴.

۵ـ شارپ، نارمن، فرمانهای شاهنشاهان هخامنشی، شیراز ۱۳۴۳.

۶ـ فریدریش. یوهانس، زبان‌های خاموش، ترجمه دکتر یدالله ثمره، دکتربدرالزمان قریب، تهران ۱۳۶۵.

۷ـ گلزاری، مسعود، آثارباستانی و ابنیه تاریخی کرمانشاهان و کردستان، جلد اول، تهران ۱۳۵۸.

۸ـ گزنوفون، کوروش‌نامه، ترجمه مهندس رضا مشایخی، تهران ۱۳۴۲.

۹ـ ناتل خانلری، پرویز، تاریخ زبان فارسی، جلداول، تهران ۱۳۵۳.

۱۰ـهرودوت، تواریخ، ترجمه وحواشی، غ. وحیدمازندرانی، فرهنگستان ادب وهنر، تهران، [بی تاریخ].

۱۱ـهمایون، همادخت، واژه‌نامه زبانشناسی و علوم وابسته، تهران ۱۳۷۱.

12- Barraclugh, Geoffrey, The Times Atlas of world History, London, 1981.

13- Bartholomae, Christian, Altiranisches Wörterbuch, strassburg,

1979.

14- Crystal, David, A dictionary of linguistics, Great Britain, 1988.

15- Justi, ferdinand, Iranisches Namenbuch, Germany, 1963

16- Webster, a merriam, Webster's Third New international dictionary, vol.1-3, U.S.A, 1966.

17- Smyth, Herbert Weir, Greek Grammar, U.S.A, 1976.

18- Luschnig, C.A.E, An Introduction to Ancient Greek, university of idaho, vol.1-2, New york, 1974.

# پیشگفتار

این کتاب به منظور بر آوردن نیاز به برخوردی جامع با کتیبه‌های فارسی‌باستان، تهیه شده است؛ بعبارت دیگر، نه آخرین مجموعه‌های متون، نه آخرین واژه‌نامه مربوط به آنها و نه آخرین بررسی دستوری که بخش چشمگیری از آنها جزو انتشارات بسیار جدید است، هیچیک به تنهایی، مدارک و شواهد مربوط به تمام موارد را ارائه نمی‌کند.

در مطالب ریشه شناسی، ارائه و بازنمایی واژه‌های معتنابه هَمریشه، خارج از قلمرو زبانهای هندوایرانی مطلوب بنظر می‌رسد؛ با توجه به اینکه تمام علاقه‌مندان به فارسی‌باستان، عمدتاً در اوستا و سنسکریت متخصص نیستند. برای روشنی بیشتر، بن اسم‌ها و صفت‌های مختوم به ـ i ـ و ـ u ـ ، ترجیحاً با ـ i ـ و ـ u ـ بر شمرده شده‌اند تا درجه قوی یعنی ـ ay ـ و av ـ که در میان ایرانشناسان متداول است؛ اما فعل‌های فارسی‌باستان و اوستا با درجه قوی مورد استناد قرار گرفته‌اند، اگرچه ریشه‌های فعلی سنسکریت، با ساختی ثابت و متداول در میان دستور نویسان هند و نیز سنسکریت شناسان، نقل شده‌اند. ترجمه انگلیسی واژه‌ها و قطعات در دستور، بویژه در بخش نحو، معمولاً با ترجمه متن‌ها در بخش دوم، متفاوت است؛ این تفاوت، برای آشکار نمودن بیشتر ویژگی که واژه یا قطعه با آن بر شمرده شده، بطور عمدی صورت گرفت است[1].

دیدگاه‌های منتشر شده خود من در مورد مسایل درگیر، در صورت ناسازگاری و تناقض با دیدگاه‌های ارائه شده در این کتاب، به گونه دیدگاه‌های منسوخ نگریسته شده‌اند، حتی چنانچه آشکارا مورد انصراف قرار نگرفته باشند؛ گاهی اوقات این امر را

---

۱ . این امر در ترجمه فارسی نیز، برای آشکاری بیشتر بیان، رعایت شده است. نگاه کنید به مقدمه مترجم

ضروری دانسته‌ام بویژه ردکردن این گونه دیدگاه‌های قدیمی‌تر خود را. ارجاعات مربوط به مقاله‌های چاپ شده من، معمولاً تنها با نام نشریه صورت گرفته است، مگر در مواردی که ابهام وجود داشته باشد.

از موسسه شرق شناسی آمریکا[۲] به سبب پیش آوردن فرصتی مناسب جهت انتشار مجموعه شرق‌شناسی آمریکا[۳] و نیز از ویراستار موسسه مذکور، دکتر مورای ب. امی‌نیو[۴] و دبیر خزانه داری این موسسه، دکتر فریس ج. استفنس[۵] برای کوشش‌هایشان در مورد دستنویس و نیز اداره امور مربوط به این کتاب، از صمیم قلب سپاسگزاری می‌کنم. به آقای آ. اریک پارکینسون[۶]، از موزه دانشگاهی در فیلادلفیا، برای ترسیم ماهرانه نشانه‌های خط میخی که در صفحات ۱۲ و ۲۱۵[۷] بازسازی شده‌اند، و امدارم. همچنین سپاس قلبی من بر دوستانی که در طول آماده سازی این کتاب علاقه خود را نشان دادند و مشتاق بودند که اثر حاضر بدون تاخیر زیاد، به انجام برسد. سپاس ویژه خود را به دکتر اریک ف. اشمیت[۸]، سرپرست هیئت اعزامی به پرسپولیس، که بطور مشترک از سوی موسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو[۹]، موزه هنرهای زیبای بوستون[۱۰]، و موزه دانشگاهی در فیلادلفیا حمایت شده است، برای اجازه سخاوتمندانه جهت افزودن متن‌های نو یافته هیئت اعزامی مذکور و نیز بهره‌گیری از مدارک عکسی هیئت از کتیبه‌ها، که در حال حاضر در ردیف کشفیات جدید بشمار می‌رود، تقدیم می‌دارم. این وامداری در موارد بسیاری ابراز گردیده است، نه بندرت، آنهم همراه با بیان این مطلب که اطلاعات از سوی دکتر اشمیت و یا دکتر جورج جی.

---

۲. American Oriental Society

۳. American Oriental Series

۴. Murray B.Emeneau

۵. Ferris J. Stephens

۶. A. Eric Parkinson

۷. در ترجمه فارسی: پ ۱۸، و در پایان واژه‌نامه، اعداد.

۸. Eric F. Schmidt

۹. Oriental Institute of the University of Chicago

۱۰. Boston Museum of Fine Arts

کامرون(۱۱) همکار پیشین وی در موسسه شرق‌شناسی و سرپرست کنونی بخش تحقیقات خاور نزدیک در دانشگاه میشیگان، تدارک شده است. دکتر کامرون، طی سال‌ها، از هر راهی، مرا از آشنایی مستقیم خود، چه بواسطه کتیبه‌هاو چه بواسطه دانش پژوهی غنی خود، بهره‌مند ساخته است؛ اخیراً نیز، نتایج اساسی و عمده خود در تحقیقات ۱۹۴۸ کتیبه بیستون را، همراه با اجازه بهره‌گیری از آنها، به من منتقل نموده است، با اینکه او خود هنوز آنها را بصورت چاپی جهت انتشار برای عموم مرتب نکرده بود؛ در این‌جا، سپاس بسیار فراوان من، برای تمام این لطف‌ها، نثار اوباد،اگرچه هرگونه سپاسگزاری این چنین، درحق وی بسیاراندک است.

سرانجام، سپاس بیکران من بر گروه کوچکی که با من به کار مطالعه و بررسی پرداختند، گروهی که ـ هنگام شکل‌گیری توسط موسسه شرق‌شناسی آمریکا، امکانات بسنده جهت نشر این کتاب را در اختیار نداشتند ـ تامین پشتوانه مالی لازم را برای نظارت آن در سرتاسر چاپ بعهده گرفته و برنامه خود را تا تکمیل موفقیت‌آمیز، یکسره راهبری نمودند. افراد این گروه عبارتند از: روت لی‌لینتال پی‌یرس، آلفردسن، ماریا ویلکینس اسمیت، ای، آ. اسپیسر(۱۲).

باید بیفزایم که بخش بیشین دقت در امور چاپی کتاب متوجه دکتر ماریا و. اسمیت است؛ ویراستار مجموعه، نخست به سبب غیبت در اروپا و سپس بدلیل فشار کار، وظیفه نمونه‌خوانی رابجای اینکه خود انجام دهد، به او واگذار کرد. خواندن مکرر و ماهرانه او سبب شد تا غلط‌های چاپی متعددی که از چشم من افتاده بودند اصلاح شوند؛ البته با تمام مراقبت‌های ما، من نمی‌توانم با جرأت بپندارم که کمال مطلوب حاصل شده‌است، و از این روی، از هر خواننده‌ای که فهرستی از غلط‌های چاپی و اشتباهات بدست آمده را برایم ارسال کند، سپاسگزار خواهم شد.

ر.جی.ک
وین وود، پنسیلوانیا
۲۱ مارس ۱۹۵۰

---

۱۱. George G. Cameron

۱۲. صورت اصلی اسامی یادشده بترتیب عبارتنداز: Ruth Lilienthal Pearce, Alfred senn, Maria Wilkins Smith, E.A.Speiser

# پیشگفتار بر ویرایش دوم

اتمام سریع چاپ نخست کتاب و نیز پیوستگی خوشحال کننده تقاضا برای آن از سویی، و پشتیبانی موسسه شرق‌شناسی آمریکا از سویی دیگر، مرا به پذیرش ویرایش و چاپ مجدد کتاب ترغیب نمود. این چاپ بازنگری شده بسیار ضرورت داشت، زیرا کامرون در یادداشت‌ها و الگو برداری‌های خود از کتیبه بیستون قرائت‌های نوین دیگری یافته بود که به تغییراتی در متن منجر می‌شد؛ افزون بر این، دانشمندان دیگر نیز در مجموع، نسبت به مطالعات جدید در فارسی‌باستان برانگیخته شده بودند، از این روی، در حال حاضر این کتاب مبنایی بوجود آمده است.

در اینجا از منتقدانی که انتقاد آنها به دست من رسیده است (نگاه کنید به فهرست مربوطه در صفحه ۲۱۶[۱] (و نیز از دوستان و همکارانی که نظرها و پیشنهادهای آنها مرا در بهینه‌تر کردن این کتاب یاری داد سپاسگزاری می‌کنم بویژه از: جرج، جی. کامرون؛ والتر هینتز؛ هنری،م. هوینیگزوالد؛ ورنام هول؛ چارلز،ج. آگدن؛ روت،ل. پی‌یرس؛ ای.آ.سپیسر؛ اسوالد زمیرنی و دیگران. مخصوصاً، ازهربرت،هـ. پاپر، برای یکسان سازی آوانگاری‌های عیلامی او بصورتی دقیق (نگاه کنید به صفحه۲۱۶[۲])، و نیز از ای. آ. اسپیسر برای همین کار در مورد واژه‌های اکدی، تشکر می‌کنم[۳].

---

۱ . در ترجمه فارسی: بخش آغازین ضمیمه، فهرست انتقادها.

۲ . در ترجمه فارسی: ضمیمه، بخش سوم، آوانویسی‌های عیلامی.

۳ . صورت اصلی نام افراد مندرج در این پاراگراف بترتیب عبارتست از:

(ادامهٔ پاورقی در صفحهٔ بعد)

بسیاری از اضافات با وضعی که داشتند، در متن صفحات بکار نرفتند و به پیوست منتقل شدند؛ نشانه A در حاشیه بخش اصلی کتاب، جایی را که پیوست می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد، نشان می‌دهد. بهرحال، در انتقادها، پیشنهادهای متعددی وجود داشت که من آنها را برای انتخاب غیر ممکن و یا نامطلوب یافتم: از جمله اینکه، ارائه یک آوا نگاری دقیق برای متون فارسی‌باستان، مگر به دلایل خاص، غیر ضروری بنظر می‌رسد، و عادی سازی‌ما، دارای این قابلیت هست که به آسانی، از سوی هر محققی، به آوانویسی دقیق تبدیل شود. بنابر دلایل مالی، هیچ متنی با الفبای میخی ارائه نشده است، بجز آنهایی که در لوحه‌های II و III آمده‌اند. علاوه براین، مقایسه‌های بسیار کمی در گویش‌های ایرانی‌میانه (همانند سغدی) و ایرانی‌نو به کتاب افزوده شده است. زیرا این کتاب بیشتر به پیوستگی‌های میان فارسی‌باستان و هند و اروپایی مربوط است تا پیوستگی‌های میان فارسی‌باستان و گویش‌های ایرانی متاخر که نسبتاً پژوهندگان معدودی به آن می‌پردازند.

ر.جی.ک

«مؤلف پیش از مرگ خود در ۲۷ ژوئن ۱۹۵۲، تقریباً کار بازنگری کتاب دوم را بپایان رسانده و پیش نویس اولیه پیشگفتار فوق را برای ویرایش دوم آماده کرده بود. در پی‌لطف خانم رولند جی.کنت[۴]، تمام تغییرات و افزوده‌ها به هنری ام. هوینیگزوالد، دستیار ویراستار مجله موسسه شرق‌شناسی آمریکا[۵]، که مؤلف، خود با او در مورد متن مذاکراتی داشته است، داده شد. کوشش عمده برای آماده کردن نسخه جهت چاپ

---

(ادامهٔ پاورقی از صفحهٔ قبل)

George G. Cameron; Walther Hinz; Henry M. Hoenigswald; Vernam Hull; Charles J. Ogden; Ruth L. Pearce; E.A. Speiser; Oswald Szemerényi; Herbert H. Paper, E.A. Speiser

۴. Roland G. Kent

۵. Journal of the American Oriental Society

مجدد، از سوی دکتر ارما، ر. لرند[۶]، دانشجوی پیشین مولف بکار رفت. ویراستاران، برای این خدمت، وامدار او هستند. همچنین از پروفسور جورج جی. کامرون از دانشگاه میشیگان، برای تمایل به بازبینی تغییرات و افزوده‌ها و نیز برای تصحیح شماری از اشتباهات سپاسگزاری می‌شود. ویراستاران»

---

۶. Erma R. Learned

# کتابشناسی عمومی

## کتابشناسی مطالعات فارسی باستان به شرح زیر عبارتست از:


Chr. Bartholomae, Die altpersischen Inschriften, in Geiger und Kuhn's Grundriss der iranischen Phiologie 2.54 - 75, Strassburg 1896-1904
Chr. Bartholomae, Altiranisches Wörterbuch, Strassburg 1904; with bibliography in the notes attached to the caption words.

H.C. Tolman, Ancient Persian Lexicon and Texts 59-134, Nashville 1908; where references are attached to the words in the lexicon.

F.H. Weissbach, Die Keilinschriften der Achämeniden, Leipzig 1911; which lists and evaluates virtually all the previous literature.

Indogermanisches Jahrbuch, in the appropriate section, beginning with 1912, but lacking some items, notably from 1914 to 1920.

J.H. Kramers, A Classified List of the Achaemenian Inscriptions, pp. 12, reprinted from the Annual Bibliography of Indian Archaeology for 1931 (Leiden 1933), containing

bibliography of the separate inscriptions from 1911 to 1932.
R.G. Kent, The Present Status of Old Persian Studies, in JAOS 56.208 - 225 (1936), with bibliography from 1912 to 1936.
R.G. Kent, Old Persian Jottings, in JAOS 58.324-30 (1938), with continuation of the preceding bibliography.

منابع زیر مربوط به دستور تاریخی زبان فارسی‌باستان است:

E.L. Johnson, Historical Grammar of the Ancient Persian Language, New York 1917.
A. Meillet, Grammaire du Vieux Perse, 1915; 2d ed., entirely revised by E. Benveniste, Paris 1931.

منابع زیر را نیز می‌توان در همین زمینه بر شمرد:

W. Foy, KZ 35.1-78(1899); a preliminary sketch of the phonology.

H.C. Tolman, Cuneiform Supplement, Nashville 1910; pp. vii-xxv

شرح کوتاهی از واجشناسی و صرف ارائه می‌دهد.

T. Hudson-Williams, A Short Grammar of Old Persian, Cardiff 1936;pp. 1-19

شرح کوتاه و غیر دقیقی از واجشناسی و صرف ارائه می‌دهد.

Sukumar Sen, Old Persian Inscriptions, Calcutta 1941; pp. 256-88

دستور توصیفی مبنایی و در پاره‌ای موارد نیز نادقیق ارائه می‌دهد.

کشف اللغاتی از واژگان فارسی‌باستان را می‌توان در:

E.L. Johnson, index verborum to the old persian inscriptions,

منتشر شده به همراه Cuneiform supplement از Tolman یافت

(نگاه کنید به کتابشناسی بالا).

واژه‌نامه‌ای از واژگان فارسی‌باستان را می‌توان در:

W.Hinz, Altpersischer wortschatz, Leipzig 1942,

که در بردارنده ارجاعات کتابشناختی و کشف اللغات نیز هست، یافت.

در مورد اسامی اشخاص و مکان‌ها، هم می‌توان به مدخل‌های واژه‌نامه همین اثر و هم می‌توان به منابع زیر مراجعه کرد:

F. Justi, Iranisches Namenbuch, Marburg 1895.

G. Hüsing, Die iranischen Eigennamen in den Achämenideninschriften, Soltau 1897.

A. Hoffmann-Kutschke, Persische Eigennamen, in OLZ 9.439-44, 604-6 (1906); Iranisches bei den Griechen, in Philologus 66.173-91, 320 (1907).

F.H. Weissbach, Die Keilinschriften der Achameniden 136-58, Leipzig 1911.

A.H.M. Stonecipher, Graeco-Persaian Names, New York 1918.

مسئله دشوار و پیچیده گاهشماری کتیبه بیستون، سبب ایجاد آثار حجیمی درباره تقویم فارسی‌باستان شده است، در این‌جا شایسته و مناسب است که به بحث اخیر توسط A. poebel در:

American Journal of semitic languages and literatures 55.130-65, 285-314 (1938)

ارجاع داده شود؛ نگاه کنید به: پیوست تاریخی، ۴.

در زیر، مجموعه‌های کامل کتیبه‌های فارسی‌باستان آمده است؛ البته من مجموعه‌های پیش از قرائت صخره بیستون توسط راولینسون را حذف کرده‌ام:

H.C. Rawlinson, JRAS 10.187-349 (1847); text, translation, notes.

Theodor Benfey, Die persischen Keilinschriften, mit Uebersetzung und Glossar, Lepizig 1847,

J. Oppert, Les Inscriptions des Achéménides, Paris 1851; text, translation, notes.

Fr. Spiegel, Die altpersischen Keilinschriften, Leipzig 1862; 2d ed., 1881; text, translation, grammar, glossary.

C. Kossowicz, Inscriptiones Paleo-persicae Achaemenidarum

quot hucusque repetae sunt, Petropolis 1872; euneiform and transliterated text, Latin translation, glossary.

F.H. Weissbach und W. Bang, Die altpersischen Keilinschriften, fasc. 1, Leipzig 1893; fasc. 2, 1908; text, translation.

H.C. Tolman, Ancient Persian Lexicon and Texts, Nashville 1908; text, translation, lexicon.

H.C. Tolman, Cuneiform Supplement to the preceding, Nashville 1910; autographed cuneiform texts.

F.H. Weissbach, Die Keilinschriften der Achämeniden, Leipzig 1911; OP, Elam., Akk. texts, with translation and glossary of proper names; the bibliography to the separate inscriptions, pages x-xxx, is especially valuable.

بخش بیشین منابع زیر مربوط به کتیبه‌هایی است که اخیراً کشف شده‌اند:

V. Scheil, Inscriptions des Achéménides à Suse, in Mémoires de la Mission Archéologique de Perse, tome xxi; Parsi 1929. The inscriptions, with English translation and partial vocabulay, are repeated by J.M. Unvala, The Ancient Persian Inscriptions of the Achaemenides found at Susa, Paris 1929.

V. Scheil, Inscriptions des Achéménides, pp. 105-29, in Mémoires etc., tome xxiv; Parsi 1933.

Ernst Herzfeld, Altpersische Inschriften, Barlin 1938.

ویرایش‌هایی که در مورد این کتیبه‌ها، تاکنون بصورت مجموعه منتشر شده به شرح زیر عبارتند از:

R.G. Kent, JAOS 51.189-240 (1931).

Wilhelm Brandenstein, WZKM 39.7-97 (1932), with F.W. König, Der Burgbau zu Susa, Leipzig 1930: OP, Elam., Akk.

تمام متون منتشر شده فارسی‌باستان تاکنون، در منابع زیرجای دارند:

Sukumar Sen, Old Persian Inscriptions of the Achaemenian

Emperos, Calcutta 1941; text, Sanskrit and English translations, notes, glossary, grammar (inaccurate and unreliable).

در اینجا باید به دو کتاب دیگر از انتشارات «موسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو»، نیز اشاره کرد:

George G. Cameron, Persepolis Treasury Tablets, Chicago, 1948 (Or. Inst. Publ. vol. 65); containing all Elamite inscriptions found in the Treasury Halls of Darius, Xerxes, and Artaxerxes I at Persepolis. An important feature is the collection and discussion of the words borrowed from OP, many of them not found in the OP texts themselves.

Erich F. Schmidt, Persepolis, shortly to appear; containing reproductions of photographs of all inscriptions attached to reliefs at persepolis and Naqš-i-Rustam.

معرفی و شرح کتیبه‌های شخصی در آغاز بخش دیگر، پیش از پرداختن به متون، آمده است؛ اما از آنجا که کار «اونوالا» تحت عنوان Ancient persian Texts مفید به فایده‌ای نبود، از این روی، هیچ ارجاعی به آن داده نشده است. در مجموع، از آثار پیش از اثر KT[۷] نیز ذکری به میان نرفته است. مکانهای کنونی کتیبه‌ها مستند بر اسناد موجود است، اما امکان دارد که این مکان‌ها براثر واقعه جنگ جهانی دوم تغییر کرده باشد.

---

۷. نگاه کنید به کوته‌نوشت‌ها.

## کوته‌نوشت‌ها:

نشریات زیر بصورت کوته نوشت مورد ارجاع قرار گرفته‌اند:

AbkSGW = Abhandlungen der philosophischhistorischen Klasse der königl. sächsischen Gesellschaft der Wissenschaften.

Acta Or. = Acta Orientalia.

Acta Sem. Phil. Erlangen = Acta Seminarii Philologici Erlangensis.

AfOF = Archiv für Orientforschung.

AJP = American Journal of Philology.

AJSLL = American Journal of Semitic Languages and Literatures.

Arch. Anz. = Archäologischer Anzeiger.

BB = Beiträge zur Kunde der indogermanischen Sprachen, herausgegeben von Ad. Bezzenberger.

BIFAO = Bulletin de l'Institut français de l'archéologie orientale.

BSLP = Bulletin de la Société de Linguistique de Paris.

BSOS = Bulletin of the School of Oriental (and Africnan) Studies, London.

GGA = Göttingische Gelehrte Anzeigen.

GN = Nachrichten von der Königlichen Gesellschaft der Wissenschaften zu Göttingen.

IF = Indogermanische Forschungen.

IFA = Indogermanische Forschungen, Anzeiger.

JAOS = Journal of the American Oriental Society.

Jb. DAI = Jahrbuch des deutschen archäologischen Instituts.

JCOI = Journal of the Cama Oriental Institue.

JNES = Journal of Near Eastern Studies.

JRAS = Journal of the Rolyal Asiatic Society.

KZ = Zeitschrift für vergleichende Sprachforschung, beründet von A. Kuhn.

Lg. = Language.

MSLP = Mémoires de la Société de Linguistique de Paris.

MVAG = Mitteilungen der vorderasiatischaegyptischen Gesellschaft.

OLZ = Orientalistische Literaturzeitung.

PAPA = Proceedings of the American Philological Association.

Rec. Trav. = Recueil de Travaux relatifs à la philologie et à l'archéologie égyptiennes et assyriennes.

Rev. d'Assyr. = Revue d'Assyriologie.

RHRel. = Revue de l'Histoire et des Religions.

Riv. Stud. Or. = Rivista degli Studi orientali.

SbPAW = Sitzungsberichte der königlich. preussischen Akademie der Wissenschaften.

TAPA = Transactions of the American Philological Association.

TPS = Transactions of the Philological Society (London).

Ung. Jrb. = Ungarische Jahrbücher.

WZKM = Wiener Zeitschrift für die Kunde des Morgenlandes.

ZDMG = Zeitschrift der deutachen morgenländischen

Gesellschaft.

ZfA = Zeitschrift für Assyriologie.

ZII = Zeitschrift für Indologie und Iranistik.

مؤلفین و آثار زیر بصورت کوته‌نوشت مورد ارجاع قرار گرفته‌اند:

Bthl. = Chr. Bartholomae.

Bthl. AF = Bthl., Arische Forschungen; 3 vols., Halle 1882-7.

Bthl. AiW = Bthl., Altiranisches Wörterbuch; Strassburg 1904.

Bthl. Stud. = Bthl., Studien zur indogermanischen Sprachgeschichte; Halle 1890-1.

Bthl. zAiW = Bthl., Zum altiranischen Wörterbuch; Strassburg 1906.

Brd. = Wilh. Brandenstein.

Brugmann, Gdr. = Karl Brugmann, Grundriss der vergleichenden Grammatik der indogermanischen Sprachen, 2d ed.; Strassburg 1897 ff.

Bv. = E. Benveniste.

Bv. Gr. = A. Meillet, Grammaire du Vieux-Perse, 2d ed., revised by Bv.; Paris 1931.

Bv. Origines = Bv., Origines de la Formation des Noms en Indo-europén; Paris 1935.

Cowley, AP = A. Cowley, Aramaic Papyri of the Fifth Century B.C.; Oxford 1923.

Gdr. IP = Grundriss der iranischen Philologie, herausgegeben von W. Geiger und A. Kuhn; Strassburg 1895-1906.

Hinz = W. Hinz, ZDMG 93.364-75.

HK = A. Hoffmann-Kutschke.

HK 1 or HK ApKI I = HK, Die altpersischen Keilinschriften des Grosskönigs Dārajawausch des Ersten am Berge Bagistān; Stuttgart 1908.

HK 2 or HK ApKI 2 = HK Die altpersischen keilenschriften des Grosskönigs Dārajawausch des Ersten bei Behistun, stuttgart und Berlin, 1909.

Hz. = Ernst Herzfeld.

Hz. AMI = Hz., Archäologische Mitteilungen aus Iran; Berlin 1929 ff.

Hz. ApI = Hz., Altpersische Inschriten; Berlin 1938.

Jn. = A.V. Williams Jackson.

Jn. Iran. Rel. = Jn., Iranian Religion, in Zoroastrian Studies; New York 1928.

Johnson, Gram. = E.L. Johnson, Historical Grammar of the Aneient Persian Language; New York 1917.

Johnson, IV = E.L. Johnson, Index Verborum to the Old Persian Inscriptions; in Tm. CS (q.v.).

Justi, INB = F. Justi, Iranisches Namenbuch; Marburg 1895.

Kg. = Fr. Wilh. König.

König, Burgbau = Kg., Der Burgbau zu Susa nach dem Bauberichte des Königs Dareios I; in MVAG 35.1, Leipzig 1930.

König, RuID = Relief und Inschrift des Koenigs Dareios I am Felsen von Bagistan; Leiden 1938.

KT = [L.W. King and R.C. Thompson,] The Sculptures and Inscription of Darius the Great on the Rock of Behistun in Persia; London 1907.

MB Gr. = Mt. Gr. (q.v.) and Bv.Gr. (q.v.).

Mt. Gr. = A. Meilet, Grammaire du Vieux Perse; Paris 1915.

Nyberg, Rel. = H.S. Nyberg, Die Religionen des alten Iran, deutsch von H.H. Schaeder; Leipzig 1938.

Oppert, IdA = J.Oppert, Les Inscriptions des Achéménides;

Paris 1851.
Oppert, Médes = J.Oppert, Le Peuple et la Langue des Médes; Paris 1879.
Prašek, GMP = J.V. Prašek, Geschichte der Meder und Perser, vol. II; Gotha 1910.
PW = Paulys Real - Encyclopädie der classischen Altertumswissenschaft, Neue Bearbeitung herausgegeben von Georg Wissowa; Stuttgart 1894 ff.
Rawlinson = H.C.Rawlison, JRAS vol. 10.
Reichelt, Aw. Elmb. = Hans Reichelt, Awestisches Elementarbuch; Heidelberg 1909.
Rl. = Rawlinson (q.v.).
RV = Rigveda.
Sachau, AP = E. Sachau, Aramäische Papyrus und Ostraka aus einer jüdischen Militär-Kolonie zu Elephantine; Lepizig 1911.
Scheil 21 = V.Scheil, Inscriptions des Aehéménides à Suse, in Mémoires de la Mission archéologique de Perse, tome XXI, Mission en Susiane; Paris 1929.
Scheil 24 = V. Scheil, Inscriptions des Achéménides, supplément et suite, in Mémoires etc., tome XXIV; Paris 1933.
Sen = Sen, OPI (q.v.).
Sen, OPI = Sukumar Sen, Old Persian Inscriptions of the Achaemenian Emperors; Calcutta 1941.
Spiegel = Fr. Spiegel, Die altpersischen Keilinschriften im Grundtexte, Uebersetzung, Grammatik, und Glossar; Leipzig 1862, 2d ed. 1881.
Sturtevant, IH Laryngeals = E.H. Sturtevant, The Indo - Hittite Laryngeals; Baltimore 1942.

Tm. = H.C.Tolman.

Tm. CS = Tm. Cuneiform Supplement; Nashville 1910.

Tm. Lex. = Tm. Ancient Parsian Lexicon and Texts; Nashville 1908.

Tm. VS or Vdt. Stud. = Tm. The Behistan Inscription of King Darius, Vanderbilt University Studies vol. I; Nashville 1908.

Vd. = Vendidad, originally Vīdaēvadāta (a book of the Avesta).

Wb. = F.H. Weissbach.

Wb. Grab = Wb. Die Keilinschriten am Grabe des Darius Hystaspis; AbkSGW vol. XXIX, no.l.

Wb. KIA = Wb. Die Keilinschriften der Achämeniden; Leipzig 1911.

Wb. Symbolae Koschaker = Wb. in Symbolae Paulo Koschaker Dedicatae; Leiden 1939.

WB = F.H. Weissbach und W.Bang, Die altpersischen Keilinschriften in Umschrift und Übersetzung, 1.Lieferung; Leipzig 1893.

WBn = WB, 2. Lieferung, Nachträge und Berichtigungen; Leipzig 1908.

کوته‌نوشت‌های دیگر به سادگی فهمیده می‌شوند؛ این دسته از کوته‌نوشت‌ها مربوط به اسامی دانشمندان جدید و آثار آنهاست که در واقع اندکی از صورت کامل، کوچکتر شده‌اند و نیز برای مولفین یونانی و لاتین، آثار آنها، نام زبانها و اصطلاحات دستوری به کار می‌روند.

## نشانه‌های به‌کاررفته برای نامگذاری کتیبه‌ها و واژه‌های نشان‌دهنده مکان

کتیبه‌ها با کوته‌نوشت‌های زیر مورد ارجاع قرار گرفته‌اند:

| نشانه نخست | | نشانه دوم |
|---|---|---|
| Am=Ariaramnes | آریا رمنه | B=Behistan بهستان |
| As=Arsames | آرشام | P=Persepolis پرسپولیس |
| C=Cyrus the Great | کورش بزرگ | N=Naqš-i-Rustam نقش رستم |
| D=Darius the Great | داریوش بزرگ | S=Susa شوش |
| X=Xerxes | خشایارشا | Z=Suez سوئز |
| $A^1$=Artaxerxes I | اردشیر اول | E=Elvend الوند |
| $D^2$=Darius II | داریوش دوم | V=Van وان |
| $A^2$=Artaxerxes II | اردشیر دوم | H=Hamadan همدان |
| A?=Artaxerxes II or III | اردشیر دوم یا | M=Murghab مرغاب |
| $A^3$=Artaxerxes III | سوم اردشیر سوم | I=incerto loco مکان نامعین |
| W=Weight of Darius | سنگ‌وزنه‌داریوش | Vs=Vase گلدان |
| S=Seal | مُهر | |
| SD=Seal of Darius | مُهر داریوش | |

علاوه بر این، نشانه‌های دیگر عبارتند از:

- حرف کوچک دنباله رویِ بی‌فاصله: کتیبه ویژه یا بخشی از کتیبه تازه نامگذاری شده را نشان می‌دهد.

- حرف کوچک دوم: نسخه ویژه‌ای از کتیبه را نشان میدهد.
- Vکوچک: نسخه با املای متفاوت را نشان میدهد.
- عدد رومیایی پس از فاصله: بخش ویژه‌ای از کتیبه را نشان می دهد:

## عبارات و واژه‌هایی که پس از فاصله، با موارد زیر مشخص شده‌اند:

- بوسیله دو شماره: نشان دهنده ستون و سطر.
- بوسیله یک شماره: نشان دهنده سطر.
- بوسیله 0: نشان دهنده سطر مقدم بر موارد از پیش شناخته و شماره شده.
- بوسیله f پس از شماره سطر: نشان دهنده عبارت یا واژه داخل شده در سطر بعد.

## نیز به نشانه‌های زیر توجه داشته باشید:

- نبود شماره درجای مورد انتظار نشان میدهد که کتیبه تنها یک سطر دارد.
- ○ در پایان مرجع یعنی اینکه تمام واژه بازسازی شده است.
- [ ] نشان می‌دهد که واژه یا واژه‌ها و یا بخشی از یک واژه که در آن محصور است، مورد بازسازی قرار گرفته است. البته در متن کامل کتیبه‌ها در بخش دیگر، بازسازی‌ها تنها با حروف ایتالیک نشان داده شده‌اند.

## کوته نوشت‌های در افزوده

Cam. George G. Cameron.

DELG = È.Boisacq, Dictionnaire étymologique de la langue grecque; Heidelberg and Paris 1916 (4th printing with added index, 1950).

JA = Journal Asiatique

JCS = Journal of Cuneiform Studies

LEW[3] = Walde-Hofmann, Lateinisches etymologisches Wörterbuch, 3d ed., Heidelberg 1930 on.

NGM = National Geographic Magazine, Dec. 1950.

PTT = Cam., Peresepolis Treasury Tablets; Chicago 1948.

# بخش نخست: دستور زبان

## فصل I : زمینه زبانشناختی فارسی باستان

پ ۱ـ **فارسی باستان** نامی است که برای زبان فارسی مورد استفاده در کتیبه‌های خط میخی سلسله هخامنشی به کار رفته است؛ این زبان به جنوب غربی ایران و یا بصورت دقیقتر به پارس تعلق داشته و زبان بومی فرمانروایان هخامنشی محسوب می‌شده است. کتیبه‌های فارسی باستان، معمولاً با ترجمه عیلامی و اکدی خود که با نوع دیگری از خط میخی حجاری شده‌اند، همراهند؛ گاهی اوقات همراه خود دارای تحریری به آرامی و یا هیروگلیف مصری نیز هستند. از نظر زبانی، فارسی باستان به شاخه ایرانی زبانهای هند و ایرانی یا آریایی تعلق دارد که خود یکی از تقسیمات اصلی خانواده زبانهای هند و اروپایی است.

پ ۲ـ **زبان‌های ایرانی**[1] نیز همانند بسیاری از مجموعه‌های زبانی دیگر، به اعتبار زمان به سه دوره، قابل تقسیم هستند: ایرانی باستان، ایرانی میانه و ایرانی نو[2]. این زبانها، در زمانهای باستان، در سرزمینی که از جنوب به خلیج فارس، از غرب به بین‌النهرین و ارمنیّه، و نیز به کوههای قفقاز محدود می‌شد، گسترش یافته بودند؛ زبانهای فوق، در شرق دریای خزر نیز بصورت چشمگیری در جهت شمال مرز امروزی ایران و افغانستان، تا درون فلات پامیر ترکستان و از آن پس حدوداً در امتداد جریان رود سند به سوی دریای عمان (در متن اصلی: خلیج عمان) گسترش یافتند. این محدوده حتی امروزه نیز، تقریباً قلمرو مردم ایرانی زبان است، اگرچه در تمام ادوار جزایر زبانی غیر ایرانی بوده‌اند که در این محدوده قرار گرفته بودند، و نیز جزایر زبانی ایرانی که در خارج از آن جای داشته‌اند.

پ ۳ـ **ایرانی باستان** در بر گیرنده دو زبان فارسی‌باستان و اوستا با متون باز مانده و نیز شماری از گویش‌های دیگر است که کمتر شناخته شده‌اند.

۱ـ فارسی‌باستان بوسیله متون کتیبه‌ای بدست آمده در ناحیه پارس، در پرسپولیس و نزدیک نقش رستم و مرغاب (پاسارگاد)؛ در ناحیه عیلام، در شوش؛ در ناحیه ماد، در همدان و نیز در فاصله نه چندان دوری از آن در بیستون والوند؛ در ناحیه ارمنیّه، در وان و نیز امتداد مسیر کانال سوئز شناخته شده است. مهمترین این کتیبه‌ها عبارتند از کتیبه‌های داریوش بزرگ (۴۸۶-۵۲۱ پیش از میلاد) و خشایارشا (۶۵-۴۸۶)؛ و موارد دیگری که عمدتاً در قالب گسسته زبانی به تبار اردشیر سوم اختصاص دارد (۳۸-۵۳۹).

۲ـ زبان اوستایی زبان متون اوستا یا نوشته‌های مقدس مزدیسناییان است که با عناوینی همچون پارسیان و زردشتیان یا پیروان زردشت، پیامبری که دینی خاص را اعلام کرد نیز شناخته شده‌اند. اوستا از نظر زبانی دارای دو بخش است: بخش کهن‌تر شامل گاثاها یا مواعظ موزون خود زردشت؛ و اوستای متأخر که در شماری از ویژگی‌های زبانی با گاثاها تفاوت دارد. زردشت خود از ناحیه شمال غربی برخاست اما موفقیت‌های او در جذب دیگران به دین خویش، در ناحیه شمال شرقی، در بلخ تحقق یافت؛ از همین روی، این مسئله که زبان اوستایی زبانی است متعلق به شمال غرب یا شمال شرق، مورد بحث و گفتگو قرار گرفته است. البته اینکه این زبان با زبان مادی بیشتر تطبیق می‌کند تا فارسی‌باستان، نکته‌ای است مهم و قابل توجه، اما دارای قطعیت نیست.

۳ـ در میان زبانهای ایرانی‌باستان کمتر شناخته شده، مهمترین زبان، زبان مادی بود، که تنها از طریق واژه‌نامه‌ها، اسامی مکانها و اشخاص، و تحولات آن در فارسی‌میانه و نیز از سوی دیگر بوسیله و امواژه‌های آن در فارسی‌باستان که به نحو چشمگیری در درک خود فارسی‌باستان بسیار موثر و مهم است، شناخته می‌شود. موارد دیگر عبارت بودند از زبان کردوکی که احتمالاً نیای زبان کردی‌نو بوده است؛ زبان پارتی، که بعدها زبان امپراطوری بزرگی شد و تا زمانی پیش و پس از آغاز عصر مسیحی پیوسته در برابر روم به مخاصمه و تعارض پرداخت؛ زبان سغدی در ناحیه شمال شرقی، نیای سغدی قرون وسطایی؛ زبان سکایی، یعنی زبان یا زبانهای اقوام گوناگونی که در فارسی‌باستان به sakā معروف شده‌اند، و در شرق دریای خزر و شمال پارت و سغد و نیز در سمت غرب خزر در صحاری شمال دریای سیاه جای

داشته‌اند.

پ ۴ـ **ایرانی میانه** گویش‌های ایرانی را در برمی‌گیرد که حدوداً از سال ۳۰۰ پیش از میلاد تا حدود سال ۹۰۰ میلادی ظهور کرده‌اند. این گویش‌ها بطورکلی به پهلوی که تنها صورت تحول یافته متعارف و مشتق واژه « Parθava پارتی» فارسی‌باستان است، نامزد شده‌اند. برای روشن‌تر شدن بحث مربوط به این گویش‌ها، بهتر است قدری به گویش‌ها و قدری به آثار و مدارک باز مانده و موجود آنها بپردازیم.

۱ـ پهلوی اشکانی زبان رسمی سلسله اشکانی پارت بود که از سال ۲۵۰ پیش از میلاد تا سال ۲۲۶ میلادی فرمانروایی کرد؛ این زبان همراه با فروپاشی سلسله اشکانی از بین نرفت. زبان فوق در بعضی از کتیبه‌های دو زبانه، در کنار پهلوی ساسانی، که پهلوی کلدانی یا پارتی نامیده می‌شود؛ در پوست نوشته‌های اورامان؛ در بعضی از متون مانوی ترفان (نگاه کنید به ۴ از همین پاراگراف) ارائه شده است. این زبان، همچنین پهلوی شمالی‌غربی نیز خوانده می‌شود و صورت تحول یافته گویشی است که تقریباً یا کاملاً به مادی شبیه بوده است.

۲ـ پهلوی ساسانی یا پهلوی جنوبی‌غربی، زبان رسمی سلسله ساسانی بود که از سال ۲۲۶ میلادی تا فتح ایران بدست مسلمانان[1] در سال ۶۵۲، فرمانروایی کرد. این زبان از طریق بعضی از کتیبه‌های صخره‌ای شاهان در تمام منطقه پرسپولیس، مورخ قرن سوم یا چهارم، که برخی از آنها با ترجمه پهلوی اشکانی یا حتی با ترجمه دومی به زبان یونانی همراه شده است؛ بعضی از متون روی پاپیروس‌های مصری مربوط به حدود قرن هشتم؛ تعدادی از متون دینی حفظ شده بوسیله زردشتیان (نگاه کنید به ۳ از همین پاراگراف)؛ و نیز بعضی از متون مانوی یافته در ترفان، شناخته شده است. صورت کتیبه‌ای این زبان را می‌توان حدوداً تا پایان قرن هفتم، در نوشته روی سکه‌ها، مهرها و سنگ‌های قیمتی ملاحظه کرد. به نظر می‌رسد که زبان فوق، گونه تحول یافته فارسی‌باستان و یا گویشی بسیار شبیه به آن باشد.

۳ـ «پهلوی کتابی»، مکتوبات حفظ شده بوسیله زردشتیان ایران و هند را دربرمی‌گیرد، و در حالیکه پیکره چشمگیری از ادبیات این زبان را تشکیل می‌دهد به شرح زیر قابل

---

۱. در متن انگلیسی: until the Mohammedan conqest

تقسیم است:

۱ـ ترجمه‌هایی از بخش‌های اوستا همراه با تفسیر،
۲ـ متونی در باره موضوعات دیگر دینی،
۳ـ متونی درباره موضوعات غیر دینی. این مکتوبات هم پهلوی ساسانی را ارائه می‌کنند و هم پهلوی اشکانی را. آثار پهلوی کتابی، با الفبایی تحریر شده‌اند که از آرامی ریشه گرفته است و نیز، همانند تمام مکتوبات و کتیبه‌های پهلوی متقدم، دربردارنده درصد بسیار بالایی از واژه‌های سامی است؛ اما بسیاری از این واژه‌ها به برابرهای ایرانی خود خوانده می‌شدند، همانگونه که ما می‌نویسم id est و می‌خوانیم "That is" و یا، viz که آنرا "namly" قرائت می‌کنیم[۲].

۴ـ دستنوشته‌های یافته شده در ترفان، در سال‌های آغازین قرن بیستم، متونی را در اختیار ما قرار داده است که عمدتاً متعلق به قرون ۸ و ۹ است، اگرچه قدمت پاره‌ای از آنها به آغاز عصر مسیحی باز می‌گردد. این متون، گویش‌های گوناگونی را ارائه می‌کنند که شامل فارسی‌میانه اشکانی و ساسانی، سغدی (شناخته شده از طریق کتیبه سه زبانه قربلگسون[۳]) و گویشی بنام «ایرانی شرقی»، احتمالاً مشتق از سکایی شمال شرقی که در آن متون بودائیان ختن نیز وجود دارد، می‌شود. ویژگی چشمگیر این متون ترفانی آن است که نسبتاً به ایرانی خالص نوشته شده‌اند، بدون تحریر واژه‌های سامی که در گفتار، به برابر ایرانی خود بیان می‌شوند.
۵ـ با این همه، به موازات متقدم‌ترین آثار پهلوی، نوشته‌هایی نیز به خط یونانی روی سکه‌های متعلق به فرمانروایان هند و سکایی سلسله تروشکا[۴] در ناحیه شمال‌غربی هند وجود دارد که به دوقرن آغازین مسیحی مربوط می‌شود.

**پ ۵ ـ ایرانی‌نو** کلیه زبانهای ایرانی از حدود سال ۹۰۰ میلادی به بعد را در

---

۲. منظور نویسنده از «ما»، انگلیسی زبانهاست.

۳. Kara-Balgassūn

۴. Turuška

برمی‌گیرد؛ بارزترین اثر زبانی این دوره، حماسه ملی ایران شاهنامه یا کتاب شاهان، برساخته بدست فردوسی در سال حدود ۱۰۰۰ میلادی است. زبانهای این دوره به شرح زیر عبارتند از:

۱- فارسی، زبان ملی ایران در حال حاضر، که به گویش‌های گوناگون در سراسر این سرزمین[۵] تکلم می‌شود؛ با اینکه برخی از گویش‌های نادر، از نظر قدمت، به گویش‌های مختلف عهد باستان برمی‌گردد، اما به نظر می‌رسد که این زبان مجموعاً از دو گونه فراگیر فارسی‌باستان و اوستا، آمده باشد. مهم‌ترین گویش فصیح فارسی، گویش شیراز است.
۲- پشتو، زبان ملی افغانستان که گاهی، زبان افغان نیز خوانده می‌شود.
۳- بلوچی، زبان بلوچستان
۴- گویش‌های پامیر، در ناحیه شمال‌شرقی
۵- گویش‌های ناحیه خزر، در نواحی جنوبی‌وغربی دریای خزر؛ که احتمالاً از سکایی باستان مشتق شده‌اند.
۶- گویش‌های کردی، که ظاهراً از کردوکی باستان اشتقاق یافته‌اند و در حال حاضر توسط تیره‌های گوناگونی در غرب ایران و نیز بخش‌های مجاور جمهوری ترکیه، تکلم می‌شوند.
۷- گویش‌های آسی، در سراسر منطقه قفقاز، که از سکایی جنوب روسیه اشتقاق یافته‌اند.
۸- یغنابی یا گویش مورد تکلم در دره یغناب واقع در ناحیه شمال‌شرقی؛ که ظاهراً از سغدی باستان مشتق شده است.

تمام موارد فوق به جز مورد آخر، هریک دارای گویش‌های گوناگونی هستند. علاوه براین، در سراسر قلمرو زبانهای ایرانی‌نو، میان زبانهای دیگر نیز مانند عربی، ترکی، ارمنی‌و مغولی، رقابتی وجود دارد. ایرانیان ساکن بمبئی و نواحی مجاور آن نیز که معمولاً به پارسیان معروفند، به یکی از زبانهای هندی تکلم می‌کنند که به گُجراتی (یاگُجِراتی) شهرت دارد.

---

۵. در متن انگلیسی: در سراسر امپراطوری

پ ۶ ـ **گویش آمیخته در کتیبه‌های فارسی‌باستان.** کتیبه‌های فارسی‌باستان نیز همانند بیشتر و یا تمام مجموعه‌های اسنادی، به فارسی‌باستان خالص، بدون آمیختگی با عناصر بیگانه[۳]، نیست. این کتیبه‌ها بنابر انتظار، در بردارنده و امواژه‌هایی است که به اسامی اشخاص، مکانها و احتمالاً پاره‌ای از عناصر فرهنگی مربوط می‌شود. بطور مثال: aθurā «آسور»، bābiruš «بابل»، mudrāya «مصر» سامی هستند؛ و واژه‌هایی مانند: izalā (منطقه‌ای درآسور)، dubāla (منطقه‌ای در بابل)، labanāna «کوه لنبان»، -haldita (نام یک ارمنی) نیز، بواسطه داشتن l ، هویت غیر ایرانی خود را آشکار می‌کنند؛ تعدادی از واژه‌ها، از ریشه شناسی هندواروپایی مطمنی برخوردار نیستند، مانند: $si^{n}$kabruš «عقیق سرخ»، θarmiš «الوار»، yakā (نوعی چوب)، skauθiš «سست، افتاده، ضعیف»، و یا تعدادی دیگر در شمار وامواژه‌های آشکارند، مانند: maškā «مَشک» از آرامی. اما در این میان، نفوذ اصلی عنصر بیگانه از آنِ گویش مادی است، که چه از نظر آوایی و چه از نظر واژگانی و نیز احتمالاً از نظر صورت‌های مختلف دستوری، دارای تمایزاتی است. همچنین به نظر می‌رسد که زبان آرامی هم، در جمله‌بندی و نحو این زبان دارای تاثیراتی بوده است. بهرحال دلیلی وجود ندارد که فارسی‌باستان خود، در زمان کتیبه‌ها، بهر نوعی، دارای ادبیاتی جدا از این کتیبه‌ها بوده باشد.

پ ۷ ـ **گویش مادی** زبان امپراطوری بزرگ ماد بود که با مرگ هوخشتره(۶) در سال ۵۸۴ (پیش از میلاد) از ایران تا رودهالیس گسترش یافت؛ آخرین فرمانروای مادی، آزدهاگ(۷) پسرهوخشتره بود که در سال ۵۵۹ (پیش از میلاد) بدست نوه خود کورش(۸)، پسر کمبوجیه(۹)، شاه پارس و ماندان دختر آزدهاگ، شکست خورده و معزول شد. با اینکه فرمانروای جدید طبعاً تشکیلات دیوانی و نیز عناوین سلطنتی مادی را تغییر داد، اما پیوسته تاثیر آنان در زبان کتیبه‌های

---

۶. Cyaxares

۷. astyages

۸. cyrus

۹. cambyses

فارسی‌باستان متعلق به داریوش و پسینیانِ او دیده می‌شود.

پ ۸ ـ **تحولات آوایی زبان مادی** که می‌تواند در کتیبه‌های فارسی‌باستان مورد شناسایی قرار گیرد، در زیر آمده است. البته در مورد هریک از آنها همراه با فهرست کاملی از مثال‌ها، در فصل نظام آوایی بحث شده است.

k̑ هندواروپایی آغازین به s مادی، s اوستا، θ فارسی‌باستان تبدیل شده است. پ ۸۷

ĝ و ĝh هندواروپایی آغازین به z مادی، z اوستا، d فارسی‌باستان تبدیل شده است. پ ۸۸

k̑u هندواروپایی آغازین به sp مادی، sp اوستا، s فارسی‌باستان تبدیل شده است. پ ۹۰

ĝhu هندواروپایی آغازین به zb مادی، zb اوستا، z فارسی‌باستان تبدیل شده است. پ ۹۱

km آریایی آغازین به xm مادی، xm اوستا، (h)m فارسی‌باستان تبدیل شده است. پ ۱۰۳/۲

sq[u] هندواروپایی آغازین پیش از واکه پیشین به sc آریایی آغازین، سپس به šc مادی، šč اوستا، s فارسی‌باستان تبدیل شده است. پ ۱۰۵

-q[u] ,-s -q[u] -d هندواروپایی آغازین درگونه sandhi، پیش از واکه پیشین، به šc مادی، šč اوستا، s فارسی‌باستان (نشان داده شده تنها بوسیله پهلوی)، و دوباره به c تبدیل شده است. پ ۱۰۵

tl,tr هندواروپایی آغازین به tr آریایی آغازین، سپس به θr مادی، θr اوستا، ç فارسی‌باستان تبدیل شده است. پ ۷۸

tr آریایی آغازین پس از آواهای صفیری و سایشی ایرانی به tr مادی، tr اوستا، ç یا احتمالاً š فارسی‌باستان تبدیل شده است. پ ۷۹

ti هندواروپایی آغازین به θi مادی، θy اوستا، ši فارسی‌باستان تبدیل شده است. پ ۸۰

su هندواروپایی آغازین به f مادی، hv و $x^v$ اوستا، (h)u فارسی‌باستان تبدیل شده است. پ ۱۱۸/۴

**پ ۹ ـ واژه‌های فارسی‌باستان نشان دهنده ویـژگی‌های مـادی** کـه در اینجا براساس معنی و کاربردشان در گروه‌های مربوطه فهرست شده‌اند، در زیر آمده است. بحث کاملتر مربوط به آنها، در فصل نظام آوایی و واژه‌نامه خواهد آمد، نگاه کنید به مدخل‌های مربوطه.

**۱ ـ نام مکانها:**

asagarta «ساگارتی» یکی از نواحی ماد، با s در -asa از k̄، چنانچه معنی آن «سنگ» باشد.

sikayauvatiš ، یکی از قلاع ماد، با -s، از k̄ ، چنانچه بخش نخست آن، بنابر احتمال، مطابق با θikā فارسی‌باستان به معنی «سنگ شکسته» باشد.

دو نام ایرانی مربوط به ناحیه شرق، خارج از قلمرو ماد نیز، ویژگی‌های آوایی غیر فارسی‌باستان و مطابق با آواشناسی مادی را نشان می‌دهند:

bāxtriš «باکتریا = بلخ»، با حفظ tr پس از آوای سایش.

zra$^{n}$ka «درنگیانه = زرنگ»، با z از ĝ یا ĝh.

**۲ـ نام‌های شخصی:**

taxma «چابک، دلیر»، با حفظ x پیش از m ، در نامهای مادی taxmaspāda و نیز نام شخص ساگارتیایی ciçataxma.[۴]

xšaθrita، اسم بر خود نهاده بوسیله fravartiš «فره‌ورتیش[۱۰]» مادی؛ با θr از tr.

uvaxštra «هوخشتره»، پادشاهی از سلسله ماد، با tr حفظ شده پس از آوای صفیری.

vištāspa «ویشتاسب»، پدر داریوش؛ با sp از k̄u[۵].

aspacanā، یکی از یاران داریوش؛ با sp از k̄u.

vi$^{n}$dafarnā، یکی از یاران داریوش؛ با f از su.

**۳ـ واژه‌های مربوط به عناوین رسمی:**

xšāyaθiya «شاه»، با θi از ti.

---

۱۰ .شخص نافرمان مادی که مدعی بود از خاندان سـلطنتی مـاد و از تـبار هـوخشتره است. نگـاه کـنید به:بیستون ۱۶-۲/۱۴

vazraka «بزرگ»، با z از ĝ
vispa-zana «دارای همه‌گونه انسان، دارای همه‌گونه مردم»، با sp از k̂u و z از ĝ.
paru-zana «دارای مردم زیاد»، با z از ĝ.
uvaspa،«دارنده اسبان خوب»، با sp از k̂u.

۴ـ واژه‌های فنی دین:
zūra «بدی، شرارت»، با z از ĝh.
varka-zana،(ماه) گرگ مردان، با z از ĝ؛ اما واژه بطور کامل پس از گـونه عـیلامی بازسازی شده است.

۵ـ اسامی مواد فرهنگی:
asan «سنگ»، با s از k̂.
kāsaka «سنگ نیمه قیمتی»، با s از k̂

۶ـ گوناگون:
مذکر: kašciy، خنثی: aniyašciy, avašciy, cišciy، با šc، بترتیب از $q^u$ s ـ و $q^u$- d ـ درگونه sandhi؛ برای وامگیری این نوع از سـوی فـارسی‌باستان، هیچگونه دلیل روشنی نمی‌تواند وجود داشته باشد.
pārsa «پارس»، با s از k̂، مقایسه شود با parθava که دارای θ است؛ بنظر می‌رسد که این نام از سوی یک منبع بیگانه تحمیل شده باشد.
Patiyazbayam «من اعلام کردم»، با -zb- مادی، اما $h^a$zānam (در حالت رایی) به معنی «زبان» دارای -z- فارسی‌باستان است، هر دو از ĝhu هندواروپایی؛ نگاه کنید به: پ ۹۱.
vasiy «بس، بسیار»، با s از k̂؛ برای توضیح دیگر مربوط به این‌گونه، نگاه کنید به: پ ۸۷.
mitram$^i$θra, نامی الهی وام گرفته از هندی؛ نگاه کنید به: پ ۷۸

**پ ۱۰ ـ گویش آمیخته در ساخت‌های فـارسی‌باستان** مـی‌توانـد نـامعلوم و غیرقطعی تلقی شود، اگرچه در افعال، گونه‌هایی وجود دارد که ظـاهراً بـدون

تمایز معنایی با یکدیگر به کار می‌روند از جمله: سوم شخص جمع ماضی استمراری: $abara^n$, $abaraha^n$, $abara^nt\bar{a}$. تنها جمع ویژه aniyāha bagāha «بغان دیگر» با پایانه مضاعف (همانند سنسکریت ودایی: devāsas به جای devās) است که بنظر می‌رسد به جای صورت متعارف aniyaiy bagā فارسی‌باستان (جمع bagā الزاماً ظاهر نمی‌شود)، از زبان دین آمده باشد.

پ ۱۱ ـ **گویش آمیخته در واژگان فارسی‌باستان:** تشخیص سریع این که کدام واژه اصلاً فارسی‌باستان است و کدام واژه، قرضی، امری است دشوار. برای نمونه می‌توان به دو واژه برای «خوب»، یعنی ـ naiba که یک واژه دینی است و $va^hu$- که تنها در اسامی خاص یافت می‌شود، و نیز دو واژه برای «زمین»، یعنی zam- (z در آن می‌تواند مادی باشد) که تنها به صورت zm- که از نظر آوایی همانقدر فارسی‌باستان است که مادی، و در یک اسم خاص و یک اصطلاح رسمی برای اعدام با شکنجه ظاهر می‌شود، و همچنین būmi- که بیشتر در عبارات رسمی ظاهر می‌شود اما در Dsf برای اشاره به زمینی که جهت ساختن قصر داریوش مورد حفاری قرار گرفت به کار رفته است، اشاره کرد. در موارد دیگر نیز، کاربردهای پهلوی کم وبیش این آگاهی را به ما می‌دهد که بطور مثال: hauv «او» و iyam «این» در حالت فاعلی، و حرف اضافه hadā «با»، به پهلوی شمالی‌غربی تعلق پیدا می‌کنند و نه به پهلوی جنوبی‌غربی، از این روی، اینگونه بر می‌آید که باید گونه‌های قرضی مادی باشند[۶].

پ ۱۲ـ **تاثیر زبان آرامی:** آرامی که زبانی سامی است، از نیمه قرن هشتم پیش از میلاد، به زبان بین‌المللی آسیای جنوب‌غربی تبدیل شد؛ از این روی گویشوران آرامی تا قرنها بعد، پیوسته در آرشیوها به خدمت مشغول بودند. از آنجائیکه، فارسی‌باستان در عصر کتیبه‌ها، از نظر سبک وشیوه ادبی گسترشی نیافت، بنابراین، گمان می‌رود که شیوه کتیبه‌ها بازتاب سبک آرامی باشد، که طبعاً این‌گونه است. در این مورد، جملات کوتاه، همراه با تکرار واژه‌های بنیادین (پ ۲۹۰)؛ برخی از عناوین رسمی (پ ۳۰۹)؛ و شرح بی‌تسلسل اسامی مکان‌ها و نامهای شخصی (پ ۳۱۲)قابل توجه هستند.

A

## فصل II : خط فارسی‌باستان

**پ ۱۳ ـ خط کتیبه‌های فارسی باستان** همانگونه که گفتیم، از نوع میخی است: بعبارت دیگر، علایم نوشتاری این خط، از ضرباتی، بوسیله میخی که در بخش انتهایی زاویه‌دار ونک تیز است و می‌تواند بر مواد نرم تاثیر گذارد، بوجود می‌آید. کتیبه‌های فارسی‌باستان، روی مواد سخت نیز، باید توسط وسایل حجاری، با تقلید از شیوه همان ضرباتی که مواد نرم را متاثر می‌کرد، ساخته شده باشند. بهرحال، نه از دوران باستان، سنتی وجود داشته است که بتواند معنی و مدلول علایم نوشتاری مربوط را مشخص سازد و نه هیچیک از کتیبه‌های فارسی‌باستان با تحریری همراه بوده‌اند که دارای نظام نوشتاری روشن و شناخته شده‌ای بوده باشد؛ از این روی، دانشمندان مجبور بودند که فعالیت رمزگشایی را از اولین نقطه آغاز کنند.

**پ ۱۴ ـ گام‌های نخست در رمزگشایی.** کتیبه‌ها و خط فارسی‌باستان از سوی شماری از مولفین باستانی، از هرودوت به بعد، و نیز بوسیله تعدادی از جهانگردان متاخر، در آغاز قرن هفدهم میلادی که بخش‌هایی از کتیبه‌های پرسپولیس را در شرح سفرنامه‌هایشان منتشر کردند، مورد اشاره، توجه و توصیف قرارگرفته است. نخستین کتیبه بصورت کامل، DPc[1] بود که در سال

---

۱. برای کوته نوشت کتیبه‌ها، نگاه کنید به: بخش دیگر، توصیف وکتابشناسی کتیبه‌ها

۱۷۱۱ توسط شاردن[۲] منتشر شد. نسخه‌های بهتر دیگر، در سال ۱۷۷۸ از سوی کارستون‌نیبور[۳] ارائه شد، کسی که تشخیص داد کتیبه‌های فوق با سه نظام نوشتاری به تحریر در آمده‌اند و نیز جهت نوشتار از چپ به راست است؛ بعبارت دیگر، جهت نوشتار، بوسیله دو نسخه از کتیبه XPe ، با تقطیعات سطری تقریباً متفاوت نشان داده شده بود. او.گ.تیخسن[۴]، در سال ۱۷۸۹، کشف کرد که سه نظام نوشتاری در واقع نشان دهنده سه زبان مختلف می‌باشد، و نیز، خط میخ شکل مورب تکراری در تحریر نخستین که در میان تحریرهای سه‌گانه، اصیل‌ترین تحریر به شمار می‌رود، نشانه جداکننده دو واژه از یکدیگر است؛ اما او به اشتباه کتیبه‌ها را به دوره پارتی اختصاص داد. فریدریش مونتر[۵]، در سال ۱۸۰۲، نشانه جدا کننده واژه‌ها را بطور مستقل مورد شناسایی قرار داد و نیز اندیشید که زنجیره‌های تکراری علایم پربسامد باید واژه‌ای برای «شاه» باشد؛ وی کتیبه‌ها را متعلق به دوره هخامنشی دانست[۷].

پ ۱۵ـ **گ.ف. گروتفند**[۶] اهل فرانکفورت، در سال ۱۸۰۲، توان خود را در امر رمزگشایی به کار گرفت و از طریق قیاس بین دو کتیبه DPa و XPe (در نسخه‌های نیبور) به نخستین پیشرفت واقعی دست یافت. او فرض کرد که کتیبه‌ها، کتیبه‌های شاهان هخامنشی هستند، و اساساً نام‌ها و عناوین پادشاهان را در بردارند، و نیز نخستین تحریر آنها به پارسی است که بسیار زیاد به زبان اوستا شباهت دارد. رمزگشایی جدید سیلوستر دو ساسی[۷] از عناوین سلطنتی در زبان پهلوی، یعنی: «... شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه ایران و انیران، پسر...، شاه‌بزرگ، و غیره»، به وی کمک کرد و او را به چیزی که انتظار داشت راهنمایی

---

۲. Chardin

۳. Carston Niebuhr

۴. O.G.Tychsen

۵. Friedrich Münter

۶. G.F.Grotefend

۷. Slester de Sacy

نمود. ما برای ساده کردن شرح موضوع، دوکتیبه فوق را در ستون‌های موازی قرار می‌دهیم:

| DPa | XPe |
|---|---|
| dārayavauš: | xšayāršā |
| xšāyaθiya:vazraka: | xšāyaθiya:vazraka: |
| xšāyaθiya:xšāyaθiyānām: | xšāyaθiya:xšāyaθiyānām: |
| xšāyaθiya:dahyūnām: | |
| vištāspahyā: | dārayavahauš:xšāyaθiyahyā: |
| puça:Haxāmanišiya: | puça: haxāmanišiya: |
| hya:imam: tacaram: | |
| akunauš | |

گروتفند، بدرستی تشخیص داد که نام هریک از دو پادشا مختلف، بوسیله عناوینی همانند «شاه بزرگ، شاه شاهان»، دنبال شده است، و نیز عنوان سوم مشابهی، در یکی به چشم میخورد که دیگری فاقد آن است؛ و این عنوان نیز، بدنبال نام پدر شاه آمده است، کسی که در یک کتیبه همان شخص و در کتیبه دیگر به عنوان شاه دیده می‌شود و نیز اینکه، در کتیبه دیگر، پدر، دارای عنوان «شاه» نیست. بدین‌ترتیب، نظر او بر داریوش که پدرش ویشتاسب(۸) بود و عنوان شاهی نداشت، قرار گرفت تا کوروش، زیرا نام کوروش و پدرش کمبوجیه با یک حرف آغاز می‌شد^۸، در حالیکه دو نام قرینه درکتیبه‌های فوق با حروف متفاوت شروع می‌شدند(۹)؛ و همچنین به این نتیجه رسید که نام «اردشیر» طولانی نیز هست. به این صورت، او پس از دقت در نام‌های سه‌گانه ویشتاسب، داریوش، و خشایارشا، در حرف‌نویسی هریک از آنها، تلفظ‌های پیشین ایرانی را به کار برد:

| صورتی که گروتفند به آن دست یافته بود | صورت صحیح |
|---|---|
| ȳ o sch t a s p | vi i ša ta a sa pa |

۸. hystaspes

۹. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به: زبانهای خاموش، ص ۵۷، یادداشت ۳.

d a r h e u sch — da a ra ya va u ša

kh sch h a r sch a — xa ša ya a ra ša a

بدین‌ترتیب، وی به جز a ذاتی و جدا نشدنی، حروف: a، u، x (از نظر او kh) d, t، š, s, r, p (از نظر او sch)، و در جای دیگر حرف f را شناسایی کرد. البته اعتماد به تلفظ‌های پیشین او را سخت گمراه کرد. بطوریکه وی از ۲۲ علامت نوشتاری مختلف در DPa و XPa، تنها توانست ۱۰ نشانه را بدرستی شناسایی کند، و حتی برای دو نشانه از این نشانه‌ها، به دو ارزش قایل شد (a و p,e و b). علاوه بر نام‌های سه گانه مذکور، واژه‌های «شاه» و «بزرگ»، تنها واژه‌هایی بودند که او درست تشخیص داده بود. گروتفند، بعدها (۱۸۱۵)، نام «کورش» را نیز در CMa شناسایی کرد اما، بقیه قرائت‌های او، حتی در کتیبه‌های فوق، متاسفانه با ارزش نبود، و او هرگز نتوانست در سال‌های بعد به این امر پی‌بَرَد که بنیان‌هایی را که او مطرح کرده بود، کمال یافت و بیشترین استفاده از آن بعمل آمد[۱۰].

**پ ۱۶ـ تکمیل رمزگشایی.** پس از یک وقفه بیست و یک‌ساله، دانشمندان دیگر، کار رمزگشایی را از سر گرفتند، در حالیکه، پیشرفت، اساساً در جهت شناسایی و تشخیص نشانه‌های مجرد و نیز واژه‌های منفرد، صورت می‌گرفت. بطورکلی گامهای چشمگیر در امر رمزگشایی به شرح زیر بود: لاسن[۱۱] در سال ۱۸۳۶، مسئله واکه a پس از برخی از همخوانها را مطرح کرد؛ بعبارت دیگر، او پی‌برد که این همخوانها دارای یک واکه a ذاتی هستند. لاسن، همچنین در سال ۱۸۳۹، خاطرنشان کرد که پاره‌ای از نشانه‌ها تنها پیش از i و پاره‌ای دیگر تنها پیش از u، بکار رفته‌اند؛ راولینسن[۱۲] در سال ۱۸۴۶، هینکز[۱۳] در سال

---

۱۰. برای اطلاع بیشتر از مسئله رمزگشایی و روند تکمیلی آن در فارسی‌باستان (پ ۱۷-۱۴) نگاه کنید به: مقدمه فقه‌اللغه ایرانی، صص ۹۷-۹۲، تاریخ ادبی ایران، ج ۱، صص ۹۸-۹۳، زبانهای خاموش صص ۵۶-۵۳

۱۱. Lassen

۱۲. Rawlinson

۱۸۴۶ و اوپّرت[۱۴] در سال ۱۸۴۷، هریک جدا از دیگری پی‌بردند که این همخوانها، دارای واکه i و u ذاتی نیز هستند. اوّپرت در همان زمان کشف کرد که واکه‌های مرکب، بوسیله i یا u پس از همخوان دارای a ذاتی، نشان داده شده‌اند، و نیز اینکه n و m پیش از همخوانها حذف گردیده‌اند.

پ ۱۷ ـ **شرح کوتاهی از روند رمزگشایی.** جزئیات روند رمزگشایی، درصورت فهرستوار زیر به بهترین وجه نشان داده شده است. برای سادگی در تدوین، من c و j را به‌جای č، ǰ، و نیز برای نشان دادن بهتر آوا، ç را به جای θr، به کار برده‌ام.

دانشمندانی که در امر رمزگشایی مشارکت داشته‌اند، با کوته‌نوشت‌های زیر نشان داده شده‌اند؛ تاریخ انتشار آثار آنان نیز داده شده است:

| | | | |
|---|---|---|---|
| بیر | B Beer 1838 | لاسن | L Lassen 1836 ، 39، 45 |
| بورنوف | Bf Burnouf 1836 | مونتر | M Münter 1802 |
| براندنشتین | Br Brandenstein 1932 | اوپرت | Op Oppert 1847 , 51,74 |
| اوت | E Evetts 1890 | راسک | Rk Rask 1823 |
| گروتفند | G Grotefend 1802 | راولیسن | Rl Rawlinson 1846 |
| هینکز | H Hincks 1846 | شیل | Sc Scheil 1929 |
| هولتزمن | Hl Holtzmann 1845 | سن مارتین | SM Saint-Martin 23,32 |
| هرتسفلد | Hz Herzfeld 1931 | تیخسن | Ty Tychsen 1798 |
| ژاکت | J Jacquet 1838 | ویند شمان | W Windischmann 1845 |

| شماره | نشانه‌های حاضر | پیشرفت رمزگشایی |
|---|---|---|
| 1 | a | a G 02 |
| 2 | i | y SM 23, i SM 32 |

---

۱۳. Hnicks

۱۴. Oppert

| | | |
|---|---|---|
| 3 | u | u G 02 |
| 4 | $k^a$ | k Bf-L 36 |
| 5 | $k^u$ | k G 15, $k^u$ L 39, ku Rl-H 46 |
| 6 | $x^a$ | kh G 02 |
| 7 | $g^a$ | g L 36 |
| 8 | $g^u$ | gh Bf 36, g, L 36, gu Rl-H 46 |
| 9 | $c^a$ | k, J 38 |
| 10 | $j^a$ | z J 38, ǰ Hl 45 |
| 11 | $j^i$ | g, L 36, ji Rl 46 |
| 12 | $t^a$ | t G 02 |
| 13 | $t^u$ | t, L 36,$t^u$ L 39,tu W 45, Rl 46 |
| 14 | $\theta^a$ | ζ L 36, th J 38, $\theta$ L 39 |
| 15 | $ç^a$ | t, L 36, thr L 45, tř Rl 46 |
| 16 | $d^a$ | d G 02 |
| 17 | $d^i$ | d, Hl 45, di Rl-H 46 |
| 18 | $d^u$ | d, L 36, du Rl-H 46 |
| 19 | $n^a$ | n Rk 23 |
| 20 | $n^u$ | nu Rl 46 |
| 21 | $p^a$ | p G 02 |
| 22 | $f^a$ | f G 02 |
| 23 | $b^a$ | b Bf-L 36 |
| 24 | $m^a$ | m Rk 23 |
| 25 | $m^i$ | m L 36, $m^i$ L 39, mi Rl-H 46 |
| 26 | $m^u$ | mu Rl 46 |
| 27 | $y^a$ | y B-J 38 |
| 28 | $r^a$ | r G 02 |
| 29 | $r^u$ | sr G 15, $r^u$ J 38, ru Rl 46 |
| 30 | $l^a$ | l Op 51 |
| 31 | $v^a$ | w L 36, va Rl-H 46 |

| | | |
|---|---|---|
| 32 | $v^i$ | v SM 23, vi RI-H 46 |
| 33 | $s^a$ | s G 02 |
| 34 | $\check{s}^a$ | sch G 02 |
| 35 | $z^a$ | z Bf-L 36 |
| 36 | $h^a$ | h B-J 38 |

### اندیشه‌نگارها و ترکیب

| | | | |
|---|---|---|---|
| 37 | XŠ | شاه | M-G 02 |
| 38 | DH | کشور | L 45 |
| 39 | BU | زمین | L 45 |
| 40 | AM | اهورامزدا | Op 74, E 90 |
| 41 | BG | baga بغ | Sc 1929 |
| 42 | AMha auramazdā Sc 1929, auramazdāha Br 1932 (cf. Hz 1931). | | |

### نشانه جداکننده واژه

| | | |
|---|---|---|
| 43 | : | Ty 1798 |

**پ ۱۸ـ دستگاه هجانگار فارسی‌باستان.** کتیبه‌های تحریر شده به زبان فارسی‌باستان، روی مواد سخت گوناگون، با دستگاه هجانگاری حک شده‌اند که در آن دستگاه، هر نشانه دارای یک ارزش واکه‌ای یا هم ارز یک همخوان به علاوه یک واکه است. به ۳۶ نشانه این دستگاه، باید ۵ اندیشه‌نگار (پ ۴۲)، یک ترکیب اندیشه‌نگار و پایانه حالت (پ ۴۲)، نشانه جداکننده واژه (پ ۴۴)، و نشانه‌های عددی (پ ۴۳) را نیز افزود.

این دستگاه هجانگار، بروشنی هرچه تمامتر، به دستگاه هجانگار میخی اکدی باز می‌گردد، اما سادگی آن در قیاس با دستگاه هجانگار منشاء، نشان می‌دهد که این دستگاه، ویژه کاربرد حاضر حرد آراسته شده است. مدرک قطعی وجود ندارد که نشان بدهد نشانه‌های نوشتاری اکدی چگونه به کار می‌رفته‌اند و نیز روشن سازد نشانه‌های

جدید، چگونه دارای ارزش آوایی فارسی‌باستان شدند، هرچند که تعدادی از دانشمندان در این زمینه نظریه‌هایی را مطرح کرده‌اند[۹].

## دستگاه هجانگار فارسی‌باستان

| a | $j^a$ | $n^a$ | $r^a$ |
| --- | --- | --- | --- |
| i | $j^i$ | $n^u$ | $r^u$ |
| u | $t^a$ | $p^a$ | $l^a$ |
| $k^a$ | $t^u$ | $f^a$ | $v^a$ |
| $k^u$ | $\theta^a$ | $b^a$ | $v^i$ |
| $x^a$ | $ç^a$ | $m^a$ | $s^a$ |
| $g^a$ | $d^a$ | $m^i$ | $š^a$ |
| $g^u$ | $d^i$ | $m^u$ | $z^a$ |
| $c^a$ | $d^u$ | $y^a$ | $h^a$ |

## اندیشه‌نگارها

XŠ=xšāyaθiya

BU=būmiš

DH=dahyāuš

AM=auramazdā

BG=baga

AMha

## نشانه جداکننده واژه

< \

همچنین، این مسئله نیز نامشخص است که در چه زمانی، نظام نوشتاری

فارسی‌باستان ابداع شده است. کتیبه‌های موجود عمدتاً به داریوش اول و خشایارشا تعلق دارند، و این امر ما را بر آن میدارد که این ابداع را به فرامین داریوش، هنگامیکه در نظر داشت وقایع دوران جلوس خود را در صخره بهستان(۱۵) ثبت کند، مربوط بدانیم؛ اما سه کتیبه وجود دارد که یکی به کورش (و کتیبه‌های دیگر) آنگونه که نشان می‌دهند، یکی به آریارمنه و یکی به آرشام متعلق است. دو کتیبه اخیر، احتمالاً به عنوان یادواره و یا منظورهای دیگر، در دوره بعد (از صاحبان آن) نوشته و نصب شده‌اند[۱۰]؛ چنانکه نگارش و نظام نوشتاری آن نیز حدوداً به زمان اردشیر دوم اشاره و دلالت دارد[۱۱]. از کتیبه‌های کوروش هم، یکی بسیار مقطع و آن دو دیگر نیز به شکلی بسیار کوتاه است؛ اما از آنجا که این کتیبه‌ها در قصر متعلق به کورش[۱۲] در پاسارگاد(مرغاب) تحریر شده‌اند، بنابراین نشان می‌دهند که دستگاه هجانگار میخی فارسی‌باستان، در زمان کوروش، هم وجود داشته و هم به کار می‌رفته(۱۶) است[۱۳].

**پ ۱۹ـ نشانه‌های ۳۶گانه هجایی فارسی‌باستان** به شرح زیر عبارتنداز:

۳ نشانهٔ واکه‌ای: a i u

۲۲ نشانه همخوانی با a ذاتی: $k^a$ $x^a$ $g^a$ $c^a$ $j^a$ $t^a$ $\theta^a$ $ç^a$ $d^a$ $n^a$ $p^a$ $f^a$ $b^a$ $m^a$ $y^a$ $r^a$ $l^a$ $v^a$ $s^a$ $š^a$ $z^a$ $h^a$

۴ نشانه همخوانی با i ذاتی: $j^i$ $d^i$ $m^i$ $v^i$

۷ نشانه همخوانی با u ذاتی: $k^u$ $g^u$ $t^u$ $d^u$ $n^u$ $m^u$ $r^u$

چنانچه آوانویسی دقیق از خط میخی مورد نیاز باشد، می‌توان آن آوانویسی را با حفظ واکه‌های ذاتی به عنوان حروف بر کشیده، ارائه کرد، در غیر این صورت برای بیشتر اهداف، یک آوانویسی عادی می‌تواند کافی باشد.

**پ ۲۰ـ نظام الفبایی عادی فارسی‌باستان** بصورت بکار رفته در این اثر به شرح زیر است:

---

۱۵. گونه دیگر نام بیستون

۱۶. برای اطلاع بیشتر، نگاه کنید به: ایران در دوران نخستین پادشاهان هخامنشی، ص ۸۳-۴۷.

a ā i ī u ū k x g c j t θ ç d n p f b m y r l v
s š h.

آوانویسی مورد استفاده در اینجا، از بعضی جهات با آنچه که برخی از دانشمندان در سالهای اخیر بکار برده‌اند به شرح زیر تفاوت دارد:

ā نیز â (KT, Scheil)
ī ū i u بدون نشانه بلندا (KT, Wb., Scheil, Mt., Bv.).
x kh (KT), k̲ (Wb.), ḥ (Kg, Brd), h̲ (Hinz).
c یا č ǩ (Wb).
j یا r ǰ(Wb., Scheil), ž(Hz.,Hinz)
θ یا þ th (KT), i̲(Wb., Hinz),i̇ (Scheil).
ç tr (KT), $\theta^{r}$ (Tm., Hz.),$r^{s}$ (Wb.) ss (Bv.)[۱۴],
s(Kg., Brd., Hinz).
f p(Wb.).
y v j w (Kg., Brd.).

برخی از دانشمندان نیز، اغلب، h و n محذوف را بوسیله حروف برکشیده یا حروف قرار گرفته در پرانتز، و یا اینکه n محذوف را بوسیله علامت ابرو (~) در بالای واکه پیشین نشان می‌دهند. در این زمینه گونه‌های دیگر آوانویسی نیز دیده می‌شود، که اشاره به آنها در اینجا مناسب نیست.

پ ۲۱ـ **تظاهر a در خط فارسی‌باستان.** نشانه نوشتاری a در آغاز واژه، بصورت ă، یا ā ظاهر می‌شود، و تصمیم‌گیری در انتخاب یکی از آندو باید بر زمینه‌های ریشه شناختی و نیز ساخت شناختی واژه استوار باشد. در جای دیگر واژه، نشانه a تنها پس از یک نشانه همراه با a ذاتی به کار می‌رود که در این صورت ارزش آن برابر است با ā ؛ بدین ترتیب خواهیم داشت: $n^{a}$ $am^{a}a$=nāmā هرگاه a ذاتی و جدا نشدنی، بلافاصله بوسیله همخوان دیگری دنبال شود، و یا در موضع پایانی قرار گیرد، a مربوط به آن همخوان یا بصورت ă تظاهر می‌کند و یا کاملاً بی‌ارزش می‌شود، بنابراین خواهیم داشت:

$d^ar^a\check{s}^am^a$=daršam. برای a یا ā در واکه‌های مرکب، نگاه کنید به، پ ۲۴؛ برای ă پایانی که به صورت ā نوشته می‌شود، نگاه کنید به، پ ۳۶.

**پ ۲۲ـ تظاهر i و u در خط فارسی‌باستان.** i فارسی‌باستان، بصورت عادی در موضع آغازین به شکل i، و در موضع میانی به شکل i با یک همخوان همراه با i که برآن مقدم شده باشد و در صورت عدم وجود نشانه همخوان ویژه همراه با i به جای آوای بی‌صدا، با تقدم یک همخوان همراه با a، تظاهر می‌کند. بنابراین خواهیم داشت:

$im^a$ = ima, $j^iiv^a$ = jīva, $p^ait^aa$ = pitā

تظاهر u در فارسی‌باستان نیز به همین نحواست:

$ut^aa$= utā, $k^uur^uu\check{s}a$ = kūruš, $p^au\c{c}^a$ = puça.

بدین ترتیب، تفاوت میان i و u کوتاه و بلند در خط نشان داده نمی‌شود، به جز در موردی که بعداً (پ ۲۳) به عنوان یک رویداد نادر، روی آن بحث خواهد شد؛ و در جائیکه نشانه همخوان ویژه همراه با i و یا نشانه همخوان همراه با u وجود نداشته باشد، دیگر وسیله‌ای برای نشان دادن تمایز میان ĭ و واکه مرکب ai و نیز تفاوت ŭ و au وجود ندارد (پ ۲۴)

گاهی i پس از یک همخوان با i ذاتی و نیز u پس از یک همخوان با u ذاتی، حذف می‌شود؛ در مورد عادی سازی آنچه که ما بصورت حذف بوسیله واکه ذاتی به عنوان یک نشانه برکشیده نشان می‌دهیم، در زیر مثالهایی آمده است:

$v^i\theta$biš DB 1.65، و شکل‌های دیگر همین واژه؛ نیز پیوسته در DB، اما viθ در کتیبه‌های دیگر.

$v^i$štās-pa-pam-pahyā پیوسته در DB، در بعضی از کتیبه‌های DS و نیز در کتیبه‌های متعلق به اردشیر دوم و سوم، اما vištāspa و غیره، در جاهای دیگر.

$arm^i$niyaiy چهار بار در DB، و نیز - min - .

jīva, jīvahyā, ajīvatam, jīvā اما؛ $j^i$va-diy $A^2$Sd 3 هر یک دوبار در کتیبه‌های داریوش و خشایارشا.

$M^i\theta$ra , $M^i$tra و نیز Mit [ra]، در کتیبه‌های متاخر.

.[uvāra]zm$^{i}$ya A?P 8; vahyav$^{i}$šdāpaya Sd

nabuk$^{u}$dracara DB 1.78f, 84, 93 ، امـــا در مـــوارد بســیار زیـــاد .nabukudracara

.kud$^{u}$ruš DB 265

sug$^{u}$da DPe 16 ، اما suguda DB 1.16; DNa 23, ، sugudā DSf 38 و sugdam DPh 6, DH 5 ;sugda XPh 21 با s$^{a}$ug$^{a}$d$^{a}$ در کنار s$^{a}$ug$^{u}$ud$^{a}$ ، مقایسه کنید با:

f$^{a}$r$^{a}$h$^{a}$r$^{a}$v$^{a}$m$^{a}$ = fra-haravam DB 1.17 در کنار صورت معمولی h$^{a}$r$^{u}$uv$^{a}$ = haruva (DB 1.40) و غیره. i پس از یک همخوان با a ذاتی، دوبار در کتیبه‌های داریوش و چهار بار در کتیبه‌های اردشیر دوم حذف شده است؛ ما این مورد را با یک a برکشیده می‌توانیم نشان دهیم:

bāb$^{a}$rauv DBi 11 ، در جای دیگر bābirauv.

barat$^{a}$y DB 5.22f ، قرائت غلط برای baratiy (cam).

(نســـــخه‌های d,c) haxāmaniš$^{a}$ya DSa 2f, A$^{2}$Sd 2, ؛ haxamān$^{a}$šiya A$^{2}$Sa3؛ برای صورت معمولی haxāmanišiya

ab$^{a}$yapara A$^{2}$Sa 4 برای *abiyaparam

apan$^{a}$yākama A$^{2}$Sa 3 و احتمالاً [n$^{a}$yā] kama A$^{2}$Sa 4

**پ ۲۳ـ نشانه نوشتاری بلندای i و u** در نهایت پراکنده بوده و بطور مطلق مشخص نیست، حتی در مواقعی که با معنی به نظر می‌رسد. از آنجائیکه i و u پایانی، چه بلند و چه کوتاه (پ ۸ـ۳۷)بصورت iy$^{a}$ و uv$^{a}$- نوشته می‌شده، لذا، تنها در مواضع دیگر می‌توان نشانه بلندا را جستجو نمود.

I- ظاهراً -iya- در موضع میانی واژه‌ها، بصورت -ī- ، کوتاه می‌شود؛ در این مورد مثال‌های زیر وجود دارد:

niyašādayam DNa 36. nīšādayam XPh 34f. niyaštāya DSn 1, XPh 50,XV 21. nīštāya XPh 52.

abiyajāvayam XPg 9. abījāvayam XPf 40.

nīyasaya DNb 5,46,49 ، احتمالاً برای niyayasaya;* ؛ اما مقایسه شود با: پیوست،

.۲۰۵a.۳۱
marīka-DNb 50, 55, 59°، مقایسه شود با: پهلوی mērak، سنسکریت maryaka، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه.
در افعال، شاید علایم نوشتاری بلندتر، بتوانند بطور مثال، همانند nīyjāvayan و غیره با رعایت برابری - $iy^a$ - و - īy - نشانه خطی برای - ī -، عادی شوند؛ اما این امر در مورد صورت‌های کوتاه نشده این افعال که احتمالاً از طریق قیاس با صورت‌های غیرترکیبی همانند ajārayam* و غیره، درجائیکه اختصار غیر ممکن بوده، بدست آمده در کنار صورت‌های کوتاه شده، بازمانده‌اند، بصورت قطعی نمی‌تواند تحقق یابد.

-II برای برابری $uv^a$ و ū ($uv^a$ = ū)، شواهد بهتری وجود دارد؛
مقایسه شود با مثال‌های زیر:
ūvnarā DNb 45, 51, ūvnaraibiš DNb 48، مقایسه شود با: سنسکریت sūnàra-.
$uv^aj^a$ $uv^aj^iiy^a$ = ūvja ūvjiya، بیشتر اوقات در کنار $uj^a$ $uj^aiy^a$ = ūja ūjaiy، مقایسه شود با: صورت متاخر huž.
dahyūvnām DPh 2, DH lf، در کنار بسامدهای زیاد dahyūnām.
parūvnām DNa 6,7, DSe 6,7, A[3]Pa 6,7، در کنار بسامدهای زیاد parūnām.

واژه اخیر، ما را به منشاء این کاربرد راهنمایی می‌کند: paruv در حالت فاعلی مفرد خنثی، برای parŭ*، مأخذ نوشتار، در صورت به اشتباه تقسیم شده paruv : zanānām (پ ۴۴، پنج بسامد)، به اندازه صورت سرهم Paruvzanānām (XPb 15f, XPd 11)، در کنار صورت درست Paruzanānām (DE 15f, XE 15f)، با ŭ بوده است؛ از آنجائیکه نوشتار این واژه در حالت جمع وابستگی به parūnām تبدیل شد، و با توجه به بلند بودن ū در آن، صورت parūvnām بدست می‌آید، از این روی صورت dahyūnām نیز در حالت جمع وابستگی، به شکل dahyūvnām در آمد. اما در ūvja و ūvnarā کاربرد - uv - در موضع آغازین، باید برای رعایت تلفظ غلیظ در فرایند تقطیع به منظور ساده‌سازی نوشتار، بازمانده باشد (پ ۴۶).

**پ ۲۴ـ واکه‌های مرکب** در موضع آغازین از طریق افزودن نشانه a به نشانه i یا u

(u یا a + i)؛ و در موضع میانی و پایانی از طریق افزودن همخوان همراه با a نشانهٔ i یا u ، بدست می‌آید (برای واکه‌های مرکب پایانی، نگاه کنید بـه: پ ۸ـ۳۷):

$\text{aiv}^{a}\text{m}^{a}$ = aivam, $\text{aur}^{a}$a = Aurā; $\text{d}^{a}\text{iv}^{a}$a = daivā,

$\text{t}^{a}\text{um}^{a}$a = taumā; $\text{n}^{a}\text{iy}^{a}$ = naiy, $\text{h}^{a}\text{uv}^{a}$ = hauv.

واکه‌های مرکب بلند، نمی‌توانند در تمایز با واکه‌های مرکب کوتاه، در موضع آغازین، نشان داده شوند، اما در موضع غیر آغازین، می‌توان آنها را با نوشتن نشانه a ، برای بیان بلندا، نشان داد:

$\text{ais}^{a}$ = āiš, اما $\text{d}^{a}\text{h}^{a}\text{y}^{a}$auša = dahyāuš, $\text{f}^{a}\text{r}^{a}\text{aiš}^{a}\text{y}^{a}\text{m}^{a}$=frāišayam.

ابهامات در توجیه، در جایی پیش می‌آید که نشانه‌های ویژه برای همخوان‌های دارای i ذاتی و u ذاتی موجود نباشد:

$\text{c}^{a}\text{iš}^{a}\text{p}^{a}\text{iš}^{a}$ = nom. Cišpiš و gen. Cišpais، در همین وضعیت، جهت تمایز، صورت نوشتاری $\text{c}^{a}\text{iš}^{a}\text{p}^{a}\text{aiš}^{a}$=cišpāiš نیز برای حالت وابستگی، دیده شده است.

$\text{t}^{a}\text{iy}^{a}$=act. tiy, mid-taiy, - پایانه شخص، سوم شخص مفرد.

$\text{p}^{a}$uça=puça، که می‌توانست بصورت pauça نشان داده شود، البته اگر نوشتار چنین صورتی از واژه ضرورت می‌یافت.

**پ ۲۵ـ y پس همخوانی** بصورت - iy - نوشته شده است؛ بنابراین:

$\text{an}^{a}\text{iy}^{a}$=aniya ، سنسکریت: anyás ؛ $\text{d}^{u}\text{uš}^{a}\text{iy}^{a}\text{ar}^{a}\text{m}^{a}$ = dušiyāram ، خشکسالی، از: سال *duš + iār. اما hy بصورت hiy نوشته نمی‌شود، زیرا i بصورت عادی پس از h ظاهر نمی‌شود (پ ۲۷، در این پاراگراف تعدادی ازگونه‌های مختلف نوشتاری فهرست شده است).

در این میان، استثنای مهم و منظم، ضمیر موصولی و حرف تعریف - tya است که همیشه بصورت $\text{t}^{a}\text{y}^{a}$-=tya نوشته شده و هیچگاه به شکل -$\text{t}^{a}\text{iy}^{a}$ - = tiya دیده نمی‌شود.

علت این امر این است که حالت فاعلی مفرد مذکر و مونث واژه فوق hya و hyā (سنسکریت:syás, syā) است که در آن i نمی‌تواند نوشته شود (پ ۲۷)؛ و الگوی صورتهای دیگر نیز که از بن -tya استفاده می‌کنند، بر همین اساس

ساخته می‌شود، بنابراین:
حالت فاعلی مذکر hya، مونث hyā، خنثی tya؛ حالت مفعولی صریح، مذکر tyam، مونث tyām، خنثی tya و غیره.

پ ۲۶-۷ **پس همخوانی** بصورت -uv- نوشته می‌شود، بنابراین:
$h^ar^uuv^a$ = haruva، سنسکریت: sárvas؛ $\theta^auv^aam^a$ = θuvām، سنسکریت: tvām. در، $f^ar^ah^ar^av^am^a$ که برابر است با fraharavam (برای fra-haruvam)، یک نوشتار استثنایی وجود دارد. زیرا h پیش از u ـ به نوشتار در نمی‌آید و از این روی huv در مقابل hv بصورت uv نوشته می‌شود (پ ۲۸).

پ ۲۷ـ **ترکیب $h^ai$** نوعی ترکیب ویژه است، زیرا بصورت عادی تنها می‌تواند هم ارزش با hai مورد استفاده قرار گیرد ونه hi. در هنگام ظهور hi، واکه i، اعم از اینکه یک واکه ریشه‌ای باشد و یا تنها بخش از hiy به جای hy (پ ۲۵) و یا اینکه به -hi پایانی تعلق داشته باشد (پ ۳۷)، بصورت طبیعی در نوشتار حذف می‌شود:

$an^ah^at^a$ = Anah$^a$ta, Av. Anāhitā; $d^ah^ay^aauš^a$ = dahyāuš, Skt. dásyu; $h^ay^a$ = hya, Skt. syás; $p^ar^aib^ar^aah^ay^a$ = pari-barāhy, Skt.bhárāsi; $h^az^aan^am^a$ = $h^a$zānam DB 2.74, Av. hizvā.

y ـ در hy ـ به جای hi ـ، پیش از یک پی‌چسب، از بین می‌رود:
paribarāh$^a$-diš DB 4.74, cf. paribarāhy 78; vikanāh$^a$-diš DB 4.77, cf. vikanāhy 73.

به ندرت پیش می‌آید که $h^a$ حذف و i، حفظ شود:
aiš$^a$t$^a$t$^a$a=a$^h$ištatā DB 1.85, cf. Av. pres. hištaite

هر دوگونه نوشتار در مثال زیر دیده می‌شود:
A maniyāhaiy برای maniyāiy XPh 47, maniyāhay Dpe 20

A $h^ai$، بطور استثنایی هم ارزش و بجای hi در نام مکان $h^aid^uuš^a$ = hi$^n$duš و اشکال دیگر آن، در معنی قومی آن بصورت $h^aid^auy^a$=hi$^n$duya، و نیز یک بار در $an^ah^ait^a$=anahita, A$^2$Sd 3f, آمده است. گاهی، واژه‌های دارای

$h^a iy^a$ به جای hiy ـ که بطور عادی بصورت $h^a y^a$ نوشته می‌شود نیز، به چشم می‌خورند، که عبارتند از:

$a\theta^a h^a iy^a$ = aθahiya XPh 18 ، در جاهای دیگر aθahya

$d^a r^a y^a h^a iy^a a$=drayahiyā XPh 23 ، در جاهای دیگر drayahyā.

$ah^a iy^a ay^a a$=ahiyāyā XPb 17, XPd 12, XE 17 و در برخی از تحریرهای XPj ؛ در جاهای دیگر ahyāyā.

$X\check{S}y^a h^a iy^a a$=XŠyahiyā ظاهراً در برخی از تحریرهای XPj; در جاهای دیگر Xšyahyā

پ ۲۸ـ **ترکیب $h^a u$** نیز یک ترکیب ویژه است، زیرا تنها هم ارزش با hau می‌تواند به کار رود، چنانکه در: $h^a uv^a$ = hauv. در هنگام نشان دادن hu ، $h^a$ پیوسته حذف می‌شود و تنها u به نوشتار در می‌آید:

$ub^a r^a t^a m^a$ = $^h$ubartam; $p^a t^a ip^a y^a uv^a a$ = patiyapaya$^h$uvā, cf. Skt. - yasva; $an^a iy^a auv^a$ = aniyā$^h$uvā, cf. Skt. anyāsu + ā; $d^a ar^a y^a v^a u\check{s}^a$ = nom. dārayava$^h$uš, $d^a ar^a y^a v^a h^a u\check{s}^a$ = gen. Dārayavahauš.

پ ۲۹ـ **ماندگاری واکه r̥** در فارسی باستان[۱۵]، در روند عادی سازی مشکلاتی را بوجود می‌آورد. صورت عادی شده پاره‌ای از واژه‌های دارای $r^a$ قطعی است. بطور مثال ـ $g^a r^a m^a$ در ماهنام ـ garmapada ، بصورت نظری می‌توانست ـ grama یا ـ garama و یا ـ gr̥ma بشود؛ اما در عمل صورت ـ garma ، براساس هم خانواده‌های ریشه‌ای، قطعیت یافته است. ناموازهٔ $ar^a \check{s}^a am^a$ در واقع r̥šāma است، اگرچه نشانه‌های نوشتاری آن بخوبی می‌توانند نشان دهنده aršāma باشند، و آنهایی که می‌خواهند آنرا با r به عنوان یک واکه، عادی کنند، واژه فوق را با استفاده از نشانه مربوط به آوای بستواج چاکنایی که در همه‌جا برای نشان دادن واکه‌ای، با ارزش a به کار میرود، بصورت ˃r̥šāma می‌نویسند. در حالیکه مادر واژه $\theta^a r^a m^a i\check{s}^a$ ، هیچگونه سرنخی از واکه هجای آغازین نداریم؛ واژه ممکن است θarmiš یا θaramiš و یا θr̥miš باشد (اگرچه صورت θramiš نادراست، زیرا θr به ç تبدیل شده است). برای پرهیز از

لزوم تصمیم‌گیری قطعی در جایی‌که هیچگونه دلیل و سندی وجود ندارد، باید عادی سازی مورد استفاده در این شرایط را که ar همانند صورت آوایی ar و نیز صورت آوایی ṛ است، پذیرفت، در آن مواردی نیز که ما فاقد هرگونه ملاک ارزش هستیم، عادی سازی می‌تواند ara یا ra باشد.

این مسئله ما را در هرجایی که به سه همخوان پی‌درپی برخورد کنیم، درحالیکه همخوان نخست دارای a ذاتی باشد و همخوان دوم $r^a$ باشد، در هرجائیکه به a آغازین + $r^a$ + همخوان همراه با a برخورد کنیم، و نیز در هرجائیکه در پایان واژه با همخوان دارای a ذاتی مقدم بر $r^a$ برخورد کنیم، با مشکل مواجه می‌سازد. دلایلی که می‌توانند سبب قطعیت ارزش آوایی شوند، انواع زیر را در برمی‌گیرند:

I- دلیل مبتنی بر قیاس ریشه شناختی: از آنجائیکه ṛ فارسی‌باستان، تنها از صورت کهن‌تر ṛ می‌آید، لذا از طریق تطبیق با ṛ یا مشتقات آن در زبانهای دیگر، بویژه تطبیق با (۱)ṛ سنسکریت، و (۲) ərə اوستا (arə اوستا، بطور طبیعی ثمره arکهن‌تر باز آمده از er, or, ar, el, ol, al هند واروپایی آغازین است) قطعیت می‌یابد.

II- دلیل مبتنی بر (ساخت آوایی) ایرانی متاخر: تحول آواها در زبان پهلوی و نیز فارسی‌نو و گویش‌های گوناگون آن، می‌تواند تمایز میان ar کهن‌تر و ṛ را نشان دهد. بعبارت دیگر ṛ در فارسی‌نو بصورت ir، پس از آواهای دندانی و پسکامی، و بصورت ur پس از آواهای لبی ظاهر می‌شود، در حالیکه ar پیوسته با ویژگی a باقیمانده و به ir یا ur تبدیل نمی‌شود.

III- دلیل مبتنی بر واموا‌ژه‌ها: واژه‌های فارسی‌باستان دخیل در عیلامی به جای ṛ با ur,ir، و به جای ar، با ar ظاهر می‌شوند؛ که البته در این مورد تنا قضاتی نیز وجود دارد. همچنین و امواژه‌هایی در ارمنی و نیز چند واژه‌ای در عربی (از پهلوی) دیده می‌شود که دارای تفاوت‌هایی هستند که خود بازتاب تمایز میان ṛ و ar در فارسی‌باستان است.

IV- گاهی نیز دلایل گوناگون دیگری وجود دارد که متناقض یکدیگرند، در چنین وضعی، تصمیم‌گیری، طبعاً باید بر دلیل قویتر استوار باشد[۱۶].

پ ۳۰ـ **ṛ فارسی‌باستان** از طریق واژه‌های زیر مورد تثبیت قرار می‌گیرد؛ البته در

بسیاری از موارد، فهرست کاملتری از صورتهای مستند در این زمینه را می‌توان در واژه‌نامه یافت:

.artāvā, Artaxšaçā,artavardiya نیز در ;artācā=ṛtācā, Elam. ir-ta-ha-si براساس حرف نویسی های عیلامی.

.aršaka , aršādā نیز در Aršāma=ṛšāma, Elam. ir-ši-ma, ir-šà-um-ma

arštām = ṛštām. براساس ریشه شناسی، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه

arštiš=ṛštiš, Skt.ṛṣṭi-، اوستا aršti- (r>ar :اوستا ar پیش از št)، فارسی نو: hišt (h- بعداً افزوده شده است) نیز در aršti-bara.

avahar[da] = avahṛda, Skt. ava-sṛjat.

uvāmaršiyuš=mṛšiyuš, Av. mərəθyu, Skt. mṛtyú.

karta- = ;فارسی نو kärd دارای -är- براساس قیاس با اشکال دیگر فعل -kar.
kṛta-,Skt.kṛtá-,Av. kərəta-

karnuvakā=kṛnuvakā,cf.Av. present stem kərənv

karša=kṛša-,Elam. kur-šá-um.

agarbāyam, āgarbīta=-gṛb-,Skt. agṛbhāyat,Av.gəurvayat.

Θāigarcaiš=gṛc-,Elam. sa-a-kur-ri-ṣi-iš.

Dādaršiš = - dṛš -, Skt. dādhṛṣi -, Elam.da-tur-ši-iš (یکبار: da-tar-ši-iš)

adaršnauš=-dṛš-, Skt. ádhṛṣṇot.

pṛcchāmi;parsāmiy=pṛsāmiy,Skt.Av. 3d sg.Imf. ;pərəsat; واشکال دیگر همین فعل

Bardiya=Bṛd-, Elam. blr-ti-ia.

parga=pṛga، فارسی نو purg عربی: furj؛ علیرغم عیلامی: par-rak-qa.

barta-,marta- برگرفته از ریشه‌های -mar و bar، برابر با -mṛta , -bṛta
سنسکریت: -mṛtá و -bhṛtá، اوستا: -bərəta-, mərəta.

vi-mardatiy، سنسکریت mṛdáti

varnavatām و صورتهای دیگر؛ برابر با -vṛn، سنسکریت: -vṛṇo، اوستا: -vərənav.

Varkāna=Vṛkān، عیلامی mi-ir-qa-nu-ia-ip گرگان، گرگانی؛ پهلوی، فارسی میانه: gurgān، یونانی: Υρkāνiā.

vardanam=vṛj-، سنسکریت vṛjáana-؛ اوستای گاهانی vərəzōna، اوستای متاخر varəzōna؛
نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه.

ardata ، نقره، اوستا: -ərəzata ، یِزدی: ārī ، نقره؛ از صورت کهن‌تر -ard ، کـه الزاماً شـاهد مـعتبری بـرای فـارسی‌باستان نـیست، زیـرا یِـزدی یک گـویش کـردی است؛ سنسکریت: -rajatá ، نیز دارای واج آغازین متفاوتی است.
-partara ، جنگ، نبرد، اوستا: -pəšana ، سنسکریت: -pr̥tana.

**پ ۳۱ـ ar فارسی‌باستان** از طریق موارد زیر مورد تثبیت قرار می‌گیرد:

از طریق نوشته‌های عیلامی:
Arxa (araxa یــــــــ) , Arbairā-, Armina, Asagarta, Parθava, Frarartiš (fravartīkān نیز پـهلوی) , Marguš, Mardunia, -vard- در واژه → Artavardiya, Vidfarnā (xărənō نیز اوستا) , Vidarna, Sparda, haumavargā:
بسیاری از این موارد از طریق اشکال یونانی و غیره نیز تایید می‌شوند.

از طریق واژه‌های همریشه اوستا و سنسکریت:
atar ، سنسکریت: antar ؛ -garma در garmapadahya،
سنسکریت: -gharmá ؛ -θard اوستا: -sarəd ؛ -darga، اوستا:
darəga ، سنسکریت: – dīrghá ; baršnā ، اوستا: درحالت بایی،
barəšna؛ martiya سنسکریت: -mártya.
-ardastāna ، قاب پنجره، عیلامی: har-da-iš-da-na.
tarsatiy، با ایرانی: -tars ، زیرا فارسی‌نو: tärsäδ ، عـلیرغم اوسـتا: tərəsaiti از -trs،
هردو با پسوند هندواروپایی -ske-: ؛ سنسکریت: trásati از treseti*.
cartanaiy، c نشان می‌دهد که قبلاً یک واکه پیشین بلافاصله پس از آن وجود داشته است؛ بنابراین -car از -cer* از -ker*.
karkā، یونانی: kāρikoi, kāρεs؛ عیلامی: kur-qa-ap، که شاهد معتبری به نظر نمی‌رسد.
[va]rtaiyaiy، در صورت همانندی با سنسکریت: vartaye، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه، و نیز به ـ vart جهت ارجاع.

**پ ۳۲ـ ara فارسی‌باستان** از طریق موارد زیر مورد تثبیت قرار می‌گیرد:

از طریق واژه‌های همریشه در سنسکریت و اوستا:
partaram, hamarana-, para, aparam, apataram و اسـم مـصدرهای
-kara- و -bara- به عنوان عنصر دوم واژه‌های مرکب.

از طریق واجنویسی عیلامی و دیگر واجنویسی‌ها:
arakadriš (یا ?-ark) ; arabāya، بخش پایانی nabukudracara.
arasam، ماضی استمراری از بن‌مضارع -rasa (-sa- از -*ske-)
فارسی‌نو: räsäm، علیرغم سنسکریت: ṛcchàti از *ṛsketi
arašaniš، سنسکریت:-aratni، نیز نگاه کنید به: واژه‌نامه.
-daraniya، اوستا: -zaranya، سنسکریت: -hiranya.

**پ ۳۳ـ ra فارسی‌باستان پس از همخوان‌ها** از طریق موارد زیر تثبیت می‌شود:
پس از f θ x، زیرا p t k پیش از همخوان‌های دیگر در زبانهای ایرانی به قرینه به واک سایشی تبدیل می‌شود (θr در فارسی‌باستان به ç تبدیل می‌شود اما در مـادی بـه هـمان صورت بـاقی مـی‌ماند، پ ۷۸): -fra بـه عـنوان پـیشوند، سنسکریت: para، و تمام واژه‌هایی که با -fra آغاز می‌شوند؛ Miθra؛ xraθum

از طریق حرفنویسی‌ها:
patigrabanā؛ - dra - در nabukudracara؛ zraka، یونانی: $\Delta\rho\alpha\gamma\gamma\iota\bar{\alpha}\nu\eta$.
fraštam در u - frastam, u-fraštam، وجه وصفی از ریشه لاتین: precor با حفظ واکه با درجه قوی.
brazmaniya، عیلامی bır-ra-iṣ-man-nu-ia.
vazraka، یک واژه مورد بـحث؛ نگـاه کـنید بـه مـراجـع مـدخل مـربوطه در واژه‌نامه.

**پ ۳۴ـ نشانه خطی ra فارسی‌باستان با ارزشی غیر قطعی.** نشانه خطی ar فارسی‌باستان نمی‌تواند در موارد زیر با قطعیت مورد ارزشیابی قرار گیرد:
موارد غیر قطعی با درجات گردش واکه: Ardumaniš که در برابر آن آوانویسی عیلامی وجود ندارد؛ duvaṛθim؛ [da]rtanam که در آن هم بازسازی و هم

ساخت، غیر قطعی است.
مواردی که در برابر آنها همریشه وجود ندارد: arjanam ؛ θarmiš.

**پ ۳۵ـ ar فارسی‌باستان پیش از y و v. ṛ** فارسی‌باستان، در این موقعیت، نمی‌تواند بطور قطعی تظاهر کند. در تمام مثال‌ها، نشانه نوشتاری ar، بوسیله iy یا uv دنبال شده، گویی r دقیقاً به گونه یک همخوان قلمداد گردید است. در حالیکه در بعضی از واژه‌ها، شواهدی برای ارزش ar وجود دارد.

I- توالی -ariy- در ariya (و ترکیبات مربوطه)، یافت می‌شود، در حالیکه برابر آن به عیلامی har-ri-ia است، با تحقق واحد آوایی ar، نه ṛ: و نیز به همین صورت در ساخت میانه amariyatā از ریشه -mar مردن، ساخت مجهول abariya از ریشه ـ bar، حمل کردن، و نیز ساخت‌های مجهول akariyatā, akariya و kariyaiš از ریشه ـ kar، کردن، ساختن. برابر این صورت‌ها، در سنسکریت، در سوم شخص مفرد ماضی استمراری عبارتنداز abhriyata، amariyata, و akriyata؛ اما اشکال گوناگون بر ساخته از ریشه -kar در فارسی‌باستان نمی‌توانند دارای این نظام واکه‌ای باشند، زیرا در آن صورت نتیجه، -axriya* خواهد بود. در این فعل و به تبع آن در این اشکال، میان k و r، واکه‌ای وجود داشته است: اعم از یک واکه کامل و یا یک واکه تحلیل یافته و ضعیف (شوای ثانویه یا ŏ)، که با ارزش کامل یک واکه کوتاه در هند و ایرانی به کار می‌رفته است. احتمال دارد که دو فعل دیگر نیز دارای همین ساخت بوده باشند. بنابراین تائیدیه محکم و مطمئنی برای توالی ṛi در فارسی‌باستان باز مانده وجود ندارد.

II- برای -aruv- فارسی‌باستان، مثال‌های زیر را پیدا می‌کنیم:
-haruva، یک بار بصورت fra-haravam نوشته شده است؛ سنسکریت: -sàrva نشان می‌دهد که این واژه دارای یک واکه کامل بوده است، همانگونه که شکل یونانی ὅλος بیان می‌کند.
Paruvam (ومشتقات) برابر با سنسکریت: -pūrva که دارای r̄ بوده است؛ این آوا در اوستا به ar تبدیل شده، و از این رو در اینجا arv ایرانی وجود دارد. aruvāyā و aruvastam احتمالاً دارای -arv هستند، زیرا عیلامی aruvastam

را بصورت har-ma-as-tam (در برابر هرتسفلد $^{h}$ar-wa-$^{a}$s-tam ApI 80) واجنویسی می‌کند.

gaubaruva برابر با ـ barv، در نمونه عیلامی: kam-bar-ma یا -baruv- در نمونه در افزوده اکدی: -gu-ba-ru، یونانی: Γωβρυης

## پ ۳۶ـ ā پایانی فارسی باستان.

I- ā پایانی فارسی باستان با علامت بلندا نوشته می‌شده و با افزایش نشانه مجزا برای a همراه بوده است: $ut^{a}a$=utā ، سنسکریت: utà ؛ $-c^{a}a$=-cā، سنسکریت: ca ؛ $m^{a}r^{a}t^{a}iy^{a}h^{a}y^{a}a$=martiyahyā، سنسکریت: -asya.

II- امانشانه نوشتاری ā[۱۷] پایانی پیوسته هر ā پایانی یا هر ā راکه بوسیله یک همخوان کمینه نانوشتاری دنبال شده باشد، نشان می‌دهد (پ ۴۰):

$p^{a}it^{a}a$=pitā ، سنسکریت: pitā؛

napā=napā̦$^{t}$ ، سنسکریت: nāpāt؛

pārsā=pārsā$^{d}$ در حالت ازی، سنسکریت در حالت ازی: -ād؛

در حالت فاعلی جمع مونث: tyā=tyā$^{h}$ ، سنسکریت: tās.

III- هر نشانه نوشتاری ā پایانی، ă همراه با یک همخوان کمینه نانوشتاری پایانی را نشان می‌دهد:

$ab^{a}r^{a}$ برابر است با abara برای abara$^{t}$ ، سنسکریت: ábharat یا abara$^{n}$، سنسکریت: ábharan؛

$h^{a}y^{a}$ برابر است با hya برای hya$^{h}$ ، سنسکریت: syás؛

$t^{a}y^{a}$ برابر است با tya برای tya$^{d}$ ، سنسکریت: tyád؛

$p^{a}iç^{a}$ برابر است با piça برای piça$^{h}$ ، یونانی: πατρòς

IV- گاهی نشانه نوشتاری ă پایانی در یک واژه، ă پایانی فاقد همخوان را نشان می‌دهد، بویژه اگر با واژه بعدی رابطه تنگاتنگ نحوی وجود داشته باشد؛ این وضعیت در واقع در شناسه وابستگی -ahyā برابر با سنسکریت: -asya محدود می‌شود:

---

۱۷. ā با نشانه نوشتاری مستقل

الف: پیوسته در -ahyā شناسه وابستگی در ماهنام، پیش از واژه ;viyaxnahyă māhyā DB 1.37: māhyā

مثال‌های دیگر در: 1.42, 96; 2.26, 36, 41, 56, 61,69,98

63, 68 ؛3.7f, 18, 39, 46 و بازسازی شده در:3.88 1.89

ب: گاهی اوقات در حالت‌های وابستگی دیگر، قرار گرفته پیش از اسامی که به آن وابسته می‌شوند:

DB 4.19, 4.22, e.7, g.9f: uvaxštrahyă taumāyā ;(DB 2.15f,2.81 در ـ hyā اما)

,DB 3.81, 4.14, 4.30, d.5f, i-7f: nabunaitahyă puça;(DB 1.79 در -hyā اما)

DB 3.79: halditahyă puça،یا همراه آنچه که با هم مطابقت می‌کنند: XPc 10 : aurahyă mazdāha (مقایسه شود با پ ۴۴)؛

DSb 8f: būmiyā haruvahyāyă (اما احتمالاً yāyā ـ در DSf 16,18).

پ: چهار بار پیش از یک واکه آغازین، همه در یک قطعه کوتاه (DB 3.38-51):

| | |
|---|---|
| : vahyazdātahyă aja | DB 3.38f,3.46 |
| : āhată agarbāya | DB 3.49 |
| : āhată uvādaicaya | (āhatā معمولاً)DB 3.51 |

در هیچیک از این موارد رابطه نحوی، دقیق نیست. نیز مقایسه شود با: پ ۵۲/III در مورد DB 5-2f.

**پ ۳۷ـ i پایانی فارسی‌باستان** پیوسته همراه با $y^a$ در افزوده (پ ۴۶) نوشته می‌شده است:

$am^iiya$ = amiy ، سنسکریت: ásmi؛

$as^at^aiy^a$ = astiy ، سنسکریت: ásti؛

این مورد شامل واکه مرکب -ai نیز می‌شود: $v^ain^at^aiy^a$ = vainataiy.

اما hi ـ پایانی، که بنابر انتظار $h^aiy^a$ ـ برابر با hiy ـ را می‌دهد، باید بصورت $-h^ay^a$ برابر با -hy نوشته شود، زیرا $h^ai$ در واقع هرگز برای hi نوشته نمی‌شود

(پ ۲۷): $am^ah^ay^a$ برابر با amahy بـرای as-masi* ; $v^ain^aah^ay^a$ بـرابـر بـا vainā̆hy

**پ ۳۸ـ u پایانی فارسی‌باستان** پیوسته همراه با $v^a$ در افزوده (پ ۴۶) نـوشته می‌شده است:

$p^ar^uuv^a$ = paruv ,سنسکریت: purù; $an^uur^a$=anuv سنسکریت: ànu; $b^at^at^u$va= baratuv ,سنسکریت: bhàratu; $h^auv^a$=hauv

**پ ۳۹ ـ آواهای خیشومی فارسی‌باستان پیش از همخوان‌ها** در نوشتار حذف می‌شده‌اند، مگر پیش از y و v در صورت نیاز، هریک از آواهای حذف شده، می‌تواند بوسیله حروف برکشیده، در آوانویسی عادی شده، نشان داده شوند: $h^at^aiy^a$=$ha^n$tiy ,سنسکریت: sánti; «کمبوجیه» $k^ab^auj^iiy^a$ =$ka^m$būjia، نگاه کنید به واجنویسی‌های عیلامی، اکدی و یونانی در واژه‌نامه؛ $b^ad^ak^a$=$ba^n$daka پهلوی: bandak؛ $k^ap^ad^a$=$ka^m$$pa^n$da، عیلامی: qa-um-pan-taš.

پیش از پی‌بست‌ها، آوای خیشومی پایانی که بصورتی دیگر می‌تواند به تحریر در آید حفظ می‌شود:

.adam - šim, paruvam - ciy , xšaçam-šim ؛ gaiθām-cā برابر با $g^ai\theta^aam^ac^aa$

برای -ny- و -niy-,nv- و -nuv- نیز نمونه‌های زیر نوشته شده‌اند (پپ ۶ـ۲۵):

$an^aiy^a$=aniya ،سنسکریت: aniyàs tunuva$^n$tam; *= $t^uun^uuv^at^am^a$، برای tunvantam*.

**پ ۴۰ـ همخوان‌های خفیف پایانی فارسی‌باستان** در نوشتار حذف می‌شده‌اند، این همخوان‌ها عبارتند از: s (پس از ā̆) ,nt,n,d,t; در آریایی آغازین s به h تبدیل شده و nt به n تقلیل یافته است. از این امر که این آواها از ظهور ă که واکه بلندی برآن مقدم شده باشد، جلوگیری می‌کنند چنین بر می‌آید که آنها، ولو با ارزش کمینه، هنوز دستکم پس از ă کوتاه، به تلفظ در می‌آمده‌اند (پ III /۳۶): بنابراین در حالت ندایی، martiyā برای -yă-، سنسکریت: -ya؛

اما در حالت فاعلی، martiya برای $ya^{h}$-، سنسکریت: yaḥ-. در موارد لزوم، همخوان‌های نانوشته می‌توانند، در واجنویسی عادی شده، بوسیله حروف بر کشیده نشان داده شوند: بنابراین $abara^{n}$, $abara^{t}$, $tya^{d}$, $hya^{h}$ (برای -nt), $nāma^{n}$ ؛ در حالت جمع فاعلی: $martiyā^{h}$، در حالت مفرد ازی: $pārsā^{d}$. نیز یک مثال برای همخوان تقلیل پس از i وجود دارد[۱۷]: پی‌بست -ciy برابر با اوستا: -čit، سنسکریت: cid، لاتین: quid. برای همخوان‌های تقلیل یافته پایانی پس از u، مثالی وجود ندارد[۱۸].

**پ ۴۱ ـ تکرار یک نشانه همخوانی** تنها هنگامی جایز است که واکه ذاتی نشانه پیش، یک واکه قابل تلفظ باشد: $im^{a}m^{a}$ = imam, $ad^{a}d^{a}a$ = adadā . هر همخوان بلندی که از طریق همگون سازی گسترش یافته باشد، در ایرانی کوتاه می‌شود؛ حتی همخوان‌های مضاعف نیز که بر آمده از فرایند پی‌بستی هستند، در نوشتار به یک همخوان تقلیل می‌یابند:

āpišim DB 1.95f = āpiš-šim

taumanišaiy DNb 25f = taumaniš - šaiy

[$n^{a}$yā] kama $A^{2}$Sa 4 = niyākam-maiy (پ 52/I)

اشتباه در تقطیع نشانه‌ها و یا در نوشتن از روی نمونه، سبب تکرار $m^{a}$ در واژه $c^{a}iy^{a}ak^{a}r^{a}m^{a}m^{a}c^{a}iy^{a}$ شده که دوبار در DNb 51-2 برای $m^{a}c^{a}m^{a}iy^{a}$ - برابر با ciyākaramcamaiy آمده است.

**پ ۴۲ـ اندیشه نگارها.** در فارسی‌باستان پنج اندیشه نگار وجود دارد که بصورت: XŠ, AM, BU, DH و BG واجنویسی شده و به ترتیب در برابر: xšāyaθiya «شاه»، dahyāuš «مملکت»، būmiš «سرزمین»، auramazdā «اهورامزدا» و baga «بغ» قرار می‌گیرند. در DSk 4 موردی وجود دارد که بنظر میرسد صورت تحریری پیوسته‌ای برای AM-ha باشد.

اندیشه نگارها بدون نشانه‌های هجایی در افزوده، برای حالت فاعلی مفرد به کار می‌روند؛ صورت‌های دیگر از طریق نوشتن آخرین نشانه یا نشانه‌های واژه کامل پس از اندیشه نگار، نشان داده می‌شوند. بنابراین xšāyaθiyam در حالت

مفعول صریح، بصورتهای XŠm$^{a}$ یا XŠm=XŠ-y$^{a}$m$^{a}$ یا XŠyam ؛ xšāyaθiyahyā در حالت وابستگی بصورتهای XŠ-y$^{a}$a, XŠ-h$^{a}$y$^{a}$a، XŠyā= XŠ-y$^{a}$h$^{a}$y$^{a}$a، XŠhyā و XŠahyā نوشته می‌شود؛ اما XŠ-ah$^{a}$y$^{a}$a در A$^{2}$Sd2 یک املای غلط است، زیرا منظور از این صورت بیشتر می‌تواند XŠāhyā باشد تا XŠăhyā مورد نظر.

کاربرد اندیشه نگارها، براساس کتیبه‌های موجود، هم دارای محدودیت زمانی است و هم محدودیت مکانی. داریوش اول در بیستون، نقش رستم، الوند و نیز در سنگ وزنه‌ها، از هیچگونه اندیشه نگاری استفاده نکرده است؛ خشایارشا نیز نه در الوند و نه در وان، اندیشه نگار بکار نبرده است. داریوش اول، تنها اندیشه نگار XŠ را در سوئز بکار برده و نیز با بکار بردن اندیشه نگار XŠ در برخی از کتیبه‌های پرسپولیس و به کار نبردن هیچ اندیشه نگاری در برخی دیگر، این کتیبه‌ها را از یک دیگر متفاوت ساخته است؛ همچنین خشایارشا نیز، در کتیبه‌های پرسپولیس با استفاده از اندیشه‌نگار XŠ در بعضی و به کار نبردن هیچگونه اندیشه نگاری در برخی دیگر، بین آنها ایجاد تمایز کرده است، به جز کتیبه XPjکه در آن XŠو DH آمده است و نه BU. در شوش نیز، داریوش اول با استفاده از تنها XŠ در پاره‌ای از کتیبه‌ها، به کار نبردن هیچگونه اندیشه نگاری در برخی، و نیز بهره‌گیری از اندیشه‌نگارهای BU, DH, XŠ و AM تا آنجایی که امکان داشته در بعضی دیگر از کتیبه‌ها، ایجاد تنوع و تمایز نموده است (در مورد DSe، DSf ،DSm ،DSt، نگاه کنید به مطالب زیر)؛ خشایارشا در دو کتیبه کوتاه خود نمونه‌ای از هیچ اندیشه نگاری بدست نمی‌دهد، در حالیکه داریوش دوم در کتیبه‌های خود از هر پنج اندیشه نگار استفاده کرده که این بهره‌گیری شامل اندیشه نگار BG، که تنها در D$^{2}$Sa آمده نیز می‌شود؛ اردشیر دوم دقیقاً از چهار اندیشه نگار استفاده کرده، اما از کاربرد آنها در کتیبه‌ای دیگر کاملاً جلوگیری نموده است. کتیبه آریا رمنه در همدان، دارای اندیشه نگار نیست؛ کتیبه داریوش اول و نیز خشایارشا، تنها دارای اندیشه نگار XŠ است و از واژه‌های اندیشه نگار دیگر استفاده نشده است؛ کتیبه اردشیر دوم دارای چهار اندیشه نگار است (در مورد A$^{2}$Hc، نگاه کنید به مطالب زیر)، اما واژه baga در A$^{2}$Hc کامل نوشته شده است. متون دیگر نیز جهت توجیه ملاحظات ویژه، کوتاه و یا ناقص هستند.

بدین ترتیب، در مجموع، بیشترین اندیشه نگارها در متون متاخر، و در میان آنها نیز، اندیشه نگارهای بکار رفته در کتیبه‌های شوش، بیشتر از هر جای دیگر است. افزون بر این، XŠ اندیشه نگاری است با کاربردی بسیار وسیع، و نظم کاربردی اندیشه نگارهای دیگر به کار رفته در مقدمه متون، به ترتیب به DH، AM,BU و BG، مربوط می‌شود. تعدادی از متون، از این نظر، از بی‌قاعدگی برخوردارند، و تعدادی دیگر نیز، هم صورت اندیشه نگار یک واژه را به کار برده‌اند و هم صورت کامل نوشتاری همان واژه را؛ موارد استثناء در زیر آمده است:

DSe : دارای هر پنج واژه است با این تفاوت که تنها XŠ بصورتی قاعده‌مند در آن به کار رفته و چهار واژه دیگر بطور کامل مورد استفاده قرار گرفته‌اند. البته استثناً واژه auramazdā با گونه‌های مختلف، پس از چهار با ظهور، در سطر ۵۰ بصورت اندیشه نگار AM به کار رفته است (بازسازی شده اما قطعی).

DSf : هم از صورت būmim استفاده کرده و هم از صورت BU ، BUyā؛ به جز این، هم از XŠ و هم از DH ، اما aurmazdā و baga را به طور کامل به تحریر در آورده است.

DSm : بازسازی شده به وسیله «برانندشتاین»، 39.55-8 ، WZKM ، دارای XŠ و DHnām, XSāya$\theta$iyam و AMhā ,būmiyā, dahyāva و AMmaiy ؛ احتمالاً تمام واژه‌های مذکور می‌توانسته‌اند بصورت کامل نوشته شده باشند، اما به نظر می‌رسد که در ارائه متن، امر اصلاح و تغییر بسیار کم اهمیت بوده است، زیرا تنها قطعات کم ارزشی حفظ شده است.

DSt : بازسازی شده، دربردارنده XŠ و xšāya$\theta$iyam (هر دو کاملاً بازسازی شده‌اند)، و būmim ، auramazdā ، bagaibis ؛ این مورد می‌توانست وجود نداشته باشد، اما من هیچگونه جایگزینی را ندیدم.

A²Sc : بنظر می‌رسد که باید دارای xšāya$\theta$iya, XŠ باشد، اما این متن بسیار ناقص و دارای افتادگی است، البته لازم به ذکر است که کتیبه‌های اردشیر دوم هیچیک با دقت به تحریر در نیامده‌اند.

A²Hc :مطابق با DSf ؛ دارای būmim و BUyā ، در جای دیگر XŠ و DH ، auramazdā و baga.

A³Pa : دارای būmām, DH, xšāya$\theta$iya و BUyā ، auramazdā ، baga ؛ با نوعی

دگرگونی و تغییراتی که میتوان آن را به بی‌دقتی نوشتاری در فارسی‌باستان در این دوره حمل کرد.

پ ۴۳ـ **اعداد.** با اینکه اعداد اصلی به طور کامل به تحریر در نیامده‌اند (به جز aiva= یک، آنهم در عبارتی کلیشه‌ای) اما بوسیله علایمی خاص نشان داده شده‌اند: عدد ۱، با یک میخ بلند عمودی؛ عدد ۲، با دو میخ عمودی کوتاه، یکی روی دیگری؛ عدد ۳، با دو میخ کوتاه عمودی با میخی بلند و عمودی در سوی راست، و غیره؛ عدد ۱۰ با یک زاویه و رأس آن در سوی چپ؛ عدد ۲۰، با دو زاویه کوچک، یکی روی دیگری؛ عدد ۱۰۰، با دو میخ افقی کوتاه از نوک بیکدیگر پیوسته، روی یک میخ عمودی. در اعداد مرکب واحدهای کوچکتر در سوی راست واحدهای بزرگ جای می‌گیرند؛ در حالیکه اعداد ترتیبی بطور کامل، با نشانه‌هایی منظم به تحریر در آمده‌اند.

پ ۴۴ـ **جدایی واژه‌ها** در فارسی‌باستان از طریق نشانه جدا کننده واژه که در متن کتیبه بیستون بصورت زاویه با رأسی در سوی چپ و در متن کتیبه‌های دیگر بصورت یک میخ کج با کجی کشیده شده از بالا چپ به سوی پائین راست، آمده است، صورت می‌پذیرد. نشانه جدا کننده در آغاز هر ستون، هر بخش و نیز کتیبه‌های کوچکتر بیستون و همچنین در پایان کتیبه‌های بیستون a-g, i-ǰ ، قرار می‌گیرد؛ در موارد دیگر، این نشانه در آغاز متن قرار نمی‌گیرد، اما در پایان DPd، برخی از تحریرهای XPd ، $A^3Pa$ و نیز برخی از عنوانها در A?P، آمده است. در متون مربوط به شیل، بدست آمده از شوش، بویژه در DSa, DSc DSy, DSj, DSi, DSg, DSd, و $A^2Sd$ ، معمولاً بین واژه‌ها، نشانه جدا کننده وجود ندارد؛ با اینکه از این متون نه از طریق وسایل مکانیزه، که با دست نسخه برداری شده است، اما حذف موارد مشابه در DSy که بوسیله مالش کربن، از نسخه اصلی قرائت شده، موثق بودن نسخه‌بردار را تائید می‌کند[۱۹]. در کتیبه‌های دیگر، حذف نشانه جدا کننده، فوق‌العاده نادر است: مثالها عبارتنداز:
. upā artaxša [çām]Sf و yadimaniyāiy XPh 47=yadi(y):maniyā(ha).
در XPc 10 نیز auramazdāha در حالت وابستگی، جای خود را با mazdāha aurahyǎ که در آن هر دو بخش یک واژه مرکب بدون نشانه جدا کننده شناسه

صرفی گرفته‌اند، عوض کرده است[۲۰].
قید تاکید apiy ، گاهی اوقات همانند شناسه صرفی به واژه مقدم بر خود می‌پیوندد و گاهی اوقات نیز بوسیله نشانه جدا کننده، از آن جدا می‌شود. ضمیر متصل diš نیز در DB 4.34, 35, 36، بوسیله نشانه جدا کننده، از واژه جدا شده است. در utā:daiy : marda DB 5.11 ، قرائت غلطی است که توسط KT به جای utā:viyamarda[۲۱] و حذف نشانه جدا کنند دوم، به عمل آمده است؛ ویژگی‌های دیگر مربوط به پی‌چسب‌ها در پ ۱۳۳، آمده است.
دو واژه مرکب هست که گاهی اوقات اجزاء ترکیبی آنها بوسیله نشانه جدا کننده از یکدیگر جدا می‌شوند. این ترکیبات عبارتنداز: aria:ciçā و ariyaciçā ، paruv:zanānām و paruvzanānām, paruzanānām . همچنین میان قید مرکب paradraya و عبارت اضافه‌ای para : draya نیز تفاوت وجود دارد، اما در قطعه تتای(۱۸) DSf [...]-k^a-: -y^a [...], که می‌توان فرض نمود که به dāraniyakarā 49 تعلق دارد، می‌توانست بصورت ...]-s^a- :-y^a [... قرائت شود، همانند پاره‌ای از avaiy : spardiya 51-2

**پ ۴۵ـ عادی سازی متون فارسی‌باستان**[۲۲]. نخستین گام، آوانویسی دقیق متن است، بطوریکه بتوان واکه‌های ذاتی نشانه‌های همخوانی را بوسیله حروف بر کشیده نشان داد. بنابراین در عادی سازی[۲۳]:

**الف)** نشانه واکه a در آغاز به گونه ă یا ā یا بخش آغازین واکه مرکب āi یا āu : در میان بصورت ā یا بخش آغازین āi و āu : در پایان بصورت ā در می‌آید (عادی سازی می‌شود).
**ب)** نشانه‌های واکه‌ای i و u به گونه ĭ یا ī ū یا ŭ ؛ یا بخش دوم یک واکه مرکب در می‌آیند.
**پ)** نشانه‌های همخوانی دارای i و u ذاتی، چنانچه پیش از i یا u قرار گیرند، واکه ذاتی خود را از دست می‌دهند.
**ت)** نشانه‌های همخوانی همراه با a ذاتی:

---

۱۸. Fragment theta

الف) a را برای نشان دادن آوای واکه‌ای پیش از یک همخوان میانی و یا بخشی از واکه‌های مرکب ai و au و یا آوای پایانی پیش از یک همخوان کمینه نانوشتاری (t,d,n,ḥ)، حفظ می‌کنند.

ب) a را از دست می‌دهند، هنگامیکه آوای همخوانی، بلافاصله بوسیله همخوان دیگری، یا بوسیله نشانه a (ā=) دنبال شود، یا هنگامیکه همخوان در موضع پایانی واژه باشد (-š,-m,-r,-y,v)، و یا هنگامیکه نشانه دارای a ذاتی به جای نشانه دارای -i یا -u ذاتی پیش از نشانه‌های i یا u، عمل کند.

ث) u,i و a برکشیده در متن عادی شده به کار می‌روند تا نشان دهند:

الف) i و u را؛ برای نشان دادن نشانه‌های دارای -i و -u ذاتی که پس از آنها u,i نمی‌توانند به تحریر در آیند.

ب) a را؛ برای نشان دادن نشانه‌های دارای a ذاتی که به جای نشانه‌های دارای i ذاتی که پس از آنها i به نوشتار در نمی‌آید، عمل می‌کنند.

ج) n برکشیده و، h میانی و t,d,n,ḥ پایانی، ممکن است گاهی مبین آواهایی شوند که در نوشتار نشان داده نمی‌شوند:

الف) n میانی، پیش از همخوانی به جز y و v.

ب) h میانی، پیش از u و بندرت پیش از i و m.

پ) ḥ,n,d,t، پس از ă و ā

**پ ۴۶ـ ساده سازی فارسی‌باستان برای نوشتار.** کاتبان، در تجزیه واژه‌های فارسی‌باستان به آواهای تشکیل دهنده، می‌باید واژه‌ها را به آهستگی بیان می‌کردند و این امر را آنقدر طول می‌دادند تا بتوانند هریک از واحدهای آوایی را به روشنی متمایز کرده و نشانه‌های مربوطه را دریابند. این رویه، ظاهراً می‌توانست در برابر بسیاری از ویژگی‌های دستگاه هجایی جوابگو باشد، بویژه موارد زیر: هر همخوانی که پیش از یک همخوان یا در موضع پایانی قرار می‌گرفت، به واکه a معمولی مجهز می‌شد؛ y و v پس همخوانی به iy یا uv تبدیل می‌شد (پ ۲۵، پ ۲۶)؛ ă پایانی به ā تداوم می‌یافت (پ ۳۶)، همخوان‌های پایانی تقلیل یافته، ولو اینکه هرگز به نوشتار در نمی‌آمدند، اما عامل باز دارنده امتداد بوده و سبب حفظ ă می‌شدند (پ ۴۰): i و u پایانی به iy

و uv امتداد می‌یافتند (پ ۳۷، پ ۳۸؛ همخوان‌های تقلیل یافته پایانی، پس i و u، کاملاً از بین رفته به نظر می‌رسند، پ ۴۰)؛ ī و ū پیش همخوانی، گاهی به īy و ūv امتداد می‌یافتند (پ ۲۳)؛ ay و av میانی، گاهی به aiy و auv تبدیل می‌شدند (پ ۴۸).

بهرحال، این رویه، نه ویژگی‌های مربوط به نوشتار h پیش از i و u (پ ۲۷، پ ۲۸) را توجیه می‌کند و نه حذف آوای غنه‌ای پیش همخوانی و نیز برخی از همخوان‌های پایانی تقلیل یافته را (پ ۳۹، پ ۴۰)؛ بیشترین چیزی که می‌توانیم بگوییم این است که با اینکه این آواها به دلیل ضعیف بودن در نوشتار نادیده گرفته شده‌اند، اما با این وجود بیشتر آنها در دوره‌های بعدی زبان فارسی باقیماندند.

پ ۴۷ـ **بی‌نظمی‌ها و اشتباهات در خط فارسی‌باستان** بی‌تردید یافت می‌شود؛ ما در بخش‌های پیشین مثال‌های مربوط به موارد بی‌قاعده زیر را بر شمرده‌ایم:

نبود i یا u پس از یک همخوان دارای i یا u ذاتی برای دلالت کردن بر i یا u؛ پ ۲۲.

نبود i پس از یک همخوان دارای a ذاتی، برای دلالت کردن بر i؛ پ ۲۲.

نبود a پایانی، برای نشان دادن قطعی ǎ پایانی به عنوان ā، پ ۳۶.

نوشتن hi بصورت $h^a$ یا با i و یا بصورت $h^ai$، پ ۲۷.

نوشتن -tya و گونه‌های دیگر آن بصورت -$t^ay^a$ به جای $t^aiy^a$، پ ۲۵.

گاهی نوشتن $iy^a$ و $uv^a$ برای دلالت کردن بر ī و ū، پ ۲۳.

تفاوت میان اندیشه نگارها و صورتهای کامل در یک کتیبه، پ ۴۲.

بی‌نظمی‌ها در تقسیم واژه و نیز در کاربرد نشانه جداکننده واژه، پ ۴۴،

به نظمی‌ها و اشتباهات دیگر در پ ۴۸ تا پ ۵۷ مورد بحث قرار خواهد گرفت.

پ ۴۸ـ **ay و av میانی** گاهی در تجزبه جهت ساده سازی برای نوشتار، امتداد می‌یابند که در این صورت به aiy و auv تبدیل می‌شوند (مقایسه شود با: JAOS 62.271-2) ؛ مثال‌ها به شرح زیر عبارتند از:

adāraya DB 1.85, 2.9, 3.23, DNa 41; adāraiya DNa 22.

amānaya DB 2.48, 2.63; amānaiya DB 2.28.

paradraya DNa 28f; paradraiya A?P 24 (cf. draya, drayahyā, drayahiyā).
شاید [va]rtaiyaiy DB 4.44, بجای → vartayaiy.
نیز مقایسه شود با → گونه سندهی dūraiapiy, DNa 12,
Dūrayapiy, DNa 46, و نیز بصورت دو واژه → dūraiy apiy.
bavatiy DNb 14, bauvatiy DNbv 14.
gāθavā DB 1.62f, etc.; dahyauvā DB 1.34.
tauvīyā DSe 39. cf. Skt. sthavīyās-.
yauviyā DZc 8f, 10; cf. Skt. yavyā.
hauvam, DB 1.29, بجای → *hav-am, از → hauv + بی‌چسب ـ am.

**پ ۴۹ـ گونه گونی در همخوان‌ها** گاهی اوقات در نوشتار ظاهر می‌شود، اگرچه معمولاً به عنوان معلول علت‌های ویژه‌ای، از جمله: تأخر، گویش و نیز وامگیری از زبانهای دیگر، توجیه می‌گردد.

الف) t/d، در گونه متاخر ardaxcašca AVsa، به جای artaxšaçā.
در صورت وامگرفته شده tacaram DPa6, XPj و dacaram DSd3 .

ب) c/š در کتیبه‌های متاخر:
hašā $A^2$Sdc4 به جای صورت متعارف hacā.
xšayārcahyā در $A^2$Sa بند ۲ دو بار، به جای xšayāršā و غیره.
[usta]canām $A^2$sc 5f به جای ustašanām $A^3$Pa22.
ardaxcašca AVsa به جای artaxšaçā.

پ) ç و گونه‌های دیگر: درصورت متاخر ardaxcašca AVsa به جای artaxšaçā.
در صورت متاخر m$^i$θra, m$^i$tra, mit[ra] (نگاه کنید به واژه‌نامه) و نام شخصی پارسی vau-misa DB 2.49 و غیره.
صورت‌های دیگر، در واجشناسی، به عنوان نمونه‌های آمیزه‌ای گونه‌های

مادی مورد بحث قرار گرفته است؛ مقایسه شود با: پ ۸.

**پ ۵۰ ـ اشتباهات نوشتاری** را می‌توان باعنوان‌های زیر بخش نمود:

۱ـ جا بجایی نشانه‌ها؛ پ ۵۱.
۲ـ حذف نشانه‌ها و گروه نشانه‌ها، پ ۵۲.
۳ـ افزایش نشانه‌ها و یا گروه نشانه‌ها، پ ۵۳.
۴ـ تغییر نشانه‌ها از طریق حذف یا افزایش حاصل از چرخش قلم، پ ۵۴.
۵ـ تحریرهای غلط که به سادگی نتوانند طبقه بندی شوند، پ ۵۵.
۶ـ کاربرد نحوی غلطِ ساخت‌ها، پ ۵۶.
۷ـ ایجاد صورت‌های غلط جدید، پ ۵۷.

برخی از مثالها ممکن است در زیر بیش از یکی از این فصل‌ها طبقه‌بندی شوند، اما بهرحال در جاهایی قرار خواهند گرفت که بیشتر تناسب داشته باشند. براساس مشاهدات، بخش بیشین این اشتباهات مربوط به کتیبه‌های متاخر یعنی دوره پس از خشایارشا هستند. دوره‌ای که پیشرفت به سوی فارسی‌میانه در جریان بود؛ آواها در معرض تغییر و دگرگونی بودند، واژه‌های نو و نیز معانی جدید در حال ورود به زبان دوره جدید بودند و همچنین هجاهای پایانی روی به نابودی می‌گذاشتند. بدین ترتیب حیات فارسی‌باستان به عنوان یک زبان بومی از حرکت باز ایستاده بود و در نتیجه کاتبانی که کتیبه‌ها را می‌نوشتند، آنطور که باید، تجربه‌ای از زبان نداشتند. آنان در حد استفاده از واژه‌ها و اشکال موجود در اسناد کهن‌تر، عقب مانده بودند، کاربردی که اکنون دیگر آنرا نمی‌توانستند بفهمند. در چنین وضعیتی، نتیجه یعنی بی دقتی و عدم توجه در خط بویژه در هجاهای پایانی، اجتناب ناپذیر بود.

**پ ۵۱ ـ جابجایی نشانه‌ها** مثال‌ها بشرح زیر عبارتند از:

DNb 51, 51f ciyākaram$^{a}$c$^{a}$iy$^{a}$ به جای c$^{a}$m$^{a}$iy$^{a}$ - برابر با .ciyākaram-ca-maiy.
A?P 22 im$^{a}$y$^{a}$ به جای iy$^{a}$m$^{a}$ برابر iyam.
XPf 25 dārayavahauš درحالت وابستگی: dārayavauš XPf 28, در حالت فاعلی
نسخه اصلی در هر دو جا، دارای v$^{a}$uš$^{a}$- بوده، و مصحح با یافتن اشتباه در بند ۲۸؛ آنرا

در واژه موجود در بند 25 نیز درج کرده است.

$k^u u\check{s}^a iy^a$ : یک اشتباه همانند؛ نبود a باید به واژه Kūšiya XPh 28, skudrā XPh 27 تسری داده می‌شد در حالیکه این امر شامل واژه $s^a k^u ud^a r^a$ شده است که پیش از واژه فوق آمده است.

$\check{s}^a r^a s^a t^a ib^a r^a$ : نسخه اصلی دارای šarastibara DNc 2, نوشته شده بصورت $ar^a s^a t^a ib^a r^a$=arstibara بوده، و در تلاش تغییر به $ar^a \check{s}^a t^a ib^a r^a$=arštibara ، کاتب نشانه نخست را به جای نشانه سوم تغییر داده است.

با $haxamān^a šiya$ A²Sa3 -$x^a m^a an^a$- به جای -$x^a am^a n^a$-.

daivadāvam XPhb 37f به جای صورت درست -dānam- در نسخه a ؛ $v^a$ به جای $n^a$ در پایان سطر ۳۷ آمده است، در واقع از سطر ۳۶ که در آن آخرین نشانه $v^a$ است، نسخه برداری شده است.

**پ ۵۲ ـ حذف نشانه‌ها:** موارد حذف در سطوح گوناگون واقع می‌شود.

I- نشانه‌های $iy^a$ در پایان یک واژه، گاهی پس از یک همخوان دارای a ذاتی حذف می‌شوند:

$t^a y^a$ = tya(iy) XPh 23; $an^a iy^a \check{s}^a c^a$=aniyašc(iy) XPh 41f; $p^a r^a iy^a it^a$=pariyait(iy)XPh 52.

$ap^a n^a y^a ak^a m^a$=apan$^a$yākama(iy) A²Sa 3; [$n^a y^a a$]$k^a m^a$=[$n^a$yā]kama(iy) A²Sa 4.

$p^a ar^a s^a$=(loc.)Pārsa(iy)AsH 3.

II- ‎-i- ممکن است در -aiy پایانی حذف شود:

auramazdā-tay DB 4.58 به جای -taiy.

maniyāhay DPe 20 به جای -haiy.

uta - may A²Sdc 4 به جای uta-maiy (مندرج در db) ، مقایسه شود با صورتهای مختلف dūraiy ، همراه با پی‌چسب apiy (پ ۱۳۶).

III- نشانه a گاهی اوقات، درجائیکه نشان دهنده بلندا باشد، حذف می‌شود:

duvitīyāmcă: ç[itāmcā (یا -mcă)]DB 52f.

XŠyănām DPh 1, DH 1, xšāāyaθiyănām A²Sc 2f, A³Pa 10

به جای -yānām.

avaθă XPf 30 به جای صورت متعارف avaθā.

auramazdăhā XPh 34,43,XPh 14,33,37,44, A[1]Pa 18f به جای -āhā.

ahăniy XPh 47, 48 (اول شخص مفرد التزامی) برابر با سنسکریت: ásani ؛ مگر اینکه ă به قیاس از ă در صورت‌های دیگر آمده باشد، همانند سوم شخص مفرد: ahatiy.

stūnāyă D[2]Sa 1, A[2]Hb، شاید حالت دری مفرد مونث به جای -āyā .

framătāram A[3]Pa 8 به جای صورت متعارف framātāram.

anăhită, anăh[a]tă در A[2]Sa, A[2]Sd, A[2]Ha به جای (اوستا): - anāhitā.

hyă uvaspā AmH 6 به جای hyā.

tyă ukārăm uvaspăm AsH 9f به جای tyām ukārām uvaspām (مقایسه شود با: پ ۵۶/V)

IV- به نظر می‌رسد که در avăhar[da]DB 2.94، نشانه a مبین افزونه، وجود ندارد. در مورد marda DB 5.11 که ظاهراً دارای افزونه است. مراجعه شود به: پ ۴۴ و نیز واژه‌نامه، زیر واژه -mard.

V- m پایانی در موارد زیر حذف شده است:

tuva XPh 46; XŠyānā A[2]Sb; apadāna A[2]Sa 3, A[2]Ha 5; ab[a]yapara A[2]Sa4.

برای تمام موارد به جز مورد آخر، صورتهای با -m، در قطعات دیگر دیده شده است. نیز مقایسه شود با: tya DB 4.89°,AsH 9,13° به جای tyām (پ 52/ III، پ V / ۵۶).

VI- نشانه‌های گوناگون، به شرح زیر حذف شده‌اند؛ ما در اینجا برای رعایت کوتاهی، نشانه‌های محذوف در واژه را، در پرانتز قرار می‌دهیم:

auramaz (d)ām DB 1.54f

u(t)ā DB 3.77,

ava (θ) ā DB 4.51 شاید

i (ya)m DB 4.89

در u]tā[na:n]āma DB 4.83، براساس KT، فاصله برای n[a]:n[a] ضرورت ندارد:

به جای $im^a$ DB 4.91 (Cameron) i(mā)m.

nabuku(d)racara DBi 5f.

[u]z(ma)yāpatiy DB 3.92; [uba(r)tām DB 4.88.

auramazdā(ma)iy DNa 50; ayā(ma)iniš DNb 59.

به جای $y^a d^i im^a n^a iy^a aiy^a$ XPh 47 yadi(y:)maniyā(ha)iy.

ahyā(yā) $A^2$Sdc 1 = ahyāyā $A^2$Sdb 1.

به جای utamaiy : kartam $A^2$Sdb4(-may dc) ut(ā: tya)maiy : kartam.

dārayava(u)šahyā $A^2$Ha 2,2°,4,4°.

marti(ya)hyā $A^3$Pa 4f; aθaga(i)nām $A^3$Pa 22.

VII- بنابر Bv. MSLP 23.182-3 ، در DB 1.66 ، یک حذف بسیار مهم صورت گرفته است، آنجا که به نظر وی باید بصورت adīnā : adam : kāram (patiyābaram : adam:) خوانده می‌شد. البته نظر و فرض وی ضروری نیست.

پ ۵۳ـ **افزایش نشانه‌ها:** تقریبا تمام مثال‌های افزایش، به نشانه a مربوط می‌شود:

avājaniyā DB 1.51,52 ، شاید بجای avajaniyā ، مقایسه شود با JAOS 62.274.

A Patiyābaram DB 1.68 ، شایدبه جای Patiyabaram ؛ مقایسه شود با JAOS 62.275.

hamātaxšatā DB 4.92 به جای -mat- ، همانگونه که در DB 4.65f آمده است.

hāxāmanišiya XPa 10f به جای haxāmanišiya.

āhām XPh 15f به جای āham.

akunauuš XSab 2 به جای akunauš همانگونه که در XSaa2 آمده است.

artaxšaçāhyā $A^2$Sa بند ۲ دو بار، به جای artaxšaçahyā (یا به گونه‌ای که در پ ۱۷۲ آمده است).

$XŠah^a y^a a$ = XŠāhyā $A^2$Sd 2 به جای $XŠh^a y^a a$=XŠhyā یا $XŠy^a h^a y^a a$ برابر با XŠyahyā.

akunavām $A^2$Sdb3 به جای akunavam.

gāstā $A^2$Sda4, db 4 به جای gastā (همانگونه که در $A^2$Sdc یا هرجای دیگر آمده است).

puçā $A^2$Hb به جای puça (پس از napā براساس Brd. WZKM 39.92).

pārsā AmH5 به جای pārsa.

asmānām $A^3$Pa 3 به جای asmānam.

گاهی صورتهای دوگانه‌ای نیز ظاهر می‌شود که یکی همراه با نشانه a و دیگری بدون نشانه a است، در این حالت این تردید پیش می‌آید که آیا هـر دو تـلفظ وجود دارد و یا اینکه یکی از دو صورت نوشتاری غلط است:

uvāipašiyam DB 1.47 ، در برابر uvăipašiyahyā DNb 15.

ciyākaram DNb 50,51,51f در برابر ciyăkaram DNa 39.

cišpāiš DB 1.5f در حالت وابستگی در برابر AmH3 ؛ cišpăiš DBa8 ، مقایسه شود با : پ IV / ۱۷۹ و نیز Lg. 19.222.

dahyāum DPd 15,18,DNa 53 در حالت مفعولی صریح، در برابر -y$^a$um$^a$ برابر با -yaum یا -yum ، در visadahy$^a$um$^a$ XPa 12, DHy$^a$um$^a$ $A^3$Pa 26.

در $A^2$Sb ، یک XŠ اضافی پس از XŠyānā نوشته شده است؛ این امر توجیهی ندارد مگر اینکه در واقع حکاک کتیبه واژه DHyūnām را بلافاصله پس از واژه اضافی XŠ حذف کرده باشد.

## پ ۵۴ـ تغییر نشانه‌ها از طریق حذف یا افزایش نشانه حاصل از چرخش قلم

گاهی با تغییر ارزش، اتفاق می‌افتد؛ اشتباه ممکن است یا در صورت کنده شده اصلی وجود داشته و یا در قرائت از سوی مشاهده کنند بعدی:

I- اشتباه حاصل از چرخش قلم وجود ندارد؛ صورت صحیح در آغاز داده شده است:

[a]tamaita DB 5.5 ، قـرائت پیشین [ m$^a$m$^a$it$^a$ ]، نگـاه کـنید بـه واژه‌نـامه.

θadayātaiy DSa 5 ، قرائت پیشین، -m$^a$iy$^a$ برابر با miy ؛ مقایسه شود با: Hz. ApI 156-8.

utava DB 4.71f ، به جای d$^a$t$^a$s$^a$ در KT.

abaraha XPh 17 بصورت ab$^a$r$^a$n$^a$ نوشته شده است.

θatagudaya، شاید قرائت شود به جای θataguiya A?P 11 ؛ نگاه کنید به واژه‌نامه.

II اشتباه حاصل از چرخش قلم زاید و افراطی است:

agaubatā DB 3.55, بنابر KT بصورت agaurata نوشته شده است.

abara DB 3.67 بنابر KT بصورت arara نوشته شده است.

akariyatā DB 3.92، بنابر KT بصورت asara نوشته شده است.

vikanāhy DB 4.71,73 بنابر KT بصورت -visa نوشته شده است.

vikanāhadiš DB 4.77 بنابر KT بصورت -visa نوشته شده است.

pasāva: had]ā: k[ārā DB 5.21، بنابر صورت تصحیح شده در KT : hadā: kār] ā: sa[kām.

farašama=frašam DSa 5 بیشتر از farašata=frašta، مقایسه شود با: Hz. ApI 156-8.

## پ ۵۵ـ اشتباهات نوشتاری گوناگون به شرح زیر عبارتنداز:

I- واژه قابل شناخت است، اما در قطعات دیگر بصورت چشمگیری از نوشتار شناخته شده متفاوت شده است.

šakauraima=škaurim DB 4.65 به جای sakauθaima=skauθim.

yadaiyaiša=yadaiyaiša XPh 39 به جای yadiiyaiša=yadiyaiša.

yadaaya=yadāyā XP 39 ظاهراً به جای yadātay.

viasapaa=viāspā A²Sdb 4 به‌جای visapaa=vispā (به گونه A²Sda,dc 4).

baumaama = būmām A³Pa 2 به جای baumiima = būmim.

šaayataama = šāyatām A³Pa 4 به جای šaiyaataima = šiyātim.

akuunaama=akunām XSc 3, A²Ha 5f (در این مورد تنها ām قابل رویت است) A²Sa 4,5, (بازسازی شده)؛ akuunaa=akunā A²Ha7 ؛ akuvanašaaša=akuvanašāša A²Sdc3 و) akuunavaama=akunavām A²Sdb3، نگاه کنید به پ ۵۳)؛ تمام این صورت‌ها به جای akuunavaama=akunavam.

akuunaša=akunaš A²Sa 3f, D²Sbb 3 به جای akuunauša = akunauš.

II واژه در خود دارای پیچیدگی و ابهام است:

DB 4.89 a+t^a^a+DB گونه‌ای که بوسیله KT قرائت شده، در حال حاضر نگاه کنید به قرائت کامرون.

DB 4.92 am^a^x^a^m^a^t^a^a، قرائت غلط بوسیله KT؛ قرائت درست بوسیله کامرون بصورت: a[ta]xšata (پ II /۱۰۳).

DNb 38 af^a^uv^a^ay^a^a ، شاید به جای aruvāya (JNES 4.44.52).

A¹I; b^a^at^u^ug^a^r^a : s^a^iy^a^m^a^m^a = bātugara : siyamam؛ واژه‌ها نامشخص.

A²Sd 3 j^i^v^a^d^i^iy^a : p^a^r^a^d^a^am^a=j^i^vadiy:paradayadām ؛ واژه‌هـــا نامشخص. تمام واژه‌های روی مهرهای b,c,d,e, نامشخص هستند.

**پ ۵۶ـ اشتباهات در نحو** یا نتیجه تحریر عمدی و آگاهانه صورتی است متفاوت با کاربرد واژه براساس ضرورت بافت متن مربوطه، و یا پیامد تحریر غلطی است که از روی تصادف، صورتی را خارج از ضرورت و اقتضای متن بوجود می‌آورد. از آنجا که هر دو مورد در فارسی‌باستان رخداده است، از این روی به شرح زیر طبقه‌بندی می‌شوند:

I- صورت فاعلی، در یک گروه دارنده دو واژه یا بیشتر، به عنوان بدل یا خبر برای اسمی در حالت دیگر و یا برای قید بکار رفته است. نگاه کنید به: پ ۳۱۲، پ ۳۱۳، پ ن/۲۴۷.

II- در نسب نامه اردشیر یکم، دوم وسوم، حالت فاعلی با استفاده غلط به جای حالت وابستگی و حالت وابستگی به جای حالت فاعلی به کار رفته است؛ این کاربردهای غلط تنها به عنوان نمونه‌های مربوط به ساخت بی تسلسل قابل توضیح هستند؛ نگاه کنید به پ ۳۱۳.

III- در کتیبه‌های DN و A?P، کنیهٔ سلاطین، گاهی به صورت جمع قومیت و با نام ایالت به جای قومیت به تحریر در آمده است؛ ما در زیر نمونه‌هایی را با ترجمه تحت‌اللفظی آورده‌ایم:

| | |
|---|---|
| DN xv iyam: sakā: tigraxa[udā] | این سکای تیز خود است |
| DN xxix iyam: maciyā | این اهل مَکَ است |
| A?P 9 iyam : zrakā | این زرنگی است |
| A?P 14 iyam : sakā : haumavargā | این سکای هوم نوش است |

A?P 15 iyam : sakā : tigraxa[ud]ā (همانند مورد فوق)

A?P 23 iyam : yaunā این ایونیایی است

A?P 24 iyam : sakā: paradraiya این سکای آنسوی دریاست

A?P 26 iyam:yauna:takabarā این ایونیایی (مفرد) سپردار (جمع) است

DN xvi [iyam : bā]biruš, A?P 16 iyam : bābiruš این بابلی است

IV- کاربرد ضمایر جمع مذکر با مراجعی بصورت اسم جمع چه مذکر و چه مونث، نمونه مشخص و محسوس‌تری را نسبت به اشتباه نحوی بدست می‌دهد؛ مثال‌ها در: پ III / ۲۵۸.

V- اشتباهات گوناگون مربوط به حالت‌های نحوی و جنسیت‌ها:

AmH2 pārsa به جای → loc.(§ 314b) ; 5 tya به گونه → asf (= tyām);
8f iyam dahyāuš, nom. بجای → loc. (§ 314b).

AsH 2 pārsa, nsm بجای → lsf (§ 52. I) ; 9f tya ukāram uvaspam,
nt. بجای → fem, tyā, tyām ukārām uvaspām

(احتمالاً از طریق تقلید عبارت پردازی موجود در DSf 11، جاییکه با xšaçam خنثی مطابقت دارد).

XPh 33 ava (به جای → avām) dahyāvam.

A¹I hya (nsm بجای → gsm.) imam (asm. بجای → nsm. iyam)
bātugara siyamam (asm. بجای → nsm.-ma).

A²Sc 4f [i]mām (asf. بجای → asm.ima) hadiš; 6 tya(بجای → asf.
tyām) aθagainām.

A²Sd 3 imām (asf. بجای → nsn.ima) hadiš.

A²Ha 7 imam (asm.بجای → asn. ima)tya; همچنین → A²Sa5(بازسازی شده).

A³Pa 22f imam ustašanām aθaganam (به جای → nom. iyam
uštašanā aθagainā) mām (شاید بجای → manā)upā mām kartā.

A³Pa 26 tya mām kartā (شاید بجای → manā kartam).

**پ ۵۷ـ گرایش به واژگان جدید در کتیبه‌های متأخر** پس از خشایارشا، ممکن است به عنوان اشتباهات جاری قلمداد شود، اگرچه قابل توجیه هستند. تمام ساخت‌های نو برای حالت وابستگی ـ احتمالاً پس از xšāyaθiyahyā در حالت

وابستگی، همراه با حالت‌های وابستگی نام سلطنتی که پیوسته بیکدیگر مربوطند، و artaxšaçahyā در حالت وابستگی در زیر آمده‌اند:

haxāmanišahyā AmH 3f.

dārayavaušahyā در → $A^1$I, $A^2$Sa, $A^2$Hc, و بازسازی شده در → $A^2$Sc;
dārayavašahyā در → $A^2$Ha.

xšayāršahyā در → $A^1$Pa, $A^1$I, $A^2$Ha; xšayārcahyā (§ 49b) در → $A^2$Sa; Xšyāršāhyā (§ 187) در → $A^2$Hc.

# فصل III : نظام آوایی

پ ۵۸ـ **آواهای هندواروپایی آغازین** که تداوم تاریخی آنها را می‌توان در فارسی‌باستان ردیابی کرد، بشرح زیر عبارت بوده‌اند از:

| | | ساده | نیم‌همخوانی |
|---|---|---|---|
| I- | واکه‌ها: | | |
| | کوتاه: | e o a | i u r̥ l̥ m̥ n̥ |
| | خفیف: | ĕ ŏ ə | |
| | بلند | ē ō ā | ī ū r̄ l̄ m̄ n̄ |

| | | | |
|---|---|---|---|
| II | واکه‌های مرکب: | | |
| | کوتاه: | ei oi ai əi | eu ou au əu |
| | بلند: | ēi ōi āi | ēu ōu āu |

III همخوان‌ها:

| | بی‌واک | | واکدار | | |
|---|---|---|---|---|---|
| | نادمیده | دمیده | نادمیده | دمیده | |
| انسدادی‌ها | | | | | غنه‌ای‌ها |
| لبی | p | ph | b | bh | m |
| دندانی | t | th | d | dh | n |
| کامی | k̑ | k̑h | ĝ | ĝh | ñ |

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| نرمکامی ساده | q | qh | g | gh | |
| لبی ـ نرمکامی | $q^u$ | $q^uh$ | $g^u$ | $g^uh$ | $\eta$ |

**خوشه‌ها**

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| دندانی | tst | tsth | dzd | dzdh |

**آواهای پیوسته (واکدار، به جز s)**

| | | |
|---|---|---|
| صفیری‌ها | s | z |
| روان‌ها | | l r |
| نیم واکه‌ها | | i u |

ملاحظاتی در مورد فهرست آواهای هندواروپایی آغازین:

**الف ـ** من از این فهرست موارد زیر را حذف کرده‌ام:

الف) آواهای متعلق به «بروگمان(۱)»، یعنی þ Þh ð ðh [۲۴]، آواهایی با طبیعت پیچیده، که برای توجیه و توضیح ظهور انسدادی‌های دندانی در زبان یونانی، همانند صفیری‌ها در زبان‌های دیگر هند و اروپایی بر آورد شده‌اند.

ب) آواهای پیوسته پیش دمیده و z متعلق به استورتوانت[۲۵](۲)، که تنها ویژگی‌های معینی از تحول را در زبان یونانی توضیح می‌دهد.

پ) آواهای sh و zh متعلق به «بروگمان[۲۶]»، از s پس از انسدادی‌های دمیده بی‌واک و واکدار، تولید غیر مشخصی که در هر زبان هندواروپایی ظاهر می‌شود.

ت) ñ و $\eta$ واکه‌ای کوتاه و بلند، زیرا این‌ها، آواهای واجی نبوده، و نیز به سبب نادر بودن در سطح گسترده‌ای از واژه‌های فارسی باستان ظاهر نمی‌شوند.

**ب ـ** تمام آواهای بر شمرده در فهرست، واجی نبوده‌اند:

ñ و $\eta$ تنها از یک آوای غنه‌ای قرار گرفته پیش از، بترتیب، انسدادی‌های کامی و

---

۱. Brugmann

۲. sturtevant

نرمکامی تحول یافته‌اند؛ z تنها از s پیش از انسدادی‌های واکدار و پس از انسدادی‌های دمیده واکدار، و در خوشه‌های دندانی واکدار، تحول یافته است.

پ ـ نیازی به نشانه‌ای ویژه برای نشان دادن آوای نرمکامی g نیست، زیرا تحولات زبان آریایی (پ I-III /۷۳)آوای نرمکامی g را از آوای کامی g متمایز می‌سازند.

ت ـ خوشه‌های دندانی، یعنی خوشه‌هایی که هریک دارای سه واج بوده و در تحولات خود در زبانهای جدا از هم، دارای چنان خصوصیت ویژه‌ای بوده‌اند که بتوانند در فهرست جایی را بخود اختصاص دهند؛ این خوشه‌ها در دوره هندوحِتی آغازین[۳]، از ترکیبات زیر بوجود آمده‌اند:

tst < t-t d-t

tsth <th-t th-th t-th d-th

dzd<t-d d-d

dzdh<dh-t dh-th dh-d dh-dh th-d t-dh th-dh d-dh

مهمترین این موارد، ترکیبات t d dh با t مربوط به یک پسوند است.

ث – «واکه‌های تخفیف یافته»، b تخفیف یافتهِ e است؛ ŏ تخفیف یافتهِ o است؛ ə تخفیف یافتهِ ē ō ā، یعنی رشته‌های گردش یافته IV-VI، (پ ۱۲۱) است

پ ۵۹ـ **آواهای فارسی‌باستان** در یک تحریر عادی سازی شده، با بهره‌گیری از نشانه‌های زیر، نشان داده می‌شوند:

| | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| واکه‌ها: | ū | ī | ā | u | i | a |
| واکه‌های مرکب: | āu | | āi | āu | | āi |

انسدادها و سایشی‌های همانند و غنه‌ای‌ها:

---

۳. Pre-Indo-Hittite

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| لبی | m | f | b | | p |
| دندانی | n | $\theta$ | d | | t |
| کامی | | | j | | c |
| نرمکامی | | x | g | | k |
| صفیری‌ها | z | ç | š | | s |
| آواهای پیوسته دیگر | h | v | y | l | r |

البته آواهای نشان داده شده با این علایم، نمی‌توانند از دقت کامل برخوردار باشند، اما در مجموع آنها معمولاً با همین نشانه‌ها ارائه می‌شوند، مضافاً بر اینکه محدودیت‌های زیر نیز در مورد آنها وجود دارد:

الف) b d g ، هنگام قرارگرفتن در میان دو واکه، احتمالاً سایشی‌های واکدار بوده‌اند تا انسدادی‌های واکدار[۲۷].

ب) c j انسدادی نبوده‌اند، مگر č و ǰ انسدادی ـ سایشی (همانند church و judge در زبان انگلیسی)؛ اما j نشانگر آوای ž نیز بوده است (همانند آوایی که در واژه azure وجود دارد).

پ) f $\theta$ x ، سایشی‌های بیواک بوده‌اند.

ت) ç در میان آوای دندانی s و آوای لثوی š ، یک آوای صفیری بیواک بوده است.

ث) v، نیم واکه لبی واکدار بوده است، همانند آوایی که در واژه انگلیسی we وجود دارد.

ج) آوای r̥ بوسیله نشانه $r^a$ که نشانه a یا یک نشانه همخوانی دارای a ذاتی بر آن مقدم شده باشد. نشان داده می‌شد، و نیز از نظر تحریری، از واحد آوایی ar متمایز بوده است؛ نگاه کنید به: پ ۲۹.

چ) برای آواهای دیگر موجود در زبان گفتاری که در خط نشان داده نمی‌شوند، نگاه کنید به: پ ۲۷، پ ۲۸، پ ۳۹، پ ۴۰، پ ۱۰۳/II، پ ۱۱۸/ II.

ح) جزئیات دیگر، در رابطه با پیشینه آواهای مورد نظر، ارائه خواهد شد.

خ) در مورد جایگاه و طبیعت تکیه هجایی در فارسی‌باستان، هیچگونه مدرکی وجود ندارد، به جز حضور واژه‌های دارای پی‌چسب که نشان می‌دهند تکیه‌ای وجود داشته است.

## پ ۶۰ـ جایگاه آواها و خوشه‌های آوایی در واژه‌های فارسی‌باستان.

I- واکه‌های ă ā ĭ ī ŭ ū ṛ و نیز واکه‌های مرکب ăi āi ău āu، ممکن است در هر جایی از واژه ظاهر شوند. نمونه‌های بسیار گسترده‌ای از ظهور آغازین ă ā ĭ ŭ ṛ ظهور میانی همه موارد و نیز ظهور پایانی ă ā ĭ ī ŭ ăi ău، ăi ău وجود دارد.

II- همه همخوان‌ها در موضع آغازی پیش از واکه‌ها ظاهر می‌شوند به جز f؛ نیز همه آنها در موضع میانی، بین دو واکه ظاهر می‌شوند.

III- خوشه‌های دو همخوانی زیر در موضع آغازی پیش از واکه‌ها ظاهر می‌شوند: xr xš dr dv fr br sk st sp zr hy ; ty تنها در موضع آغازی بن -tya می‌آید (نگاه کنید به: واژه‌نامه، زیر واژه مربوطه). xšn تنها خوشه سه همخوانی در موضع آغازی است.

IV- خوشه‌های دو همخوانی زیر در موضع میانی، بین واکه‌ها ظاهر می‌شوند:

xt xθ* xn xm* xr xš, gd gn gm gr, jy, tp* tr*, θb* θm θr*, dr dv, ny nv, fr, br, mn my, rk rx rg rc rj rt rθ rd rn rb rm ry rv rs rš, ld*, st sp sm, šk šc št šd* šn šp šm šy šv, zd zb zm zr, hy

در خوشه‌های nk nx* ng nt nd mp mb hm hv، هنگام ظهور در عمل، آوای پیشین، در نوشتار حذف می‌شود. در مورد خوشه‌های مشخص شده با علامت * باید گفت: θb از طریق ساخت‌های قیاسی ظاهر می‌شود؛ xθ تنها در یک واژه غیر قابل توضیح؛ xm و θr و zb تنها در واژه‌های مادی؛ xn تنها در یک نام سکایی؛ tp, tr, ld، تنها در نام‌های غیر ایرانی مکان و اشخاص؛ šd تنها در نوشته‌های بظاهر مخدوش، می‌آید.

V- خوشه‌های سه یا چهار آوایی در موضع میانی، میان دو واکه، بشرح زیر ظاهر

می‌شوند:

xšn؛ منتقل شده از موضع آغازی (III)؛ xtr و xštr، که مادی هستند؛ ngm، نوشته شده بصورت rvy; ršy, ršn, ršt ; gm، که مورد اخیر از نظر آوایی rviy است.

VI- در موضع پایانی، فقط همخوان‌های تنها یافت می‌شوند، و از بین آنها، تنها m r š، به نوشتار در می‌آیند؛ اما ویژگی‌های خط نشان می‌دهد که n,d,t پایانی (از n و nt) و h (از s پس از ā آریایی آغازین)، با تلفظی ضعیف (یا بعبارتی دیگر تلفظ کمینه یا خفیف)، تنها در گفتار باز مانده‌اند.

پ ۶۱ـ **e o a هندواروپایی آغازین** همه با هم به یک آوای a در آریایی آغازین تبدیل شده‌اند و این وضعیت، بدون دگرگونی، همچنان در ایرانی آغازین و نیز فارسی‌باستان بر جای مانده است[۲۸]:

*ebherom, OP abaram, Skt. ábharam, Gk. ἔφερον.

*eḱuom, OP asam, Skt. ásvam, Lt. equom.

*pro, OP fra-, Skt. prá, Gk. πρὸ.

*apo, OP prefix apa-, Skt. ápa, Gk. ἀπὸ «از», Lt. ab.

*akmōn-, OP acc. asmānam, Skt. ásmānam, Gk.nom. ἄκμων «سندان».

در تعدادی از واژه‌ها، تشخیص این امر که ă فارسی‌باستان تحول یافته کدامین واکه هندواروپایی آغازین است، غیر ممکن می‌باشد؛ در این حال، تصور یک آوای هم خانواده ولی غیر آریایی، از زبانی که تمایزات را میان واکه‌های اصیل حفظ می‌کند، الزامی است، باستثنای جائیکه یک واکه پیشین هندواروپایی آغازین، یک آوای نرمکامی انسدادی مقدم را کامی کرده و بدین ترتیب ماهیت اصیل خود را نشان داده باشد (پ III /۷۳).

ă پایانی در فارسی‌باستان بطور مطلق ā ـ نوشته می‌شده؛ و با افزایش نشانه a گویی به بلندا مبتلا می‌شده است. این پدیده در جاییکه ă ـ بوسیله یک همخوان کمینه نانوشتاری پیرو، حفظ می‌شد، به کار نمی‌رفت. نگاه کنید به : پ I/۳۶، پ ۴.

برای -ay- تبدیل شده به -aiy- و -av- تبدیل شده به -auv-، نگاه کنید به: پ ۴۸؛ برای ادغام و اختصار ahah به āh پس از فقدان h ناهمگون شده پیشین، نگاه کنید به: پ ۱۳۱.

**پ ۶۲ـ ē ō ā هندواروپایی آغازین** نیز همانند واکه‌های قرینه کوتاه خود، همگی به ā آریایی آغازین تبدیل شده و با همین ارزش در فارسی‌باستان بازمانده‌اند:

*e-dhē-t, OP adā او ساخت, Skt. ádhāt, Lt. fē-cit.

*mātē[r], OP - mātā, Skt. mātā, Gk. (Dor.) *μāτηρ*.

ریشه → *dō-, OP dadātuv, باشد که بدهد, Skt. dádātu, cf. Gk. *διδωμι*, می‌دهم

subj.*gnō-skē-ti,OP xšnāsātiy,باید بداندLt.(fut.)nōscet خواهد آموخت

*bhrātēr, OP brātā, Skt. bhrātā, Gk. *φρāτηρ* برادر قومی:

برای tē [r] - یا tēr -، نگاه کنید به: پ ۱۶۸/II.

## پ ۶۳ـ واکه‌های خفیف هندواروپایی آغازین.

I- ŏ هندواروپایی آغازین، تخفیف یافته e کامل، و ŏ تخفیف یافته o کامل بوده است، در آثار بازمانده فارسی‌باستان، این واکه‌ها، بطور متقاعدکننده‌ای، تنها به صورت واکه پیش از یک آوای روان یا آوای غنه‌ای بعلاوه یک واکه دیده می‌شوند، البته در مواضعی که انتظار می‌رود در آنها، آوای روان یا غنه‌ای، صرفاً با ارزش واکه‌ای بکار رفته باشند. نمونه‌های مربوط به ŏ در رابطه با l و r واکه‌ای و همچنین m و n واکه‌ای ارائه شده است (پ ۶۶/II، پ I-II /۶۷)؛ در زیر مثال‌های احتمالی مربوط به ŏ آمده است، در حالیکه، به نظر می‌رسد که زبان‌های دیگر، بویژه u سنسکریت نشان می‌دهند که فرایند تخفیف از o ناشی شده است تا e.

*pŏros, OP para, Skt. purás, Gk. *πάρος*.

*pŏlu-, OP paru-, Skt. purù-, Gk. *πολùς*.

II- ə هندواروپایی آغازین، تخفیف یافته ē یا ō یا ā بوده است؛ این واکه در آریایی آغازین به i ، ولی در تمام شاخه‌های دیگر هندواروپایی به a تبدیل شده است[۲۹].

*pətē[r], پدر, OP pitā, Skt. pita/ā, Gk. *πατηρ*.

*sedəs, OP hadiš اما، محل سکونت → *sedos, Gk. *εδος* محل نشستن

$^*$menəs, OP-maniš اما، در نامهای شخصی → $^*$menos, Gk. μενos .نیرو(ی روح)
در hadiš و -maniš ، ə با یک واکه کوتاه تفاوت دارد، بطوریکه مبین اصل دیگری است؛ بهرحال مسئله پیچیده‌تر از آن است که بتوان در این‌جا، بحث بسنده‌ای را مطرح ساخت.

اما ə هندواروپایی آغازین، پیش از i یا u متعلق به یک هجا یا هجای بعد، به a تبدیل می‌شود، حتی در آریایی آغازین، نگاه کنید به: پ ۷۱.

پ ۶۴ـ **u و i هندواروپایی آغازین** در زبانهان گوناگون، دستخوش دگرگونی‌های بسیاری قرار گرفته‌اند؛ این واکه‌ها در فارسی‌باستان دست نخورده ظاهر می‌شوند:

$^*$q$^u$id, OP -ciy, Skt. cid, Gk. ιι چه ، Lt. quid.
$^*$peri, OP pariy, Skt. pári, Gk. περι پیرامون.
$^*$esisteto, OP a$^h$ištatā, cf. Skt. átiṣṭhata.
$^*$su-(صفت، قید)-خوب، OP u-fraštam, Skt. su-, Gk. ù-γιηs سالم.
$^*$putlo-, OP puça, Skt. putrá-, Osc. puclo-.
$^*$susko-, OP $^h$uška-, Skt. suṣka-, Lith. sausa-s خشک.

در فارسی‌باستان i-پایانی پیوسته از سوی y$^a$ و u-پایانی بوسیله v$^a$ دنبال می‌شده است؛ و این امر یک واقعیت بوده اعم از اینکه i و u یک واکه ساده بوده باشد و یا بخشی از یک واکه مرکب. نگاه کنید به: پ ۳۷، پ ۳۸.
در مورد شیوه نوشتار i و u در فارسی‌باستان و نیز بی‌قاعدگی‌های مربوط به آن، نگاه کنید به: پ ۲۲؛ در مورد شیوه نوشتار hi و hu ، نگاه کنید به : پ ۲۷، پ ۲۸.

پ ۶۵ـ **ū و ī هندواروپایی آغازین** در بیشتر زبانهای هندواروپایی، از جمله فارسی‌باستان، بدون تغییر بازمانده است؛ اما به سبب طبیعت نظام نوشتاری فارسی‌باستان، با استثناهایی نادر و نیز از طریق ملاحظات واژه شناختی، از ǐ و ŭ متمایز می‌شوند:

$^*$g$^u$īuos زندگی, OP jīva, Skt. jīvás, Lt. vīvos.
$^*$dhī-dhi (§126), OP imv. dīdiy ببین, cf. NPers.

dīdän, دیدن،Skt. ریشه → dhī فکر کردن.

*bhūmi-, OP acc. būmim زمین، Skt. bhūmim.

pAr. *dūra-, OP قید → dūraiy دور، Skt. dūrā دور.

برای کاربرد گاهگاهی $uv^a$=uv و نیز کاربرد احتمالی $iy^a$=iy، برای دلالت بر ū و ī، نگاه کنید به: پ ۲۳.

پ ۶۶ـ **l̥ و r̥ هندواروپایی آغازین** هردو با هم به r̥ آریایی آغازین تبدیل شده‌اند که در سنسکریت و نیز ظاهراً در فارسی‌باستان دست نخورده بازمانده‌اند، اگرچه صورت نوشتاری آن با $r^a$ که a یا یک همخوان دارای a ذاتی بر آن مقدم شده باشد، نشان داده می‌شود: بدین ترتیب $k^ar^at^am^a$، صورت عادی شده kartam، می‌شود kr̥tam، سنسکریت، kr̥tám؛ - $ar^at^a$، صورت عادی شده -arta، می‌شود r̥ta. برای جزئیات نگاه کنید به: پ ۳۵ـ۲۹.

I- ظاهراً r̥ هندواروپایی آغازین در فارسی‌باستان، پیش از n به u تبدیل شده، اگرچه این ارزش تنها در ساخت‌های ـ kar «ساختن، کردن»، دیده می‌شود؛ و این تحول خاص را باید بیشتر به تاثیر افعال دیگر که در ریشه، پیش از پسوند -nau- دارای u هستند، نسبت داد[۳۰].

آریایی آغازین: *kr̥nauti، فارسی‌باستان: kunautiy، سنسکریت: kr̥ṇóti؛ و نیز ساخت‌های دیگر زمان حال و ماضی استمراری، همانند، اول شخص مفرد ماضی‌استمراری: akunavam، اول شخص مفرد وجه التزامی میانه: kunavānaiy و غیره؛ و همچنین از طریق گسترش در ماضی نامعین قوی: سوم شخص مفرد میانه akutā و غیره.

II- هنگامیکه r̥ (با هر خاستگاهی)، بنا بر ضرورت، پیش از یک واکه قرارگیرد، باید یا بصورت همخوان r در آید و یا بصورت واکه تخفیف یافته بعلاوه همخوان r. ترکیب اخیر[۳۱] در فارسی‌باستان به صورت -ar- ظاهر می‌شود:

pIE *gh'l̥-enio-, OP daraniya- طلا، Skt. hιraṇya-

pIE *e-kr̥riionto, OP akariya$^n$tā, cf. Skt. ákriyanta.[۳۲]

چنین به نظر می آید که پیش از i و u، همان تحولی صورت گرفته باشد که پیش از یک واکه صورت می‌پذیرد؛ ممکن است که akariya$^n$tā فارسی‌باستان،

بیشتر بر e*kbrionto استوار باشد.

**پ ۶۷ـ n̥ و m̥ هندواروپایی آغازین** در آریایی آغازین پیش از همخوان‌ها به a تبدیل شده است:

*m̥bhi, OP abiy, Skt. abhí, oHG umbi (اما نگاه کنید به: واژه‌نامه زیر مدخل abiy).

*km̥tom, 100 → در Θata-guš (ریشه‌شناسی نامعلوم،نگاه‌کنیدبه واژه‌نامه،زیر مدخل مربوطه).

*bhn̥dh-to-, OP basta- (§85), Skt. baddhá-, cf. Eng. bound.

*n̥ پیشوند نفی → a-xšaina-, a-xšata-, etc.

*sm̥-dhe, OP hadā, Skt. sahá با.

I- n̥ و m̥ هندواروپایی آغازین، پیش از یک واکه یا i یا u ، باید همانند r̥ (پ ۶۶/II)، بصورت ъn و ъm ظاهر شوند،که در این صورت در فارسی‌باستان به an و am ، تبدیل می‌شوند:

*guъm-iēt، سنسکریت: gamyāt ، فارسی‌باستان: ā-jamiyā «ممکن است بیاید»، (با j قیاسی، پ ۱۰۱).

پیشوند نفی -ъn* ، در an-āhitā (در نوشتار، بسیار، نگاه کنید به واژه‌نامه)، «ایزد بانوی پاک»

در a-yāu(ma)iniš ، منفی yāumainiš ، پیشوند، در ساخت پیش همخوانی نیز تعمیم یافته است.

II- n̥ و m̥ هندواروپایی آغازین، هرگاه در جایگاه پایانی واژه قرار گیرند، به a آریایی آغازین تبدیل می‌شوند، که البته در فارسی‌باستان بصورت ā نوشته می‌شده است (پ ۳۶/I).

acc. *nōmn̥, نام، OP nāmā, Skt. nāma, Lt. nōmen.

اما اگر m̥ ـ، پایانه حالت مفعولی صریح مفرد یک اسم و یا پایانه اول شخص مفرد یک فعل قرار می‌گرفت، آنگاه ارزش am- به جای ъm-که درست پیش از واکه آغازین واژه بعدی قرار داشت تعمیم می‌یافت: بی‌تردید. این am-، بصورت عادی، از طریق تاثیر همزمان am- در حالت مفعولی صریح مفرد بن‌های مختوم به ŏ- و نیز در صیغه اول شخص مفرد ماضی استمراری افعال

تماتیک تثبیت می‌شده است:

acc. viθ-am, asmān-am; cf. kāra-m, martiya-m.

*ēs-m̥ «من بودم» OP āh-am, Skt. ās-am, Gk. (Hom.)

ῆ-a; cf. OP abara-m, Skt. ábhara-m, Gk. ἔφερο-ν.

پ ۶۸ ـ **n̥ ، m̥ ، l̥ ، r̥ هندواروپایی آغازین** به واکه‌های کوتاه هندواروپایی آغازین قرینه، مانند ū ، ī تا ŭ ، ĭ ، مربوطند؛ دو مورد نخست در فارسی‌باستان به ar ، در سنسکریت به īr یا ūr ، و دو مورد بعدی در فارسی‌باستان و سنسکریت بطور همانند به ā تبدیل شده است. در این زمینه، تنها چند مثالی را می‌توان، آنهم همراه با برخی احتمالات، برپایه معادل‌های سنسکریت شناسایی کرد:

*dl̥gho «دراز» ، فارسی‌باستان :dargam ، سنسکریت: -dīrghá ، یونانی :δολιχὸs .

*gᵘm̥ - tu - «جا، مکان» ،فارسی‌باستان: -gāθu , سنسکریت: -gātù , باریشه -gᵘem*

«آمدن»

*e-gn̄-nā-t «او دانست»، فارسی‌باستان: adānā, سنسکریت: ájānāt, با ریشه -gnō*، مگر اینکه این زمان ـ ساخت در حقیقت -gnō-nā* ، با فقدان n ناهمگون شده پیشین آریایی آغازین باشد.

*pr̄uom ، فارسی‌باستان: paruvam "قبلاً"، سنسکریت: pūrvam.

پ ۶۹ ـ **واکه‌های مرکب کوتاه مختوم به i هندواروپایی آغازین** یعنی oi, ai , ei[۳۳] ، همگی در آریایی آغازین به ai تبدیل شده‌اند که در فارسی‌باستان نیز باقی مانده است[۳۴]، اما در اوستا به aē یا ōi و در سنسکریت بصورت e دگرگون شده‌اند. این واکه‌ها در یونانی به طور متمایز و تقریباً بدون تغییر مانده و در لاتین، به ترتیب به ae, ū یا oe,ī تغییر یافته‌اند. ابهام در نوشتار فارسی‌باستان، مشکل چشمگیری را در تشخیص این واکه‌ها بوجود می‌آورد؛ اما $j^a\ d^a\ m^a\ v^a + i$ واکه‌های مرکب را نشان می‌دهند، زیرا نشانه‌های ویژه‌ای چون $j^i\ d^i\ m^i\ v^i$ وجود دارد که نوعاً پیش از واکه ساده i به کار می‌روند. علاوه بر این، kai و gai، نیز، معرف ai و oi اصیل هستند؛ همچنین صورت cai و jai

هنگامی بدست می‌آید که واکه مرکب اصیل ei بوده باشد (پ ۹۸).
*eitiy «او میرود»، aitiy, Skt. éti, Gk. ετσι.
*ne - id «نَـــه»، OP naiy, Av. nōit, Skt. néd, cf. Lt. ne - در → nescio من نمی دانم.
*oiuos «یک»، OP asm. aivam, Av. nsm. aēvō, Gk. (Hom) οἶος تنها,
*moi «به من»، OP maiy, Skt. me, Gk. μοι.
نیز vaināhy, Skt. ind. vénati ; hainā, Skt. sénā; aita, duvaištam, gaiθām, naibam, -taiy, -šaiy, tyaiy.
در مورد نشانه ai برای a پیش از y، نگاه کنید به: پ ۴۸؛ در مورد نشانه aiy ـ برای ai ـ پایانی، نگاه کنید به: پ ۳۷؛ برای برابری نشانه $h^{ai}$ با hai و نه hi، نگاه کنید به: پ ۲۷.

**پ ۷۰ ـ واکه‌های مرکب کوتاه مختوم به u هند و اروپایی آغازین** یعنی ou, eu au,[۳۵] همگی در آریایی آغازین به au تبدیل شده‌اند که در فارسی‌باستان نیز باقی مانده است[۳۶]، اما در اوستا به ao یا əu، و در سنسکریت بصورت o دگرگونی یافته‌اند؛ این واکه‌ها در یونانی بنابر ضرورت، بی‌تغییر مانده و در لاتین به ترتیب بصورت ū ū au ظاهر شده‌اند. این واکه‌های مرکب، نسبت به واکه‌های مرکب مختوم به i، دارای بسامد ظهور کمتری هستند، و نیز تمایز آنها از یکدیگر به سبب عدم وجود دلیلی آشکار، بسیار دشوار است. اما در فارسی‌باستان، یک واکه مرکب، از طریق کاربرد یک همخوان دارای a ذاتی پیش از u، بطور قطع مشخص می‌شود. البته اگر همخوان قرینه دارای u ذاتی (k,g,t,d,n,m,r) نیز وجود داشته باشد؛ آوایی همانند g,k، پیش از e اصیل، کامی می‌شوند (پ ۹۸) و au پس از k یا g باید از ou یا au هندواروپایی آغازین ناشی شده باشد.

پسوند - neu- در → OP kunautiy «او می سازد»، Av. kərənaoiti, Skt. kr̥nóti.
*leukes, OP rauca «روز»، Av. raočō, Skt. rocas- «روشنی».
*dhroughos, OP drauga «دروغ»، Av. draoγō, Skt. drógha-s.
OP kaufa, «کـــــوه»، Av. kaofō; gaušā «دو گـــــوش»، Av. gaoša;

$tau^h m\bar{a}$، فامیل، Av. taoxman-; hauv 'او، این'، cf. Gk. ou-tos.

در مورد نشانه au برای a پیش از v، نگاه کنید به: پ ۴۸؛ در مورد نشانه auv- برای au- پایانی، نگاه کنید به: پ ۳۸، برای برابری $h^a u$ با hau و نه hu، نگاه کنید به: پ ۲۸. معمولاً به جای $a^h u$، بطور آشکار au قرار می‌گیرد، همانند:

$a^h$ uramazdā, Av. ahurō mazdā, Skt. ásura-s; nom. dārayava$^h$uš, اما → gen. dārayavahuš.

**پ ۷۱ـ واکه‌های مرکب کوتاه əi و əu هندواروپایی آغازین** پیوسته بصورت ai و au هندواروپایی آغازین تحول می‌یابند و تنها از طریق ملاحظات ریشه شناختی قابل تمایزند؛ این واکه‌ها فقط به عنوان درجه صفر واکه‌های مرکب بلند به وجود آمده‌اند. به همین نحو، ə هندواروپایی آغازین نیز در آریایی آغازین به a پیش از **i یا u** هجای بعد، تبدیل شده است. تقریباً یک مثال قطعی در بن مضارع -paya (apayaiy "من محافظت کردم"؛ pati-payauvā "تو از خودت محافظت کن") به عنوان گونه‌ای از -pā (pātuv "ممکن است او محافظت کند"، و غیره). دیده می‌شود؛ از آنجا که -pā به اعتبار واکه، دارای درجه عادی به نظر می‌رسد (نیز بنابر گواهی سنسکریت)، از این رو، -paya باید در برابر -pə-ie* باشد. به همین نحو، چنانچه ـ xšnau در ā-xšnautiy "او راضی می‌کند" (همچنین مقایسه شود با درجه صفر در xšnuta "راضی") گسترشی از ریشه xšnā "آموختن" (از *gnō؛ نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر واژه -xšnav)، باشد، بنابراین باید در برابر -gnəu* قرار گیرد.

**پ ۷۲ـ واکه‌های مرکب بلند هندواروپایی آغازین** در فارسی‌باستان بصورت āi و āu، در برابر واکه‌های مرکب کوتاه ai و au، ظاهر می‌شوند؛ این واکه‌ها در نوشتار به سادگی از هم متمایز می‌شوند، مگر هنگامی که در جایگاه آغازی قرار بگیرند که در این صورت، در این جایگاه دارای ابهام شده و با واکه‌های مرکب کوتاه اشتباه گرفته می‌شوند. در زیر موارد ظهور این واکه‌ها آمده است: uvāipašiyam «خویش»، مقایسه شود با: uvaipašiyahyā، با واکه مرکب کوتاه (نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر واژه مربوطه).

ریشه - ei* «رفتن»، با افزونه، در āiš «او رفت»، ظهور āi از طریق صورت مرکب atiy-āiš «او بعد رفت»، تحقق یافته است.
ریشه eis* «با شتاب رفتن»، با افزونه در وجه سببی frāišayam «من به جلوگسیل داشتم» از fra-āišayam*.
θāigarcaiš، نام ماه در حالت وابستگی مفرد، با ویژگی vriddhi (پپ ۶-۱۲۵) در هجای نخست؛ ویژگی ریشه شناختی آن نامعلوم است.
dahyāuš در حالت فاعلی و dahyāum (قلمرو) در حالت مفعولی صریح، با بلندای واکه مرکب بن در حالت‌های فوق.
اما āi در cišpāiš و نیز در cicixrāiš در حالت وابستگی، تنها یک نشانه نوشتاری است، مراجعه شود به: ۱۷۹/IV؛ aniyāuva,maškāuvā به جای $a^{-h}uvā$ -، برابر با سنسکریت āsu - به علاوهٔ پی‌چسب ā- ، می‌آید؛ paišiyāuvādāyā نیز احتمالاً به جای $paišiyā-^{h}uvādāyā$ می‌آید.

## پ ۷۳ - همخوان‌های انسدادی هندواروپایی آغازین در آریایی آغازین:

همخوان‌های انسدادی هندواروپایی آغازین در گذر به آریایی آغازین دستخوش تحولات کلی معینی قرارگرفته‌اند که به شرح زیر عبارتند از:

I- همخوان‌های انسدادی کامی هندواروپایی آغازین به همخوان‌های صفیری آریایی آغازین یعنی (s, sh, zh) تبدیل شده‌اند.

II- همخوان‌های لبی ـ نرمکامی هندواروپایی آغازین، ویژگی لبی خود را از دست داده، و با همخوانهای نرمکامی هندواروپایی آغازین، مجموعه جدیدی از نرمکامی‌ها را (q,qh,g,gh) بوجود آورده‌اند.

III- مجموعه جدید نرمکامی‌ها، متناسب با طبیعت آواهای زیر، خود به دو مجموعه تقسیم می‌شود: کامی (c,ch,g,gh)، چنانچه پیش از ē,ī,i هندواروپایی آغازین قرار گیرند؛ نرمکامی‌ها (k,kh,g,gh) ، چنانچه پیش از آواهای دیگر قرار گیرند.

IV- در هندی آغازین (و نیز بطور جدا در یونانی آغازین)، از میان دو آوای انسدادی دمیده که هر دو در یک واژه قرار داشته و دستکم از سوی یک واکه از یکدیگر جدا شده باشند، آوای مقدم دمیدگی خود را از دست می‌دهد؛ این فورمول

تحت عنوان «قانون گراسمن» شناخته شده است. مثال‌های مربوطه را می‌توان در: پ ۷۵/III، پ ۷۶/III، پ ۱۰۱، یافت. اگرچه این دگرگونی نه در آریایی و نه در ایرانی، رخ نداده است، اما مطرح شدن آن در اینجا به سبب درک دقیق واژه‌ها و ساخت‌های سنسکریت است که این قاعده در آنها عمل کرده است.

V- لازم بـه ذکـر است کـه تـقریباً در تـمام مـواقـع، رونـد عـمومی کـهنی کـه در هندواروپایی آغازین عمل کرده، پیوسته بـه عـملکرد خـود ادامـه داده است: انسدادی‌های واکدار و z، که پیش از انسدادی‌های بی‌واک یا s قرار، بی‌واک و انسدادی‌های بی‌واک و s، که پیش از انسدادی‌های واکدار یا z قرار گرفته واکدار شده‌اند.

VI- بدین ترتیب، آریایی آغازین، از انسدادی‌های هندواروپایی آغازین، مجموعه آواهای زیر را ذخیره کرده است:

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| انسدادی‌های لبی | p | ph | b | bh |
| انسدادی‌های دندانی | t | th | d | dh |
| صفیری‌های کامی | s | sh | z | zh |
| انسدادی‌های کامی | c | ch | g | gh |
| انسدادی‌های نرمکامی | k | kh | g | gh |

## پ ۷۴ – همخوان‌های انسدادی هندواروپایی آغازین در ایرانی آغازین:

تولید انسدادی‌های هندواروپایی آغازین، در گذر از آریایی آغازین به ایرانی آغازین، دستخوش دگرگونی‌های کلی بیشتری شده است:

I- انسدادی‌های بی‌واک p t c k، چنانچه پیش از یک همخوان قرار گیرند، به سایشی‌های بی‌واک f θ š x تبدیل می‌شوند، مگر هنگام تقدم یک آوای صفیری آریایی.

II- دمشی‌های بی‌واک، چنانچه پس از یک آوای صفیری قرار‌گیرند، ویژگی دمشی خود را از دست داده و به ترتیب به p t c k تبدیل می‌شوند، در غیر این صورت به سایشی‌های بی‌واک f θ š x تغییر می‌یابند.

III- دمشی‌های واکدار، ویژگی دمشی خود را از دست داده و به غیر دمشی‌های

واکدار b d g g شبیه می‌شوند.

-IV جزئیات دیگر، شامل تحولات مربوط به صفیری‌های کامی و نیز افزودگی‌ها و استثنائات متعلق به این فورمول‌های کلی، در پاراگراف‌های بعدی خواهد آمد؛ لازم به ذکر است که i تنها همخوانی است که کامی‌های آریایی آغازین، پیش از آن می‌توانند تحول یابند.

## پ ۷۵ ـ همخوان‌های انسدادی لبی هندواروپایی آغازین در فارسی‌باستان:

بنابر فورمول‌های ارائه شده در پ ۷۳ و پ ۷۴، p هندواروپایی آغازین همیشه در فارسی‌باستان بصورت p، و پیش از همخوان‌ها بصورت f ظاهر می‌شود؛ ph هندواروپایی آغازین، در فارسی‌باستان بصورت f، و پس از s بصورت p در می‌آید؛ b و bh هندواروپایی آغازین به b فارسی‌باستان تغییر می‌یابد. بازنمایی کلی این آواها در زبانهای دیگر عبارت است از:

pIE p, Skt. p, Av. p و f, Gk. π Lt. p, Gmc. f, BS p.
pIE ph (یک آوای نادر), Skt. ph, Av. f و p, GK. ϕ, BS p.
pIE b, Skt.b, Av.b, Gk. β, Lt. b, Gmc. p, BS b.
pIE bh, Skt. bh, Av.b و w, Gk. ϕ, Lt. f- و – b –, Gmc.b, BS b.

-I P فارسی‌باستان:

pIE *peri, OP pariy, Av. pairi, Skt. pári, Gk. περι.
pIE *pətē و *pətēr, OP pitā, Skt. pitā, GK. πατηρ, Lt. pater.
pIE *putlo-, OP puça-, Av puθra-, Skt. putrá-, Osc. puclo-.
pIE *apo, OP apa-, Skt. ápa, Gk. ὰπὸ.
pIE *nepōt-s, OP napā, Skt. nápāt, Lt. nepōs.
OP gen. xšapa' 'شب'، Av. xšap-, Skt. kṣap-.

-II f فارسی‌باستان، از p هندواروپایی آغازین پیش از همخوان:

pIE *pro, OP fra – بعنوان پیشوند، Skt. prá, Gk. πρό.
pIE *prek در → OP ptc. u-fraštam خوب مجازات شده,

cf. Lt. precor «پرسیدم»، pIE *pṛk-skō, OP parsā-miy, Skt. pṛcchā-mi, Lt. poscō.

در مورد f فارسی‌باستان باز آمده از ph هندواروپایی آغازین نمونه مشخص وجود ندارد؛ به نظر نمی‌رسد که kaufa «کوه» در فارسی‌باستان، و نیز -kaofa در اوستا، همریشه نزدیکی در خارج از گستره زبان‌های ایرانی داشته باشند.

A

III - b فارسی‌باستان، اغلب باز آمده از bh هندواروپایی آغازین است؛ بجای b در هندواروپایی آغازین، آوای فوق‌العاده نادری وجود داشت که تنها مورد ظهور احتمالی آن در فارسی‌باستان، در -ā-big-na، دومین بخش صورت مرکب bagābigna است، البته چنانچه این صورت، یک وجه مفعولی برای ریشه bīja «بذرافشاندن» در سنسکریت باشد (نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر واژه مربوطه).

pIE *ebherom, «بردم», OP abaram,' گرامی داشتم,
Skt. ábharam, Gk. εφερον.

pIE *bhrātē و *bhrātēr, OP brātā, Skt. bhratā,
Lt. frāter.
pAr. *bhi,[37] OP abiy, Skt. abhl.

pIE *u-bhō و -bhōu «هر دو», OP ubā, Skt.
ubhá ubhāu, Gk. aμφω, Lt. am-bō.

در برخی از واژه‌ها، b فارسی‌باستان، اگرچه باز آمده از bh هندواروپایی آغازین است، اما با b سنسکریت برابری می‌کند، زیرا «قانون گراسمن» (پ ۷۳/IV) در هندی نیز عمل کرده است:

هندو اروپایی آغازین: -pbhendh* «بستن»، در فارسی‌باستان: -baⁿdaka «بنده»، مقایسه شود با سنسکریت: bandhá «بند»، و - b در انگلیسی: ,bond bind، از هندواروپایی آغازین: -bh.

هندواروپایی آغازین: $^{*}$bhergʰ- «بلند مرتبه باش»، در bardiya ، - baršan ، -brazmaniya؛ نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه.

IV- ترکیب آواهای لبی با همخوان‌های زیر به جز r، به ندرت در فارسی‌باستان رخ می‌دهد؛ با این حال صورت: با آبها، *ap-bhis > *abbhiš > OP abiš (JAOS 62.269-70; §73.V, §130) دیده می‌شود. برای p در sp از k̑u هندواروپایی آغازین، به: پ ۹۰؛ برای b در zb از gʰᵘ هندواروپایی آغازین به:

پ ۹۱؛ و برای f از su در - $vi^n$dafarnah، به: پ ۱۱۸/IV، مراجعه کنید.

-V p b f فارسی‌باستان در بعضی از اسناد و مدارک تا نیاکان خود در هندواروپایی آغازین قابل ردیابی نیستند و یا اینکه قطعاً از منابع خارجی به وام گرفته شده‌اند؛ برخی از نمونه‌ها عبارتنداز: -piru «عاج» ,- $si^n$kabru «عقیق سرخ»، بصورت بسیار محتمل $\theta$armi «الوار»، و نیز بسیاری از نامهای مربوط به اشخاص و مکان‌ها، همانند: priāva «نیل» ,putāya «لیبیایی» ,bābiruš «بابل»، arabāya «ارابـــایه» , -arbairā «اربـل» , -ufrātu «فـرات» ,naditabaira ندیتَ بَئیرَ ,nabukudracara «بخت النصر».

## پ ۷۶ـ همخوان‌های دندانی هندواروپایی آغازین در فارسی‌باستان:

بنابر فـورمول‌های ارائـه شـده در: پ ۷۳ و پ ۷۴، t هـندواروپـایی آغـازین، مـعمولاً در فـارسی‌باستان بـصورت t و پـیش از هـمخوان‌هـا بـصورت $\theta$ ظـاهر مـی‌شود؛ th هندواروپایی آغازین در فارسی‌باستان بـه $\theta$ و پس از s بـه t تـبدیل مـی‌شود؛ d و dh هندواروپایی آغازین نیز در فـارسی‌باستان بـه d تـغییر مـی‌یابد. امـا $\theta$ بـاز آمـده از t هندواروپایی آغازین پیش از همخوان‌ها، در بـرخـی از تـرکیبات دچـار دگـرگونی‌های اضافی می‌شود، که در: پ ۸۲-۷۷، مورد بحث قرار خواهد گرفت، معادل‌های آواهای دندانی هندواروپایی آغازین در زبان‌های دیگر به شرح زیر عبارتند از:

pIE t, Skt. t, Av.t و $\theta$, Gk. $\tau$, Lt. t, Gmc. Þ, BS t.

pIE th, Skt. th, Av. $\theta$ و t, Gk.$\theta$, Lt. f- -d- -b-.

pIE d, Skt. d, Av. d و $\delta$, Gk. $\delta$, Lt. d, BS d.

pIE dh, Skt. dh, Av.d و $\delta$, Gk. $\theta$, Lt. f- -d- -b-, BS d.

-I t فارسی‌باستان باز آمده از t هندواروپایی آغازین:

pIE *eti, OP ati-, Skt. áti, آنسوی , Gk. ετι هنوز , Lt. et و.

pIE *ute, OP utā, Skt. utá, Gk. Hom. η-υτε همانند.

pAr. *tanū- Op tanū- تن, Av. tanū, Skt. tan̄-.

pAr. *tuvam, OP tuvam, Skt. Ved. tuvám, cf. Lt. tū.

pIE *pətē, OP pitā, §75 I; pIE *bhrātē, OP brātā, §75.III.

pIE *qr̥to-, OP karta-, Skt. kr̥tá-.

-II θ فارسی‌باستان باز آمده از th هندواروپایی آغازین:

pIE *pn̥thi-, OP acc. paθim راه, Skt. pathι-.
pIE *rotho-, OP u-raθa- دارنـــــده گـــــردونه خـــوب، , Av. raθa-'گردونه',Skt.rátha-, cf. Lt. rota،چرخ'(با → pIE t, نه → th).
pAr. *iathā, OP yaθā, Skt. yáthā; و نیز → OP avaθā.
OP mauθ-, āθiyābaušna-, gaiθā-, fraθara-, miθah-,
نگاه کنید به واژه نامه زیر مدخل مربوطه.
OP raxθatuv, وجه امری از ترکیباتی کاملاً ناشناخته.

t فارسی‌باستان باز آمده از th آریایی آغازین پس از s ، در فارسی‌باستان: stā (نگاه کنید به واژه نامه)، اوستا: -stā ، سنسکریت: sthā باز آمـده از آریـایی آغازین -sthā (نمونه برای آوای دمیده در زبانهای غیر هـندی وجـود نـدارد؛ مقایسه شود با: (Gk. Dor. ι-σtā-μ , Lt. stā-re , oCS sta-ti

-III d فارسی‌باستان باز آمده از d هندواروپایی آغازین:

pIE *deiuo- 'خدا,' OP daiva-' دیو,'Av. daēva-, Skt. devá-, Lt. dīvos deus.

pIE *ped-' پا ,' loc. در → OP ni-padiy, Skt. padι, Lt. abl. pede, Gk. dat. ποδι; pIE *pedo-m, OP pati-padam' بـــر پـــایه‌اش ,' Skt. padá-' گـام,' Gk. πεδον' زمـین'; pIE *pōdo-' پـا ,' OP inst. dual pādaibiyā, Skt. pāda-, cf. Gt. fōtu-.

pIE *dō- ' دادن,' OP dadātuv, بـــاشد کـه بـدهد,' Skt. dádātu, cf. Gk. διδὸτω.

pIE *sed- نشســـتن , OP had-iš , قـــــصر، جـــــا، مکـــان ,' Gk. εδos،و'من مستقرکردم،جا،مکان;وجه سببی در → OP niy-ašādayam (در مورد -š- نگاه کنید به: پ ۱۱۷) Skt. ásādayam.

*dus- , OP → پـــیشوند جـــدا نشـــدنی هـــندواروپـــایی آغـــازین

duš-, Av. duš-, Skt. duṣ-, Gk. δυσ-.
pIE *duitīio- 'دوم,' OP duvitīya-m, Skt. dvitīya-.
d فارسی‌باستان باز آمده از dh آریایی آغازین، باز آمده از dh هندواروپایی آغازین:
pIE *dhē- 'گذاشتن،' OP adā, 'او آفرید,' Skt. ádhāt.
pIE *dher- داشتن, OP dārayāmiy 'من دارم,' Skt. dhāráyāmi.
pIE *dhuor- 'در,' در → OP loc. duvarayā, Av. dvar-, Lt. forēs, cf. Gk.θυρā.
OP baⁿdaka, بنده, در → pIE *bhendh-, → § 757 III.
OP hadā با, Skt. sahá, از → pIE *sṃ-dhe; همان پسوند در → avadā, idā, ada-kaiy.

با d سنسکریت، باز آمده از dh هندواروپایی آغازین، برپایه «قانون گراسمن» (پ ۷۳/IV):
pIE *dhrugh-ie- در → OP adurujiya 'دروغ گفت', Skt. drùhyati 'او فریب داد', Gm. trügen; pIE *dhrougho- در → OP drauga- 'دروغ,' Skt. dróha-drógha- آسیب.
pIE *dhighā-, OP didā، دیوار, cf. Skt. dehī-, Gk. τεῖχos.
pIE *dhugh- در → OP ha-dugā- 'کتیبه'
نگاه کنید به واژه نامه، زیر مدخل مربوطه.
ساخت‌های مضاعف هندواروپایی آغازین همانند *dhē-، فارسی‌باستان: adadā سنسکریت: ádadhāt.
نام‌های شخصی مضاعف، همانند: dādarši-، برابر با صفت سنسکریت: dādhṛṣi- «جسور، بی‌باک»، در هندواروپایی آغازین: *dhers- ، در فارسی‌باستان، نگاه کنید به: adaršnauš «جرأت کرد، شهامت نشان داد»، سنسکریت: ádhṛṣnot.

IV- در مورد t هندواروپایی آغازین پیش از همخوان، به: پ ۸۲-۷۷؛ در مورد تحولات ویژه دیگر مربوط به انسدادی‌های دندانی غیر پایانی به: پ ۸۳؛ در مورد دندانی‌های پایانی به: پ ۸۴؛ در مورد آوای دندانی به علاوه دندانی. به:

پ ۸۵؛ در مورد θ و d فارسی‌باستان باز آمده از انسدادی‌های کامی هندواروپایی آغازین به: پ ۸-۸۷، مراجعه شود.

-V نیز نمونه‌های متعدی از t θ d فارسی‌باستان در دست است که نمی‌توان آنها را با قطعیت تا ریشه‌های هندواروپایی ردیابی کرد، و یا اینکه بطور آشکار از منابع

A غیر هندواروپایی به وام گرفته شده‌اند. از میان این موارد می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد: -taka «سپر، کلاه گرد» در -taka-bara, tacara- «قصر»، -dipi «کتیبه» (نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه)، -spāda «سپاه» (تنها در زبانهای ایرانی)، وجه امری raxθatuv با معنی نامعلوم؛ و همچنین نامهای متعلق به اشخاص و مکان‌ها، از جمله: -atamaita (عیلامی)، naditabaira (سامی)، -ufratu «فرات»، katpatuka «کپدوکیه»، – tigrā «دجله»، -putāya «لیبیایی»، -aθurā,mudrāya-, dubāla- daha-,dātuvahya و غیره

**پ ۷۷ ـ t هندواروپایی آغازین پیش از همخوان‌ها** در ایرانی آغازین به آوای سایش بی‌واک θ تبدیل شده است؛ اما دگرگونی‌های پیشین نیز در این مورد رخ داده است. مراجعه شود به: پ ۸۲–۷۸.

**پ ۷۸ ـ tr آریایی آغازین** باز آمده از tr و tl هندواروپایی آغازین (به استثنای مواردی که پس از یک آوای سایشی قرار گیرد، پ ۷۹)، به θr ایرانی آغازین تبدیل شده است، که در اوستا و مادی نیز باقیمانده ولی در فارسی‌باستان به یک آوای صفیری تغییر یافته است؛ این آوا بصورت ç آوانویسی شده و ظاهراً آوایی است بین آوای دندانی خالص s و آوای کامی š .
مثال:

pIE *putlo-, OP puça- «پسر»، Av. puθra-, Skt. putrá-, Osc. puclo-.
pIE *pətr-os (نه بصورت اصیل، بلکه صورت بازسازی شده و متاخر) , OP piça, Av. piθrō, Gk. πατρός; حالت وابستگی → OP pitā «پدر».
pAr. *kšatram «سلطنت»، OP xšaçam, Av. xšaθrəm, Skt. kṣatrám;
اما θr مادی در xšaθrita «فرورتیش، نامی که سوی یک از شورشی مادی به کار رفته است».

pIE *tritīio- «سوم»، OP çitīyam, Av. θritya-(θritīya- در نوشتار برای)
مقایسه شود با ← Skt. tṛtīya-, Lt. tertius.

Av. ātar-āθr- «آتش»، «قابل مشاهده در نام ماه فارسی‌باستان ← āçiyādiya-،
و احتمالاً در نام شخصی ← āçina (علیرغم این واقعیت که āçina یک عیلامی بوده است).

Av. čiθra- «تبار، چهر»، OP ciça-.

OP vaça- «کمان»، با ریشه شناسی نامعلوم در ← vaçabara- «کمانور».

Skt. mitrá- «دوست».

واژه اخیر، یعنی -mitrá که در ایرانی به وام گرفته شده، در آغاز به عنوان صفتی برای یک ایزد و سرانجام به عنوان نام او به کار رفته است؛ این واژه در فارسی‌باستان به گونه‌های -mitra-,mⁱtra-,mⁱθra-, miça، در واژه مشتق ha-miçiya «متحد» (در توطئه)،-misa در نام شخص vaʰu-misa (= سنسکریت: *vasu-mitra؛ نگاه کنید به زیر) به نوشتار در آمده است. املاهای گوناگون در یک‌جا اختلافات گویشی، و در یک‌جا تلفظ‌های گوناگون یک واژه بیگانه را که بطور ناقص با الگوی آوایی گویش‌هایی که در آن بکار می‌رود، همگون شده، نشان می‌دهد.

تولید آوای θr آریایی آغازین در فارسی‌باستان بصورت آوای صفیری در آمده که در املای واژه‌های وام گرفته شده نشان داده می‌شود. بنابراین ç در -ciçaⁿtaxma، در واژه عیلامی si-iš-šá-an-tak-ma، به صورت š باز نموده شده است (مبنای tr در واژه اکدی ši-it-ra-an-taḫ-ma، صورت مادی نام مذکور می‌باشد، زیرا نام فوق بر یک شخص بومی ساگرتی در ماد اشاره دارد). نیز به موارد زیر توجه کنید:

OP *ciça-farnā, Gk. Τισσα-φερνης, لیسیایی ← cizzaprñna.

OP arta-xšaçā, Elam.ir-tak-šá-áš-šá, Akk.ar-ta-ak-šá-as su(Vs.c, b; ar-tak-šat-su (در کتیبه‌های بلندتر)، Aram. (Elephantine)'rtxšsš, لیدیایی ← artaksass.

OP Vau-misa بجای ← - miça (نگاه کنید بالا)، Elam. ma-u- mi-iš-šà, Akk. ù-mi-is-si; اما ← Akk. mi-it-ri برابر با ← non-OP mitra- یا mⁱθra-.

OP āçina, Elam. ha-iš-ši-na, Akk. a-ši-na.

OP āçiyādiya-, Elam. ha-iš-ši-ia-ti-ia-iš.

OP çūšā-, از → Elam. šu-šá-an, نیز → Akk. šu-šá-an.

در مورد ç باز آمده از k̄l هندواروپایی آغازین در niy-açārayam (من بازگرداندم، من بازسازی کردم)، نگاه کنید به: پ ۹۴.

پ ۷۹ ـ **tr آریایی آغازین پس از آواهای سایشی** (شامل آواهای صفیری) در اوستا بدون تغییر ظاهر می‌شود. به نظر می‌رسد که این خود در مادی نیز یک تحول بوده باشد، همانند آنچه که در نام مادی -uvaxštra «هوخشتره»، عیلامی: ma-ak-iš-tar-ra، اکدی: ù-ma-ku-iš-tar، دیده می‌شود. نام ایالت شمال شرقی یعنی "بلخ"، یونانی: Báktρa، نیز در صورت bāxtriš، به همین نحو، یک ساخت غیر فارسی‌باستان را نشان می‌دهد، عیلامی: ba-ik-tar-ri-iš اکدی: ba-ah-tar؛ اما گونه خالص فارسی‌باستان bāxšiš* یا bāxçiš*، از طریق گونه دیگر عیلامی یعنی ba-ak-ši-iš مورد تائید قرار گرفته است. سرانجام، -uša-bāri «سوار برشتر» فارسی‌باستان، از طریق مقایسه با ـ uštra «شتر» در اوستا، نشان می‌دهد که در فارسی‌باستان، حتی پس از آوای سایشی یا یک آوای صفیری، tr به θr و سپس به ç دگرگونی یافته و نیز پس از š، ç با آن š مقدم، همگون شده است.

پ ۸۰ ـ **ti هندواروپایی آغازین** بنابر قاعده (پ ۷۷) به θi ایرانی آغازین تبدیل شده است، که در اوستا و مادی باز می‌ماند ولی در فارسی‌باستان به ši دگرگون می‌گردد:

OP xšāyaθiya 'شاه', از → pAr.*kšāiatia-; واژه‌ای برای یک منصب مادی

OP hašiyam' حقیقت,' Skt. satyám.

OP uvā-maršiyuš (نگاه کنید به واژه‌نامه), Skt. mṛtyù – مرگ.

OP uva-pašiyā- خویش, از → pAr. *patia- (نگاه کنید به واژه‌نامه)

OP anušiya- پیرو، از → *anu-tio-.

paišityā' قبل,' cpd. prep. *pati-ā, با توارد آوایی (§127).

در مورد aθiy به عنوان صورت سندهی مضاعف atiy و نیز در مورد بازماندن t

در ـ tya و اشکال مربوط به آن، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل‌های مربوطه.

**پ ۸۱ ـ tu هندواروپایی آغازین** بنابر قاعده (پ ۷۷) به θu ایرانی آغازین تبدیل شده، که در فارسی‌باستان با املاء θauva=θuv باز مانده است:

pIE *tuē + acc.-m, OP θuvām, Av.θwam, Skt. tvām.

pAr. *gātu- gāθu- gātav-, Skt. gātu- gātv- gātav-, Av gātu- gāθw- gātav-, OP (با θ تعمیم یافته) acc. gāθum, loc. gāθavā.

pAr. kratu- etc., Skt. hrátu- etc., Av. xratu - xraθw - xratav - , OP (با θ تعمیم یافته) acc. xraθum.

**پ ۸۲ ـ tn هندواروپایی آغازین** بنابر قاعده (پ ۷۷) به θn ایرانی آغازین تبدیل شده، که در اوستا باقی مانده، اما در فارسی‌باستان به šn دگرگون شده است؛ بنابراین، صورت آریایی آغازین: -aratan-, aratn* ، در روند تحولی خود، در اوستا: arəθnā در حالت تثنیه، را داده، اما در فارسی‌باستان، صورت -arašn، و (باگسترهٔ š) -arašan «اَرش، واحد اندازه‌گیری»، در حالت جمع بایی: arašaniš (نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل -arašan) از آن بدست آمده است. برای baršnā ، vašnā، نگاه کنید به: پ ۹۶، پ ۱۲۰.

## پ ۸۳ ـ تحولات دیگر انسدادی‌های دندانی غیر پایانی.

I- ‎-d-n‎- هندواروپایی آغازین به ‎-n-‎ ایرانی آغازین تبدیل شده است (کوتاه کردن ‎-nn-‎، پ ۱۳۰)، همانند، هندواروپایی آغازین: ‎-ueid-ne*‎، فارسی‌باستان: vaināmiy «من می‌بینم»، اوستا: vaēnaiti سوم شخص مفرد؛ مقایسه شود با همان ریشه همراه میانوند غنه‌ای (به جای پسوند غنه‌ای) در سنسکریت: vinadáti «او می‌یابد»، و در فارسی‌باستان: ‎vi$^{n}$da$^{t}$-farnah-‎ «ویدَفَرّن[۴]» (نگاه کنید به واژه‌نامه، زیرمدخل مربوطه؛ ‎-n-‎ از طریق حرف نوشت‌های یونانی،

---

۴. نام یک پارسی، متحد داریوش علیه گئومات.

عیلامی و اکدی، به اثبات رسیده است).

II- در دو واژه، $\theta$ در جایگاهی که انتظار d می‌رود، یافته شده است:
فارسی‌باستان: $\theta$anuvaniya «کماندار»، در حالیکه واژه در سنسکریت دارای dh است: -dhánvan «کمان»؛
فارسی‌باستان: spāda «سپاه»، در نام مادی taxmaspāda ، در حالیکه واژه به ظاهر مشتق از آن یعنی -spā$\theta$maida «اردو، جنگ»، دارای $\theta$ است. در مورد این دگرگونی، تاکنون هیچگونه توجیهی پیشنهاد نشده است.

III- نام ایالت katpatuka ,-tp- ناهمگون شده‌ای را نشان می‌دهد که از طریق معادل‌های عیلامی واکدی آن بنیاد گرفته است؛ این نام غیر ایرانی بوده و برای نمونه‌های خوشه‌ای ایرانی و فارسی الگو سازی مجدد نشده است.

پ ۸۴ ـ **آواهای دندانی پایانی** ضعیف شده و در نتیجه در نوشتار فارسی‌باستان ظاهر نمی‌شوند. این آواها، پس از ă ، در تلفظ تا حدی باقی میمانند که از نوشتار واکه بصورت بلند جلوگیری کنند (پ ۳۶/III):
فارسی‌باستان: abara «اوبُرد»، سنسکریت: ábharat ؛ فارسی‌باستان: سوم شخص جمع abara ، سنسکریت: ábharan ، به جای *ebheront. این آواها، پس از ā ، تقریباً بطور کامل ناپدید می‌شوند[۳۸]؛ در مورد hyāparam ، به نظر می‌رسد که این واژه حالت ازی *hyād به علاوه aparam بوده باشد و این ادغام مبین حذف از پیش اواقع شده -d می‌باشد.
d - پایانی پس از i ناپدید می‌شود همانند: پی‌چسب فارسی‌باستان ciy ـ ، سنسکریت: cid ، هندواروپایی آغازین $q^u$id ؛ فارسی‌باستان: naiy «نَه»، اوستا: nōit از *ne + id. به نظر می‌رسد که t پایانی پس از u ، در فارسی‌باستان، در واژه‌های akunauš «او ساخت»، adaršnauš «او شجاعت نشان داد»، سنسکریت: ádhr̥snot, ákr̥not ، بصورت š حفظ شده است؛ امااین š به عنوان گستره s در آئوریست، که t پس از آن باید حذف شده باشد، دارای توجیه بهتری است. پیشوند ud «بالا»، که بدون تغییر، پیش از یک واکه در udapatatā «او خروج کرد (در شورش)» ظاهر می‌شود، به تمام وجوه همگون سازی d در -uzma «چوبه مرگ» (از -*ud-zma)تن در داده و در us-tašanā «پلکان»، در یک خوشه دندانی، به -us- تبدیل شده است (پ ۸۵). برای ترکیب سندهی d

پایانی با c آغازی، نگاه کنید به: پ ۱۰۵.

پ ۸۵ـ **خوشه‌های دندانی tst(h) و dzh(h)**، (پ / ۵۸)، آوای دندانی آغازین خود را بواسطه فرایند ناهمگون سازی، کاملاً از دست داده‌اند و در واقع این خوشه‌ها در ایرانی و یونانی دارای این تحول هستند؛ در حالیکه در هندی باستان، در اکثر نمونه‌ها آوای صفیری، و در ایتالیایی باستان آوای دندانی دوم را از طریق قیاس‌های انواع گوناگون از دست داده‌اند[۳۹]. بدین ترتیب، تحولات معمولی خوشه‌های فوق به شرح زیر عبارتست از:

pIE tst, Av. OP st, Skt. tt, Gk. στ, Lt. ss.

pIE tsth, Av. OP st, Skt. tth, Gk. σθ, Lt. ss.

pIE dzd, Av. OP zd, Skt. dd, Gk. ζ, Lt.(بدون مثال‌های معین).

pIE dzdh, Av. OP zd, Skt. ddh, Gk. σθ, Lt. ss.

تغییرات بیشتر، مربوط به ویژگی قیاس، در شماری از این ترکیبات، بویژه وجه وصفی ریشه مختوم به dh که دارای -dzdh- باز آمده از -dh-t- است، و معمولاً در ایرانی و یونانی در -tst- بسیار متداول (از -t-t- و -d-t-) بازسازی شده، رخداده است.

مثال‌های موجود در فارسی‌باستان به شرح زیر عبارتند از:

pasti- «سربازپیاده»، از -patsti* از -ped-ti*.

- ustašanā «پلکان»، از -utst* از -ud-te*.

aruvastam «فعالیت»، در شکل نظری: arvattam* (-tst - متناسب با بافت)، اما نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه.

basta «بسته»، وجه وصفی برای ریشه هندواروپایی آغازین -bhendh*؛ بنابراین ,bhṇdh-to-* < * badzdha-(Skt. baddhá)، جابجا شده با -batsta* در ایرانی.

gasta- «بلا»، وجه وصفی برای ریشه هندواروپایی آغازین در اوستا: -ganti «گَنَد»، سنسکریت: gandhá «بو»، با جابجایی مشابه میان -dzdh- با -tst.

azdā قید «معلوم»، سنسکریت: addhā «واقعاً، بدین نحو»، از آریایی آغازین: -adzdha*.

aura-mazadā «اهورامزدا»، از ma(n)dzdhās*، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر

مدخل مربوطه.

پ ۸۶ـ **همخوان‌های انسدادی کامی k̄,k̄h,g,gh هندواروپایی آغـازین** در آریایی آغازین به آواهای صفیری s,sh,z,zh [۴۰] تبدیل شده‌اند؛ البته آوای دمیده بی‌واک بسیار نادر بوده و احتمالاً از مجموعه مورد بحث زیر حذف شده است. s,z,zh آریایی آغازین در سنسکریت بصورت s (اغلب به شکل ç آوانویسی شده است)، h,j ؛ و در اوستا بصورت s,z,z ظاهر شده است، زیرا آواهای دمیده واکدار، در ایرانی آغازین، ویژگی دمشی خود را از دست داده‌اند. در فـارسی‌باستان تـظاهر آوایـی دوگـانه‌ای وجـود داشـته است: θ و d در فارسی‌باستان خالص z, s, در واژه‌های به وام گرفته شده از مـادی (تـحولات دیگر در بعضی از خوشه‌ها، پ ۹۷ـ۸۹). در شـاخه‌های گـروه آریـایی غـربی خانواده زبانی هندواروپایی، این آواها دقیقاً همانند آواهای نـرمکامی خـالص تحول یافته‌اند (پ ۹۸).

پ ۸۷ـ **k̄ هندواروپایی آغازین پیش از واکه‌ها** به جز مواردی که s بر آن مقدم شده باشد، به θ فارسی‌باستان و s مادی تبدیل می‌شود:

pIE *k̄ens ـ در → OP aθaham[۴۱]، 'من گفتم,' Av. root sah-, Skt. sas-, Lt. pres. cēnseō.

pIE *nek̄- ، 'خرابی، ویرانی' ,در → OP vi-nāθayaity ' او تباه می‌کند' , Lt. nocet, Skt. nāsáyati.

pIE *mak̄- در → OP maθišta ، بزرگترین , Av. masišta- ، بلندترین , Gk. μηkιστοs.

pIE *ak̄ در → OP aθaⁿga- ، سـنگ , Av. asənga-; مـقایسه شـود بـا → asan- ، سـنگ ، بـا → Med. s, در → nom. asā, و احـتمالاً در → asa-garta-(نگاه کنید به واژه‌نامه زیر مدخل مربوطه).

, سنگ، آسمان- acc. asmānam ← نیز مقایسه شود با، آسمان , Av. asman- Skt. ásman-،سنگ , Gk. akμων 'سندان,

(sm باز آمده از k̄m، احتمالاً علاوه براینکه مـادی است، فـارسی‌باستان هـم هست؛ پ ۹۵).

هندواروپایی ‎-uik*‎، فارسی‌باستان ‎– viσ‎ خانه، خانه سلطنتی، اوستا ‎-vīs‎ محل سکونت اشراف، سنسکریت ‎– vis‎ محل سکونت، مقایسه شود با: یونانی oīkos خانه؛ فارسی‌باستان در حالت جمع بایی v$^{i}$θbiš ، θ را زیر تاثیر بن مشتق از صفت فارسی‌باستان ‎-viθa‎ «متعلق به خانه سلطنتی» نگهداشته است.

فارسی‌باستان: θikā «تخته سنگ، قلوه سنگ»، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه؛ احتمالاً نام قلعه مادی sikaya$^{h}$uvatiš ، همین واژه همراه با s مادی است.

parθava «پارت» و pārsa «پارس» که به نظر می‌رسد θ و s در آنها، ارزش‌های موضعی k̄ را وارونه کرده‌اند، ظاهراً هر دو استان بوسیله فرمانروایان غیر بومی نام گذاری شده‌اند.

vasiy «بسیار، مطابق میل»، با s مادی، چنانچه حالت دری باشد برای یک اسم ـ ریشه، ‎*uek̄-i‎ بیشتر از vasaiy و نیز دقیق‌تر از آن، حالت دری است برای ‎*uek̄-sk̄o‎ (نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه)

kāsaka «سنگ نیمه قیمتی»، با s مادی، چنانچه دقیقاً به همان ریشه‌ای برگردد که ‎-kas‎ «درخشیدن» در سنسکریت برمی‌گردد.

مثال‌های دیگر θ فارسی‌باستان باز آمده از k هندواروپایی آغازین در:
θāigarci-, θatagu-, θarmi-, و نیز احتمالاً در: θakata-, θard-, θa$^{n}$d-, θuxra-, θūravāhara-, دیده می‌شود؛ نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل‌های مربوطه.

**پ ۸۸ ـ g و gh هندواروپایی آغازین** پیش از واکه‌ها و نیز r (باز آمده از r و l هندواروپایی آغازین) در فارسی‌باستان به d، و در مادی به z تبدیل می‌شود:

pIE *greios, OP draya دریا, Av. zrayō, Skt. jráyas 'گستره'.

pIE *gī- در → OP adīnam بزور گرفتم, Av.zināiti صدمه می‌زند, Skt. jināti 'او ظلم می‌کند'.

pIE *iagetai, OP yadataiy او می‌ستاید, Av. yazaite, Skt. yájate.

pIE *r̥gn̥to-, OP ardata- نقره, Av. ərəzata-, Lt. argentum, cf. Skt. rajatám.

pIE *geus- در → OP dauštar- دوست, Av. zaoš- لذت بردن, Skt. jus̩-.

pIE *ueg- در → OP vazraka- بزرگ ,

واژه -vazraka، در عنوان سلطنتی و نیز به عنوان صفت زمین به کار می‌رود، مقایسه شود با اوستا: -vazra «گرز»، سنسکریت: vájra «صاعقه ایندرا» ؛ با z مادی.

pIE *gono-, OP zana- انسان ،با → Med. z, Av. zana-, Skt. jána-; در → OP vispa-zana-, paruzana-,

و نیز در (صورت بازسازی شده ماهنام) -varkazana ؛ d فارسی‌باستان در -vispazana, -visa-dana* دیده شده و از طریق واژه عیلامی mi-iš-ša-da-na مورد استنباط و تائید قرار می‌گیرد.

pIE *eghom, OP adam ' من ,' Av. azəm, Skt. ahám.

pIE *ghosto-, OP dasta- دست , Av. zasta-, Skt. hásta-.

pIE *ghĕl- در → OP daraniya- طلا , Av. zaranya-, Skt. hlraṇya-, cf. Eng. gold.

pIE *dhighā, OP didā دیوار , قلعه , cf. Skt. dehı -,Gk. τεῖχos.

ادات متصل هندواروپایی آغازین *ghi, OP-diy, Av. zī, Skt. hi.

pIE *ghūros, OP zūra زور، خطا , Av. zūrō, cf. Skt. hváras-فریبکاری.

صورت فارسی‌باستان واژه، دارای z مادی است.

فارسی‌باستان: zraⁿka «نام ایالت شرقی»، با z غیر فارسی‌باستان باز آمده از g یا gh ؛ مقایسه شود با یونانی: ,Σαράγγαι و نیز Δραγγιāνη با d فارسی‌باستان مثال‌های دیگر مربوط به d فارسی‌باستان باز آمده از g هندواروپایی آغازین در:

ardastāna-, ardumaniš, avahar[da], uradana-, dan- در → adānā, vardana-;از→ pIE ghدر→ gaud-, bardiya; از → pIE g یا gh در → yaud-.

برای مطالب مربوطه به این واژه‌ها، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل‌های مربوطه.

پ ۸۹ ـ **Ki هندواروپایی آغازین** در ابتدا به si آریایی آغازین، سپس به θi و سرانجام به ši فارسی‌باستان تبدیل می‌شود، زیرا θ پیش از i در فارسی‌باستان به š تحول می‌یابد (پ ۸۰)؛ تنها مثال بازمانده، مثال مشکوکی است: -paišiyā

«متن نوشته شده»، از -peiǩ* یا -poiǩ* به علاوه -iā، بکار رفته در جزء مقدم جای ـ نام -paišiyā<sup>h</sup>uvādā (مشتقات و صورت‌های دیگر عادی شده نیز، پیشنهاد گردیده است، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه).

پ ۹۰ ـ **ǩu هندواروپایی آغازین** در آغاز به su آریایی آغازین و سپس به sp اوستایی، sp مادی، s فارسی‌باستان و sv سنسکریت تبدیل شده است:

pIE *eǩuo- اسب، OP asa در ← acc. asam و asabāra-; OP aspa- در (با sp مادی) ← uvaspa-, aspacanah-, vištāspa-; Av. aspa-, Skt. ásva-, Lt. equos.

pIE *uiǩuo-, OP visa- همه، در نیز ← visadahyu-; OP vispa- با sp مادی ← vispazana-; Av. vīspa-, Skt. vīsva-.

pIE *ǩuā در ← Av. spā- بزمین انداختن، پرت کردن، OP sā ساختن، در؛ برپا کردن ← s-aor. pass. frāsah[ya]DSf 27.(ریشه شناسی نامعلوم !).

پ ۹۱ ـ **ghu هندواروپایی آغازین** در آریایی آغازین به zhu، سپس در مادی و اوستا به zb[۴۲]، در سنسکریت به hv، و در فارسی‌باستان به z تبدیل شده است؛ در متون فارسی‌باستان تنها یک مثال مربوط به ارزش این آوا در زبان مادی و یک مثال مربوط به ارزش آن در فارسی‌باستان وجود دارد:

pIE ghu- در ← OP patiy-azbayam من اعلام کردم، Av. ریشه ← zbā-, Skt. pres. hváyati.

OP h<sup>a</sup>zānam برای ← acc. hizānam زبان، Av. hizvā-, Skt. jihvā-; برای جزئیات نگاه کنید به واژه‌نامه؛ زیر مدخل مربوطه.

پ ۹۲ ـ **ǩs هندواروپایی آغازین** در آریایی آغازین به cš و در هندی باستان (سنسکریت) با رجعت به اصل به ks[۴۳]، در ایرانی آغازین به šš و پس از کوتاه شدن به š تبدیل شده است:

pIE aor. *e-peiǩ-s-m̥, OP niy-apaišam;

مقایسه شود با اشکال دیگر -paiθ در واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه.

**پ ۹۳ ـ k̄t هندواروپایی آغازین** (از k̄ یا g̣ بعلاوه t) به st آریایی آغازین و سپس به št ایرانی آغازین، و št فارسی‌باستان و اوستا، و ṣṭ سنسکریت تبدیل شده است؛ این خوشه‌ها در اشتقاقات با پسوند همراه با -t دیده می‌شوند:

هندواروپایی آغازین: -pík̄-to*، فارسی‌باستان: -ni-pišta «حک شده»؛ -peík̄-t-* در صورت مصدری ni-paištanaiy، برای موارد همریشه، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل -paiθ.

هندواروپایی آغازین: -uík̄-to* «وارد شده»، فارسی‌باستان: -višta «آماده»، در -vištāspa، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه.

هندواروپایی آغازین: -prek̄-to*، فارسی‌باستان: -ʰu-frašta «خوب مجازات شده»، برای موارد همریشه، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل – fraθ.

هندواروپایی آغازین: -r̥g-ta-tā* (با حذف هجایی) یا وجه وصفی مونث: -r̥g-tā*، فارسی‌باستان: arštā «راستی»، از ریشه -reg-r̥g* «درست، راست نگهداشتن»، مقایسه شود با: -rāsta در زیر.

گاهی اوقات در فارسی‌باستان به جای st, št می‌آید؛ این امر، احتمالاً معلول قیاس با -st- در بن‌های دندانی همانند -basta از هندواروپایی آغازین: -bhendh*، -gasta «پلید»، از هندواروپایی آغازین: -gendh*، است (مراجعه شود به: پ ۸۵)، زیرا g(h),k̄ از هندواروپایی آغازین، در فارسی‌باستان θ و در صورت‌های صرفی دیگر d را داده است.[۴۴] مثال‌های مربوطه عبارتند از:

-ʰu-frasta متفاوت با -ʰu-frašta، نگاه کنید به بالا.

هندواروپایی آغازین: -rēg-to-[۴۵]*، فارسی‌باستان: -rāsta «راست، درست»، اوستا: -rāšta «هدایت شده»، لاتین: rēctus «مستقیم، هدایت شده، درست».

هندواروپایی آغازین: -nek̄-to*، فارسی‌باستان: -vi-nasta «تباهی»، برای موارد همریشه، نگاه کنید به واژه‌نامه زیر مدخل naθ.

**پ ۹۴ ـ k̄l هندواروپایی آغازین** به sr آریایی آغازین و ایرانی آغازین و سپس به θr و پس از آن به ç فارسی‌باستان تبدیل شده است؛ تنها مثال در این مورد واژه niy-açārayam «من بازسازی کردم» است که در آن، ریشه همان است که در لاتین بصورت clīnō «من مایلم» دیده می‌شود؛ برای جزئیات، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل -çay.

پ ۹۵ ـ **km و ghn هندواروپایی آغازین** به ترتیب در فارسی‌باستان sm و zm (تاجائیکه می‌توانیم بگوئیم، نه θm و نه dm[۴۶]) را داده است:

pIE *ak̄mōn در → OP acc. asmānam ' آسمان,' Skt. ásmāna، سنگ,
cf. OP aθaⁿga-، سنگ, (با s مادی) → asan- سنگ §87.

pIE *ghem- در → Lith. žēmé زمین, Lt. humus, اما → *ghm- در →
OP u-zma- تیر، تیرک ; و در نام ایالت → uvārazmī-;
نگاه کنید به واژه‌نامه زیر مدخل مربوطه.

pIE *bhregh در → OP braz-man-iya- نمازگزار
نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه.

پ ۹۶ ـ **ghn, gn, k̄n هندواروپایی آغازین** در آریایی آغازین به zhn, zn, sn و سپس در ایرانی آغازین همگی به šn تبدیل شده‌اند، زیرا در ایرانی، صفیری‌های پیش از n به آوای بی‌واک مبدل می‌شوند (پ ۱۲۰)؛ šn آغازین، x پیش افزوده بخود می‌گیرند. این xšn بدون تغییر، در اوستا و فارسی‌باستان بصورت آغازین باقی مانده و گاهی، براساس قیاس به جایگاه‌های میانی نیز تعمیم می‌یابد.

pIE *gnōsk̄ēti,OP 3d sg. subj. xšnāsāity او ممکن است بداند,
Lt. gnōscet،او خواهد آموخت, Skt. ریشه jñā- , دانستن;

g آشکارا و مشخص بصورت z در اوستا: zixšnåŋhəmnå ، وجه وصفی مضاعف، جمع مونث در حالت فاعلی بر ساخته از وجه آرزویی دیده می‌شود (برای مضاعف سازی، مقایسه شود با سنسکریت، ماضی نقلی: jajñāu ، یونانی، زمان حال γιγνωσκω). نگاه کنید به واژه‌نامه زیر مدخل -xšnā.

pIE *gnu-to-, OP xšnuta, خشنود , Av. xšnūtō;

-xšn- میانی در ترکیب فارسی‌باستان ā-xšnautiy «او خشنود می‌شود». نگاه کنید به واژه‌نامه زیر مدخل‌های -xšnav-,uxšnav.

pIE *uek̄- آرزو ' + پسوند – no-,OP vašna-
نگاه به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه.;'لطف[۴۷]،

ghn هندواروپایی آغازین در جایگاه میانی، بصورت šn در واژه baršnā «از ارتفاع، از اوج»، و احتمالاً در واژه ašnaiy[۴۷] «نزدیک، یافت می‌شود؛ نگاه کنید

به واژه‌نامه زیر مدخل مربوطه.

پ ۹۷ ـ **sk هندواروپایی آغازین** در آریایی آغازین به ss، سپس در ایرانی آغازین به ss,ss و صورت کوتاه شده آن به s تبدیل شده است که در اوستا و فارسی‌باستان نیز دیده می‌شود؛ اما ss آریایی آغازین از هندی باستان به (c)ch سنسکریت تحول یافته است[۴۸]. این خوشه آوایی، بویژه در پسوند زمان حال افعالی مشخص دیده می‌شود:

pIE *pr̥k-sk̄e-, در → OP parsāmiy مجازات می‌کنم , Av. pərəsaiti
او سئوال می‌کند, Skt. pr̥ccháti, Lt. poscit.

pIE *tr̥s-sk̄e-ti, OP tarsatiy او می‌ترسد, Av. tərəsaiti.

pIE *gnōsk̄ēti,OP xšnāsātiy او آگـــــاه مــــــی‌کند , Lt.gnōscet,
او خواهد آموخت.

pIE *im̥-sk̄e – در → OP āyasatā تصرف کرد، از آن خود کرد
Av. pres. yasaiti, Skt. yácchati.

pIE *r̥-sk̄eti, Skt. r̥ccháti ' او حرکت می‌کند ; اما → OP imf. arasam '
از , من بیرون رفتم → *rē-sk̄e-.

هندواروپایی آغازین: *uek̄-sk̄oi ، چنانچه $v^a s^a iy^a$ بصورت vasaiy و دقیق‌تر از آن بصورت vasiy ، عادی شده باشد؛ نگاه کنید به واژه‌نامه زیر مدخل vasiy.

پ ۹۸ـ **آواهای نرمکامی و لبی ـ نرمکامی هندواروپایی آغازین در آریایی آغازین** تماماً به یک مجموعه از انسدادی‌های نرمکامی تبدیل شده (پ ۷۳/II)، و سپس بر پایه «قانون کامی شدگی در آریایی» به دو مجموعه تقسیم می‌شوند (پ ۷۳/III): کامی های c,ch,g,gh پیش از ē,ī,i هندواروپایی آغازین؛ نرمکامی‌های k,kh,g,gh در همه‌جا. بنابراین در آریایی آغازین نیز آواها از چنین مرحله‌ای که در زیر مشاهده می‌شود، گذشته‌اند (در سنسکریت، آواهای دمیده تابع و موضوع پدیده «ناهمگون سازی» هستند که تحت عنوان «قانون گراسمن» شناخته می‌شود، پ ۷۳/IV ؛ و gh و gh نیز که بدین ترتیب تغییر نکرده‌اند، معمولاً به h سنسکریت تبدیل می‌شود تا gh و jh) :

| کامی‌های آریایی آغازین | نرمکامی‌های آریایی آغازین | نرمکامی‌ها ولبی ـ نرمکامی‌های هندواروپایی آغازین | |
|---|---|---|---|
| c | k | $q^u$ | q |
| ch | kh | $q^uh$ | $q^h$ |
| g | g | $g^u$ | g |
| gh | gh | $g^uh$ | $g^h$ |

آواهای دمیده بی‌واک بقدری نادرند که در اصل می‌توانند نادیده گرفته شوند. در آریایی آغازین، آواهای دمیده واکدار، ویژگی دمشی خود را از دست داده‌اند؛ آوای نادمیده بی‌واک k پیش از همخوان‌ها به آوای سایشی بی‌واک x و آوای نادمیده بی‌واک c پیش از i (تنها همخوانی که می‌تواند پیش از آن ظاهر شود). به š تبدیل می‌شود.

مثال‌های مربوط به این تحولات در بخش‌های بعدی آمده است؛ اما از آنجا که واژه‌های در بر دارنده این آواها دارای بسامد ظهور بسیاری در فارسی‌باستان هستند، لذا معمولاً تمایز میان نرمکامی‌های اصیل و نیز لبی نرمکامی‌های اصیل غیر ممکن است، زیرا ما دارای واژه‌هایی خویشاوند در یک زبان غیر آریایی نیستم که هر یک از این آواها در آنها متمایز شده باشد. همچنین، تنها در ایرانی نیز، بسامد ظهور واژه‌هایی که نمی‌توان در آنها، میان آواهای نادمیده واکدار اصیل و نیز آواهای دمیده واکدار تمایزی قایل شد، نادر نیست.

**پ ۹۹ ـ k و c آریایی آغازین** بدون دگرگونی گفته شده در پیش، در فارسی‌باستان، در موارد زیر آمده‌اند:

pIE q– ،در → OP kāra- 'سپاه، مردم,' cf. Lith. kāras 'جنگ, Gm. Heer سپاه.

pIE *$q^u$os-$q^u$id, OP kaš-ciy, Skt. ka-s, Lt. quo-, و Skt. (ادات) cid, Lt. quid.

pIE *ulq$^u$o- گرگ, در → Skt. vr̥ka-s, OP varkāna- گرگان, Eng. wolf.

pIE *seq$^u$ē, OP hacā از, Skt. sácā با, قابل قیاس با ریشه → Lt. sequor دنبال می‌کنم.

pIE *leuq- درخشیدن, در → OP rauca روز, Skt. rócas- روشنایی,

Gk. λεukòs سفید.

pAr. ریشه kar- ساختن، کردن, OP pres. kunautiy, imf. pass. akariya, zūra-kara- فساد کننده ; اما → ker- در → pres. inf. cartanaiy, *kēr- در → ucāram موفق، خوب انجام گرفته, *ke-kr در → perf. opt. caxriyā.

فارسی‌باستان maka «نام یک استان»، اما قومیت بر گرفته از آن: maciya با فرایند کامی شدگی، زیرا پسوند آن با یک آوای کامی آغاز شده است. و همانند آن، فارسی‌باستان: ākaufaciyā «مردم متعلق به ākaufaka».

pAr. kāma-, OP kāma کام, Skt. kāma-.

برخی از نمونه‌های k و c در فارسی‌باستان، به واژه‌هایی با نظایر نادر از نظر ریشه‌شناسی، و برخی دیگر به وامگیری آشکار از زبانهای دیگر مربوط می‌شود، مانند: –maškā «خیک باد شده»، katpatuka «کپدوکیه» و -kūša «اتیوپی».

جائیکه k آریایی آغازین، پیش از واکه‌های متفاوت آمده باشد، ممکن است در تولیدات آوایی تفاوت‌هایی بروز کند (مانند ساخت‌های حاصله از ریشه -kar) و یا اینکه ممکن است یکی از ارزش‌های آوایی تعمیم یابد: فارسی‌باستان: rauca، از حالت فاعلی و مفعولی صریح هندواروپایی آغازین: *leuqos, با c از حالت‌های غیر مستقیم که هندواروپایی آغازین در آن حالت‌ها دارای صورت -*leuqes بوده است (مقایسه شود با یونانی: γενεos γενos، لاتین: genus generis).

پ ۱۰۰ ـ **kh آریایی آغازین** در تعدادی از واژه‌هایی که ارتباطات ریشه شناختی دور از دسترس ندارند، ظاهر می‌شود:

-xaudā : «کلاه خود»، نیز در -tigraxauda «دارنده کلاه خود تیز، تیز خود»، مقایسه شود با اوستا: -zaranya-xaoδa «دارنده کلاه خود زرین».

-mayūxa: «دستگیره در»، سنسکریت: -mayūkha «گیره ،میخ».

-haxā: «دوست»، در -haxā-maniš «هخامنش»، سنسکریت: در حالت فاعلی: sákhā.

نیز نام ـ جای -raxā ، نامهای شخصی arxa و $sku^nxa$ و همچنین واژه‌های

مشکـوک xaršadašya و hadaxaya؛ نگـاه کـنید بـه واژه‌نـامه، زیـر مدخل‌های مربوطه.

در مورد x فارسی‌باستان باز آمده از k پیش از همخوانها، نگاه کنید به: پ ۱۰۲ و پ ۱۰۳. در برابر سنسکریت: khánati «او حفر می‌کند»، ما دارای فارسی‌باستان: akaniya «کنده شد» هستیم، اوستا: -kan «کندن»، و نیز اوستا: xā «چاه» با گونه گونی غیر قابل توجیه میان آوای دمیده و نادمیده.

**پ ۱۰۱ ـ gh, g,g و gh آریایی آغازین** در فارسی‌باستان بصورت g و j ظاهر می‌شوند؛ در تعیین دقیق ریشه هندواروپایی این موارد نیز، همان مشکلات موجود در بخش‌های پیشین، وجود دارد.

pIE ریشه $^*$g$^u$em- آمدن, Lt.veniō, در → OP ptc. pl. parā-gmatā پیش رفته, ha$^m$gmatā گرد آمده, ممکن است بیاید → pres. opt. ā-jamiyā اما با فرایند کامی شدگی, Skt. gamyāt. (بدون فرایند کامی شدگی)

pIE $^*$g$^u$īuo- زنـــــدگی, OP jīva, Skt. jīuá-s, Lt. vīvos; **pIE** $^*$g$^u$oi-, در → OP acc. gaiθām رمه.

pIE بن $^*$g$^u$ou- گاو, در نام‌های شخصی → gaubaruva, gau-māta; نگاه کنید به واژه‌نامه.

pAr. $^*$ghauša-, OP gauša- 'گوش,' Skt. ghóṣa- سروصدا.

pIE $^*$dlghos دراز, OP adv. dargam, Skt. dīrghá-s, Gk. δολιχòs.

pIE $^*$bhago-, OP baga بغ, Skt. bhága- توزیع کننده, Gk. -φaγos خورنده; با فرایند کامی شدگی OP bājim باج.

pIE $^*$dhrougho-, OP drauga دروغ, -eno-, و با پسوند کامی → draujana- پیرو دروغ دروغزن؛ adurujiya او دروغ گفت = بن موجود در اوستا $^*$(acc)druǰ-im دروغ فعل بر ساخته از اسم بر پایه

pIE $^*$g$^u$hormo- گرما, Skt. gharmá-s, OP در ماهنام → garma-pada-, cf. Lt. formus داغ.

pIE ریشه $^*$g$^u$hen-, برخورد کردن, OP ja$^n$tiy, Skt. hánti; OP 3d sg. imf. aja$^n$, Skt.áhan.

pIE $^*$g$^u$hṇ- dhl (imv.),OP jadiy, Skt. jahl (سنسکریت براساس قانون گراسمن، پ ۷۳/IV j).

البته مثال‌های دیگر g و j را نیز می‌توان به موارد فوق افزود، اما همین موارد کافی است.

ریشه‌های هندواروپایی آغازین -*g^u̯em و -*g^uhen در فارسی‌باستان، ارزش کامی شدگی همخوان نرمکامی را تعمیم داده‌اند مگر اینکه پیش از همخوان دیگری آمده باشد.

در مورد ـ j ـ در nijāyam، نگاه کنید به: پ ۱۲۰.

**پ ۱۰۲ ـ xš فارسی‌باستان** دارای منابع گوناگونی بوده و می‌تواند در کنار š باز آمده از خوشه‌هایی همانند مورد بحث قرارگیرد. ریشه‌های مورد نیاز برای بحث و نیز همانندهای آنها به شرح زیر عبارتند از[۴۹]:

pIE qÞ, Av. OP xš, Skt. kṣ, Gk. kt.

pIE qs, Av. OP xš, Skt. kṣ, Gk.ξ.

pIE kÞ, Av. OP š, Skt. kṣ, Gk. kt.

pIE k̄s, Av. OP š, Skt. kṣ, Gk. ξ.

ریشه هندواروپایی آغازین:-*qÞei، فارسی‌باستان: axšayaiy- «من فرمان راندم»، سنسکریت: kṣáyati «او در اختیار گرفت»، یونانی: ktàoμαι «من بدست می‌آورم»؛ با اشتقاقات؛ نگاه کنید به: واژه‌نامه، زیر مدخل -xšay.

ریشه هندواروپایی آغازین:-*qÞen، فارسی‌باستان: -axšata «ناگستنی»، سنسکریت: -kṣaṇóti «او زیان می‌رساند»، یونانی: kτειvω «من می‌کشم».

هندواروپایی آغازین: -*ueg , -*aug «افزایش دادن»، لاتین: augeō و غیره: با ـ s ـ در افزوده: -*ueks-,*auks، در یونانی: auξω، ژرمنی: wachsen،سنسکریت: vakṣati، فارسی‌باستان: -u-vaxš-tra «هوخشتر».

آریایی آغازین: -*baug «آزاد»، در اوستا: bunǰainti «آنها نجات می‌دهند» (با میانوند غنه‌ای)؛ با - s - در افزوده: -buxša- در: -baga-buxša (نگاه کنید به: واژه‌نامه)؛ -*baug-s-na، ایرانی آغازین: -*bauxšna، و با فقدان - x - در فارسی‌باستان متاخر، در: -āθiyābaušna (نگاه کنید به: واژه‌نامه).

ریشه نامعلوم (خویشاند قطعی خارج از زبان آریایی وجود ندارد): فارسی‌باستان: -xšap «شب»، سنسکریت:ـ kṣap؛ فارسی‌باستان: -axšaina، اوستا: -axšaēna «تیره رنگ»، -xšaēta «درخشان».

هندواروپایی آغازین: -*tekÞ «بریدن»، اوستا: tataša «او آفریده است»، سنسکریت: tákṣati «آنان درست می‌کنند»، در فارسی‌باستان: us-tašanā «پلکان».

هندواروپایی آغازین: -tekÞ* و -tueqÞ* ، تغییر شکل داده در فارسی‌باستان: -taxš «فعال باش»، مضارع: ha-taxšataiy (نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل -taxš).

هندواروپایی آغازین:-qek-s* ، احتمالاً در فارسی‌باستان: caša-m «چشم»، مقایسه شود با اوستا: -čašman «چشم»، سنسکریت: -cáksas «چشم» (نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل -caša).

هندواروپایی آغازین: -peik-s* ، در فارسی‌باستان (آئوریست): niy-apaišam «من حک کردم»، مقایسه شود با سنسکریت: pisáti «او می‌بُرد، تزئین می‌کند». برای ـ xšn فارسی‌باستان باز آمده از -gn هندواروپایی آغازین، نگاه کنید به: پ ۹۶.

## پ ۱۰۳ ـ k و g آریایی آغازین پیش از همخوان‌ها (جز s، پ ۱۰۲) در فارسی‌باستان: در این زمینه مثال‌های زیر موجود است:

-I kr آریایی آغازین به xr ایرانی آغازین تبدیل شده است (پ ۷۴/I):

OP xraθu- 'خرد,' Av. xratav-, Skt. krátu-, قدرت.

OP θuxra- (نام مرد), Av. suxra- سرخ, Skt. sukrá- درخشان.

OP perf. opt. caxriyā, Skt. cakriyāt, برپایه ریشه → kar ساختن،کردن.

-II km آریایی آغازین به xm ایرانی آغازین تبدیل شده، در حالیکه در اوستا و مادی باقیمانده و در فارسی‌باستان به hm تغییر یافته است (h در نوشتار حذف شده است):

فارسی‌باستان:-taxma «تهم، دلیر»، با -xm- مادی در نام مادی -taxmaspāda و نیز نام ساگارتی -ciçataxma ، اوستا: -taxma «دلیر، تهم».

فارسی‌باستان: $tau^hmā$ «تخمه، خانواده»، مقایسه شود با پسوند دیگر اوستا: -taoxman «تخمه»، سنسکریت: -tókman «پره سبزجو».

البته نه در واژه فارسی‌باستان amaxmatā (نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه)، که قرائت غلطی است از KT، قرائت او بصورت $am^ax^am^at^a$ :$h^am^a$ در واقع گونه غلطی است از قرائت درست (کامرون) بصورت $h^am^aa[t^a]x^aš^at^a$ که برابر است با hamātaxšatā ، (نگاه کنید به: پ ۵۵/II؛ JAOS 72.15).

-III مثال‌های دیگر مربوط به k پیش از همخوانها، که در پیش مورد بحث قرار گرفت، در نام ـ جای -bāxtri «باختر، بلخ»، ماهنام -viyaxna و نیز وجه امری

فعل raxθatuv با معنی و روابطی نامعلوم، دیده می‌شود.

IV- به نظر می‌رسد که g متقدم، پیش از همخوان‌ها، به جز s ، t ، که قبلاً مورد اشاره قرار گرفت، در نمونه‌های موجود بدون تغییر باقی می‌ماند:

patigrabanā شهری در پارت، شاید از فارسی‌باستان: -grab (هندواروپایی آغازین -ghrebh*) ، که جای دیگر در فارسی‌باستان تنها بصورت -garb (صورت نوشتاری هم برای -garb و هم برای -gr̥b) ظاهر می‌شود.

tigra «نک تیز»، نیز در -tigraxauda ; -tigra «قلعه‌ای در ارمنیه» ،tigrā «دجله»، وام گرفته شده از سامی.

-gmata- «آمده»، از ریشه -gam ، در -parāgmatā, hagmatā, hagmatāna.

-bagābigna «نامی برای یک مرد»، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه.

-sugda «ایالتی در ایران»، نیز suguda با افزایش واکه (پ ۱۲۸).

اما -gh-to-، هندواروپایی آغازین، دگرگون شده بصورت -gdho- ، ایرانی آغازین: -gda-، در فارسی‌باستان، با -kt- جابه‌جا شده است (به قیاس با -gt- تبدیل شده به -kt-): duruxtam «دروغ»، وجه وصفی برپایه بن مضارع: -durujiya ، مقایسه شود با: -drauga «دروغ» (فرایند کامی شدگی تنها در بن مضارع، جایی که پسوند -io- وجود دارد).

**پ ۱۰۴ ـ ci آریایی آغازین** در اوستا و فارسی‌باستان به ši تغییر یافته است (صورت نوشتاری در فارسی‌باستان -šiy-، پ ۲۵):

pIE *$q^u$iēto-, OP šiyāta- شاد , GAv. šyāta-،شاد،' Lt. quiētus.

pIE *$q^u$iēti-, OP šiyāti- شادی , cf. Lt. quiēs, gen. quiēt-is.

pIE *qieu-, OP ašiyava او رهسپار شد, Skt. ácyavai, Gk. (Hom)aor. εσσευε، او به حرکت در آورد.

**پ ۱۰۵ ـ خوشه -s-c-** در فارسی‌باستان با تقلیل یافتن به s در pasā «پس»، از هندواروپایی آغازین: *po-sq$^u$ē ، ظاهر می‌شود: مقایسه شود با اوستا: pasča ، سنسکریت: pascā . مدارک بازمانده از پهلوی ساسانی نشان می‌دهد که این ارزش در فارسی‌باستان، صرفاً یک ارزش آوایی است (Bv. Gr. §114) ، و آن -šc- که در برخی از ترکیبات سندهی دیده می‌شود، بیشتر به مادی تعلق دارد: فارسی‌باستان: kašciy «هرکس»، از هندواروپایی آغازین *q$^u$os-q$^u$id ؛ manaš-c[ā]DNb 32: از *menosq$^u$e ؛ در مورد zūra-kara «پلید کردار»، از

-zurah-kara*، نگاه کنید به: پ ۱۱۹.

ـ نتیجه ترکیب سندهی -d c- نیز دارای گوناگونی همانند است: s(تائید نشده) و c باز ساخته فارسی‌باستان (پ ۱۳۰)، šc مادی؛ مثال‌ها به شرح زیر عبارتند از:

pIE *ed-q^u^id, OP aciy سپس, Av. atičit.

pIE *iod-q^u^id, OP yaciy زمانیکه, Av. yatčit.

pIE *q^u^id-q^u^id, OP cišciy هرچیز, با šc مادی؛ و نیز → OP avašciy از صورت متقدم → *avad-cid; OP aniyašciy, از صورت متقدم → *aniad-cid.

**پ ۱۰۶ ـ r هندواروپایی آغازین** بنابر ساخت‌های ضبط شده، در بسیاری از زبانهای هندواروپایی، بدون تغییر باقیمانده است، به جز ترکیباتی که در فارسی‌باستان دارای تغییر بوده و در زیر به آنها اشاره شده است:

pIE *rēkto- مستقیم, OP rāsta- راست, Av. rāšta- قائم, Lt. rēcto-.

pIE *pro, OP fra- (در ترکیبات), Av. frā, Skt. pra, Gk. πρò.

pIE *enter داخل, OP a^n^tar, Av. antarə, Skt. antár, Lt. inter.

pIE *su-prek̄-to-, OP ufrašta- خوب مجازات شده, cf. Skt. prcchāmi می‌پرسم, Lt. precor, می‌پرسم.

pIE *proterom, OP frataram, Skt. pratarám, Gk. πάτερóν.

pIE ریشه *dhreugh- در → OP drauga- دروغ, Skt. drùhyati او می فریبد, Gm. trügen فریب دادن.

pIE *mortiio-, OP martiya- مرد, Skt. mártya-, cf. Lt. mortālis.

pIE *ebheront آنها بردند, OP abara^n^, Skt. ábharan, cf. Lt. ferō.

r فارسی‌باستان می‌تواند از r̄ r̥ هندواروپایی آغازین (پ ۶۶، پ ۶۸، مقایسه شود به پپ ۳۰-۳۵)، و یا نیز از l̄ l̥ l هندواروپایی آغازین (پ ۱۰۷، پ ۶۶، پ ۶۸) آمده باشد؛ و از آنجائیکه r و l هندواروپایی آغازین تنها زمانیکه ما دارای واژه‌های همریشه خارج از شاخه آریایی خانواده هندواروپایی باشیم قابل تمایز هستند، لذا در این زمینه ابهاماتی وجود دارد. همچنین در بسیاری از نمونه‌ها، تمایز میان r و l واکه‌ای اصیل و نیز r و l همخوانی اصیل بسیار دشوار است (پپ ۳۰-۳۵).

برای تحولات tr آریایی آغازین در فارسی‌باستان، نگاه کنید به: پپ ۹ـ۷۸؛ و نیز برای تحولات sr آریایی آغازین در فارسی‌باستان، نگاه کنید به: پ ۱۱۸/II. در نامواژه‌های دخیل اشخاص و مکان‌ها، r بسامدی مکرر و فراوان دارد، همانند: aθurā «آشور»، arbāya «عربستان»، ufrātu- «فرات»، armina «ارمنیه»، karkā «کاریان، اهالی کاری، که ساخت‌های مربوط به زبانهای دیگر، r را در آنها به عنوان یک پدیده اصیل در زمان وامگیری تثبیت می‌کنند.

**پ ۱۰۷ ـ l هندواروپایی آغازین** به r آریایی آغازین تغییر یافته است و از این روی از r هندواروپایی آغازین در زبانهای آریایی غیر قابل تمایز بوده مگر اینکه واژه‌ای همریشه بتواند، از سوی شاخه دیگری از زبانهای هندواروپایی مستند شود.

pIE *soluo- همه, OP haruva-, Av. haurva-, Skt. sárva-, Gk. Ion. oῦλos, Att. oλos.

pIE *pḹlu-, OP paru-, Skt. puru-, Gk. πoλu-.

pIE *leuqos, OP rauca, Skt. rócas, cf. Gk. λευkós سپید.

pIE *suel-nos, OP -farna در → vi$^{n}$da-farnā, Av. x$^{v}$arənō 'فره‌شاهنشاهی, cf. Gk. σελas از, درخشش → *suel-ṇs.

pIE *g$^{u}$el در → OP car – در → abicariš مرتع، چراگاه, cf. Skt. cárati او می‌کارد, Lt. colit, او می‌رود

نیز l یا ḷ در فارسی‌باستان: -varkāna یا -varkazana (نگاه کنید به واژه‌نامه)، ḷ در -darga (پ ۶۸).

در وامگیری، یک l اصیل به r فارسی‌باستان تغییر می‌یابد، مشروط بر اینکه واژه‌ها واقعاً در فارسی‌باستان همگون شوند؛ بنابراین:

arbairā- اربـــل = Akk, ar-ba-'-il; tigrā- دجـــله = Akk. di-iq-lat; nadi$^{n}$tabaira- ندیتابئیرا = Akk. ni-din-tu-$^{ilu}$bēl; bābiru- بــابل =Akk. bāb-ilu.

در موارد دیگر که کاربرد بسیار کمتری دارند، l باقی می‌ماند:

haldita- «نام یک ارمنی», labanāna- «کوه لبنان»، dubāla- «ناحیه‌ای در بابل»

و izalā «ناحیه‌ای در آشور».
برای تحول tl هندواروپایی آغازین نگاه کنید به: پ ۷۸؛ برای k̄l هندواروپایی آغازین، نگاه کنید به: پ ۹۴؛ برای l̥ هندواروپایی آغازین، نگاه کنید به: پ ۶۶؛ برای l̥̄ هندواروپایی آغازین، نگاه کنید به: پ ۶۸.

**پ ۱۰۸ ـ آواهای خیشومی هندواروپایی آغازین** مجموعاً در زبان‌های گوناگون هندواروپایی بدون تغییر باقی می‌مانند، به استثنای آنهائیکه متناسب با موقعیت آوای انسدادی یا سایشی بعد تغییر می‌کنند؛ البته از آنجائیکه آواهای خیشومی پیش از آواهای انسدادی یا سایشی هم مخرج[50] در خط هجانگار فارسی‌باستان نوشته نمی‌شود، بنابراین، این دگرگونی در فارسی‌باستان تقریباً نشان داده نمی‌شود (پ ۳۹).

**پ ۱۰۹ ـ m هندواروپایی آغازین** مجموعاً در تمام زبانها به صورت m باقی می‌ماند.

pIE *mā «نَـ», OP mā, Skt. mā, Gk. μη.
pIE *moi «ـِ من یا به من», OP maiy, Skt. me, Gk. μοι
pIE *mr̥to- «مرده», OP marta, Skt. mr̥tá-, Lt. mort-uos.
pIE *somo- «هم», OP hama-, Skt. samá-, Gk. ὁμός.
pIE *nōmn̥ «نام», OP nāmā, Skt. nāma, Lt. nōmen.
pIE *eghom «من», OP adam, Skt. ahám, cf. Gk. εγων.

m فارسی‌باستان پیش از n، در موضع پایانی، و نیز پیش از پی‌چسب‌ها باقی می‌ماند:

kamnam, jiyamnam, acc. nāham, adam-šim, avākaram-ca-maiy, paruvam-ciy.

در مورد kam-ma [=kama [nᵃyā]] نگاه کنید: پ ۱۳۰. دربارهٔ m̥ هندواروپایی آغازین،نگاه کنید به: پ ۶۷؛ برای m̥̄ هندواروپایی آغازین، نگاه کنید به: پ ۶۸.
در مورد عدم نوشتار m پیش از انسدادی‌ها و سایشی‌ها، نگاه کنید به: پ ۱۱۱.
m در اسامی خاص غیر ایرانی و نیز در واژه maškā «مَشک»، که بر گرفته از آرامی است، ظاهر می‌شود.

**پ ۱۱۰ ـ n هندواروپایی آغازین** بطورکلی در فارسی‌باستان، اوستا، سنسکریت، یونانی و لاتین به همان صورت باقی می‌ماند.

pIE *nās- بینی, OP acc. nāham, Skt. nās-, Eng. nose.
pIE *nepōt-s نوه, OP nom. napā, Skt. nápāt, Lt. nepōs.
pIE *nōmn̥ نام, OP nāmā, Skt. nā́ma, Lt. nōmen.
pIE *gnōskēti 3d sg. subj., OP xšnāsātiy, Lt. fut. (g)nōscet.
pIE *eg$^{u}$hen-m̥, OP ajanam من نابود کردم, Skt. áhanam,
cf. Lt. dē-fen-dō.

n فارسی‌باستان، در نام اشخاص و مکانها، که برخی از آنها نیز غیر ایرانی بوده‌اند، بسامد ظهور فراوانی داشته است. برای n پیش از آوای انسدادی و سایشی، نگاه کنید به: پ ۱۱۱؛ برای n پایانی نگاه کنید به: پ ۱۱۲. برای n̥ هندواروپایی آغازین، نگاه کنید به: پ ۶۷؛ برای n̄ هندواروپایی آغازین نگاه کنید به: پ ۶۸. برای ni، که بصورت niy نوشته می‌شود، نگاه کنید به: پ ۲۵؛ برای nu ، که بصورت nuv نوشته می‌شود، نگاه کنید به: پ ۲۶.

**پ ۱۱۱ ـ خیشومی‌های میانی نانوشتاری فارسی‌باستان.** آواهای خیشومی فارسی‌باستان، پیش از انسدادی‌ها و نیز سایشی‌ها (به جز m پیش از پی‌چسب‌ها، پ ۳۹) در نوشتار بیان نمی‌شده، بلکه حضور این آواها یا بوسیله حرف نویسی به زبانهای دیگر و یا بوسیله شواهد متکی بر قیاس‌های ریشه شناختی نشان داده می‌شود.

ka$^{m}$pa$^{n}$da ناحیه‌ای در ماد, Elam. qa-um-pan-taš.
ka$^{m}$būjiya کمبوجیه, Elam. kàn-bu-ṣi-ia, Akk. kam-bu-zi-ia.
vi$^{n}$dafarnā ویندفرن , Elam. mi-in-da-par-na.
sku$^{n}$xa نام شورشی سکایی , Elam. iš-ku-in-qa.
hi$^{n}$duš سِند, Elam. hi-in-du-iš, Av. hindu-, Skt. sındhu-.
aθa$^{n}$ga- سنگ, Av. asənga-.
ba$^{n}$daka بنده, Phl. bandak, NPers. بنده.
a$^{n}$tar اندر, Skt. antár, Lt. inter.

**پ ۱۱۲ ـ n پایانی فارسی‌باستان.** n فارسی‌باستان در موضع پایانی نوشته نمی‌شده است:

loc. *nōmen, OP nāma (نگاه کنید به واژه‌نامه زیر مدخل مربوطه);

3d pl. imf. *ebheuont, OP abava, Skt. ábhavan.

در مورد abaran گونه غلط نوشتاری برای abaraha، نگاه کنید به: پ ۵۴/I.

**پ ۱۱۳ ـ i هندواروپایی آغازین** در موضع آغازین و نیز میان دو واکه، در فارسی‌باستان، همانند سنسکریت، بی‌تغییر باقی می‌ماند؛ در حالیکه در اوستا، پیرو برخی تغییرات نوشتاری است:

OP yaθā, Skt. yáthā.

OP yadataiy او ستایش می‌کند, Skt. yájate, Gk. ἅζεται (pIE i- > Gk.h-).

OP dārayatiy او نگهمیدارد, Skt. dhāráyati.

OP vayam ما, Skt. vayám.

OP draya دریا, Av. zrayō, Skt. jráyas-.

i هندواروپایی آغازین، همچنین پس از همخوان‌ها نیز در فارسی‌باستان و سنسکریت بی‌تغییر باقی میماند، اما بنابر قاعده پیوسته بصورت -iy- (پ ۲۵)نوشته می‌شود:

kan- ریشه کندن , + pass. -ya-, در → akaniya کنده شد،

*duš- بد + *yār- سال, در → dušiyāram قحطی.

uvāmaršiyuš nsm. با خود مرگی[5], Skt. mṛtyù-š مرگ , cf.

-tiio – در → OP martiya مرد.

adurujiya او دروغ گفت, cf. drauga دروغ.

ašiyava او رهسپار شد, Skt. (mid) ácyavata.

توجه:

pAr. ki > pAr. ci > OP šy, §104; pAr. ti > pIr. θi > OP šy, §80.

---

۵. مرگی که خود شخص متوفی سبب آن بوده است، اشاره به مرگ کمبوجیه.

-maciya فارسی‌باستان در مقایسه با maka «نام یک ایالت»، باید صورتی باشد برای *makiios و یا ساختی متاخر که در آن، صورت *makios تغییر ثانویه آوایی را به انجام نرسانده است، همانند ākaufaciyā نسبت به *ākaufaka.
اما hy بطور معمول بصورت hy نوشته می‌شده، نه بصورت hiy، پ ۲۷؛ در مورد tya، با ابقاء t و عدم نوشتار بصورت tiya، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه.
در فارسی‌باستان، در پایان واژه، به i پایانی y افزوده می‌شده است:
فارسی‌باستان pariy، سنسکریت: pári، یونانی: $\pi\varepsilon\rho\iota$؛ فارسی‌باستان -ciy، سنسکریت: cid، لاتین: quid (پ ۳۷؛ پ ۸۴ برای عدم نوشتار d پایانی در فارسی‌باستان)؛ پی‌چسب فارسی‌باستان: -maiy، سنسکریت: me، یونانی: $\mu$οι.
گاهی -ay- میانه بصورت -aiy- نوشته می‌شده است؛ نگاه کنید به: پ ۴۸.
بصورت بسیار نادر -iy-=-i-y^a- که برای نشان دادن بلندای Ī بکار می‌رفته است، نگاه کنید به: پ ۲۳.

پ ۱۱۴ ـ **u هندواروپایی آغازین** در فارسی‌باستان و سنسکریت بدون تغییر ظاهر می‌شود، در حالیکه در اوستا تغییرات متعددی وجود دارد که در اصل، تنها نوشتاری است: v فارسی‌باستان یک نیم واکه، همانند we در انگلیسی بوده است نه یک آوای سایشی همانند eve انگلیسی:

acc. *uik̑-m, OP viθam خانه, Skt. viśam, cf. Lt. vīcus دهکده
pl. *uei ما, OP vayam, Skt. vayám, Gt. wei-s.
pIE *deiuo-, OP daiva- دیو, Skt. devá- خدا, Lt. dīvos.
pIE *g^uīuo- زندگی, OP jīva, Skt. jīvá-s, Lt. vīvos.

همچنین پس از همخوان‌ها نیز، u هندواروپایی آغازین، در فارسی‌باستان و سنسکریت، بدون تغییر باقی می‌ماند؛ اما در فارسی‌باستان بنابر قاعده بصورت -uv- نوشته می‌شود (پ ۲۶):

OP haruva- همه, Skt. sárva-.
OP loc. duvarayā در استانه در, Skt. dvár-.

OP acc. θuvām, Skt. tvām; اما گونه دو هجایی → OP tuvam, Skt. tuvám.

OP θanuvaniya کماندار, cf. Skt. dhánvan- کمان.

u هندواروپایی آغازین، پس از انسدادی‌های لبی، از میان می‌رفته است:

OP 2d sg. opt. biyā$^{h}$, 3d sg. biyā$^{t}$,' از → *bhu-iiē-, از ریشه → *bheu-,

نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل -bav.

توجه:

pAr. tu > pIr. θu > OP θv, §81; pAr. su > pIr. hu > OP hv, بصورت در نوشتار → uv برای → $^{h}$uv, و → Med. f در → farnah-, §118.IV; pAr. ru و r̥u, §35.

در پایان واژه، در فارسی‌باستان، به u پایانی v افزوده می‌شده است:

OP paruv پُر،زیاد, Skt. purú, Gk. πολυ; OP loc. margauv, hi$^{n}$dauv bābirauv (§38).

گاهی -av- میانی، بصورت -auv- نوشته می‌شده است، نگاه کنید به: پ ۴۸.
بصورتی بسیار نادر -uv-=-u-v$^{a}$- که برای نشان دادن بلندای ū بکار می‌رفته است، نگاه کنید به: پ ۲۳.

**پ ۱۱۵ ـ s هندواروپایی آغازین** در آریایی آغازین بدون تغییر باقی مانده است، به استثنای موارد زیر:

۱) s هندواروپایی آغازین در صورت تقدم واکه - i یا واکه - u (شامل واکه‌های بلند و کوتاه و واکه‌های مرکب)، یا r یا r̥ آریایی آغازین (باز آمده از l یا l̥ هندواروپایی آغازین)، یا یک آوای انسدادی کامی یا نرمکامی برآن، به š آریایی آغازین تبدیل شده است.

۲) s هندواروپایی آغازین، هنگامیکه در موضع پایانی، پس از ā آریایی آغازین قرار گیرد و یا بلافاصله با مکثی میان عبارات دنبال شود و یا در پایان یک جمله بیاید، به h ضعیفی تغییر می‌یابد که به صورت ḥ نوشته می‌شود (این ḥ را در سنسکریت visarag می‌نامند).

s آریایی آغازین در ایرانی آغازین پیش از p t k آریایی آغازین (و احتمالاً پیش از ph th kh آریایی آغازین، در حالیکه برای این موارد در فارسی‌باستان مثالی وجود ندارد)، باقی میماند؛ اما در جایگاه‌های دیگر به h ایرانی آغازین تغییر می‌کند.

s پایانی در آریایی، پیرو تحولات گوناگون سندهی به جز š- و ḥ- بوده و این موارد در سنسکریت به خوبی دیده شده‌اند. در حالیکه زبان ایرانی š- و ḥ- را تعمیم داده و تنها این ارزش‌ها و نیز تحولات آوایی مستقیم آنها را نشان می‌دهد، به استثنای تعدادی ترکیبات با پی‌چسب‌ها(مثال‌های فارسی‌باستان در: پ ۱۰۵ آمده‌اند). واژه‌ها و ساخت‌های سنسکریت برای اینکه به وضوح ارتباط خود را با واژه‌ها و ساخت‌های مورد مقایسه در فارسی‌باستان نشان دهند، با ṣ - و ḥ- خواهند آمد.

تحولات مربوط به s š h ḥ ایرانی آغازین در زبان ایرانی و فارسی‌باستان، در بخش بعد مورد بحث قرار خواهند گرفت.

پ ۱۱۶ ـ **s ایرانی آغازین** باز آمده از s هندواروپایی آغازین در st sp sk ایرانی آغازین، در فارسی‌باستان بدون تغییر باز می‌ماند:

st در هندواروپایی آغازین: *esti «او هست»، فارسی‌باستان: astiy ، سنسکریت: ásti ، لاتین: est ؛
هندواروپایی آغازین: *ghosto- «دست»، فارسی‌باستان: dasta- ،
اوستا: zasta- ، سنسکریت: hāsta- .
فارسی‌باستان: avāstāyam «من باز گرداندم»، مقایسه شود با لاتین: stāre ؛
فارسی‌باستان: stānam «جا، مکان»، سنسکریت: sthānam (اینکه st در زبان ایرانی نیز همانند سنسکریت به sth- هندواروپایی آغازین برمی‌گردد نامعلوم است، اما اگر چنین باشد، آنگاه ویژگی دمیدگی، در زبان ایرانی، پس از یک آوای صفیری، باید از میان رفته باشد؛ زبانهای دیگر نیز در این وضعیت تولیدی نادمیده دارند).

sp در spāda «سپاه»، در taxmaspāda- (نام یک مادی)؛ در vāyaspāra- (نام یک پارسی): اما ریشه نهایی این واژه‌ها روشن نیست.

sk در -skudra-, skuⁿxa- , skauθi : هیچیک از این نامها در اصل ریشه پارسی ندارند و در اینجا صرفاً به عنوان مثال برای ظهور خوشه آوایی sk آمده‌اند.
s فارسی‌باستان در بسیاری از موارد از ریشه‌های دیگری می‌آید:
s (مادی) از k هندواروپایی آغازین، پ ۸۷؛
از خوشه‌های دارای k هندواروپایی آغازین، پ ۹۰، پ ۹۳، پ ۹۵؛
از آوای دندانی ـ انسدادی هندواروپایی آغازین t+، بصورت tst، پ ۸۵؛
و نیز در واژه‌هایی که از نظر ریشه‌شناسی مبهم هستند و یا از زبانهای دیگر به وام گرفته شده‌اند، مانند: ,-saka-, sug(u)da-, nisāya-, siⁿkabru و واژه مشکوک siyamam.

پ ۱۱۷ ـ **š ایرانی آغازین** باز آمده از s هندواروپایی آغازین، پس از پاره‌ای از آواها (پ ۱۱۵)، در فارسی‌باستان بدون تغییر باقی میماند:

OP maθišta- بزرگترین, Av. masišta-, Gk. μηkιστos

OP frāišayam روانه کردم, Skt. eṣayati او می‌آورد.

OP uška- خشک, Av. huška-, Lith. saũsa-s.

OP gauša- گوش, Skt. ghóṣa- سرو صدا .

OP adaršnauš او جرأت داشت, Skt. dhṛṣṇóti او جرأت می‌کند.

OP arša- مرد، نر , در → aršāma- آرشام, Skt. ṛṣa-bhá- گاونر.

pIE *sed-əs- در → OP hadiš کاخ, cf. Gk. εδos (از → pIE *sedos).

pIE *e-si-ste-to, OP aʰištatā او ایستاد, cf. Gk. ιστaτaι او می‌ایستد (از → *sistətai).

pIE *ṛsti-, OP nom. arštiš, Skt. ṛṣṭi-s(cf.§115).

OP nom. tanūš تن, Skt. tanū-ṣ.

برای ks و خوشه‌های دیگر منتج به xš، نگاه کنید به: پ ۱۰۲؛
برای k̄n و gn منتج به xšn آغازی و šn میانی، نگاه کنید به: پ ۹۶؛
برای -šc- به عنوان یک تولید سندهی، نگاه کنید به: پ ۱۰۵؛
برای cα آریایی آغازین منتج به šy فارسی‌باستان، نگاه کنید به: پ ۱۰۴؛
برای ti آریایی آغازین منتج به šy فارسی‌باستان، نگاه کنید به: پ ۸۰؛

برای tn آریایی آغازین منتج به šn فارسی‌باستان، نگاه کنید به: پ ۸۲.

پیشوند فعلی -ni، روی s آغازین ریشه فعل تاثیر می‌گذارد؛ بدین ترتیب: -ni-štā از: ni+stā و نیز -ni-šad از: (در ایرانی -ni - + sad-(had، و ارزش š به هر جایگاهی نیز که š بوسیله افزونه از i جدا شده باشد، گسترش می‌یابد: niyaštāyam «من فرمان دادم» (اما avāstāyam «من بازگرداندم»)، niyašādayam «من فرمان دادم». همچنین این وضع در مورد ضمیر متصل šaiy - ، -šim, -šām, - šiš نیز، در ساخت گسترش یافته پس از i و u پایانی واژه‌ای که به آن متصل شده، تعمیم یافته است. مقایسه شود با اوستا: hōi, hīm, hīš ، که تعمیم h آغازی را که پس از بیشتر آواهای پایانی عادی است نشان می‌دهد.

برای št باز آمده از k̄t هندواروپایی آغازین نگاه کنید: پ ۹۳. همچنین آوای š در امواژه‌ها نیز ظاهر می‌شود، از جمله: -maškā «مَشک، خیک» (از آرامی)؛ و نیز در اسامی خاص، که ریشه و اصل آنها همیشه روشن نیست (اینجا تنها پس از i و u):

kāpišakāni-, kūša-, cišpi-, patišuvari-, adukanaiša-, çūšā-, و غیره.

## پ ۱۱۸ـ h ایرانی آغازین باز آمده از s هندواروپایی آغازین، پ ۱۱۵.

I - h ایرانی آغازین در فارسی‌باستان باز می‌ماند.

pIE *soluo- همه , OP haruva, Skt. sárva-.

pIE *sn̥t-iom, OP hašiyam حقیقت، Skt. satyám, cf. Eng. sooth.

pAr. *sainā- سپاه, OP hainā-, Skt. sénā-.

OP vāhara- در،بهار، → θūra-vāhara-, Skt. vāsará- درخشان, Lith. vāsara تابستان.

pIE gen. -osio, OP martiy-ahyā ِـ مرد Skt. márty-ahya.

pIE acc. *nās-m̥, OP nāham, Skt. nāsam.

-II در فارسی‌باستان، h پیش از r و m نوشته نمی‌شده است:

OP rauta رود, Skt. srótas- رود، جاری.

OP amiy هستم, LAv. ahmi, Skt. ásmi, از → pIE *esmi.

OP amāxam ما ـ, Av. ahmākəm, Skt. asmākam.

OP taumā تخمه, *tauhmā از → * tauxmā, §103. II.

III- hai فارسی‌باستان بصورت $h^ai$ نوشته می‌شده است؛ hi آغازی یا میانی فارسی‌باستان نیز با i یا $h^a$ نوشته می‌شده است؛ صورت نوشتاری $h^aiy^a$=hiy فارسی‌باستان که انتظار می‌رود برای hy و hiy غیر پایانی و نیز hi پایانی بیاید، معمولاً بدون i نوشته می‌شود؛ صورت (برای hi-) hy- = $h^ay^a$ پایانی فارسی‌باستان نیز، چنانچه از سوی یک پی‌چسب دنبال شود، $y^a$ را از دست می‌دهد. برای مثال‌ها و فهرست کامل استثنائات نگاه کنید به: پ ۲۷.

IV- صورت نوشتاری $h^au$، شکل متعارف برای hau بوده است، همانند: hauv, hauvam, haumavarga-, vahauka-. اما برای صورت hu بکار نمی‌رفته است؛ برای بیان hu، با u واکه‌ای، تنها نشانه u مورد استفاده قرار می‌گرفت؛ و نیز برای نشان دادن huv به جای hu (از su) $uv^a$ نوشته می‌شده است ـ $h^a$ در هر دو وضعیت حذف می‌شده است:

Nom. dārayava$^h$uš, gen. dārayavahauš.

Nom. hara$^h$uvatiš, Skt. sárasvatī.

Loc. pl. aniyāhuv-ā, Skt. anyāsu.

$^h$uva- خود, Av. x$^v$a-, Skt. sva-.

$^h$uvaspa- ،دارنده اسب‌های خوب،' Skt. su-àśva-.

در نام vi$^n$da-farnah «ویندفرن»، جزء دوم، همان x$^v$arənah اوستا به معنی «فره شاهنشاهی»، باز آمده از -suel-nos* هندواروپایی آغازین است، مقایسه شود با سنسکریت: -svar «خورشید»، لاتین: sōl؛ به نظر می‌رسد که f به جای hu فارسی‌باستان، باز آمده از su، یک ویژگی مادی باشد، اگرچه «ویندفرن» یکی از پارسیانی بود که داریوش را دربراندازی بردیای دروغین یاری داده بود.

V- واژه‌های دیگری نیز با h وجود دارند که برخی دارای ریشه‌شناسی نامعلوم بوده و پاره‌ای از زبانهای دیگر به وام گرفته شده‌اند:

anāhitā که معمولاً بصورت anahata نوشته شده و نام ایزد بانویی است با نامی ظاهراً ایرانی بر پایه یک ریشه نامعلوم؛ -haldita «نام یک ارمنی»؛ hi$^n$duš «نام ایالتی باز آمده از هندی باستان»، اما با تحول ایرانی s آغازی.

VI- برای‌فقدان h در زنجیره ahah، و نیز ادغام بعدی واکه‌ها، نگاه کنید به: پ ۱۳۱.

**پ ۱۱۹ ـ ḫ آریایی آغازین** از s هندواروپایی آغازین پس از ā آریایی آغازین که در موضع پایانی عبارت یا جمله‌ای قرار گرفته باشد، تحول یافته است. این ḫ در فارسی‌باستان نوشته نمی‌شده است، اما حضور آن به عنوان یک آوا به این طریق نشان داده می‌شد که چنانچه ḫ پس از ă می‌آمد، ă پایانی، در نوشتار به همان صورت ă باقی میماند، اما اگر خود تنها در جایگاه پایانی قرار می‌گرفت، به شکل ā نوشته می‌شد. در صورت تمایل به نشان دادن این ḫ نانوشتاری، می‌توانیم از ḫ برکشیده یا s برکشیده استفاده کنیم[51] که بسیار مناسب‌تر است.

OP nom. martiya$^h$, Skt. mártyaḥ از، → pIE -os.

OP nom. pl. bagāha$^h$ بغان, cf. Skt. Ved. devāsaḥ بغان.

اما → OP abara$^n$tā, Skt. ábharanta; OP agarbāyatā, Skt. agr̥bhāyata.

در فارسی‌باستان مدرکی دال بر ماندگاری ḫ بعنوان یک آوای نانوشتاری پس از ā ، وجود ندارد:

OP gen. taumāyā تخمه, Skt. gen. -āyāḥ -ā- در بن‌های مختوم به.

OP npf. kartā ساخته,کرده, Skt. hr̥tāḥ

حالت بایی جمع واژه raucabiš از rauca$^h$ «روز»، مسئله‌ای را پیش می‌آورد. صرف متناسب با بن‌های خنثی مختوم به -os/es- ، با کاربرد محدود -mánas «اندیشه» در سنسکریت و -manah «اندیشه، احساس»، در اوستا، انطباق دارد:

| | pIE | Skt. | Av. | OP |
|---|---|---|---|---|
| Nom.sg. | *menos | mánaḥ | manō | rauca$^h$ |
| Ins.pl. | *menez-bhis | mánōbhiḥ | manəbīš | raucabiš |
| Loc.pl. | *menes-su | mánaḥsu | raočōhv-a | |

ظاهراً پسوند -as- یا -az- ، در برخی از ساخت‌ها با -aḥ- جایگزینی داشته، در حالیکه -aḥ- ، تحول آوایی ساده‌تری را پشت سر گذاشته است. ما می‌توانیم فرض کنیم که raucabiš از raucaḥ-bihš آمده است، که ḫ خود، پیش از انسدادی واکدار، واکدار شده و در فارسی‌باستان از میان رفته است. در حالیکه

در اوستا و سنسکریت، با دگرگونی ناشی از واکه مقدم بر ō از میان رفته است. همانند این جایگزینی در -zūra^h-kara «پلید رفتار» دیده می‌شود، موردی که در آن ḥ پیش از انسدادی بی‌واک از میان رفته است؛ مقایسه شود با، سنسکریت: -manaḥ-pati «ایزد اندیشه».

**پ ۱۲۰ ـ z هندواروپایی آغازین** در هندواروپایی آغازین، تنها تحول یافته از موارد زیر است:

۱) از s که در ساخت ـ واژه، پیش از یک انسدادی واکدار آمده باشد؛

۲) از s که در ساخت ـ واژه، پس از یک انسدادی دمیده واکدار آمده باشد (در این مورد مثالی از فارسی‌باستان وجود ندارد)؛

۳) در خوشه‌های واکدار dzd و dzdh که از ترکیبات معین دندانی + دندانی تحول یافته باشد (پ ۸۵)[52]. در این زمینه تنها چند مثال محدود وجود دارد: -vahyaz-dāta «نام شخص، (پیرو) قانون بهتر»، مرکب از -vahyas «بهتر» (سنسکریت: -vásyas) و dāta «قانون».

azdā و aura-mazdāh ، با -dzdh- ، نگاه کنید: پ ۸۵؛ برای -basta و -gasta ، با -tst- وجه وصفی جایگزین شده با -dzdh- نگاه کنید به: پ ۸۵.

پیشوند -niš* آریایی، باز آمده از s + ni* هندواروپایی آغازین (پ ۱۱۵)، پیش از انسدادی‌های واکدار به niž تبدیل می‌شود، همانند، اوستا: -niž-bərəta «ربوده شده» (اسم خنثی)، که در فارسی‌باستان بصورت -nij ، در nij-āyam «من پیشروی کردم»، نوشته می‌شود.

موارد دیگر مربوط به z ، عمدتاً به ثمره تحول g و gh هندواروپایی آغازین در مادی (پ ۸۸، پ ۹۱) و یا وقوع پیش از همخوان‌ها در فارسی‌باستان (پ ۹۱، پ ۹۵)، مربوط می‌شود؛ این z پیش از n به s و سپس به š تبدیل می‌شود:

pIE g: paruzana-, vispazana-, varkazana-, vazraka-.

pIE gh: brazmaniya-, uvārazmī, uzma-, zūra-, zūrakara-.

pIE g gh: zra^nka-.

pIE ghu: patiyazbayam, h^azānam.

نام ـ جای‌های غیر ایرانی → :zazāna-, zūzahya-, izalā.

باید توجه داشت که z فارسی‌باستان، پیش از m ، بدون تغییر باقی میماند،

همانند: brazman، اگرچه پیش از n بی‌واک می‌شود (و نیز از پیش تغییر کرده بود)، همانند: baršnā. اما zm که در اوستای گاهانی حفظ شده بود، در اوستای متاخر به sm تغییر می‌یابد.

**پ ۱۲۱ ـ درجات گردش واکه‌ها:** دگرگونی واکه‌های هندواروپایی آغازین، که تحت عنوان گردش واکه‌ای نامیده می‌شود، در فارسی‌باستان بخوبی و صراحت وجود دارد، اگرچه در تحولات آریایی آغازین مبهم است: e o a هندواروپایی آغازین به a آریایی و ē ō ā هندواروپایی آغازین به ā آریایی آغازین تبدیل شده، واکه‌های مرکب نیز به همین نحو، به ai āi, au āu، تقلیل یافته‌اند. علاوه‌براین ə تخفیف یافته پیش از آوای روان، غنه‌ای، یا نیم واکه نیز در آریایی آغازین به a تغییر یافته است؛ نیز مقایسه شود با تحول آواهای واکه‌ای بلندروان‌وغنه‌ای‌بلند.پ ۶۸.بدین‌ترتیب در مجموع تصور می‌شود که رشته‌های واکه‌ای هندواروپایی آغازین در فارسی‌باستان دارای اشکال زیر باشد:

| هندواروپایی آغازین | | | | فارسی‌باستان | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| رشته I | | | | | | | |
| e | o | صفر ƀ ƀ | ē ō | a | صفر | a | ā |
| ei | oi | i[2] | ēi ōi | ai | i[2] | | āi |
| eu | ou | u[2] | ēu ōu | au | u[2] | | āi |
| er[1] | or | r[2] ƀr ƀr | ēr ōr | ar | r[2] | ar | ār |
| en[3] | on | n[2] ƀn ƀn | ēn ōn | an | a,n | an | ān |
| رشته II | | | | | | | |
| a[4] | o | صفر | ā ō | a | صفر | | ā |
| رشته IV V | | | | | | | |
| ē[7] | ō | ə | | ā | | | i,a[6] |
| ā | ō | ə | | ā | | | i,a[6] |

تذکراتی در مورد جدول: ۱) el هندواروپایی آغازین و غیره که به ar آریایی آغازین و غیره تغییر یافته است. ۲) چه آوای همخوانی و چه آوای واکه‌ای برطبق طبیعت آواهای همجوار. ۳) em هندواروپایی آغازین و غیره که am آریایی آغازین و غیره را داده است. ۴) گونه‌های واکه مرکبی مربوطه به این رشته، همانند رشته I وجود دارد؛ اما مثال‌های کمی از این رشته را می‌توان در فارسی‌باستان موجود شناسایی کرد. ۵) رشته III شامل «صفر o ō» و غیره، و رشته VI شامل ə ō ō، که ممکن است صرفاً گونه‌های رشته I و IV بدون مثال‌های موجود مربوط به درجات بترتیب e و ē باشد. ۶) ارزش آوایی a پیش از i و u، ı، و u، تحول یافته است. ۷) گونه‌های واکه مرکبی مربوط به رشته IV و V، همراه با درجات صفر əi یا ī، əu یا ū و غیره وجود دارد.

علاوه بر جزئیات، درجات واکه در دوستون نخست هندواروپایی آغازین، اساساً به هجاهای تکیه بر تعلق دارد، آنها که در ستون نخست جای دارند به هجاهای تکیه بر اولیه و آنها که در ستون دوم قرار گرفته‌اند به هجای تکیه بر ثانویه؛ و در مجموع تحت عنوان درجات متعارف یا درجات تکیه بر شناخته می‌شوند. آنهایی که در سه ستون بعدی هندواروپایی آغازین آمده‌اند، اساساً به هجاهای بی تکیه تعلق دارند؛ آنهایی که در ستون سوم قرار دارند تحت عنوان درجات صفر، و آنهایی که در ستون چهارم و پنجم آمده‌اند تحت عنوان درجات تخفیف یافته شناخته می‌شوند. آنهایی که در دوستون آخر هندواروپایی آغازین قرار دارند تحت شرایطی مخصوص از جمله: ادغام واکه آغازین یک فعل با افزونه واکه‌ای، مشخص کردن اسم مشتق از ریشه فعلی، نشان دادن بن سببی یک فعل یا نشان دادن حالت فاعلی مفرد یک اسم (گاهی به حالت مفرد مفعولی صریح و فاعلی جمع نیز تعمیم یافته است)، ویژگی بلندا را کسب کرده‌اند؛ و ضمن اینکه تحت عنوان درجات بلند شناخته می‌شوند، اساساً حاصل به ترتیب تکیه اولیه و تکیه ثانویه هستند. اما توزیع درجات بصورت طرحی چنین کلی نمی‌تواند جامع و مانع باشد، زیرا در تبدیل ساخت‌های وابسته، ممکن است به نتیجه‌ای فراتر از موارد شناخته شده منجر شود، و بدین ترتیب، جهت حفظ یک همانندی مفید در ساخت‌های وابسته، پای قیاس به میان می‌آید.

در فهرست‌های زیر، کوشش به عمل آمده تا درجات e و o از هم متمایز شوند؛

در حالیکه این امر غیر ممکن است، ولی. پیش ساخت مربوطه، با نظام واکه‌ای آریایی آغازین داده خواهد شد. در بیشتر بخش‌ها، تنها مثال‌هایی داده خواهد شد که دو درجه مختلف را در خود فارسی‌باستان نشان دهند.

### پ ۱۲۲ ـ تنوع گردش واکه در ریشه:

مثال‌هایی از فارسی‌باستان:

*ēs- در as-tiy او هست، -s* در h-a$^n$tiy آنها هستند، -ēs* (با افزونه) در āh-am من بودم.

*ped- یا -pod* پا، در ni-padiy ، pati-padam ، garma-pada-،(آریایی):-pād* در pādaibiya با دوپا.

*sed- نشستن،در had-iš محل سکونت،مقر؛(آریایی) : -sād* در niyašādayam من برقرار کردم.

*nek- تباه‌کردن،در -vi-nas-ta صدمه، (آریایی): -nās* در viy-anāθaya او صدمه زد.

*ei- رفتن، در aitiy او می‌رود، -i* در -idiy تو برو، (para-idiy ، parīdiy) از *pari-idiy) و -itā رفته (para-itā) ؛ -ēi* (با افزونه) در upāyam (از *upa-āyam) من وارد شدم، upariy-āyam من رفتار کردم، atiy-āiš او رفت.

*peik- بریدن، در ni-paištanaiy نوشتن؛ -pik* در وجه وصفی ni-pištam نوشته.

*teu- در taumā قدرت، u-tava دارای قدرت زیاد، tauvīyā قویتر (برای tavīyā نگاه کنید به. پ ۴۸)؛ -tu* در tunuvā قدرتمند؛ آریایی :-tāu* در tāvayatiy او توانا است.

*dhrogh- در drauga دروغ، -dhrugh* در duruxtam دروغین.

*g$^u$ou- در gau-māta ، gau-baruva ؛ -g$^u$u* در θata-gu-š (اما نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه)؛ (-g$^u$ōu* در سنسکریت: gáuṣ گاو).

*bheu- شدن، در bavatiy او هست؛ -bhu* در biyā باشد.

*bher بردن، در bara$^n$tiy آنها می‌برند؛ -bhor* در -aršti-bara نیزه‌دار، برنده نیزه؛

*bhr̥- در u-bar-tam محترم شمرده شده؛ -bhōr* در -asa-bāra سوار، -uša-bāri شتر سوار.

*qer- کردن، ساختن، در cartaraiy کردن؛ -qor* در zūra-kara پلید کردار؛ -qr̥* در

ca-xr-iyā ساخته باشد -qr̥* در kartam ساخته؛ -qr̥r* در akariya انجام شده بود؛ -qēr* در u-cāram موفق.

*mer- مردن، در -marīka انسان حقیر (نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه)، *mor- در martiya مرد (نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه)، *mr̥- در marta مرده، uvā-maršiyuš با خود مرگی[۶] (نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه)؛ احتمالاً -mr̥r* در amariyatā او مرد (مقایسه شود با اوستا miryeiti او می‌میرد).

*bhendh- یا -bhondh* در baⁿdaka بنده، -bhn̥dh* در basta بسته.

*gᵘhen- در ajanam من زدم، -gᵘhn̥* در jadiy تو بزن، -jata زده.

*dher- یا-dhr̥* درadaršiyتصرف کردم؛ -dhr* در -duruva محکم؛(آریایی): -dār* در dārayatiy او دارد.

*gᵘem- آمدن، در ā-jamiyā بیاید، -gᵘm* در parāgmatā پیش رفته (نگاه کنید به. پ ۲۴۴).

*ap- آب، در جمع بایی -āp,abiš* در حالت فاعلی āpiš، در حالت دری āpiyā

*bhag- در -baga بغ، -bhāg* در -bāji باج.

*gᵘoi- در gaiθām رمه (oi در عدم کامی شدگی g تحقق یافته است)،-gᵘī* در jīva زندگی.

*prek- در ufraštam خوب مجازات شده، -pr̥k* در aparasam مجازات کردم.

*reg- راست، فرمانراندن، یا -rog* در uradanām ؛ -r̥g* در ardu-maniš, arštām ؛ -rēg* در rāstam راست (مقایسه شود با: پ ۹۳ ی ۲).

*stā- جا، در niyaštāyam, avāstāyam, stānam ؛ تخفیف یافته به -st* با واکه ماده ساز به جای -stə* در aʰištatā.

*pā- (آریایی) پاییدن در pādiy ,pātuv ، pāta ؛ -pə* در apayaiy ، patipayauvā (پ ۲۱۴).

gnō- در xšnāsātiy ؛ -gnə-u* در ā-xšnautiy مقایسه شود با -gn-u* در xšnuta (پ ۲۰۸).

*dhē- گذاشتن، تنها در این درجه: adā او ساخت، dātam قانون.

---

۶. نگاه کنید به یادداشت ۵، پ ۱۱۳

*dō- دادن، تنها در این درجه: dadātuv بدهاد.

**پ ۱۲۳ ـ تنوع کارای گردش واکه در ریشه فعلی:** مثال‌های مربوطه در بخش‌های پیشین دیده شده‌اند و در مجموع موارد زیر را در بر می‌گیرند:

۱) درجه قوی با دگرگونی به درجه صفر یا تخفیف یافته در صورت‌های صرفی با قاعده، با درجه بلند درجایی که با افزونه ادغام صورت گرفته باشد.

۲) درجه بلند در ساخت‌های سببی، در حالیکه زبان‌های دیگر درجه -ŏ- را نشان می‌دهند:

vināθaya-, Lt. noceō; dāraya-, mānaya-, çāraya-,-šādaya-, tāvaya-,jāvaya.

۳) درجه بلند در اسامی مشتق از ریشه فعلی:

asa-bāra-, uša-bāri-; u-cāram, bāji-.

**پ ۱۲۴ ـ تنوع کاری گردش واکه در واپسین هجا ـ بن اسم‌ها:**

۱) در بن‌های مختوم به ؛ -ŏ-: حالت فاعلی: -os ، همچنانکه در martiya آمده، و -o- در چندین ساخت دیگر؛ حالت ندایی: -e در martiyā ; نگاه کنید به: پ ۱۶۹.

۲) در بن‌های مختوم به -u- : (آریایی) -au در dahyauv-ā در حالت دری مفرد، -u- در dahyu-šuvā در حالت دری جمع، -āu- در dahyāu-š در حالت فاعلی مفرد؛ نگاه کنید به: پ ۱۸۰. dārayava$^{h}$uš در حالت فاعلی مفرد و -va$^{h}$um با -u- در حالت مفعولی صریح، -vahauš با -au- (آریایی) در حالت وابستگی. باید توجه داشت که واژه pirāva «رود نیل»، از piruš «عاج»، باز نیامده است، مراجعه شود به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه.

۳) در بن‌های مختوم به -i-: -i- در cišpiš در حالت فاعلی، -ai- (آریایی) در cišpaiš در حالت وابستگی؛ نگاه کنید به: پ ۱۷۷.

۴) در بن‌های مختوم به -s-: - nos در manaš-cā در حالت فاعلی و مفعولی صریح خنثی، -nes- در manahā در حالت بایی، -nēs در vida-farnā در حالت فاعلی مذکر، -nəs در ardu-maniš , haxā-maniš ؛ نگاه کنید به: پ ۱۸۵.

۵) درجه بلند به عنوان نشانه حالت مفرد فاعلی بن‌های مختوم به همخوان:

بن مختوم به -t- : napā ، بن‌های مختوم به -r-:pitā -mātā brāta dauštā،
بن‌های مختوم به در -n-: asā, artāvā, xšaçapāvā نگاه کنید به: پ ۱۸۸، پ ۱۸۶، پ ۱۸۷. درجه بلند با tē[r]– در pitā ، نیز درجه صفر -tr- در piça در حالت وابستگی، مشتق از *pə-tr-os دیده می‌شود. همچنین واژه dahyāus با بن مختوم به -u- نیز به همین بحث مربوط می‌شود (نگاه کنید بالا، بند ۲).

۶) درجه بلند به عنوان نشانه حالت مفعولی صریح مفرد همین طبقات:
asmānam framātāram nāham $h^a$zānam dahyāum dahyāvam
نگاه کنید به: پ ۱۸۴.

۷) درجه بلند به عنوان نشانه حالت فاعلی جمع همین طبقات: dahyāva ، نگاه کنید به: پ ۱۸۳.

**پ ۱۲۵ ـ GUNA و VRIDDHI:** دستور نویسان هند، در داخل یک ریشه یا یک وند، تنوع واکه‌هایی را بازشناسی کردند. واکه‌هایی را که آنان در سیستم ریشه‌های خود مورد تشخیص قرار دادند، از سوی خود آنها به عنوان واکه‌های بنیادین تلقی می‌شد؛ پیشوند افزایی ă به هریک، شکل guna (سنسکریت: guṇa)؛ و بلندای شکل guna ، شکل vriddhi (سنسکریت: vṛddhi «رشد، بالندگی») را بدست می‌داد. در این میان ă صورتی از شکل guna خود بوده و در واقع ă بدون هیچگونه تغییری می‌توانست بعنوان شکل guna خود نیز بکار رود. بدین ترتیب این دستور نویسان به برابرهایی به شرح زیر دست یافتند؛ باید به خاطر داشت که نزد دستور نویسان هند، e و o ، واکه‌های مرکب ai و au محسوب می‌شدند (همانطور که واقعاً بودند!).

| | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| واکه‌های بنیادین: | a | ā | i ī | u ū | ṛ | ḷ |
| guna: | a | ā | e | o | ar | al |
| vriddhi: | ā | ā | āi | āu | ār | āl |

این جدول در اصل، تحول رشته‌های گردش یافته هندواروپایی آغازین را در آریایی نشان می‌دهد، در حالیکه e o a هندواروپایی آغازین به a و نیز ē ō ā هندواروپایی آغازین به ā تغییر یافته است؛ و چنانچه این وضعیت در هیچیک از دو شاخه آریایی و هندواروپایی وجود نمی‌داشت، ارائه کردن آن ضرورت پیدا نمی‌کرد، بطورکلی، تغییر واکه به واکه‌ای با ویژگی vriddhi ، مهمترین شیوه ساخت ـ واژه به شمار می‌رفته است.

در این کاربرد، ā و ū گاهی اوقات به عنوان واکهٔ با ویژگی vriddhi و نیز برابر با i و u (به جای āi و āu در جدول ارائه شده در فوق) عمل می‌کنند.

**پ ۱۲۶ ـ VRIDDHI به عنوان یک وند.** vriddhi یا بلندای واکه در آریایی، کارآمدترین شیوه برای ساخت اشتقاقات بوده است؛ برای مثال بسیاری از صفات در سنسکریت، تنها از طریق واکه با ویژگی vriddhi در هجای آغازین، از اسامی قابل تمایزند. در فارسی‌باستان، تعدادی مثال معین در این زمینه وجود دارد (به جز مواردی که در آنها وقوع واکه با درجه بلند می‌تواند به عنوان توارث مستقیم از هندواروپایی آغازین و یا از یک نظام ساختی هندواروپایی آغازین مورد بررسی قرار گیرد):

dāraniya-kara- زرگر، در مقایسه با -daraniya زر.

bāga-yādi- ستایش بغ (ماه)، در مقایسه با -baga بغ.

uvārštika نیزه‌دار خوب (-hvār*)، در مقایسه با arštiš نیزه، سنسکریت: -ṛṣṭi نیزه؛ این مورد غیر قطعی است، چه به اعتبار ārštika نیزه‌دار، که از نظر نظام واکه‌ای با uvārštika مطابقت دارد و ما آن برگزیده‌ایم، و چه به اعتبار arštika نسبت به arštiš. مقایسه شود با مورد بعد.

uvāsabāra سوار خوب (-hv-āsa*)، در مقایسه با -asa اسب؛ asabāra با ă احتمالاً از طریق مقایسه با واکه غیر بلند در -ušabāri شتر سوار، شکل گرفته است.

uvāmaršiyuš با خود مرگی[7] (نگاه کنید به واژه‌نامه) در مقایسه با -hva* خود.

uvāipašiya- خود، با -hvāi* در ارتباط با -uvaipašiya خود، مگر اینکه املا با -āi- یک اشتباه باشد.

xšāyaθiya- شاه، در مقایسه با -axšayaiy من فرمانراندم.

θāiygarci- یک ماهنام با ریشه نامعلوم.

yāumainiš ماهر، مشتق از -yau-man*

māniya- بردگان خانگی، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه.

ūvnarā مهارت‌ها، در مقایسه با -hu-nara* (در اینجا u با ویژگی vriddhi بصورت ū در آمده است).

---

۷. نگاه کنید به یادداشت ۵، پ ۱۱۳.

mārgava مروی، در مقایسه با marguš مرو.
pārsa پارس در مقایسه با parθava پارت.
احتمال دارد که vriddhi، در هجای آغازین مثال‌های زیر، بعنوان یک وند بکار رفته باشد:
- ماهنام‌های -viyaxna-, anāmaka-, adukanaiša؛ برای دو ماهنام دیگر نیز قطعاً چنین وضعی وجود دارد (نگاه کنید بالا).
- نام‌های شخصی -frāda-, vāyaspāra.
- واژه دال برقومیت pātišuvaris (در مقایسه با patiy؟).
- نام جای -kāpišakāni.
aθagaina- یا -āθagaina سنگی، صفت از -aθaga سنگ.
ariya- یا -āriya[53]، aruvastam یا āruvastam, arjanam یا ārjaram.
kāsakaina-, kāsaka-
vriddhi به عنوان عامل، در جزء دوم یک ترکیب، در موارد زیر دیده شده است:
yād- در -bāga-yādi و -āçi - yādiya دو ماهنام.
vāhara- در -θūra-vāhara ماهنام، مقایسه شود با لیتوانیایی: -vāsara تابستان، با ă متقدم.
احتمالاً -uvā-dā (برای -*hvā-dā) در paišiyā-uvādā؛ نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه.
احتمالاً ʰu-vāra-zmiy ,ʰu-tāna, vi-vāna، -vāyaspāra.
-cāra، - bāri- ، -bāra- بعنوان جزء دوم ترکیبات.
نام‌ها و صفات احتمالی ساخته شده برپایه ریشه دارای واکه بلند در این‌جا آمده است:
kāma-, pāda-, bāji-, rāsta-. نیز نگاه کنید به ساخت‌های دارای واکه‌های بلند در پ ۱۴۳.

**پ ۱۲۷ - توارد آوایی** عبارت است از ورود i یا u یا واکه دیگر در یک هجا، زیر تاثیر آوای هجای بعد؛ نتیجه این فرایند این است که آوای واکه قرار گرفته در هجای مبتلا به توارد، دگرگون شده و تغییر می‌یابد. این فرایند در اوستا عمومیت دارد، همانند paiti برای *pati، فارسی‌باستان: patiy ، یا pouru

بـرای $paru^*$، فـارسی‌باستان paruv . تـنها مـثال مسـلم در فـارسی‌باستان yāumainiš برای $yāumaniš^*$ و نیز صورت ترکیبی آن یعنی ayāu(ma)iniš در DNb 40,59 است. احـــتمالاً در paišiyā DB 4.91 و بـطور نـامحتمل در paišiyāuvāda نیز این فرایند دیده می‌شود (نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه).

پ ۱۲۸ ـ **افزایش واکه** عبارت است از ظهور یک واکه میان دو همخوان که تلفظ آن‌ها بدون واکه میانجی برای گویشور دشـوار بـاشد؛ مـقایسه شـود بـا تـلفظ معمولی athletic بصورت athəletic. فارسی‌باستان در خوشه dr، هنگامی که از سـوی u دنـبال شـود، دارای فـرایـند افـزایش واکـه است: duruva «امـن»، ســــنسکریت: dhruvá-s ؛ duruxtan «دروغ»، ســــنسکریت: adurujiya «او دروغ گفت»، مقایسه شود با اوسـتا: drujim «پـلید» در حـالت مفعولی صریح. تنها خوشه دیگر در فارسی‌باستان که به فرایند افـزایش واکـه دچار شده، gd است، که ما آنرا در صورتهای گوناگون نوشتاری نام سغد بـاز می‌یابیم: $s^aug^uud^a$ برابر با suguda ، $s^aug^ud^a$ برابر با $sug^uda$، علاوه براین $s^aug^ad^a$ = sugda نیز، صورت دیگری از تلفظ این نام است.
البته این امکان وجود دارد که خوشه‌های dr br fr zr نیز پیش از a دچار این فرایند شده باشند، اما نوشتار فارسی‌باستان نمی‌تواند در این مورد مدرکی را ارائـه دهـد. فـارسی‌نو: durōγ بـرابـر بـا فـارسی‌باستان: drauga ، فـارسی‌نو: birādär بـرابـر بـا فـارسی‌باستان: brātā ، فـارسی‌نو: färmān بـرابـر بـا فارسی‌باستان: framānā ؛ بدین ترتیب ممکن است که فرایند افزایش واکه در این موارد، بعد از دوره فارسی‌باستان صورت گرفته باشد. در برابـر $zra^nka$ ، یونانی دارای صورت zaρáγγι (در: آریان) و Σaρáγγaι (در هردوت) با فرایند افزایش واکه است، اما از آنجاکه یونانی دارای -sr یا -zr آغازین نیست، بنابراین صورت Δρaγγιāνη (در: دیودوروس) نیز، بدون فرایند افزایش واکـه، وجـود دارد، و این خوشه آغازین، در یونانی، طبیعی است. ما می‌توانیم به این واژه‌ها، واژه‌های draya «دریا» و nabukudracara را نیز بیفزایم. فرض اینکه فـرایـند افزایش واکه در واژه‌های فارسی‌نو، متاخر از دوره فارسی‌باستان است، اشتقاق buzurg فارسی‌نو را از vazraka آسان می‌کند (نسبت به vazarka یا vazṛka ،

نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه).

پ ۱۲۹ ـ **حذف به قرینه** عبارت است از حذف یکی از واحدهای دو آوایی شبیه و پی‌درپی که هریک شامل حداقل یک همخوان و یک واکه یا یک واکه و حداقل یک همخوان باشند، بدین ترتیب: انگلیسی: mineralogy از *mineralology. فارسی‌باستان در این زمینه یک مثال معین دارد: hamāta از *hama-māta «هم مادر»، مقایسه شود با: hama-pita «هم پدر»، که در آن حذف به قرینه صورت نمی‌گیرد. مثال دوم که احتمالی و غیر طبیعی است، عبارت است از duvarθim از *dvar-varθim «دالان». و نیز احتمالاً -arštā «راستی» از -*aršta-tā، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه؛ و نیز dīdiy «ببین»، چنانچه به وجه امری حال؛ ساخت مضاعف، یعنی *dhi-dhī-dhi، بیشتر از وجه امری آئوریست یعنی *dhī-dhi، توجه داشته باشیم.

پ ۱۳۰ ـ **کوتاه کردن همخوان‌های بلند.** همخوان‌های بلند در ساخت واژه به کرات متحول می‌شوند که این تحول یا به سبب همجواری دو همخوان همانند روی می‌دهد و یا بواسطه همگون شدن یک همخوان با همخوان مجاور. تمام همخوان‌های بلند متعلق به دوره متقدم در ایرانی آغازین، و تمام همخوان‌های بلند متعلق به دوره متاخر در ایرانی آغازین یا فارسی‌باستان، کوتاه شده‌اند. در زیر مثال‌هایی از فارسی‌باستان آمده است:

pIE sk > pAr. ss > pIr. ss > s در → ske- بن‌های مضارع، نیز مانند → OP parsāmiy, Skt. pṛcchāmi, Lt. poscō; §97.

pIE ks > pAr. cš (§92) > pIr. šš > š در → OP aor. niy-apaišam برپایه ریشه → pIE *peik-; §102.

pIE str (بعد از → u) > pAr. štr > pIr. štr > OP šθr šç šš š مانند → OP uša-، 'شتر،' Av. uštra-; §79.

pIE dn > pAr. nn > pIr.n مانند → OP vaināmiy، می‌بینم، برپایه → pIE *ueid-; §83.I.

pIE pbh > pIE pAr. bbh > pIr. bb > b, مانند → abiš از → *ap-bhis(§75.IV).

این کوتاه شدگی در اغلب زبانها، پیش و پس از همخوان‌ها اتفاق می‌افتد؛ مثال در فارسی‌باستان: -uzma «دار»، از -ud-zma ، پ ۸۴.
کوتاه شدن ترکیب سندهی -dc- به -c- در aciy yaciy (پ ۱۰۵)، احتمالاً از طریق همگون شدگی آوای ضعیف -d (پ ۸۴) به آوای بعدی یعنی -c صورت گرفته و درنتیجه همخوان بلند، کوتاه شده است، اما کوتاه شدن ترکیبات سندهی، هنگامیکه پی‌چسب‌های آزاد در فارسی‌باستان به پی‌چسب‌های متصل تبدیل شده‌اند، ممکن است صرفا نوشتاری باشند، مانند:
āpišim = āpiš - šim, taumanišaiy = taumaniš-šaiy, [n$^{a}$yā] kama= -kam-maiy, patišamaiy ucāramaiy = -m-maiy,(§) 138.

**پ ۱۳۱ ـ ادغام واکه‌ها** در فارسی‌باستان (یا در فارسی‌باستان آغازین)، هنگامی رخ می‌دهد که در ساخت واژه یا یک ترکیب، دو واکه بلافاصله با یکدیگر برخورد کنند. مثال‌های مربوطه به شرح زیر عبارتند از:

ă+ă > ā: *ava-arasam > avārasam, *xšaya-aršā > xšayāršā; *upa-āyam > upāyam, *fra-āišayam > frāišayam; *parā-arasam > parārasam; *ā-āya$^{n}$tā > āya$^{n}$tā; *pasā-ava > pasāva; *ariya-āramnā > ariyāramnā.

ă+i> ai: *parā-itā > paraitā; *parā-idiy > paraidiy.

ă+ăi > āi: *fra-āišayam > frāišayam.

ă+u > au: pAr. masc. *sa و fem. *sā+ *u + OP masc.-fem. hauv.

ĭ+ĭ > ī: *pari-idiy > parīdiy.

-iya- > -ī-, → §23.I. در داخل واژه

نظر براین است که h میان دو واکه a، و سپس در برخورد با ā، حذف می‌شده است، این نظر واقعیت دارد البته چنانچه زنجیره -ahah- باشد؛ به موارد زیر توجه کنید:

fraharavam, avahar[da], auramazdāha -dāhā -dahā, nāham, aniyāha bagāha, āvahanam, θūravāhara-, āham

و ساخت‌های دیگر زمان فعل: aθaha aθaham و غیره، و نیز maniyāhaiy,

frāha$^n$jam . مثال‌های مربوط به ahah>āh، به شرح زیر عبارتند از:

*ahahy > āhy ،باشی, cf. ahatiy او باشد.

*θahāhy > θāhy بگویی.

*θahahy > *θāhy بگویی, چنانچه براساس قیاس → *θahatiy > θātiy می‌گوید.

*māhahyā > māhyā ،ماه، (البته نه در حالت دری، نگاه کنیدبه واژه‌نامه زیر مدخل مربوطه).

واژه vivāna به سختی می‌تواند دارای صورت -vi-vah-ana* باشد، با همین پیشوند و ریشه در اوستا: -vī-vah-vant، سنسکریت: -vi-vás-vant؛ apariyāya نیز -ahap* نیست، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل -ay.

برای زنجیره ăhă، صورت‌های نوشتاری غلطی در XPh وجود دارد:

ah$^a$am$^a$ = āhām به جای → ah$^a$m$^a$ = āham ,من بودم, ah$^a$n$^a$iy$^a$ = ahaniy بجای → *ah$^a$an$^a$iy = *ahāniy ,ممکن است باشم, (gen.) aur$^a$m$^a$z$^a$d$^a$h$^a$a= auramazdahā(XPf (۴بار تظاهر،نیز دوبار در

بجای → - d$^a$ah$^a$ = -dāha یا -d$^a$ah$^a$a= -dāhā;

اما با اینکه برخی از این صورتهای غلط نوشتاری، قابل توضیح هستند (پ ۵۲، پ ۵۳، پ ۲۲۲/I)، نظر مطرح شده در فوق را دگرگون نمی‌کنند.

**پ ۱۳۲ ـ تنوع همخوانی** در واژه‌های فارسی‌باستان به عنوان نتیجه موارد زیر، ظاهر می‌شود:

۱) سندهی درونی در ساخت واژه

۲) تحولات آوایی آریایی آغازین

۳) تحولات آوایی ایرانی آغازین

۴) گویش آمیخته فارسی‌باستان و مادی

۱) نشانه‌های نفی -a پیش از همخوان‌ها، -an از *n̥ پیش از واکه‌ها؛ پیشوند -ha و -ham نیز به همین نحو (= سنسکریت: (-,sa- sam) . پایانه ریشه‌ای پیش از پسوندهای دندانی: gh و gh-t هندواروپایی آغازین >gdh، که در فارسی‌باستان با تولید gt جابه جا می‌شود: adurujiya و druxtam (پ ۷۳/III، پ ۲۴۲). dh و dh-t هندواروپایی آغازین >dzdh، که در فارسی‌باستان با

تولید tst جابه‌جا می‌شود: $ba^{n}daka$ و basta (پ ۸۵، پ ۲۴۲).

۲) کامی شدگی نرمکامی‌های آریایی آغازین پیش از واکه‌های کامی، که در فارسی‌باستان نوعی تناوب و جایگزینی میان k/c , g/j ایجاد می‌کند (پ ۷۳/III):

maka maciyā, kunautiy kartam cartanaiy, kašciy, drauga draujana adurujiya, parā-gmatā $ha^{m}$gmatā ā-jamiyā.

۳-۲) انشقاق s هندواروپایی آغازین به s š ḥ آریایی آغازین، و انشقاق s آریایی آغازین به s و h ایرانی آغازین (پ ۱۱۵):

stānam avāstāyam niyaštāyam $a^{h}$ištatā; hadiš niy-ašādayam; aθaham θastanaiy; پایانه حالت فاعلی در → baga-$^{h}$ pasti-š piru-š.

۳) تغییر p t k ایرانی آغازین به f θ x، پیش از همخوان‌ها (پ ۷۴/I): parā بصورت fra, aparsam بصورت fraštam, tuvam بصورت θuvām در حالت مفعولی صریح، akariya بصورت caxriyā ، drauga adurujiya بصورت duruxtam.

۴) درمورد تفاوت‌های میان نظام همخوانی فارسی باستان و مادی، نگاه کنید به: پ ۸.

پ ۱۳۳ ـ **اتصال** در فارسی‌باستان پدیده‌ای بسیار رایج است. بطورکلی، پی‌چسب‌ها به شرح زیر عبارتند از:

ضمایر:

lst sg. acc. -mā, gen.-maiy, abl. -ma.

2d sg. gen. -taiy.

3d sg. acc. -šim, gen. -šaiy, abl. -ša;

pl. acc. -šiš, gen.-šām.

acc. -dim; pl. acc. -diš.

pl. acc. -tā → (avaθāša-tā DB 4.72 مورد ابهام است؛ تنها در).

حروف ربط همپایه :

- cā و , -vā یا.

حروف (اضافه)پسایند:

ā, patiy; نیز هردو بعنوان واژه جدا پیش یا پس از اسامی خود

قیود و ادات:

-am, -kaiy, -ciy, -diy, هرگز بصورت جدا به کار نمی‌روند

-apiy, -patiy هر دو جدا نیز به کار می‌روند

موارد دیگر:

tya در → mātya DB 4.43, 48, 71; yadātya Xph 35f (صورت نوشتاری غلط → yadāyā Xph 39), cf. yaθā: tya Xph 29.

mām, در موارد دیگر به عنوان واژهٔ دارای تکیه ثابت در → mātyamām DB 1.52.

rādiy در → avahya-rādiy DB 1.6f, etc.; نیز بصورت جدا

اتصال مضاعف:

mā-tya-mām DB 1.52; rauca- pati-vā DB 1.20; nai-pati-mā DNb 20; avā-karam-ca-maiy DNb 72f; ciyākaram-ca-maiy DNb 51, 51f.

استثنائات: diš بصورت یک واژه جدا نوشته می‌شود (یعنی با نشانه جداکننده مقدم) در DB 4.34,35,36 ؛ taiy در DNb 58 نیز بهمین صورت. اما daiy DB 5.11 یک قرائت غلط است، مقایسه شود با: پ ۴۴. تنوعات دیگر در بالا ذکر شده است.

پ ۱۳۴ ـ **آواشناسی اتصال** روی نوشتار واژه‌های دارای پی‌چسب تاثیرات کاملاً مشخصی دارد. بنابراین افزایش یک پی‌چسب، طبعاً از بلند شدن ū- ĭ- ă- بصورت ūv- ĭy- ā- ، جهت کاهش در نوشتار، جلوگیری می‌کند؛ و مثال‌های متعددی وجود دارد که در آنها نتایج دیگری نیز حاصل می‌شود. این موارد، در پاراگراف‌های زیر مورد بحث قرار گرفته است.

**پ ۱۳۵ ـ ā- پیش از پی‌چسب** طبعاً به ارزش واقعی خود برمی‌گردد، و نشانه بلندای آن حذف می‌شود، بدین ترتیب:

manā → mana-cā; avākaram-ca-maiy; avahya-rādiy; fra-haravam.

avadā → avada-ša, avada-šim, avada-šiš; → avadā-šim DB 3.74.

ada-kaiy; dūrada-ša.

utā → uta-maiy (گاهی اوقات)، uta-šim Xph 34;

اما در بسیاری موارد، utā, ā خود را حفظ می‌کند:

utā-maiy, utā-taiy, utā-šaiy, utā-šim, utā-šām, utā-diš.

البته حفظ ā در موارد فوق براساس قیاس با یک واژه جدا صورت می‌گیرد.

**پ ۱۳۶ ـ iy - پیش از پی‌چسب** طبعاً به ارزش واقعی خود برمی‌گردد، البته بدون y- ؛ اما گاهی قیاس با یک واژه مستقل سبب حفظ آن می‌شود:

nai-mā, mai-maiy, nai-šim, nai-pati-mā, pati-maiy, tyai-šaiy, imai - vā, yadi - patiy, yadi - vā, [uš]ī-cā, dipī - maiy;

در عبارات ترکیبی → pati-padam, ni-padiy.

براساس قیاس → naiy-diš DB 4.73, 78.

dūraiy+apiy که در اغلب موارد دو واژه است، بصورت dūraipiy ، بدون y ظاهر می‌شود، و نیز گاهی بصورت dūrayapiy در می‌آید که بیانگر تحول i میان واکه‌ای به y است.

حالت‌های دری با ā پسایند: ăi(y)- پیش از ā به -āy- تبدیل می‌شود، همانند: duvarayā از dvarai+ā*، aθurāyā از aθurāi + ā*. اما خط، نه حالت‌های دری مختوم به -i- راکه i آنها پیش از ā به y تبدیل شده باشد، نشان می‌دهد، و نه حالت‌های دری راکه برپایه قیاس، واکه آنها حفظ شده باشد، مشخص می‌کند: drayahyā (یک بار بصورت hiyā-) ممکن است بیانگر -hi- باشد و یا نشان دهنده -hii-.

hy- پایانی که به جای hiy- نوشته می‌شود (پ ۳۷)، پیش از یک پی‌چسب به $h^a$ تخفیف یافته است:

vikanāhy و vikanāh$^{a}$-diš DB 4.73, 77;
paribarāhy و paribarāh$^{a}$-diš DB 4.78, 74.

**پ ۱۳۷ ـ uv – پیش از پی‌چسب** معمولاً به ارزش واقعی خود برمی‌گردد، البته بدون v؛ اما گاهی قیاس با یک واژه مستقل سبب حفظ آن می‌شود:

hauv, بصورت → hau - maiy, hau - šaiy hau - dim hau - diš;
نیز → hauv-maiy, hauv-taiy, hauv-ciy.
anuv, بصورت → anu-dim.

هنگامی که am- در افزوده باشد auv - به -av- تبدیل می‌شود، اما در hauv-am براساس قیاس باقی میماند؛ ū- پیش از am- به -ŭv- تبدیل می‌شود، در tuvam از *tū + -am.

هنگامی که ā به حالت‌های دری افزوده گردد، au(v)- به -av- تبدیل می‌شود، مانند gāθavā، یا براساس قیاس باقی می‌ماند، مانند dahyauvā ؛ u(v)+ā- به -uvā- تبدیل می‌شود، که البته پس از همخوان‌ها دارای ابهام خواهد بود، بعبارت دیگر می‌تواند بصورت -uv- یا -v- در آید، مانند dahyušuvā ، aniya$^{h}$uvā (مقایسه شود با پایانه جمع دری -šu, -su در سنسکریت).

**پ ۱۳۸ ـ همخوان‌ها پیش از پی‌چسب‌ها** تغییرات معدودی را نشان می‌دهند:

I- همخوانهای مضاعف بصورت تکی نوشته می‌شوند:
āpiš + šim = āpišim DB 1.95f; taumaniš + šaiy= taumanišaiy DNb 25f; -kam + maiy در → [n$^{a}$yā]kama A$^{2}$Sa 4.
در → DNb 51f → ciyākaram$^{a}$m$^{a}$c$^{a}$iy$^{a}$ → دوبار بجای → m$^{a}$c$^{a}$m$^{a}$iy$^{a}$,= ciyākaram-ca-maiy. Cf. §130.

II همخوان‌های پایانی تخفیف یافته که در پایان واژه نوشته نمی‌شوند بندرت در ترکیب سندهی ظاهر می‌شوند؛ مثال عبارتند از: -d c-,-s k-,-s c- که در پ ۱۰۵ آمده است.

**پ ۱۳۹ ـ ادغام واکه‌ها در سندهی** هنگام ترکیب با پی‌چسب‌ها امری است مطابق با انتظار، اما در فارسی‌باستان، موقعیت‌هایی که این وضع را پیش می‌آورند نادر

است. در این مورد یک نمونه احتمالی وجود دارد:

vašnā[pi]y XPg 7f, برای → vašnā + apiy.

**پ ۱۴۰ ـ سندهی در رابطه با پیشوندها** همان پدیده‌ای را نشان می‌دهد که با پی‌چسب‌ها نشان میداد.

-I نشانه نوشتاری uv- īy- ā- به جای ū- ī- ā-، پیش از همخوان‌ها به ū- ī- ă- برمی‌گردند:

حرف اضافه upā بصورت upa-stām؛ پیشوند -fra (در فارسی‌باستان بصورت جدا ظاهر نمی‌شود) در fra-haravam,fra-mātāram.

حرف اضافه patiy بصورت pati-padam؛ pariy بصورت pari-barāmiy؛ پیشوند -ni (بصورت جدا در فارسی‌باستان یافت نمی‌شود) در ni-rasātiy، ni-padiy.

صفت خنثی paruv بصورت paru-zanānām، نیز paruv-zanānām و paruv: zanānām پس از paruv بصورت جدا.

-II ā- پایانی با -ū -āi -ī -ā آغازین ادغام می‌شود؛ ī- پایانی با -ī آغازین ادغام می‌شود؛ بنظر می‌رسد که i- پیشوند؛ با افزونه فعلی -a ادغام می‌شود، مگر اینکه از طریق قیاس از این امر پیشگری شود؛ مثال‌ها در پ ۱۳۱.

-III i–پایانی، پیش از -ā آغازین به صورت نوشتاری $iy^a$ در می‌آید؛ خط نشان نمی‌دهد که آیا i- پیش از واکه، همخوانی می‌شود یا نه، زیرا دستگاهی برای بیان آن تمایز ندارد؛ اما -pati هرگز در ترکیبات به (-pašiy-)(=pasy-)* تبدیل نمی‌شود؛ با اینکه -ty- به š(i)y- فارسی‌باستان تغییر می‌کند:

patiy-āvahyaiy, patiy-āiša$^n$, patiy-ajatā; pariy-ait(iy), niy-apaišam, viy-atarayam.

به نظر می‌رسد که زنجیره -iya- در بعضی از موارد بصورت -ī- در هم ادغام می‌شود؛ تمام مثال‌های مربوطه در ساخت‌های افزونه‌ای افعال مرکب وجود دارد، البته در برخی از آنها اشکال ادغام نشده نیز ظاهر می‌شود که علت این ادغام نشدگی قیاس با ساخت ترکیبی است که بصورت جدا به کار می‌رود:

abī-jāvayam, نیز → abiy-ajāvayam.

nī-šādayam, نیز → niy-ašādayam.

nī-štāya, نیز → niy-aštāya و niy-aštāyam.
nī-yasaya بجای → *niy-ayasaya,

مگر اینکه این فعل برگرفته شده بوسیله بنونیست باشد، نگاه کنید به: 47.124-5, Bv. BSLP و نیز واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه.

-IV u- پایانی، پیش از ā– آغازین نیز در نوشتار دارای ابهام است؛ اما احتمالاً پیشوند آریایی -*su، ایرانی آغازین -*hu، پیش از واکه به -hv تبدیل می‌شود، همانند: -uvaspa مقایسه شود با اوستا hvaspō، پهلوی hvasp. مثال‌های دیگر این پیشوند در واژه‌نامه، زیر مدخل -$^{h}$u یافت می‌شود

-V m پایانی جزء مقدم، پیش از همخوان آغازین جزء دوم، نوشته نمی‌شده است:
ha$^{m}$-gmatā, ha$^{m}$-karta-, ha$^{m}$-dugā, اما → ham-aranam.
ha$^{m}$-taxšataiy, اما → ham-ataxšatā.

-VI s آغازین جزء دوم، پس از i– یا u- پایانی جزء مقدم، مطابق با تغییرات آوایی آریایی، بصورت š ظاهر می‌شود (پ ۱۱۵):
pAr. *sad-, pIr. *had-,
اما -ni-šad آریایی آغازین، در ایرانی بی‌تغییر می‌ماند: گسترش یافته در niy-ašā-dayam، صورت ادغامی و کوتاه شده: nīšādayam.
-*ni-stā، آریایی آغازین: -ni-štā، در ایرانی بی‌تغییر مانده و نیز گسترش یافته در: niy-aštāyam, niy-aštāya، صورت ادغامی و کوتاه شده: nī-štāya.
سنسکریت: sam.araṇam، فارسی‌باستان: hamaranam؛ اما با پیشوند: uššhamaranakara، با نوشتار مضاعف بخش آغازین، š پس از u، و h هنگامی که در آغاز یک واژه مستقل قرار می‌گیرد، دارای ارزش می‌شود. شاید فارسی‌باستان: pātišuvariš به جای pātiš$^{h}$uvariš نیز به همین نحو باشد، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه، نیز مقایسه شود با Reichelt, Aw. Elmb.§103، برای همین پدیده در اوستا. برای -š- آغازین ضمیر متصل -šaiy,-šim,-šām,-šiš، نگاه کنید به: پ ۱۱۷.

-VII -y آغازین، پس از همخوان پایانی جزء مقدم، حتماً بصورت -iy- ظاهر می‌شود، مانند: dušiyāram از -duš- + yāram.

# پیوست فصل ۳

سرچشمه آواهای فارسی‌باستان، همانگونه که در بحث مربوطه به واجنویسی عـادی، بـیان شد، می‌تواند از داده‌های زیر ردیابی شود (پاره‌ای از ماخذ فصل ۲ نیز به حساب آمده است):

a < pIE e o a §61, cf. §36; pIE ƀ ƀ §63.I, §66.II, §67.I-II; pIE ṃ ṇ §67; pIE ə §71; نشانه نوشتاری برای → i §22; در زیر ar نیز نگاه کنید به

i < pIE i §64; pIE ə §63.II.

u < pIE u §64; قیاسی به جای → ṛ §66.I.

ā < pIE ē ō ā §62, §36; pIE m̄ n̄ §68; از طریق ادغام → ā + ā §131, و نیز → āhā §61, §131; نشانه نوشتاری برای → -ă §36.I, §135; vriddhi با ویژگی → §126.

ī < pIE ī §65; از طریق ادغام → ī + ī §131، و نیز → ĭ + ă §131, §140.III; vriddhi با ویژگی → §126.

ū < pIE ū §65; vriddhi با ویژگی → §126.

ai < pIE ei oi ai §69; pIE əi §71; از طریق ادغام → ă + i §131; نشانه نوشتاری برای a پیش از y → §48; از a با توارد آوایی → §127; cf. §136.

au < pIE eu ou au §70; pIE əu §71; از طریق ادغام → ā + u §131; نشانه نوشتاری برای a پیش از v → §48, و نیز برای ahu → §70.

āi < pIE ēi ōi āi §72; از طریق ادغام → ā+āi §131; نشانه نوشتاری برای → ai §72, §179.IV; vriddhi با ویژگی → §126; cf. §136.

āu < pIE ēu ōu āu §72; نشانه نوشتاری برای → āhu §72; vriddhi با ویژگی → §126.

ar §29-§35.

= ṛ < pIE ṛ ḷ §66, §29, §30.

= ar < Iran. ar §31-§33; pIr. ƀr ƀr §66.II; pIE ṝ ḹ §68.

k < pIE q qᵘ §98, §99; از طریق وامگیری → §99.

x < pIE qh qᵘh §100; pIE q §102; pAr. k §103.I- III; pAr. gh

§103.IV; از طریق وامگیری → §100.

g < pIE g gh $g^u$ $g^uh$ §98, §101, §103.IV.

c < pIE q $q^u$ §98, §99, §105; pIE d + $q^u$ §105.

j < pIE g gh $g^u$ $g^uh$ §98, §101; pIE s §120.

t < pIE t th §76, §76.I-II; pIE dh §103.IV; pIE t(h) در → tst(h) و d(h) در → dzd(h) §85; از طریق وامگیری → §76.V, §83.III.

θ < pIE th §76, §76.II; pIE t §77-§81; pIE k §86, §87; بجای → d(h) §83.II; از طریق وامگیری → §76.V.

ç < pIE tr tl §78, §79; pIE kl §94; از طریق وامگیری → §78.

d < pIE d dh §76,§76.III; pAr. d از → pIE dh §76.III;pIE d(h) در → dzd (h) §85; pIE g gh §86, §88; از طریق وامگیری → §76.V.

p < pIE p ph §75, §75.I; pIE u §75.IV,§90; از طریق وامگیری → §75.V.

f < pIE ph p §75, §75. II; pIE su §75. IV, §118. IV; از طریق وامگیری → §75.V.

b < pIE b bh §75.III; pAr.b از → pIE bh §75.III; pIE u §75.IV, §91; pIE p + bh §75.IV, §130; از طریق وامگیری → §75.V.

n < pIE n §110, cf.§67.I-II; pIE dn §83.I, §130; از طریق وامگیری → §110.

m < pIE m § 109, cf. § 67.I-II; pIE + m + m § 130 از طریق وامگیری → § 109.

y < pIE i §113.

r < pIE r l §79, §106, §107; بخشی از → pIE r r̥̄ l̥ l̥̄ §66, §68; از طریق وامگیری → §106.

l < تنها از طریق وامگیری → §107.

v < pIE u §114.

s < pIE s §115, §116; pIE ts از → tst(h) و → dz از → dzd (h) §85; pIE k §86, §87, §90, §93, §95; pIE ku §90; pIE sk §97, §130; pAr. sc §105; از طریق وامگیری → §116.

š < pIE s §102, §105, §115, §117, §140.VI; pIE k §89, §93, §96, §120; pIE g gh §93, §96, §120; pIE ks §92, §102, §130; pIE Þ kÞ §102; pAr. c §104; pIE t §80, §82; pIE str §79, §130; pIE d §105; š+š §130; از طریق گسترش قیاسی §84; ← از طریق وامگیری → §117.

z < pIE g gh §86, §88, §91, §95; pIE ghu §91; pIE s § 120; pIE d + gh §130; pIE dz در → dzd(h) §85; از طریق وامگیری → §120.

h < pIE s §118, §140. VI; از طریق وامگیری → §118.V.

همچنین کاستی‌ها و فزونی‌های معینی نیز وجود دارد که در پیش به حساب نیامده است؛ این موارد صرفاً نوشتاری هستند مگر هنگامیکه به عنوان ویژگی‌های آوایی متمایز شوند:

کاستی‌ها:

h پس از i → §64, §27, §37; a پس از همخوان همراه با → §22.

i پیش از h → §27, §64, §118.III; u پیش از → §28, §70, §118.IV, §140.IV; m r پیش از → §103.II, §118.II; (بصورت آوایی) در → āh از → āhāh §131.

y پایانی پیش از پی‌چسب‌ها → §118.III, §136.

v پایانی پیش از پی‌چسب‌ها → §137.

t پایانی → §40, §84.

d پایانی → §40, §84.

n پایانی → §40, §84, §112; میانی → §39, §108, §111; (بصورت آوایی) از طریق ناهمگون سازی → §68.

m میانی → §39, §108, §111, §140.V.

pIE u (بصورت آوایی) پس از لبی‌ها → §114.

pAr.t (بصورت آوایی) در → -nt §40, §84.

pAr. ḥ (بصورت آوایی در بعضی از مواضع) §40, §105, §119.

هجاهای بوجود آمده از طریق حذف به قرینه (بصورت آوایی) → §129.

فزونی ها:

i پس از همخوان‌ها → §25, §140.VII.

uپس از همخوان‌ها → §26,§114; از طریق افزایش‌واکه (بصورت آوایی)§128.

-i پس از y → -i §37, §64, §113, ī پس از → §23.I, §65.

-u پس از v → §23.II, §38, §64; ū پس از → §23.II, §65, §114.

x پیش از š (بصورت آوایی) + همخوان → §96.

# فصل IV- ساخت بن‌های اسمی و صفتی

پ ۱۴۱ ـ **بن‌های اسمی و صفتی** ممکن است تنها از ریشه ساخته شده باشند، مأخوذ از اسم یا فعل باشند (پ ۱۴۲)، و یا در همان حالات با واکه -ā- ماده ساز (پ ۱۴۳) یا با پسوند مختوم به پایانه -ā- (پپ ۱۴۴ ـ۱۵۱) یا -ĭ- (پ ۱۵۲)، یا -ū- (پ ۱۵۳) یا یک همخوان (پپ ۱۵۴ ـ ۱۵۸)، همراه باشند. یک پسوند اسمی یا صفتی چنانچه مستقیماً به ریشه فعلی بچسبد، پسوند گروه اول، و چنانچه به بن اسمی یا صفتی بچسبد، پسوند گروه دوم، نامیده می‌شود. تعدادی از بن‌ها دارای دو پسوند یا بیشتر هستند، و یا از دو جزء ترکیب شده‌اند، که جز مقدم یا غیر قابل تغییر است و یا غیر قابل تغییر می‌شود. عملکرد کامل بن‌هایی که در بخش‌های بعدی آمده، طبعاً در واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه یافت می‌شود. پسوندها و نیز بن‌های مرجعی که در این‌جا ارائه می‌شوند، نه با ساخت هندواروپایی آغازین که با ارزش آریایی آغازین یا حتی ایرانی و فارسی‌باستان خود آمده‌اند تا با سهولت به املا در آیند.

بن‌های اسمی وصفتی زیر، با این بحث تناسبی نداشته و یا اگر داشته باشند مواردی هستند زیرا یا در ساخت دارای ابهام هستند و یا وامواژه محسوب می‌شوند؛ توجیهات ساختی آنها تا حد امکان در پاره‌ای از مدخل‌های واژه‌نامه یافت می‌شود:

بن‌های مختوم به -a-:

frašа-, spāθmaida-, ainaira-, autiyāra-, atamaita- adukanaiša-,

arabāya-, arxa-, armina-, ū(v)ja-, uvādaicaya-, katpatuka-, ka$^{m}$pa$^{n}$da-, karka-, karmāna-, kūša-, ga$^{n}$dāra-, ga$^{n}$dutava-, tigra-, dātuvahya-, daha-, dubāla-, naditabaira-, nabukudracara-, nabunaita-, nisāya-, parga-, pirāva-, frāda-, maka-, mudrāya-yauna-, labanāna-, sug(u)da-, sku$^{n}$xa-, skudra-, sparda-, zazāna-, zūzahya-, zra$^{n}$ka-, haraiva-, haldita-.

بن‌های مختوم به -ā-

aθurā-, arbairā-, aršādā-, izalā-, uyamā-, kuganakā-, tāravā-, tigrā-, çūšā-, yautiyā-, yadā-, raxā-, ragā.

بن‌های مختوم به -ī-

arakadri-, kāpišakāni-, cicixri-, cišpi-, pātišuvāri-, višpauzāti-.

بن‌های مختوم به -ū-

abirādu-, ku$^{n}$duru-, bābiru-, māru-.

**پ ۱۴۲ ـ اسم ـ ریشه‌ها و صفت ـ ریشه‌ها ؛** بعضی از این اسامی و صفات که تنها در اشتقاقات و ترکیبات دیده می‌شوند، بشرح زیر عبارتند از:

āp- آب , xšap- شب , xšnau- در → u-xšnau- نیک خشنود,
gau- گاو، در ترکیبات , θard- سال, duvar- در، در → duvara-,
nar- مرد، در → ūv-nara-, nāv- کشتی, nāh- بینی, pad- پا ، در →
nipadiy و غیره...، vas- آرزو ، در قید → vasiy, viθ- خانه, stā- در →
upa-stā- کمک, zam- زمین، در → u-zma- وغیره...

شاید napāt- «نوه»، یک واژه کهن هندواروپایی آغازین باشد و یا احتمالاً یک ترکیب؛ احتمال دارد که dā- در $^{h}$uvādā-، در u]vādā[m با حالت مفعولی

صریح وجود داشته و یا به عنوان جزئی از -paišiyā-uvāda شمرده شود.

**پ ۱۴۳ ـ بن‌های اسمی و صفتی همراه با -a- ماده ساز** به صورت‌های زیر ظاهر می‌شوند:

I- چسبیده به یک ریشه فعلی، درجه گردش واکه در ریشه متغیر است:
kara- در ترکیبات, u-cāra-, kāma-, karša-, gauša-, raga-, قید → daršam, drauga-, baga-, bara- و bāra- در ترکیبات, zana- ساخت‌های با قطعیت کمتر در؛ در ترکیبات → caša-, u-tāna, u-tava-, gara-در → bātu-gara, vivāna-, varga–در → hauma-varga-.

II- گسترش بن غیر فعلی:
ūv-nara- برپایه → nar-, ʰuvāi-pašiya- برپایه → pati-, pada- pāda- برپایه → pad-, mārgava- برپایه → margu-, duš-iyāra برپایه → yār-, vazra–در → vazra-ka برپایه → *vazr̥-, vāhara-در → θūra-vāhara–برپایه → *vasr̥-, u-zma- برپایه → zam-, hama برپایه → ham; احتمالاً → gau-baruva برپایه → baru-, māha برپایه → māh-, viθa- برپایه → viθ-.

III- با ساخت اسمی یا فعلی بسیط نا آشکار:
ama-در → aršāma-, asa- aspa-, u-ba-, صفت ملکی → ʰuva-, kaufa-, kāra-, daiva-, darga-, naiba-, pārsa-, māda-, raθa–در→ uraθa-, varka-در → varkāna- و → varka-zana-, saka-, spāda–در → taxma-spāda, spāra → vāya-spāra-; hana- صورت بازسازی شده → hana-tā; mayūxa-, با ریشه شناسی نامعلوم; احتمالاً→ vāra–در→ ʰu-vāra-zmī.

IV- ساخت‌های مونث قرینه مختوم به -ā-:
isuvā-, xaudā-, θikā-, didā-, yakā-, sakā-, haᵐdugā-, hazā-در → hazānam, صورت مبهم → paradayadām, واموارْهٔ → maškā-;
صورت مونث بر پایه صفات مختوم به -a- مذکر و خنثی.

V- این ساخت‌ها معانی متفاوتی دارند، که شامل موارد زیر است:

اسم‌های معنی: -kāma «کام، میل».

فـاعل‌های مـنطقی: -baga «تـقسیم کـننده، خـدا»؛ -drauga «فـریبنده، دروغ»؛ -aršti-bara «نـیزه‌دار»؛ -zura-kara «بـدکار»؛ -dāraniya-kara «زرگر، طلاساز».

مجهول‌ها: -ha^m-dugā «نشانه‌گذاری شده، حک شده» «=کتیبه»؛ -pati-kara «ساخته شده روی آن» = «پیکر، مجسمه»؛ -asa-bāra «سوار».

صفات نسبی: -mārgava «وابسته یامتعلق به مرو، مروی »؛ -ūv-nara «مرد کار آمد، مهارت»

VI- نظام واکه‌ای ریشه در این ساخت‌ها تـغییر مـی‌کند، یـا بـا -a- (هـندواروپـایی آغازین: - e - یا - o - یا -a-) مانند: -daiva-, bara-, baga؛ یا با درجه صفر، مـانند: -darga-,u-zma-, karša (نگـاه کـنید بـه واژه‌نـامه، زیـر مـدخل‌های مـــربوطه)؛ و یـــا بـــا ویـــژگی vriddhi یـــا درجـــه بـــلند (پ ۱۲۶). مـــانند: .mārgava-,asa-bāra-, kāma-

**پ ۱۴۴ ـ بن‌های اسمی و صفتی همراه با پسوند -(i)ia-:** این‌ها ساخت‌های صفتی هستند که ممکن است دارای کاربرد اسمی شوند؛ پیش از پسوند فوق، -a- پایانی بن بطور معمول، و -ā- گـاهی اوقـات، حـذف مـی‌گردد. مـثال‌های فارسی‌باستان به شرح زیر عبارتند از:

I- گروه اول در:

ar-iya-; āgar-iya- برپایه → ā-gar-.

II- در واژه‌هایی مبین ارزش عددی:

-ia- در → an-iya-; -īia- در → duvit-īya-, çit-īya ـ برپایه → pAr. *duita-, *trit-a.

III- ساخت‌های مبین قومیت:

Ākaufac-iya بـــرپایه → *ākaufaka-; aθur-iya- بـــرپایه → aθurā; armin-iya بـرپایه → armina-; asagart-iya بـــرپایه → asagarta-; ū(v)j-iya- بـــرپایه → ū(v)ja-; uvārazmi-ya; kūš-iya- بـــرپایه → kūša-; ga^ndāra-ya- (احتمالاً صورت اشتباه به جای -riya-) برپایه → ga^ndāra-; θatagu-iya- (صورت اشتباه به جای → uviya- یا →

-udaya– یـا → -udiya-?) بـرپایه → θatagu-; putā-ya-; bābiruv-iya-; mac-iya- بـرپایه → maka-; spard-iya بـرپایه→ sparda-; haxāmanišiya-; harauvati-ya-; $hi^{n}$du-ya صورت‌اشتباه‌به جای→ $hi^{n}$duviya-?).

IV- سایر ساخت‌ها، شامل برخی از نام‌های شخصی:
θanuvan-iya– بـرپایه → (Av.) θanvan-/-r-(§154.I), daran-iya-, brazman-iya, mart-iya- بـرپایه → marta-, haš-iya بـرپایه → hat (§240), ha-miç-iya- بـرپایه → miθra-; artavardiya-, $ka^{m}$būj-iya-, bard-iya-, mardun-iya-.

V- ساخت‌های مونث قرینه به عنوان اسامی معنی، که ممکن است به اسامی ذات تبدیل شوند:
yauv-iyā کانال، مجرا ; nāv-iyā قابل کشتیرانی; احتمالاً → paiš-iyā سند، نوشته در →Paišiyā-$^{h}$uvādā.

VI- با پسوند -tia- ، تبدیل شده به مادی -θia- در xšāyaθiya- و به فارسی‌باستان -šia- در anušiya.

**پ ۱۴۵ ـ بن‌های اسمی و صفتی همراه با پسوند -ta-** موجود در فارسی‌باستان عمدتاً وجوه وصفی (پ ۲۴۲)، صفات برترین (پ ۱۹۰/II) و اعداد ترتیبی (پ ۲۰۴) هستند. مثال‌های باز مانده عبارتند از:
aruvasta- ، اسم معنی خنثی که ظاهراً برپایه صفتی بصورت *aruant- ساخته شده است (نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه)؛
xšaθrita- ، صورت مصغر یک اسم شخصی مرکب؛
ardata- «نقره»، احتمالاً -a-گستره وجه وصفی مختوم به -nt-، مقایسه شود با لاتین: arg-ent-um ؛
dasta «دست»، که نمی‌تواند به هیچیک از ریشه‌های بسیط موجود وابسته باشد؛ و نیز سه اسم معنی مونث -pavastā-, hanatā-, arštā ، که دو اسم اخیر مشکوک و اسم سوم بعنوان واژه‌ای با مفهوم ذات گرفته شده است.

**پ ۱۴۶ ـ بن‌های اسمی و صفتی همراه با پسوند -ka-** صفاتی هستند که ممکن است با معانی اسمی به کار روند. پسوند -ka- می‌تواند مستقیماً به بن اسمی یا

فعلی متصل شود؛ این پسوند ممکن است بصورت -aka- یا -ika- ظاهر شود که در این صورت نمی‌توان مشخص کرد که واکه به پسوند تعلق دارد یا بن پایه. تنها هنگامی که صورت -ika- به یک بن مختوم به -a- بچسبد، مشخص است که واکه -i- به پسوند تعلق دارد.
مثالی‌های فارسی‌باستان عبارتنداز:

-I نمونه‌های احتمالی گروه اول:

uš-ka-, karnuv-aka-.

-II نمونه‌های گروه دوم:

*ākaufa-ka در → ākaufaciya-; anāma-ka-; a$^{h}$r-ika-, بـرپایه → pAr. *asra-, LAv. aŋra-; arša-ka-, صورت مصغر یک اسم مرکب ;āršti- ka-, vriddhi احتمالاً با ویژگی ;kapauta-ka-; kāsa-ka-; ba$^{n}$da-ka-; vazra-ka-; vahau-ka-, صورت مصغر یک اسم مرکب.

-III نمونه‌هایی با تجزیه و تقطیع تقریباً نامعین:

niyāka-, apa-niyāka-, marī̆-ka-

(نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل‌های مربوطه)

**پ ۱۴۷ ـ بن‌های اسمی و صفتی همراه با پسوند -na-** که بصورت -ana- نیز تغییر می‌کند، در فارسی‌باستان کم نیستند؛ پسوند -na- همچنین به -ina- و -mna- نیز گسترش می‌یابد.

-I -na- گروه اول، در افزوده به ریشه یا بن فعلی -a-دار (معمولاً از اسم‌های مصدر قابل تمایز نیست!)، سازنده اسم‌هایی با معانی گوناگون:
بیان مکان:

apa-dā-na-, daiva-dā-na, ā-yada-na-, مـــونث → us-taša-nā-, ā-vaha-na-, stā-na-, varda-na-.

بیان اسم‌های معنی (کنش‌ها):

مونث → fra-mā-nā-, حالت دری ,قید → aš-naiy, adj. $^{h}$u-rada-na-,yā-na-, vašna-,ham-ara-na;احتمالاً مونث→ Pati-graba-nā-, تبدیل‌شده‌به نام- جای.

بیان اسامی ذات:

arja-na-, مونث → stū-nā-, fem. hai- nā.

بیان صفت فاعلی به عنوان اسم شخصی:

vi-dar-na-; vi-yax-na- ماهنام.

ساخت صفات:

a-xšai-na-.

ساخت وجوه وصفی مجهول، نگاه کنید به: پ ۲۴۳.

II- ‎-na-‎ گروه دوم، سازنده صفات:

→ به عنوان اسم مذکر kam-na; → احتمالاً در اینجا para-na-, سازنده اسم pariy-ana-; → به عنوان اسم معنی خنثی drauja-na-, در mardu-na → احتمالاً āçi-na-; → شخصی مصغر mardun-iya-; → varka-, برپایه varkāna- → سازنده نام ـ جای‌ها با بلند شدن واکه مقدم → با ‎-na-‎ بدون منشاء مشخص ham-gmata-; → برپایه $ha^{m}$-gmatāna- $h^{a}$zāna-(نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه).

III- ‎-ina-‎ گروه دوم، سازنده صفات:

$a\theta a^{n}$ ga-ina-, kāsaka-ina-, nauca-ina-,

IV- ‎-mna-‎ در وجوه وصفی حال میانه، نگاه کنید به: پ ۲۴۱.

V- برای اسم معنی خنثی و مشکوک dar-tana-، نگاه کنید به: پ ۲۳۸.

**پ ۱۴۸ ـ بن‌های اسمی و صفتی همراه با پسوند ‎-ra-‎** در فارسی‌باستان بشرح زیر ظاهر می‌شوند:

I- پسوند ‎-ra-‎، گاهی بصورت پسوند گروه اول و گاهی بصورت پسوند گروه دوم، در موارد زیر ظاهر می‌شود:

در tig-ra-,$a^{h}$u-ra-، نام شخصی $\theta$ux-ra- در ماهنام $\theta$ūra-, $\theta$ūra-vāhara-؛ صفت dū-ra-، قید زمان nū-ram؛ صورت غیر قطعی $^{h}$u-ra$\theta$a-ra-. صورت مسئله ساز و احتمالاً غیر ایرانی tacara- dacara-. در مورد vazra- در vazraka-، vāhara- در $\theta$ūra-vahara- و partara-، نگاه کنید به: پ ۱۵۴/I.

II- صفات برتر، در ‎-(a)ra-‎, -tara-, -$\theta$ara-، نگاه کنید به: پ ۱۹۰/III.

III- پسوند گروه اول -tra-، در موارد زیر ظاهر می‌شود:
در -va-ça-,pu-ça-, xša-ça-, ci-ça در -vaça-bara؛ -$^h$u-vāxš-tra (با tr مادی بعد از s)؛ واموازه -miθra-, mitra نیز در -ha-miç-iya و -va$^h$u-misa.

## پ ۱۴۹ ـ بن‌های اسمی و صفتی همراه با پسوند -ma-.

I- -ma-گروه اول در موارد زیر:
dar-ma- در نام شخصی -gar-ma, upa-darma در ماهنام -garma- pada،صورت مونث -tau-mā، صفت -tax-ma در نام‌های شخصی (نگاه کنید به واژه‌نامه)، -hau-ma در -hauma-varga.
برای مورد مشکوک siyamam نگاه کنید به واژه‌نامه.
II- -ma-گروه دوم، در عدد ترتیبی -nava-ma (پ ۲۰۴/IV).

## پ ۱۵۰ ـ بن‌های اسمی و صفتی همراه با پسوند -ua- گروه متنوعی را تشکیل می‌دهند. این گروه شامل موارد زیر می‌شوند:

-ai-va «یک»؛ صفت -duru-va برپایه ریشه فعلی -dar؛ صفت par-uva؛ واژه بیان‌کننده قومیت -parθa-va،مقایسه شود با-pārsa؛ -yā-va برپایه موصول -ya؛ -har-uva؛ -visa و (واژه مادی) -vispa، از هندواروپایی آغازین -uik-uo* ؛ -jī-va «زندگی»، بجز مواردی که v به نوعی ریشه‌ای باشد (مقایسه شود با: پ ۲۱۶). در مورد -gaubaruva، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه؛ در مورد واژه مونث -aruvā به عنوان اسم معنی، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه.

## پ ۱۵۱ ـ بن‌های اسمی و صفتی همراه با پسوندهای گوناگون مختوم به -a-

که تاکنون داده نشده‌اند موارد زیر را در برمی‌گیرند:

-θa- → در- صورت مونث → gai-θā-.
-ga- → در- aθa$^n$-ga-, مقایسه شود با → asan-.
-sa- → در- bux-ša-, در نام شخصی → baga-buxša-.

## پ ۱۵۲ ـ بن‌های اسمی و صفتی مختوم به -ī- به جز تعدادی از نام‌های

شخصی و نام ـ جای‌هایی که در: پ ۱۴۱ آمده، موارد زیر را در برمی‌گیرند؛ بن‌های مختوم به -ĭ- و همچنین آنهایی که به -ī- ختم می‌شوند، قابل تمایز نیستند، مگر از طریق نظایر آنها در زبان‌های دیگر که گاهی اوقات نیز یافت نمی‌شوند (پ ۲۲):

I- بن‌های مختوم به -ĭ-:

acc. paθ-im, bāj-im; āθi- در نام شخصی → āθiy-ābaušna-; dip-i; uša-bār-i-; āçi- در صورت مصغرنام شخصی →گسترش یافته‌از -*ātr- → āçi-na- در نام‌های شخصی → āçi-yādiya-; و در ماهنام → dādarš-i-, ماهنام‌های → θāigarc-i-,bāga- yād-i-; ازنوع گروه دوم در صفت → yāuman-i-;واموازهٔ → skauθ-i-.

II- بن‌های مختوم به -ī- که پاره‌ای از آنها ممکن است به صرف بن مختوم به -i- تبدیل شده باشد (پ ۱۷۹/I): -āp-ī (نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه)؛ صورت تثنیه -uš-ī ؛ صفات مونث برپایه بن‌های مختوم به -vant- مانند نام ـ جای‌های $\text{hara}^{h}$-uvat-ī-, $\text{sikaya}^{h}$-uvat-ī- ؛ وجه وصفی مونث $\text{yau[da}^{n}\text{tim]}$ برپایه صورت مذکر -ant- ؛ برپایه بن مختوم به -tar- مانند: bāx-tr-ī- ؛ $^{h}$uvārazm-ī- ؛ صفت $\text{a}\theta\text{a}^{n}\text{gain}$-ī- در صورت فاعلی جمع مونث -iya برپایه صورت مذکر $\text{a}\theta\text{a}^{n}\text{gaina}$-.

III- پسوند -ti-:

arš-ti-, iš-ti-, pa-ti- در → $^{h}$uvăi-pašiya-, šiyā-ti-, pas-ti- برپایه → pad- پـا , mar-ti- (pIE *mr̥-ti-) در،مـرگ → uvā-maršiyu-, fra-var-ti-.

IV- سایر موراد:

-thi در → duvar-θi-; -mī- در → bū-mi-; -mi- احتمالاً →θar-mi-.

## پ ۱۵۳ ـ بن‌های اسمی و صفتی مختوم به -ū- به جز برخی از نام ـ جای‌های مندرج در: پ ۱۴۱، به شرح زیر عبارتند از:

I- بن‌های مختوم به -ŭ-:

صفت → par-u-, ard-u- در نام شخصی → → ardu-maniš-, $\text{va}^{h}$-u-

در نــــام‌های شــــخصی → dāraya-vau-, vau-misa-, vahau-ka-; مــــرگ -maršiy-u → در -baru → اســـم‌های gau-baruv-a-, maršiy-u- در صــفت→ uvā-maršiyu-, mard-u-در → marduniya-, mag-u-, hi$^n$d-u-, marg-u-, kūr-u-, صـــورت مـــبهم → bāt-u-در → bātu-gara-;واموازه‌های → pir-u, ufrat-u-;واموازه بازسازی شده→ agur-u-; صورت مبهم بعنوان بن → θatag-u-, sikabr-u-.

II- بن مختوم به -ū- : tan-ū-

III- با پسوند -tu- :

xra-θu-; gā-θu- (مگر اینکه -t- در این واژه ریشه‌ای باشد تا پسوندی. برای θ نگاه کنید به: پ ۸۱.

IV- با پسوند -iu- : dah-yu- با ریشه نامعلوم.

**پ ۱۵۴ ـ بن‌های اسمی و فعلی مختوم به -r-** برپایه موارد موجود در فارسی‌باستان، دو دسته از اسامی را در برمی‌گیرد.

I- اسامی خنثی با حالت فاعلی و مفعولی صریح، مختوم به -r، و در دیگر حالات، جایگزین شده با -n- ؛ در فارسی‌باستان تنها در اشتقاقات:

pAr. *uaz-r̥در → OP vazr-a-ka-; pAr. *uas-r̥در → OP θūra-vāhar-a-; pAr. *pr̥t-r̥در → OP partara-.

احتمالاً در مصدر فارسی‌باستان گسترشی از -n- بصورت پسوند -tr̥/-tn- دیده می‌شود (پ ۲۳۸)، شاید در [da]rtanayā (پ ۲۳۸).

II- اســـامی هـــمراه بـــا پســـوند -tar- ، شـــامل فـــاعل‌های مـــنطقی ja$^n$tar-, ؛ واژه‌هـــای مـــبین خـــویشاوندی fra-mā-tar-,dauš-tar- ,pi-tar-, mā-tar- brā-tar- ؛ و نیز ā-tar- «آتش»، در اسامی شخصی مشتق.

**پ ۱۵۵ ـ بن‌های اسمی و صفتی مختوم به -n-** در فارسی‌باستان، دارای انواع گوناگونی هستند:

I- بـــن‌های مـــختوم بـــه -an-: as-an- و مشـــتق آن aθa$^n$ga- ، arš-an مـــتفاوت بـــا

. barš-an-,arš-a-

-II بن‌های مختوم به -tan- :ara-šan (برای -š- نگاه کنید به: پ ۸۲).

-III بن‌های مختوم به -man-:

as-man, tau-man-, nā-man-, braz-man- درصفت → brazman-iya-, yāu-man- در صفت → yāuman-i-.

-IV بن‌های مختوم به-van- :

artā-van-, xšaça-pā-van-, θan-uvan-در → θanuvan-iya-.

-V بن مختوم به -vin- : صفت $mana^{h}$-uvin .

## پ ۱۵۶ ـ بن‌های اسمی و صفتی مختوم به -s- در فارسی‌باستان دارای انواع گوناگونی هستند:

-I بن مختوم به -s- :maz-dā-h ، نیز در $a^{h}$ura-mazdah-

-II اسامی و صفات خنثی مختوم به -as- :

dray-ah-, man-ah, miθ-ah-, rauc-ah-, zūr-ah-, har-ah-در → $hara^{h}$-uvati-; can-ah- با ساخت‌های مذکر در اسم مرکب → aspa-canah-; -tas- پسوند → rau-tah-; -nas- پسوند → far-nah- با ساخت‌های مذکر در اسم مرکب → $vi^{n}da^{t}$-farnah-.

-III بن‌های مختوم به -ias-:

sika-yah- صفات تفضیلی → در نام ـ جای → $sikaya^{h}$-uvati-; tauvī-yah-, vah-yah- در اسم شخصی → vahyaz-dāta (§120); -iš-ta- نوع صفر درجه -is- در پایانه صفات عالی → maθ-išta-, duva-išta- §190.II.

-IV بن‌های مختوم به -is-:

بصورت مذکر در نام‌های شخصی → abi-cariš, had-iš; صورت‌های خنثی → ardu-man-iš, haxāman-iš.

## پ ۱۵۷ ـ بن‌های صفتی با پسوند -vant- تنها در مشتقات یافت می‌شود؛ خط هجانگار فارسی‌باستان روشن نمی‌کند که این اشتقاقات برپایه -vant-

(هندواروپایی آغازین -uent-) شکل گرفته‌اند و یا نوع صفردرجه -vat- (هندواروپایی آغازین -unt-)؛ به احتمال قوی این اشتقاقات برپایه vat ساخته شده‌اند:

ar-uvant در → aruvas-ta-, sikaya$^h$-uvant- در → sikaya$^h$uvat-i-, hara$^h$-uvant- در → hara$^h$uvat-i-.

**پ ۱۵۸ ـ بن‌های اسمی و صفتی دیگر مختوم به همخوان** در بحث مربوط به اسم ـ ریشه‌ها و صفت ـ ریشه‌ها، فهرست شده‌اند، پ ۱۴۲.

**پ ۱۵۹ ـ ترکیبات اسمی و صفتی در فارسی‌باستان** به جز قیود ترکیبی (پ ۱۹۱/IV)، ممکن است به عنوان جزء نخست دارای یک قید جدا نشدنی، همانند: a-xšata-, $^h$u-cāra-, duš-iyāra-, ham-arana-(§268)، و یا یک قید حرف اضافه‌ای، همانند: apa-dāna-, pati-kara-(§268)، و یا یک بن اسمی و صفتی باشند[۵۴]. این ترکیبات همچنین به عنوان جزء دوم نیز، دارای یک بن اسمی یا صفتی هستند که ممکن است یک پسوند در افزوده به خود بگیرد.

در این جا تنها ترکیبات بن + بن مورد بحث قرار می‌گیرد. هر بن خود می‌تواند ترکیبی باشد؛ هر بن می‌تواند دارای یک پسوند یا بیشتر باشد. هجای آغازین بخش نخست، بویژه در صفات، می‌تواند مبین ویژگی vriddhi یا بلندای واکه باشد، همانند: -dāraniya-kara «زرگر» برپایه -daraniya «زر»؛ این وضعیت به ندرت در بخش دوم نیز ظاهر می‌شود، همانند: -bāga-yādi «ستایش بغ» (ماهنام)، که هر دو بخش دارای این ویژگی هستند، و نیز همانند: -asa-bāra «سوار» که معنای مجهول را نشان می‌دهد.

صفات مرکبی که جزء دوم آنها دارای جنس مشخصی است، جنسیت‌های معنی مشتقشان را بخود می‌گیرند، و در موارد لزوم، با تغییر ساخت به کار می‌روند. بنابراین اسم مذکر haxā-maniš «دارندهٔ منش دوست، هخامنش»، برپایه جزء دوم خود دارای بن خنثی است، و نیز بدون تغییر، در صفت مذکر به عنوان اسم بکار رفته است؛ صفت مذکر -tigraxauda «دارای کلاه خود نک تیز»، دارای جزء دوم -xaudā «کلاه خود» بصورت مونث است.

صفات مشتق بر پایه ترکیبات، ممکن است از طریق در افزودن

پسوندهایی ساخته شده باشند: -haxāmaniš-iya «هخامنشی»، بر پایه -haxāmaniš, -asagart-iya «متعلق به اسگرتی»، بر پایه -asa-garta.

ترکیبات بن + بن، تا آنجاکه در فارسی‌باستان ظاهر می‌شوند، ممکن است به موارد زیر تقسیم گردند:

۱) اسامی و صفات معین، وابسته و توصیفی،

۲) صفات ملکی، وابسته و توصیفی،

۳) صفات بر ساخته از وجوه وصفی، که در این موارد، جزء نخست روی جزء دوم تاثیر می‌گذارد. تمام صفات مربوط به طبقات فوق، ممکن است به اسامی اعم از نام‌های شخصی و نام ـ جای‌ها تبدیل شوند.

نمونه‌های زیر به سبب ابهامات ونیز دشواری‌های توجیهشان، موارد مناسبی در این‌جا نیستند، اما ممکن است در واژه‌نامه، زیر هریک از این مدخل‌ها، اطلاعاتی مربوط به آنها یافت شود:

اسامی عام: $^{h}$uvādā.

اسامی شخصی: ka$^{m}$būjiya-, gaumāta-, cišpi-.

نام ـ جای‌ها: uvādaicaya-, uvārazmī-, paišiyāuvādā-.

اسامی شخصی و نام ـ جای‌هایی که دارای اصل عیلامی، واکدی و ارمنی هستند نیز، نمی‌توانند در مبحث مربوط به ترکیبات فارسی‌باستان، مورد بحث قرار گیرند.

**پ ۱۶۰ ـ اسم‌ها و صفات معین کننده** مرکب از بن + بن؛ جزء نخست جزء دوم را تعیین و محدود می‌کند.

I- اسم‌ها و صفات معین کننده وابسته؛ جزء نخست در حالتی مرتبط با جزء دوم قرار می‌گیرد:

**الف)** حالت مفعولی صریح:

dāraniya-kara- زرگر; zūra-kara- پلیدکار; hamarana-kara- جنگاور

ciyā- kara- چقدر بزرگ; avā-kara- چنان.

کسی که کلاه لبه پهن بر سر دارد.;-taka-bara; کماندار-vaça-bara; نیزه‌دار-aršti-bara

xšaça-pāvan- ساتراب ,حافظ قلمرو; duvarθi-(*duvar-varθi- ردیف ستون و دالان (برای;

نگاه کنیدبه واژه‌نامه،زیر مدخل‌های مربوطه,-hauma-varga-,maz-dāh-,bātu-gara

arta-vardiya- اعمال کننده عدالت

ب) حالت وابستگی:

arda-stāna- محل روشنایی;daiva-dāna- در بردارنده دیوها.

xšayāršan- (*xšaya-aršan- قـــــهرمان پـــــادشاهان (از ; gau-baruv-a-

سرور چهارپایان ; vaʰu-misa- دوست نیکی.

پ) حالت بایی:

asa-bāra- حـــمل شـــده بـــا اسب; uša-bari- حـــمل شـــده بـــاشتر;

[dasta] karta- انجام شده با دست.

baga-buxša- بوجود آمده بوسیله خدا احتمالاً: bagābigna- ; رستگار شده بوسیله خدا

ت) حالت ازی:

āθiy-ābaušna- آزاد شده از بدبختی.

ث) به منظور تصریح:

ciça-taxma- متهور از نظر نژاد.

II- اسم‌ها و صفات معین کننده توصیفی[55]؛ جزء نخست به عنوان صفت یا بدل، مستقیماً جزء دوم را توصیف می‌کند:

aʰura-mazdāh- اهورامزدا، سرور خردمند تحت اللفظی:

مراجعه شود به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه.

پ ۱۶۱ ـ **صفات ملکی** از مورد پیشین، تنها از طریق تغییر تکیه‌ای که در واژه‌های تکیه بر سنسکریت می‌تواند ملاحظه شود و در فارسی‌باستان و اوستا قابل

تعیین نیست، متمایز می‌گردد.

I- ترکیبات معین کننده (مقایسه شود با: پ I/۱۶۰)؛ تمام مثال‌های فارسی باستان، نام اشخاص یا نام ـ جای و یا ماهنام است:

**الف)** حالت مفعولی صریح:

aspa-canah- دوست دارنده اسب; bāga-yādi- (ماه) نشان شده با ستایش بغان.

**ب)** حالت وابستگی:

arta-xšaça- دارنده قلمرو عدالت; aršāma- (از *arša-ma-) دارنده قدرت یک قهرمان;
haxā-maniš- دارنده منش دوست; garma-pada- دارنده مکان گرما (ماه);
asa-garta- (سرزمین) دارنده غارهای سنگی.

II- ترکیبات توصیفی (مقایسه شود با: پ II/۱۶۰):

**الف)** جزء نخست یک توصیف کننده صفتی است:

paru-zana- دارنده جمعیت زیاد; vispa-zana- دارای همه گونه مردم;
visa-dahyu- شامل همه سرزمین‌ها; hama-pitar- دارای یک پدر;
ha-mātar- دارای یک مادر; tigraxauda- به‌سر دارنده کلاه خود نوک تیزه;
uvā-maršiyu- دارنده مرگ خود، (نگاه کنید به واژه‌نامه).
ariya-ciça- دارای نژاد آریایی; ardu-maniš- دارنده اندیشه شریف;
taxma-spāda- دارای سپاه دلیر; vahyazdāta- پیرو قانون بهتر;
vištāspa- از ← *višta-aspa- (نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه) دارنده اسب‌های آماده;
θata-gu- (سرزمین) دارنده صدها چهارپا، (نگاه کنید به واژه نامه، زیر مدخل مربوطه)
θūra-vāhara- (ماه) دارای بهار پر طراوت.

**ب)** جزء نخست، بدل جزء دوم است:

varka-zana- (ماه) متعلق به گرگ مردان.
uvāi-pašiya- دارنده آنچه که به خود تعلق دارد، با پسوند صفتی

**پ)** جزء دوم، مسند جزء نخست است:

ariyāramna- از ← *ariya-āramna- دارنده آرامش آریاییان;

نیز می‌تواند مورد تعبیر قرارگرفته باشد، زیرا وجوه وصفی مختوم به -na-، مجهول هستند.

**پ ۱۶۲ – صفات مرکب بر ساخته از وجه وصفی** وجه وصفی به عنوان جزء نخست ترکیب، روی جزء دوم تاثیر می‌گذارد؛ تمام مثال‌های موجود در فارسی‌باستان، نام‌های شخصی هستند[۵۶]:

dāraya$^{t}$-va$^{h}$u- دارنده خوبی

vi$^{n}$da$^{t}$-farnah- یابنده فره

vāya$^{t}$-spāra- بافنده سپرها = سازنده محافظ‌های حصیری

مگر اینکه -vāya، وجه وصفی نبوده و اسم فعل (بن مختوم به -a-)به شمار آید، که در این صورت اسم، یک صفت ملکی خواهد بود (پ: ب ـ I/۱۶۱)، «دارنده محافظ بافته شده» = محافظ حصیری.

**پ ۱۶۳ ـ نام اشخاص** در کتیبه‌های فارسی‌باستان باید متناسب با ملیت‌ها تقسیم شود تا ویژگی زبانی را نشان دهند.

I- نام‌های پارسی دارای بیشترین شمار هستند؛ اما برخی از آنها ویژگی آوایی مادی را نشان می‌دهند که در زیر با M داخل پرانتز مشخص شده‌اند:

**الف)** نام‌های سلسله هخامنشی:

ariyāramna-, artaxšaça-, aršāma-, uvaxštra- (M), kabūjiya-, kūru-, xšayāršan-, gaubaruva-, cišpi-, dārayavau-, bardiya-, vištāspa- (M)

**ب)** نام‌های دیگر پارسیان:

artavardiya-, ardumaniš-, aspacanah- (M), utāna-, θuxra-, dātuvahya-, dādarši-, bagābigma-, bagabuxša-, marduniya-, vaumisa- (با -s- که نه پارسی است و نه مادی), vāyaspāra-, vahauka-, vahyazdāta-, vidafarnah- (M), vidarna-,

vivāna-, haxāmaniš-.

II- نام‌های مادی‌ها:

xšaθrita- ,gaumāta- ,taxmaspāda- ,fravarti- ,

و نیز نام اسگرتی -ciçataxma

III- نام‌های دیگر ایرانیان:

(بلخانی)مروی → frāda- ; سکایی → sku$^{n}$xa-;

و نام‌های نامشخص: .-āθiyābaušna-, aršaka

IV- نام‌های ارمنیان:

arxa-, dādarši-, haldita-.

V- نام‌های عیلامی‌ها:

atamaita-, cicixri-,

و چهار نامی که دارای صورت ظاهری نام‌های هندوایرانی بوده:

(نگاه کنید به واژه‌نامه زیر مدخل‌های مربوط)-āçina-, upadarma-, martiya

و هنگام بازنویسی به خط فارسی‌باستان، از نظر ریشه‌شناسی کم و بیش قابل تشخیص هستند؛ و نیز -imaniš ، نام بکار رفته از سوی martiya پارسی به عنوان شاه غاصب عیلام، با -maniš- که یاد آور اسامی -haxāmaniš و -ardumaniš است.

VI- نام‌های بابلی‌ها: نام‌های اکدی

ainaira-, naditabaira-, nabukudracara-, nabunaita-

VII- صورت‌های نوشتاری نامشخص و احتمالاً گسسته:

xaršādašyā (= xšayāršā ?), ardaxcašca (احتمالاً = → artaxšaçā), vašdāsaka, vahyav$^{i}$šdāpaya, hadaxaya.

پ ۱۶۴ ـ **نام‌های شخصی ایرانیان** از انواع معمول نام‌های هندوایرانی است.

I- نام متعارف هندوایرانی، شامل ترکیبی از دوبن است؛ این نام‌ها عمدتاً در: پپ ۱۶۰-۱۶۲ مورد بررسی و توضیح قرار گرفته‌اند. به این نام‌ها باید دو مورد -ka$^{m}$būjiya و -gaumātā را نیز که دارای توضیحی غیر قطعی هستند، افزود (نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل‌های مربوطه).

II- ترکیباتی که در هریک از آنها، پاره نخست، جزئی جدا نشدنی و یا پیشوند حرف‌اضافه‌ای است به شرح زیر عبارتند از:
→ و احتمالاً ,hu-vaxštra-, vi-darna-, vi-vāna-, fra-varti-
hu-tāna-.

احتمالاً برخی از این نام‌ها تنها، گونه‌های کوتاه ترکیبات بزرگتری بوده، و در هریک از آن ترکیبات جزء نخست به شمار می‌آمده‌اند، و نیز اینکه ممکن است به گروه III تعلق داشته باشند.

III- نام‌های مصغر ویا القاب در هندواروپایی آغازین، از طریق محدود کردن نام مرکب به تقریباً بخش نخست آن، که امکان داشت پسوندی نیز به آن افزوده بشود یا نشود، شکل می‌گرفته است. مثال‌های احتمالی از نام‌های فارسی‌باستان به شرح زیر عبارتند از:
θuxra-, bard-iya-, vahau-ka-, arša-ka-, xšaθr-ita, frāda-, martiya-

IV- نام‌های دیگر، اسامی جنس هستند که ویژگی اشخاص را بیان می‌کنند، همانند صورت مضاعف -dā-darši «بی‌باک». احتمالاً نام‌های ,hu-vaxštra-, vidarna- -vi-vāna نیز (که در گروه II آمده‌اند) به این گروه تعلق دارند. یا نام‌هایی که می‌توانند بر شغل دلالت کنند؛ این گونه نام‌ها تا حد امکان بصورت مشتق صفتی و احتمالاً در گونه پدر-نامی می‌آیند -mardun-iya «پسر (مرد) می‌فروش».

V- نام‌های نامشخص: (یا -cahišpi) -cišpi؛ -kūru، -dātuvahya و -arxa نام یک ارمنی، با معنی نامشخص، و احتمالاً متعلق به گروه III یا IV.

**پ ۱۶۵ ـ نام ماه‌ها** در فارسی‌باستان جز و صفات، یا اسامی به عنوان صفات، بوده و یا توصیف کننده واژه «ماه» هستند؛ عبارت در بردارنده نام ماه، همیشه در حالت وابستگی است[57]. تمام این نام‌ها، ترکیباتی از دوبن و یا پیشوند + بن هستند، و برخی از آنها به یک پسوند صفتی پایان می‌پذیرند.
با ویژگی vriddhi در جزء نخست: -θāigarci (ریشه‌شناسی نامعلوم)؛ احتمالاً در -adu-kanaiša (ریشه‌شناسی نامعلوم)، -a-nāma-ka.
با ویژگی vriddhi در هردو جزء: -bāga-yādi.

با ویژگی vriddhi در جزء دوم: -θūra-vāhara-,āçi-yād-iya.
احتمالاً باویژگی vriddhi در پیشوند: -vi-yax-na (عنصر ریشه‌ای نامعلوم است).
بدون ویژگی vriddhi در اجزاء: -garma-pada و صورت بازسازی شده -varka-zana (اما نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه).
برای جزئیات بیشتر نیز نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل‌های مربوطه و: پ ۱۶۱.

پ ۱۶۶ ـ **نام جای‌ها** از نظر وضوح و روشنی ریشه شناختی شباهت کمی به نام اشخاص دارد، زیرا نام جای‌ها معمولاً حتی هنگام تغییر و دگرگونی جمعیتی و تغییر زبانی ناشی از آن نیز بر جای می‌ماند[۵۸]. نام ـ جای‌های فارسی‌باستان شامل انواع زیر است: dahyāuš «ایالت ادارای» و نیز «ناحیه»ای از یک ایالت؛ در فارسی‌باستان واژه عامی به عنوان «شهر» نیامده است؛ vardanam «قصبه»؛ āvahanam «دهکده»، didā «قلعه»؛ kaufa «کوه»؛ rauta «رود». در نخستین معرفی نام ـ جای‌های کمتر شناخته شده، بنابر قاعده، واژه عام آمده است، اما با نام ایالات تنها هنگامی همراه شده که فهرستی از همه آنها یا تعدادی از آنها موجود باشد، و در کنار برخی از نواحی بزرگتر (karmāna, varkāna)، شهرها (pārsa اگر = پرسپولیس؛ paišiyāuvādā «پاسارگاد»؛ hagmatāna «اکباتان[۱]»؛ arbairā «اربل»: bābiruš «بابل»)و رودهای معروف (ufrātuš «فرات»؛ tigrā «دجله») حذف شده است. نام ـ جای‌ها می‌توانند از نظر جغرافیایی و نیز گستردگی زبانی معین، با هم به شرح زیر گروه‌بندی شوند[۵۹].

I- ایالات هندوایرانی:

Pārsa پارس: شامل نواحی yautiyā ، karmāna ؛ شهرهای paišiyāuvādā ، احتمالاً pārsa ؛ قصبه‌های raxā, tāravā,kuganakā , uvādaicaya ؛ کوه‌های arakadriš ، parga.

māda ماد: شامل نواحی asagarta (به عنوان ایالت اداری، مندرج در DPe 15)، kapada , ragā, nisāya ؛ شهر hagmatāna ؛ قصبه‌های kuduruš ، māruš ؛

---

۱. همدان

قلعه sikayauvatiš.

Parθava پارت: شامل ناحیه varkāna گرگان، و قصبه‌های višpauzātiš, patigrabanā.

harauvatiš رخج: شامل ناحیه gadutava ؛ قلعه‌های aršādā ، kāpišakāniš.

bāxtriš بلخ: شامل ناحیه marguš مرو.

ākaufaciyā مردم کهستان؛ ūvārazmīy و نیز صورت miš ـ خوارزم؛ gadāra گندار؛ θataguš ثتگوش؛ dahā دها؛ maka یاقومیت maciyā ؛ saka یا بصورت مونث sakā سکَ یا sakā سکایی‌ها؛ sug(u)da سغد؛ haraiva آریا(۲)؛ hiduš سند.

II- عیلام:

ū(v)ja عیلام، شامل شهر çūšā، دهکده abirāduš.

III- ایالات سامی:

bābiruš بابل: شامل ناحیه dubāla؛ شهر bābiruš بابل؛ قصبه zazāna؛ رودهای tigrā, ufrātuš.

aθurā آسور و سوریه: شامل ناحیه izalā؛ شهر arbairā؛ کوه labanāna. arabāya ارابایه.

IV- ارمنیه:

armina یا arminiya ارمنیه: شامل ناحیه autiyāra؛ دهکده zūzahya؛ قلعه‌های uyamā، tigra.

V- ایالات آسیای صغیر و اروپای جنوب شرقی:

katpatuka کپدوکیه؛ karkā کاری‌ها؛ yauna ایونی یا yaunā اهالی ایونی؛ sparda سارد، لیدی؛ skudra تراس و مقدونیه.

VI- ایالات آفریقا:

mudrāya مصر یا mudrāyā مصریان، شامل رود pirāva نیل.

kūša اتیوپی یا kūšiyā اتیوپیایی‌ها.

putāyā لیبیایی‌ها.

**پ ۱۶۷ ـ نام شهرها و اقوام.** در منابع قطعی، نام ایالت صرفاً قوم ـ واژه مذکر، با

---

۲. هرات

حذف به قرینه اسم مذکر برای «سرزمین» است؛ یک بار (نام ایالت) بصورت قوم ـ واژه مونث آمده است. اما بصورت بسیار معمول، قوم ـ واژه از نام ایالت و پسوند -ya- ساخته می‌شود؛ و صورت جمع قوم ـ واژه نیز بدین ترتیب شکل می‌گیرد؛ مضافاً براینکه قوم ـ واژه‌های دیگر ممکن است به عنوان نام ایالت به کار روند. یک بار نیز قوم ـ واژه ساخته شده با -ya- در حالت مفرد برای نام ایالت، به عنوان گونه دیگر ساخت بدون پسوند به کار رفته است. در جدول توأمان زیر، تظاهر نام ایالت و قوم ـ واژه با ساخت یکسان، در ستون دوم بوسیله X، و قوم ـ واژه‌هایی که در حالت مفرد و بطور کامل تنها در متن متاخر A?P وجود دارند، با نشانه * مشخص شده‌اند.

به این موارد، ممکن است نام آن سه منطقه بزرگی که جزء ایالات ادارای و مراکز دولتی نبوده‌اند، یعنی: karmāna, varkāna, marguš، همراه با قوم ـ واژه mārgava؛ قوم ـ واژه pātišuvariš برپایه یک نام ـ جای نامعین؛ نام پدری و خانوادگی haxāmanišiya برپایه haxāmaniš؛ maguš واژه مبین عضوی از جامعه روحانی ماد، نیز افزوده شود.

از میان نام ایالات بکار رفته به جای قوم ـ واژه‌ها، bābiruš و ūvja به عنوان قوم ـ واژه، قطعاً اشتباه است. در میان قوم ـ واژه‌های مندرج در A?P، kūšāya احتمالاً صورت نوشتاری غلطی است برای gadāraya;kūšiya صورت نوشتاری اشتباهی است برای gadāriya ; θataguiya بگونه اشتباه نوشتاری برای θataguviya ویا قرائت اشتباه برای θatagudaya به کار رفته که خود صورت نوشتاری غلطی است برای θatagudiya؛ و نیز hiduya صورت غلط نوشتاری است بجای hiduviya.

| نام ایالت | همان نام به عنوان قوم ـ واژه | صورت مونث به عنوان نام ایالت | قوم ـ واژه مشتق | صورت جمع قوم ـ واژه به عنوان نام ایالت | صورت مذکر به عنوان نام ایالت |
|---|---|---|---|---|---|
| aθurā | | | aθuriya | | |
| arabāya | x* | | | | |
| armina | | | arminiya | | arminiya |

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| asagarta | | | asagartiya | | |
| ū(v)ja | x | | ū(v)jiya | | |
| uvārazm -Īy-iš | | | uvārazm$^{i}$ya* | | |
| -Īy-iš | | | | | |
| katpatuka | x* | | | | |
| | | | karka | karkā | |
| kūša | | | kūšāya* | kūšiyā | |
| gadāra | | | gadāraya* | | |
| θataguš | | | θataguiya* | | |
| | | | | | dahā |
| parθava | x | | | | |
| pārsa | x | | | | |
| | | | Putāya* | Putāyā | |
| bāxtriš | | | | | |
| bābiruš | x | | bābiruviya | | |
| maka | | | maciya* | maciyā | |
| māda | x | | | | |
| mudrāya | x | | | mudrāyā | |
| yauna | x | | | yaunā | |
| saka | x | Sakā | | sakā | |
| sug(u)da | | | | | |
| skudra | x* | | | | |
| sparda | | | spardiya | | |
| zraka | x* | | | | |
| haraiva | | | | | |
| harauvatiš | | | harauvatiya* | | |
| hiduš | | | hiduya* | | |

## فصل V- صرف اسامی، صفات، ضمایر

**پ ۱۶۸ ـ صرف در فارسی‌باستان.** اسم فارسی‌باستان همراه با ضمیر و صفت تقریباً مجموعه‌ای از ساخت‌های متعارف و منتظره را نشان می‌دهد. اسامی و صفات بسیاری با بن‌های مختوم به -a- -ā-, -i- -ī-, -u- ū-, -āh- -ah- iš-, tār- -tar-, -an- -man- -van- -vin- vant-, -t- -d- $\theta$- -s- وجود دارد. پاره‌ای از این طبقات بصورت ناقص ارائه شده‌اند، و در بحث مربوط به هر طبقه، تمام اشکال موجود به فهرست در آمده‌اند، به جز آنجا که مثال‌های فراوان باشند.

تمام حالات موجود در سنسکریت و اوستا، در فارسی‌باستان نیز یافت می‌شود، به جز حالت برایی که در فارسی‌باستان از بین رفته و بیان عملکردهای آن به عهده حالت وابستگی است. حالت ازی نیز ساخت متمایزی ندارد و چه از طریق گسترش آوایی و یا قیاس، بتدریج در حالت‌های بایی و دری، ادغام شده است؛ جز برای یک ساخت یعنی bābirauš که همانند سنسکریت با حالت وابستگی یکسان می‌باشد. بهمین نحو، حالت جمع مفعولی صریح نیز، چه از طریق فرآیند آوایی و چه از طریق قیاس، به حالت فاعلی شبیه شده است، جز در مورد ضمایر چسبان که حالت فاعلی ندارند.

در فارسی‌باستان، برای اعداد، هر دو حالت مفرد و جمع آمده، و نیز تعدادی ساخت‌های تثنیه وجود دارد.

**پ ۱۶۹ ـ پایانه‌های حالت بن‌های مختوم به -O- در هندواروپایی آغازین:**

این پایانه‌ها، به واکه بن، که یا e است و یا o، افزود می‌شود، و هنگامی که واکه به

واکه‌ای افزوده شود، نتیجه، ادغام دو واکه خواهد بود، و در این صورت یا واکه بلند بدست می‌آید و یا واکه مرکب.

I- پایانه‌های مفرد: حالت فاعلی s-، و مفعولی صریح m-، به بن مختوم به واکه -o- افزوده شده و -om, -os را بدست می‌دهد؛ حالت ندایی همان بن برهنه مختوم به e-است: لاتین lupus, lupum, lupe ؛ یونانی λúkos, λúkov, λúkε. جنس خنثی دارای پایانه m- برای حالت فاعلی و نیز حالت مفعولی صریح است.
پایانه وابستگی sio- موجود در آریایی و یونانی، به بن مختوم به واکه -o- افزوده شده است: *tosio, Skt. tásya, Gk. (Hom) toĪo, (کلاسیک) toū؛ و نیز با s- در افزوده در تعدادی او از واژه‌های لاتین: *q^u^osio از -eius, Skt. asyá; cuius, Skt. kásya, این پایانه در اصل تنها در ضمایر بوده، و در پاره‌ای از زبانها، از ضمایر به طبقات معینی از اسامی گسترش یافته است.
حالت بایی به ō,-ē- پایان پذیرفته و قطعاً این پایانه‌ها از ادغام بن مختوم به واکه -e- و -o- با واکه دیگر که کیفیت آن مشخص نیست، بدست آمده است. حالت ازی دارای پایانه ēd- و ōd- بوده است، ادغامی همانند، با واکه‌ای غیر قابل تشخیص و یک همخوان دندانی که می‌توانـد t یـا d بـاشد؛ در واقـع فـرآیـند سندهی تشخیص طبیعت اصلی آن را غیر ممکن ساخته است[۶۰]. حالت دری مختوم به i-، به هر بن مختوم به واکه‌ای افزوده شـده است: مقایسه شـود بـا یونانی: οικοι و οικει «در خانه».

II- ساخت‌های دارای شمار جمع: پایانه فاعلی جمع es-، در افزوده به بن مختوم به واکه -o-، به ōs- تبدیل می‌شود که در آریایی، ژرمنی باستان (گوتیک wulfōs «گرگ‌ها»)، او سکواومبریایی (جایگزین شده بـا oi-، همراه بـا نشـانه جـمع ضمیرواره i-، در یونانی، لاتـین، بـالت ـ اسـلاوی)، بـاقی مـانده است. پـایانه مفعولی صریح جمع ns-، در افزوده به -o-,ons- را می‌دهد. حالت فـاعلی و مفعولی صریح جمع خنثی مختوم به ā-، دقیقاً دارای همان صورت فاعلی مفرد مونث مختوم به ā- با معنی جمع بوده است. پایانه جمع وابستگی ōm- ادغام شده با بن مختوم به واکه -o- ,-ōm را می‌دهد، همانند یونانی λúkωv، اما در آریایی، پس از بن‌های مختوم به -n- در حالت جمع وابستگی، دوباره ساخته شده است. پایانه جمع بایی ais- (-a- نامشخص به جای a e o !)، ادغام شده

بابن مختوم به واکه ‎-o-‎، ‎-ōis‎ را می‌دهد، که در ‎λúkoιs‎ یونانی بصورت کوتاه، و در سنسکریت و اوستا با حفظ ویژگی بلندا، دیده می‌شود؛ اما ضمیرواره ‎-oibhis‎ (بن مختوم به واکه ‎-o-‎ + ضمیرواره جمع ‎-i-‎ + پایانه جمع بایی ‎-bhis‎)، باز ساخته شده از صورت برایی ـ ازی مذکر ‎-oibhios‎ (سنسکریت ‎tébhyas‎، ضمیر اشاره) علیرغم وجود پایانه جمع بایی مونث ‎-ābhis‎ (سنسکریت ‎tābhis‎)، در فارسی‌باستان دیده شده است. پایانه دری جمع ‎-su‎، در افزوده به بن مختوم به واکه ‎-o-‎ + ضمیر جمع ‎-i-‎، در آریایی و اسلاوی، موجود است؛ اما ‎-oisu‎ برپایه ‎-oisi‎ موجود در یونانی (برایی جمع ‎λùkoισi‎)، با وجود پایانه مفرد دری ‎-i‎ دوباره ساخته شده است.

III- ساخت‌های دارای شمار تثنیه: نگاه کنید به: پ ۱۸۹.

**پ ۱۷۰ ـ پایانه‌های حالت بن‌های مختوم به ‎-o-‎ در آریایی.** جدول تطبیقی پایانه‌های هندواروپایی آغازین، آریایی آغازین، سنسکریت، اوستا و فارسی‌باستان، در اینجا داده شده است، این جدول حالات ارائه شده در واژه‌های موجود فارسی‌باستان را، به جز ساخت‌های تثنیه که در: پ ۱۸۹، آمده، دربرمی‌گیرد.

| | pIE | pAr. | Skt. | Av. | OP |
|---|---|---|---|---|---|
| sg. Nom. | -os | -ah[1] | -ah | -o | $-a^h$ |
| Acc. | -om | -am | -am | -əm | -am |
| Inst. | - ē,-ō | -ā | -ena[2] | -ā-a[3] | -ā |
| Abl. | - ēd,-ōd | -ād | -āt[1] | -at̰ | -ā[1] |
| Gen. | -osio | -asya | -asya | -ahyā -ahe[3] | -ahyā |
| Loc. | - ei,-oi | -ai | -e | -ōi-,e[3] | -aiy |
| | | | | -ay-a[3] | -ay-ā |
| Voc. | - e | -a | -a | -ā -a[3] | -ā |
| Pl.Nom. | -ōs | -āh[1] | -āh | -ā -a[3] | $-ā^h$ |
| | | -āsaḥ[4] | -āsaḥ | -ā$\eta$hō | $-āha^h$ |
| Acc. | -ons | -ān[5] | -ān | -as | $-ā^h$ |

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| Inst. | -āis | -āiš | -āiṣ | -āiš | -aibiš[6] |
| Gen. | -ōm | -ānām[۷] | -ānām | -ānam | -ānām |
| Loc. | -oisu | -aišu | -esu̧ | -aēšu | -aišuv-ā |
| Neuter | | | | | |
| Sg.Nom.-Acc. | -o-m | -am | -am | -əm | -am |
| Pl.Nom.-Acc. | -ā | -ā | -ā[۸] | -ā -a[۳] | -ā |

۱) و تولیدات دیگر سندهی. ۲)با پسوند مختلف. ۳)واکه پایانی کوتاه در اوستای متاخر؛ واکه‌های بلند یا واکه مرکب در اوستای گاهانی. ۴) پایانه مضاعف، با -as در افزوده، حاصل از حالت فاعلی جمع بن‌های مختوم به همخوان. ۵)با بلندای ناشی از قیاس؛ و -s- حفظ شده در برخی از ترکیبات سندهی. ۶)از -oibhis ، مقایسه شود با پایانه برایی - از جمع سنسکریت -ebhyah ، اوستا -aēibyō از -*oibhios ، ۷)از طریق تاثیر بن‌های مختوم به -n-.
۸)ودا -ā ، اما سنسکریت کلاسیک -āni ، با وجود بن‌های مختوم به -n-.

## پ ۱۷۱ - حالت‌های صرفی بن‌های مختوم به -o- در فارسی‌باستان:

فاعلی مفرد:

martiya, xšāyaθiya, kāra, baga, drauga, hamiçiya, anušiya; نام شخصی → kabūjiya; نام - جایها و اقوام → pārsa, māda, sugda suguda, saka, sparda, mudrāya, ūja ūvja, yauna, parθava, armina, arminiya, asagarta, gadāra, mārgava, ūvjiya.

مفعولی صریح مفرد:

martiyam, xšāyaθiyam, kāram, hamiçiyam; kabūjiyam; pārsam, mādam, sugdam, mudrāyam, ūvjam, arminam, asagartam, ufraštam.

بایی مفرد:

kārā, pārsā, aurā, visā, احتمالاً → karšā; خنثی → artā, dātā, ariyā; مذکر یا خنثی → vašnā.

ازی مفرد:

draugā, kabujiyā, pārsā, sugudā, spardā, mudrāyā, kūšā, yaunā, gadārā, karmānā; خنثی → dušiyārā, vispā, gastā.

وابستگی مفرد:

martiyahyā, xšāyaθiyahyā, kārahyā, pārsahyā, visahyā, احتمالاً → māhyā; خنثی → uškahyā, uvaipašiyahyā, jīvahyā, [ha]kartahyā.

دری مفرد:

pārsaiy, mādaiy, mudrāyaiy, ūjaiy ūvjaiy, parθavaiy, arminiyaiy, asagartaiy, hagmatānaiy; با ā- در افزوده → duvarayā, dastayā, spāθmaidayā، احتمالاً →karšayā, [da]rtanayā; خنثی → uzmayā.

ندایی مفرد:

martiyā, marīkā.

فاعلی جمع:

martiyā, xšāyaθiyā, hamiçiyā, anušiyā, takabarā, tigraxaudā, haumavargā, paruvā, mādā, sakā, mudrāyā, yaunā, ūvjiyā; با پایانه مضاعف → aniyāha bagāha.

مفعولی صریح جمع:

martiyā, xšāyaθiyā, hamiçiyā, sakā, ūvjiyā, ufraštā.

بایی جمع:

asabāraibiš, martiyaibiš, hamiçiyaibiš, bagaibiš, viθaibiš, kamnaibiš; mādaibiš, sakaibiš, parθavaibiš, mārgavaibiš, ūvjiyaibiš; خنثی → ūvnaraibiš.

وابستگی جمع:

martiyānām, xšāyaθiyānām, bagānām.

دری جمع:

mādaišuv-ā.

فاعلی مفرد خنثی:

xšaçam, dušiyāram, ardatam, daraniyam, aruvastam, dātam,

θakatam, kartam, visam, kamnam; مفعولی صریح → xšaçam, stānam, daraniyam, aruvastam, kartam, visam, uvāipašiyam, uvaspam, احتمالاً → cašam.

فاعلی جمع خنثی:

ūvnarā, θakatā, [d]ātā; مفعولی صریح → āyadanā, [uvaspā], uraθā.

## پ ۱۷۲ ـ تحول صرف -o- در فارسی‌باستان:

فاعلی مفرد: فارسی‌باستان ă-، با قاعده از آریایی آغازین ah- ، هندواروپایی آغازین os- ؛ عدم توانایی در نوشتار واکه بلند پایانی، بصورت همخوان کمینه پایانی تظاهر می‌کند: $a^h$-.

مفعولی صریح مفرد: فارسی‌باستان am- ، با قاعده از آریایی آغازین am- ، هندواروپایی آغازین om-

بایی مفرد: فارسی‌باستان ā- ، با قاعده از آریایی آغازین ā- ، هندواروپایی آغازین ē- یا ō-

ازی مفرد: فارسی‌باستان ā- بجای $ā^t$- ، با قاعده از آریایی آغازین āt- هندواروپایی آغازین ēd- یا ōd- (یا t-).

وابستگی مفرد: فارسی‌باستان ahyā- ، با قاعده بجای آریایی آغازین asya-، هندواروپایی آغازین osio- ، فارسی‌باستان ā- به جای ă- نشان می‌دهد که هیچ همخوان کمینه‌ای در پی نیامده است؛ برای نوشتارهای متعدد ahyă- ، نگاه کنید به: پ ۳۶/IV. برای māhyā از māhahyā* ، نگاه کنید به: پ ۱۳۱.

دری مفرد: فارسی‌باستان aiy- در نام ـ جایها، با قاعده از آریایی آغازین ai- ، هندواروپایی آغازین ei- یا oi- ؛ فارسی‌باستان ayā- در اسامی عام، ai- موجود + حرف پسایند ā- (ساخت‌های همانند در اوستا موجود است).[۶۱]

ندایی مفرد: فارسی‌باستان ā- ، با قاعده از آریایی آغازین ă- ، هندواروپایی آغازین e-؛ با ā- فارسی‌باستان، زیرا همخوان کمینه پایانی وجود ندارد.

فاعلی جمع: فارسی‌باستان ā- بجای $a^{-h}$- ، با قاعده از آریایی آغازین āh ، هندواروپایی آغازین ōs- ؛ نیز فارسی‌باستان āha- بجای $āha^h$- در aniyāha bagāha «بغان

دیگـر»، مقایسه شود با: پ ۱۰ و ساخت‌های همانند اوستا: ahurāŋhō «اهوره‌ها»، سنسکریت: devāsaḥ «خدایان».

مفعولی صریح جمع: فارسی‌باستان ā- بجای $\bar{a}^h$-، یا بصورت با قاعده از آریایی آغازین āns- با n تخفیف یافته در برخی از وضعیت‌های سندهی؛ یا فاعلی جمع به عنوان مفعولی صریح از طریق قیاس (پ ۱۶۸).

بایی جمع: فارسی‌باستان aibiš-، با قاعده برای آریایی آغازین aibhiš-.

وابستگی جمع: فارسی‌باستان ānām-، با قاعده برای آریایی آغازین ānām-، ([1]با nām- از بن‌های مختوم به -n- پ ۱۸۷)؛ برای نوشتار ănām- نگاه کنید به: پ ۵۲/III.

دری جمع: فارسی‌باستان aišuvā- ،با قاعده از آریایی آغازین aišu-، هندواروپایی آغازین oisu- + حرف پسایند ā-؛ šu-ā- به švā- تبدیل شده است، اما نوشتار فارسی‌باستان، میان ارزش švā- و šuvā- که در آن -u- به عنوان یک واکه، زیر تاثیر ساخت اصلی و نیز یک همخوان غلتان[2] نوشته شده بین آن و واکه بعدی، نگهداشته شده، نمی‌تواند تمایزی را نشان دهد.

فاعلی ـ مفعولی صریح خنثی مفرد: فارسی‌باستان am-، با قاعده از آریایی آغازین am-، هندواروپایی آغازین om-.

فاعلی ـ مفعولی صریح خنثی جمع: فارسی‌باستان ā-، با قاعده از آریایی آغازین ā-، هندواروپایی آغازین ā-

dādā در DB 1.23, Xph 49,52 ، هنگامیکه همراه با pari-ay- «احترام» بکار رفته باشد، به سبب نبود حرف (اضافه) پیشایند hacā، احتمالاً بیشتر در حالت بایی است تا ازی؛ توجه داشته باشید که متن DSe 37-9، به عنوان یک متن تازه بازسازی شده، علیرغم نظریات من در JAOS 54.46, Lg.13.303, JAOS 58.117 ، حالت ازی را در قطعات دیگر اثبات نمی‌کند. در مورد karšā در حالت بایی مفرد، karšayā در حالت دری مفرد، čašam در حالت مفعولی صریح خنثی، و ufraštā-diy در حالت مفعولی صریح جمع، نگاه کنید به واژه‌نامه زیر مدخل‌های مربوطه.

---

۱.در متن اصلی، ابتدای پرانتز مشخص نیست، ولی احتمالاً باید از همین بخش از جمله آغاز شود.

۲.glide consonant

-artaxšaça بصورت با قاعده دارای حالت وابستگی çahyā–[۶۲] است، در حالیکه حالت فاعلی çā- و مفعولی صریح آن çām–، با xšayār-šā -šām (پ ۱۸۷)، و نیز صورت ($A^2Hc$) artaxšaçāhyā با حالت وابستگی واژه اخیر یعنی xšayāršāhyā همگون شده است (پ ۱۸۷؛ مگر اینکه تنها، افزایش یک نشانه وجود داشته باشد، پ ۵۳).

**پ ۱۷۳ ـ پایانه‌های حالت بن‌های مختوم به -ā- در هندواروپایی آغازین:** در این زمینه، تنها موارد مربوط به ساخت‌های موجود در فارسی‌باستان مورد بحث قرار خواهند گرفت.

I- در شمار مفرد، ā- فاعلی، درجه قوی بن مختوم به واکه، بدون پسوند حالت ویژه است. ām- مفعولی صریح عبارتست از بن مختوم به واکه -ā- + پسوند حالت m-. از مدارک مربوط به زبانهای غیر آریایی در می‌یابیم که هندواروپایی آغازین باید دارای ā- برای حالت بایی(از a-+-ā-),ās- برای حالت ازی و وابستگی (از es + -ā-) و āi- برای حالت دری (از i- + -ā-) باشد[۶۳]؛ در حالیکه ما، در آریایی به پایانه‌های دو هجایی برخورد می‌کنیم، āyā- برای حالت بایی، āyāys- برای حالت ازی و وابستگی، و āyā- برای حالت دری. بهرحال، چه یک بن هندواروپایی آغازین متنوع مختوم به āyā- در این‌جا ظاهر شود، چه این بن در پس این حالات مفرد ظهور نکند (در فارسی‌باستان در حالت برایی افتاده باشد)، و یا این حالات برپایه یک بن استخراج شده از حالت دری مفرد āyā- ساخته شود (همانند ایرانی، اما در سنسکریت بوسیله m- گسترش یافته): برای حالت دری مفرد، بن مجتوم به واکه -ā- + پایانه i- وجود دارد که حرف پسایند ā- نیز برای ساختن āyā- به آن افزوده شده است.
در مقایسه با بن استخراج شده -āyā- ، ساختن پایانه حالت بایی āyā- ، و نیز پایانه حالت وابستگی وازی āyās- ، ساده است.

II- شمار جمع در هندواروپایی آغازین دارای پایانه فاعلی ās- از es- + -ā- ؛ مفعولی صریح ās- از ns- + -ā- ، با نبود n میان واکه بلند و s پایانی در هندواروپایی آغازین؛ وابستگی om- از ōm- + -ā- ، در آریایی آغازین جایگزین شده با ānām- پس از بن‌های مختوم به n-؛ دری āsu- از su- + -ā- ،

می‌باشد.

## پ ۱۷۴ ـ پایانه‌های حالت بن‌های مختوم به -ā- در آریایی.

جدول تطبیقی زیر، تنها حالاتی را در برمی‌گیرد که در ساخت‌های موجود فارسی‌باستان ارائه شده است.

| sg. | pIE | pAr. | Skt. | Av. | OP |
|---|---|---|---|---|---|
| Nom. | -ā | -ā | -ā | -ā -a[1] | -ā |
| Acc. | -ām | -ām | -ām | -am | -ām |
| Inst. | | -āyā[2] | -ayā | -ayā[1] | -āyā |
| Abl. | | -āyās | -āyās | -ayāt̰[3] | -āyā^h |
| Gen. | | -āyās | -āyās | -ayā | -āyā^h |
| Loc. | -āi | -āyā | -āyām | -aya | -āyā |
| Pl. | | | | | |
| Nom. | -ās | -ās | -ās | -ā | -ā^h |
| Acc. | -ās | ās | ās | -ā | -ā^h |
| Gen | -ōm | -ānām | -ānām | -anam | -ānām |
| Loc. | -āsu | -āsu | -āsu | -āhu | |
| | | | | -āhva[1] | -ā^huvā |

۱ ـ ساخت‌های اوستایی همراه با a- پایانی کوتاه متعلق به اوستای متاخر؛ به خاطر داشته باشید که نشانه بلندا در هجاهای داخلی واژه‌های اوستایی، معتبر نیست. ۲ ـ مقایسه کنید با: پ /۱۷۳، یادداشت ۶۳. ۳ ـ نمونه سازی مجدد پایانه وابستگی در اوستای متاخر، پس از پایانه āt- حالت ازی بن‌های مختوم به -o- .

## پ ۱۷۵ ـ حالت‌های صرفی بن‌های مختوم به -ā- در فارسی‌باستان:

فاعلی مفرد:

taumā تخمه,hainā,framānā,yauviyā, didā, θikā; aθurā; صفات ←
kartā, gastā, hamiçiyā.

مفعولی صریح مفرد:

taumām, yauviyām, didām, θikām; paišiyāuvādām,

sakām; صفت → aθagainām.

بایی مفرد:

framānāyā, aruvāyā, احتمالاً → ha[natāyā]

ازی مفرد:

paišiyāuvādāyā, haināyā, taumāyā, yadāyā.

وابستگی مفرد:

taumāyā.

دری مفرد:

arbairāyā, aθurāyā, çūšāyā; احتمالاً → pavastāyā, stūnāya (→;§176)؛ صفت → vazrakāyā (مگر حالت وابستگی در بعضی قطعات).

فاعلی جمع:

stūnā, hamiçiyā, kartā.

مفعولی صریح جمع:

[stūnā] (فقط بازسازی شده)

وابستگی جمع:

paruzanānām, vispazanānām.

دری جمع:

maškā$^{h}$uvā, aniyā$^{h}$uvā.

**پ ۱۷۶ ـ تحول صرف ā- ـ در فارسی‌باستان.** بررسی جدول پایانه‌ها در: پ ۱۷۴، می‌تواند نشان دهد که فارسی‌باستان، با اندکی تغییرات جزئی، دقیقاً همان پایانه‌هایی را داراست که در آریایی آغازین وجود داشته است. عدم نوشتار همخوان‌های کمینه پایانی، صورت نوشتاری واحدی برای āyā- یعنی پایانه حالات بایی، ازی، وابستگی و دری مفرد، بوجود می‌آورد. مشخص کردن اینکه فارسی‌باستان به تبع حالت ازی مختوم به āt- بن مختوم به ō- در انشقاق پایانه حالت ازی ـ وابستگی āyās- بصورت وابستگی *āyās-، ازی *āyat-، با اوستای متاخر سهیم بوده، غیر ممکن است؛ در نبود دلیل و نشانه، ما فرض را بر این می‌گیریم که حالت ازی و وابستگی فارسی‌باستان، با āyā- همانند بوده و از صورت کهن‌تر āyās- آمده است. حالت دری فارسی‌باستان در افزایش

عمومی ā- در آریایی سهیم است، در حالیکه با افزایش m- در سنسکریت اشتراک ندارد. ساخت‌های جمع فارسی‌باستان نیز کاملاً با قاعده است، حالت وابستگی نشاندهنده نمونه سازی مجدد با وجود بن‌های مختوم به -n- ، و حالت دری نشان دهنده افزایش ā- است که در تعدادی از ساخت‌های اوستایی ظاهر می‌شود. همان ابهام مربوط به ارزش آوایی a-ʰuvā- موجود در بن‌های مختوم به -o- (پ ۱۷۲)، در این صرف نیز وجود دارد.

این واقعیت که حالت دری مفرد بن‌های مختوم به -ā- آریایی آغازین، دارای -ā- افزوده‌ای است که به حالت دری مفرد اسامی عام و صفات بر ساخته از طبقات بن‌های دیگر و نیز به حالت دری جمع در فارسی‌باستان و گستره کوچکتری در اوستا، گذر می‌کند، احتمالاً این نکته را بوجود می‌آورد که بن‌های مختوم به -ā- نقطه آغازی هستند برای این گونه نمونه سازی مجدد پایانه.

ساخت معما گونه stūnāya ، تنها در عبارت apadānam stūnāya aθagainam «... کاخ را با ستون سنگی» ظاهر می‌شود؛ و از آنجائیکه این واژه، تنها در متون مربوط به داریوش دوم و پس از او می‌آید، لذا ممکن است نوعی اشتباه نوشتاری، همراه با حذف a پایانی بوده و بجای stūnāyā در حالت بایی یا دری به منظور تصریح قرار گرفته باشد (مقایسه شود با کاربرد karšā در حالت بایی و karšayā در حالت دری همراه با عدد، Lg.19.227-9) : «کاخ را با ستون(های) سنگی»، با اینکه stūnāya در ساخت مفرد است، اما در معنی کلی است و از این روی اسم جمع به شمار می‌رود[۶۴].

**پ ۱۷۷ـ پایانه‌های حالت بن‌های مختوم به -ĭ- و -ī- درهندواروپایی آغازین و آریایی:** در این زمینه، تنها موارد مربوط به ساخت‌های موجود در فارسی‌باستان مورد بحث قرار گرفته‌اند.

I- بن‌های مختوم به -ĭ- ، دارای i-s- فاعلی مفرد، i-m- مفعولی صریح ، ei-s- و یا oi-s- وابستگی هندواروپایی آغازین (با درجه قوی بن مختوم به واکه) بوده‌اند؛ این پایانه‌ها در agnés ̣agnım, agnıs «آتش» سنسکریت نشان داده شده‌اند. حالت دری، دارای واکه مرکب بلند، بدون پسوند حالت ēi- بوده است؛ از آنجائیکه واکه‌های مرکب بلند، هنگام قرار گرفتن در موضع پایانی، در

هندواروپایی آغازین، نیم واکه را از دست می‌دهند، لذا ēi- به ē- تبدیل می‌شود: در سنسکریت (ودا) agnā[۶۵].

II- بن‌های مختوم به -ī- ، دارای ī- فاعلی مفرد، ī-m- مفعولی صریح، (i)iēs- یا (i)ias- ازی ـ وابستگی [۶۶]، (i)iā- بایی[۶۷]، (i)iē- یا (i)iā- دری[۶۶] (از واکه مرکب بلند پایانی، همانند بن‌های مختوم به -i-) هندواروپایی آغازین بوده‌اند. پایانه جمع فاعلی، ī-es- هندواروپایی آغازین بوده است، که iies- را می‌دهد. این پایانه‌ها از طریق devī devīm devyās devyā devyā-m سنسکریت «ایزدبانو»، (با m- پیوسته به حالت دری؛ همانند بن‌های مختوم به ā-)، نشان داده شده‌اند، جمع: devyàs = devlyas.

III- بن‌های مختوم به -ī- ، منحصراً مونث بوده‌اند، در حالیکه بن‌های مختوم به -ĭ- شامل هر دو جنس مذکر و مونث می‌شده‌اند؛ هم در سنسکریت و هم در اوستا، بن‌های مونث مختوم به -ĭ- ، به اختیار یا بنابر قاعده، پایانه‌های بن‌های مختوم به -ī- را در حالت بایی، برایی، ازی ـ وابستگی، و دری مفرد، به خود می‌گیرند. گاهی اوقات نیز، بن‌های مونث مختوم به -ī- s- فاعلی مفرد بر آمده از بن‌های مختوم به -ĭ- سنسکریت و اوستا را که īš- فاعلی را می‌دهد، کسب می‌کنند.

## پ ۱۷۸ ـ حالت‌های صرفی بن‌های مختوم به -ĭ- و -ī- در فارسی‌باستان:

I- بن‌های مذکر مختوم به -ĭ-:

**Nom. Sg:** skauθiš, pastiš, θarmiš, yāumainiš ayāu(ma)iniš; نام‌های شخصی → fravartiš, dādaršiš, cišpiš; قومیت → pātišuvariš; احتمالاً نام ـ جای‌های → arakadriš, kāpišakāniš, viš[pa]uz[ā]tiš.

**Acc. Sg.** skauθim, ušabārim, duvarθim, fravartim, dādaršim.

**Gen. Sg.** skauθaiš, fravartaiš, cišpaiš, θāigarcaiš, bāgayādaiš; نیز → cišpāiš, cicixrāiš.

II- بن‌های مونث مختوم به -ĭ- (برخی بن‌های احتمالی مختوم به -ī-):

**Nom. Sg:** arš[i]š, šiyātiš, ištiš, احتمالاً → dipi[š]

**Acc. Sg.:** **šiyātim,** bājim; paθim (برپایه یک بن بی‌قاعده)

-III بن‌های مونث مختوم به -ī-:

**Nom. Sg.:** uvārazmīy uvārazmiš, baxtriš; hara-[h]uvatiš (Skt. sárasvatī), sika[ya]uvatiš; āpiš(در → āpišim = āpiš-šim §130;بن بی‌قاعده); dipīy (در → dipī-maiy §140.I) [ مقایسه شود با پیوست → 191b.11.Ed.]; BU زمین (تنها بصورت اندیشه نگار)

**Acc. Sg.:** harauvatim, būmim, dipim, احتمالاً → yau[datim].

**Abl. Sg.:** harauvatiyā, bāxtriyā, uvārazmiyā.

**Loc. Sg.:** harauvatiyā, bāxtriyā, āpi[y]ā, būmiyā, d[i]p[iy]ā.

**Nom. Pl.:** aθagainiya.

-IV مواردی که در اینجا به حساب نیامده:

Inst. Pl.: abiš, arašaniš:

نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل‌های مربوطه.

## پ ۱۷۹ ـ تحول صرف -ĭ- و -ī- در فارسی‌باستان[۶۸].

-I بن‌های مختوم به -ĭ- و -ī- ، در فارسی‌باستان، به یک صورت صرفی در آمده و دارای پایانه‌های صرفی فاعلی مفرد iš- ، مفعولی صریح im- ، وابستگی aiš- ازی -iyā[h] (= سنسکریت yās-) ، دری -iyā (= سنسکریت yā-m-) فاعلی جمع -iya[h] هستند. تنها بازماندگان صورت‌های صرفی مستقل، عبارتند از

A uvārazmīy (در کتیبه‌های متاخر - miš) و همچنین dipī-maiy در حالت فاعلی، که هنوز نشان دهنده ī- اصیل هستند. این احتمال وجود دارد که هنگامیکه ī- فاعلی بن‌های مختوم به -ī- ، پایانه s-گرفته است، بلندای واکه برای تمایز میان بن‌های مختوم به -ī- و نیز بن‌های مختوم به -ĭ- ، باقی مانده باشد؛ همچنین ممکن است بازماندن واکه بلند در īm- مفعولی صریح را هم، به همین نحو توجیه نمود. نظام نوشتاری فارسی‌باستان این ابهام را از دست می‌دهد. اما بسیار محتمل است که پایانه جدید īš- و نیز پایانه کهن īm- ، به تبع ساخت‌های همانندبن‌های‌مختوم‌به-ĭ- ،به ترتیب به ĭš- و ĭm- تبدیل شده باشند.

-II این واقعیتی است که حالت ازی مفرد و نیز حالت وابستگی مفرد این بن‌ها در آریایی، دارای پایانه همانندند(همچنین است درتمام‌بن‌هابه‌جزبن‌های مختوم به

-ŏ-!)، و ما در این‌جا حالت وابستگی را با پایانه aiš- و حالت ازی را با پایانه iyā- می‌یابیم. اما تمام حالت‌های وابستگی فارسی‌باستان از واژه‌های مذکر و تمام حالت‌های دری آن از واژه‌های مونث است؛ و همانگونه که در: پ ۱۷۷/III، یاد آور شدیم، بن‌های مونث مختوم به -ī- ، احتمالاً در پاره‌ای از حالات غیر فاعلی مفرد، پایانه‌های بن‌های مختوم به -ī- را به خود گرفته‌اند. در واقع، ممکن است در فارسی‌باستان، مونث‌ها در پاره‌ای از ساخت‌ها بدون حفظ یک نوع صرفی جدا و مستقل، از نمونه‌های مذکر بن‌های مختوم به -ĭ- جدا شده باشند. بخاطر داشته باشید که būmiyā به نظر می‌رسد که تنها در حالت دری باشد؛ چنانچه این ساخت در قطعه‌ای ظاهر می‌شد که حالت وابستگی، قطعاً در آن ضرورت داشت، آنگاه به نظر می‌رسید که این تمایز باید مشخص می‌شد. هنوز هم در بن‌های مختوم به -ŭ- ، ما هردو پایانه را در حالت ازی مذکر می‌یابیم.

III- همیشه امکان پذیر نیست که بتوان مشخص نمود که آیا اسامی عام مونث دارای بن‌های مختوم به -ĭ- هستند یا بن‌های مختوم به -ī- ؛ و برای این منظور، قیاس ریشه شناختی ضروری است. و قوع واکه کوتاه در -aršti ، سنسکریت: rṣṭi «سپر»؛ paθim ، بن سنسکریت pathi در پاره‌ای از صورت‌های صرفی، قطعی و حتمی است، در حالیکه این وقوع در -bāji-, išti-, šiyāti ، تنها یک احتمال است. همچنین وقوع واکه بلند در -būmi ،از طریق bhūmī سنسکریت ودایی (تنها یک بار؛ علیرغم ۱۲ بار ظهور ساخت جدید bhūmis) قطعیت داشته، و نیز در aθagainiya در حالت فاعلی جمع، همانند سنسکریت: pāpyás ، نسبت به مونث مفرد pāpī ، که در قیاس با pāpás «پلید»، و نیز احتمالاً dipī ، یک ساخت مونث است، مسلم و قطعی می‌باشد.

IV- پایانه وابستگی -āiš در cišpāiš و cicixrāiš ، یعنی در واژه‌هایی که حالت فاعلی و وابستگی آنها یکسان به نوشتار در می‌آیند، صرفاً نشانه‌ای است برای -aiš: $c^a i š^a p^a i š^a$ = حالت فاعلی cišpiš یا حالت وابستگی cišpaiš ؛ بهمین نحو $r^a i š^a$ = -riš یا -raiš.

V- در ساخت‌های مختوم به -i-, -iyā احتمالاً هجایی است و نه صرفاً نوشتاری؛ از این روی harahvatyā* به harauvašiyā* تبدیل می‌شود نه به harauvatiyā ، و نیز dipyā* به difiyā* تغییر می‌یابد نه به dipiyā[۶۹]. در موارد دیگر، ممکن است

هجای بلند پیشین سبب عملکرد «قانون سیورس[۳]» شده و در نتیجه yā- به iyā- تغییر یابد.

## پ ۱۸۰ ـ پایانه‌های حالت بن‌های مختوم ŭ- در هندواروپایی آغازین و آریایی:

بار دیگر باید متذکر شد که در این زمینه، تنها موارد مربوط به ساخت‌های موجود در فارسی‌باستان مورد بحث قرار گرفته‌اند.
بن‌های مختوم به ŭ- ، دارای u-s- فاعلی مفرد، u-m- مفعولی صریح، eu-s- یا ou-s- وابستگی هندواروپایی آغازین (با درجه قوی بن مختوم به واکه) بوده‌اند که در سنسکریت sátruṣ sátrum sátroṣ «دشمن»، و در اوستا vaŋhuš vohūm vaŋhə̄uš «خوب»، دیده می‌شود. بایی مفرد، عبارت بوده است از بن مختوم به ŭ- + پایانه ā- آریایی آغازین؛ ŭ- ، واکه‌ای باقی میماند چنانچه پس از یک تک همخوان، دو همخوان یا یک تک همخوان پس از یک واکه بلند یا واکه مرکب بر آن مقدم می‌شد، در حالیکه، پس از تک همخوانی که بر آن یک واکه کوتاه مقدم شده بود، همخوانی می‌شده است. حالت دری مفرد، به درجه قوی یا درجه بلند بن مختوم به واکه eu- یا ēu- ، که در ایرانی معمولاً به هریک، حرف پسایند ā- افزوده می‌شد، پایان می‌پذیرفته است: سنسکریت sátrāu ، اوستا vaŋhāu ، نیز aŋhava در قیاس با aŋhuš «وجود». حالت فاعلی ـ مفعولی صریح مفرد خنثی عبارت بود از بن برهنه، و به u- پایان می‌پذیرفته است: سنسکریت mádhu «عسل»، اوستای گاهانی vohū «خوب» (در اوستای گاهانی تمام واکه‌های پایانی، بلند هستند). پایانه وابستگی جمع عبارت بوده است از (u)uōm- هندواروپایی آغازین، که در آریایی آغازین، به تبع بن‌های مختوم به n- ، به ū-nām- ، تبدیل شده است؛ اوستا در vaŋhvam و نیز vohunam هر دو پایانه را دار است.

## پ ۱۸۱ ـ حالت‌های صرفی بن‌های مختوم به ŭ- در فارسی‌باستان:

فاعلی مفرد مذکر:

maguš, piruš, sikabruš, صفت → uvāmaršiyuš; نام پادشاهان→

---

۳. Sievers' Law

dārayava^h^uš, kūruš; نـــــام ـ جــــای‌ها → abirāduš, kud^u^ruš, θata-guš, bābiruš, mā[ru]š, marguš, hi^n^duš.

مفعولی مفرد مذکر:

magum, xraθum, gāθum; dārayava^h^um; bābirum, margum; visadahyum; شاید → [agurum].

بایی مفرد:

ufrātuvā

وابستگی مفرد مذکر:

kūrauš; dārayavahauš, بـــا گـــرایش بـــه واژگـــان جـــدید → dārayavaušahyā, dārayavašahyā.

ازی مفرد مذکر:

bābirauš, bābirauw, hidauv, gāθavā.

دری مفرد مذکر:

bābirauv, margauv, gāθavā.

وابستگی جمع مذکر:

parūnām , paruvnām, مونث → parūnām

فاعلی مفرد خنثی:

paruv, dāruv

مفعولی صریح مفرد خنثی:

[dār]uv

برای ساخت‌های tanūš, dahyāuš, uxšnauš, nāuš، نگاه کنید به: پ ۱۸۳.

**پ ۱۸۲ ـ تحول -ŭ- در فارسی‌باستان.** تحول پایانه‌ها از هندواروپایی آغازین و آریایی آغازین، در بیشتر بخش‌ها، کاملاً روشن و واضح است و از این روی سبب بروز کمترین مسایل و اظهار نظرها شده است.

I- واژه‌های جدید dārayavaušahyā و dārayavašahyā نمونه‌هایی از کوشش در ساختن صورت‌های وابستگی برپایه شکل فاعلی به گونه یک بن، در زمانی است که پایانه‌ها فرو ریخته و در گفتار دارای تمایزی نبودند؛ پ ۵۷.

II- حالت دری مختوم به auv- ، نشاندهنده واکه مرکب کوتاه (علیرغم واکه مرکب بلند در سنسکریت)، بدون پسوند حالت است؛ و صورت مختوم به avā - عبارت است از تحول آوایی با قاعده au+-ā-.

III- bābirauš با حالت ازی، دارای حالت وابستگی نیز هست؛ زیرا در آریایی همین ساخت به عنوان حالت وابستگی و نیز بصورت حالت ازی عمل می‌کند؛ به جز در بن‌های مختوم به -ŏ- ؛ صورت‌های دیگر ازی، ساخت‌های دری هستند (مقایسه شود با ادغام و اختلاط ساخت دری وازی و عملکردهای مربوط در لاتین).

IV- صورت وابستگی جمع، از بن‌های مختوم به -n- ، دارای پایانه قاعده‌مند nām- آریایی است؛ ملاحظه شده است که ساخت مذکر این صفات به‌گونه مونث نیز عمل می‌کند.

V- حالت فاعلی ـ مفعولی صریح مفرد خنثی پایانه کهن را به ارث می‌برد؛ paruv فارسی‌باستان در حالت فاعلی، دقیقاً معادل است با اوستا pouru ، سنسکریت purú ، و یونانی πολὺ.

**پ ۱۸۳ ـ بن‌های مختوم به -ū- و بن‌های مختوم به واکه مرکب پایان یافته به u در فارسی‌باستان.**

I- تنها بن مختوم به -ū- در فارسی‌باستان tanū «تن، خویش» است که در سنسکریت و اوستا بصورت tanū دارای واکه بلند می‌باشد؛ ساخت‌های آن در فارسی‌باستان عبارتند از: فاعلی tanūš ، مفعولی صریح tanūm ، مگر اینکه از طریق همگون سازی با بن‌های مختوم به -ŭ- ، دارای پایانه‌های ŭš- و ŭm- باشد.

II- صورت مونث -dahyau «سرزمین، ایالت» در فارسی‌باستان، در اکثر ساخت‌های صرفی دارای واکه مرکب است، نه درجه صفر -u- ، و از نظر این ویژگی، در مجموع با خویشاوند اوستایی خود سهیم است. این واکه مرکب، به عنوان نشانه فاعلی مفرد، ویژگی بلندا را پذیرا شده است: فارسی‌باستان dahyāuš (اما در اوستا daiŋhuš). این بلندا به صورت مفعولی صریح مفرد نیز تعمیم یافته است: فارسی‌باستان dahyāvam و dahyāum (که صورت نخست از نظر آوایی صحیح[۷۰] بوده و شکل دوم قیاسی است برپایه صورت فاعلی[۷۱]؛

daiŋhaom اوستایی، صورت نوشتاری است برای āvam-) ؛ این در حالی است که ما به عنوان جزء دوم یک ترکیب ، dahyum- را در visadahyum (یا dahyaum- ، کــه بـصورت $y^aum^a$- دارای ابـهام است)، مـی‌یابیم، و نـیز $DHy^aum^a$ را که می‌تواند DHyaum یا DHyum (dahyūm اوستا احتمالاً صـــورتی است بـــرای yŭm-) بـاشد، در $A^3Pa$ 26 ، داریـم. dahyauva- فارسی‌باستان در حالت دری، در واقع dahyauv ، همانند bābirauv است، با ā- در افزوده؛ منتها واکه مرکب در اینجا، پیش از واکه در افزوده، حفظ شـده است (علیرغم gāθavō). dahyāva در حالت فاعلی جمع، دارای واکه مرکب بلند گسترش یافته از صورت فاعلی مفرد بوده و نشانگر āvas- آریایی آغازین است (به همین نحو نیز daiŋhāvō در اوستا)؛ در واقع ایـن سـاخت بـمنظور عملکردن در حالت مفعولی صریح جمع در فارسی‌باستان گسترش یافته بـود (هـمچنین در اوسـتا). dahyūnām و dahyūvnām فـارسی‌باستان در حـالت وابستگی جمع، صورت با قـاعده وابسـتگی جـمع بـن‌های مـختوم بـه -u- در آریایی است (اوستا: dahyunam).dahyušuvā فارسی‌باستان در حـالت دری جمع همان صورت دری جمع بن مختوم به u- است همراه بـا پـایانه su - + حرف پسایند ā-؛ از نظر آوایی چه ušuvā- و چه ušvā- ، به u مربوط به su- که یا پیش از واکه در افزوده، همخوانی شده بوده و یا براساس قیاس حفظ شده، وابسته‌اند[۷۲].

III- u[xšna]uš «خوب راضی»، در حالت فاعلی مفرد، با پسوند حالت s ، امـا نـه بصورت بلند ساخته شده است.

IV- صورت فاعلی جمع [nāva] با سنسکریت nāv-as ، یـونانی vη-εs ، مـطابقت کرده و شکل با قاعده فاعلی جمع بن دارای واکه مرکب *nāu- (هندواروپایی آغازین: *nāu-es) است.

## پ ۱۸۴ ـ پایانه‌های حالت بن‌های مختوم به همخوان در هندواروپایی آغازین و آریایی.

بار دیگر باید یاد آور شد که تنها، بخشی از حـالات، در فـارسی‌باستان دارای ساخت‌های موجود هستند.

فاعلی مفرد مذکر و مونث: ساخته شده از طریق افزایش s- ، یا بلند شدن آخرین واکه

بن، و نیز بندرت از هر دو طریق. در هندواروپایی آغازین آوای روان یا غنه‌ای، پس از یک واکه بلند شده، از میان می‌رفته است[۷۳].

مفعولی صریح مفرد مذکرومونث: ساخته شده از طریق افزایش m- ، که در اینجا خود بخود به m̥- تبدیل می‌شود، زیرا پس از همخوان دیگری قرار گرفته است.

فاعلی ـ مفعولی صریح مفرد خنثی: مصدر برهنه بدون پسوند.

وابستگی مفرد: es- و os- هندواروپایی آغازین[۷۴]، as- آریایی.

دری مفرد: مصدر برهنه، در درجه قوی، چنانچه دارای گردش واکه‌ای باشد؛ یا همان مصدر برهنه + پایانه حالت i-.

بایی مفرد: ساخته شده از طریق افزایش ā- (آریایی)، باز آمده از ē- یا ō- هندواروپایی آغازین.

بایی جمع: ساخته شده از طریق افزایش bhis- ، آریایی obhiš-.

لازم به یاد آوری است که در آریایی، هنگامیکه واژه‌ای به دو یا همخوان بیشتری پایان پذیرفته باشد، همخوان یا همخوان‌های پایانی آنقدر تخفیف می‌یابند تا تنها یکی باقی بماند. بنابراین: صورت فاعلی *nepōt-s «نوه» هندواروپایی آغازین، nepōs لاتین به *napāt آریایی آغازین، nápāt سنسکریت تبدیل شده است.

## پ ۱۸۵ ـ بن‌های مختوم به -s- در فارسی‌باستان:

از این گونه بن‌ها، انواع گوناگونی وجود دارد.

I- ساخت خنثی با پسوند os- در صورت فاعلی ـ مفعولی صریح مفرد، -es- در ساخت‌ها دیگر: ,Lt. gen-us gener-is, Gk. γεν-ος γεν-ε-ος, Skt. ján-as ján-as-as. فارسی باستان دارای صورتهای زیر است: فاعلی rautaʰ «رودخانه»، سنسکریت srótas؛ صورت فاعلی ـ مفعولی صریح raucaʰ «روز»، اوستا raocō «روشنی»، سنسکریت rócas «روشنی»؛ مفعولی صریح drayaʰ «دریا» (و draiyaʰ، پ ۴۸). اوستا zrayō، سنسکریت ǰráyas، مفعولی صریح manaš-čā (پ ۱۰۵)، اوستا manō ، سنسکریت mánas ؛ مفعولی صریح zūraʰ «پلید»، اوستا zūrō ؛ مفعولی صریح miθaʰ «پلید». صورت بایی manahā، سنسکریت mánasā . دری drayahy-ā (با ā- در

افزوده؛ بصورت drayahiyā نیز نوشته شده است. اعم از اینکه -i- هجایی بوده و نتواند مشخص شود)، سنسکریت jráyasi، مقایسه شود با اوستا manahi-čā. بایی جمع raucabiš، احتمالاً بجای *raucaʰbiš، مقایسه شود با اوستا manəbiš، سنسکریت mánobhis: h- باز آمده از s- در بعضی از حالات سندهی، در اینجا پیش از همخوان پسوند حالت به موضع میانی منتقل شده است و سپس پیش از همخوان واکدار، واکدار شده و در هنگام پایانی بودن، با همان تولیدات، در زبانهای مربوطه از میان رفته است.

-II هنگامیکه یک بن مختوم به -es-/-os- ، جزء دوم ترکیبی را شکل دهد، اعم از اینکه صفت باشد یا نام شخص، در حالت فاعلی مفرد دارای ēs- و در حالات دیگر دارای -es- خواهد بود: یونانی: δυσμενης, Διογενης نسبت به , μενος, γενος. این ēs- به -āḥ, -ās آریایی و āʰ- فارسی‌باستان تبدیل شده است: viⁿda-farnāʰ، مقایسه شود با اوستا xᵛarənō «فره‌شاهی»، هندواروپایی آغازین *suelnos ؛ aspacanāʰ، مقایسه شود با سنسکریت cánas «شادی».

-III ظاهراً یک پسوند خنثی -əs- نیز وجود داشته که نه در صورتهای صرفی تغییر می‌کرده و نه در ساخت مذکر قرینه: سنسکریت kravls «گوشت خام»، یونانی κρεas. فارسی‌باستان، فاعلی ـ مفعولی صریح hadiš از *sed-əs، مقایسه شود با یونانی εδos از *sed-os؛ مفعولی صریح abicariš «چراگاه»، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه. در نامها ardumaniš, haxā-maniš و شاید i-maniš؛ صورت وابستگی متاخر haxāmanišahyā از افزودن پایانه وابستگی بن‌های مختوم به -o- به حالت فاعلی به عنوان بن ساخته می‌شود[۷۵].

-IV باقیمانده بن‌های مختوم به -s- فارسی‌باستان عبارتنداز: -nāh «بینی» tāuvīyah-, «نیرومند». -aʰuramazdāh «اهورامزدا»، و احتمالاً -māh «ماه». صورت مفعولی صریح nāh-am در فارسی‌باستان، nāsam در سنسکریت، دارای پایانه m̥- تعمیم یافته در ارزش پیش واکه‌ای خود است که بصورت -am- در بن‌های مختوم به -o- ظاهر می‌شود. صورت فاعلی مفرد مذکر tauvīyāʰ در فارسی‌باستان، در ساخت همراه با واکه بلند، دارای پسوند صفت تفضیلی است، هندواروپایی آغازین iōs-، آریایی آغازین -iās ؛ spanyā «مقدس‌تر» اوستا نیز از همین پسوند و ساخت صرفی برخوردار است، در حالیکه sthávīyān «نیرومندتر» سنسکریت، بجای yāns- می آید، همراه با -n- زاید[۷۶] و

نبود همخوان پایانی خوشه دو همخوانی، اما بصورت بن ساختی(۴) نزدیک‌تر به tauvīyā (در مورد -auv-، پ ۴۸). فارسی‌باستان. māhyā فارسی‌باستان در اینجا احتمالاً ارتباطی با صورت دری ā-+-māhi* ندارد، مقایسه شود با صورت دری māsı در سنسکریت، بلکه صورت وابستگی مفرد māhahyā* است، برپایه -māha، سنسکریت -māsa، با تخفیف -āhah- (پ ۱۳۱).

صورت فاعلی $auramazd\bar{a}^h$ فارسی‌باستان به dhēs*- هندواروپایی آغازین یعنی ساخت دارای -s- برپایه ریشه دارنده واکه بلند، ختم می‌شود که در این ساخت، گردش واکه‌ای را نشان نمی‌دهد (مقایسه شود با لاتین flōr-is, flōs و ساخت‌های دیگر تک سیلابی)؛ به -dhēs-، آریایی آغازین -dhās-، یک -s- فاعلی نیز افزوده می‌شود که البته هیچ تغییری را بوجود نمی‌آورد، زیرا صورت -ss- خود به خود به -s- تخفیف می‌یابد. شکل مفعولی صریح auramazdām به جای -dāham- نشان می‌دهد که ساخت فوق به بن‌های مختوم به -ā- گذر کرده است[۷۷]. صورت وابستگی $auramazd\bar{a}ha^h$ برای بن مختوم به -dāh-، صورتی با قاعده است، در عین حال که صورت منحصر بفرد $aurahya\ mazd\bar{a}ha^h$ نیز در هر دو بخش صرف شده است[۷۸]؛ صورت وابستگی $auramazd\bar{a}h\bar{a}^h$، زیر تاثیر پایانه وابستگی $-\bar{a}y\bar{a}^h$ بن‌های مختوم به -ā-، دارای پایانه $-\bar{a}h\bar{a}^h$ است، زیرا پایانه فاعلی -dā-، مفعولی صریح -dām-، هم اکنون با پایانه فاعلی -ā-، مفعولی صریح -ām- بن‌های مختوم به -ā- مطابقت می‌کند[۷۹]. صورت وابستگی auramazdăhā یک اشتباه نوشتاری است که با صورت وابستگی جمع xšāyaθiyănām « شاهان» به جای -ānām-، در یک طبقه به شمار آمده است (پ III/۵۲).

**پ ۱۸۶ ـ بن‌های مختوم به -r- در فارسی‌باستان:** این بن‌ها در دوگروه جای می‌گیرند.

-I اسم فاعل‌های دارنده پسوندهای -tor-و -ter- هندواروپایی آغازین در صرف نشان دهنده تغییر حاصله از گردش واکه هستند؛ صورت فاعلی مفرد دارای

۴. stem-formation

واکه بلند است که معمولاً به برخی یا تمام ساخت‌های صرفی تعمیم می‌یابد:
لاتین dator، حالت وابستگی datōr-is (ō در همه موارد)؛ یونانی δωτωρ δωτηρ , δotηp-os δotηρ δωτῆρos (ō تنها در صورت فاعلی مفرد) δωtoρ-os (ē در همه موارد بجز صورت ندایی مفرد δῶtερ)؛ سنسکریت dātā، حالت مفعولی صریح dātāram، حالت برایی dātré، حالت دری dātári و غیره.
فارسی‌باستان دارای صورت فاعلی مفرد ja$^{n}$tā «نابود کننده» است، اوستا: ǰanta، سنسکریت hantā ؛ dauštā «دوست». صورت مفعولی صریح فارسی‌باستان framātāram «فرمدار»، با گسترش واکه بلند صورت فاعلی، و ارزش پیش واکه‌ای پایانه مفعولی صریح (پ ۶۷/II).

II- واژه‌های خویشاوندی دارای پسوند -ter- هستند، صورت فاعلی -tē- یا به شکل دوباره بازسازی شده -tēr- ، حالات دیگر: -ter- یا -tr-. فارسی‌باستان pitā «پدر» در حالت فاعلی، سنسکریت pitā، یونانی πατηρ، لاتین pater ؛ نیز در ترکیب hama-pitā «هم پدر». صورت فاعلی فارسی‌باستان mātā «مادر» در hamātā «هم مادر»، سنسکریت mātā، یونانی (دُری) πāτηρ، لاتین māter . صورت فاعلی فارسی‌باستان brātā «برادر»، سنسکریت bhrātā، یونانی φρāτηp «برادر قبیله‌ای»، لاتین frāter [۸۰]. صورت وابستگی فارسی‌باستان piça$^{h}$، یونانی πατρòs، لاتین patris، از *pətr-os یا -es، علیرغم سنسکریت pitùs از *pətrs.

**پ ۱۸۷ ـ بن‌های مختوم به -n- در فارسی‌باستان:** این بن‌ها نیز در گروه‌های گوناگونی جای می‌گیرند.
بن‌های همراه با پسوندهای (آریایی) -an- -van- -man- (واکه هندواروپایی آغازین -e- یا -o-) دارای صورت فاعلی مختوم به -ā -vā -mā هستند: فارسی‌باستان taumā «نیرو»، بن -tauman ؛ artāvā «خجسته»، اوستای گاهانی ašavā، اوستای متاخر ašava، سنسکریت ṛtāvā، مقایسه شود با صورت مفعولی صریح اوستای گاهانی ašavanəm؛ asā «سنگ»، مقایسه شود با اوستای متاخر -asənga در ترکیبات، فارسی‌باستان -aθa$^{n}$ga «سنگ»؛ xšaçapāvā «محافظ قلمروشاهی، ساتراپ»، با بن -pāvan- همانند سنسکریت (ودا) -tanū-pāvan «محافظ شخص». صورت مفعولی صریح با

گسترش واکه بلند، در فارسی‌باستان asmānam «آسمان»، مقایسه شود با صورت مفعولی صریح لیتوانیایی ākmeni «سنگ» و یونانی äkμova «سندان»، به ترتیب با -mĕn- و -mŏn-. این امر که صورت مفعولی صریح $h^{a}$zānam (به جای hizānam) دارای بن مختوم به -an- با واکه بلند است یا بن مختوم به -āna-، نامشخص است؛ بهر ترتیب مورد مذکور گسترشی است از بن -hizvā موجود در اوستا (نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل -hazāna). بن‌های خنثی همراه با پسوند -men-، دارای صورت فاعلی ـ مفعولی صریح مختوم به پایانه درجه صفر mn̥–[۸۱] هستند؛ صورت مفعولی صریح فارسی‌باستان nāmā، سنسکریت nāma، لاتین nōmen، از *nōmn̥.

بن -xšayāršan[۸۲]، دارای صورت با قاعده فاعلی xšayāršā است، اما حالات دیگر برپایه نمونه auramazdā، مفعولی صریح -dām، وابستگی -dāha (پ ۱۸۵/IV) مجدداً الگوسازی شده‌اند: مفعولی صریح xšayāršām وابستگی [xšayār]šāha همراه با صورتهای متاخر وابستگی xšayāršahyā (پ ۵۷) و xšayāršāhyā ($A^{2}Hc$)، با -ā- میانی حالات دیگر. در مورد ساخت‌های -artaxšaça، نگاه کنید به: پ ۱۷۲.

از ساخت‌های دیگر، baršnā فارسی‌باستان، صورت بایی مفرد است برپایه بن -baršan، مقایسه شود با صورت بایی barəšna اوستا برپایه ـ barəzan، سنسکریت rājñā برپایه -rājan «شاه». nāma فارسی‌باستان، احتمالاً حالت دری بدون پسوند $nāma^{n}$ است؛ نیز carmā، حالت دری مختوم به -mēn- با درجه بلند می‌باشد. ساخت‌های بایی جمع taumaniš و arašaniš، ساخت‌های قیاسی هستند به جای -abiš، در صورت فاعلی $ana^{h}$-، وابستگی -anām، بایی -abiš(از -n̥-bhis)[۸۳].

ساخت فاعلی manauviš فارسی‌باستان، احتمالاً ساختی است بجای *manas-vī، یعنی صورت فاعلی برپایه -vin- (مقایسه شود با صورت فاعلی balī سنسکریت برپایه بن -balin «نیرومند»)، با -s فاعلی در افزوده[۸۴].

**پ ۱۸۸ ـ بن‌های مختوم به همخوان‌های انسدادی در فارسی‌باستان:** این گروه از بن‌ها شامل بن‌های مختوم به napāt-)t «نوه») ، *tunvant-)nt «نیرومند»)، θard-)d «سال»، -pad «پا»، -rād «علت، سبب شدن»)، xšap-)p،

«شب»، -ap «آب» مقایسه شود با -āpī)، k̄ (-viθ «خانه»، -vas «خواستن») می‌شود.

I- صورت فاعلی napā = napāt، سنسکریت nápāt، از هندواروپایی آغازین *nepōt-s با افتادن آخرین همخوان خوشه پایانی در آریایی؛ یا = napāh از صورت دوباره ساخته شده ایرانی *napās موجود در اوستا napā.

II- صورت فاعلی tunuvā = *tunvān با -ōnt هندواروپایی آغازین (صورت فاعلی با واکه بلند) همانند یونانی φερων «تحمل»، یا همان + s فاعلی، همانند اوستا has «هستی» از ایرانی *hānt-s، مقایسه شود با صورت فاعلی سنسکریت sán از *sant-s، هندواروپایی آغازین *s-ent-s. صورت مفعولی صریح *tunuvantam=tunuvatam، با پایانه با قاعده مفعولی صریح -am از -m̥ (پ ۶۷/II). صورت وابستگی *tunuvantahyă = tunuvatahyā، با گذر به پایانه بن مختوم به -o- وابقای -ant- پسوند، همانند صورت وابستگی مفرد مذکر fšuyantō «فزاینده گله» در اوستا، علیرغم اوستا hatō = سنسکریت sat-ás، صورت وابستگی مفرد مذکر هندواروپایی آغازین *sn̥tés (یا *sn̥tós) «هستی»، با درجه قوی در صورت فاعلی مفرد مذکر *sent-s.

III- صورت‌های مفعولی صریح θardam، وابستگی θarda، وابستگی xšapa، دری -padiy, rādiy در vasiy, ni-padiy (مراجعه شود به واژه‌نامه زیر مدخل مربوط)، همگی در صرف خود دارای پایانه‌های با قاعده هندواروپایی آغازین هستند: مفعولی صریح m̥؛ وابستگی -es یا -os؛ دری -i، بدون -ā در افزوده، زیرا این ساخت‌ها به ترتیب به‌گونه حرف (اضافه) پیشایند، عبارت قیدی و قید عمل می‌کنند.

IV- صورت‌های مفعولی صریح viθam، بایی viθā، دری viθiyā، برپایه -viθ از هندواروپایی آغازین *-uik̄ نیز دارای پایانه‌های با قاعده هستند: مفعولی صریح -m̥، بایی -ē یا -ō، دری -i، در اینجا با -ā در افزوده، زیرا viθiyā واقعاً دارای کاربرد دری است.

V- صورت بایی جمع viθbiš و abiš، پایانه با قاعده -bhis را نشان می‌دهند که در سنسکریت به شکل -bhis، در اوستا بصورت -bīš دیده می‌شود؛ -θb- به عنوان یک خوشه، زیر تاثیر بن جدا و پایانه (بنابر انتظار ما -db- از -k̄-bh-) باقی

می‌ماند، و -b- در abiš، صورتی است به جای -bbh- از -p-bh-.

## پ ۱۸۹ ـ صورت‌های صرفی تثنیه در فارسی‌باستان:

صورت فاعلی ubā «هردو»، ušiy «دو گوش، هوش و گوش»؛ مفعولی صریح gaušā «دو گوش»، [uš] ī - cā؛

صورت بایی dastaibiyā «با دو دست»، pādaibiyā «با دوپا»، ušībiya , ušīyā , gaušāyā[۸۵].

موارد فوق همگی مذکرند، به جز ušīy که خنثی است[۸۶].

ساخت فاعلی ـ مفعولی صریح بن‌های مختوم به -o-، به -ō- یا -ōu- هندواروپایی آغازین پایان می‌یابد، چنانکه در سنسکریت ubhā ubhāu، لاتین am-bō، فارسی‌باستان gaušā و ubā، دیده می‌شود. بن‌های خنثی مختوم به -i- نیز به -ī- پایان می‌یابند، همانگونه که در سنسکریت ودایی akṣī «۲ چشم» با شمار تثنیه، لاتین vī-gintī «۲ ده تا»، ملاحظه می‌شود، و این -ī- در آریایی به بن‌های مختوم به همخوان گذر کرده است، همانند، سنسکریت mánas-ī، شمار تثنیه برای -mánas «اندیشه»؛ بدین ترتیب ušīy ساخت درستی است، و اینکه بن آن -uš است و یا -uši، نکته‌ای است که نمی‌توان آن را مشخص کرد.

صورت بایی dastaibiyā و pādaibiyā، بترتیب دارای بن‌های -dasta و -pāda همراه با عامل ضمیرواره جمع -i- به اضافه پایانه بایی -ā- + -bhi-، است، همانند صورت برایی تثنیه اوستا aspaēibya «دو اسب» =*aspaibyā: در زبان‌های آریایی، ساخت‌های برایی، بایی، دری، در تثنیه یک صورت دارند. سنسکریت در این ساخت دارای ásvābhyām، با -bhyā (همانند ایرانی) در افزوده به تثنیه مختوم به -ā- به عنوان یک بن، و -m- پایانی متصل است؛ ušībiyā فارسی‌باستان نیز همین ساخت است برپایه ušīy، مقایسه شود با سنسکریت akṣībhyām برپایه akṣī «دو چشم». بنظر می‌رسد که ušīyā فارسی‌باستان، صورت بایی تثنیه‌ای (این واژه دارای همان کاربرد و معنی ušībiyā است) باشد که برپایه یک بن مثنی با پایانه بایی مفرد -ā- ساخته شده است؛ gaušāyā نیز دارای ساختی همانند gaušā است. در ušīyā، ī پیش از -ā-، سبب ظهور نیم واکه -y- می‌شود، که به عنوان یک «جدا سازنده واکه»، به gaušāyā نیز گسترش

یافته است؛ نخستین ā در gaušāyā نشان می‌دهد که -ī- در ušīyā نیز، بلند است[۸۷].

**پ ۱۹۰ ـ صفات در فارسی‌باستان** تمام کاربردها و ساخت‌های همیشگی و معمول خود را دارند. در مورد اعداد اصلی و ترتیبی، نگاه کنید به: پ ۲۰۴؛ برای شبه ضمیرواره ,-aniya-, haruva-, hama، پ ۲۰۳؛ برای صفات اشاره و مشخص کننده که به گونه ضمایر نیز عمل می‌کنند، پ ۱۹۹، پ ۲۰۰، پ ۲۰۲؛ برای ضمیر موصولی، پ ۱۹۸؛ برای وجوه وصفی پپ ۲۳۹-۲۴۴.

I- صفات در تمام طبقات بن‌ها یافته می‌شوند و پیشینه ساخت‌های صرفی آنها با اسامی مشترک است. معمول‌ترین نوع بن‌های صفتی، در جنس مذکر و خنثی به -o- و در جنس مونث به -ā- ختم می‌شوند: پایانه فاعلی هندواروپایی آغازین -os -om -ā = فارسی‌باستان $-a^h$ -am -ā (پ ۱۶۹- پ ۱۷۶). بن‌های مختوم به -ĭ- عبارتند از: skauθ-iš -im -aiš, yāumainiš ayāu(ma)iniš, ušabārim؛ بن‌های مختوم به -ī- عبارتند از: مفعولی صریح مفرد [yau[datim، احتمالاً $yau[da^ntim]$ برپایه ـ yaudant مذکر و فاعلی جمع aθagainiya برپایه aθagaina- مذکر (پپ ۹-۱۷۷). بن‌های مختوم به -ŭ- عبارتند از: -paru (خنثی paruv، وابستگی جمع parūnām)، فاعلی مفرد مذکر uvāmaršiyu-š و u[xšna] u-š، مفعولی صریح مفرد مذکر visadahyu-m (پپ ۳- ۱۸۰). بن‌های مختوم به همخوان عبارتند از: $artāvan-, mana^huvin-, tauvīyah-,$ $hamapitar-, hamātar-, tunuva^nt-,$ که در حالت فاعلی مفرد مذکر بصورت artāvā, manauviš, tauviyā, hamapitā, و نیز tunuvā با صورت مفعولی صریح مفرد $tunuva^ntam$ و وابستگی مفرد $tunuva^ntahyā$ متعلق به ساخت بن مختوم به -o- در آمده‌اند (پپ ۸-۱۸۴).

II- کهن‌ترین گونه قیاس میان صفات، از طریق پسوندهای -ies-/-ios- برای صفت تفضیلی و -is-to- برای صفت عالی شکل می‌گرفته است؛ در حالت ایجاب، هردوی این پسوندها، بیشتر به ریشه افزوده می‌شدند تا بن صفت. مثال‌های زیر در فارسی‌باستان موجود است:

صفت تفضیلی،فاعلی مفرد مذکر: tauvīyā با -īiōs (پ ۴۸ برای -auv-)، برپایه صورت

ایـجابی -tau-ma* «نـیرومند»؛ مـقایسه شـود بـا سـنسکریت، فـاعلی مـفرد مذکر sthávīyān برپایه صورت ایجابی sthū-rá.

بن تفضیلی: -vah-yas در vahyaz-dāta (برای z نگاه کنید به: پ ۱۲۰)، برپایه صورت ایجابی -$va^h$-u «نیک»، سنسکریت -vásu، مراجعه شود به واژه‌نامه، زیر مدخل $va^h$u-.

صفت عالی، فاعلی مفرد مذکر: maθišta «بزرگترین». مـفعولی صـریح مـفرد مـذکر maθištam با -isto-؛ مقایسه شود با اوستا -masista، یونانی دُری μākιστos برپایه μăκρós.

صفت عالی، مفعولی صریح مفرد خنثی: duvaiš[ta]m بـه عـنوان قـید «بـرای مـدتی طولانی»، سنسکریت -dáviṣṭha «دورترین»، صفت عالی برپایه فارسی‌باستان، اوستا و سنسکریت -dūra «دور».

III- نوع دوم قیاس، قیاسی است که از طریق اتصال پسوندها به بن صفت، همانگونه که در حالت ایجاب دیده شد، شکل می‌گیرد، این گونه قـیاس در آریـایی، بـا استفاده از -tara- و -tama- ساخته می‌شده است، مـقایسه شـود بـا یـونانی τερos - τατos، لاتـین ex-terus و ex-timus. ایـن گـونه صـفت تـفضیلی در فارسی‌باستان در -fratara و قید apataram، و صفت عالی در -fratama دیده می‌شود. صفت تفضیلی خنثی fraθaram دارای گونه دیگری پسوند با همخوان انسدادی دمشی است، همانگونه که در صفت عـالی سـنسکریت prathamá دیده می‌شود. پسوند صفت تفضیلی همانند آن، در آریایی -ra- (هندواروپایی آغـازین -ro-) است، کـه در -apara، سـاخته شـده بـرپایه قـید مـوضعی فارسی‌باستان -apa، دیده می‌شود.

IV- صفات به کار رفته در فارسی‌باستان، صرفاً توصیفی و اسنادی نیستند، بلکه به عنوان اسم نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند: بنابراین skauθiš «دوست داشتنی»، به صورت مذکر مفرد، «شخص دارای مقام والا»، معنی می‌دهد. این صفات در برخی از ساخت‌های صرفی، به عنوان قید عمل می‌کنند (پ ۱۹۱).

**پ ۱۹۱ ـ قیود فارسی‌باستان** در این‌جا فهرست شده است، البته به جز حروف ربط (هـمپایه، پ ۲۹۱؛ وابسـته، پپ ۹-۲۹۳) و حـروف (اضـافه) پیشایند و پیشوندهای فعلی، همراه با پیشوندهای جدا نشدنی (پ ۲۶۸ ـ پ ۲۷۱)، که در

جای خود بطورکافی مورد بحث قرار گرفته‌اند؛ و برای اطلاعات بیشتر می‌توان به واژه‌نامه مراجعه نمود. این قیود ممکن است همانند زبانهای دیگر، دارای معنی موضعی، زمانی، وجهی و ترتیب باشند؛ ما در این‌جا آنها را براساس ساخت آنها گروه‌بندی می‌کنیم:

I- قیود کهن:

منفی: naiy, mā(§292)

پایانه مختوم به i: apiy(نیز بصورت چسبان) ,patiy،-diy, upariy(نیز بصورت چسبان).

II- قیودی که دارای پایانه‌های قیدی ویژه هستند:

مختوم به پایانه وجهی (آریایی آغازین)thā-*:

avaθā (cf. conj. yaθā) , an]iyaθā.

مختوم به پایانه ازی (هندواروپایی آغازین) tos*-:

amata, paruviyata, fravata

مختوم به پایانه دری (هندواروپایی آغازین) ta*-:

citā(cf. conj. yātā)

مختوم به پایانه دری (هندواروپایی آغازین)dhe*-:

ada-, avadā, idā, dūrada-, vi[s]padā.

مختوم به پایانه ازی (فارسی‌باستان)ša-:

A avadaša, dūradaša, احتمالاً → avaθāša-.

III- صورتهای صرفی به عنوان قید:

مفعولی صریح خنثی:

apataram, aparam, çitīyam, dargam, ragam, daršam, duvaištam, nūram, paranam, paruvam, duvitīyam, -ciy, [duruxta]m (DB 4.89);

ترکیبات duvita-paranam (جزء اول در حالت بایی)، fra-haravam (جزء اول قید)، ha-karam (جزء اول عدد جدا نشدنی)، hyāparam (hyā در حالت ازی بعلاوه aparam)؛ مقایسه شود با حرف ربط yad-iy.

بایی:

ci[nā] , kā , azdā؛ مورد مشکوک avā (نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه)؛ مقایسه شود با duvitā در بالا.

ازی:

احتمالاً hyā (مقایسه شود با hyāparam در بالا).

دری:

ašnaiy, dūraiy, vasiy, -kaiy; مقایسه شود با حرف ربط → yaniy.

-IV احتمالاً قیود تشکیل شده از حرف (اضافه) پیشایند + صورت مفعولی صریح یا دری، و نیز تشکیل شده از صورت مفعولی صریح یا وابستگی + حرف (اضافه) پسایند:

abiy-aparam (صورت نوشتاری → ab$^{a}$yapara), pati-padam, para-draya(نیز به صورت دو واژه), pasāva (از *pasā ava), ni-padiy.

ava-parā, avahya-rādiy: مقایسه شود با حرف ربط → yad-ā.

**پ ۱۹۲ ـ ضمایر فارسی‌باستان** عبارتند از موارد زیر، که هریک به ترتیب فهرست ارائه شده، مورد بحث قرار خواهد گرفت:

**الف)** ضمایر شخصی: adam «من»، tuvam «تو».

**ب)** ضمایر سوم شخص متصل: -di-, ši-.

**پ)** ضمیر فاعلی سوم شخص: hauv.

**ت)** بازمانده ضمیر موصولی هندواروپایی آغازین: *io-.

**ث)** ضمیر موصولی و حرف تعریف فارسی‌باستان: hya hyā tya

**ج)** ضمیر اشاره iyam ima و مکمل‌های آن

**چ)** ضمیر اشاره -ava «آن».

**ح)** ضمیر پرسشی ـ مبهم هندواروپایی آغازین *q$^{u}$o- *q$^{u}$i-.

**خ)** ضمیر اشاره -aita «این».

**د)** ضمیر اشاره -ama «آن»، تنها در قید amata «از آنجا»؛ نگاه کنید به واژه‌نامه زیر مدخل مربوطه

**ز)** ضمیر انعکاسی -$^{h}$uva، ضمیر و صفت ملکی سوم شخص، تنها در ترکیبات؛ نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل -uva.

A

ر) صفات ضمیرواره:-aniya «دیگر»، -haruva «همه»، ,-hama «هم-»

## پ ۱۹۳ ـ ضمیر اول شخص.

I- فاعلی مفرد: adam، اوستا azəm، برابر با هندواروپایی آغازین eghom* یا egom*؛ انتخاب یکی از این دو صورت به عنوان اصل نمی‌تواند قابل تشخیص باشد، اعم از اینکه ساخت‌های ایرانی در داشتن gh زیر تاثیر صورت برایی meghi* (سنسکریت máhy-am، لاتین mihī) با صورت ahám در سنسکریت مطابقت کنند و یا اینکه، گسترش آوای دمشی به هندی باستان محدود شده، و زبان‌های ایرانی g غیر دمشی هندواروپایی آغازین را حفظ کرده و بنابراین با لاتین ego و یونانی $\varepsilon\gamma\omega$ مطابقت داشته باشند.

II- مفعولی صریح مفرد: mām در داشتن پایانه مفعولی صریح m- اسامی در افزوده به mē* هندواروپایی آغازین که ساختی تکیه بر بوده است، با mām سنسکریت مطابقت دارد: پی‌بست مفعولی صریح mā- احتمالاً همان مورد فوق است بدون m-، زیرا در سنسکریت نیز mā به عنوان یک پی‌بست وجود دارد (هرچند که mā- فارسی‌باستان و mā اوستا می‌تواند برای پی‌بست mĕ* هندواروپایی آغازین و $\mu\varepsilon$ یونانی آمده باشد، زیرا فارسی‌باستان، ă پایانی و اوستا تمام واکه‌ها را در واحدهای تک سیلابی بلند می‌نویسد).

III- وابستگی مفرد: manā، گاهی پیش از پی‌بست‌ها بصورت mană، بجای آریایی آغازین mana*، اوستا mana می‌آید، مقایسه شود با سنسکریت máma همراه با همگون سازی همخوانی: پسوند حالت na- که در تعدادی از زبانهای غیر هندوایرانی ظاهر می‌شود، دارای اصلی نامعین است، اما احتمال دارد که از حالت بایی منتقل شده باشد (فارسی‌باستان tyanā؛ سنسکریت kāmena، حالت بایی برپایه ـ kāma «کام»). پی‌بست وابستگی -maiy (نوشته شده در $A^2Sa$ بصورت -ma، پ ۵۲/I) بجای هندواروپایی آغازین moi*، پی‌بست وابستگی ـ برایی در اوستای گاهانی moi، سنسکریت me، یونانی، حالت برایی $\mu o\iota$، آمده است.

IV- پی‌بست ازی: ma ـ، از هندواروپایی آغازین med*، اوستا mat ، سنسکریت mat ، آمده است، مقایسه شود با mēd* تکیه بر هندواروپایی آغازین در لاتین‌باستان mēd ، لاتین کلاسیک mē .

V- فاعلی جمع: vayam، از هندواروپایی آغازین uei* بعلاوه om- که از ضمایر دیگر از قبیل tuvam, adam گرفته شده، آمده است، سنسکریت vayám، اوستا vaēm، مقایسه شود با گوتیک wei-s همراه با s- جمع‌ساز.

VI- وابستگی جمع: amāxam با ahmākəm اوستا مطابقت می‌کند. سنسکریت asmākam ، صفت خنثی با عملکرد وابستگی، از بن موجود در سنسکریت با حالت بایی بصورت asmābhiḥ ، دری asmāsu . منشاء دمشی که در فارسی‌باستان سبب ظهور x- می‌شود نا شناخته است.

## پ ۱۹۴ ـ ضمیر دوم شخص.

I- فاعلی مفرد: tuvam ، همان tuvám سنسکریت است، از هندواروپایی آغازین tū* بعلاوه om- (گسترش یافته از ضمیر اول شخص adam و غیره): tuva بدون m-، پ ۵۲/V.

II- مفعولی صریح مفرد: θuvām همان tvām سنسکریت است، از هندواروپایی آغازین tuē* بعلاوه m- مفعولی صریح اسامی (مقایسه شود با mām «مرا»).

III- پی‌بست وابستگی: taiy-، همان صورت وابستگی ـ برایی te سنسکریت است، هندواروپایی آغازین toi* ؛ tay-، پ ۵۲/II.

## پ ۱۹۵ ـ ضمایر متصل سوم شخص.

I- مفعولی صریح: šim-، عبارت است از مفعولی صریح هندواروپایی آغازین sī-*، در ساخت سندهی آریایی آغازین با š پس از i- و u- پایانی (پ ۱۱۷)؛ sīm سنسکریت دارای واکه بلند است؛ hīm اوستا دارای h آریایی آغازین است که خود پیش واکه‌ای متعارف است، اما واکه بلند آن مهم نیست زیرا در اوستا معمولاً ĭ پیش از m- پایانی بصورت بلند نوشته می‌شود[۸۸]. صورت وابستگی ـ برایی šaiy ـ، برپایه šim-، از طریق قیاس با اول شخص maiy- و دوم شخص taiy- ساخته شده است. صورت ازی šaᵗ- تنها به عنوان پسوندی برای قیود ازی به کار می‌رفته است؛ و در ساخت قیاسی است براساس اول شخص maᵗ-، اوستا mat-، سنسکریت mát و نیز دوم شخص اوستا θwat، سنسکریت tvát؛ اما šim DB 1.50- ، بصورت ازی عمل می‌کند. صورت‌های مفعولی صریح

جمع šiš- (اوستا hīš) و وابستگی šām-، از طریق قیاس ساخته شده‌اند، اگرچه šim- برای ارجاع به مرجع جمع نیز بکار می‌رفته است.

II- مفعولی صریح: dim- (اوستا dīm)، که در عملکرد تفاوتی با šim- ندارد، به نظر می‌رسد که براساس تقسیم بندی غلط در برخی ترکیبات همانند pasāvadim (مقایسه شود با DNa 33 که در آنجا ما واژه را به pasāva-dim بخش می‌کنم)، که در آن im- شناسه مفعولی صریح برپایه is*، لاتین is «این، او» بوده، بوجود آمده است. شناسه مفعولی صریح جمع diš- (اوستا dīš) از طریق قیاس با šiš- شکل گرفته است و گاهی اوقات نیز بصورت یک واژه جدا نوشته می‌شود (DB 4.34,35,36)؛ در مورد قرائت غلط شناسه مفعولی صریح جمع daiy (DB 5.11) نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل daiy.

III- šiš- و diš- تنها ساخت‌های مفعولی صریح جمع فارسی‌باستان هستند که از نظر پایانه حالت از دیگر ساخت‌ها متفاوتند؛ تمام ساخت‌های دیگر مفعولی صریح جمع فارسی‌باستان، همان ساخت فاعلی جمع هستند که یا از طریق تحول آوایی و یا از طریق قیاس با یکدیگر همسان شده‌اند. ساخت šiš-، که diš- بنابر قیاس از روی آن ساخت شده، باید کهن‌تر از ادغام دو مجموعه از ساخت‌ها باشد و در واقع š – خود را از ns- مفعولی صریح جمع هندواروپایی آغازین گرفته که در هندواروپایی آغازین، پس از واکه‌های بلند به s- تقلیل یافته است، همانند مفعولی صریح جمع سنسکریت sénās «سپاهیان»، devīs «الهه‌ها»، vadhūs «زنان»، مقایسه شود با پی‌بست مفعولی صریح جمع مذکر، īš در مصدر مختوم به i- اوستای گاهانی. بدین ترتیب ما نمی‌توانیم مشخص کنیم که šiš- و diš- بیشتر واکه کوتاه داشته‌اند تا واکه بلند. دلیل نگهداری این ساخت‌های متمایز این است که این بن‌ها از ساخت‌های فاعلی که بتوانند از راه قیاس دارای عملکرد مفعولی صریح شوند، برخوردار نبوده‌اند.

پ ۱۹۶ ـ **ضمیر سوم شخص hauv**، که بصورت یک صفت نیز عمل می‌کند، عبارت است از so* هندواروپایی آغازین بعلاوه ادات u*؛ نیز نگاه کنید به واژه‌نامه زیر مدخل مربوطه. so* خود عبارتست از صورت فاعلی مفرد مذکر ضمیر اشاره tod* sā* so* هندواروپائی آغازین که در اوستا بصورت hō hā tat، در سنسکریت بصورت sá-s sā tád,، و در یونانی به شکل ὁ ἡ τὸ دیده می‌شود. hauv فارسی‌باستان هم به گونه فاعلی مفرد مذکر (از so-u*) عمل می‌کند و هم

بصورت فاعلی مفرد مونث (از *sā-u) (پ ۱۳۱)؛ این ضمیر پیش از یک ضمیر متصل بصورت -hau و یا -hauv نوشته می‌شود (پ ۱۳۷). ساخت hauvam (DB 1.29) عبارتست از hauv+am از صورت tvam, adam و غیره، با حفظ v- پس از الگوی hauv بصورت جدا.

همین ضمیر اشاره هندواروپایی آغازین، احتمالاً در پی‌چسب مفعولی صریح جمع مذکر -tā در avaθāša-tā (DB 4.72، نگاه کنید به واژه‌نامه زیر مدخل -ta-) و نیز به عنوان جزء نخست در tya, hyā, hya ظاهر می‌شود (پ ۱۹۸).

## پ ۱۹۷ ـ ضمیر موصولی -io* هندواروپایی آغازین

در فارسی‌باستان بعنوان جزء دوم در hya hyā tya (پ ۱۹۸)؛ در صورت فاعلی ـ مفعولی صریح خنثی yaciy «آنکه» از *iod-q^uid؛ و نیز در حروف ربط وابسته yaθā, yaniy، yātā، yadiy، yadā، yāvā، باز مانده است، ساخت هریک از آنها در واژه‌نامه، زیر مدخل‌های مربوطه آمده است.

## پ ۱۹۸ ـ ضمیر موصولی و حرف تعریف hya, hyā, tya فارسی‌باستان

در مقابل صورتهای متقدم *syas syā tyad که خود آمیزه‌ای از ضمیر اشاره *sa sā tad (هندواروپایی آغازین *so sā tod) و ضمیر موصولی *ias iā iad (هندواروپایی آغازین *ios iā iod) هستند و در اوستا برابر آنها دیده نمی‌شود، قرار می‌گیرند. ضمیر اشاره سنسکریت و دایی syá-s syā tyád علیرغم اینکه از نظر آوایی با مورد فوق همسان است، اما در معنی تمایز دارد و بنظر می‌رسد نوعی گسترش ios(i)- – از ضمیر اشاره کهن مذکور باشد، که جانشینی پایانه‌های خود ضمیر اشاره را عهده‌دار شده است (Lg. 20.1-6).

صورت‌های موجود در فارسی‌باستان به شرح زیر عبارتند از:

| | | مذکر | مونث | خنثی |
|---|---|---|---|---|
| مفرد | Nom. | hya | hyā | tya |
| | Acc. | tyam | tyām | tya |
| | Inst. | | | tyanā |
| مثنی | Nom. | tyā | | |

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| جمع | Nom. | tyaiy tyai- | tyā tyaiy | tyā |
| | Acc. | tyaiy | tyā | tyā |
| | Gen. | | tyaišām | |

ضمیر موصولی فاعلی مفرد در هندواروپایی آغازین، همانگونه که در بالا آمد، در حالت فاعلی مفرد بصورت hyaʰ hyā tyaᵈ نشان داده می‌شود. صورت‌های دیگر از صرف معمولی -ā-/-o- تبعیت می‌کنند، بجز موارد زیر:
حالت بایی tyanā دارای پایانه na- است، همانگونه که در سنسکریت yéna، اوستا kana (برپایه اوستا -ka «چه کسی؟») دیده می‌شود؛ صورت فاعلی جمع tyaiy دارای ضمیرواره جمع i- است، همانند سنسکریت yé، از هندواروپایی آغازین ioi*، و این ساخت دقیقاً مذکر فاعلی، ممکن است بصورت مذکر مفعولی صریح و مونث فاعلی نیز عمل کند (به موازات صورت با قاعده مونث فاعلی tyā، سنسکریت yās)؛ ساخت وابستگی جمع tyaišām دارای i- جمع بعلاوه ضمیرواره وابستگی جمع sōm- است، مقایسه شود با سنسکریت yéṣām، و به همان اندازه‌ای که برای مذکر بکار می‌رود، برای مونث نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد (مثال مذکر موجود نیست).
در حالی که بن مذکور، با s آغازین اصیل، در اصل به ساخت فاعلی مفرد مذکر و مونث محدود می‌شد، گاهگاه گسترش از -s در ساخت‌های دیگر هم وجود دارد. در فارسی‌باستان دارای صورت ازی مفرد خنثی hyā از آریایی آغازین siād* به گونه قید در hyā duvaištam و hyāparam هستیم.

**پ ۱۹۹ ـ ضمیر اشاره «این»** در فارسی‌باستان، ترکیبی است از دوبن هر یک در دو ساخت: -i و -a-‌ima و -ahyā: تحولات آنها در زیر شرح داده شده است. ساخت‌های موجود عبارتند از:

| | | مذکر | مونث | خنثی |
|---|---|---|---|---|
| مفرد | Nom. | iyam | iyam | ima |
| | Acc. | imaṃ | imām | ima |
| | Inst. | anā | | |
| | Loc. | | ahyāyā | |
| جمع | Nom. | imaiy | imā | |

| | | | |
|---|---|---|---|
| Acc. | imaiy | imā | imā |
| Inst. | | | imaibiš |
| Gen. | imaišām | | |

بن ‎-i*‎ همان است که در لاتین بصورت is، خنثی id، در هندواروپایی آغازین بصورت فاعلی مفرد is*، خنثی id*، دیده می‌شود؛ صورت فاعلی مفرد مونث احتمالاً ī* بوده است که باافزایش am-(آریایی)از ضمایردیگر، صورت فاعلی مفرد مونث سنسکریت iyám، فاعلی مفرد مونث فارسی‌باستان iyam را می‌دهد و این در حالی است که این ساخت به عنوان مذکر نیز بکار رفته است. ساخت مفعولی صریح مفرد مذکر در هندواروپایی آغازین im* است که با همین وند در سنسکریت بصورت imám، در فارسی‌باستان به شکل imam و در اوستا بصورت imәm در می‌آید؛ از این مورد، بن ima- استخراج گردیده و سپس متناسب با پایانه‌های ضمیروار صرف شده است: خنثی imad*، فارسی‌باستان ima، اوستا imat؛ فاعلی جمع مذکر imai*، فارسی‌باستان imaiy، اوستا ime. ساخت‌های دیگر بر ساخته از این بن در صورت‌های صرفی با قاعده‌اند، اما در سنسکریت و اوستا، آنها به حالات فاعلی و مفعولی صریح محدود می‌شوند؛ در فارسی‌باستان i- جمع، پیش از پایانه صرفی در حالت بایی و وابستگی، نگهداشته می‌شود.

A

از صورت وابستگی مفرد مذکر ahya* (سنسکریت asyá، اوستای گاهانی ahyā، اوستای متاخر ahe) در فارسی‌باستان موجود، مثالی یافت نشده است، بن ahya- که برپایه آن بن مونث ahyā، و صورت دری مفرد مونث ahyāyā و نیز گاهی اوقات ahiyāyā شکل گرفته (پ ۲۷) در فارسی‌باستان استخراجی است. بن a- که ahya* براساس آن شکل گرفته، در هندواروپایی آغازین e-* است، همانگونه که در لاتین بصورت خنثی ed* در ec-ce «هان!» دیده می‌شود؛ همچنین برپایه آن، صورت بایی مفرد مذکر anā فارسی‌باستان و صورت اوستای گاهانی anā، با پایانه بایی na- که در tyanā دیده می‌شود نیز شکل گرفته است.

پ ۲۰۰ ـ **ضمیر اشاره «آن»** در فارسی‌باستان همانند اوستا ava- بوده است (در سنسکریت تنها بصورت وابستگی مثنی avòṣ). ساخت‌های موجود در فارسی‌باستان عبارتند از:

| | | مذکر | مونث | خنثی |
|---|---|---|---|---|
| مفرد | Nom. | ava | | ava avaš-ciy |
| | Acc. | avam | avām | ava avaš-ciy |
| | Inst. | | | avanā |
| | Abl. | avanā | | avanā |
| | Gen. | avahyā | | |
| جمع | Nom. | avaiy | a[vā] | avā |
| | Acc. | avaiy | | |
| | Gen. | avaišām | | |

صورت خنثی ava بجای avad*، با ضمیر واره d- قرار گرفته؛ و صورت avaš-ciy نیز یک تولید سندهی است (پ ۱۰۵). صورت بایی مفرد خنثی avanā دارای پایانه بایی na- است، همانند tyanā و anā. صورت ازی avanā بجای avasmād*، با پایانه ضمیر گونه با قاعده ازی قرار گرفته است، همانند اوستا ahmāt، سنسکریت asmāt، برپایه بن a-؛ در جائیکه avaʰmāᵈ* فارسی‌باستان پس از صورت بایی avanā بصورت avanā بازسازی شده است. ساخت‌های باقیمانده، ویژگی‌های جدیدی را نشان نمی‌دهند.

قیود باز آمده از این بن عبارتند از:

avaθā, avadā, ava-parā, avahya-rādiy, pasāva (*pasā ava از).

**پ ۲۰۱ ـ ضمیر پرسشی نامعین -qᵘo-/*qᵘi* هندواروپایی آغازین** در فارسی‌باستان به ندرت ظاهر می‌شود. صورت فاعلی مفرد مذکر -kaš-ciy «هرکس»، عبارتست از qᵘo-s*، سنسکریت kas، اوستا -kas، بعلاوه پی‌چسب -ciy؛ صورت مفعولی صریح مفرد خنثی ciš-ciy «هرچیز»، عبارتست از qᵘi-d*، یونانی τι، لاتین quid، بعلاوه پی‌چسب -ciy: هر دو صورت با تحول سندهی مربوط به زبان مادی (پ ۱۰۵). پی‌چسب -ciy در هندواروپایی آغازین qᵘid*، در سنسکریت cid، در اوستا -čit، در لاتین quid است، و غیره. نیز نگاه کنید به صورت‌های زیر، در واژه‌نامه:

aciy, yaciy, kā,-kaiy, citā, ci[nā], ciyăkara-

**پ ۲۰۲ ـ ضمیر اشاره -aita «این»** احتمالا عبارت بوده است از ضمیر اشاره

هندواروپایی آغازین -*e (پ ۱۹۹) بعلاوه نشانه اشاره‌ای -i بعلاوه ضمیر اشاره -*to (پ ۱۹۶). در فارسی‌باستان، ما صورت فاعلی مفرد خنثی ـ مفعولی صریح مفرد خنثی aita (اوستا aētat، سنسکریت etát) و مفعولی صریح جمع مونث aitā را می‌یابیم.

**پ ۲۰۳ ـ صفات نیمه ضمیر گونه** صفاتی هستند که در بعضی از گسترش‌ها به عنوان ضمایر قابل استفاده بوده، و بنابراین پاره‌ای از صورت‌های صرفی ویژه ضمایر را بخود می‌گیرند: برای مثال برخی از آنها عبارتند از، لاتین alter، ūnus و غیره، با صورت وابستگی در -īus، با حالت برایی در -ī، همانند hic, quī, is و غیره.

I- فارسی‌باستان -aniya، اوستا -ainya، سنسکریت -anyá «دیگر (از دوتا)» ساخت‌ها:

| | | مذکر | مونث | خنثی |
|---|---|---|---|---|
| مفرد | Nom. | aniya | aniyā | aniya<br>aniyaš-ciy |
| | Acc. | aniyam | aniyām | |
| | Abl. | aniyanā | | |
| جمع | Nom. | aniyai-ciy<br>aniyāha | aniyā | |
| | Acc. | | aniyā | |
| | Loc. | | aniyāuvā | |

در میان این ساخت‌ها، صورت فاعلی مفرد خنثی aniya دارای -d است، همانند سنسکریت anyád اوستا، قید ainyat «بجز»؛ ساخت aniyaš-ciy دارای همان تحول سندهی است که در ciš-ciy, avaš-ciy دیده می‌شود. صورت ازی aniyanā همانند صورت ازی avanā تحول یافته است (پ ۲۰۰)؛ مقایسه شود با صورت ازی سنسکریت anyásmād. ساخت فاعلی جمع مذکر -aniyai دارای ضمیرواره جمع -i است؛ صورت aniyāha، دارای پایانه مضاعف است همانند bagāha که آنرا توصیف

می‌کند (پ ۱۰). ساخت دری aniyāuvā برابر است با سنسکریت anyāsu، با حرف پسایند در افزوده ā-؛ مقایسه شود با maškāuvā (پپ ۶ـ۱۷۵).

-II فارسی‌باستان -haruva «همه» (اوستا-haurva، سنسکریت -sárva) دارای صورت فاعلی مفرد خنثی haruva؛ مفعولی صریح مفرد خنثی -haravam در قید fraharavam (با نوشتار بی‌قاعده - rv - پ ۲۶) است؛ صورت بایی مفرد مونث haruvahyāyā، روی بن مونث haruvahyā، برپایه صورت وابستگی مفرد مذکر *haruvahyă ساخته شده است، سنسکریت sárvasya (haruvahyāya یک صورت نوشتاری ناقص است و بلندای واکه را نشان نمی‌دهد)، مقایسه شود با ساخت بایی مفرد مونث ahyāyā (پ ۱۹۹).

-III فارسی‌باستان -hama «هم ـ» (اوستا – hama، سنسکریت -samá) تنها دارای ساخت وابستگی مفرد مونث hamahyāyā است که برپایه بن مونث hamahyā که خود استخراج شده از صورت وابستگی مفرد مذکر *hamahyă بشمار می‌رود ساخته شده است. همانند صورت بایی مفرد مونث ahyāyā و haruvahyāyā . (قرائت من به شکل hama در DB 4.90 و 92 در JAOS 62.268-9 اشتباه است).

**پ ۲۰۴ ـ اعداد** (به صورت واژه) بندرت در فارسی‌باستان آمده‌اند، زیرا معمولاً با نشانه‌های عددی نشان داده می‌شوند (پ ۴۳). عدد واژه‌های نوشته شده به خط میخی در زیر بصورت کامل آمده است:

-I یک: مفعولی مفرد مذکر aivam، اوستا -aēva، یونانی قبرس οἶfος «تنها»، از هندواروپایی آغازین *oiuos؛ احتمالاً مرکب از نشانه اشاره‌ای *-o بعلاوه i اشاری، بعلاوه پسوند -uo-، مقایسه شود با دیگر پسوندها، سنسکریت -éka «یک» از هندواروپایی آغازین *-oiqo، و لاتین ūnus، گوتیک áins از هندواروپایی آغازین *-oino. صورت هندواروپایی آغازین *sem «یک» (یونانی، صورت خنثی εν «یک»، لاتین sem-per «همیشه») در ساخت ضعیف *sm به صورت بخش نخست فارسی‌باستان ha-karam «زمانی» دیده می‌شود، مقایسه شود با سنسکریت sa-kr̥t «یکبار»؛ احتمالاً پیشوند جدا نشدنی فارسی‌باستان -ha-, ham (نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل‌های

مربوطه)، سنسکریت -sa-,sam، با مورد مذکور همانند است.

-II دو: صورت خنثی duvitīyam «بار دوم»، دقیقاً برابر است با سنسکریت -dvitīya «دوم»؛ که براساس -dui* (سنسکریت dviṣ «دوبار») بعلاوه پسوند ترتیبی -to- بعلاوه پسوند دیگر -īio- ساخته شده است. بنظر می‌رسد که صورت بسیط -dvita با حالت بایی مفرد بعنوان بخش نخست duvitā-paranam «پیشین با دومی» یعنی «یکی پس از دیگری»، ظاهر شده باشد. بن aniya «یکی یا یکی از دوتا، دیگر، بقیهٔ» همان است که در سنسکریت بصورت ـ anyá دیده می‌شود؛ مقایسه شود با یونانی -anÞara، انگلیسی other با پسوند قیاس تفضیلی، نگاه کنید به: پ III/۱۹۰.

-III سه: صورت خنثی çitīyam «سومین بار» و نیز صورت حدسی مفعولی صریح مفرد مونث [ç[itām، به بن -tri* «سه» ارتباط دارند، در اوستا θritīm (صورت نوشتاری برای -tīyam) «سومین بار»، و در یونانی τριτos «سومین»، همانگونه که در فارسی‌باستان duvitīyam و -dvita خویشان همسانند (نگاه کنید به II)؛ سنسکریت -tṛtīya نیز دارای همان پسوند است اما برپایه شکل بسیطی از بن استوار است.

-IV نُه: صورت فاعلی مفرد مذکر navama «نهم»، با سنسکریت navamá-s یکسان است، و از عدد ترتیبی هندواروپایی آغازین neuṇ*، سنسکریت náva، به تقلید از dek̄ṁmos* برپایه dek̄ṃ* ساخته شده است، مقایسه شود با سنسکریت dasamá-s برپایه dása، لاتین decimus برپایه decem . n̥ ـ موجود در "nine نُه"، در عدد ترتیبی لاتین nōnus از nouenos* نیز دیده می‌شود.

-V صد: ممکن است بخش نخست نام ایالت θata-guš، بن صورت هندواروپایی آغازین kṃtó-m* «۱۰۰» باشد، که البته این موضوع قطعیت ندارد، مقایسه شود با اوستا satəm، سنسکریت satám، لاتین centum.

# فصل VI-بن‌ها و ساخت افعال

**پ ۲۰۵ ـ فعل در فارسی‌باستان** طبقات ساختی پیش بینی شده و متعارفی را نشان می‌دهد، اگرچه برخی از آنها بندرت ارائه شده‌اند:

بن‌های زمان: مضارع، ماضی، نقلی، با ساخت‌های گوناگون.

حالت‌ها: معلوم، میانه، مجهول.

وجوه: اخباری، التزامی، تمنایی، تاکیدی، امری.

زمان‌ها: مضارع، ماضی‌استمراری، ماضی، ماضی‌نقلی.

اشخاص: اول شخص، دوم شخص، سوم شخص.

شمارها: مفرد، تثنیه، جمع.

مصدر: مضارع.

وجوه وصفی: صفت فاعلی معلوم، صفت فاعلی میانه، صفت مفعولی نقلی، صفت مفعولی آینده.

**پ ۲۰۶ ـ پیشوندهای فعلی**

**الف)** قیدهای زیر که در کاربردهای حرف (اضافه)پیشایند نیز ظاهر می‌شوند، در فارسی‌باستان بعنوان پیشوندهای فعلی یافت شده‌اند:

ā-, ati-, abi-, upa-, upari-, ni-, pati-, parā-.

**ب)** موارد زیر در آثار موجود فارسی‌باستان، نه بعنوان حروف (اضافه) پیشایند، بلکه بعنوان پیشوندهای فعلی یافت شده‌اند:

apa-, ava-, ud-, nij-, fra-, vi-.

A پ)پیشوندهای مضاعف، احتمالاً در دو شکل یافت شده‌اند:

-pati-ā در patiyābaram در DB 1.68،

-ava-ā در avājaniyā در DB 1.51,52؛

اما حتی این موارد نیز دارای ویژگی‌های مبهم هستند، مقایسه شود با JAOS .62.274-5

**پ ۲۰۷ـ ساخت‌های زمان مضارع** که در فارسی‌باستان یافت شده‌اند انواع زیر را در برمی‌گیرند، این انواع در بخش‌های آینده مورد بحث قرار گرفته‌اند:

**الف)** نوع سنسکریت .ásti.

ب) نوع سنسکریت dádhāti.

پ) انواع سنسکریت krṇóti, krīṇāti, vénati.

ت) نوع لاتین jungit.

ث) نوع سنسکریت pṛccháti.

ج) انواع سنسکریت bhávati, rudáti.

چ) انواع سنسکریت náhyati, drúhyati.

ح) انواع سنسکریت .pātáyati, patáyati.

خ) نوع همراه با پسوند -ue-/-uo-.

د) نوع سنسکریت namasyati (جعلی)

**پ ۲۰۸ـ دستگاه زمان مضارع نوع سنسکریت ásti:** در این دستگاه بن، ریشه برهنه، فاقد ادات ماده ساز، بدون پسوند، و نیز فاقد فرآیند مضاعف سازی است؛ ریشه در حالت مفرد اخباری معلوم ونیز مفرد امر معلوم دارای درجه قوی بوده (بجز زمانیکه پایانه شخص، *dhi- هندواروپایی آغازین باشد)، و در ساخت‌های دیگر از درجه ضعیف برخوردار است، مگر اینکه همترازی جانشینی از این امر ممانعت کند:

هندواروپایی آغازین *ei-ti «او میرود»، فارسی‌باستان aitiy، سنسکریت éti ؛ *i-te «شما بروید»، فارسی‌باستان -itā در paraitā، سنسکریت itá ؛ *i-dhi «توبرو»، فارسی‌باستان -idiy در parīdiy، سنسکریت ihí ؛ ماضی استمراری *ēi-m̥ «من

رفتم»، فارسی‌باستان -āyam (بجای -am ، پ ۶۷/II) در nij-āyam [up]-āyam، سنسکریت āyam ؛ ماضی استمراری سوم شخص مفرد فارسی‌باستان āiš (در مورد -š، پ ۲۲۸/III) و atiy-āiš ؛ ماضی استمراری سوم شخص جمع با واکه ماده ساز از اول شخص مفرد، فارسی‌باستان -āya$^n$ در apariyāya$^n$ ، -āiša$^n$ (در مورد -ša$^n$، پ ۲۳۲/III) در patiy-āiša$^n$، میانه ā-āya$^n$tā از āya$^n$tā*.

هندواروپایی آغازین es-mi* «من هستم»، فارسی‌باستان a$^h$miy ، سنسکریت ásmi ؛ ēs-ti* «او هست»، فارسی‌باستان astiy، سنسکریت ásti ؛ s-enti* «آنها هستند»، فارسی‌باستان ha$^n$tiy ، سنسکریت sánti ؛ آریایی آغازین s-mas-i* «ما هستیم»، سنسکریت smás-i ، فارسی‌باستان a$^h$mahy (با درجه کامل ریشه گسترش یافته از مفرد)؛ ماضی استمراری ēs-m̥* «من بودم»، در تحول پیش واکه‌ای سنسکریت āsam ، فارسی‌باستان āham ، در جایی همراه با واکه ماده‌ساز سوم شخص مفرد فارسی‌باستان āha$^t$ ، اوستا aŋhat̰ ، سوم شخص جمع فارسی‌باستان āha$^n$ ، سنسکریت āsam ، حالت میانه فارسی‌باستان āha$^n$tā (و āha$^n$ta ، پ پ ۳۶/IV).

هندواروپایی آغازین g$^u$hen-ti* «او نابود می‌کند»، فارسی‌باستان ja$^n$tiy ، سنسکریت hánti ؛ eg$^u$hen-t* «او نابود کرد»، فارسی‌باستان aja$^n$ ، سنسکریت áhan ؛ دوم شخص مفرد امر g$^u$hn̥-dhi*، فارسی‌باستان jadiy؛ سنسکریت jahi؛ نیز دوم شخص جمع امر g$^u$hn̥-te* ، فارسی‌باستان jatā ، و سوم شخص مفرد ماضی استمراری میانه g$^u$hn̥-to* ، فارسی‌باستان patiy-ajatā ؛ ماضی استمراری eg$^u$hen-m̥* ، فارسی‌باستان ajanam ، سنسکریت áhanam (با تحول پیش واکه‌ای m̥ ، پ ۶۷/II)، در جایی با واکه ماده‌ساز سوم شخص جمع فارسی‌باستان ajana$^n$– در avājana$^n$ و شاید صورت باز ساخته سوم شخص جمع التزامی vi-janātiy.

آریایی آغازین k(h)an-* «حفاری کردن»، در سوم شخص جمع ماضی استمراری فارسی‌باستان viy-aka$^n$ ، سوم شخص مفرد امر فارسی‌باستان ni-ka$^n$tuv .

آریایی آغازین pā-* «پاییدن»، سنسکریت pāti «او می‌پاید»، فارسی‌باستان دوم شخص مفرد امر pādiy ، سوم شخص مفرد و جمع امر pātuv , pā$^n$tuv.

ایرانی آغازین xšnau-ti*، فارسی‌باستان ā-xšnautiy «او خشنود می‌کند»، امر

‎*xšnu-dhi، فارسی‌باستان ā-xšnudiy «توبشنو».
هندواروپایی آغازین -*gᵘem در وجه تمنایی سنسکریت gam-yāt، فارسی‌باستان ā-jamiyāᵗ (مقایسه شود با: پ ۱۰۱).
هندواروپایی آغازین *bhu-iiēt برپایه ریشه -*bheu، در فارسی‌باستان biyāᵗ، مقایسه شود با اوستا buyāt از *bhu-iēt؛ در مورد نبود -u-، پ ۱۱۴.

## پ ۲۰۹ ـ دستگاه زمان مضارع نوع سنسکریت **dádhāti**:

در این دستگاه، بن، همان ریشه، فاقد ادات ماده ساز، بدون پسوند، دارای فرایند مضاعف سازی است؛ درجات گردش واکه‌ای ریشه همان است که در نوع قبل گفته شد:
هندواروپایی آغازین – *dhē «گذاشتن، ساختن»؛ ماضی استمراری فارسی‌باستان adadā، سنسکریت ádadhāt، یونانی *ετιθη*
هندواروپایی آغازین – *dō «دادن»؛ امر فارسی‌باستان dadātuv، سنسکریت dádātu، یونانی *διδὸτω*
هندواروپایی آغازین -*sta «قرار دادن»، (میانه) «ایستادن»؛ ماضی استمراری میانه فارسی‌باستان aʰištatā، سنسکریت átiṣṭhata، هر دو احتمالاً به نوع دارای ادات ماده ساز تغییر می‌کنند (پ ۲۱۳)، یونانی ἵσταто
هندواروپایی آغازین -*dhī «اندیشیدن، دیدن»، در امر سنسکریت dīdihι،didīhι، فارسی‌باستان dīdiy (با حذف به قرینه، پ ۱۲۹).

## پ ۲۱۰ ـ دستگاه زمان مضارع انواع سنسکریت**kṛṇóti, kṛīṇāti,vénati** :

در این دستگاه، بن، همان ریشه (معمولاً) با درجه ضعیف بوده، و با پسوندی همراه است که با یک آوی غنه‌ای آغاز می‌شود.
I- پسوند، -neu- است که بصورت -nu- نیز تغییر می‌کند:
آریایی آغازین -*kṛ-nau در فارسی‌باستان kunautiy، سنسکریت kṛṇóti، امر فارسی‌باستان kunautuv، سنسکریت kṛṇótu، ماضی استمراری فارسی‌باستان akunavam (پ II/۲۲۶)، akunauš (پ III/۲۲۸)،سنسکریت

ákr̥ṇot . ákr̥ṇavam ؛ با واکه ماده ساز، فارسی‌باستان سوم شخص جمع معلوم akunava$^{n}$ ، میانه akunava$^{n}$tā.

آریایی آغازین -dhr̥š-nau* در فارسی‌باستان adaršnauš، سنسکریت ádhr̥ṣṇot.

آریایی آغازین -ur̥-nau* در سنسکریت vr̥ṇóti ؛ با ادات ماده ساز در ماضی استمراری میانه فارسی‌باستان avarnavatā ، امر میانه varnavatām.

آریایی آغازین -tu-nau-/-nu* در مضارع tunauti*، وجه وصفی فاعلی مفرد مذکر فارسی‌باستان tunuv-ā ، مفعولی صریح مفرد مذکر -a$^{n}$tam، وابستگی مفرد مذکر -a$^{n}$tahyā.

در مورد [danu[taiy به عنوان گونه جانشینی برای [danu[vatiy ، نگاه کنید به: پ ۲۱۶ ؛ در مورد ā-xšnautiy و اشکال مربوطه، نگاه کنید به: پ ۲۰۸.

II- پسوند، -nā- است که با -nə- جانشینی دارد:

ماضی استمراری فارسی‌باستان adīnā$^{t}$ «ستاند»، مقایسه شود با اوستا zināiti «او آسیب می‌رساند»؛ اول شخص مفرد فارسی‌باستان adīnam با -nă- همانند ساخت دارای ادات ماده ساز.

فارسی‌باستان، ماضی استمراری adānā$^{t}$، سنسکریت ájānāt «او می‌دانست»، از -gn̥nā*؛ مگر اینکه از -gnō-nā* با درجه کامل ریشه و نبود n ناهمگون مقدم، باشد (پ ۶۸).

III- پسوند، -ne-/-no- ماده ساز است:

هندواروپایی آغازین -ueid-ne-/-no* در فارسی‌باستان vaināmiy «من می‌بینم»، سوم شخص مفرد vainatiy، میانه vainataiy؛ سنسکریت vénāmi «من میل دارم»، vénate, vénati.

## پ ۲۱۱ ـ دستگاه زمان مضارع نوع لاتین jungit:

A در این دستگاه، بن، همان ریشه با درجه ضعیف بوده و با میانوند قابل گردش -ne-/-n- همراه است: سنسکریت yu-ná-k-ti «او پیوند می‌دهد»، جمع yu-ñ-j-ánti ، برپایه ریشه -ieug-/*iug*. در بعضی زبان‌ها، صورت‌های صرفی با ساخت جمع هماهنگ گردیده‌اند، و بن بصورت تماتیک، ساخته شده است؛ بنابراین لاتین jungit و jungunt. این همان وضعیتی است که در ریشه آریایی -mauth*، مضارع سنسکریت

munthate[۸۹] «او مـــی‌گریزد»، مـاضی اسـتمراری فـارسی‌باستان $amu^n\theta a^t$ «او گریخت» و احتمالاً در آریایی -pais*، مضارع سنسکریت pisáti، ماضی استمراری سوم شخص جمع فارسی‌باستان $api\theta a^n$(DSf 54) نیز وجود دارد.

همین ساخت در سنسکریت vi-n-dáti «می‌یابد»؛ صفت فاعلی فارسی‌باستان $-ri^nda^t$- که جزء نخست vidafarnā «ویدفَرْن» را تشکیل می‌دهد، دیده می‌شود.

## پ ۲۱۲ ـ دستگاه زمان مضارع نوع سنسکریت pr̥ccháti:

در این دستگاه، بـن دارای پسـوند مـاده‌ساز -sk̑e-/-sk̑o-، و ریشـه در حـالت معمولی دارای درجـه ضـعیف است؛ امـا بـعضی از افـعال دارای درجـه قـوی گسترش یافته از بن‌های دیگر هستند:

هندواروپایی آغازین -prek̑*، مضارع -pr̥k̑-ske*، فارسی‌باستان parsāmiy «کیفر می‌دهم»، سـنسکریت pr̥cchāmi «مـی‌پرسم»، مـاضی اسـتمراری فـارسی‌باستان aparsam، سنسکریت ápr̥ccham؛ امر فارسی‌باستان parsā، سنسکریت pr̥cchá.

هندواروپایی آغازین -iem* «رسیدن»، مضارع -im̥-sk̑e*، سنسکریت yácchati؛ ماضی استمراری میانه فارسی‌باستان āyasatā (بر پایه -ā-yam).

هندواروپایی آغازین -tres* در سنسکریت trásati؛ مضارع -tr̥s-sk̑e*، فارسی‌باستان tarsatiy «مـی‌ترسد»، جمع $tarsa^ntiy$، مـاضی اسـتمراری $atarsa^t$، جمع $atarsa^n$، تاکیدی اول شخص مفرد tarsam.

هندواروپایی آغازین -gnō*، مضارع -gnō-ske*، لاتین gnōscit «می‌آموزد»؛ التزامی فـارسی‌باستان xšnāsātiy، xšnāsāhy، لاتـین (آیـنده اخـباری) gnōscet، gnōscēs.

هندواروپایی آغازین -r̥* در مضارع -r̥-sk̑e*، سنسکریت r̥ccháti؛ -re-sk̑e*، فارسی‌نو räsäδ «رسد»، ماضی استمراری فارسی‌باستان arasam «رفتم»، سوم شخص مفرد arasa ـ در $parārasa^t$.

## پ ۲۱۳ ـ دستگاه زمان مضارع انواع سنسکریت rudáti، bhávati:

در این دستگاه، بن شامل ریشه مختوم به -e-/-o- ماده ساز می‌شود؛ ریشه در

حالت معمولی چنانکه تکیه بر باشد، دارای درجه قوی و چنانچه واکه ماده‌ساز تکیه بر باشد، دارای درجه ضعیف خواهد بود:

هندواروپایی آغازین -bhere*، سنسکریت bhárati ؛ فارسی‌باستان bara$^{n}$tiy «می‌برند»، سنسکریت bháranti ؛ ماضی استمراری فارسی‌باستان abaram، سوم شخص مفرد abara$^{t}$، سوم شخص abaraha$^{n}$, abara$^{n}$، میانه abara$^{n}$tā؛ امر سوم شخص مفرد baratuv ، در ترکیبات، سوم شخص مفرد مضارع ā-baratiy ، دوم شخص مفرد امر pari-barā .

هندواروپایی آغازین -bheue*، سنسکریت bhávati ، فارسی‌باستان bavatiy «می‌شود»، سوم شخص جمع bava$^{n}$tiy ، ماضی استمراری abavam ، abava$^{t}$، abava$^{n}$.

هندواروپایی آغازین -pete* ، سنسکریت pátati «می‌پرد»، ماضی استمراری میانه فارسی‌باستان udapatatā «برخاست، شورش کرد».

هندواروپایی آغازین -iage* ، سنسکریت yájati «می‌ستاید»؛ حالت میانه فارسی‌باستان yadataiy ، ماضی استمراری اول شخص مفرد ayadaiy ، سنسکریت áyaje.

هندواروپایی آغازین -reghe* (یا -redhe*، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه)، سنسکریت rahati «ترک می‌کند»؛ تاکیدی دوم شخص مفرد فارسی‌باستان. ava-rada$^{h}$.

هندواروپایی آغازین -qieue*، سنسکریت cyávati «حرکت می‌کند»، ماضی استمراری فارسی‌باستان ašiyavam «رهسپار شدم»، ašiyava$^{t}$ , ašiyava$^{n}$.

هندواروپایی آغازین -ke(n)se*، سنسکریت sásati «می‌ستاید»، فارسی‌باستان θātiy (پ ۱۳۱) «می‌گوید»؛ ماضی استمراری فارسی‌باستان aθaham ، aθaha$^{t}$ .

هندواروپایی آغازین -neie*، سنسکریت náyati «راهبری می‌کند»؛ ماضی استمراری فارسی‌باستان anayam ـ در frānayam ، anaya$^{t}$ ، anaya$^{n}$، سوم شخص مفرد میانه anayatā .

هندواروپایی آغازین -mr̥de*، سنسکریت mr̥dáti «از میان می‌برد»، فارسی‌باستان vi-mardatiy، ماضی استمراری viyamarda$^{t}$ (مقایسه شود با: پ ۴۴).

هندواروپایی آغازین -sr̥ge*، سنسکریت sr̥játi «رها می‌کند»؛ ماضی استمراری فارسی‌باستان ava-har[da] (بدون افزونه).

هندواروپایی آغازین -sn̥ge*، سنسکریت sájati «می‌آویزد»، یا -seŋge* (تکیه در ریشه با درجه ضعیف در سنسکریت بی‌قاعده است)؛ ماضی استمراری

فارسی‌باستان ‎-ahajam‏ (یا ‎? jam $^{n}$ -aha‏) در ‎frāhajam‏.

نیز با ریشه‌های قوی: فارسی‌باستان ‎-kana‏ در ماضی استمراری ‎avākanam‏ ؛ ‎-gauba‏ در صورت میانه ‎gaubataiy‏ ، ماضی استمراری ‎agaubatā‏ ، جمع ؛ ‎-taxša‏ ‎agauba$^{n}$tā‏ در صورت میانه ‎ha$^{m}$taxšataiy‏ ، ماضی استمراری ‎hamataxšaiy‏، ‎hamataxšatā‏ ، ‎hamataxša$^{n}$tā‏ ؛ ‎-yauda‏ (اوستا ‎yaozaiti‏)، در ماضی استمراری ‎ayauda$^{t}$‏ ، ‎ayauda$^{n}$‏ ، وجه وصفی ‎yau[da$^{n}$tim]‏ ؛ ظاهراً ‎-vaja‏ در ‎avajam‏ ، ‎-raxθa‏ در امر ‎raxθatuv‏ ، آمده است.

آریایی آغازین ‎-k̄šaia‏* در سنسکریت ‎kṣáyait‏ «در اختیار دارد»، ماضی استمراری فارسی‌باستان ‎patiy-axšayaiy‏ «حکمرانی کردم»، وجه وصفی ‎xšayamna‏ «حکمران»؛ مگر اینکه این مورد بیشتر از هندواروپایی آغازین ‎-qÞə-ie‏* باشد (پ ۲۱۴)تا ‎-qÞē‏*،که در یونانی ‎kεkτημαι‏ «در اختیار دارم»، نیز دیده می‌شود.

آریایی آغازین ‎-gīua‏* ، فارسی‌باستان ‎-jīva‏، نگاه کنید به: پ ۲۱۶.

## پ ۲۱۴ ـ دستگاه زمان مضارع انواع سنسکریت ‎náhyati, drúhyati‏ :

در این دستگاه، پسوند ‎-ie-/-io‏-، به ریشه، اعم از درجه قوی یا درجه ضعیف افزوده می‌شود؛ این پسوند می‌تواند با پسوند حالت مجهول که تکیه بر است، همسان باشد (پ ۲۲۰)، بدین ترتیب این نوع، صرفاً مجهول است که در معانی معلوم (یا میانه) بکار رفته، و معمولاً با تغییر تکیه در هجای ریشه همراه است. بنظر می‌رسد که صورت‌های همراه با ریشه قوی، ساخت‌های متاخری باشند که از افزایش مستقیم پسوند بی تکیه به ریشه‌ها بوجود آمده‌اند.

هندواروپایی آغازین ‎-dhreugh‏*: آریایی آغازین ‎drughia‏* در سنسکریت ‎drúhyati‏ «می فریبد»، ماضی استمراری فارسی‌باستان ‎adurujiya$^{t}$‏، جمع ‎adurujiyaša$^{n}$‏ .

هندواروپایی آغازین ‎-men‏* : آریایی آغازین ‎-mania‏* در سنسکریت ‎mányate‏ «می اندیشد»، فارسی‌باستان اول شخص مفرد ‎maniyaiy‏ ، ماضی استمراری ‎amaniyaiy‏.

هندواروپایی آغازین ‎-mer‏* : آریایی آغازین ‎-mr̥ie‏* یا ‎-mriie‏* در سنسکریت ‎mriyáte‏ (یا تکیه حالت مجهول) «می میرد»، ماضی استمراری فارسی‌باستان ‎amariyatā‏ .

هندواروپایی آغازین ‎-ghuā‏* (ویژگی واکه‌ای نامعلوم) و ‎-ghuə‏* : آریایی آغازین

-žhua-ya «صـــدا زدن» در ســـنسکریت hváyati ، مـــاضی اســـتمراری فارسی‌باستان patiy-azbayam .

آریایی آغازین -*pā «پاییدن» و -*pa-ya (از هندواروپایی آغازین -*pə) در اول شخص مـفرد مـاضی اسـتمراری فـارسی‌باستان apayaiy ، دوم شـخص امـر مـیانه pati-paya$^{h}$uvā.

هـندوارویـایی آغـازین -*g$^{u}$hedh در آریـایی آغـازین -*ǧadhia، اوسـتا ǰaiδyeiti فارسی‌باستان jadiyāmiy «درخواست می‌کنم».

آریایی آغازین -*as «انداختن» در -*asia ، سنسکریت -ásyati ، ماضی استمراری میانه فارسی‌باستان [ā]h[yat]ā.

هندواروپایی آغازین -*stā در آریایی آغازین -*stā-ia ، ماضی استمراری فارسی‌باستان -astāyam ، در niyaštāyam «فرمان دادم» (در مورد š، پ ۱۱۷) و avāstāyam «دوباره برپا ساختم»، سوم شخص مفرد niyaštāya$^{t}$.

هندواروپایی آغازین -*mē «اندازه گـرفتن» در آریـایی آغـازین -*mā-ia ، سـنسکریت māyate : مـاضی اسـتمراری مـیانه فـارسی‌باستان -amāyatā در frāmāyatā «فرمان داد».

در مورد -xšaya فارسی‌باستان، نگاه کنید به: پ ۲۱۳.

## پ ۲۱۵ ـ دستگاه زمان مضارع انواع سنسکریت pātáyati , patáyati:

این دستگاه، یک ساخت اصیل سببی است که با اتصال پسوند هـندوارویـایی آغازین -éie-/-éio- به ریشه ضعیف، همراه است؛ در آریـایی، پسـوند، -aia- است و ریشه نیز دارای -ă- (همچنین در واکه‌های مرکب -ai - و -au- پیش از همخوان‌ها) و یا -ā- (بندرت -ī- یا -ū-) می‌باشد.

هـندوارویـایی آغـازین -*dher «مـحکم نگـهداشـتن»: آریـایی آغـازین -*dhāraia در ســـنسکریت dhāráyati ؛ فـارسی‌باستان dārayāmiy , dārayatiy ، جـمع dāraya$^{n}$tiy ، ماضی استمراری سوم شخص مفرد adāraya$^{t}$ ، اول شخص مفرد میانه hamadārayaiy .

هندوارویـایی آغـازین -*klei «خـم شـدن»: آریـایی آغـازین -*śrāiaia در سـنسکریت śrāyáyati ؛ اول شخص مفرد ماضی استمراری فارسی‌باستان niy-açārayam ،

با -r- پس از dārayatiy.

هندواروپایی آغازین -nek̑* «از بین بردن»: آریایی آغازین -nāsaia* در سنسکریت nāsáyati ، فارسی‌باستان vi-nāθayatiy ، سوم شخص مفرد ماضی استمراری viy-anāθaya[t] ، سوم شخص مفرد وجه تمنایی vi-nāθayaiš.

هندواروپایی آغازین -sed* «نشستن»: آریایی آغازین -sādaia* «کرسی» در سنسکریت sādáyati ؛ ماضی استمراری فارسی‌باستان niyašādayam «نشستم» (در مورد š، پ ۱۱۷).

آریایی آغازین -aiš-aia* در سنسکریت eṣayati ؛ ماضی استمراری فارسی‌باستان frāišaya[t] ، frāišayam.

آریایی آغازین -gāu-aia* در سنسکریت jāvayati ؛ ماضی استمراری فارسی‌باستان abiy-ajāvayam «ایجاد کردم».

آریایی آغازین -tāu-aia* در فارسی‌باستان tāvayati «توانایی دارد»، ماضی استمراری atāvayam.

آریایی آغازین -tar-aia* «عبور کردن»، ماضی استمراری فارسی‌باستان viy-atarayam «گذشتم»، مقایسه شود با سنسکریت tāráyati.

آریایی آغازین -mān-aia* «ماندن»، ماضی استمراری فارسی‌باستان amānaya[t].

آریایی آغازین -gaužh-aia* «پنهان کردن»، دوم شخص مفرد تاکیدی فارسی‌باستان apa-gaudaya[h]* ؛ مقایسه شود با سنسکریت gūháyati.

ایرانی آغازین -ŝadaia* «بنظر رسیدن»، اوستا sadayeiti ، سوم شخص مفرد تاکیدی فارسی‌باستان θadaya[t]؛ مقایسه شود با سنسکریت chandáyati,chàndayati.

هندواروپایی آغازین -uort-eie* «سبب چرخیدن شدن»، سنسکریت vartayati؛ احتمالاً در فارسی‌باستان [va]rtaiyaiy «خود را متوجه (خدا) می‌کنم» (بجای tayaiy –، پ ۴۸).

فارسی‌باستان آغازین -ias-aia* مشتق از ایرانی آغازین -iaŝa* (با -sk̑e- هندواروپایی آغازین، ماضی استمراری فارسی‌باستان āyasatā «برای خود گرفتم»)، nīyasaya[t] «فرو فرستاد» (بجای niyayasaya[t]*، پ ۲۳/I).

### پ ۲۱۶ ـ دستگاه زمان مضارع نوع همراه با پسوند -ue-/-uo-:

این دستگاه در فارسی‌باستان، تنها در وجه تاکیدی sta[m]ba-va[h] «شورش کن!»،

با قطعیت یافت شده است، مقایسه شود با فارسی‌نو -stämb «ستمب». دو مثال دیگر نیز، البته با قطعیت کمتر، وجود دارد:
فارسی‌باستان [danu[vatiy ، سنسکریت dhánvati ، بن آریایی آغازین -dhanva ؛ مگر اینکه می‌توانستیم [danu[taiy فارسی‌باستان را بار دیگر باز سازیم، همانند سنسکریت dhanuté ، بن هندواروپایی آغازین -*dhn̥-nu (متفاوت با -neu- ، پ ۲۱۰/I)[90]
وجه امری فارسی‌باستان jīvā «زندگی کن» از هندواروپایی آغازین *g<sup>u</sup>ī-ue ؛ سوم شخص تثنیه ماضی استمراری فارسی‌باستان ajīvatam ؛ مقایسه شود با سنسکریت jīvati «زندگی می‌کند»: مگر اینکه -*g<sup>u</sup>īue ، واقعاً صورت شکسته شده ساخت مضاعف -*g<sup>u</sup>ī-g<sup>u</sup>e ، براساس ریشه -*g<sup>u</sup>ei «زندگی کردن»، با نبود g دوم، ناهمگونساز باشد، مقایسه شود با لاتین vīvō «زندگی می‌کنم»، vīvos «زنده»، اُسکی، فاعلی جمع مذکر bivus «زنده»، اما انگلیسی باستان cwĭcu «زنده»، انگلیسی نو quick آلمانی erquicken, queck.

**پ ۲۱۷ ـ دستگاه زمان مضارع افعال جعلی** (نوع سنسکریت namas-yati «مقدس می‌شمرد»، برپایه -námas «احترام گذاشتن) دارای پسوند هندواروپایی آغازین -*ie-/-io است که به بن اسمی می‌چسبد؛ این پسوند در اصل تکیه بر است:
فارسی‌باستان -avah-ya در ماضی استمراری patiy-avahyaiy «کمک خواستم»، برپایه بن اوستا -avah «کمک کردن»
فارسی‌باستان -garbā-ya در ماضی استمراری agarbāya<sup>t</sup> agarbāyam agarbāyatā agarbāya<sup>n</sup> ؛ برپایه آریایی آغازین -*gr̥bhā، مقایسه شود با سنسکریت gr̥bhāyati ؛ فارسی‌باستان وجه وصفی ā-garbīta دارای بن ـ واکه پایانی اسم تغییر یافته به آ است، همانگونه که در مثال بعدی دیده می‌شود.
فارسی‌باستان -draujī-ya «بعنوان دروغ تلقی کردن»، در دوم شخص مفرد التزامی [drau]jīyāhy برپایه -drauga «دروغ»، قرائت و بازسازی غلطی است که در DB 4.43 بجای dra[uga]m : maniyāhay صورت پذیرفته است (قرائت کامرون).

**پ ۲۱۸ ـ ساخت‌های زمان ماضی** یافت شده در فارسی‌باستان معدود و نادر هستند.

I- ماضی s دار، در niy-apaišam «نوشتم» (یا ?apišam-۹۱)،برپایه‌ریشه -paiθ دیده می‌شود، هندواروپایی آغازین -peīk* ؛ در حالت میانه adaršiy «تصرف کردم»، برپایه ریشه -dar ، هندواروپایی آغازین -dher* ؛ احتمالا در حالت مجهول -asahya در frāsah[ya]. پایانه‌های سوم شخص مفرد -s-t ، و نیز جمع -s-ṇt- ماضی، می‌توانند جوابگوی پایانه‌های مربوط به āiš āišaⁿ برپایه ریشه -ay (پ ۲۰۸) نیز باشند؛ akunavaša akunauš برپایه ریشه -kar ؛ adurujiyaša برپایه -durujia ؛ abaraha برپایه -bar.

II- ماضی قوی یابدون پسوند، با درجه قوی ریشه در مفرد اخباری معلوم، و با درجه ضعیف در بیشتر ساخت‌های دیگر، در موارد زیر در فارسی‌باستان دیده می‌شود: adāᵗ «او آفرید»، سنسکریت ádhāt ، هندواروپایی آغازین *édhēt؛ فارسی‌باستان akutā «او ساخت»، akumā «می‌سازیم»، kušuvā «توبساز»، = سنسکریت akṛma, ákṛta* و kṛṣva*. همچنین ممکن است وضع مذکور در اینجا به وجه امری dīdiy ، البته چنانچه بدون حذف بقرینه توضیح داده شود (پ ۲۰۹)، و وجه تمنایی ā-jamiyā (پ ۲۰۸)، که به عنوان زمان حال گرفته شده‌اند، و احتمالاً دوم شخص مفرد وجه تمنایی biyāʰ ، سوم شخص مفرد biyāᵗ (پ I/۲۲۳) نیز تعلق داشته باشد. اما صورت amaxamatā در DB4.92، یک قرائت اشتباه است، نگاه کنید به واژه‌نامه زیر مدخل مربوطه و نیز یادداشت متن

**پ ۲۱۹ ـ زمان ماضی نقلی** با قطعیت، تنها از سوی تک ـ ساخت وجه تمنایی caxriyaᵗ⁻ ، از qe-qr-iiēt* ، با مضاعف سازی با قاعده و با درجه ضعیف ریشه، در وجه تمنایی، مورد تائید قرار می‌گیرد. اصلاح من در JAOS 62.267-8 ، مربوط به سوم شخص مفرد ماضی نقلی وجه اخباری مجهول [c]āxr[iyatā] یا caxr[iyatā], در DB 4.90 بجای صورت axᵃrᵃ ] ارائه شده توسط KT ، کاملاً اشتباه بوده است.

**پ ۲۲۰ ـ بن مضارع حالت مجهول** در هندواروپایی آغازین، از طریق افزودن پسوند هندواروپایی آغازین -ie-/-io- ، که در سنسکریت تکیه بر است، ساخته می‌شود؛ در فارسی‌باستان، ریشه بنابر قاعده، دارای درجه عادی و متعارف

است، با -a-: ماضی استمراری سوم شخص مفرد و جمع abariya$^n$, abariya از ریشه -bar؛ ayadiya$^n$، ayadiya از ریشه -yad؛ akaniya از ریشه -kan «کندن»؛ a$\theta$ahya و a$\theta$ahiya، از ریشه -$\theta$ah؛ avaniya از -van؛ ajaniya از -jan؛ akariya, akariya$^n$tā از ریشه -kar؛ اول شخص جمع زمان حال $\theta$ahyāmahy از ریشه -$\theta$ah؛ سوم شخص مفرد تمنایی kariyaiš از ریشه -kar، fra$\theta$iyaiš از ریشه -fra$\theta$، سوم شخص جمع yadiyaiša$^n$ از ریشه -yad.

با نظام واکه‌ای بن زمان مضارع: adāriya، از ریشه -dar، مضارع -dāraya (پ ۲۱۵)؛ و صورت دارای افتادگی بسیار niyapi[$\theta$]i[ya] در DB 4.91 از ریشه -ni-pai$\theta$، مضارع -pi$\theta$a (پ ۲۱۱). صورت شکل گرفته برپایه بن زمان مضارع: سوم شخص مفرد ماضی استمراری akunavayatā از ریشه -kar، مضارع -kunav-a (پ ۲۱۰/I). دو ساخت نسبتاً مشکوک نیز برپایه بن ماضی s دار، وجود دارد، frāsah[ya] در DSf 27 از ریشه -sā (پ ۲۱۸/I)، و patiyafrasiya در DB 4.91 از -pati-fra$\theta$ (در مورد s بجای š نگاه کنید به، پیوست).

A

این نکته باید یاد آوری شود که پایانه‌های معلوم با دو استثناء بکار می‌روند، و این در حالی است که پسوند -ya- شایستگی نشان دادن ارزش مجهول را داراست[۹۲]. این دو استثناء عبارتند از akunavayatā و akariya$^n$tā با دو پسوند مجهول و پایانه حالت میانه.

## پ ۲۲۱ ـ وجوه قابل صرف فعل در فارسی‌باستان:

وجه اخباری، مستقیماً برپایه بن زمان و از طریق افزایش پایانه‌های شخص به آن، همانند وجه امری، ساخته می‌شود. وجه التزامی و تمنایی دارای ساخت‌های وجهی ویژه هستند و وجه تاکیدی در نداشتن افزونه از وجه اخباری متمایز می‌شود؛ بدین ترتیب این سه وجه می‌توانند بطور مستقل، و وجه اخباری و امری نیز می‌توانند تنها از نظر پایانه‌های شخصی مورد بررسی قرار گیرند (پ ۲۲۵ ـ پ ۲۳۷).

## پ ۲۲۲ ـ ساخت‌های التزامی:

تمام ساخت‌های التزامی، تا آنجا که در فارسی‌باستان یافت شده است، دارای

پایانه‌های شخصی اولیه هستند (پ ۲۲۵).

I- بن‌های غیر تماتیک دارای ساخت‌های التزامی همراه با واکه ماده ساز هستند، واکه بلند در اول شخص و واکه کوتاه در دوم و سوم شخص: -as «بودن»، سنسکریت ásati ، ásasi ، ásāni ، فارسی‌باستان ahaniy, āhy, ahatiy در ă. ahăniy ، چنانچه یک اشتباه نوشتاری نباشد، گسترشی است از ساخت‌های دیگر؛ āhy نیز بجای *ahahi قرار گرفته است (پ ۱۳۱).

II- بن‌های تماتیک، تماماً دارای ساخت‌های التزامی همراه با واکه بلند ماده ساز هستند، در اول شخص مفرد و اول شخص و سوم شخص جمع $\bar{o}$ ، و در ساخت‌های دیگر $\bar{e}$؛ دوم شخص و سوم شخص مفرد و حالت میانه نیز همانند سنسکریت bhár- āsi-āti- āsc- āte:

فارسی‌باستان:

xšnāsāhy, θāhy (بجای → *θahāhy), apa-gaudayāhy, pati-parsāhy, pari-barāhy ( و → pari-barāh[a]-diš), vaināhy; ni-rasātiy, xšnāsātiy, padi-parsātiy, bavātiy, vainātiy; maniyāhaiy (برای املاهای مختلف نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل -[1]man); maniyātaiy, gaubātaiy, θadayātaiy, yadātaiy, vainātaiy.

سوم شخص جمع میانه، همانند سنسکریت -ānti: فارسی‌باستان vi-nāθaya-ⁿtiy (شکل بازسازی شده).

III- برخی از بن‌های غیر تماتیک که در وجه اخباری، گاهی به بن‌های تماتیک تغییر می‌یابند، دارای ساخت‌های التزامی از نوع دوم هستند:

-kar، زمان حال -(kunav(a : kunavāhy ، اول شخص مفرد میانه kunavānaiy ، سوم شخص مفرد kunavātaiy.

-var، زمان حال -(varnav (a : varnavātaiy.

-xšnav، زمان حال -(xšnav(a : āxšnavāhy.

-kan، زمان حال -(kan(a : vi-kanāhy (و -āh[a]-diš).

-jan، زمان حال -(jan (a: احتمالاً (صورت بازسازی شده) سوم شخص جمع vi-jana-ⁿtiy ، مقایسه شود با سوم شخص مفرد اوستا janāiti.

## پ ۲۲۳ ـ ساخت‌های تمنایی:

تمام ساخت‌های تمنایی در فارسی‌باستان، همانند زبان‌های دیگر، دارای پایانه‌های ثانویه هستند.

I- بن‌های غیر تماتیک دارای ساخت‌های تمنایی همراه با -iē- هندواروپایی آغازین در مفرد معلوم و -ī- در صورت‌های دیگر هستند. پسوند -iē- ، که تنها در فارسی‌باستان موجود ظاهر می‌شود، پس از دو همخوان، حتی در هندواروپایی آغازین، به -iiē- تغییر می‌یابد؛ و حتی در فارسی‌باستان ,-iē-، پس از هر همخوانی بجز h (پ ۲۵)، بصورت -iyā- نوشته می‌شده است. مثال: دوم شخص مفرد b-iya$^{h}$ ؛ سوم شخص مفرد b-iya$^{-t}$ ,ā-jam-iya$^{t}$، ماضی نقلی caxriya$^{-t}$ ، avā-jan-iya$^{-t}$.

II- بن‌های تماتیک، دارای ساخت‌های تمنایی همراه با -ī- (همانند درجه ضعیف -iē-، مقایسه شود با I) افزوده شده به واکه ماده‌ساز هندواروپایی آغازین -o- هستند که در هندواروپایی آغازین -oi- را می‌سازد: مقایسه شود با، دوم و سوم شخص مفرد یونانی φεροι φεροις، سنسکریت bhàret bhàreṣ.

مثال:

سوم شخص مفرد vi-nāθayaiš ، مجهول fraθiyaiš kariyaiš ، مجهول جمع yadiyaiša$^{n}$ (برپایانه، پ ۲۳۲/III)؛

دوم شخص مفرد میانه با پایانه -so-، yadaišā. مقایسه شود با یونانی φεροιο.

## پ ۲۲۴ ـ ساخت‌های تاکیدی

صرفاً ساخت‌های اخباری ثانویه بدون افزونه‌اند؛ صورت‌های زیر در فارسی‌باستان یافته شده‌اند:

اول شخص مفرد tarsam ؛ دوم شخص مفرد stabava$^{h}$ ، apa-gaudaya$^{h}$ ، ava-rada$^{h}$ ؛ سوم شخص مفرد θadaya$^{t}$.

نیز نگاه کنید به: پ ۲۳۷.

## پ ۲۲۵ ـ پایانه‌های شخصی فعل

تا آنجائیکه در ساخت‌های موجود فارسی‌باستان ظاهر می‌شوند، در جدول زیر آمده‌اند؛ چون معادل

هندواروپایی آغازین این پایانه‌ها در همه موارد، مشخص نیست، ازین روی، هم ارزش آریایی آغازین آنها داده شده است.

## جدول پایانه‌های شخصی

| | | معلوم | | | میانه | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | | اولیه | ثانویه | امری | اولیه | ثانویه | امری |
| مفرد | 1 | -mi<br>-ni | -m | -i | | -nai | -i |
| | 2 | -si | 0 -s | -dhi | هیچ<br>-sai | -sa | -sua. |
| | 3 | -ti | -t -tu | -tai | -to | -tām | |
| تثنیه | 3 | | -tam | | | | |
| جمع | 1 | -masi | -ma | | | | |
| | 2 | | -ta | | | | |
| | 3 | -nti | -nt | | -nta | | |

ویژگی اصلی a آریایی آغازین در پاره‌ای از این پایانه‌ها، در برخی از زبان‌های دیگر، بویژه یونانی دیده می‌شود: پایانه دوم شخص جمع ta- برابر است با te- هندواروپایی آغازین؛ sai, -tai- برابر است با sai, -tai- هندواروپایی آغازین؛ sa-، سوم شخص مفرد ta- و nta ,-tam- برابرند با tom, -to, -so- و nto- هندواروپایی آغازین؛ masi- و ma- بین e- (همانند یونانی دُری μεs-) و o- (همانند لاتین mus-) در تغییر و نوسان بوده‌اند؛ برای ā- در sua, -nai- و tām- نیز، شاهدی وجود ندارد.

تعدادی از تغییرات مربوط به ساخت‌های هندواروپایی آغازین در بخش‌های آینده مورد بحث قرار خواهد گرفت. پایانه‌های امری، بصورت مجموعه در: پ ۲۳۷ ارائه شده است.

لازم به ذکر است که پاره‌ای از این پایانه‌ها، در دستگاه هجانگار فارسی‌باستان، قابل تشخیص نیستند. پایانه‌های ti -tai -nti-، در مجموع بصورت $t^aiy^a$- نوشته می‌شوند، اگرچه در نمونه موجود در یک بافت و یا ساخت‌های دیگر همان فعل، بصورت $^n$tiy -taiy- -tiy- عادی شده‌اند. nta,-ta- هر دو بصورت $t^a$a–

نوشته و بصورت $^{n}$tā, -tā– عادی می‌شوند؛ s -t -nt-، چنانچه -ā- بر آنها مقدم شده باشد، در مجموع در خط قابل ارائه نیستند، اگرچه همانند n در nti- و nta-، آنها نیز می‌توانند بطور اختیاری، بوسیله حروف بر کشیده، در فرایند عادی سازی، ارائه شوند. پایانه‌های ni– و nai- وجه التزامی نیز، هر دو بصورت $n^{a}iy^{a}$- نوشته می‌شوند، اگرچه بصورت niy- و naiy- عادی می‌گردند. علاوه بر این، دگرگونی مربوط به آریایی که سبب تبدیل e و o هندواروپایی آغازین به a می‌شود، تشخیص ویژگی این واکه ماده ساز را صرفاً از طریق نمونه ساخت‌های آریایی، غیر ممکن می‌سازد؛ از این روی، برای این منظور، واژه‌های همریشه و خویشاوند یونانی بر شمرده شده‌اند.

## پ ۲۲۶ ـ پایانه‌های اول شخص مفرد معلوم.

I- پایانه اولیه mi- مستقیماً به بن‌های غیر تماتیک می‌چسبد، همانند هندواروپایی آغازین *es-mi، سنسکریت ásmi، اوستا ahmi، فارسی‌باستان amiy. پایانه بن‌های تماتیک عبارت بود از صورت بلند واکه ماده ساز o، همانند لاتین ferō، یونانی φερω؛ اما در آریایی، به این ō-، پایانه mi- نیز افزود می‌شده است، همانند سنسکریت bhárā-mi، اوستا barāmi، فارسی‌باستان pari-barāmiy. مثال‌های دیگر فارسی‌باستان:

parsāmaiy, Skt. prcchāmi; dārayāmiy, Skt. dhāráyāmi; vaināmiy, jadiyāmiy.

پایانه ni-، با اصلی نامشخص، به همان ترتیب، به اول شخص مفرد وجه التزامی مختوم به ō- افزوده شده است: هندواروپایی آغازین *es-ō برپایه *es- «بودن»، یونانی ایونی εω، لاتین (آینده اخباری) erō؛ اما سنسکریت ásā-ni، فارسی‌باستان ahăniy (با ă احتمالاً پس از ă در دیگر ساخت‌ها، همانند سوم شخص مفرد ahatiy).

II- پایانه ثانویه m- مستقیماً به واکه ماده ساز -o- افزوده می‌شود: هندواروپایی آغازین ebhero-m «من بردم»، سنسکریت ábharam، یونانی εφερον، فارسی‌باستان abaram، سنسکریت áprccham، فارسی‌باستان aparsam.

مثال‌های دیگر فارسی‌باستان: niyašādayam, frānayam, arasam, و غیره.

این پایانه هنگامیکه به بن‌های غیر تماتیک افزوده گردد، m- دارای ارزش واکه‌ای می‌شود و در آریایی آغازین به am- تحول می‌یابد، در واقع، نوعی تعمیم ارزش پیش واکه‌ای، از طریق همسانی حاصله از am- با واحد ماده ساز o-m- تحقق می‌یابد: هندواروپایی آغازین *ēs-m̥ «بودم». سنسکریت āsam، فارسی‌باستان āham ؛ سنسکریت ákr̥ṇavam ، فارسی‌باستان akunavam ؛ فارسی‌باستان frājanam avājanam, viyakanam, avākanam, nij-āyam [u]pāyam upariy-ā[ya]m, niyapaišam, ماضی , f[rā]stāyam. پسوند -nā- در adīnan به -na- تبدیل شده است، همانند اول شخص‌های دیگر.

## پ ۲۲۷ ـ پایانه‌های دوم شخص مفرد معلوم.

I- پایانه اولیه si- مستقیماً به بن مضارع می‌چسبد، اعم از اینکه تماتیک یا غیر تماتیک باشد، اما در فارسی‌باستان، این وضعیت تنها در ساخت‌های التزامی ظاهر می‌شود:
pati-parsāhy(-hy در مورد → §37), Skt. prcchāsi; pari-barāhy و -barāh$^a$-diš (§136), vikanāhy و -kanāh$^a$-diš, kunavāhy, xšnāsāhy, ā-xšnavāhy, vaināhy, apa-gaudayāhy, $\theta$āhy بجای→ *$\theta$ahāhy (§ 131);
āhy برای وجه التزامی دارای واکه کوتاه (پ ۲۲۲/I) *ahahy که برابر است با سنسکریت ásasi.

II- پایانه ثانویه s- در سنسکریت ábharas ، یونانی εφερες ، دید می‌شود؛ این پایانه در فارسی‌باستان، تنها در ساخت تاکیدی ava-rada, apa-gaudaya, stabava, و ساخت تمنایی [biy]ā ظاهر می‌شود که در آنها نیز نوشته نمی‌شود، زیرا در موضع پایانی پس از ā قرار دارد (پ ۳۶).

## پ ۲۲۸ ـ پایانه‌های سوم شخص مفرد معلوم.

I- پایانه اولیه ti- است، که واکه ماده ساز پیش از آن -e- می‌باشد:
هندواروپایی آغازین *bheueti ، سنسکریت bhàvati ، فارسی‌باستان bavatiy؛

هندواروپایی آغازین *bhereti، سنسکریت bhàrati، فارسی باستان ābaratiy؛ فارسی باستان tarsatiy, dārayatiy و غیره؛ θātiy به جای *θahatiy پس از *θāhy بجای *θahahy (پ ۱۳۱). غیر تماتیک: هندواروپایی آغازین *esti، سنسکریت hànti، فارسی باستان $ja^{n}tiy$؛ سنسکریت kr̥ṇóti، فارسی باستان kunautiy؛ فارسی باستان ā-xšnautiy ساخت‌های التزامی: سنسکریت bhàvāti، فارسی باستان bavātiy؛ سنسکریت àsati، فارسی باستان ahatiy؛ و غیره (پ ۲۲۲).

-II پایانه ثانویه t- است، که در فارسی باستان، در موضع پایانی، پس از ā نوشته نمی‌شود (پ ۴۰)؛ واکه ماده ساز پیش از t- ,-e- است: هندواروپایی آغازین *ebheuet، سنکریت abhavat، فارسی باستان abava، هندواروپایی آغازین *ebheret، یونانی εφερε، سنسکریت àbharat، فارسی باستان abara؛ سنسکریت àdruhyat، فارسی باستان adurujiya؛ سنسکریت àdhārayat، فارسی باستان adāraya؛ viyamarda؛ بدون افزونه avahar[da]؛ و غیره، ساخت تاکیدی θadaya. غیرتماتیک بازسازی شده $āha^{t}$ «بود». ساخت مجهول adāriya , abariya و غیره (پ ۲۲۰). غیر تماتیک: $adānā^{t}$ برپایه -xšnā، adadā از ریشه -²dā، adīnā از ریشه -²dī، $viy\text{-}aka^{n}$ از ریشه -kan، $avāja^{n}$ از -ava-jan؛ در دو صورت اخیر، n ریشه‌ای نیز همانند پایانه t- در خط فارسی باستان نشان داده نمی‌شود. ماضی با وجه قوی: هندواروپایی آغازین *edhēt، سنسکریت àdhāt، فارسی باستان adā. ساخت‌های تمنایی: سنسکریت gamyāt، فارسی باستان ā-jamiyā؛ فارسی باستان avā-janiyā، biyā، ماضی نقلی caxriyā.

-III هنگامیکه i یا u پیش از پایانه t قرار گیرند، آن ساخت در فارسی باستان دارای š پایانی خواهد بود. احتمالاً، این حالت، از ماضی s دار منتقل شده است، جائیکه پایانه‌ها در آن می‌باید -is-s, -is-m و -is-t هندواروپایی آغازین، išam و -iš-iš آریایی آغازین باشد؛ همسانی ساخت‌های دوم و سوم شخص سبب نوعی قیاس در دوم شخص مفرد ماضی استمراری مختوم به i-š- می‌شود (در فارسی باستان مثالی موجود نیست)، در حالی که سوم شخص مفرد ماضی استمراری هم، به -iš پایان می‌پذیرد[۹۳]. پس از u نیز، این پدیده‌ها همانگونه‌اند[۹۴]. مثال‌های فارسی باستان عبارتند از āiš «رفت»، atiy-āiš

«رفت»، akunauš «ساخت»، (سنسکریت ákr̥̥not)، adaršnauš «جرأت داشت»، (سنسکریت ádhr̥snot)؛ و نیز ساخت‌های تمنایی معلوم تماتیک vināθayaiš ، مجهول kariyaiš ، fraθiyaiš (مقایسه شود با پایانه یونانی φεροι، سنسکریت bháret).

**پ ۲۲۹ ـ پایانه‌های سوم شخص تثنیه معلوم** تنها در ساخت ajīvatam «(هردو) زندگی می‌کردند»، با پایانه مطابق با پایانه اولیه یونانی در زمان حال φερετον «(هردو) می‌برند»، هندواروپایی آغازین tom-، ظاهر می‌شود. در قرینه ماضی استمراری، یونانی دُری εφερετᾱν و سنسکریت ábharatām، هر دو ساخت دارای واکه‌های بلند هستند.

## پ ۲۳۰ ـ پایانه‌های اول شخص جمع معلوم

I- پایانه اولیه mes,- هندواروپایی آغازین بوده است، همانند یونانی دُری φερομes یا mos-، همانند لاتین ferimus؛ آریایی آغازین دارای mas- یا شکل در افزوده آن با i- اشاره بصورت masi- است. هر دو صورت mas- و masi- در سنسکریت ظاهر می‌شود، در حالیکه در ایرانی تنها، صورت masi- دیده می‌شود. بنابراین سنسکریت smás و smási «ما هستیم»، اوستا mahi، فارسی‌باستان aʰmahy (-a پس از صورت مفرد astiy, aʰmiy همانند یونانی εσμε-ν). همین پایانه در فارسی‌باستان θahyāmahy «خوانده می‌شویم» نیز وجود دارد.

II- پایانه ثانویه عبارت بود از هندواروپایی آغازین me- یا mo-، همانند یونانی εφεροµε-ν، سنسکریت ábharāma؛ مثال‌های فارسی‌باستان: ماضی استمراری viy-atarayāmā، ماضی akumā.

## پ ۲۳۱ ـ پایانه‌های دوم شخص جمع معلوم.

تنها ساخت‌های فارسی‌باستان دو ساخت تاکیدی زیر به گونه امر است: paraitā «فراروید»، از parā+itā، مقایسه شود با امر سنسکریت itá ،یونانی

*ιτε*، لاتین īte (با درجه قوی ریشه از صورت مفرد)؛ و jatā «بزن»، سنسکریت hatá. این پایانه صورت ثانویه هندواروپایی آغازین te- است.

## پ ۲۳۲ ـ پایانه‌های سوم شخص جمع معلوم

I- پایانه اولیه، پایانه هندواروپایی nti- بوده که به واکه ماده ساز o- متصل می‌شده است:

هندواروپایی آغازین *bheronti، یونانی دُری *φεροντι*، سنسکریت bhàranti، فارسی‌باستان bara$^n$tiy؛ سنسکریت bhàvanti، فارسی‌باستان bava$^n$tiy؛ سنسکریت dhāràyanti، فارسی‌باستان dāraya$^n$tiy؛ فارسی‌باستان tarsa$^n$tiy؛ ساخت‌های التزامی (بازسازی شده) با ō- فارسی‌باستان vijanā$^n$tiy، vināθayā$^n$tiy (مقایسه شود با: پ III/۲۲۲).

هنگامیکه به بن بی‌تکیه غیر تماتیک می‌چسبید، nti- الزاماً تکیه بر می‌شده و صورت هندواروپایی آغازین énti ـ را بخود می‌گرفت: هندواروپایی آغازین *s-énti «آنها هستند»، اُسکی sent، یونانی دُری (پی‌چسب) *εντι* سنسکریت sánti، فارسی‌باستان ha$^n$tiy. باید یاد آور شد که خط فارسی‌باستان، امکان نشان دادن آوای غنه را در پایانی نمی‌دهد (پ ۱۱۱).

II- پایانه ثانویه عبارت بود از nt- هندواروپایی آغازین، که در آریایی آغازین، t پایانی را از دست داده است، مگر زمانیکه آواشناسی جمله ابقاء آن را ممکن ساخته باشد؛ و این در حالی است که در آریایی آغازین تنها یک همخوان می‌تواند در پایان واژه قرار بگیرد. در فارسی‌باستان نیز n پایانی نوشته نمی‌شده است (پ ۱۱۲). واکه ماده ساز پیش از این پایانه o- بوده است.

pIE *ebheront, Gk. *εφερον*, Skt. ábharan, OP abara$^n$; OP abava$^n$, anaya$^n$, ayauda$^n$, ašiyava$^n$, atarsa$^n$, agarbāya$^n$;
مجهول abariya$^n$, ayadiya$^n$.

بن‌های غیر تماتیک، معمولاً پس از همخوان‌ها دارای پایانه هندواروپایی آغازین n̥t- هستند که در آریایی آغازین بصورت at- در می‌آید؛ اما این پایانه معمولاً پس از am- اول شخص مفرد، با an(t)- جایگزینی پیدا می‌کند:

هندواروپایی آغازین *ēs-n̥t، اما سنسکریت āsan، فارسی‌باستان āha$^n$؛

فارسی‌باستان apariyāya$^{n}$ ، avājana$^{n}$.

III- ماضی s دار نیز بهمین نحو سوم شخص جمع خود را از sat-(> s..nt-) بصورت san(t)-، دوباره بازسازی کرده است؛ بنابراین در یونانی، ماضی s دار ἔλῡσ-αν «رها کردند»، در جای دیگر ماضی با درجه قوی ἔδο-σαν «آنها دادند» و (یونانی متاخر) صورت تماتیک ἐλάβο-σαν «آنها گرفتند». همچنین در فارسی‌باستان نیز، san- در پاره‌ای از افعال گسترش یافته است[۹۵]، در حالیکه از روی قاعده، پس از a بصورت ha$^{n}$- و پس از i بصورت ša$^{n}$- ـ در آمده است: abaraha$^{n}$ در برابر abara$^{n}$, patiyāiša$^{n}$، تمنایی مجهول yadiyaiša$^{n}$، و با گسترش ša$^{n}$- به جایگاه پس از a, adarujiyaša$^{n}$ ، akunavaša$^{n}$ در برابر akanava$^{n}$.

## پ ۲۳۳ ـ پایانه‌های اول شخص مفرد میانه.

I- بنظر می‌رسد که زمان ماضی نقلی دارای پایانه ai- بوده است، همانند سنسکریت tutudé ، لاتین tutudī، با ویژگی واکه‌ای که بوسیله اسناد فالیشی[۱] مشخص شده است؛ این پایانه همانند پایانه a- اول شخص ماضی نقلی معلوم، که در یونانی οἶδα، سنسکریت véda بعلاوه پایانه میانه i- دیده می‌شود، بنظر می‌آید (نگاه کنید به پاراگراف V در زیر).

II- علیرغم پایانه اصیل در زمانهای اصلی، این پایانه نیز همانند پایانه زمان ماضی نقلی، در آریایی با ai- جایگزین شده است؛ احتمالاً این، صورت ساده شده‌ای بوده است که از تغییر واکه ماده ساز -e-/-o- به -a- آریایی، و ai- مربوط به دوم شخص مفرد sai- و سوم شخص مفرد tai-، بدست می‌آمده است، مانند یونانی (غیر تماتیک) δίδο-σαι δίδο-ται، (تماتیک) φέρῃ φέρεται . در فارسی‌باستان، ما زمان حال maniyaiy (= سنسکریت mánye) و vartaiyaiy

---

۱. faliscan ـ صفت نسبی منسوب به اقوام فالیشی که در شهر فالری واقع در منطقه اتروریا زندگی می‌کردند. قومی باستانی از نژاد ایتالیایی که در قرن پنجم پیش از میلاد در بخش جنوبی اتروریا ساکن بوده و لهجه‌ای بنام فالیشی متعلق به زبان لاتین داشتند. این زبان بوسیله کتیبه‌های کوچک نوشته شده به الفبایی با ریشه اتروسک شناخته شده است.

(بجای tayaiy-، پ ۴۸؛ = سنسکریت vartaye) را داریم. همین ai-، به عنوان پایانه اولیه بن‌های غیر تماتیک، در اوستا و هندی باستان نیز دیده می‌شود، اما در فارسی‌باستان برای آن مثالی وجود ندارد.

III- این ai-، در آریایی به عنوان پایانه ثانویه در ساخت‌های ماضی استمراری تماتیک نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت، همانند:

Skt. ámanye, OP amaniyaiy; OP ayadaiy, apayaiy, ham-adārayaiy, ham-ataxšaiy, patiy-āvahyaiy, patiy-axšayaiy.

IV- ساخت مضارع التزامی میانه kunavānaiy ، دارای ni- معلوم است که صورت دوباره بازسازی شده‌ای است برپایه nai- پس از sai- دوم شخص مفرد و tai- سوم شخص مفرد؛ ānai- موجود در این ساخت، در سنسکریت که تنها دارای āi- است، یافت نمی‌شود، اما در اوستا، هر دو صورت āi- و āne- (از ānai-) ظاهر می‌گردد.

V- پایانه i- در ساخت‌های ماضی استمراری و نیز ساخت‌های ماضی غیر تماتیک در آریایی، اصیل به نظر می‌رسد؛ مقایسه شود با سنسکریت áneṣi «هدایت کردم» از ریشه -nī . در این مورد، تنها یک مثال در فارسی‌باستان وجود دارد که آنهم صورت ماضی s دار adaršiy «تصرف کردم» از ریشه -dar (عادی سازی adaršaiy، با aiy- نیز، همانند همه اول شخص‌های مفرد میانه دیگر فارسی‌باستان، امکان پذیر می‌باشد) است.

## پ ۲۳۴ ـ پایانه‌های دوم شخص مفرد میانه.

I- پایانه اولیه، sai- هندواروپایی آغازین بوده است، که در یونانی (غیر تماتیک) διδο-σαι ، سنسکریت (تماتیک) bhárase دیده می‌شود. تنها مثال فارسی‌باستان ساخت التزامی maniyāhaiy (با املاهای متفاوت، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل [1]man) است.

II- پایانه ثانویه so- هندواروپایی آغازین بوده است که در یونانی (غیر تماتیک) εδιδο-σο دیده می‌شود و با اوستا مطابقت دارد (سنسکریت دارای پایانه متفاوتی بصورت thās ـ است). در این مورد یک مثال فارسی‌باستان وجود دارد که آنهم ساخت تمنایی yadaišā است؛ برای ساخت و پایانه، مقایسه شود با

یونانی εποιο «باشد که دنبال کنی»، اوستا haxšaēša (نوشته شده بصورت (hix-.

## پ ۲۳۵ ـ پایانه‌های سوم شخص مفرد میانه.

I- پایانه اولیه tai- هندواروپایی آغازین بوده است، همانند یونانی φερεται، سنسکریت bhárate ؛ این پایانه در ,yadataiy (=Skt. yájate), gaubataiy ham-taxšataiy, vainataiy, varnavataiy، و نیز در ساخت‌های التزامی gaubātaiy ، yadātaiy و غیره (پ ۲۲۲) فارسی‌باستان دیده می‌شود.

II- پایانه ثانویه to- هندواروپایی آغازین بوده است، همانند یونانی εφερετο، سنسکریت ábharata؛ این پایانه در فارسی‌باستان udapatatā (یونانی επετετο، سنسکریت ápatata)، anayatā (سنسکریت ánayata)، amariyatā، frāmāyatā ، agarbāyatā ، agaubatā ، ham-ataxšatā، āyasatā، [ā]h[yat]ā، ساخت مجهول akunavayatā ؛ صورت غیر تماتیک بازسازی شده به تماتیک avar[navatā] و a^hištatā ؛ ماضی غیر تماتیک akutā (سنسکریت ákṛta) و ماضی استمراری patiy-ajatā (سنسکریت āhata) ؛ و نیز در قرائت‌ها و بازسازی‌های اشتباه در .DB 4.90-2 همانند ,c] āxr[iyatā, adā[rayat]ā am]āvatā, amaxmatā و a]vādā[tā دیده می‌شود.

## پ ۲۳۶ ـ پایانه‌های سوم شخص جمع میانه.

واکه ماده ساز پیش از پایانه عبارت بوده است از -o-، همانگونه که در یونانی نشان داده می‌شود.

I- پایانه اولیه عبارت بود از ntai- هندواروپایی آغازین، مانند یونانی φερονται، سنسکریت bhárante؛برای‌این‌پایانه‌درفارسی‌باستان،شاهدمثالی وجود ندارد.

II- پایانه ثانویه عبارت بوده است از nto- هندواروپایی آغازین، همانند فارسی‌باستان abara^ntā ، سنسکریت ábharanta ، یونانی εφεροντο ؛ agauba^ntā ، ساخت مجهول akariya^ntā ، صورت غیر تماتیک بازسازی شده به تماتیک akunava^ntā «کردند»، āha^ntā «بودند» ، āya^ntā «رفتند».

## پ ۲۳۷ ـ پایانه‌های شخصی وجه امری.

علاوه بر ساخت‌های تاکیدی،

ساخت‌های امری با پایانه‌های ویژه نیز وجود دارند که در اینجا مورد بحث قرار گرفته‌اند. ساخت‌های تاکیدی آنهایی هستند که همراه با mā در تحریم‌ها بکار می‌روند: اول شخص مفرد tarsam (پ ۲۲۶/II)، دوم شخص مفرد $stabava^h$ apagaudaya$^h$ ava-rada$^h$ (پ ۲۲۷/II)، سوم شخص مفرد θadaya$^t$ (پ ۲۲۸/II) ؛ و آنهایی که بعنوان ساخت‌های با قاعده امری بکار می‌روند: دوم شخص جمع paraitā jatā (پ ۲۳۱).

-I دوم شخص مفرد معلوم بن‌های تماتیک، همان بن بدون پسوند است:
jīvā, Skt. jīva; pari-barā, Skt. bhára, Gk. *φέρε*; parsā, Skt. prcchá, Lat. posce.

بن‌های غیر تماتیک دارای dhi- تکیه بر هستند که به درجه ضعیف ریشه متصل می‌شود:
pIE *i-dhi, OP -idiy در → paraidiy و parīdiy, Skt. ihí, Gk. *ἴθι*;
pIE *g$^u$hṇ-dhí, OP jadiy, Skt. jahí; OP pādiy, dīdiy (§129), ā-xšnudiy, rādiy (DB 4.54).

-II سوم شخص مفرد معلوم و سوم شخص جمع معلوم در آریایی دارای پایانه‌های tu- و ntu- هستند، که ممکن است ساخت‌های تاکیدی مختوم به t- و nt- با افزایش ادات تاکید u (شناخته شده در سنسکریت) باشند: تماتیک baratuv، سنسکریت bhàratu ؛ raxθatuv ؛ غیر تماتیک dadātuv سنسکریت dàdātu ؛ kunautuv, pātuv , ni-ka$^n$tuv ؛ سوم شخص جمع pā$^n$tuv.

-III دوم شخص مفرد میانه در آریایی دارای پایانه sua- بوده است:
OP pati-paya-$^h$uvā, cf. Skt. bhárasva; OP ku-šuvā, Skt. kr-svá.

-IV سوم شخص مفرد میانه، در آریایی دارای پایانه tām- بوده است، مانند سنسکریت bháratām؛ تنها مثال فارسی‌باستان varnavatām است که ساخت تماتیک بازسازی شده‌ای است از یک بن غیر تماتیک.

**پ ۲۳۸ ـ مصدر** در فارسی‌باستان، تنها در مضارع معلوم همراه با پسوند tanaiy-

یعنی صورت کهن پایانه مصدری tän - یا dän[۲]- فارسی نو، ظاهر می‌شود: cartanaiy «کردن، انجام دادن»، برپایه -kantanaiy; kar «کندن»، برپایه -kan؛ مقایسه شود با فارسی‌نو kändän (کندن)؛ bartanaiy «بردن»، برپایه -nipaištanaiy; bar «نوشتن»، برپایه -ni-paiθ. -c در cartanaiy، گواه گردش واکه‌ای -e- در این ساخت است (پ ۹۸)؛ kärdän (کردن) در فارسی‌نو، دارای -k تعمیم یافته از بقایای صورت صرفی است. از نظر ساخت، tanaiy– صورت برایی مفرد بن مختوم به -tan- است (صورت‌های دیگر بن‌های مختوم به -an-[۹۶]، در هندی باستان، بصورت مصدر ظاهر می‌شود و در جای دیگر که به احتمال ضعیف بصورت -tanaiy در می‌آید بیانگر حالت دری مفرد بن مختوم به -tana- است).

**پ ۲۳۹ ـ وجوه وصفی یافت شده در فارسی‌باستان** صفت فاعلی معلوم با پسوند -nt- ؛ صفت فاعلی میانه با پسوند -mno-؛ صفت مفعولی نقلی با پسوند -to- و -no- ؛ و صفت مفعولی آینده مختوم به -eto- ، با معنی قابل تغییر به گذشته را در برمی‌گیرد.

**پ ۲۴۰ ـ صفت فاعلی معلوم** دارای پسوند -nt- است، که واکه ماده ساز پیش از آن -o- می‌باشد: فاعلی مذکر هندواروپایی آغازین -ōnt یا -ont-s، مونث -ontī یا -ontiə، خـنثی -ont ؛ یونانی φέρ- ωv -ουσα -ον ؛ سنسکریت bhàran,bhàrantī یا bhàrati,bhàrat. در حالی که ساخت‌های تماتیک (آریایی) بیشتر دارای -at- هستند تا -ant- و این براثر گسترش ساخت‌های غیر تماتیک است، -nt- به سبب همخوان مقدم، به -n̥t- تغییر می‌کند؛ بر عکس، ساخت‌های غیر تماتیک (آریایی) می‌باید براساس تبعیت از ساخت‌های تماتیک و یا به سبب پسوند مربوطه، دارای -ant- باشند، که در صورت تکیه بر بودن، ارزشی برابر با -ent یا -ont- هندواروپایی آغازین می‌داشته است. مثال‌های فارسی‌باستان عبارتند از: فاعلی مفرد مذکر tunuvā ، از -ōnt ، احتمالاً با -s در افزوده در ایرانی (پ ۱۸۸/II)، برپایه مضارع *tunau-ti ؛

---

۲. پایانه مصدری ـ تَن و ـ دَن، در فارسی امروز

مفعولی صریح مفرد مذکر $tunuva^{n}tam$ ؛ وابستگی مفرد مذکر $tunuva^{n}tahy\bar{a}$، با صرف تماتیک: -s و -ant- فاعلی بن، با ساخت‌های اوستا مطابقت می‌کند. صورت بازسازی شده غیر قطعی $yau[da^{n}tim]$ در حالت مفعولی صریح مفرد مونث نیز وجود دارد که بنابر قاعده برپایه *yaudati مضارع ساخته شده است.

A   -at که صورت کهن خنثی در آریایی آغازین است، در جزء نخست ترکیبات $d\bar{a}raya^{t}$-$va^{h}u$- «داریوش»، $vi^{n}da^{t}$-$farna^{h}$- «وید فرن»، $v\bar{a}ya^{t}$-spāra- (پ ۱۶۲) و نیز در واژه مشتق -hašiya «درست» برابر با سنسکریت -satyá، هندواروپایی آغازین -sn̥-io* باقیمانده است، در حالیکه sát (سنسکریت) وجه وصفی خنثی است که بر پایه -as «بودن» شکل گرفته است.

**پ ۲۴۱ ـ صفت فاعلی میانه** پسوند -meno- دارد که در یونانی φερὸμεvos دیده می‌شود، در حالیکه این پسوند در سنسکریت دارای واکه بلند است، همانند bhára-māṇas و یا دارای درجه ضعیف همانند اوستا -barəmna. واکه ماده ساز مقدم بر -meno- در یونانی باید بصورت -o- دیده شود؛ اما در واژه یونانی βελε-μvov «پّرانه»، این واکه -e- است، زیرا پسوند آن به صورت -mno- آمده است. مثال‌های فارسی‌باستان عبارتند از xšayamna «حکمران»، jiyamnam «آخر»

**پ ۲۴۲ ـ صفت مفعولی نقلی مختوم به -to-** ممکن است برپایه هر ریشه فعلی اعم از متعدی یا لازم، ساخته شود؛ هنگامیکه ریشه از نظر معنی لازم باشد، وجه وصفی در معنی، معلوم خواهد بود، همانند فارسی‌باستان para-itā «فرا رسیده»، marta «مرده».

-I   پسوند وجه وصفی -to- تکیه بر است و از این روی ریشه فعلی بنابر قاعده دارای درجه ضعف خواهد بود: بدین ترتیب para-itā، سنسکریت itá، برپایه -ay «رفتن» [p]ištā, ni-pišta-، سنسکریت -piṣṭá، برپایه -paiθ «تزیین کردن»؛ -xšnuta برپایه -xšnav ؛ axšatā، سنسکریت -kṣata برپایه ـ xšan؛ ava-jata، سنسکریت -hatá، برپایه -jan ؛ -karta، سنسکریت ـ kr̥tá، برپایه

kar- ؛ parā-bartam, u-barta- ، سنسکریت - bhṛtá ، برپایه -bar ؛ -marta ، سنسکریت -mṛtá ، برپایه -mar ؛ -arta ، سنسکریت -ṛtá ، برپایه -ar؛ احتمالاً parta[m] برپایه -par ؛ dītam ، مقایسه شود با اوستا zyā ؛ -hita در an-ā-hītā، با پیوندی نامشخص.

خوشه حاصله از یک آوای واکدار دمیده انسدادی t+ در هندواروپایی آغازین، به خوشه واکدار حاصله از یک آوای نادمیده + دمیده، در هندواروپایی آغازین منجر می‌شود، تولیدی که در هندی باستان باقی مانده، اما در ایرانی، با یک خوشه بی واک نادمیده قیاسی جایگزینی می‌یابد:

pIE *dhreugh-:ptc. *dhrugh-to-> *dhrugdho-, pAr. *drugdha-, Skt. drugdhá- ؛ اما → pIr. *druxta-, GAv. druxtō, OP duruxtam.

pIE *bhendh-: ptc. *bhṇdh-to-> *bhṇdzdho- (§58 .D[۳]), Skt. baddhá-, اما → Av. basta-, OP basta-

pIE *gendh-: OP gasta- پلید، cf. Skt. gandhá- بو

II- گاهی اوقات -to- به عنوان نتیجه همترازی با نظام واکه‌ای که در ساخت‌های دیگر فعلی وجود دارد، به درجه قوی ریشه می‌پیوند؛ در پاره‌ای از نمونه‌ها، مزاحمت خوشه‌های همخوانی درجات ضعیف یک عامل بحساب می‌آمده است.

هندواروپایی آغازین -*dhə-to-:*dhē ، سنسکریت -hitá ؛ اما اوستا -dāta «حق»، فارسی‌باستان dātam «قانون».

آریایی آغازین -pā «پاییدن»: سنسکریت –pāta ، اوستا– pāta ، فارسی‌باستان -pāta.

هندواروپایی آغازین -*mə-to-:*mē ، سنسکریت ـ mitá ، اوستا -mita ؛ نیز اوستا -māta ، فارسی‌باستان fra-mātam, ā-mātā.

فارسی‌باستان šiyāta «شاد»، اوستا -šyāta ، لاتین quiētus.

سنسکریت -khatá «کنده شده» برپایه -khan ؛ اما اوستا -kanta ، فارسی‌باستان $ka^{n}tam$ «حفاری».

هندواروپایی آغازین -*prek «سئوال کردن»: -*pṛk-to ، سنسکریت -pṛṣṭá ، اوستا

---

۳.در ترجمه: (پ ن/۵۸).

-paršta ؛ امـا فـارسی‌باستان -u-frašta ، -u-frasta «خـوب مـجازات شـده» (جایی که تغییر p به f نشان میدهد که r همخوانی بـلافاصله در پـی آن آمـده است، پ ۷۴/I).

هندواروپایی آغازین -nek* «از بین بردن»: -nek-to* با درجه قوی، سنسکریت -nastá، اوستا -našta ، فارسی‌باستان vi-nastahyā.

هندواروپایی آغازین -reg* «راست»: -rēg-to* با بلندای واکـه (پ ی ۹۳/۲[4])، لاتـین rēctus ، اوستا -rāšta ، فارسی‌باستان rāstam «راست، حق».

هندواروپایی آغازین -ghrebh* «گـرفتن»: آریـایی آغـازین -grbhī-ta (دربـاره -ī- ، پ ۲۱۷) ، سنسکریت -grbhītá ، فارسی‌باستان -ā-garbīta.

احتمالاً، -garta در asagarta (نگاه کنید بـه واژه‌نـامه، زیـر مـدخل مـربوطه)، -māta در gaumāta (بـدشواری هـمانند -māta در āmātā ، آمـده در بـالا)؛ -marta به عنوان پایه -martiya (نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه) نیز، به همین بحث تعلق دارند.

**پ ۲۴۳ ـ صفت مفعولی نقلی مختوم به -no-** در سنسکریت sanná «مستقر شده» برپایه -sad ، یونانی ἁγνòς «مـقدس» از ἅζομαι «مـقدس مـی‌شمرم» ، لاتین plēnus «پر» از plē «پر کردن» و نیز در وجوه وصفی ژرمنی باستان مانند ژرمنی gesprochen ، انگلیسی spoken و غیره، دیده می‌شود. با ایـنکه ایـن ساخت‌ها، بطور طبیعی دارای ریشه ضعیف هستند، اما همان تغییراتی را نشان مـی‌دهند کـه وجـوه وصـفی دارای -to- نشـان مـی‌دادنـد (پ ۲۴۲). در فارسی‌باستان دو مثال وجود دارد که هر دو به عنوان جزء دوم اسامی شخصی بکار می‌روند:

**A** فـارسی‌باستان -ā-bigna ، بـرپایه یک ریشـه نـا شـناخته، در -bagābigna. فارسی‌باستان -ā-baušna ، صورت متاخری برای -ābauxšna* ، برپایه ریشه -baug «رهـاندن»، مـوجود در اوسـتا -pouru-baoxšna ؛ در فـارسی‌باستان -āθiyābaušna (نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه).

احتمالاً همین ساخت در قید ašnaiy نیز وجود دارد (نگاه کنید واژه نامه، زیر

---

۴.در ترجمه : (پ ی ۹۳/۴۵).

مدخل مربوطه).

**پ ۲۴۴ ـ صفت مفعولی آینده مختوم به -eto-** از طریق سنسکریت -yajatà، اوستا -yazata «سزاوار ستایش» برپایه (سنسکریت) -yaj «ستایش کردن»، مشخص می‌شود؛ اما این ساخت در اغلب اوقات، تقریباً دارای عملکرد صفت مفعولی نقلی مختوم به -to- است: مقایسه شود با سنسکریت -pacatà، اما یونانی πεπτòs، لاتین coctus «پخته شده». نیز مقایسه شود با یونانی a-σχετos «عنان گسیخته»، برپایه εχω «من می‌گیرم، دارم». مثال‌های فارسی باستان از ساخت‌های لازم مشتق می‌شوند و بنابر این از نظر معنی معلوم هستند: فاعلی مفرد خنثی θakatam، فاعلی جمع خنثی θakatā «تمام شده» از ریشه -θak «گذشتن» و -gmata- «رفته» از -gam «رفتن»، در فاعلی جمع مذکر ha$^{m}$-gmatā «گرد هم آمده»، فاعلی مفرد مونث parāgmatā «پیش رفته»، و احتمالاً، فاعلی مفرد مونث [avagmat]ā «فرو رفته، سقوط کرده»، مقایسه شود با اوستا -γəmata و نیز ساخت با قاعده صفت مفعولی -gata (هندواروپایی آغازین -g$^{u}$m̥-to*، همچنین در سنسکریت -gatá، یونانی -βaτos، لاتین ventum).

# فصل VII- نحو و سبک

**پ ۲۴۵ ـ نحو فارسی باستان** دارای ویژگی‌های معدودی است که آن را از زبان‌های دیگر خویشاوند متفاوت می‌سازد؛ اما تعداد کم متون و میزان بالای تکرار در آن‌ها، سبب شده است که این متون از نظر تنوع ساخت‌ها، بسیار محدود باشد. با اینکه در این کتاب هم متن و هم ترجمه، هر دو قابل دسترسی است، اما بعضی از مثال‌ها با ارجاع و متن، بدون ترجمه؛ و برخی دیگر تنها با ارجاع بر شمرده شده‌اند.

**پ ۲۴۶ ـ نحو اسم در فارسی‌باستان** در اصل از طرح پیش‌بینی شده‌ای پیروی می‌کند. مشخصه‌های ویژه آن عبارتند از کاربرد بی‌تسلسل حالت فاعلی (پپ ۴-۳۱۲)، نبود حالت برایی و فرض کاربردهای برایی از طریق حالت وابستگی (پ ۲۵۰)، میزان معینی از همایندی حالات دری، ازی، و بایی (پ ۲۵۴).

**پ ۲۴۷ ـ حالت فاعلی** در فارسی‌باستان، در کاربردهای زیر یافت می‌شود:

**الف)** بعنوان فاعل یک فعل قابل صرف اعم از اینکه بطور صریح بیان شود و یا بطور ضمنی:

DB 1.1 adam dārayavauš, 1.3f θātiy dārayavauš xšāyaθiya.

ب) بعنوان مسند برای مسندالیه در حالت فاعلی:

DB 1.1 adam dārayavauš, 1.7 vayam haxāmanišiyā θahyāmahy, 2.27 avaθāšām hamaranam kartam

پ) به عنوان بدل برای یک حالت فاعلی:

DB 1.1 adam dārayavauš xšāyaθiya vazraka.

ت) پیش آوردن حالت دیگر، معمولاً با یک ضمیر از سر گیرنده یا قیدی که کاربرد آن حالت را تعریف می‌کند؛ نگاه کنید به: پ ۳۱۲، پ ۳۱۴.

ث) در کتیبه‌های متاخر، بعنوان یک ساخت عمومی جایگزین حالت وابستگی (پ ۳۱۳) یا حالت مفعولی صریح:

A³pa 5f hya mām artaxšaçā xšāyaθiya akunauš

«(او) مرا که اردشیر (هستم) شاه کرد».

**پ ۲۴۸ ـ حالت ندایی** در بیان و خطاب مستقیم بکار می‌رود:

martiyā DNa 56

**پ ۲۴۹ ـ حالت مفعولی صریح** در فارسی‌باستان، در کاربردهای زیر یافت می‌شود:

**الف)** به عنوان مفعول صریح یک فعل متعدی:

DB 1.19 manā bājim abaratā«مرا باج دادند»

ب) به عنوان مفعول صریح یک اسم مصدر:

DB 4.55f auramazdā θuvām dauštā biyā

«اهورامزدا دوست تو باد»

پ) به عنوان مفعول صریح پیش آورنده فاعل یک بند مفعولی:

DB 1.52f. mātyamām xšnāsātiy tya adam naiy bardiya amiy

«مبادا (مردم) مرا بشناسند که من بردیا نیستم».

ت) بعنوان مفعول دوگانه، یکی برای شخص و دیگری برای شیئی:

DB 1.44f aita xšaçam tya gaumāta hya maguš adīnā kabūjiyam

«این شهریاری که گئوماتای مغ از کمبوجیه ستانده بود»

و نیز 1.46f, 59,65f، و صورت مجهول آن در 1.49f

hya avam gaumātam tyam magum xšaçam dītam caxriyā

«که شهریاری را از آن گئوماتای مغ باز ستاند»

DB 4.65 naiy škaurim (=skauθim)naiy tunuvatam zūra akunavam

«نه به ضعیف، نه به توانا ظلم نکردم»

DPd 20-2 aita adam yānam jadiyāmiy auramazdām

«این را من به عنوان لطف اهورامزدا می‌خواهم»

در حالت مجهول، حالت مفعولی صریح شیئی بدون تغییر باقی می‌ماند:

DNb 8f tya skauθiš ... miθa kariyaiš

«که به ضعیفی ستم کرده شود»

نیز DNb 10f و DB 1.49f (مندرج در بالا).

ث) به عنوان بدل برای حالت مفعولی صریح دیگر:

DB 1.49f gaumātam tyam magum;

DPd 2f hauv dārayavaum xšāyaθiyam adadā

«او داریوش شاه را آفرید»

ج) به عنوان مسند برای مفعول صریح یک فعل حقیقی:

DNa 5f hya dārayavaum xšāyaθiyam akunauš

«که داریوش را شاه کرد»

و افعال دیگر، مقایسه شود با yānam در DPd 20-2 (ذکر شده زیر: ت).

چ) برای بیان مقصد؛ بنابراین نام مکانها معمولاً بدون حرف (اضافه) پیشایند بکار رفته‌اند (بنابر قاعده، با -šiyav-, parā-ar-, ara-ar-,ar- fra-aiš)، در حالیکه نام اشخاص همیشه دارای حرف (اضافه) پیشایند هستند:
DB 3.82 abiy avam arxam ašiyava bābirum ، به استثنای DB 5.21f ašiyavam abiy sakām،
مقایسه شود با(-DB 2.72,3.73f (šiyav-), 2.72f(fra-aiš-), DB 5.23f (ava-ar-), DPe24 (ni-ar.
با -ay «رفتن» ، جایها نیز همانند نام اشخاص، حرف (اضافه) پیشایند می‌گیرند، مقایسه شود با DB 1.91f, 3.73, DZc 11 برای جایها، و DB 1.93, 2.32f برای نام اشخاص.

ح) همراه با حروف (اضافه) پیشایند و حروف (اضافه) پسایند، نه صرفاً برای بیان مقصد، بلکه گاهی برای بیان منظورهای دیگر، نگاه کنید به: پ ۲۶۹.

خ) با kāma «کام»، ظاهراً حالت مفعولی صریح نهایی است که نشان می‌دهد که کام و اشتیاق به شخص رسیده و از سوی او مورد احساس قرار گرفته است (JAOS 66.44-9) : DB 4.35f yaθā mām kāma «هر طور مرا کام بود»، XPf 21f auramazdām avaθā kāma āha «اهورامزدا را کام چنان بود».

د) برای بیان مدت زمان، همانند قید dargam : DB 4.56 dargam jīvā «زندگیت دراز باد».

ذ) برای بیان زمان نامعین، همانند قیدهای paranam و paruvam «سابقاً»، و با حرف(اضافه)پسایند patiy : DB 1.20 xšapavā raucapativā ava akunavayatā «چه شب چه روز همان کرده شد»؛

DB 2.61f θūravāharahya māhya jiyamnam patiy avaθāšām hamaranam kartam

«نزدیک پایان ماه ثورواهر، آن گاه جنگ از سوی آنان در گرفت».

ر) برای بیان تصریح: همانند nāmā marguš nāmā dahyāuš «سرزمینی مرو نام» (DB 3.11)، البته اگر nāmā واقعاً در حالت مفعولی صریح خنثی باشد و نه در حالت دری

با واکه‌ای بلند (نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل -nāman).

**پ ۲۵۰ ـ حالت وابستگی** در فارسی‌باستان، باکاربردهای زیر ظاهر می‌شود:

**الف)** ملکی[۹۷]، همانند DB 2.19f manā badaka «بندهٔ من»؛ DB 4.82f anušiyā manā «پیروان من»، نیز با متضاد آن در DB 2.79f hauvmaiy hamiçiya abava «او در برابر من نافرمان شد» (نیز DB 3.11,4.12، بجای hacāma «از من» و نیز همانند DB 1.40,2.6f,3.27,3.78,3.81f) ؛ DB 1.4 manā pitā، 1.29f kabujiyahyā brātā، و بادیگر واژه‌های خویشاوندی. این وضعیت در گزاره نیز دیده شده است: DB 3.9f pasāva dahyāuš manā abava «سپس کشور از آن من شد» ؛ مقایسه شود با 35f، DB 5.19f و DB 3.58f avam kāram hya dārayavahauš xšāyaθiyahyā gaubataiy «آن سپاهی راکه خود را از آن داریوش شاه می‌خواند».

**ب)** فاعلی، همانند DB 1.11f vašnā auramazdāha «بخواست اهورامزدا»، DNa 56f hyā auramazdāhā framānā «فرمان اهورامزدا»؛ بویژه با صفات مفعولی، که در آنجا به عامل تحول می‌یابد: DB 1.27 tya manā kartam «آنچه بوسیله من کرده شد»، XPf 38 tyamaiy piça kartam āha «آنچه راکه بوسیله پدرم ساخته شد». شیوه‌های دیگر بیان عامل عبارتند از ساخت وابستگی همراه با حرف (اضافه)پسایند rādiy (نگاه کنید به k[۱])، ساخت ازی با hacā در hacāma (نگاه کنید به: پ ۲۷۱ و واژه‌نامه، زیر مدخل hacā) ، و ظاهراً ساخت مفعولی صریح به تنهایی (A³Pa 22f mām upā mām kartā «بوسیله من در زمان من ساخته شد»، A³Pa 26 mām kartā «آنچه بوسیله من ساخته شد»؛ احتمالاً هر دوی این نمونه‌ها مخدوش است، مقایسه شود با عبارت mām kāma پ ۲۴۹/I)[۲].

---

۱.در ترجمه نگاه کنید به: ذ.

۲.در ترجمه: پ خ/۲۴۹

پ) مفعولی، مانند DB 4.78f Auramazdātaiy jatā biyā «اهورامزدا نابود کننده تو باد» (مگر اینکه این مورد دارای کاربرد برایی باشد)؛ و بویژه با xšāyaθiya و -framātar، مـانند DB 1.1f xšāyaθiya xšāyaθiyānām «شـــاه شـــاهان» و DNa 7f aivam parūvnām framātāram «یک فرمدار از بسیاری». اما تنها ساخت وابستگی جمع با xšāyaθiya بکار می‌رود؛ در حالت مفرد، ساخت دری مورد استفاده قرار مـی‌گیرد (پ A/۲۵۱ [۳]). ساخت وابستگی با فعل «فرمانراندن»، احتمالاً به این موارد تعلق دارد:

DNa 18f adamšām patiyaxšayaiy «برآن‌ها فرمانراندم»

DNb 15 uvaipašiyahyā xšayamna «بر (هوس) خود فرمانروا هستم»

ت) توزیعی، بیان کننده یک کمیت کامل:

DB 1.37f viyaxnahya māhyā XIV raucabiš θakatā āha

«چهارده روز از ماه ویخن گذشته بود»

DB 1.49 naiy amāxam taumāyā kašciy «نیز نه کسی از تخمهٔ ما»

مقایسه شود با DB 1.28f amāxam taumāyā که مستقیماً به kabūjiyā اشاره دارد؛ DPd 1f hya maθišta bagānām «بزرگترین خدایان».

ث) بیان متمم زمانی:

«در همان یک سال» DB 4.4f hamahyāyā θarda ؛ از این کـاربرد، کـاربرد صورت وابستگی DB 1.20, xšapa ، در یک جفت با قافیه با ساخت مفعولی صریح و پی‌چسب patiy ، برای نشان دادن زمان مبهم، بر آمده است.

ج) به عنوان بدل برای حالت وابستگی، همانند

DB 3.58f dārayavahauš xšāyaθiyahyā.

چ) بعنوان ساخت برایی، برای مفعول غیر صریح، در

---

۳. در ترجمه: پ الف/۲۵۱

DB 1.12 auramazdā xšaçam manā frābara,
DB 1.31f kārahyā naiy azdā abava، «برای مردم معلوم نشد»،
DB 1.75 kārahyā avaθā aθaha, DSa 5 visahyā frašam θadayātaiy.

ح) بعنوان ساخت برایی ارجاع، در DB 1.87 aniyahyā asam frānayam «بـرای عـده‌ای اسب تـهیه کـردم»، DNa 3f hya šiyātim adā martiyahyā «که شادی را برای مردم آفرید»؛ و نیز شامل ساخت برایی برای مالکیت، همانند DB 4.56 utātaiy taumā vasiy biyā «دودمان تو بسیار باد».

خ) بعنوان ساخت برایی، بـرای مـقصد، در DB 1.13 imā dahyāva tyā manā patiyāiša «این‌ها هستند کشورهایی که از آنِ من شدند».

د) با مفهومی که بوسیله -hama بیان می‌شود، در ترکیبات:
DB 1.30 hamātā hamapitā kabūjiyahyā «دارای یک مـادر و یک پدر با کمبوجیه»؛ جایگاه ساخت وابستگی پس از صفات، این تـصور را پیش می‌آورد که این بیشتر کاربرد ساخت برایی است تـا کـاربرد واقـعی حالت وابستگی (مقایسه شود با: پ ۳۰۹)[۹۸].

ذ) با حروف (اضافه) پیشایند، کاربرد آمیخته با -patiy (نگاه کنید به: E)[۴]؛ DB 3.32 pasā manā «پس از من»؛ با -anu «برابر با»، در DNb 16,18؛ بـا rādiy، بـرای بیان عـامل در DNb 9,10f؛ بـا پـی‌چسب -rādiy، در avahyarādiy «از این جهت».

**پ ۲۵۱ ـ حالت دری** در فارسی‌باستان، در کاربردهای زیر ظاهر می‌شود:

الف) بیان مکان نامعین، بدون حـرف (اضـافه) پـیشایند، هـمانند DB 1.34f pasāva drauga dahyauvā vasiy abava utā pārsaiy utā mādaiy

---

۴. در ترجمه: نگاه کنید به ث.

uta aniyauva dahyušuva «سپس دروغ در کشور بسیار شد، هم در پارس هم در ماد و هم در دیگر کشورها»؛ DB 2.75 duvarayāmaiy basta adāriya «بسته، کنار در کاخ من نگاهداشته شد»؛ DB 2.76 pasāvašim hagmatānaiy uzmayāpatiy akunavam «سپس او را در همدان به صلابه کشیدم»؛ DB 1.15 tyaiy drayahyā «اهل دریا» (نه «جزیره نشینها»، زیرا این اصطلاح به ولایتی دلالت می‌کند که مرکز آن داسکیل بود، JNES 2.304). اسامی مفرد همراه با واژه «شاه»، در حالت دری هستند، مانند DB 1.2 xšāyaθiya pārsaiy «شاه در پارس»، در حالیکه اسامی جمع دارای ساخت وابستگی می‌باشند (پ C/۲۵۰[۵])؛ بهمین صورت DB 1.81 xšaçam tya bābirauv «شاهی را در بابل». حالت دری در DB 2.23f hya mādaišuvā maθišta āha «کسی که سر کرده مادی‌ها بود»، جانشین حالت وابستگی است (مقایسه شود با: پ D/۲۵۰[۶]).

ب) بیان مکان مورد ارجاع، با حرف (اضافه) پیشایند yāta «تا»، در DSf 32f abara yātā bābirauv «تا بابل حمل کردند»، 34 yātā çūšāyā «تا شوش»؛ نیز شاید بتوان گفت، به سبب تصور حرکتی که بنظر می‌رسد در فعل نهفته باشد، همانند gāθavā avāstāyam (DB 1.62f)،

gāθavā niyašādayam(DNa 36),maškāuvā avākanam(DB1.86), uzmayā-patiy (DB 2.76). و غیره

پ) بیان تصریح: nāma «به نام» (برای مثال‌ها، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه، و نیز پ ۳۱۲)، و شاید nāmā (اگر واکه بلند، مربوط به حالت دری باشد و نه مربوط به حالت مفعولی صریح)؛ احتمالاً Wc 1 CXX karšayā «۱۲۰ (واحد) به وزن» و $D^2Sa$ 1 ($A^2Hb$) apadānam

---

۵. در متن: پ پ/۲۵۰.

۶. در متن: پ ت/۲۵۰.

stūnāya aθagainam (اگر āya- به جای āyā- آمده باشد). «قصر را با ستون‌های سنگی».

ت) کاربردهای نامتعارف: گاهی اوقات حالت دری همراه با hačā، جایگزین حالت ازی می‌شود تا مکان مبداء را نشان دهد: hacā bābirauv DSf 33 «از بابل» (در حالیکه حالت ازی آن در DB 2.64f بصورت hacā bābirauš آمده است)، hacā hidauv (DSf 44, DPh 7, DH 5f)؛ و حتی یک بار بدون حرف (اضافه) پیشایند بکار رفته است: XPf 32-4 yaθāmaiy pitā dārayavauš gāθavā ašiyava «وقتیکه پدرم داریوش از تخت رفت (= مرد)».

ث) با حروف (اضافه) پیشایند: حالت دری با حروف (اضافه)پیشایند yātā (نگاه کنید به: ب)، hacā (نگاه کنید به: D[۷])، ni- در قید ni-padiy patiy، (نگاه کنید به الف، ب) دیده شده است. ازین گذشته، تمام ساخت‌های دری، دارای حرف (اضافه) پیشایند ā- هستند، بجز نام مکان‌ها در حالت مفرد و نیز آنهایی که بعنوان قید عمل می‌کنند (همانند dūraiy, rādiy , ni-padiy و غیره).

ج) بعنوان بدل برای حالت دری، همانگونه که در DB 1.34f آمده است.

### پ ۲۵۲ ـ حالت بایی در فارسی‌باستان، درکاربردهای زیر ظاهر می‌شود:

الف) با hadā، برای اشاره به همراهی، چه دوستانه و چه خصمانه: DB 2.21f pasāva hauv vidarna hadā kārā ašiyava «پس از آنکه آن ویدرن با سپاه روانه شد»؛ DB 2.23 avadā hamaranam akunauš hadā mādaibiš «آنجا با مادی‌ها جنگ کرد».

ب) با pari-ay- «احترام گذاشتن به»، برای نشان دادن پیوند و ارتباط:

---

۷. در ترجمه نگاه کنید به: ت.

DB 1.23 imā dahyāva tyanā manā dātā apariyāya «این (است) کشورهایی که به قانون من احترام گذاشتند».

پ) به تنهایی، برای نشان دادن قابلیت:
DB 1.11f vašnā auramazdāha adam(۸) xšāyaθiya amiy
«بخواست اهورامزدا من شاه هستم».

ت) بـه تـنهایی، بـرای بـیان تـصریح: DNb 40f yāumainiš amiy utā dastaibiyā utā pādaibiyā «آزموده هستم چه با هردو دست و چه با هردو پا» نیز همراه با اعداد: DB 2.56 anāmakahya māhyā XV raucabiš θakatā āha «از ماه انامک، ۱۵ روز گذشته بود»؛ Wa 1 II karšā «۲ (واحد)بوزن»؛ مقایسه شود با Lg. 19.227-9.

ث) با و یا بدون حروف (اضافه)پیشایند[۹۹]، برای اشاره به مکان نامعین یا مکان در بر گیرنده: DB 1.92 vardanam anuv ufrātuvā «شهری در کنار فرات»؛ DB 3.26 kāra pārsa hya v[i]θāpatiy «سپاه پارسی که در کاخ (بود)»؛ XPa 13f vasiy aniyašciy naibam kartam anā pārsā «بسیار (ساختمان) زیبای دیگر در این (شهر) پارس ساخته شد».

ج) با hacā برای اشاره به مکان مبداء:
DPh 5 (DH 4) hacā Sakaibiš «از سکاها»؛ اما شاید ساخت ازی در صورت جمع از میان رفته و عملکردهای آن به ساخت بایی محول شده باشد، در این زمینه، صورت جمع ازی صریحی در فارسی‌باستان دیده نشده است.

چ) به تنهایی، برای بیان علت:
DB 1.86 abiš nāviyā āha «به سبب آبها قابل کشیرانی بود»؛ DSe 46f

---

۸. در متن، به اشتباه aham آمده است.

didā ha[natāyā avagmat]ā «دیوار از گذشت زمان فرو ریخته بود» (هر دو مثال قابل تردید است، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل‌های مربوطه).

ح) با anuv برای بیان مطابقت:
DNb 24-6 martiya tya kunautiy yadivā ābaratiy anuv taumanišaiy «آنچه مردی برابر قوایش انجام دهد یا بجای آورد».

خ) بصورت یک ساخت عمومی، در افزوده بعنوان واپسین واحد یک مجموعه مفعولی صریح: DB 1.64f abicariš gaiθāmcā māniyamcā $v^i\theta$biščā; و نیز در Xph 50f و 53f بصورت auramazdām...artācā. ظاهراً در مورد اخیر، دو برداشت گوناگون، نوعی ابهام بوجود آورده است: «اهورامزدا همراه اَرت» و «اهورامزدا و اَرت» با مفهوم «اهورامزدا و همراه او اَرت». در اوستا کاربردی همانند و مشابه ولی بسیار وسیع و گسترده برای حالت بایی به عنوان یک ساخت عمومی وجود دارد[۱۰۰].

د) با حروف (اضافه) پیشایند: hadā (نگاه کنید به: الف)؛ anuv (نگاه کنید به: H,E)؛ patiy- (نگاه کنید به: E)؛ hacā (نگاه کنید به: F)[(۹)]

**پ ۲۵۳ ـ حالت ازی** در فارسی‌باستان، درکاربردهای زیر ظاهر می‌شود:

الف) با hacā ،برای بیان تصورات «ازی» گوناگون، در: پ ۲۷۱ فهرست شده است.

ب) با yātā، برای بیان مقصد در فاصله مکانی: DPh 6 (DH5) yātā a kūšā «تا اتیوپی» ، DPh 7f (DH 6) yātā ā spardā «تا سارد» ؛ اما مقایسه شود با: پ 270/II.

**پ ۲۵۴ ـ همایندی حالت‌ها** در ساخت‌ها و نحو فارسی‌باستان عامل چشمگیری

---

۹.در ترجمه به ترتیب: نگاه کنید به ث، ح؛ ث؛ ج.

بحساب می‌آید. با کاهش t- s- پایانی به یک آوای کمینه، که احتمالاً پس از ā کاملاً حذف می‌شده است (اگرچه پس از -ă- از میان نمی‌رفت)، پایانه‌های پاره‌ای از حالت‌ها، که در اصل متفاوت بوده‌اند، همانند می‌شوند. بنابراین در بن‌های مختوم به -ā-، یک ساخت مختوم به āyā- دارای حالت‌های وابستگی، بایی، دری وازی است؛ در بن‌های مختوم به -ŏ-، ساخت مختوم به ā- هم دارای حالت بایی است و هم دارای حالت ازی؛ در بن‌های مختوم به -ī-، ساخت مختوم به iyā- دارای حالت‌های بایی، دری، ازی (و احتمالاً وابستگی، در این مورد مثال معینی وجود ندارد) است؛ در حالیکه چنین آشفتگی‌ای در بن‌های مختوم به -ĭ- (ساخت‌های بایی، دری و ازی موجود نیست)، در بن‌های مختوم به همخوان (ساخت‌های ازی موجود نیست)، و نیز در بن‌های مختوم به -ŭ- (ساخت‌هایی بایی یا ازی موجود نیست، اما نگاه کنید به مطالب زیر)، قابل اثبات نیست. این موارد برای مفرد است؛ در جمع، حالت فاعلی و مفعولی، همیشه همانندند، حالت وابستگی متمایز است، حالت بایی و دری متفاوت هستند، و ساخت ازی نیز بکلی وجود ندارد.

بدین ترتیب ممکن است که (بجز در مورد ضمایر متصل ma- در hacāma ,ša- در avadaša و غیره) ساخت ازی به عنوان یک ساخت متمایز، در فارسی‌باستان از میان رفته باشد، زیرا ساخت‌های اصیل ازی، با ساخت حالت‌های دیگر، بویژه با حالت بایی و دری، از پیش همانند شده بودند، و از همین روی پاره‌ای از ساخت‌های بایی و دری ـ البته نه به سبب همانندی اصیل با ساخت ازی ـ با hacā «از» بکار رفته‌اند (پ D /۲۵۱، پ F/۲۵۲(۱۰)). این وضع همچنین می‌توانست کاربرد با قاعده حرف (اضافه) پیشایند را با آنچه که ما تحت عنوان حالت ازی می‌شناسیم، برای ما توجیه کند، در صورتیکه حالت‌های دیگر هم با حروف (اضافه) پیشایند و هم بدون آن‌ها بکار می‌روند، و تنها در یک مورد، آنهم در XPf 33 که صورت دری gāθavā بدون hacā ولی در معنی ازی بکار می‌رود، دارای استثناء هستند. در این میان، یک ساخت برای بررسی و توجه باقی می‌ماند: DB 2.65 ، دارای صورت bābirauš، بعنوان ساخت کهن ازی برابر با ساخت وابستگی همانند سنسکریت است؛ اما کتیبه

---

۱۰. در ترجمه: پ ت/۲۵۱، پ ج/۲۵۲.

متاخر DSf، در سطر ۳۳ دارای صورت bābirauv با hacā است، و نیز صورت hidauv که در DH 5f, DPh 7, DSf 44 با hacā ظاهر می‌شود و دگرگونی در این صرف را نشان می‌دهد. اوستای متاخر نیز با ایجاد ساخت‌های جدید ازی مختوم به t-، از همانندی کهن ساخت وابستگی و ازی (خارج از بن‌های مختوم به ŏ-!) دور شده؛ و این در حالی است که فارسی‌باستان، برای اینکه متعارف بماند، آمیزه ساخت ازی و حالت‌های دیگر را پذیرفت.

**پ ۲۵۵ ـ شمار** در فارسی‌باستان معنی معمولی خود را دارد. در DB 1.87 aniyahyā asam frānayam «برای بقیه اسب (هایی) تهیه کردم»، ساخت مفرد دارای معنی جمع است؛ تحریر عیلامی DB 1.65 māniyam «برده(های)خانگی» دارای شناسه شخصی است؛ و نیز احتمالاً در $A^2Hb$ و $D^1Sa$ 1 apadānam stūnāya aθagainam «قصر سنگی با ستون (ها) = قصر با ستون‌های سنگی»، این مورد مشاهده می‌شود، البته چنانچه stūnāya صورت نوشتاری اشتباهی باشد برای حالت دری stūnāyā. در مورد kāra و dahyāuš بعنوان مرجع ضمایر جمع مذکر، نگاه کنید به: پ ۲۵۸/III؛ برای ساخت‌های مفرد دیگر بعنوان مراجع ضمیر جمع، نگاه کنید به: پ ۲۵۸/IV.

**پ ۲۵۶ ـ مطابقت‌های دستوری** در فارسی‌باستان از انواع متعارف موجود در زبان‌های هندواروپایی، همانند صفات وصفی، اسامی بدل و صفات اسامی و مسند و صفات، انواع ضمایر گوناگون و افعال با فاعل‌های مربوطه، دنباله روِی می‌کند. پاره‌ای از ویژگی‌های معدود، همراه با برخی از نمونه‌های دارای کاربرد با قاعده، در بخش‌های زیرین فهرست شده است.

**پ ۲۵۷ ـ بدل‌ها** در حالت‌های زیر ظاهر می‌شوند؛ نبود مثال در حالت‌های دیگر اتفاقی است: حالت فاعلی در DB 1.1, 1.53 و تقریباً در همه جا؛ حالت مفعولی صریح در DB 1.54، DNb 4f, DPd2 و غیره؛ حالت وابستگی در DB 3.59، DPd9-11، XPc 14 وغیره؛ حالت دری بصورت کمیاب در DB 1.34f.

در بیشتر موارد، چنانچه بدل از تکواژه بیشتر باشد و یا چنانچه در حالت غیر صریح بیاید، بوسیله یک عبارت فاعلی بی‌تسلسل که از سوی یک ضمیر یا قید

از سرگیرنده دنبال می‌شود، بیان می‌گردد (پ الف۳۱۴؛ پ ۳۱۲).
بدل‌های ناقص در DB 1.34f pasāva drauga dahyauvā vasiy abava utā pārsaiy utā mādaiy utā aniyāuvā dahyušuvā «سپس دروغ در کشور بسیار شد، هم در پارس هم در ماد هم در کشورهای دیگر»، نیز در DB1.40f,1.48f، و DSf 25f θikā avaniya aniyā XL arašaniš baršnā aniyā XX arašaniš baršnā شفته انباشته شد، بخشی ۴۰ ارش در عمق، بخشی دیگر ۲۰ ارش در عمق» ظاهر می‌شود. اسم‌های بدل الزاماً در جنس مطابقت نمی‌کنند؛ بنابراین در DPd 6f iyam dahyāuš pārsa «این کشور پارس»، dahyāuš مونث و pārsa مذکر است.

**پ ۲۵۸ ـ مطابقت ضمایر** در مجموع وضعیت‌های قابل انتظار و نیز پاره‌ای ویژگی‌های خاص را نشان می‌دهد که در اینجا ارائه شده‌اند.

I- ضمایر dim, -šim, ava-, hauv- و اشکال مختلف آنها، معمولاً برای ارجاع به یک عبارت مقدم یا فراکرد موصولی، بکار می‌رود؛ در این حال، عبارت مقدم معمولاً در حالت فاعلی قرار دارد، همانند DB 2.30f kāra hya hamiçiya manā naiy gaubataiy avam jadiy «سپاه نافرمان که خود را از آنِ من نمی‌خوانَد، بزن»، اما گاهی اوقات نیز در حالت واقعی خود است، همانند DB 2.84 kāram hamiçiyam hya manā naiy gaubātaiy avam jatā «سپاه نافرمان را که خود را از آنِ من نمی‌خواند، بزنید».

II- ضمایر متصل šim- و dim- و اشکال گوناگون آنها، ممکن است مراجعی با هر جنس داشته باشند و نیز اشکال مفرد آنها ممکن است به مراجعی با هرگونه شمار اشاره کند؛ برای جزئیات، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل‌های šа- و di-.

III- ضمایر جمع معمولاً در جایی بکار می‌روند که مرجع، «مردان» ـ که بطور ضمنی در واژه مقدم kāra «مردم، سپاه» بیان شده ـ یا dahyāuš «کشور» و یا موارد مشابه، باشد: بنابراین diš- در DB 1.65 ، برمی‌گردد به kārahyā در سطر64؛ šām در DB 2.19-21 با دو بار ظهور و دو ساخت امر جمع، به kāram برمی‌گردد؛ akunava$^{n}$ta در DB 3.11f بواسطه معنی dahyāuš، دارای

ساخت جمع است، همانگونه که $agarbāya^n$ در DB 3.48 و نیز $agarbāya^n$ در DB 3.49، بواسطه ارجاع به kāra 3.45 بصورت جمع آمده است. -šām در DNa 36f، با اشاره به «مردم» (مقایسه شود با II در بالا) که معنی ضمنی آن از būmim 32 برمی‌آید، به -šim 36 بازمی‌گردد. -šiš در DB 4.5f، بواسطه ارجاع به hamaranā «نبرد»، دارا معنی «دشمنان» است (نگاه کنید به JAOS 35.344-50،41.74-5؛ کامرون آنرا -šiš قرائت می‌کند نه -šim!).

IV- ویژگی‌های دیگر: در DSe 32-7، صورت جمع مونث dahyāva سبب آمدن aniya aniyam می‌شود. در DB 4.68f، صورت جمع مذکر avaiy به صورت مفرد مذکر martiya، که دو فراکرد موصولی از طریق ایجاد ارتباط با -vā «یا»، به آن متصل شده‌اند، بازمی‌گردد. در عبارت atar aitā dahyāva tyaiy upariy nipištā «در میان این کشورهایی که در بالا نوشته است»، مندرج در XPh 30f، موصول مذکر tyaiy به صورت مونث dahyāva اشاره دارد، اگرچه dahyāva دارای صفت مونث aitā می‌باشد. tyā در DB 1.65 و [-diš] در DSs 6 دارای صورت جمع خنثی با مرجع‌هایی مختلف الجنس هستند.

پ ۲۵۹ ـ **مطابقت مسندها** از موارد معمولی است. اما یک صفت در حالت مفرد خنثی می‌تواند بعنوان مسند برای هر مسندالیهی بکار رود[۱۰۱]:

DB 2.18f kāra pārsa utā māda hya upā mām āha hauv kamnam āha

«سپاه‌پارسی و مادی که با من بود، آن کم بود»؛ نیز:

DB 1.47 uvāipašiyam (عطف به ← pārsam utā mādam utā aniyā dahyāva), DNa 39 ciyākaram āh avā dahyāva, DNb 6f avākaram amiy, DNb 27f avākaram - ca - maiy ušiy utā framānā, DNb 50f ciyākaram amiy ciyākaram-ca-maiy uvnarā.

یک مسندالیه خنثی می‌تواند دارا اسم مذکری بعنوان مسند باشد: DNb 11f tya rāstam ava mām kāma «آنچه راست است، آن میل من است».

در DB 2.92f parθava utā varkāna hamiçiyā $abava^n$ hacāma $agauba^nt\bar{a}$ fravartaiš «پارت و گرگان نسبت به من نافرمان شدند، آنها خود را از آن فروریتش خواندند»، افعال جمع نشان می‌دهد که صفت اسنادی

hamiçiyā بیشتر جمع است تا تثنیه، با اینکه مسندی است برای دو اسم مفرد.

در DB 1.8 hacā paruviyata hyā amāxam taumā xšāyaθiyā āha،
احتمال بر این است که xšāyaθiyā دارای حالت فاعلی جمع بمعنی «شاهان» می‌باشد، که در آن حالت āha، مطابق با مسند خود، جمع است؛ اما اگر xšāyaθiyā بعنوان یک صفت مفرد فاعلی بمعنی «سلطنتی» آمده باشد، آنگاه āha مطابق با مسندالیه خود، taumā «تبار»، مفرد خواهد بود.

پ ۲۶۰ ـ **ضمایر فارسی‌باستان** که ضمایر دارای کاربرد صفتی را نیز در بر می‌گیرند، بشرح زیر عبارتند از:

I- ضمایر شخصی adam «من» و tuvam «تو»، دارای ویژگی‌های خاص نحوی نیستند؛ صورت‌های وابستگی آنها در تمام کاربردها بکار می‌رود و با صفات ملکی جایگزین نشده‌اند (مگر کاربرد meus و tuus در لاتین، برای جایگزینی با اضافه ملکی و گاهی اوقات کاربردهای وابستگی دیگر). تنها کاربرد tuvam و اشکال آن، عبارت است از اشاره به دوم شخص فرضی با ویژگی عمومی که از طبیعت متون بدست می‌آید.

II- ضمایر متصل سوم شخص šim- و dim- و اشکال گوناگون آن‌ها، از نظر جنس تغییر شکل نمی‌دهند؛ مقایسه شود با واژه‌نامه، مدخل‌های مربوطه. درباره اشکال مختلف dim- مکتوب بصورت واژه‌های جدا، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل -di- و پ ۱۳۳.

III- تمام ضمایر دیگر با هم بعنوان ضمایر یا صفات اشاره، یک مجموعه را تشکیل می‌دهند، اگرچه بنظر می‌رسد که معنی اشاره‌ای و شناسه‌ای در آنها ترکیبی است که قطعاً نمی‌توانند جدا از یکدیگر باشند؛ همه این‌ها هم بعنوان ضمایر و هم بعنوان صفات بکار می‌روند:

hauv (پ ۲۳۶)، بسیار شبیه is در لاتین

-ava (پ ۲۶۴)، هم ارزش با ille در لاتین

iyam و مکمل‌های آن (پ ۲۶۵)، همانند hic و is در لاتین

-aita (پ ۲۶۶) همانند hic در لاتین

تمام اینها بعنوان ضمایر از سرگیرنده، با ارجاع به چیزی که قبلاً به آن اشاره

شده و معمولاً بدون ساخت دستوری، بصورتی فراوان در شیوه‌های معمولی می‌آید (پ ۳۱۲، پ ۳۱۴)، نیز بکار می‌روند. قیدهای avadā و avaθā نیز بعنوان عوامل از سرگیرنده مورد استفاده قرار می‌گیرند.

قید amata «از آنجا»، بن -ama «آن» را که در فارسی‌باستان تنها بصورت قید دیده می‌شود، نشان می‌دهد.

IV- ضمیر موصولی در فارسی‌باستان hya hyā tya (پ ۲۶۱) است که هم بصورت حرف تعریف معین بکار می‌رود (پ ۲۶۲) و هم (بندرت) بعنوان ضمیر سوم شخص مورد استفاده قرار می‌گیرد.

V- ضمیر نامعین پرسشی هندواروپایی آغازین -qᵘo-qᵘi*، در فارسی‌باستان آثار و بقایای چندی دارد؛ نگاه کنید به پ ۲۰۱.

VI- موصول هندواروپایی آغازین -io* نیز در فارسی‌باستان دارای باقیمانده‌هایی است؛ نگاه کنید به پ ۱۹۷.

پ ۲۶۱ ـ **ضمیر موصولی اشاره‌ای** فارسی‌باستان hya hyā tya است، که در ساخت و عملکردها با ضمایر اشاره sa-s sā tad و موصول ya-s yā yad سنسکریت پیوند دارد (مقایسه شود با یونانی ὁ η τό, ὅς η ὅ). در فارسی‌باستان کاربرد موصولی این ضمایر بسیار بیشتر از کاربرد حرف تعریفی یا ضمیر اشاره‌ای آنها ظاهر می‌شود. بررسی دقیق مثال‌ها، این احتمال را پیش می‌آورد که قلمرو اصیل ضمایر فوق، قلمرو موصولی بوده است؛ در فراکردهای وصفی توصیف کننده یک صورت فاعلی، حذف فعل ربط، به استنباط یک بدل مشخص شده با حرف تعریف می‌انجامد؛ این کاربرد به مرجع‌های در حالت مفعولی صریح و بندرت به اسم‌هایی در حالت‌های دیگر گسترش یافته است؛ بدل با صفت محض جابجا شده و گاهی پیش از اسم توصیف شده جا یگرفته است؛ حرف تعریف در یک مفهوم عام، نهایتاً پیش از صفت قرار گرفته است[۱۰۲].

I- در جایی که فراکرد، دارای فعل قابل صرف باشد، کاربرد موصولی روشن است، همانند DB 1.51، یا وجه وصفی بدون فعل ربط بعنوان هم ارزش و قرینه مجهول حالت معلوم موجود در زنجیره:

DB 4.1f tya manā kartam «آنچه که بوسیله من کرده (شد)»، برابر با DB 4.3f tya adam akunavam «آنچه که من کردم»؛ و نیز هنگامی که موصول نسبت به مرجع خود تغییر حالت می‌دهد:

XPf 22f Dārayavaum hya manā pitā, cf. DSf 57f 42, DPh 5f.

II- از نوع موصولی اصیل (و غیره gaumāta hya maguš (DB 1.44، بدون فعل ربط، نوع مفعولی صریح (و غیره، gaumātam tyam magum (DB 1.49f، بدست می‌آید، که در آن کاربرد موصولی قطعی است.

III- این ضمیر بعنوان حرف تعریف، پس از یک اسم بکار می‌رود تا توصیف کننده‌هایی را ارائه کند: یک اسم بدل به تنهایی (DB 1.44, 1.50) یا با حالت وابستگی مقدم (XPf 30, DB 1.39)؛ یک صفت مشترک عمومی (DB 2.25f ,DPe 3f, DSf 30f, 37) دوصفت مشترک پی‌درپی (DSf 11f)، یک قوم-واژه (DBk 2, DB 1.79, 2.21)؛ یک صفت برترین و بدنبال آن حالت وابستگی کل (DSf 9)؛ وابستگی ملکی مربوط به یک نام شخصی (DB 1.89) یا مربوط به یک ضمیر (DB 2.35, 1.69)؛ اسم در حالت دری (DB 1.81 xšaçam tya bābiràuv) یا یک اسم در حالت بایی همراه با حرف (اضافه)پسایند متصل (DB 3.26 kāra pārsa hya v$^{i}\theta$āpatiy).

IV- این ضمیر به عنوان حرف تعریف، گاهی بر اسم خود مقدم می‌شود تا برای ایجاد یک صفت یا یک اضافه به آن بپیوندد؛ در این زمینه این مثال‌ها موجود است:

DB 1.8 و DBa 12f hyā amāxam taumā; DB 1.23 tyanā manā dātā,cf. DNa 21;DB 3.32 hya aniya kāra Pārsa;DB 4.87f tyām imaišam martiyānām taumām; DB 5.12 tyamšām ma$\theta$ištam; DNa 56f hyā auramazdāhā framānā, DSf 12f hya manā pitā vištāspa[۱۰۳].

V- این ضمیر بعنوان یک حرف تعریف عام، در DSe 39f hya tauvīyā tyam skau$\theta$im دارای دو تظاهر است؛ در موارد دیگر، قابلیت عام بودن از طریق کاربرد و -martiya «مرد» ارائه می‌شود، همانند DNb 12 martiyam همراه draujanam و یا نامشخص است، همانند هنگامی که با skau$\theta$iš در DNb 8f, و با tunuvā در DNb 10 همراه می‌باشد.

VI- در دو عبارت، ، که -tya ضمیر اشاره است: DB 3.73 nipadiy tyaiy «بدنبال آن‌ها»، جایی که متن بی‌ابهام است و DSf 14 tyā که تنها به آثار جزئی این

ویژگی‌ها متکی است[۱۰۴].

## پ ۲۶۲ ـ حروف تعریف در فارسی‌باستان.

I- علیرغم کاربردهای ارائه شده در قسمت پیشین، باید گفت که حرف تعریف معین در فارسی‌باستان وجود ندارد؛ مقایسه شود با Lg. 20.6 - 8 ؛ در نتیجه hya hyā tya ، بعنوان حرف تعریف، تنها برای پیوند دادن توصیف کننده‌ها به اسم دیگر، و یا برای بیان ارزش عام، عمل می‌کنند. بنابراین مادر DB 2.18f به kāra pārsa utā māda hya upā mām āha hauv kamnam āha «سپاه پارس و مادی که با من بود، آن کم بود»؛ و در DB1.1 به adam dārayavauš xšāyaθiya vazraka «من داریوش، شاه بزرگ (هستم)»؛ برمی‌خوریم. قابل توجه است که گز نفون βaσιλεus را در ارجاع به شاه پارس، بدون حرف تعریف بکار می‌برد (Anab.1.7.1,2, و غیره).

II- حرف تعریف نامعین نیز در فارسی‌باستان به کلی وجود ندارد، به جز عبارت I martiya «یک مرد» که برای معرفی یک شخصیت جدید بکار رفته است و در آن‌جا نشانه عددی، تقریباً دارای ارزش حرف تعریف نامعین است (DB 1.36, 74, 77, و غیره).

III- حرف تعریف عام در: پ ۲۶۱/V، مورد بحث قرار گرفته است.

**پ ۲۶۳ ـ ضمیر اشاره hauv** (یک بار بصورت hauvam در DB 1.29) یا ضمیری است با ارجاع به اسمی که قبلاً مورد اشاره قرار گرفته است، و یا صفتی است که بلافاصله از سوی اسم خود، که گاهی با یک فراکرد موصولی مورد شرح قرار می‌گیرد، دنبال می‌شود (DB 1.92, 2.66; 3.35, 54, 70)

**پ ۲۶۴ ـ ضمیر اشاره -ava** «آن»، نیز یا ضمیر است یا صفت؛ و معمولاً به چیزی که قبلاً به آن اشاره شده برمی‌گردد، اما گاهی دارای مرجعی است که پس از آن می‌آید، همانند naimā ava kāma tya tunuvā skauθaiš rādiy miθa kariyaiš «نه مرا کام است که (شخص) توانایی از سوی ضعیف (به او) بدی کرده شود (DB 3.58, DNa39, DNb 10f؛ DSa 4, DNb20,53,55,57,

DSe 34, XPh 49, 51f). همچنین زمانی که برای آسمان بکار می‌رود، معنی «آن» می‌دهد:
hya imām būmim ada hya avam asmānam adā (DNa 1-3, و غیره)
auramazdā «اهورامزدا کسی که این زمین را آفرید کسی که آن آسمان را آفرید».

**پ ۲۶۵ ـ ضمیر اشاره** فاعلی مفرد مذکر ـ فاعلی مفرد مونث iyam «این»، با تکمله آن (پ ۱۹۹)، نیز همانند موارد فوق یا ضمیر است یا صفت، و در مجموع از انواع زیر است: iyam pārsa (DN 1) «این پارسی است»، hya imam tacaram akunauš (DPa 5f) «کسی که این قصر را ساخت» xšāyaθiya ahyāyā būmiyā vazrakāyā (DNa 11f) «شاه در این زمین بزرگ». iyam در tya imaiy kāram adurujiyaša (DB 4.34f) «که اینها مردم را فریفتند»، ضمیری است که با مرجع خود نسبتاً فاصله دارد، بعبارت دیگر imaiy به مدعیان شورشی برمی‌گردد که در DB 4.7-30 فهرست شده‌اند.

**پ ۲۶۶ ـ ضمیر اشاره -aita** «این»، در اغلب اوقات به مرجع پیش از خود و گاهی نیز هنگامیکه مرجع بوسیله -aita یا -ava تکرار می‌شود، به مرجع پس از خود برمی‌گردد(DB 1.44, DNa 48, XPh 43, احتمالاً →XSc 4 DB).

**پ ۲۶۷ ـ ضمایر در فراکردهای موصولی** تعدادی ویژگی‌های نحوی جالب را نشان می‌دهند.

I- بجز aita tya «این که» در (DNa 48, XPh 43)، موصول هیچگاه دارای مرجع اسمی مقدم با ویژگی عام نیست؛ مقایسه شود با DB 1.27 ima tya manā kartam «این (است آنچه) بوسیله من کرده شد». اما ممکن است یک اسم عام بعنوان مرجع وجود داشته باشد، همانند DB 1.21 martiya hya agriya āha avam «مردی که وفادار بود او را...».

II- مرجع عام ممکن است داخل فراکرد قرار گرفته باشد، همانند DB 1.57f utā tyaišaiy fratamā martiyā anušiyā āhatā[۱۰۵] «و آن مردانی

را که برترین پیروان او بودند»؛ اما اغلب موارد، مرجع بر موصول مقدم می‌شود همانند .DB 2.77 utā martiyā tyaišaiy fratamā anušiyā āhatā

III- همین طور، صفت توصیفی نیز، در

DB 2.30f(2.50f و )kāra hya hamiçiya manā naiy gaubataiy «سپاه نافرمانی که خود را از آن من نمی‌خواند»، داخل فراکرد قرار گرفته است؛ در حالیکه این گونه صفات معمولاً بیرون از فراکرد قرار می‌گیرند، همانند DB 2.84 kāram hamiçiyam hya manā naiy gaubātaiy، نیز مقایسه شود با DB 2.21, 3.86.

IV- مرجع ضمیر موصولی معمولاً پس از فراکرد، بوسیله یک ضمیر از سرگیرنده در بافت نزدیک و بی‌فاصله از خود تکرار شده است همانند:

DB 4.75f tya kunavāhy ava-taiy و نیز (نگاه کنید بالا I) DB 1.21 avam auramazdā ucāram kunautuv «آنچه کنی آن را بتو اهورامزدا خوب کناد»[۱۰۶]. در یک عبارت، ضمیر از سرگیرنده تکرار شده است: DNb 16f martiya hya hataxšataiy anu-dim [ha]kartahyā avaθā-dim paribarāmiy «مردی که همکاری می‌کند او را برابر همکاریش، همانگونه پاداش می‌دهم».

V- در یک عبارت، ضمیر موصولی که مفعول دو فعل است، بوسیله -diš بعنوان مفعول فعل دوم تکرار شده است:

DNb 45-7 ūvnarā tyā auramazdā upariy mām nīyasaya utā-diš atāvayam bartanaiy

«هنرهایی را که اهورامزدا بر من فرو فرستاد و من توانستم آنها را بکار برم»[۱۰۷].

VI- ضمیر موصولی بعنوان فاعل، پیش از ayauda در XPh 31 حذف شده است.

**پ ۲۶۸ ـ حروف (اضافه)پیشایند و حروف (اضافه)پسایند** و نیز موارد دیگری که در فارسی‌باستان تنها بعنوان پیشوندهای فعلی و اسمی وجود دارند، با توضیح خلاصه کاربردهای مربوطه، در فهرست زیر داده شده است:

ā, حرف (اضافه) پیشایند با قید؛ حرف (اضافه)پسایند برای حالت دری؛ پیشوند برای افعال و اسم‌ها

a$^{n}$tar حرف (اضافه)پیشایند با حالت مفعولی صریح

ati- پیشوند با افعال

aθiy حرف (اضافه)پیشایند با حالت مفعولی صریح

anuv حرف (اضافه)پیشایند با حالت بایی و وابستگی

apa- پیشوند با افعال واسم‌ها

abiy حرف (اضافه)پیشایند با حالت مفعولی صریح؛ پیشوند با افعال و اسم‌ها

ava- پیشوند با افعال

ud- پیشوند با افعال و اسم‌ها

upā حرف (اضافه)پیشایند با حالت مفعولی صریح؛ حرف (اضافه) پیشایند با افعال و اسم‌ها

upariy حرف (اضافه)پیشایند با حالت مفعولی صریح، پیشوند با افعال

tara حرف (اضافه)پیشایند با حالت مفعولی صریح

ni- حرف (اضافه)پیشایند با حالت دری در قید مرکب؛ پیشوند با افعال

nij- پیشوند با افعال

nipadiy حرف (اضافه)پیشایند با حالت مفعولی صریح

pa- پیشوند در -pavastā، نگاه کنید به مدخل مربوطه

paišiyā حرف (اضافه)پیشایند با حالت مفعولی صریح

patiy حرف (اضافه)پیشایند با حالت مفعولی صریح؛ حرف (اضافه)پسایند با حالت مفعولی صریح، بایی، دری؛ پیشوند با افعال واسم‌ها

patiš حرف (اضافه)پیشایند با حالت مفعولی صریح

para حرف (اضافه)پیشایند با حالت مفعولی صریح؛ احتمالاً پیشوند در اسم‌ها

parā حرف (اضافه)پیشایند با حالت مفعولی صریح؛ پیشوند با افعال

pariy حرف (اضافه)پیشایند با حالت مفعولی صریح؛ پیشوند با افعال؛ بکاربرده شده بعنوان ریشه اسم مشتق

pasā حرف (اضافه)پیشایند با حالت مفعولی صریح و وابستگی

fra- پیشوند با افعال واسم‌ها، و در قید مرکب

yātā حرف (اضافه)پیشایند با حالت دری

yātā ā حرف (اضافه)پیشایند با حالت ازی

rādiy حرف (اضافه)پسایند با حالت وابستگی

vi- پیشوند با افعال و اسم‌ها

hacā حرف (اضافه)پیشایند با حالت ازی، دری، بایی، قید.

hadā حرف (اضافه)پیشایند با حالت بایی

پیشوندهای جدا ناشدنی به شرح زیر عبارتند از:

a- an- پیشوند معمولی نفی

u-(=$^h$u-) «خوب»؛ -duš «بد»

ha- ham- بعنوان پیشوند در معنی برابر با یونانی *συν* و لاتین -com به عنوان پیشوند.

کاربردهای مربوط به حروف (اضافه) پیشایند (و حروف (اضافه) پسایند) در بخش‌های بعدی مورد بحث قرار می‌گیرد؛ کاربردهای دیگر نیز به تناسب در واژه‌نامه توضیح داده شده است.

**پ ۲۶۹ ـ حروف (اضافه)پیشایند با حالت مفعولی صریح** به شرح زیر عبارتند از:

در مورد patiy و pasā که با حالت‌های دیگر نیز بکار رفته‌اند، نگاه کنید به: پ ۲۷۱.

a$^n$tar «اندر» برای مکان نامعین

aθiy «به» برای مقصد

abiy «به، بسوی» برای رسیدن به مقصد، چه شخص و چه مکان؛ بجز در «من نزدیک....بودم» (DB 2.12)، «من به.... افزودم» (XPg 10).

upā «تحتِ»، همیشه برای شخص، در کاربردهای مجازی: «زیر نظر من بود، تحت فرمان من، با من» (DB 2.18, 3.30)؛ «تحت فرمان اردشیر، در زمان اردشیر» (A$^2$Sa4)؛ «ساخته شده به فرمان من، در زمان من» (A$^3$Pa 23).

upariy «بالایِ» باگرایش جزئی به بیان مفهوم «بنابر، مطابق با» (DB 4.64)؛ یک بار نیز به عنوان دومین واژه پس از مفعول آمده است (DNb 49، گونه دیگر 46).

tara «از وسطِ، با حرکت.

nipadiy «دنبال»، نگاه کنید به: پ ۲۷۰/IV

paišiyā «در حضورِ، پیش»

patiš «ضدِ»، حکومت یک شخص مورد نظر

para «ماوراء» یک مکان نامعین

parā «سرتاسرِ» حرکت، حرف (اضافه)پسایند متصل.
pariy «دربارهِ = مربوط به = در برابر» یک شخص

## پ ۲۷۰ ـ حروف (اضافه) پیشایند با حالات دیگر به شرح زیر عبارتند از:

I- با حالت بایی؛ نیز نگاه کنید به anuv, patiy, hacā، پ ۲۷۱.
hadā «با» برای همراهی؛ برای اجتماع خصمانه (مانند DB 2.23)

II- با حالت ازی؛ نیز نگاه کنید به hacā، پ ۲۷۱:
yātā ā «تا»، برای محدودیت مکانی؛ نیز نگاه کنید به ā و yātā، IV

III- با حالت وابستگی؛ نیز نگاه کنید به anuv, patiy, pasā، پ ۲۷۱:
rādiy «بواسطِه»، حرف (اضافه) پسایند پی‌چسب در avahyarādiy «به سبب اینکه»؛ نیز بعنوان حرف (اضافه) پسایندی که دارای تکیه مستقل نیست و فاعل منطقی را نشان می‌دهد (DNb 9.10f).

IV- با حالت دری؛ نیز نگاه کنید به patiy, hacā، پ ۲۷۱:
ā، حرف (اضافه) پسایند پی‌چسب که به تمام اسم‌ها و صفات عام در حالت دری مفرد و جمع به جز قیود مرکب می‌پیوند؛ نیز به عنوان حرف (اضافه) پشایند با قید مرکب pasāva برای اشاره به محدودهٔ زمانی (DSe 48)؛ نیز نگاه کنید به II, yātā ā.
-ni «زیر، پایین»، تنها در قید مرکب nipadiy «بدنبالِ، درپیِ»، که خود بعنوان یک حرف (اضافه) پیشایندِ موثر بر صورت مفعولی صریح tyaiy نیز عمل می‌کند (DB 3.73؛ برای ساخت. نگاه کنید به: پ ۱۹۸).
yātā «تا» برای مقصدی در مکان؛ نیز نگاه کنید به II,yatā ā.

## پ ۲۷۱ ـ حروف (اضافه) پیشایند با دو حالت یا بیشتر به شرح زیر عبارتند از؛

نیز نگاه کنید به ā, yātā، پ IV/۲۷۰، و yātā ā، پ II/۲۷۰:

anuv «سرتاسرِ» یک حرکت گذشته، با حالت بایی، «مطابق با»، با حالت بایی (DNb 25) و حالت وابستگی (DNb 16,18)

patiy با حالت مفعولی صریح «ضدِ» (DNb 22)، «بَر» در قید مرکب patipadam

(DB 1.62)؛ بعنوان حرف (اضافه)پسایند بدون تکیه مستقل با حالت مفعولی صریح، «در»، برای بیان زمان نامعین (DB 2.62)؛ بعنوان حرف (اضافه) پسایند پی‌چسب، بیان کننده مکان «در، داخلِ»، با حالت بایی در vⁱθāpatiy (DB 2.16, 3.26) ؛ «بـر» با حالت دری در uzmayāpatiy (DB 2.76, 91; 3.52, 92) ، بیان کننده زمان «در طولِ» با حالت وابستگی و مفعولی صریح در xšapa-vā raucapati-vā (DB 1.20)

pasā «پس،سپس»با حالت مفعولی صریح زمان در pasā tanūm «پس از خویشتن»، و نیز در قید مرکب pasāva «پس از آنکه»؛ با اضافه مکانی در pasā manā «پس از، در پشت من» (DB 3.32)، و مفعول صریح مکان در pasā sa[kā «در پسِ سکاها» (DB 5.22).

hacā «از»، با حالت ازی اسم و ضمیر یا قیدی در حالت ازی؛ گاهی همراه اسم‌های دارای ساخت دری یا بایی (یک بار با عبارت فاعلی بی‌تسلسل. DZc 9، و یک بار همراه و بدنبال ضمیر مفعولی صریح متصل به عنوان جزء تغییرناپذیر، DB 1.50). این حرف اضافه روی نام ـ جایهایی که بعنوان نقطه آغاز از آن حرکت یا عمل (DB 3.80) یا گسترش (DPh 5.7) و یا جدایی (XPh 16) صورت می‌گیرد؛ نام اشخاصی که خطری از سوی آنها احساس می‌شود، فرمانی از آنها صادر می‌شود (= فاعل منطقی)، شورشی از سوی آنها شکل می‌گیرد، چیزی از آنها گرفته می‌شود (DB 1.61)؛ قیود زمان بعنوان نقطه آغاز؛ اسامی اشخاص و اشیایی که باید از آنها مواظبت بعمل آید (DPd 16f و غیره) عمل می‌کند.

پ ۲۷۲ ـ **حالات فعل** در فارسی‌باستان، ساخت‌های معلوم، میانه و مجهول را در برمی گیرد؛ اما معانی آنها در تمام مثال‌ها و نمونه‌های مربوط به ساخت حالت‌ها وجود ندارد.

پ ۲۷۳ ـ **ساخت‌های معلوم** دارای معنی معمولی حالت معلوم هستند؛ اما این ساخت‌ها، گاهی بدون هیچگونه تمایز معنایی، با ساخت‌های میانه جایگزین می‌شوند (پ ب/۲۷۴).

پ ۲۷۴ ـ **ساخت‌های میانه** معمولاً دارای معنی واقعی حالت میانه هستند، اما

گاهی نیز معنی حالت‌های دیگر را به خود می‌گیرند.

**الف)** معنی حالت میانه در هر یک از مثال‌های زیر روشن است:
DB 1.41f xšaçam hauv agarbāyatā «شاهی را او برای خود گرفت»؛ DB 1.47 uvāipašiyam akutā «(کشورها را) او از آن خود کرد»؛ DB 1.55 patiyāvahyaiy «برای خود یاری خواستم»؛ DB 1.93 hya nabuk$^{u}$dracara agaubatā «او که خود را بخت‌النصر می‌خواند»؛ DB 4.38 patipayauvā «خود را بپایی».

**ب)** در پاره‌ای از قطعات، حالت میانه دقیقاً با معنی معلوم بکار می‌رود، همانند.
akunavantā DSf 48 «کردند»، اما حالت معلوم آن: akunavaša$^{n}$ DSf 51,53؛ manā bājim atara$^{n}$tā DB 1.19 «به من باج دادند»، اما حالت معلوم، با همان عبارت: abara$^{n}$ DPe 9f, abaraha$^{n}$ DNa 19f؛ 17 XPh؛ azdā kušuvā DNb 50 «آگاه ساز»؛ میانه āha$^{n}$tā «بودند»، اما معلوم: āha$^{n}$ ۱۰۸. احتمالاً ابهام ab$^{a}$r$^{a}$ نسبت به صورت مفرد abara$^{t}$ و جمع abara$^{n}$، ak$^{u}$un$^{a}$v$^{a}$ نسبت به akunava$^{t}$ و akunava$^{n}$ و غیره، به کاربرد حالت میانه بگونه‌ای متمایز بجای صورت جمع، منجر شده است؛ بهرحال این امر در مورد برخی از افعال، از جمله صورت امر kušuvā، صدق نمی‌کند.

**پ)** پاره‌ای از افعال، تنها در حالت میانه دیده می‌شوند، اگرچه معنی میانه در آنها بصورتی کاملاً آشکار وجود ندارد، این گونه افعال عبارتند از: maniyaiy «می‌اندیشم»، yadataiy «می‌ستاید»، amariyatā «مُرد»، و نیز ساخت‌های گوناگون آنها. اینکه این افعال در اصل مفاهیم حالت میانه را نشان می‌داده‌اند، از طریق نمونه‌های اصیل لاتین arbitror, veneror, morior که همان مفاهیم را بیان می‌کنند (اگرچه تنها morior از نظر ریشه‌شناسی با معادل خود در فارسی‌باستان همریشه است)، و همگی مجهول نما هستند، همانگونه که از نظر ریشه‌شناسی و معنی‌شناسی

معادل‌های آنها در زبان‌های دیگر اینگونه‌اند، شناخته می‌شود.

ت) ساخت‌های میانه زیر دارای معنی مجهول هستند: اخباری vainataiy «دیده‌می‌شود،بنظر می‌رسدکه باشد،بنظر می‌آید» در DNb 2, XPa 16؛ و التزامی vainātaiy DNb 35 ؛ anayatā «برده شد» در DB 1.82,2.73,5.26؛ احتمالاً التزامی kunavātaiy DNb 56، و صورت بازسازی شده وجه اخباری ماضی استمراری [ā]h[yat]ā «انداخته شد» در DB 1.95. این نوع کاربرد حالت میانه بعنوان مجهول در اوستا نیز یافت می‌شود (Reichelt, Aw. Elmb. §614)؛ و ساخت‌های میانه در یونانی و لاتین، پایه ساخت‌های مجهول هستند.

پ ۲۷۵ ـ **ساخت‌های مجهول** همگی در دو گروه شکل می‌گیرند، آنهایی که با پسوند مجهول ساز -ya- (پ ۲۲۰) ساخته می‌شوند و همیشه در معنی مجهول هستند، و آن‌هایی که ترکیب شده‌اند از وجه وصفی مجهول با و یا بدون فعل «بودن» که معمولاً محذوف است؛ ترکیباتی که این ساخت در آنها بیان شده، در: پ ۲۷۶، بفهرست در آمده است. اینکه وجه وصفی مذکور بدون فعل کمکی، یک ساخت مجهول اخباری است، از دو عبارت معادل یعنی

A DB 4.1f tya manā kartam «آنچه بوسیله من کرده (شد)»، و DB 4.3f tya adam akunavam «آنچه کردم»، دریافته می‌شود. هنگامیکه فعل لازم باشد، وجه وصفی مجهول دارای معنی معلوم خواهد بود، مانند DB 2.32, 38, 43, 52, 57f, 3.65 hamiçiyā hagmatā paraitā «شورشیان گرد آمده (و) فرا رسیدند»؛ DNa 43-5 Pārsahyā martiyahyā dūraiy arštiš parāgmatā «نیزه مرد پارسی دور رفته است».

پ ۲۷۶ ـ **فعل «بودن» همراه با وجه وصفی مجهول** معمولاً حذف می‌گردد؛ این فعل تنها در نمونه‌های زیر بیان می‌شود:

I- مجهول‌های واقعی عمل احتمالاً در موارد زیر دیده می‌شوند:

DB 1.61f xšaçam tya hacā amāxam taumāyā parābartam āha.

DB 4.46f aniyašciy vasiy astiy kartam.

DB 4.51f avaišām ava($\theta$)ā naiy astiy kartam.

XPf 38 tyamaiy piça kartam āha.

II- در موارد زیر، وجه وصفی خبری، به وضوح، صفتی است:

DB 1.37f viyaxnahya māhyā XIV raucabiš θakatā āha (نیز در ۱۷ تاریخ دیگر)

DB 3.7f Garmapadahya māhyā I rauca θakatam āha.

DPe 22 yadiy kāra Pārsa pāta ahatiy.

DNb 26 xšnuta amiy، مقایسه شود با صفت در فراکرد معادل: xšnauš amiy در بند ۲۷.

XPh 47 šiyāta ahaniy، مقایسه شود با صفت، در بند ۴۸ artāvā ahaniy و جفت همگون در بند 55f šiyata bavatiy.......artāva bavatiy که بخش مقدم آن در معنی به زمان حال مجهول واقعی عمل، نزدیکتر بنظر می‌رسد تا هرگونه عبارت دیگر.

III- فعل -bav «شدن»، باید کم وبیش در این‌جا مورد بررسی قرار گرفته باشد، مقایسه شود با مجهول واقعی آلمانی همراه با werden «شدن»، از آنجاییکه sein «بودن» در آلمانی تنها مجهول حالت را شکل می‌دهد، از این رو وجه وصفی در آن صرفاً یک صفت است. -bav فارسی‌باستان با وجوه وصفی خبری، تنها در XPh 55 ظاهر می‌شود که قبلاً به آن اشاره شد؛ در DSf 25 yaθā katam abava وجه وصفی، اسمی شده و مسندالیه قرار گرفته است.

IV- چهار عبارت DSe 31f, DSf 56f, DNb 54f, DNb 56 که بدشواری بازسازی شده‌اند، نشانه‌ای دال بر ارزش افزوده‌ای را ارائه نمی‌دهند.

پ ۲۷۷ ـ **وجه اخباری** در فارسی‌باستان دارای کاربردهای معمولی برای اشاره به زمان حال و گذشته در فراکردهای آزاد است. در فراکردهای وابسته، این وجه در موارد زیر بکار می‌رود:

**الف)** در فراکردهای موصولی توصیفی یا محدود کننده، گاهی نیز در فراکردهایی با معنی عام، این وجه در هردوی این انواع می‌تواند با وجه

التزامی متفاوت شود (پ الف، ب/۳۰۱).

ب) در فراکردهای اسمی: فراکردهای مفعولی واقعیت، نقل قول‌های مستقیم یا غیر مستقیم واقعیت، پرسش‌های مستقیم یا غیر مستقیم (پ ۳۰۲[۱۱]/a,d,e).

پ) در فراکردهای زمانی بوجود آمده از طریق «کِی»، «بعد از»، «هنگامیکه»، «تا زمانیکه»، «تا» در زمان گذشته (پ ۳۰۴/a,b,d,e,f[۱۲]) و از طریق «هر وقت»، «تا» در زمان حال بعنوان تعمیم‌ها (پ ۳۰۴/c,f[۱۳]).

ت) در فراکردهای وجهی، موضعی، سببی و متوالی در زمان حال یا گذشته؛ در فراکردهای متوالی با نتیجه موجود وابسته به زمان مضارع و ماضی استمراری در فراکرد اصلی (پ ۳۰۵).

پ ۲۷۸ ـ **وجه التزامی** در فارسی‌باستان دارای شماری از کاربردهاست، از جمله آنهایی که به زمان آینده، تصمیمات و آرزوها مربوط می‌شوند. این کاربردها می‌توانند به کاربردهایی در فراکردهای آزاد، کاربردهایی در فراکردهای موصولی، و کاربردهایی در فراکردهای پیرو دیگر تقسیم شوند:

I- در فراکردهای آزاد:

الف) کاربردهای آینده: آینده محض ahatiy DB 5.19, 35؛ در جزای شرط nirasātiy DPe 24؛ آینده تصمیمی که تقریباً با فرمانی برابر باشد xšnāsātiy DNa 42

ب) کاربردهای ارادی: فرمان‌های موکد bavātiy DNa 43, 45f؛ vainātaiy DNb 35؛ فرمان‌های منفی با mā یا mātya،

---

۱۱. در ترجمه، پ: الف، ت، ث /۳۰۲.

۱۲. در ترجمه، پ: الف، ب، ت، ث، ج /۳۰۴.

۱۳. در ترجمه، پ: پ، ج /۳۰۴

kunavātaiy DNb 56 ,vikanāhy DB 4.71,maniyāhay DB 4.43، bavātiy DNb 59.آرزوهای منفی احتمالاً در (صورت بازسازی شده) vijanātiy و vināθayātiy در A$^2$Sa5 و A$^2$Ha7 (اگرچه احتمال وجود ساخت‌های تمنایی، تاکیدی، یا امری در این قطعات به یک اندازه است).

پ) کاربردهای مربوط به آرزوهای ممکن آینده:ahaniy XPh 47, 48، ahatiy DB 4.39f, θadayātaiy DSa 5, DSj 6.

II- در فراکردهای موصولی:

الف) در یک فراکرد موصولی با معنی عام آینده، وابسته به بیان امر یا در خواست:
āhy DB 4.37, 68, 87, DSt 10̊; ahatiy DB 4.38, 68, 68f; kunavāhy DB 4.75, 79; patiparsāhy DB 4.42; patiparsātiy DB 4.48; vaināhy DB 4.70; vainātiy DSj 5̊.

ب) در یک فراکرد موصولی هم ارزش با یک شرط عمومی آینده، همراه با نتیجه‌ای در زمان مضارع التزامی:
yadātaiy DB 5.19, 5.34f.

پ) در یک فراکرد موصولی معرّف، که از فراکرد دیگر که با زمان مضارع اخباری همراه است، متمایز نباشد، در این حال فراکرد پایه یک فرمان خواهد بود:gaubātaiy DB 2.84, 3.86؛ مقایسه شود با وجه اخباری gaubataiy DB 2.21, 31, 51, 3.15, 59 در همان معنی.

III- در فراکردهای پیرو دیگر:

الف) در شرط‌های آینده با yadiy «اگر»؛ نشانه نفی مربوطه naiy، و فراکرد پایه یک فرمان یا یک در خواست، و یک بار نیز بیان آینده (DPe 22) است:

apagaudayāhy DB 4.55, θāhy DB 4.55, 58; vaināhy DB 4.73, 77; vikanāhy DB 4.73; vikanāh[a]-diš DB 4.77; paribarāh[a]-diš DB 4.74; paribarāhy DB 4.78; maniyāhaiy DB 4.39, DPe 20, DNa 38, XPh 47; ahatiy DPe 22.

ب) در فراکردهای زمانی مربوط به زمان آینده، با yāvā «تا زمانیکه»؛ فراکرد پایه دارای فعل امر یا التزامی در معنی آینده است: āhy DB 4.72؛ ahatiy DB 4.74, 78.

پ) در فراکردهای متناوب عام، فراکرد نخست با yaθā «هنگامیکه» و فراکرد دوم با yadi-vā «یا اگر» شکل می‌گیرد؛ در این وضع فراکرد پایه فعل ربط را حذف می‌کند:

vaināhy...āxšnavāhy DNb 29f.

ت) در فراکردهای منظور بصورت منفی، شکل گرفته بوسیله mātya، با معنی ضمنی ترس: xšnāsātiy DB 1.52، وابسته به یک وجه تمنایی بالقوه؛ θadayātaiy....varnavātaiy...maniyātaiy DB 4.49f، وابسته به یک مضارع بی زمان.

ث) در اراده، مفعول فعل بیان کننده عمل ذهنی، بدون حرف ربط: tya amanayaiy kunavānaiy DSI 3f «آنچه اندیشیدم بجای آورم».

پ ۲۷۹ ـ **وجه تمنایی** در فارسی‌باستان تنوع کاربرد دارد، و بصورتی آشکار همانند وجه التزامی است، مشروط بر آنکه کاربردهایی بعنوان آینده وجود نداشته باشد؛ کاربردهای این وجه بشرح زیر عبارتند از:

I- در فراکردهای آزاد:

الف) فرمان‌ها: yadaišā XPh 50؛ منفی با mā در biyā DB 4.69, yadiyaiša[n] XPh 39.

ب) در خواست‌ها: biyā DB 4.56, 56, 58, 74f, 75, 78f؛ منفی با mā در biyā DB 4.59, 79 و ājamiyā DPd 19.

II- در یک فراکرد موصولی ویژگی، با مفهومی بالقوه: caxriyā DB 1.50.

III- در فراکردهای پیرو دیگر:

الف) در فراکردهای تمنایی توضیحی kāma «کام» که بوسیله tya «که» شکل گرفته است:

kariyaiš DNb 9, 11; vināθayaiš DNb 20; fraθiyaiš (بـدون tya) DNb 21.

ب) بالقوه در یک فراکرد مفعولی برای یک فعل مبین ترس در زمانی ثانویه؛ بدون حرف ربط آغازین: avājaniyā DB 1.51, 52[109].

پ) بالقوه در زمان آینده بدون شرط مشخص با yadiy «اگر»: vināθayaiš DNb 21 (نتیجه fraθiyaiš، نگاه کنید به IIIa[14]).

**پ ۲۸۰ ـ وجه امری** در فارسی‌باستان دارای معانی فرمان و در خواست است.

I- فرمان‌ها، خطاب به مردم، بسیار عام، مقایسه شود با parsā DB 4.38,69، jadiy DB 2.31 و غیره، kušuvā DNb 50. در jīvā DB 4.56, 75 فرمان از نظر ارزش به آرزو متمایل می‌شود؛ در mā...raxθatuv DNb 60 به نظر می‌رسدکه‌فرمان منفی به تهدید تبدیل شده است. varnavatam DB 4.42, 53 مرد مورد خطاب، فاعل نیست بلکه مفعول است.

II- در خواست‌ها،خطاب به اهورامزدا،همراه یا بدون ایزدان دیگر؛بطور معمول، با dadātuv, baratuv, kunautuv, nikaⁿtuv،pātuv pāⁿtuv.

**پ ۲۸۱ ـ وجه تاکیدی** که یک ساخت ثانویه اخباری بدون افزونه است، در فارسی‌باستان تنها در حکم منفی همراه با mā کاربرد دارد: در اول شخص مفرد tarsam DPe 21؛ در دوم شخص

---

۱۴.در ترجمه: نگاه کنید به: الف /III

مفرد apagaudaya DB 4.54، avarada و stabava در DNa 60؛ سوم شخص مفرد θadaya DNa 58, DNb 53.

پ ۲۸۲ ـ **مصدر** در فارسی‌باستان در دوکاربرد ظاهر می‌شود:

الف) بعنوان مفعول افعال بیان کننده «دستور»، «جرأت داشتن»، «قادر بودن»:
niyaštāyam...katanāiy DZc 9 «فرمان دادم...حفر کنند»؛
niyaštāyam ... nipaištanaiy XV 23f «فرمان دادم... بنویسند»؛
مقایسه شود با صورت‌های بازسازی شده در DSn 1 و DSf 19f (فاعل ساخت مجهول framātam)؛ kašciy naiy adaršnauš cišciy θastanaiy DB 1.53f «هیچ کس جرأت گفتن چیزی را نداشت»؛ utādiš atāvayam bartanaiy DNb 46f «و من توانستم آنها را بپرورانم».

ب) بیان منظور، با افعال بیان کننده حرکت: تنها در عبارت hamaranam cartanaiy «جنگ کردن» در (DB 1.93f و ۱۰ بسامد دیگر)، وابسته به āiš «او رفت»، paraitā (وجه وصفی جمع) «آنها پیش رفتند»، frāišaya «او به پیش فرستاد».

پ ۲۸۳ ـ **وجوه وصفی** در فارسی‌باستان ویژگی‌های نحوی ندارند. کاربرد آنها بشرح زیر عبارت است از:
بعنوان صفت وصفی axšatā DPe 23 ؛ بعنوان صفت توضیحی marta XPh 48؛ صفت اسنادی برای یک صورت فاعلی، xšayamna DNb 15, xšnuta DNb 26؛ θakatā DB 1.38؛ صفت اسنادی برای یک صورت مفعولی صریح dītam DB 1.50؛ druxtam DB 4.44f؛ صورت فاعلی گزاره‌ای بدون فعل ربط، با کاربرد بصورت فعل قابل صرف paraitā DB 2.32f؛ اسم شده‌بوسیله جنسیت، مذکر rāstam DNb gastā DNa 52, katam DSf 25 ،خنثی، tanuvā DNb 10 , jiyamnam DB 2.62 , vinastahyā DNb 18 , 11.

پ ۲۸۴ ـ **زمان‌ها** در فارسی‌باستان عبارتند از زمان مضارع، ماضی استمراری،

ماضی قوی، ماضی s دار، در وجه اخباری؛ زمان مضارع، در وجه التزامی، تمنایی و امری. همچنین یک ماضی نقلی وجه تمنایی (پ ۲۱۹)، احتمالاً یک ماضی قوی وجه تمنایی، یک ماضی قوی وجه امری و احتمالاً موارد دیگر نیز وجود دارد (پ ۲۱۸/II، نیز بعلاوه فعل DB 4.45 rādiy).

**پ ۲۸۵ ـ زمان مضارع و جه اخباری** برای اشاره به زمان حال واقعی بکار می‌رود، مانند: DB 1.3f θātiy dārayavauš xšāyaθiya «داریوش شاه می‌گوید»، 1.12 adam xšāyaθiya amiy «من شاه هستم»؛ و نیز برای اشاره به آنچه که حقیقت دارد، بدون توجه به زمان، مانند DZc 10 draya tya hacā pārsā aitiy «دریایی که از پارس می‌رود»، XPh 51 martiya....56 bavatiy.

زمان مضارع هنگام همراهی با یک بیان قیدی، همانند زبانهای دیگر، ممکن است زمان آغاز در گذشته و گسترش آن به زمان حال را نشان دهد، ماضی استمراری نیز بهمین صورت ممکن است نشان دهنده زمان آغاز در گذشته دور و گسترش آن به گذشته نزدیک‌تر باشد؛ بهترین مثال‌ها در DB 1.7f hacā paruviyata āmātā amahy hacā paruviyata hya amāxam taumā xšāyaθiyā āha «از دیرگاهان اصیل هستیم (=بوده‌ایم)، از دیرگاهان خانواده ما شاهی (یا شاهان) بود (= بوده بودند)»، و نیز در 11-9 VIII manā taumāyā tyaiy paruvam xšāyaθiyā āha adam navama IX duvitāparanam xšāyaθiyā amahy «۸(تن) از خانواده من (بودند) که آنها شاه بودند (=بوده بودند)؛ من نهمین (هستم)؛ ما ۹ (نفر) پشت اندرپشت شاه هستیم (بوده‌ایم)؛ آمده است.

بنظر می‌رسد که XPh 30 astiy «هست»، بصورتی غیر منطقی بجای āha «بود» بکار رفته باشد. صورت مضارع kunautiy در DSs یک زمان حال تاریخی، با معنی ضمنی بی‌زمان،بجای ساخت ماضی معمولی adā «آفرید» است.

**پ ۲۸۶ ـ زمان‌های ماضی استمراری و ماضی وجه اخباری** در فارسی‌باستان برای بیان عمل در زمان گذشته اعم از اینکه در حال پیشرفت بوده یا قطعاً به انجام رسیده یا از روی عادت انجام گرفته و یا تکرار شده باشد، بکار رفته است. دو زمان مذکور در

گـــونه‌های مـختلف یک عـبارت دیـده شـده‌انـد: مـاضی در DB 1.90 avaθā hamaranam akumā «آنگـاه جـنگ کـردیم»، و مـاضی استمراری در DB 2.23 avadā hamaranam akunauš «آنجا جنگ کرد»، که هردو به عملی انجام یـافته اشاره دارند. همچنین صورت مـاضی اسـتمراری adadā «آفـرید» در عـبارات آغـازین DNb، DSe و Dpd, دقیقاً همانند ساخت ماضی adā که در DNa ،DSf و کتیبه‌های دیگر داریوش و خشایارشا آمده، بکار رفته است. عمل در حال پیشرفت در فراکرد پایه DB 2.62f vaumisa citā mām amānaya arminiyaiy yātā adam arasam mādam «پس از آن، وَوُمیس بخاطر مـن در ارمـنستان مـاند تـا مـن بـه مـاد رسیدم»[۱۵]. چنین بنظر می‌رسد که میان arasam در این فراکرد و صورت مرکب آن در DB 2.65 yaθā mādam parārasam «وقتی که به ماد رسیدم»، از نظر وجه، تمایزی موجود نباشد. عمل تکـرار شـده بـرپایه عـادت در DB 1.23f yaθāšām hacāma aθahya avaθā akunavayatā «آنگونه که از سوی من به آنها گفته شد، هـمانگونه کرده شد» دیده می‌شود. برای عمل آغاز شده در گذشته دور و گسترش یافته به گذشته نزدیک‌تر، نگاه کنید به مثال‌های پ ۲۸۵.

پ ۲۸۷ ـ **وجه زمان فعل** در فارسی‌باستان پدیده‌ای زنده نـبوده است. بـعبارت دیگر تمایز میان وجوه غیر تام (در حال پیشرفت، از روی عادت، تکراری) و تام (قطعاً بانجام رسیده) را می‌توان با بررسی معنی عبارات دریافت، و همانگونه که در مثال‌های پ ۲۸۶، می‌توان دید، در این افعال، تمایز سـاختاری وجـود ندارد مقایسه شود با: پ ۲۸۸.

پ ۲۸۸ ـ **زمان ماضی نقلی** تقریباً در فارسی‌باستان وجود ندارد. ساخت مشخص caxriyā DB 1.50 نیز وجه‌تمنایی است که در آن هیچگونه دلیل منتج به وجه تام دیده‌نمی‌شود؛ احتمالاً درزبان‌های‌ایرانی، حالتی‌غیر واقعی و ضمنی وجه تمنایی تام را توجیه می‌کند. بنظر می‌رسد مفهومی که در انگلیسی معمولاً بوسیله زمان ماضی نقلی بیان می‌شود، باید در تمام نمونه‌هایی که در آنها وجه وصفی با زمان حال فعل ربط همراه است، مضارع باشد: astiy kartam DB 4.46,51 «کرده

---

۱۵. ترجمه در متن انگلیسی: «وَوُمیس بخاطر من ماند تا من به ماد رسیدم».

شده است»؛ kartam astiy DNb 56؛ به نظر می‌رسد که در متن بازسازی شده غیر قطعی، DNb 54f جاییکه فعل ربط āha «بود» بیان شده، معنی باید ماضی بعید باشد:

DB 1.62 parābartam āha «برداشته شده بود»؛ XPf 38 kartam āha «کرده شده بود». اما بعید است که چنین تمایزاتی می‌توانسته است توسط زبانور فارسی‌باستان احساس شود، زیرا به نظر می‌رسد که تمام مفاهیم مربوط به گذشته به تدریج در یک مجموعه از ساخت‌ها، از جمله وجوه غیر تام، ماضی‌ها و وجوه تام، و حالت مجهول صرف ناپذیر وجه وصفی گذشته با یا بدون فعل ربط (معمولاً بدون آن، پپ ۲۷۵-۲۷۶) ادغام شده است.

پ ۲۸۹ ـ **زمان آینده** در فارسی‌باستان با ساخت‌های التزامی، تمنایی و امری بیان می‌شود. تنها بیان‌های آینده با کاربرد التزامی در فراکردهای پایه در DPe 24 nirasātiy و DB 19, 35 ahatiy آمده است. در موارد دیگر مفاهیم آینده در فراکردهای پایه بصورت فرمان‌ها و در خواست‌ها و در فراکردهای پیرو بیانگر زمان مربوط به فعلی هستند که به آن وابسته‌اند. در بعضی از این فراکردهای پیرو، وجه مربوطه، اراده، آرزو و یا توانش پیرو را بیان می‌کند.

صورت امر ماضی kušuva «بساز» (DNb 50) بصورتی واضح در معنی غیر تام است؛ عبارت‌های مکرر «فراروید، بزنید» (DB 2.20f paraitā... jatā، و غیره) دارای زمان حال هستند و آشکارا از وجه تام برخوردارند.

پ ۲۹۰ ـ **همپایگی و وابستگی.** معمولاً متون فارسی‌باستان مفاهیم را بوسیله فراکردهای همپایه‌ای بیان می‌کنند که منطقاً وابسته هستند؛ نتیجه این امر مجموعه‌ای از جمله‌های کوتاه است که از نظر نحوی ساده، از نظر دستوری مستقل از یکدیگر اما از نظر منطقی و معنی شناختی بیکدیگر مربوطند.

برای مثال:

DB 4.46-8 vašnā auramazdāha utā-maiy aniyašciy vasiy astiy kartam ava ahyāyā dipiyā naiy nipištam avahyarādiy naiy nipištam mātya...

«بخواست اهورامزدا و خودم بسیار (کارهای) دیگر کرده شد؛ آن (کارها) در این کتیبه نوشته نشده است؛ به آن جهت نوشته نشد که مبادا...»؛ این مفهوم می‌توانست در یک جمله مرکب، تقریباً همانند مورد زیر بیان شود: «کارهای دیگری بوسیله من انجام شد که در این کتیبه نوشته نشده است، به این دلیل که، مبادا...» مثال بسیار خوب دیگر را می‌توان در مورد زیر یافت:

XPf 20-25 utā vištāspa utā aršāma ubā ajīvatam aciy auramazdām avaθā kāma āha dārayavaum hya manā pitā avam xšāyaθiyam akunauš ahyāyā būmiyā

«هم ویشتاسب، هم ارشام هردو (در آن زمان) زنده بودند، میل اهورامزدا چنین بود، داریوش که پدر من (بود) او را در این زمین شاه کرد»؛ در قطعه مشابه یعنی yadiy, DSf 13-5 «هنگامیکه»، بجای aciy «سپس» بکار رفته است، و بجای auramazdām avaθā kāma āha (موجود در DSf 15f, XPf 29f)، ما در DNa 37f (و نیز در جای دیگر) عبارت yaθā mām kāma āha «چنانکه میل من بود» را می‌یابیم. در جمله‌های گویای تاریخ، ما معمولاً بیان‌هایی از نوع زیر خواهیم داشت:

DB 1.42f garmapadahya māhyā IX raucabiš θakatā āha avaθā xšaçam agarbāyatā

«از ماه گرمَ پَدَ ۹ روز سپری شده بود، آنگاه شاهی را بدست آورد»؛ تنها در DB 1.38 است که تاریخ از سوی یک فراکرد پیرو یعنی yadiy udapatatā «هنگامیکه او به شورش برخاست»، دنبال می‌شود. همانند این پدیده احتمالاً در جایی حضور می‌یابد که حروف ربط بعنوان پیشایند فراکردهای پیرو حذف شده باشند، از جمله می‌توان به نبود tya در DNa 20 و DNa 50 (مقایسه شود با DNa 39) اشاره کرد.

**پ ۲۹۱ ـ حروف ربط همپایه** عبارتند از utā «و»، و پی‌چسب‌های -cā «و»، و -vā «یا».

I- utā و -cā، یا واژه‌های تک و یا فراکردهای کامل را بیکدیگر مربوط می‌سازند؛ و چنانچه با واژه یا فراکرد آغازین یک مجموعه بکار روند، معنی آنها «هم... و»

خواهد بود. در مجموعه‌ای که دارای سه واژه تک است، حذف حرف ربط صورت نمی‌گیرد بجز $A^2Sa$ 4f, $A^2Ha$ 5f که در آنها «و» میان واژه‌های نخست و دوم حذف شده است. فراکردهای پایه ممکن است بوسیله «و» بهم مربوط شوند یا نشوند (هر دو صورت در DB 1.76f بکار می‌رود)، همین امر در مورد دو فراکرد پیرو(DNb36 و DSf 28f) و یا دو بخش از یک فراکرد پیرو (هردو صورت در DB 4.73f بکار می‌رود) نیز صدق می‌کند. مجموعه ...utā-cā...-cā- در DB 1.66f ظاهر می‌شود.

II- در کتیبه‌های فارسی‌باستان واژه مخصوصی برای «اما» وجود ندارد. اما بهرحال utā بعنوان خنثی کننده حرف نفی پیش از خود عمل می‌کند(۱۶). همانند et در لاتین (DB 4.73). بخاطر داشته باشید که naiy «نه»، همانند neque در لاتین دارای معنی «و نه» نیست. اگرچه این معنی معمولاً می‌تواند معنی مناسبی برای آن باشد (همانند DB 4.73)؛ کمااینکه در بعضی از قطعه‌ها(همانند DB 1.71) صرفا نشانه‌ای است برای نفی فعل حتی برای فعلی که قبلاً با utā «و» آمده است (DB 4.78). بهرحال در هنگام تکرار با واژه‌ها و فراکردها، بهتر است که naiy، بصورت «نه...نه...(۱۷)» ترجمه شود.

III- vā- به جزء دوم واژه‌های زوج یا فراکردهای پیرو می‌چسبد؛ البته در DB 1.20 به هر دو واژه زوج چسبیده است. yadivā «یا اگر» در DNb 25,29، صرفاً سبب ظهور یک فعل متناوب در یک فراکرد موصولی شکل گرفته با tya «که» و یا yaθā «وقتیکه» می‌شود(۱۸).

IV- قیدهای دیگری که ارتباطات میان فراکردهای اصلی را نشان می‌دهند، اساساً قیدهایی هستند که ممکن است با مرجعی خارج از فراکرد مربوطه بکار رفته باشند. بخاطر داشته باشید که aciy «در آنوقت» در XPf 21، جانشینی است برای yadiy «وقتیکه» در DSf 14.

**پ ۲۹۲ ـ قیدهای نفی** در فارسی‌باستان عبارتند از naiy و mā.

---

۱۶.در فارسی‌باستان utā همانند «اما» در فارسی‌نو، مفهوم مقابله و منافات را بیان می‌کند.

۱۷.بیان مفهوم مشارکت در نفی.

۱۸.بیان مفهوم تناوب.

الف) قید naiy با وجه اخباری؛ با وجه التزامی در فراکردهای موصولی آینده DB 2.84, 3.86 و فراکردهای شرطی آینده، DB 4.35,4.58,4.73,4.78؛ با وجه تمنایی در نتیجه یک شرط نا آشکار آینده، DNb 21؛ با وجه التزامی در یک فراکرد منظور بصورت منفی، برای نفی mātya پیشایند، DB 4.49 به کار می‌رود.

ب) قید mā با وجه التزامی، تمنایی، تاکیدی و امری در آرزوها و فرمان‌های منفی بکار می‌رود. در DPd 18-20، پس از mā و وجه تمنایی، سه فاعل آمده که بر هریک mā در افزوده جهت تشدید نفی، مقدم شده است. نشانه مرکب نفی mātya در فراکردهای پایه با وجه التزامی بکار می‌رود تا یک فرمان منفی را بیان کند ,DB 4.43,4.71، و نیز در فراکردهای پیرو برای بیان منظور منفی،DB 1.52,4.48f (نگاه کنید الف).

پ ۲۹۳ ـ **حروف ربط وابسته (ساز)** فارسی‌باستان اشتقاق‌هایی هستند از بن مربوطه در هندواروپایی آغازین در ساخت‌های yadātya, yaθā, yātā (نیز با اشتباه نوشتاری بصورت yadāyā)، yāvā yaniy, yadiy ؛ tya و نیز از بن مربوطه در فارسی‌باستان؛ و mā در ساخت mātya. بجز mā که در پ ب ۲۹۲/ مورد بررسی قرار گرفت، حروف ربط دیگر در بخش‌های زیر مورد بحث قرار خواهند گرفت.

وابستگی، همچنین از طریق کاربرد ضمیر موصولی -hya-/tya (پ ۲۶۱)؛ و کاربرد ضمیر پرسشی ciyākara «چه اندازه، چقدر، چه مقدار» که پرسش مستقیم یا غیر مستقیم را در وجه اخباری مطرح می‌کند نیز شکل می‌گیرد.

شاید aciy «آنوقت» (پ ۲۹۱/IV)؛ و hakaram «همین که» (DNb 39f) که با وجه التزامی هم ارزش با شرط عام آینده («همین که دیده شود...» = «اگر در هر زمان دیده شود») بکار رفته‌اند، نیز بتوانند در این زمینه جای گیرند.

پ ۲۹۴ ـ **حرف ربط yātā** دارای معانی «تا» (دوبار با قید متناظر citā «تا وقتیکه»)، «هنگامیکه»، «مادام که»، «هرگاه» (با قید متناظر adakaiy «آنگاه») است. این حرف ربط معمولاً به زمان گذشته اشاره دارد، و با ماضی استمراری وجه

اخباری همراه می‌شود؛ یک بار نیز با بیانی عام، در زمان حال بیان شده است (DB 1.25). در دو قطعه (DB 1.25, 69)، «تا» عملاً هم ارزش با «برای اینکه» قرار گرفته است.

پ ۲۹۵ ـ **حرف ربط yaθā** دارای معانی «چنانکه» (قابل تشخیص با قید متناظر avaθā، یک بار با صورت نوشتاری غلط avā؛ گاهی اوقات بدون قید متناظر با (yaθā mām kāma āha)؛ «هنگامیکه»، تبدیل شده به «بعد» (که با قید متناظر pasāva «بعد از آن که» مشخص می‌شود)؛ «که»، در تولید یک فراکرد مفعولی (DB 4.44)؛ «زیرا»، در تولید یک فراکرد نتیجه[۱۱۰]؛ «برای اینکه» (قابل تشخیص با قید متناظر avahyarādiy «به این سبب که»، DB 4.63) است. در تمام این موارد، زمان، گذشته و فعل ماضی استمراری وجه اخباری است، بجز DSe 35, 39، که در آن، زمان، حال، و فعل مضارع اخباری، و DNb 28f که در آن زمان، آینده، و فعل، مضارع التزامی است. در DNb 39، مضارع اخباری یک حالت بی زمان عام، در دو فراکرد شرط قابل قیاس از طریق yaθā («هنگامیکه» = «و هم هنگامیکه») بکار رفته است.

پ ۲۹۶ ـ **حرف ربط yadātya** (XPh 35f با اشتباه نوشتاری بصورت yadāyā در XPh 39) «جاییکه» و yaniy (XV 22) «جاییکه»، با ماضی استمراری وجه اخباری بکار رفته‌اند؛ در XPh 39. قید متناظر پساینده avadā «آنجا» نیز وجود دارد.

پ ۲۹۷ ـ **حرف ربط yadiy** «اگر، هنگامیکه»، کاربردهای گوناگونی دارد. در معنی «اگر»، معمولاً دارای فعل مضارع التزامی بعنوان فراکرد شرط یک شرط آینده است؛ در این حال جزای شرط دارای فعل امر موکد یا وجه تمنایی، وجه تاکیدی منفی یا وجه تمنایی، یا زمان مضارع التزامی (DPe 22) بعنوان آینده اخباری خواهد بود. yadiy در DNb 20f با مضارع وجه تمنایی، در هر دو بخش، یک شرط نا آشکار آینده می‌سازد. yadi-vā «یا اگر» در DNb 25,29، برای ارائه یک فعل متناوب، tya «(که) آنچه، که آن» را تکرار می‌کند. در بند ۲۹ فعل دارای وجه التزامی است که فعل اصلی آن حذف شده است، و در بند ۲۵

هر دو فعل مضارع اخباری هستند. در شرط‌های عام، حرف ربط «اگر» بسادگی به معنی «هر وقت که» گذر می‌کند، همانند دو نمونه در DNb 38، نمونه‌هایی که در آنها مضارع اخباری، در هردو بخش در یک شرط بی‌زمان عام بکار رفته است؛ و «هر وقت که» به معنی «وقتیکه» گذر می‌کند هنگامیکه امور گذشته با ماضی استمراری وجه اخباری بیان شده باشد، DB 1.38, 5.23, DSf 14.

**پ ۲۹۸ ـ حرف ربط yāvā** «تا وقتیکه» به زمان آینده با تمام تظاهراتش اشاره دارد و دارای فعل مضارع التزامی است؛ فعل در فراکردی که این حرف ربط بـه آن تعلق دارد نیز وجه التزامی با معنی آینده است.

**پ ۲۹۹ ـ حرف ربط tya** «که» در ساختن فراکردهای واقعیت، اراده، نقل قول و سئوال مستقیم و غیر مستقیم، و نتیجه بکار می‌رود؛ این حرف ربط دارای فعل مضارع یا ماضی استمراری وجه اخباری است بـجز در فـراکـردهای اراده کـه دارای وجه تمنایی هستند (DNb 8,10, 19). بـرای صـورت تـرکیبی mātya، نگاه کنید به: پ ب/۲۹۲؛ برای yadātya، پ ۲۹۶؛ عبارت yaθā tya «آنگـاه کـه» (XPh 29) نـیز دقـیقاً هـمانند yaθā «هـنگامیکه»، دارای فـعل مـاضی استمراری وجه اخباری است.

**پ ۳۰۰ ـ فراکردهای پیرو** در فارسی‌باستان در انواع رایج زیر جـای مـی‌گیرند: فـراکـردهای مـوصولی، شکـل گـرفته از طـریق ضـمیر مـوصولی (پ ۳۰۱)؛ فراکردهای اسمی در انواع گوناگون (پ ۳۰۲)؛ فراکـردهای قـیدی، از جـمله فراکردهای شرطی (پ ۳۰۳)؛ فراکـردهای زمـانی (پ ۳۰۴)، و انـواع دیگـر (وجهی، سببی، متوالی، قطعی، موضعی؛ پ ۳۰۵). علاوه بر ایـن، وابسـتگی منطقی معمولاً از طریق همپایگی، با یا بدون قیدی که وابستگی‌های منطقی را نشان می‌دهد، بیان می‌شود (پ ۲۹۰).
دو یا چند فراکرد پیروی که با یکدیگر همپایه هستند، دارای آرایش‌هـای زیـر خواهند بود:

**الف)** افزایشی: فراکردها ممکن است از طریق utā «و»، با تکرار واژه پیشایند،

به یکدیگر متصل شوند، همانند DSf 28f؛ یا ممکن است که فراکردی دارای سه فعل همپایه با ادات مربوطه باشد که دو فعل اول با حذف حرف ربط همراه گردد و utā میان فعل دوم و سوم قرار گیرد و DB 4.73f). 4.77f)

ب) تناوبی: واحد متناوب برای فراکرد موصولی عام، از طریق ضمیر موصولی با پی‌چسب vā- (DB 4.68f) زمانی شکل می‌گیرد که ضمیر موصولی در حالت فاعلی باشد، در حالیکه همین حالت هنگامی بواسطه yadī-vā «و اگر» (DNb 25) بوجود می‌آید که ضمیر موصولی در حالت مفعولی صریح قرار گیرد ؛ واحد متناوب برای فراکرد زمانی عام که از طریق yaθā «زمانی که»، شکل گرفته، بوسیله yadi-vā «یا اگر» نیز شکل می‌گیرد (DNb 29).

پ) قیاسی: یک شرط عام شکل گرفته با yadiy «اگر» (= هر وقت)، از طریق میانجی شدن yaθā «هم»، با فراکرد مقدمی که از همان نوع است مورد قیاس قرار می‌گیرد (DNb 39).

**پ ۳۰۱ ـ فراکردهای موصولی** در فارسی‌باستان دارای انواع گوناگونی هستند:

**الف)** بیشتر فراکردهای موصولی توصیفی یا محدودکننده‌اند، و با فعل در زمان مضارع یا ماضی استمراری یا ماضی اخباری؛ با حالت فاعلی مسند، وجه وصفی یا چیز دیگر، و یا عبارت اسنادی همراه است (همانند ,DH 4f) DB 1.15، در این وضعیت رابطه astiy یا haⁿtiy یا āha ممکن است حذف شود. در DB 2.84,3.86، مضارع التزامی، بدون دلیل واضحی در یک فراکرد محدود کننده با کاربردی خاص (=نه عمومی)، جانشین مضارع اخباری شده است.

ب) فراکردهای موصولی با مفهوم عام (= بدون زمان) ممکن است در فراکرد پایه مضارع اخباری (DNb 22-6, XPh 51-6) یا مضارع التزامی

(DB 5.19, 34f) را با یک وجه و زمان داشته باشند؛ در این صورت، جمله عملاً مبین شرط عام در زمان مضارع و یا آینده خواهد بود.

پ) فراکردهای موصولی با مفهوم عام آینده متضمن بیان فرمان یا در خواست، دارای فعل در وجه التزامی هستند(پ الف II/۲۷۸).

ت) یک فراکرد موصولی ویژه، با مرجعی عام و منفی، در یک مفهوم بالقوه دارای فعل در وجه تمنایی (DB 1.50)؛ و فراکرد پایه در بردارنده ماضی استمراری اخباری است.

**پ ۳۰۲ـ فراکردهای اسمی** در فارسی‌باستان دارای انواع گوناگونی هستند.

الف) فراکردهای مفعولی واقعیت: tya «که» با ماضی استمراری اخباری، در سه فراکرد مفعول‌های akunauš «ساخت، کرد» پیایند در DSf 28f ؛ yaθā «چگونه»، = «که»، با ماضی استمراری اخباری، بعنوان مفعول auramazdāha vartaiyaiy «من از اهورامزدا در خواست کردم» پیشایند، در DB 4.44f.

ب) فراکرد مفعولی با وجه تمنایی بالقوه، وابسته به atarsa «ترسید»، بدون حرف ربط، DB 1.51, 1.52.

پ) فراکرد اسمی آرزو، در حالت فاعلی بعنوان فاعل برای kāma(astiy) «کام است»، یا بدل برای ava در ava kāma «آن کام (است)»؛ با وجه تمنایی حاصل از tya «که» در DNb 8,10,19؛ بدون tya در DNb 21.

ت) فراکردهای نقل قول مستقیم بعنوان مفعول یا فاعل، معمولاً بدون حرف ربط پیشایند: نقل قول‌های واقعیت، با وجه وصفی گذشته یا زمان ماضی استمراری وجه اخباری، وابسته به xšnāsāhy و azdā bavātiy در DNa 42-7؛ اراده، بیان شده با وجه التزامی ،وابسته به amaniyay در DSl 3f؛ آرزو، باوجه التزامی یا تاکیدی، وابسته به maniyāhaiy DB 4.39,DPe 20f، XPh 47 ؛ فرمان منفی، با mā

و وجه تمنایی، وابسته به XPh 38f patiyazbayam, ؛ سئوال مستقیم، با ماضی استمراری وجه‌اخباری حاصل از ciyākaram «چقدر»، که یک tya «که» زاید بر آن مقدم شده است، وابسته به DNa 38f maniyāhaiy.

ث) فراکردهای نقل قول غیر مستقیم بعنوان مفعول یا فاعل، معمولاً حاصل از tya «که»: با وجه وصفی گذشته بعنوان فعل، بعنوان فاعل naiy azda abava DB 1.32؛ با مضارع اخباری بعنوان فعل، به عنوان مفعول DB 1.52f xšnāsātiy؛ با مضارع اخباری به عنوان فعل و بدون tya، سئوال غیر مستقیم حاصل از ciyākaram «چه بزرگ» (و دو فراکرد همپایه دیگر بدون فعل) به عنوان مفعول kušuvā در azdā kušuvā «آگاه ساز»، DNb 50-2.

**پ ۳۰۳ ـ فراکردهای شرطی** در فارسی‌باستان بشرح زیر ظاهر می‌شوند:

الف) شرط‌های آینده تنها هنگامی ظاهر می‌شوند که به یک شنونده آرمانی در دوم شخص خطاب شده باشد؛ در این حال جزای شرط دارای فعل التزامی در دوم شخص و فراکرد شرط در بردارنده یک فرمان یا یک در خواست یا بیان آینده، می‌باشد؛ نگاه کنید به: پ الف ۲۷۸/III. فراکردهای موصولی عام با فعل التزامی، معمولاً در عمل جایگزین اینگونه از شرط می‌شوند؛ نگاه کنید به پ ب۲۷۸/II.

ب) شرط نا آشکار آینده، با وجه تمنایی در هر دو بخش، که در DNb 20f یافته می‌شود، و در آنجا بعنوان بدلی برای naipatimā ava kāma «که علاوه بر این مرامیل نیست»، عمل می‌کند. در این حال، جزای شرط دارای yadiy است.

پ) برای yadi-vā «واگر»، بعنوان حرف ربط متناظر tya «که»، نگاه کنید به: پ ۲۹۷.

**پ ۳۰۴ ـ فراکردهای زمانی** در فارسی‌باستان دارای گوناگونی چشمگیری است.

الف) فراکرد حاصله از «وقتیکه»: برای بیان زمان گذشته، فراکرد زمانی دارای فعل ماضی استمراری وجه اخباری است، و فراکرد پایه نیز از فعل ماضی استمراری وجه اخباری یا وجه وصفی با āha برخوردار است؛ در فراکرد حاصله از yadiy در DSf 14, DB 1.38,5.23 ؛ فراکرد حاصله از yātā در DB 4.81؛ فراکرد حاصله از yaθā در DB 1.31,91,2.22,65,3.34 DNb28f, و XPf25, 32,36, DSi3، فراکرد حاصله از yaθā tya در XPh 29. برای بیان زمان آینده، فراکرد زمانی دارای فعل التزامی و فراکرد پایه دارای بیان در خواست یا فرمان خواهد بود. فراکرد حاصله از yaθā در DNb 28f، وجه التزامی در بیانی عام با حذف فعل ربط در فراکرد پایه است.

ب) فراکرد حاصله از «بعداز»، قابل بیان با yaθā مقدم بر و یا پس از pasāva؛ فراکرد زمانی دارای فعل ماضی استمراری وجه اخباری و فراکرد پایه دارای فعل ماضی استمراری وجه اخباری و یا وجه وصفی گذشته، بدون فعل ربط خواهد بود: DB 1.27, 33, 72, 73, 2.32, 52, 3.3, 4.5, 5.3، DNa 31f, DSf 25, XSc 3.

پ) فراکرد حاصله از yadiy «وقتیکه» با فعل مضارع اخباری؛ فراکرد پایه نیز دارای فعل مضارع اخباری خواهد بود: DNb 38, 39.

ت) فراکرد حاصله از yātā «هنگامیکه» با ماضی استمراری وجه اخباری در هر دو بخش جمله: DB 2.6, 3.77.

ث) فراکرد حاصله از «تا وقتیکه»، با yātā و فعل ماضی استمراری وجه اخباری برای اشاره به زمان گذشته، در این حال فراکرد پایه دارای عبارت astiy kartam است، DB 4.51؛ با yāvā و فعل التزامی برای اشاره به زمان آینده، در این حال فراکرد پایه نیز دارای فعل امر در حالت باز دارندگی DB 4.71، ویافعل التزامی دریک شرط خواهد بود، DB4.74, 78.

ج) فراکرد حاصله از yātā «تا»، دارای فعل مضارع اخباری در هر دو بخش

جمله با تعمیم بی زمان، DNb 23f، و نیز با فعل ماضی استمراری وجه اخباری در هر دوبخش برای اشاره به زمان گذشته، DB 1.25, 54, 69, 2.28, 48, 63, DNa 51, DSf 24, XPh 45f.

**پ ۳۰۵ ـ فراکردهای قیدی گوناگون** از انواع زیر، در فارسی‌باستان یافته شده است.

**الف)** وجهی، حاصله از yaθā «چنانکه»، با ماضی استمراری وجه اخباری یا āha «بود» محذوف؛ در این حال فراکرد پایه نیز دارای ماضی استمراری وجه اخباری است.

DB 1.23, 63, 67, 69,4.35, 5.17, 29, 33, DNa 37, DSj 3, DZc 11, 12.

به استثنای DB 4.51f naiy astiy kartam yaθā manā kartam، «کارهای کرده شده‌ای نیست همانند آنچه که بوسیله من کرده (شد)»، با وجه وصفی گذشته و فعل ربط.

**ب)** موضعی، حاصله از «جاییکه»، با ماضی استمراری وجه اخباری در هر دو بخش جمله: با yaniy در XV 22، با yadātya در XPh 35f، با yadāyā در XPh 39.

**پ)** سببی، حاصله از «زیرا»: yaθā در DB 4.63، با ماضی استمراری وجه اخباری در هر دو بخش جمله؛ tya در DNb 33، با مضارع اخباری در هر دو بخش.

**ت)** متوالی، حاصله از yaθā «تا اینکه»، با ماضی استمراری وجه اخباری در هر دو بخش DB 1.70، با مضارع اخباری در هر دوبخش DSe 38-41، با مضارع اخباری وابسته به یک ماضی استمراری وجه اخباری DSe 34-7؛ حاصله از tya «بنابراین»، با ماضی استمراری وجه اخباری در هر دو بخش DB 4.34، با مضارع اخباری در هر دو بخش DNb 7.

**ث)** ارادی، در یک فراکرد منظور در حالت منفی، حاصله از mātya «مبادا»: با

وجه التزامی وابسته به وجه تمنایی بالقوه DB 1.52، با وجه التزامی وابسته به وجه وصفی گذشته با astiy محذوف DB 4.48f.

## پ ۳۰۶ـ جایگاه صفت‌ها.

I- صفات اسنادی چنانچه اشاره‌ای، شمارشی، کمی یا ماهنام‌ها باشند، بر اسم خود پیشی می‌گیرند. استثنائات: DB 1.40 kāra haruva «مردم، همه»، و DB 1.79f kāra hya bābiruviya haruva «همه مردم بابلی» (hya تنها با bābiruviya)، که ممکن است در آن -haruva «همه» (که همه جا براسم خود مقدم است) یک بدل باشد؛ در XPf 28f dārayavauš (اشتباه بجای ← vahauš) puçā aniyaiciy āhatā «داریوش را پسران دیگری بودند»، و DB 5.24[19] hadā kārā visā «با تمام سپاه»[20]، جایگاه صفت بدین گونه، احتمالاً برای تاکید است.

II- صفات توصیفی، چنانچه اسنادی باشند بدنبال اسم خود می‌آیند. استثنائات:

الف) در یک عبارت ثابت DNb 23f uradanām hadugām «آیین نامه دستورات خوب»؛

ب) با یک اسم اشاره مقدم، همانند DPe 8f kadā anā Pārsā kārā «با این سپاه پارسی»، DPe 21 imam Pārsam kāram (در حالیکه DPe 22 kāra Pārsa و غیره)؛

پ) برای تاکید در DNa 46 Pārsa martiya، DNa 43f Pārsahyā martiyahyā.

III- صفات اسنادی که hya بر آن مقدم شده باشد نیز از همان اصول مذکور پیروی می‌کنند؛ چنانچه -ava بر اسم مقدم شود، hya مورد نیاز است، همانند avam kāram tyam hamiçiyam «آن سپاه شورشی» (DB 2.35 و غیره). تنها نمونه‌ای که hya درآن‌مقدم‌شده عبارتست‌از DB 3.32 hya aniya kāra Pārsa «سپاه دیگر پارسی».

---

۱۹.در متن انگلیسی: DB 5.23.

۲۰.ترجمه در متن انگلیسی: «با تمام سپاهش»

IV- صفاتی که بعنوان مسند و بدل بکار می‌روند دارای همان جایگاه و همان کاربرد اسم هستند (پ ۳۰۷، پ ۳۰۸).

**پ ۳۰۷ ـ جایگاه اسم‌ها و صفت‌های مسند.** اسم و یا صفت مسند میان فاعل و فعل قرار می‌گیرد، مگر اینکه فاعل درپی فعل بیاید؛ در چنین موردی، نظم حاصله، مسند، فعل، فاعل، خواهد بود. استثنائات: DB 4.46f aniyašciy vasiy astiy kartam «بسیار (کارهای) دیگر کرده شد»؛ DB 4.51f avaθā (avā نوشتار غلط) naiy astiy kartam «چنین (کارهایی) کرده نشد». در DNb بنابر دلایل سبکی، هر دو جایگاه برای صفت دیده می‌شود: 34 hamaranakara amiy uš‌hamaranakara «بعنوان یک هماورد، هما ورد خوبی هستم»، 41f asabāra uvāsabāra amiy «بعنوان یک سوار، خوب سواری هستم»، 42f θanuvaniya uθanuvaniya amiy «بعنوان یک کمانور، خوب کمانوری هستم»، 44 āršṭika amiy uvāršṭika «بعنوان نیزه‌ور، نیزه‌ور خوبی هستم».

**پ ۳۰۸ ـ جایگاه بدل‌ها.** بدل‌ها اعم از اسم‌ها یا صفت‌ها، معمولاً در پی واحدی می‌آیند[111] که بدل آن محسوب می‌شوند؛ اما از جهاتی دیگر، جایگاه بدل آزاد است. بدل‌های مربوط به فاعل که بطور ضمنی در پایانه‌های فعلی بیان شده‌اند، ممکن است در همه جا قرار گیرند؛ مقایسه شود با DNb 41-5. صفت مقلوب گاهی اوقات نتیجه ملاحظات سبکی است: XPh 47f šiyāta ahaniy jīva utā marta artāvā ahaniy «در هنگام زندگی شاد بشوم و در هنگام مرگ خجسته بشوم»؛ DSf 12f hya manā pitā vištāspa utā aršāma hya manā niyāka «پدر من و یشتاسب ونیای من ارشام»، که در یک مورد در آن، بدل تقدم یافته است.

چنانچه امر بیان شده از سوی شنونده یا خواننده شناخته شده باشد، بدل معمولا بوسیله hya موصولی به اسم خود متصل می‌شود (پ III/۲۶۱).

**پ ۳۰۹ ـ جایگاه حالت وابستگی.** حالت وابستگی که صرفاً بعنوان حالت وابستگی بکار می‌رود (نه در کاربرد حالت برایی) و به اسم یا صفتی وابسته است، برآن اسم یا

صفت مقدم می‌شود، مگر موردی که در آن، حالت وابستگی در پی حرف تعریف آمده و بوسیله آن به اسم خود بچسبد: DB 1.4 manā pitā «پدر من»، اما DB 2.27 kāra hya manā «سپاه من». استثناء تنهادر مورد زیر بنظر می‌رسد: DB 1.9f VIII manā taumāyā tyaiy paruvam xšāyaθiyā āha «۸ (تن) از دودمان من، از قبل شاه بودند»؛ برای manā taumāyā بدلی وجود دارد برابر با (اعضاء) خانواده من»، مقایسه شود با

DB 1.28 kabūjiya nāma kūrauš puça amāxam taumāyā «کمبوجیه نام، پسر کوروش (عضوی) از دودمان ما». استثنائات دیگر، صرفاً به الگوهای دولتی و دینی تعلق دارد: xšāyaθiya xšāyaθiyānām «شاه شاهان»، xšāyaθiya dahyūnām «شاه کشورها»، hya maθišta bagānām «بزرگترین خدایان» vašnā auranazdāha «بخواست اهورامزدا»، احتمال دارد که حرف (اضافه)پسایندحالت وابستگی دراین عبارات،در زبان مادی دارای کاربرد باشد.

ضمایر وابستگی متصل، در جایگاه خود، تا اندازه آزادترند؛ با اینکه آنها معمولاً بر اسمی که آنرا توصیف می‌کنند، مقدم می‌شوند، با این حال نمونه‌هایی همانند DNb 25f anuv taumanišaiy «برابر توانش»، و صورت بازسازی شده DB 5.27 [maθ]išta[šām:] s [k]uxa:nāma «بزرگ آنها، سکونخَ نام»، را نیز می‌یابیم، نمونه‌هایی که در آنها، šām- دارای نخستین واژه نیست که بتواند به آن بچسبد، و فضای موجود نیز صورت [hyašām: maθ]išta[:] S[k]uxa: nāma. را جایز نمی‌شمرد، همچنین مقایسه شود با: پ ۳۱۱/I بخش پایانی.

پ ۳۱۰ ـ **ترتیب کلمات جمله** جمله در فارسی‌باستان کاملاً آزاد است، اما ترتیب عادی و معمول عبارتست از، فاعل ـ مفعول ـ فعل:
DB 1.85 kāra hya naditabairahyā tigrām adāraya «سپاه نَدیتَ بَئیرَ دجله را در اختیار داشت». انواع استثنائات بشرح زیر عبارتند از:

I- ممکن است فعل بدلایلی که بر شمرده می‌شود پیش از فاعل بیاید: برای تاکید، مانند θātiy dārayavauš xšāyaθiya «داریوش شاه می‌گوید»؛ برای شدت بخشیدن به فعل «بودن»، مانند DB 1.48 naiy āha martiya «نبود مردی»، و

XPh 30 astiy؛ در پرسش‌های مستقیم و غیر مستقیم، DNa 39، مقایسه شود با DNb 50-2.

II- ممکن است مفعول بدلایلی که می‌آید، بر فاعل مقدم شود: برای تاکید، مانند DB 1.41f xšaçam hauv agarbāyatā «شاهی را برای خود گرفت»، ونیز هنگامی که مفعول یک ضمیر از سرگیرنده و فاعل یک ضمیر باشد، مانند DB 1.62 ava adam patipadam akunavam «آن (سلطنت) را من بجای خود برگرداندم».

III- هرگاه دو یا چند فاعل یا مفعول وجود داشته باشد، فاعل یا مفعول دوم و بعدی، معمولاً پس از فعل می‌آید، مانند .DB 4.60f, 1.57f, DSf 57f

IV- هرگاه فعل دو مفعول صریح، یکی دال بر شخص و دیگری دال بر یک چیز، بگیرد، ترتیب کلمات متغیر خواهد بود؛ با -dī «ستاندن»، DB 1.46 (هر دو مفعول پس از فعل؛ مقایسه شود با صورت مجهول در DB 1.50، موردی که در آن هر دو اسم مقدم است)؛ DPd 20-2 aita adam yānam jadiyāmiy auramazdām «این را چون برکتی من از اهورامزدا در خواست می‌کنم»، DNa 53f aita auramazdām jadiyāmiy

V- مسند مربوط به مفعول یک فعل کنشی، معمولاً از پی مفعول می‌آید، مانند: DSf 3f hya dārayavaum XŠyam akunauš «کسیکه داریوش را شاه کرد»؛ اما گاهی نیز بر آن تقدم می‌یابد مانند:
DSf 16f ha[r]uvahyāy[ā BUy]ā mar[tiyam] mām avar[navatā] «در تمام این سرزمین مرا چون مرد برتر برگزیند(۲۱)».

VI- مفعول غیر صریح ممکن است پیش یا پس از مفعول صریح، یا پس از فعل قرار گیرد: DB 1.12 auramazdā xšaçam manā frābara «اهورامزدا شاهی را بمن اعطاء کرد»؛ DB 1.19 manā bājim abaratā «(ایالت‌ها) بمن باج دادند»؛ DZc 3f hya dārayavahauš XŠyā xšaçam frābara «کسیکه به داریوش شاه شهریاری را اعطاء کرد»؛ DNa 4 hya šiyātim adā martiyahyā «کسیکه شادی را برای مردم آفرید» (و بهمین صورت در هر جای دیگر؛ اما در DNb 2f hya adadā šiyātim martiyahyā فعل پیش از مفعول غیر صریح

---

۲۱. در متن انگلیسی: در تمام این سرزمین مرا چون مرد خود برگزید.

قرار گرفته است).

-VII ادات دیگر جمله در جایگاه آزادند،بعبارت دیگرمی‌توانند درآغاز ویامیان فاعل و فعل و یا در پایان قرار گیرند، مثال‌ها بترتیب: ,DB 1.8 hacā paruviyata 1.45 hacā paruviyata, 1.82 ūvjam و abiy mām. عبارت vašnā auramazdā «بخواست اهورامزدا»، در ۶۳ مورد از ۷۷ بار ظهور خود، در آغاز فراکرد مربوطه قرار گرفته است. ضمایر از سر گیرنده (hauv و صورت‌های گوناگون -ava) و قیدها (avadā، avaθā) پس از یک عبارت فاعلی، در آغاز قرار می‌گیرند؛ pasāva «سپس»، در ۷۷ مورد از ۸۲ بار ظهور خود آغازگر فراکرد مربوطه است، و در DB 1.27, 4.5,5.3, XSc3 در بخش پایانی و پیش از yaθā «هنگامیکه» آمده است، در DSe 48 نیز، متن، غیر قطعی است. ادات دیگر در جایگاه، متغیرند؛ بنابراین، مقصد ممکن است بر فعل مقدم شود و یا پس از آن بیاید: DB 2.3 pasāva adam bābirum ašiyavam «سپس من رهسپار بابل شدم»، DB 2.30 avam adam frāišayam arminam «او را من فرستادم به ارمنستان».

-VIII فراکردهای پیرو ممکن است پیش یا پس از فراکرد پایه قرار گیرند؛ اگرچه فعل به احتمال بسیار زیاد، در جایگاه پایانی قرار می‌گیرد، با این حال ترتیب عناصر سازنده فراکردهای پیرو همانند ترتیب عناصر سازنده در فراکردهای پایه است. گاهی واژه‌ای متعلق به فراکرد، پیش از موصول یا حرف ربطی که آنرا ارائه می‌کند قرار می‌گیرد: DB 4.37 tuvam kā xšāyaθiya hya aparam āhy «تو که‌ازاین پس شاه‌خواهی بود»، و 4.67f,4.87،بویژه‌مقایسه شود با DNb 21f, 24f. در یک عبارت، صفت متعلق به مرجع، در فراکرد موصولی گنجانده شده است: DB 2.31, 2.51 kāra hya hamiçiya manā naiy gaubataiy «سپاه شورشی که خود را از آنِ من نمی‌خواند»، مقایسه شود با:

DB 2.84 kāram hamiçiyam hya manā naiy gaubātaiy

پ ۳۱۱ ـ **جایگاه واژه‌های متصل.** پی‌چسب‌های فارسی‌باستان ممکن است به چهار گروه تقسیم شود:

۱) صورتهای ضمیرواره ,-maiy -mā -ma, -taiy, -šaiy, -šim -šām -šiš -dim -diš.

۲) قید patiy، حرف ربط tya.

۳) حروف ربط -vā, -cā، قیدهای -diy, -ciy, apiy

۴) حروف (اضافه) پسایند (برای موارد دیگر در ترکیب‌های ثابت، نگاه کنید به: پ ۱۳۳؛ برای پدیده‌های آوایی، نگاه کنید به: پپ ۱۳۴-۱۳۹).

برخی از واژه‌های متصل، گاهی بصورت واژه‌های جدا نوشته می‌شوند؛ بنابراین به نمونه‌های زیر بر می‌خوریم: diš در DB 4.34, 35, 36 در taiy, mā taiy) DNb 58، اما mā-taiy در DNb 52,55)، tya در yaθā tya XPh 29 و yadā-tya XPh 35f علیرغم mā-tya DB 1.52, 4.43, 48, 71، patiy در ima pati -maiy DNb 32f علیرغم mām. nai-pati-mā DNb 20 که دارای تکیه مستقل است بگونه‌ای قاعده‌مند با واحد پیشین در mā-tya-mām DB 1.52 نوشته می‌شود. در مورد قید patiy، نگاه کنید به II؛ درباره apiy، نگاه کنید به III؛ درباره حروف (اضافه) پسایند، نگاه کنید به IV.

I- ضمایر متصل، به نخستین واژه جمله یا فراکرد یا عبارت خود می‌چسبند، حتی اگر این واژه utā «و» باشد: DB 1.52 auramazdā-maiy upastām frābara «اهورامزدا مرا یاری کرد»؛ DPh 8 tya-maiy auramazdā frābara (شهریاری را) که اهورامزدا بمن ارزانی کرد»؛ DPh 9f mām auramazdā pātuv utāa-maiy viθam «اهورامزدا مرا و خاندان شاهی مرا بپایاد». بجز در دو عبارت که تا اندازه‌ای بازسازی شده‌اند، نگاه کنید به III، عبارت vašnā auramazdāha در تثبیت جایگاه یک پی‌چسب، دارای نقش نیست:

DB 1.13f vašnā auramazdāha adam-šām xšāyaθiya āham «بخواست اهورامزدا من شاه آنها بودم». گاهی پی‌چسب در یک فراکرد وابسته، به utā که بر حرف ربط یا موصول مقدم شده است می‌چسبد:

DB 4.73f utā-taiy yāvā taumā ahatiy «و تا هنگامیکه ترا توانایی است»؛ XPa 15 uta-maiy tya pitā akunauš «و آنچه پدرم ساخت»، اما همچنین به مواردی چون XPa 19f utā tya-maiy piça kartam «و آنچه بوسیله پدرم ساخته شد»؛ DNb 28f yaθā-maiy tya kartam vaināhy «هرگاه آنچه را از طرف من کرده شد ببینی» نیز بر می‌خوریم. حالت وابستگی اسنادی متصل، معمولاً بر واژه‌ای که آن را توصیف می‌کند مقدم می‌شود (مقایسه شود با: پ

۳۰۹)؛ اما گاهی اوقات معنی، جایگاه را تحت تاثیر قرار می‌دهد، مانند A²Sa 3 apanªyāka-ma «پـــدرِ پـــدرِ پـدربزرگم»، A²Sa 4 [nªyā]kama (بـجای am-ma–، پ ۱۳۸/I) «نیای من»، هردوبا mª- بجای mªiyª- برابـر بـا maiy- (پ ۵۲/I). صـــورت ازی ma- تـنها در ســاخت hacā-ma «از مــن» کـه در هرجایگاهی از فراکرد خود قرار می‌گیرد، یافته می‌شود. این فورمولبندی‌ها در سه قطعه که زیاد مورد بازسازی قرار گرفته، نقض شده‌اند، اما فضای موجود و نـیز تـحریرهای دیگـر، ایـن بـازسازی‌ها را تـایید مـی‌کند: DSf 20 [ava ucāramaiy(=-am-maiy)akunauš] «انجام آن را برایم نـتیجه بـخش کـرد»؛ DSf 23 [hacā-ci]y dūradaša[arjanam-šaiy abariya] «از راه دور تزئینات آن آورده شـد»؛ DNb 54f tya parta[m-taiy as]tiy «آنـچه بـه آگـاهی تـو می‌رسد» (این بازسازی کاملاً فرضی است).

II- هرگاه قید patiy متصل باشد به نخستین واژه فراکرد خود می‌چسبد (در مورد DNb 32f، نگاه کنید به V)، اما از نظر قطعات، در شماری برابر، دارای تکیه مستقل است و از این روی به فراکرد خود جهت می‌دهد. هرگاه حرف ربط tya متصل باشد، بلافاصله پس از حرف ربطی که به فراکرد خود جهت مـی‌دهد، قرار می‌گیرد (mā-tya, yadā-tya, yaθā tya).

III- حرف ربط cā- و vā- به واژه‌ای می‌چسبند که سبب ارائه آن شده‌اند، و در یک گروهواژه مربوط بهم ضرورت و الزام اتصال در واژه نخست است؛ apiy چه مستقیماً متصل شود و چه بعنوان یک واژه جدا بکار رود، واژه dūraiy «دور» را که بر آن مقدم می‌شود و هیچگاه آغازگر فراکردی نیست، مورد تـاکـید قـرار می‌دهد (در مورد یک نمونه بازسازی شده، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه)؛ ciy- به واژه‌ای می‌چسبد که آن را مورد تـاکـید قـرار مـی‌دهد، و در هرجایی قرار می‌گیرد؛ پی‌چسب نسبتاً مشکوک diy- نیز به واژه‌ای می‌چسبد که آن را مورد تاکید قرار می‌دهد، این پی‌چسب نخست در DB 4.69 و سپس در A²Sd3 آمده است

IV- در این زمینه، حروف (اضافه) پسایند عبارتند از upariy (پ ۲۶۹؛ تنها یک بار بعنوان واژه جـدا، پسـایند شـده است)؛ parā، تـنها در ava-parā؛ rādiy، در avahyarādiy و نیز بصورت جدا؛ patiy، بعنوان حرف (اضافه) پسایند متصل،

بعنوان حرف (اضافه) پسایند جدا و نیز بعنوان حرف (اضافه) پیشایند؛ ā-، بعنوان صورت ساز حالت دری؛ hacā یک بار در (DB 1.50)، بصورت جدا، موثردر پی چسب پیشین. جایگاه مربوط به موارد مذکور در فراکرد، متغیر است.

-۷ هنگامیکه دو پی‌چسب پی‌درپی قرار گیرند، به نخستین واژه جمله یا فراکرد می‌چسبند،دراین‌حال،پی‌چسب ضمیرواره پس از پی‌چسب دیگر قرار می‌گیرد. بسامدهای مربوطه، بشرح زیر عبارتنداز:

DNb 20 nai-pati-mā; با انفصال در → DNb 32f ima pati-maiy.

DNb 27f avākaram-ca-maiy; DNb 51, 51f ciyākaram-ca-maiy.

DB 1.52 mā-tya-mām، نمونه‌ای که در آن صورت با قاعده مفعولی صریح و دارای تکیه مستقل mām بصورت یک پی‌چسب بجای صورت بی‌تکیه -mā بکار رفته است.

**پ ۳۱۲ ـ عبارت‌های نامگذاری.** ویژگی است مربوط به سبک زبانی فارسی‌باستان و آن اینکه در آغاز اشاره به یک شخص (بجز شاه فرمانروا) و یا یک مکان (بجز یک ایالت دولتی)، و سپس واژه nāma یا nāmā بدنبال نام آن شخص یا مکان می‌آید؛ در این مورد استثناثاتی نیز وجود دارد، از جمله DSf 12f که درآن نام‌های آرشام و ویشتاسب، فاقد nāma هستند ونیز در DB 3.11 و 5.4که در آن‌ها نام ایالت‌های marguš و ūvja با nāmā همراه است. این عبارت‌ها همیشه[۱۱۲] در حالت فاعلی هستند، اعم از اینکه در جمله دارای همین عملکرد باشند یا نه؛ معمولاً بدنبال عبارت‌های فوق یک ضمیر از سر گیرنده یا قید می‌آید. صورت nāma همه جا مورد استفاده قرار می‌گیرد، مگر اینکه پس از آن یک اصطلاح عام با جنس مونث (dahyāuš,didā) بیاید، در این حال nāmā که خود نیز مونث است، بکار می‌رود؛ برای ساخت حالت، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل -nāman. مثال‌های نمونه:

DB 2.29f dādaršiš nāma arminiya manā badaka avam frāišayam arminam

«دادرشی نام ارمنی بندهٔ من، او را فرستادم به ارمنستان».

DB 1.58f sikayauvatiš nāmā didā nisāya nāmā dahyāuš mādaiy

avadašim avājanam «دژی سیکَ یاُوُوَدی نام، سرزمینی نی سایَ نام در ماد، آنجا او را کشتم».

این عبارت‌ها احتمالاً برپایه جمله بندی مشابه در آرامی که این گونه بیان را ارائه می‌دهد، استوار است، در واقع اگر این عبارت‌ها زیر تاثیر این گونه دشواری بیان که به روشنی معلول شناسه‌های حالت است قرار نمی‌گرفتند، همانگونه که در موارد فوق مورد اشاره قرار گرفت، آنگاه با تجمع ساخت‌های دری، رابطه هریک از عناصر با دیگری می‌توانست در ابهام بماند: «در دژ سیک یاُوُوَدی در سرزمین نی سایَ در ماد (همین مشکل در بیان موارد مربوط به تبارشناسی، با رشته‌ای از ساخت‌های وابستگی نیز دیده می‌شود؛ توجه کنید به جایگزین‌ها در DB1.4-6 و $A^2$Sa)

I- با نام اشخاص، دارای ۴۱ بسامد (۹ نام در یک فهرست، DB 4.8-29 و ۶ نام در فهرست دیگر، DB 4.83-6) . ضمیر از سر گیرنده در این عبارت‌ها avam, abiy avam (DB 3.56f)،hauv, hauvam (DB 1.29) است. در بعضی از قطعات، عبارت، دارای āha «بود» است و یک جمله کامل را می‌سازد (DB 1.30, 36; 4.8; XPh 18, 19)؛ در سه مورد از این موارد (DB 1.30; XPf 18, 19) از سر گیری توسط ضمیر از سر گیرنده مانع از ارجاع می‌شود. نیز نه در Sa که در آن عبارت نامگذاری، خود یک کتیبه کامل است، ضمیر از سر گیرنده وجود دارد و نه در مورد مخدوش $A^3$Pa 19f که در آن واژه nāma دوبار همراه با ساخت وابستگی (یکی دارای ساخت فاعلی با عملکرد وابستگی) بکار رفته است. علاوه بر این، فاعل بر ساخته با nāma در DB 2.8f و 3.22 بوسیله ضمیر، پیش از فعل تکرار نشده است، زیرا یک عبارت بر ساخته با nāma مربوط به مکان در آنجا آمده است که در هر قطعه، ضمیر از سر گیرنده خود یعنی avadā را دارد. شش یاری دهنده داریوش (DB 4.83-6) از سوی ضمیر از سرگیرنده دنبال نشده‌اند، زیرا آنها در سیاهه‌ای آمده‌اند که خود نسبت به اسم پیشین بدل بوده و از این روی بیش از این مورد اشاره قرار نگرفته است. جمله بندی‌های نمونه عبارتند از DB 2.29f (در بالا آمده است)و همان I martiya bābiruviya naditabaira nāma:1.77f ainairahyā puça hauv udapatatā bābirauv «مردی بابلی نَدیتَ بثیراً نام،

پسر اَیینَ اَییراً نام، او در بابل برخاست». عبارت مقدم I martiya به همین گونه که در این قطعه آمده، تنها اصطلاح عامی است که برای اشخاص بکار رفته است. جالب‌ترین مثال DB 3.12-4 است که در آن عبارت فاعلی بر ساخته با nāma پس از فعل آمده و بدون ضمیر از سر گیرنده بگونه مفعول صریح عمل می‌کند: pasāva adam frāišayam dādaršiš nāma pārsa manā badaka bāxtriyā xšaçapāvā abiy avam «سپس من دادَرشی نام پارسی، بندهٔ من، شهربان در بلخ، را بر او فرستادم (=علیه فرادَ)».

II- با نام مکان‌ها، دارای ۳۲ بسامد. بسامد معمول در DB 2.39، بصورت نمونه آمده است: tigra nāmā didā arm[i]niyaiy avadā hamaranam akunava «دژی تیگرَ نام در ارمنستان، آنجا جنگ کردند». دقیق‌ترین عبارت در DB1.58f آمده است که در بالا به آن اشاره شد. پس از نامجای و nāma یا nāmā، یک نام عام و سپس معمولاً، امانه همیشه، بیان نام ایالت مربوط به دولت با ساخت دری کـه نـامجای قـبلی در آن قـرار گـرفته است (در DB 1.92 از سـوی anuv ufrātuvā «درکنار فرات»، جایگزین شده است)، و پس آنگاه قید از سر گیرنده می‌آید. نام‌های عام عـبارتند از dahyāuš «ایـالت، نـاحیه»، didā «دژ، پـایگاه»، vardanam «شـهر»، āvahanam «دهکـده»، kaufa «کـوه»، rauta «رود». قیدهای از سرگیرنده عبارتند از avadā «آنجا» hacā avadašā «از آنجا» (DB 1.37, 3.80; DSf 47)، hacā avanā «از آن (کوه)» (DSf 31)، avaparā «از آن سـو» (DB 2.72). DZc 9 hacā pirāva nāma rauta «از نـیل نـام رودی»، که در آن، عبارت فـاعلی بگـونه عـبارت ازی وابسـته بـه hacā عـمل می‌کند، یک مثال غیر عادی است.

**پ ۳۱۳ـ شجره نامه‌های اردشیر** دارای ساختی است که در کتیبه‌های مقدم یافت نمی‌شود؛ نوع این ساخت عبارتست از «A پسر B پسر C پسر D هخامنشی». از آنجاییکه «هخامنشی» به A مربوط می‌شود، از این روی روشن است که عبارات میانجی، عبارات وابسته‌اند (نه جملات مستقل، همانگونه کـه گـاهی تـرجـمه می‌شوند). این امر در فارسی‌باستان، به سبب توالی ساخت‌های وابستگی از B تا D که بسختی می‌تواند قابل تشخیص باشد، مشکلی را ایجاد می‌کند؛ بنابراین

puça «پسر» بعنوان بدل، همیشه دارای ساخت فاعلی است، همانطور که بدل‌های نا متعارف دیگر این گونه هستند (مقایسه شود با: پ ۲۵۷، پ ۳۱۲).

I- کتیبه‌های $A^1I$, $A^2Sa$, $A^2Sc$, $A^2Ha$, $A^2Hc$ دارای شجره نامه‌هایی از نوع شجره نامه مندرج در $A^2Sa$ 1-3 هستند:

artaxšaçā...dārayavaušahyā XŠhyā puça dārayavaušahyā artaxšaçahyā XŠhyā puça artaxšaçahyā xšayārcahyā XŠhyā puça xšayārcahyā dārayavaušahyā XŠhyā puça d[āra] yavaušahyā v$^{i}$štāspahyā puça haxamān$^{a}$šiya[۱۱۳].

در این مثال، نخستین عبارت مربوط به تبار، از نظر دستوری صحیح است؛ در عبارت دوم، صورت وابستگی dārayavaušahyā به گونه پایه‌ای برای وضوح تکرار شده و puça بعنوان بدل، در حالت فاعلی است (نگاه کنید بالا) و از سوی ساخت‌های وابستگی وابسته و مناسب همراهی می‌شود؛ عبارت‌های دیگر از نوع عبارت دوم هستند. در پایان، «هخامنشی» بدلی است برای «اردشیر» که در آغاز آمده است. این طرح را می‌توان بصورت زیر برگرداند[۲۲]:

«اردشیر،...پسر داریوش شاه، داریوش (که) پسر اردشیر شاه (بود)، اردشیر (که) پسر شاه خشایار شا(بود)، خشایارشا (که) پسر داریوش شاه (بود). داریوش (که) پسر ویشتاسب هخامنشی (بود).[۱۱۴]

II- کتیبه‌های $A^2Sb$, $A^2Sd$, $A^2Hb$, $A^sH$, $A^3Pa$ دارای طرح دیگر هستند، که در آن، حالت فاعلی نام سلطنتی جای حالت وابستگی را می‌گیرد. فقط $A^3Pa$ واقعاً مستدل و متعارف است، موارد دیگر تنها دارای صورت‌های گوناگونی از عبارت «پسر داریوش شاه» هستند که با یکدیگر اندکی تفاوت دارند:

$A^2Sb$ dārayavauš XŠyā puça, $A^2Sd$ dārayavauš XŠāhyā puça, $A^2Hb$ dārayavauš XŠ puçā

و نیز عبارت «پسر آریارمَن شاه» در AsH ariyāramna xšāyaθiyahyā puça اما $A^3pa$ از اردشیر سوم تا آرشام، دارای یک تبار کامل است، و ساخت فاعلی را برای تمام نامهای سلطنتی بجز ویشتاسب بکار می‌برد، و نیز صورت

---

۲۲.در متن: این طرح را به انگلیسی می‌توان بشرح زیر تقلید کرد.

وابستگی «شاه» را با صورت فاعلی xšāyaθiya جایگزین می‌سازد، همانند XŠ در A²Hb. از قرار معلوم فارسی‌باستان در این زمان، تقریباً به یک زبان مرده تبدیل شده بود که تنها در نوشتار اسناد رسمی تشریفاتی بکار می‌رفت و صورت گفتاری آن خالی از شناسه‌های صرفی بود (همانطور که در پهلوی بروشنی دیده می‌شود). با از میان رفتن شناسه وابستگی، طبیعی بود که صورت فاعلی بعنوان یک حالت عام بکار گرفته شود، همانگونه که قبلاً در بدل‌ها مورد استفاده قرار گرفته بود. صورت وابستگی vⁱštāspahyā، باقی مانده است، زیرا احتمالاً در کتیبه‌های متقدم و قابل دسترسی کاتبان اردشیر اول و بعد، نام ویشتاسب، بصورت معمول، بیشتر در حالت وابستگی ظاهر می‌شود تا در حالت فاعلی، و در نتیجه کاتبان در کتیبه‌هایی که تحریر می‌کردند، صورت آشنا را بکار می‌بردند.

کاربرد دیگر حالت فاعلی بعنوان حالت وابستگی، در A²Sa4 دیده می‌شود [vašnā: AM: ana]hᵃta[:u]tā: [mⁱ]θra «بخواست اهورامزدا، اناهید و مهر» (نیز در A²Ha بازسازی شده) که در آن، ظهور ساخت‌های یکسان بصورت ساخت‌های فاعلی در سطر 4f و دنباله آن، الگویی را بوجود می‌آورد؛ اگرچه جایگاه فاصله‌ها، بازسازی شناسه‌های وابستگی در A²Sa را ممکن می‌سازد، اما وارد ساختن آنها، سطر را بیش از اندازه طولانی می‌کند.

**پ ۳۱۴ ـ ساخت بی‌تسلسل** عبارتست از کاربرد یک عنصر دستوری در ساختی که توجیه آن در بقیه جمله معلوم نباشد. این پدیده در فارسی‌باستان در ارتباط با عبارت‌های بر ساخته با nāma (پ ۳۱۲)، با شجره‌نامه‌ها (پ ۳۱۳) با فراکردهای موصولی و گاهی در جای دیگر ظاهر می‌شود.

**الف)** یک فراکرد موصولی ممکن است دارای یک مرجع عام مقدم در حالت فاعلی[115] و نیز یک ضمیر از سر گیرنده پی‌آیند در حالت منطقی باشد:

DB 1.21f martiya hya agriya āha avam ubartam abaram

در این‌جا، صورت فاعلی martiya، از سر گرفته شده و نیز بوسیله صورت مفعولی صریح avam در رابطه مناسب نحوی خود قرار گرفته

است.

DNa 48-50 aita tya kartam ava visam vašnā auramazdāha akunavam

در این نمونه، صورت مفعولی صریح ava صورت احتمالاً فاعلی[۱۱۶] aita را تکرار می‌کند.

DNb 16f martiya hya hataxšataiy anu-dim [ha]kartahyā avaθā-dim paribarāmiy

در این‌جا صورت فاعلی martiya بوسیله صورت مفعولی صریح dim- از سر گرفته شده (دوبار بیان شده است).

ب) بنظر می‌رسد که در AmH، استفاده نابجای حالت‌ها منحصر به iyam dahyāuš pārsā «این سرزمین پارس» (بجای → pārsa, §53) در سطر ۵ باشد که پس از آن ضمیر از سر گیرنده avām در سطر ۶ بعنوان مفعول frābara در سطر ۷ وجود ندارد. از iyam dahyāuš pārsā صورت فاعلی xšāyaθiya pārsā «شاه در پارس» در سطر ۲، و xšāyaθiya iyam dahyāuš «شاه در این کشور» در سطر ۸ و دنباله آن، بجای صورت دری ناشی می‌شود.

پ) ضمیر موصولی و مرجع آن هردو در XPh 30-2 astiy atar aitā dahyāva tyaiy upariy nipištā ayauda «در میان این کشورهاییکه در بالا نوشته شده(اند)، یکی است (=بود، پ ۲۵۸) که در شورش بود»، حذف شده‌اند.

**پ ۳۱۵ ـ ویژگی‌های سبکی فارسی‌باستان.** در حالیکه فارسی‌باستان از نظر سبک ادبی تحول و توسعه‌ای نداشته، و نیز احتمالاً بسیاری از شیوه‌های بیانی خود را از زبان آرامی، یعنی زبان میانجی شرق باستان، گرفته است، اما باز دارای ویژگی‌هایی است که می‌توان آنها را بعنوان ویژگی‌های سبکی فهرست کرد: کاربرد عبارت‌های نامگذاری (پ ۳۱۲)، ساخت بی‌تسلسل و پدیده

مربوط به آن یعنی ضمایر و قیود از سرگیرنده (پ ۳۱۴)، حذف حرف ربط میان فراکردهای پایه و نیز میان بخش‌های همپایه فراکردهای پیرو (پ ۲۹۰، پ ۲۹۱)، انواع خاصی از حذف‌ها (پپ ۶-۲۷۵)، قلب (پ ۳۱۷) عبارت‌های دارای قافیه (پ ۳۱۸)، کاربرد مفرد خنثی بعنوان مسند یک صورت مذکر (پ ۲۵۹)، تکرار mā با فاعل‌های پی‌درپی در یک حکم ممنوعیت (پ ب/۲۹۲)، جایگاه غیر طبیعی صفات (پ ۳۰۶)، دگرگونی در نظم اسم مسند و فعل ربط (پ ۳۰۷).

**پ ۳۱۶ ـ حذف‌های سبکی** در فارسی‌باستان، بویژه در مورد فعل ربط، هنگامی‌که یک صفت یا عبارت اسنادی وجود دارد، ظاهر می‌شود؛ مقایسه شود با: پ ۲۷۵، پ ۲۷۶. مثال‌ها:

DB 1.5f cišpāiš pitā (sc. āha) haxāmaniš; 1.9 VIII manā taumāyā (sc. āhaⁿ) tyaiy...; 1.10 adam (sc. amiy) navama; 1.13 imā (sc. haⁿtiy) dahyāva tyaiy...; 1.15 tyaiy drayahyā (sc. haⁿtiy; یا احتمالاً → dārayaⁿtiy, cf. XPh 23f); 1.27 ima (sc. astiy)tya manā kartam (sc. astiy)(۲۳)

ضمیر «آن (چه)» نیز پیش از موصولی که بلافاصله پس از آن می‌آید، حذف می‌شود، مانند DB 1.27 ima tya manā kartam «این (است آن چه) که بوسیله من انجام گرفته (بود).

نوع دیگرحذف سبکی زمانی یافت می‌شودکه یک فراکردتکرار شده باشد، و با اینکه یک واژه یا واژه‌های بیشتری از فراکرد پیشین در فراکرد دوم تکرار نشده، اما از فراکرد پیشین فهمیده شود. بدین ترتیب DNb 35-7 yaciy vaināmiy hamiçiyam yaciy naiy vaināmiy (sc. hamiçiyam)(۲۴) «آنکه را که نافرمان (باشد) می‌بینم، آنکه را که غیر (نافرمان باشد) می‌بینم»، و به همین صورت DNb 38-40.

---

۲۳. افعال ربط محذوف با نشانه اختصاری sc در پرانتز مشخص شده‌اند.

۲۴. مورد محذوف با نشانه اختصاری sc در پرانتز مشخص شده است.

**پ ۳۱۷ ـ قلب** یا دگرگونی نظم موجود میان یک جفت قرینه، برای ایجاد توالی a-b-b-a، به تغییر تاکید حاصله از تکرار، تناسب می‌بخشد؛ این فرایند بارها در متون فارسی‌باستان ظاهر می‌شود.

DSf 12f hya manā pitā vištāspa utā aršāma hya manā [ni]yāka «پدرمن ویشتاسب و ارشام نیای من» .DSf 36f tya ida akariya در پایان جمله خود، 38 hya idā karta بلافاصله پس از فاعل، و 40 hya idā karta در پایان جمله خود می‌آید. درXPh 47f، šiyāta ahaniy jīva utā marta artāvā ahaniy «شاد شوم در زندگی و در هنگام مرگ خجسته باشم» می‌آید؛ اما هنگامیکه در بند ۶ـ۵۴ همین کتیبه، این خبرها تکرار می‌شوند، هیچگونه تغییری در نظم موجود، شکل نمی‌گیرد. در مورد DNb 34,41-4 نگاه کنید به: پ ۳۰۷.

**پ ۳۱۸ ـ عبارت‌های دارای قافیه** گاهی در فارسی‌باستان، برای بیان همپایه‌های معنایی بکار می‌روند، حتی اگر واژه‌های همپایه از ساخت‌های دستوری متفاوت باشند؛ اما ما نباید فرض کنم که واکه‌های فارسی‌باستان در تلفظ، دقیقاً همان قافیه‌هایی را می‌دهند که در نوشتار ایجاد می‌کنند. در این زمینه، مثال‌های زیر می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند:

DB 1.20 xšapa-vā rauca-pati-vā «چه شب، چه روز»، که در آن -xšapa دارای حالت وابستگی و -rauca دارای حالت مفعولی صریح است.

DPe 13f tyaiy uškahyā utā tyaiy drayahyā «آن‌هایی که (ساکن) خشکی و آنهایی که (ساکن) کنار دریا هستند»، که در آن یک ساخت وابستگی مختوم به -ahyă* با یک ساخت دری مختوم به -ahi+ā* هم قافیه شده است.

DB 4.56(و4.75) utātaiy taumā vasiy biyā utā dargam jīvā «و دودمان تو بسیار باشد و زندگیت طولانی شود»، که در آن وجه تمنایی biya-t با وجه امری jīvă* هم قافیه شده است.

DNa 44f parāgmatā دارای حالت فاعلی مونث مفرد از وجه وصفی گذشته مربوطه و نیز patiyajatā 47، سوم شخص مفرد، ماضی استمراری وجه اخباری میانه، در پایان جمله‌های قرینه و پی‌درپی ظاهر می‌شوند.

# نمایه قطعات ذکر شده در فصل VII

# یادداشت‌های بخش نخست: دستور زبان

## فصل I :

۱- مقایسه شود باMB Meillet et cohen, les langues du Monde 34-42; Gr. §5-§6; kieckers, Die sprachstämme der Erde 6-7; E.W.West.Gdr. IP 2.75-81; W.Horn, Gdr. IP 1.2. 412-23.

۲- اصطلاح «نو New» از اصطلاح «جدید Modern» که در ترکیب با «میانه Middle» به کوته نوشتی یکسان منجر می‌شود بهتر است.

۳- MB Gr.§5-§18

۴- باید بخاطر داشت که -ciça در این نام، دارای صورت فارسی‌باستان است و نه -ciθra* مادی.

۵- vištāspa، aspacanā و vidafarnā، علیرغم آواشناسی زبان مادی، بوضوح و بطور مشخص فارسی هستند؛ زیرا نامهای شخص معمولاً به گویش‌ها و زبان‌هایی به جز منطقه‌ای که دارنده نام به آن تعلق دارد، مربوط است، نیز مقایسه شود با یادداشت ۴.

۶- P.Tedesco, Le Monde oriental 15.248; Bv.Gr. page 4 infra.

## فصل II :

۷- شرح مفصل این موضوعات و نیز گامهای بعدی رمزگشایی در:
Weissbach, Gdr. IP 2.64-72; و E.L.Johnson,Gr. 1-16: و نیز در:
R.W.Rogers, History of Assyria and Babylonia, vol.1, chapters 1-2;
آمده است.

۸- در واقع، نام کوروش و کمبوجیه، در فارسی‌باستان، با یک حرف آغاز نمی‌شوند، بلکه بترتیب یکی با $k^u$ و دیگری با $k^a$ شروع می‌شوند؛ اما گروتفند تبار کوروش را در شجره او ندیده گرفته و متوجه نشده بود که پدر و پسر کوروش هر دو کمبوجیه نامیده می‌شدند، در حالیکه شخص اول و سوم سلسله در این کتیبه‌ها دارای نامهای گوناگون هستند.

۹- برای نقد این نظریه‌ها نگاه کنید به:Wb. KIA IV-IX

۱۰- آریارمنه عموی پدر کوروش و پدر جد داریوش اول بود؛ آرشام نیز پسر آریارمنه جد داریوش بود. بخاطر داشته باشید که هر دو کتیبه مذکور، روی لوحه‌های طلا است و در حدود اکباتان (همدان) در ماد پیدا شده است؛ اگرچه هردو شاه در این کتیبه‌ها از خود با عنوان «شاه در پارس = فارس» که دارای فاصله بسیاری از ماد است، سخن را نداده‌اند. از آنجا که کورش کبیر آرشام را سرنگون و خلع کرد و کوروش کوچک (=کوروش صغیر) نیز در آستانه شکست دادن و کشتن ارشیر دوم در کوناکس بود[۲۵](مقایسه شود با JAOS 66.206-12). لوحه طلای $A^2Hc$ می‌تواند سومین کتیبه از همین مجموعه باشد؛ هر سه کتیبه تنها به فارسی‌باستان تحریر شده‌اند. لذا ممکن است این کتیبه‌ها در زمان اردشیر دوم به عنوان بخشی از تبلیغات ضد کوروش نوشته و نصب شده باشد.

۱۱- بویژه مقایسه شود با:Schaeder, SbPAW, 1931.636-42

۱۲- به سختی می‌توان این کتیبه‌ها را به کوروش کوچک نسبت داد، علیرغم: Wb. ZDMG 48.653-65 (و نیز مقایسه کنید با: KIA IXVII-IXIX)، که برای ارائه نظر مخالف، تنها کتیبه CMa برای او شناخته شده بود، مقایسه شود با: HZ-Klio 8.1ff .

۱۳- اگرچه احتمالاً از سوی او زیاد بکار نرفته باشد. سه کتیبه دیگر شناخته شده کوروش کبیر به اکدی است؛ اما استرابو ۸-۷/۳/۱۵ (ص ۷۳۰)، به استناد گفته «انه سیکریت Onesicritus»، بیان می‌کند که آرامگاه کوروش در پارسارگاد دستکم دارای دو کتیبه است، که یکی از آنها به دو زبان یونانی و پارسی تحریر[۲۶] شده است. شناسایی زبانهای فوق بوسیله «انه سیکریت» برای ما اهمیتی ندارد، اما این گزارش نشان می‌دهد که کوروش دارای کتیبه‌هایی بوده که به بیش یک زبان تحریر شده بوده است؛ و در چنین وضعیتی بعید است که زبان بومی او حذف شده باشد. مقایسه شود با:
JAOS 66.206-12 و نیز: Hinz, ZDMG 96.343-9

۱۴- BV.Gr.§105 این شیوه آوانویسی را برای نشان دادن یک آوای صفیری قوی

---

۲۵.نگاه کنید به: ایران از آغاز تا اسلام، ص ۲۲۲

۲۶.نگاه کنید به: ایران در دوران نخستین پادشاهان هخامنشی صص ۵۴-۵۳

بکار می‌برد نه برای یک آوای صفیری بلند، زیرا زبان ایرانی، تمام همخوان‌های بلند را کوتاه می‌کند (پ ۱۳۰)

۱۵- در باره این موضوع، نگاه کنید به: MB Gr. §93، در باره تحول ṛ در اوستا، نگاه کنید به: Reichelt, Aw. Elmb.§109.2.

۱۶- *ερ* یونانی دلیل قاطعی برای ṛ نیست، علیرغم اینکه kερσa=karša و Σμερδιs=bardiya هردو دارای ṛ هستند (پ ۳۰)؛ مقایسه شود با: 'Iνtaφερνηs=vi$^{n}$dafarnā با -ar- و 'Aρσάμηs=aršāma و Aρtaξερξηs=artaxšaça، هرود با ṛ بنابر استناد عیلامی، علیرغم -aρ یونانی، حرف نویسی یونانی پاره‌ای از نام مکانها در برابر ar پارسی دارای aρ هستند:

Παρθιā=parθava, Σaγaρtιā=asagarta,...

۱۷- در آریایی آغازین s پایانی پس از ῑ و ū به š تبدیل می‌شود، و این š پایانی در فارسی‌باستان به نوشتار می‌آید.

۱۸- t پایانی برپایه قیاس، با š در ساخت‌هایی همانند سوم شخص مفرد، جابجا شده است: akunauš (=سنسکریت ákṛṇot)؛ پ ۲۲۸/III.

۱۹- مقایسه شود با: JAOS 67.32-3.

۲۰- برای امکان حذف نشانه جدا کننده به شکل زاویه حرف مجاور، نگاه کنید به یادداشت‌های مربوط به 4.83، DB 4.71.

۲۱- نیز Wb.ZfA 46.55 برای قرائت KT، مقایسه شود با -di- و -mard، در واژه‌نامه.

۲۲- یک متن عادی شده، الزاماً یک متن آوانگاری شده نیست، بلکه تنها چیزی شبیه و نزدیک به چنین متنی است. به نشانه‌های نوشتاری عادی توجه کنید:

الف) -ā,-ῑy, -ūv پایانی برای -ă,-ῑ,-ū در آوانگاری

ب) iy و uv برای y،u پس همخوانی

پ) h$^{a}$ یا بندرت i برای hi، و بویژه hy برای (واحد آوایی) hy یا hiy یا hi پایانی

ت) u برای hu و بویژه uv برای (واحد آوایی) hv یا huv یا hu– پایانی

۲۳- این نظام عادی سازی برای متون فارسی‌باستان، مورد اتفاق نظر دانشمندان است؛ در واقع نظام مذکور نتیجه مجموعه وسیعی از کوشش‌ها به منظور

دستیابی به نتایج مربوط به آواهاست که از سوی نخستین پژوهشگران این رشته صورت گرفته است (16§؛14§ یادداشت ۱[۲۷]، اشاره به مقاله ویسباخ که در آن ادبیات آغازین مورد ردیابی قرار گرفته است). دلیل درستی این نظام، واقعیتی است که به آن عمل می‌کند، واقعیتی که به ما امکان برقراری قیاسی دقیق و متقن را میان این زبان و زبانهای هم خانواده دیگر هندواروپایی ونیز وامواژه‌های موجود در زبانهای غیر هندواروپایی، می‌دهد. با اینکه برخی از دانشمندان، برای نشان دادن قطعی نشانه‌های هجایی فارسی‌باستان از علایم و نشانه‌های دیگری بهره می‌گیرند (پ ۲۰)، اما باید گفت که در روش، دارای هیچگونه اختلاف شیوه‌ای چشمگیری نیستند و نیز در روش‌های دیگر هیچ مزیت ویژه‌ای وجود ندارد. در حالیکه هنوز ابهامات زیادی در مورد a آغازین و نشانه‌های دارای a ذاتی (پ ۲۱، پ ۲۲)، و ارزش ar (عادی شده) که واحد آوایی ar یا r̥ (پ ۲۹ تا پ ۳۵) به شمار می‌رود، باقیمانده است؛ و اینگونه مسایل را باید از طریق قیاس واژگانی و یا قیاس وامواژه‌ها در زبانهای دیگر حل نمود؛ اما باید توجه داشت که این مسایل، تنها، به واژه‌ها یا اشکال خاص و منفرد مربوط است واثری بر شیوه عمومی عادی سازی ندارد. برای این موارد هرکس می‌تواند به واژه‌نامه مراجعه کند و در همانجا زیر واژه مربوطه، نظریات گوناگون را بررسی کند. بعضی از دانشمندان،در واقع، ai و au فارسی‌باستان را بصورت e و o عادی سازی و یا به بیانی دیگر «تعبیر» می‌کنند، اما تنها نتیجه‌ای که بدست می‌آید، مبهم کردن ارتباط میان واژه و صورت میخی آن است؛ بهرحال چنانچه کسی تمایل داشته باشد، توجه به ai و au به‌گونه نشانه‌هایی به جای آواهای e و o امری کاملاً ساده است.

## فصل III :

۲۴- Brugmann, Gdr². 1.790-3; مقایسه شود با: پ ۱۰۲.

۲۵- Sturtevant, IH Laryngeals §80b,§73-§77

۲۶- Brugmann, Gdr². 1.721,724

۲۷- در مورد ارزش آوایی b d g، نگاه کنید به: MB Gr. §§127-9

---

۲۷.در این ترجمه پ ۱۴، یادداشت ۷.

۲۸- پاره از دانشمندان استدلال می‌کنند که a فارسی‌باستان، پیش از y و v، بترتیب، e و o، و همچنین واکه‌های مرکب ai و au در فارسی‌باستان، بترتیب ē و ō تلفظ می‌شده‌اند؛ در این مورد مراجعه شود به:

MB Gr. §88, Hz. ApI 116, König Burgbau 62.

این نظریه‌ها از سوی خط فارسی‌باستان تائید نمی‌شوند (مراجعه شود به: پ ۴۸)، و بر حرف‌نویسی به عیلامی واکدی که گاهی اوقات در تضاد با یکدیگر قرار می‌گیرند، و نیز بر تحولات موجود در ایرانی میانه، که الزاماً به دوره کتیبه‌های فارسی‌باستان باز نمی‌گردند، استوارند.

۲۹- برای مشخص نمودن ə هندواروپایی آغازین، در اختیار داشتن دو زبان هم خانواده، یکی در شاخه آریایی و دیگری خارج از آن، و یا یک زبان هم خانواده دارای درجه بلند واکه، الزامی است.

۳۰- Lg.18.79-82

۳۱- از نظر آوایی موجه است، هنگامیکه r̥ با دو همخوان مقدم بر آن و یا با همخوانی که خود با یک واکه بلند یا یک واکه مرکب مقدم همراه بوده است، می‌آمد: Edgerton, Lg.10.257.

۳۲- در فارسی‌باستان نباید بصورت -akr (همانند سنکریت)عادی شده باشد، زیرا در زبان‌های ایرانی، kr به xr تبدیل شده است؛ پ ۱۰۳/I.

۳۳- برای ai هندواروپایی آغازین، در واژگان فارسی‌باستان، مثال مشخصی شناسایی نشده است؛ برای əi هندواروپایی آغازین، نگاه کنید به: پ ۷۱.

۳۴- در مورد نظریه مبنی بر تلفظ ai فارسی‌باستان بصورت ē، نگاه کنید به: پ ۶۱. یادداشت شماره ۱.[۲۸]

۳۵- برای əu هندواروپایی آغازین، نگاه کنید به: پ ۷۱.

۳۶- برای تلفظ احتمالی au فارسی‌باستان بصورت ō، مراجعه کنید به: پ ۶۱، یادداشت شماره ۱.[۲۸]

۳۷- تلفیق *m̥bhi و *obhi هندواروپایی آغازین، نگاه کنید به: واژه‌نامه، زیر مدخل abiy.

۳۸- مقایسه شود با تمایز مشابه در تحول مربوطه در لاتین، جائیکه -d پس از

---

۲۸.در ترجمه، یادداشت شماره ۲۸.

واکه‌های کوتاه حفظ شده است، همانند: id,sed,ad؛ اما پس از واکه‌های بلند از دست رفته است، همانند Gnaeō, sē, suprā، در لاتین باستان: sēd, suprād, Gnaivōd.

۳۹- مراجعه شود به: Kent, Lg.8.18-26;Emeneau, Lg.9.232-6

۴۰- به استثنای مواضع پیش از s نگاه کنید به: پ ۹۲.

۴۱- احتمالاً فقدان آوای غنه‌ای در بن زمان حال، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل -θah.

۴۲- برای ارزش آوایی -b- در -zb-، نگاه کنید به بحث انجام شده از سوی «دبرونر»:

۴۳- چنانچه k هندواروپایی آغازین در ks به آوای صفیری معمولی s در آریایی آغازین تبدیل شده باشد، پی‌بردن به اینکه چگونه s می‌توانسته در ks سنسکریت آوای انسدادی داده باشد مشکل است. بنابراین برخی از تحولات دیگر k پیش از s در آریایی آغازین را نیز باید پذیرفت.

۴۴- این توجیه برای st باز آمده از kt در حال حاضر به نظر من بهتر از توجیهی است که در گذشته (از جمله در: Lg.21.58، ذیل نظریه‌ای از بنونیست در Bv.Gr.§125)، مبنی بر تعلق št به مادی و st به فارسی‌باستان، متذکر شدم؛ زیرا وامگیری واژه‌ها و ساخت‌های شامل št از سوی فارسی‌باستان، در این مورد می‌تواند عامل بسیار موثری باشد. تدسکو[۲۹] در st,Le Monde Oriental 15.203-4 (referred to by Bv.l.c.) را صرفاً تحول متاخری از št تصور می‌کند (از هر اصلی، از جمله št باز آمده از st پ ۱۱۵، پ ۱۱۷)، که در بسیاری از واژه‌های پهلوی، البته نه در همه، و با سطح گسترده‌ای در پهلوی جنوبی غربی (مشتق از فارسی‌باستان، پ ۴/II) نسبت به پهلوی شمالی‌غربی (مشتق از مادی، پ ۴/I)، یافت می‌شود. البته نتیجه‌گیری وی برپایه قرائت‌های پهلوی ترفانی استوار است (پ ۴/IV)؛ در حالیکه اسناد ترفانی، متعلق به قرن سوم میلادی، یعنی حدوداً ۷۰۰ سال پس از زمان داریوش و خشایارشا می‌باشد، و در کتیبه‌های داریوش و خشایارشا، ساخت‌های فارسی‌باستان دارای -st- یافت شده‌اند. با توجه به این فاصله زمانی، گونه موجود در فارسی‌باستان را می‌توان دلیل محکمی برای مرحله مقدماتی تحول موجود در متون ترفانی به شمار آورد.

---

۲۹. Tedesco

۴۵- بلندی واکه، که در اینجا مورد نظر نیست، احتمالاً معلول گسترش قیاسی است از روی آئوریست s دار معلوم، که گردش واکه‌های بلند در آن، یک ساخت قاعده‌مند هندواروپایی آغازین بوده است، اما ممکن است تا تقسیم هندواروپایی آغازین به دو شاخه جدا از هم، این پدیده به وجه وصفی تعمیم داده نشده باشد.

۴۶- نظریهٔ نسبتاً متفاوت نیبرگ در،Studia Indo-Iranica W.Geiger 213-6 مرا متقاعد نمی‌کند.

۴۷- در مورد -sn- اوستا به جای -šn- مورد انتظار، همانند آنچه که در vasna «به لطف»، asne «نزدیک» دیده می‌شود، نگاه کنید به:.Bthl. Gdr.Ip 1.§33.1

۴۸- در مورد بستگی ch سنسکریت با c از یک سو و با یک آوای صفیری از سوی دیگر، نگاه کنید به ;J.Wackernagel, Altindische Grammatik 1.153-8
A. thumb, Handbuch des sanskrit 1.113

۴۹- برای þ هندواروپایی آغازین، مراجعه شود به: پ ۵۸ الف /الف.

۵۰- در ایرانی باستان، خیشوی‌های پیش از آواهای سایشی تنها به خیشومی شدگی واکه مقدم تقلیل می‌یابند (همچنین است در هندی باستان؛ مقایسه شود با:Wackernegel, Altindische Grammatik 1.§224). دستگاه نوشتاری فارسی‌باستان، بطور کلی از نشان دادن ویژگی خیشومی شدگی آواها، اعم ازنیکه در فارسی‌باستان بازمانده (همانند اوستا) و یا به کلی از میان رفته باشد ناتوان است.
بنابراین aθaha فارسی‌باستان یا می‌تواند با asasat سنسکریت در داشتن یک واکه خیشومی مطابقت کند و یا از ساخت ریشه‌ای فاقد آوای خیشومی آمده باشد؛ مراجعه شود به ارجاعات در واژه‌نامه، زیر مدخل -θah.

۵۱- s بصورتی بسیار روشن منشاء ریشه شناختی را نشان می‌دهد؛ بهمین صورت ما می‌توانیم در سنسکریت واژه‌هایی را با ḥ- یا s- بر شماریم.

۵۲- همانند مندرجات پ ۵۸، الف، ب؛من z هندواروپایی آغازین استورتوانت را که از s هندو حتی آغازین همراه با γ مقدم (سومین آوای حنجره‌ای، که واکدار بوده) آمده حذف کردم.

۵۳- Tedesco, ZII 2.46-7، تدسکو بویژه در مورد -ārya (نوشتار فارسی‌باستان -āriya) بحث داشته و در این زمینه معتقد است که -ărya سنسکریت، صرفاً

صورت متاخری است مشتق از صورت متقدم -ārya، که بدین ترتیب تنها صورت اصیل به شمار می‌رود.

## فصل IV :

۵۴- در واژه -ciça-taxma، جزء نخست یک بن برهنه نیست، بلکه وجود بن همراه با یک آوای غنه‌ای در افزوده، در حرف نوشت آن به عیلامی، اکدی و یونانی به اثبات رسیده است. این آوای غنه‌ای به سختی می‌تواند پایانه حالت مفعولی صریح باشد (همانگونه که بارتولومه در Aiw 587 بصورت غیر قطعی پیشنهاد کرده است)؛ و به نظر غیر قابل توجیه می‌آید، مگر به عنوان انتقال از برخی ترکیبات دیگر که در آنها، وجود یک آوای غنه‌ای در این جایگاه موجه باشد.

(Schulze, KZ 33.216.n3; Richter, IF 9.203-4; Foy KZ 37.504-5). Cf. Gk. Αρτεμ βάρης (Hdt. 1.114-6, 9.122; Aesch. Pers. 29, 302, 971)=OP *Artam-bara حامی ارته

که به نظر می‌رسد جزء نخست در حالت مفعولی صریح باشد،

(cf.Stonecipher, Graeco-Persian Names 27).

۵۵- بخش بیشین نمونه‌های مربوط به این گروه، آندسته از مواردی را در برمی‌گیرد که بخش نخست آنها یک قید جدا نشدنی یا پیشوند حرف اضافه‌ای است؛ براساس طرح ما، این نمونه‌ها در اینجا مورد بررسی قرار نگرفته‌اند (پ ۱۵۹).

۵۶- از سوی BV.Gr.§315، واژه xšayāršā نیز همانند -auramazdāh، یک بن مختوم به -āh- به شمار رفته، که برپایه ادغامی از xšaya[t]«فرمانروایی» و -arša «عدالت»، شکل گرفته است، و بنابراین در مجموع «فرمانروایی همراه با عدالت»، معنی می‌دهد. اما مثالی وجود ندارد که در آن، علیرغم تخفیف -t پایانی، ادغام یک واکه کوتاه رخ دهد؛ برای ایراد دیگر، و نیز توجیه مناسب از شناسه‌های حالت، نگاه کنید به: پ ۱۸۷ و یادداشت ۲(۳۰)، و نیز واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه.

۵۷- صورت māhyā به احتمال زیاد بیشتر گونه مخفف *māhahyā در حالت وابستگی، برپایه بن -māha است، تا -māhyā در حالت دری، برپایه بن -māh،

---

۳۰.در ترجمه: یادداشت ۸۲.

با اسم وابسته که هردو در حالت وابستگی برابرند.

۵۸- مقایسه شود با نام ایالت‌های ایالات متحده آمریکا؛ که تقریباً نیمی از آنها از زبان‌های بومی آمریکا، و بقیه مستقیماً و یا در نهایت از انگلیسی، آلمانی، سلتی، فرانسه، اسپانیایی، لاتین، یونانی، عبری و، هندوایرانی مشتق شده‌اند. برای نام ـ جای‌های فارسی‌باستان که با قطعیت و یا با برخی احتمالات از نظر ریشه‌شناسی توضیح داده شده‌اند، نگاه کنید به واژه‌نامه زیر مدخل‌های مربوطه.

۵۹- این بخش تنها سعی دارد که اسامی و صفات قومی را که به عنوان اصطلاحات جغرافیایی در متون فارسی‌باستان به کار رفته‌اند، فهرست و طبقه بندی کند؛ فهرست کامل ایالات امپراطوری پارس[۳۱]، بنابر مندرجات متون فارسی‌باستان، و نیز بحث مربوط به تغییرات آنها را می‌توان در JNES 2.302-6 یافت. طبقه‌بندی yadā DB 3.26، ظاهراً نام فارسی‌باستان برای آنشان (نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل – yadā² ) تا اندازه‌ای نامشخص است.

## فصل V :

۶۰- برای فرضیه مربوط به اصل این پایانه، نگاه کنید به: sturtevant, Lg.8.1-10

۶۱- همانند همین پدیده در اوسکواومبریایی: en* «در»، به عنوان جزء جدا نشدنی صورت صرفی به پایانه حالت دری می‌چسبد، در اوسک: húrtun «در horto» از ei-en*-، و در امبریایی: arven «در arvo»، از āi-en*-.

۶۲- مگر اینکه این ساخت، یک واژه نو ساخته باشد (پ ۵۷).

۶۳- بااینکه ā+i بنابر قاعده باید بصورت ăi ادغام شود (پ ۱۳۱)، اما به نظر می‌رسد که حالت دری بن‌های مختوم به -ā- زیر تاثیر -ā- در حالات دیگر، باید دارای āi- بوده باشند، در مورد پایانه بایی ăyā- در سنسکریت، نگاه کنید به:
Thumb-Hirt, Handbuch d. Skt. §259, §351

۶۴- Hinz, ZDMG 92.250، این واژه را صورت غلط نوشتاری برای stūnāyam، صفت توصیف کننده apadānam «ستون کاخ»، به شمار می‌آورد.

۶۵- agnāu سنسکریت، ساختی جدید، زیر تاثیر حالت دری بن مختوم به -u-

---

۳۱. منظور امپراطوری هخامنشی است.

است، satrā, satrāu «دشمن»، این در حالی است که هر دو ساخت هنوز مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۶۶- تغییر میان ‎-il-‎ و ‎-i-‎ برپایه «قانون سیورس»[۳۲] (مقایسه شود با: (Edgerton, Lg. 10.235-65)؛ تمایز میان ē و ā هندواروپایی آغازین نمی‌تواند به سبب نبودِ موارد خویشاوند غیر آریایی شکل گرفته باشد.

۶۷- ā آریایی آغازین، مقایسه شود با یادداشت پیشین؛ احتمالاً ‎ā-‎ آریایی آغازین از حالات بایی بن مختوم به ‎-ŏ-‎ گسترش یافته است.

۶۸- Debrunner, IF 52.131-6; Kent, Lg. 19.221-4.

۶۹- در فارسی‌باستان، گرایش غالب بر آن است که ساخت‌های تغییر یافته بن‌های مختوم به همخوان با هم یکنواخت وهم سطح شوند، نه اینکه به آوای اصیل برگردند؛ مقایسه شود با: ‎gāθu- xraθu-, arašan-‎ در واژه‌نامه، زیر مدخل‌های مربوطه.

۷۰- در هندواروپایی آغازین، واکه مرکب پیش از آوای غنه‌ای در یک هجا، خود بخود به واکه + نیم واکه همخوانی، و پس از آن، آوای غنه‌ای به همخوان واکه‌ای تبدیل شده است، بنابراین: ‎-ēum̥ > -ēum‎، تا فارسی‌باستان ‎-āvam‎. اما ‎-ēus‎ فاعلی، باقیمانده و ‎-āum‎ مفعولی صریح فارسی‌باستان را سبب گردیده است (که در واقع از هندواروپایی آغازین، در موضع پیش از یک واکه آغازین، به یادگار مانده است). تحول جایگزین مربوط به واکه بلند پیش از m پایانی در هندواروپایی آغازین، عبارت بوده است از فقدان نیم واکهٔ واکه مرکب؛ در این خصوص، در فارسی‌باستان مثالی وجود ندارد.

۷۱- مقایسه شود با:

pIE nom *nāus, acc. *nāum̥ کشتی: Skt. nāus, nāvam; Gk. Hom. νμūs νῆa, Att. vaūs vaūv.

۷۲- در مورد نظرات پیشین مربوط به صرف dahyāuš، نگاه کنید به: Bv.Gr. §287

۷۳- در پاره‌ای از شاخه‌های هندواروپایی، آوای روان و غنه‌ای در حالت فاعلی، زیر تاثیر صورت بن در حالات غیر فاعلی، مجدداً بازسازی می‌شده است، بنابراین: سنسکریت pitā «پدر»، اما یونانی πatηρ، لاتین pater؛ سنسکریت

---

۳۲. Sievers'Law

tăkṣā «درودگر»، اما یونانی τεκτων.

۷۴- همانند es- در لاتین os, ped-is- در یونانی ποδ-ós.

۷۵- چنانچه ما می‌توانستیم haxāmanišahyā را با ارزش ظاهری آن بپذیریم، آنگاه می‌توانستیم همانگونه که برخی پنداشته‌اند کاملاً مطمئن شویم که این سه اسم، دارای بن‌های مختوم به -s- هستند و نه از بن‌های مختوم به -ī- با پایانه فاعلی š-؛ اما Haxāmanišahyā در کتیبه آریارمنه که از اشتباهات نوشتاری بسیار برخوردار است، می‌آید و ممکن است جایگزین صورت وابستگی مختوم به manaiš* - شود، همانگونه که dārayavauš-ahyā (در کتیبه‌های اردشیر I و II) جایگزین صورت وابستگی کهن dārayavahauš می‌گردد. بهرحال بنظر می‌رسد که صورت مشتق haxāmaniš-iya «هخامنشی» ما را در پذیرش تعلق -š- به بن، متقاعد می‌سازد.

۷۶- این -n- ممکن است از صورت فاعلی وجه وصفی کامل vidvān در سنسکریت -uōs در هندواروپایی آغازین، همانند یونانی εἰδ(f)ωs «آگاه» آمده باشد؛ و بنظر می‌رسد که در وجه وصفی کامل سنسکریت نیز از -nt- مربوط به وجه وصفی معلوم آمده است.

۷۷- مقایسه شود با همین پدیده در صرف -xšayāršan، پ ۱۸۷. پیزانی در Riv. Stud. Or. 19.81-2، استدلال می‌کند که auramazdā، در اصل یک اسم-ریشه مختوم به -ā-، با صورت وابستگی قیاسی، جهت اجتناب از هویت فاعلی و وابستگی است، اما این امر بسیار بعید و نامحتمل است.

۷۸- این نام الهی همیشه در اوستا، در هر دو بخش صرف شده است؛ درگاهان معمولاً واژه‌های دیگر نیز میان دو بخش آن قرار می‌گیرد و در اوستای متاخر صورت mazdā ahurō بسیار شایع‌تر از صورت ahurō mazdā است.

۷۹- این امر بیشتر نشان می‌دهد که در فارسی‌باستان ḥ- پس از ā از میان رفته بوده و تنها پس از ă باقیمانده است؛ پ ۴۰.

۸۰- hamapitā و hamātā فارسی‌باستان تفاوتی در ساخت ندارند و نمی‌توانند تمایز میان دو نظام واکه‌ای موجود در δμοπάτωρ و δμοπάtηρ را نشان دهند، در حالی که ساخت‌های دارنده ōr- دقیقاً همانهایی هستند که در ترکیبات اصیل وجود دارند.

۸۱- $c^{a}\check{s}^{a}m^{a}$ فارسی‌باستان، به سبب واکه کوتاه پایانی، بصورت cašma، همانند یک

بن مختوم بـه -n- قـرائت نـمی‌شود (پ ۳۶/III)، بـلکه بـاید آن را بـه شکـل cašam، یعنی حالت مفعولی صریح خنثی بن مختوم به -a- خواند.

۸۲ـ بنونیست در Gr.§290 این بن را به سـبب داشـتن āha- در حـالت وابسـتگی، بصورت -xšayāršāh آورده است، عامل دوم موثر در این نظر -arša «عادل»، ساخته شده بصورت یک بن (آریایی) مختوم به -ās- است؛ ایراد بر ایـن نـظر عبارت است از اینکه بن‌های مختوم به -ās- به بندرت طبق بن‌های مختوم به -ă- ساخته شده‌اند. نیز مقایسه شود با، یادداشت پ ۱۶۲[۳۳].

۸۳ـ Lg.15.175-6؛ در مورد توجیهات دیگر مربوط به این دو ساخت، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل‌های مربوطه.

۸۴- Lg.15.170.

۸۵ـ صورت فاعلی hamiçiyā در DB 2.93 مسـندی است بـرای دو اسـم مـفرد مذکر، اما به احتمال بسیار زیاد دارای صورت جمع است تا تثنیه؛ مقایسه شود با: پ ۲۵۹

۸۶ـ صورت karšā به اینجا تعلقی ندارد و نیز احتمالاً نه artā-cā (نیز چنانچه عادی شده، باشد) و نه taumani-šaiy؛ در مورد این واژه‌ها، نگاه کنید به واژه‌نـامه، زیر مدخل‌های مربوطه.

۸۷ـ در مورد این ساخت‌ها، مقایسه شود با:Kent.Lg. 19.225.

۸۸ـ منشاء -sī* هندواروپایی آغازین روشن نیست. شاید برخوردی باشد از صورت فـاعلی مـفرد مـذکر هـندواروپـایی آغـازین so*، فـاعلی مـفرد مـونث sā* (سنسکریت sá-s sā ، یونانی ó η) و صورت فاعلی مفرد مذکر هندواروپایی آغازین i-s*، فاعلی مفرد مونث ī* (لاتین، فاعلی مفرد مذکر is؛ سـنسکریت، فاعلی مفرد مونث iyám از ī* بعلاوه -om)،مفعولی صریح مفرد مـذکر i-m*، مفعولی صریح مفرد مونث ī-m*. براین اساس، حتی تغییرات بلندای واکه نیز توجیه می‌شود.

## فصل VI :

۸۹ـ میانه، همراه با -nth- هسته‌ای ناشی از تحول پس از دوره باستانی.

---

۳۳.در ترجمه: یادداشت شماره ۵۶.

۹۰- اما ـ dhanva* آریایی آغازین می‌تواند صرفاً -dha-nu* باشد که بصورت تماتیک[۳۴] ساخته شده است و درین صورت دقیقاً به -dha-nu* بعلاوه -e- قابل تجزیه می‌باشد؛ مقایسه شود با تغییرات مشابه از غیرتماتیک به تماتیک در افعال یونانی، بطور مثال δεικ-νυ-ε-τε «تو نشان می‌دهی» جایگزین δεικ-νυ-τε.

۹۱- اگرچه صورت فارسی‌باستان nᵃiyᵃpᵃišᵃmᵃ هرگونه عادی سازی را امکان پذیر می‌سازد، اما صورت ماضی s دار با گردش واکه‌ای قوی، بیشتر از صورتی با درجه ضعیف مورد انتظار است.

۹۲- همین تغییر میان پایانه‌های حالات معلوم و میانه، بویژه در ساخت‌های همراه با پسوند بن ساز مجهول در اوستا (Reiehelt, Aw. Elmg. §615) و نیز در سنسکریت (Whitney, Skt. Gram. §774) دیده شده است؛ اما در هر دوی این زبان‌ها، پایانه‌های حالت میانه، نسبت به پایانه‌های حالت معلوم، در ساخت‌های مجهول دارنده -ya-، بسیار فراوانتر است.

۹۳- بحث مفصل در مورد این فرآیند قیاس توسط پیزانی در Riv.Stud.Or.19.80-92، ارائه شده است.

۹۴- تا زمانیکه چیزی مانع تحول آوایی t پایانی پس از u به š در فارسی‌باستان نشود، بعید است که این تغییر پس از i نیز ظاهر شده باشد؛ فارسی‌باستان -ciy، از هندواروپایی آغازین *qᵘid، که سنسکریت آن cid، اوستای آن čit و لاتین آن quid است. در مجموع باید فرض کرد که š- سوم شخص مفرد پس از u، و نیز همین پایانه پس از i، دارای یک منشاء مشترک هستند.

۹۵- این گسترش قیاس، با جزئیات، از سوی پیزانی در Riv. Stud. Or. 19.92-3 مورد بحث قرار گرفته است.

۹۶- مقایسه شود با Bv. Origines 105-6; Sturtevant, Lg. 20.206. ممکن است صورت بازسازی شده [da]rtanayā بواسطه گذر به بن‌های مختوم به -a-، به این گونه ساخت‌ها تعلق داشته باشد، در حالی که ساخت دری بنظر می‌رسیده، و همانند ساخت‌های دیگر دری، حرف (اضافه) پسایند ā- را بخود گرفته است.

---

۳۴. ماده -a- دار

## فصل VII :

۹۷- نبود ساخت‌های برایی در فارسی‌باستان و بعهده گرفتن عملکردهای برایی از سوی ساخت وابستگی، تشخیص و تمایز ساخت‌های برایی ملکی همراه با رابطه را از ساخت‌های وابستگی ملکی، غیر ممکن می‌سازد؛ بنابراین در XPf 28f dārayavauš (غلط بجای ←-vahauš) puçā aniyaiciy āhata «داریوش را پسران دیگری بودند»، ساخت وابستگی ممکن است یک ساخت واقعی وابستگی ملکی باشد و یا یک ساخت برایی ملکی. هنگامیکه یک ساخت وابستگی دارای تکیه مستقل، از واژه‌ای پیروی کند که به آن وابسته است، می‌توان فرض عملکرد را به نفع ساخت برایی پذیرفت؛ مقایسه شود با: پ ۳۰۹.

۹۸- مقایسه شود با کاربرد حالت برایی با صفات، در یونانی، که جزء نخست آن -ὀμο بوده است؛ اگرچه در زمان‌های بعدی، حالت وابستگی نیز با آنها بکار می‌رفت.

۹۹- بکاربردن ساخت بایی بدون حرف (اضافه)پیشایند، برای اشاره به مکان نامعین یا مکان در برگیرنده، عمومیت ندارد. اما زبان‌های گوناگون به آن رویکرده‌اند؛ برای تمام موارد هندواروپایی، مقایسه شود با

Brugmann, Gdr.[2]2.2.§480 (Der Instrumentalis als örtlicher und zeitlicher، Prosecutivus,' -der Raumerstreckung-der Zeiterstreckung); in Sanskrit, cf. Whitney, Skt. Gr.[3] §281.d(Time passed through, or by the lapse of which anything is brought about); in Arestan cf. Reichelt, Aw. Elmb. §448 (Prosekutivus zur Bezeichnung des Raums, mit dessen Zurücklegung eine Bewegung voranrückt).

۱۰۰- در مورد این موضوع به

Ed. Schwyzer, Die sog. missbräuchlichen Instrumentale im Awesta, IF 47.214-71 (1929);

اما در مورد این گونه ساخت‌ها درگاثاها، مراجعه کنید به:

Maria W. Smith, studies in the syntax of the Gothas of

zarathusftra, esp. pages 19-35 (1929).

۱۰۱- مقایسه شود با مسند خنثی که گاهی اوقات برای مسندالیه مذکر یا مونث در لاتین بکار رفته است:

Verg.Ecl.3.80 trīste lupus stabulīs, Aen. 4.69f varium et mūtābile semper fēmina.

به همین صورت در یونانی:

Xen. Anab. 2.3.15 (τά τραγημαтa) ηv kaι παρά πòτον ηδv μεv, kεφaλaλrεs δε, 3.2.22 ει...τους...ποταμους ăπορov voμιξετε ειvaι.

۱۰۲- (1944) Lg.20.1-10، با جزئیات بحث در مورد نظریاتی که در این بخش خلاصه شده است.

۱۰۳- hyā در DPe 22 حرف تعریف مفرد مونث فاعلی نیست که پیش از اسم خود آمده باشد، بلکه یک قید در حالت ازی است؛ نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه.

۱۰۴- Lg. 20.3 برای امکان دیگر

۱۰۵- بنونیست در TPS 1945.61n معتقد است که کاتب کتیبه تصادفاً martiyā را پیش از tyaišaiy حذف کرده و سپس آنرا پس از fratamā، هنگام توجه به حذف، وارد کرده است.

۱۰۶- مقایسه شود با کاربرد مشابه در لاتین:

Caesar, BG 1.12 quae pars cīvitātis Helvētiae īnsignem calamotātem populō Rōmānō intulerat, ea prīnceps poenās solvit

۱۰۷- همین کاربرد در لاتین نیز ظاهر می‌شود:

Cic. ad Fam. 12.23.2 legiōnibus...quās sibi conciliāre pecūniā cōgitābat eāsque ad urbem addūcere

۱۰۸- بنونیست در TPS 1945 61-3، سعی دارد که نشان دهد که ساخت معلوم āha همیشه بر وجود دلالت می‌کند، در حالیکه ساخت میانه āhatā، پیوسته با حالت وابستگی - برایی، در بیان مالکیت بکار می‌رود. استدلال وی کاملاً متقاعد کننده نیست، بویژه در مورد DB 4.81؛ و نیز برای تخصیص معنایی که

بنظر می‌رسد وجود داشته باشد، انگیزه‌ای محسوب نمی‌شود.

۱۰۹- یا شاید بالقوه بعنوان افعال اصلی کلام غیر مستقیم غیر رسمی؛ اما نه افعال اصلی بیان کننده عمل مکرر در گذشته، همانگونه که بنونیست در TPS 1945. 50-1 فرض کرده است (مقایسه شود با وجه تمنایی در این کاربرد در اوستا؛ Reichelt, Aw. Elmb. §638)

۱۱۰- نیز در yaθā؛DB 1.70, DSe 35,39 هیچگاه قضیه یا منظور مفروضی را نمی‌سازد. مقایسه شود با BV. TPS 1945.54-6.

۱۱۱- در عبارت asā dārav (DSf 41؛ نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل -dāruv) معلوم نیست که کدام واژه برای دیگری بدل است؛ یعنی معلوم نیست که عبارت به صورت «سنگی که چوب است» باید باشد و یا بصورت «چوبی که سنگ است»؟

۱۱۲- تنها استثناء A²Hc 14f vištāpahyā nāma puça «پسر ویشتاسب نام» است که در آن nāma ساخت وابستگی را توصیف کرده و بدنبال آن یک واژه عام نیامده است؛ ساخت جمله بگونه‌ای است که امکان قرارگیری یک ضمیر از سر گیرنده را در آن از میان می‌برد.

۱۱۳- گرایش‌ها به واژگان جدید در قطعه مذکور، در: پ ۵۷ مورد اشاره قرار گرفته است

۱۱۴- مقایسه شود با J.R. Ware, TAPA 55.56-7؛ نظر دیگر در مورد نحو این شجره نامه‌ها، از سوی E.H. Sturtevant, JAOS 48.66-73، بیان شده است.

۱۱۵- در اغلب موارد بدون مرجع مقدم، همانند:

DB 4.50f tyaiy paruvā xšāyaθiyā yātā āha avaišām avā (=avaθā,§ 52.VI) naiy astiy kartam

«کسانیکه شاهان پیشین (بودند)، تا زمانیکه بودند، از سوی آنان چنین کاری انجام نشد...»

۱۱۶- اما در:

XPh 43-5 aita tya adam akunavam visam vašnā auramazdāha akunavam.

من aita را در حالت مفعولی صریح می‌دانم، زیرا این بافت فاقد ضمیر از سر گیرنده ava است.

## بخش دُدیگر: متن‌ها

این بخش، نخست توصیف کوتاهی از کتیبه‌ها، همراه با کتابشناسی ویژه آنها را در برمی گیرد؛ برخی از کتیبه‌های موجود به عیلامی یا اکدی و یا هر دو، و نه به فارسی‌باستان، در این کتابشناسی فهرست شده‌اند؛ این امر تنها به منظور توجیه فاصله در طبقه‌بندی الفبایی کتیبه‌های فارسی‌باستان انجام گرفته است.

سپس متن‌های فارسی‌باستان را پی می‌گیرد، هریک از متن‌ها با یادداشت‌های انتقادی و در صورت لزوم با ویژگی تفسیری، و نیز ترجمه همراه است.

### توصیف و کتابشناسی کیتبه‌ها

عناوین کتابشناختی مربوط به سال ۱۹۰۶ و پیشتر، تنها بنا به دلایل ویژه‌ای ارائه شده‌اند، و می‌توانند در Wb. KIA و هرجای دیگر ردیابی شوند.

**AmH** =آریارمنه / همدان : متن تقریباً ناقص فارسی‌باستان در ده سطر، روی لوحه طلا؛ هیچگونه سند و مدرکی وجود ندارد که نشان دهد بخش از دست رفته، در بردارنده تحریرهای عیلامی واکدی بوده است.

Hz.AMI 2.117-27 (1930), 4.132-9 (1932), 8.17-35 (1938),ApI 1-2 No. I (1938); Hz. Die Goldtafel des Āriyāramna, in Berliner Museen, Berichte aus den preussischen Kunstsammlungen 52.3.52-5, wigh plate (1931);

HHSchaeder, SbPAW 1931.635-45, 1935.494-8; WBrandenstein, WZKM 39.13-9 (1932); Bv. Gr. §3 (1931); RGKent, JAOS 56.215 (1936); Sen, OPI 176-7 (1941); Sidney Smith, Isaiah Chapters XL-LV 122-3 (1944); RGKent, JAOS 66.206-12 (1946).

نیز نگاه کنید به: پ ۱۸، با یادداشت ۲[۱]

**AsH** =**ارشام/همدان**: تنها به فارسی‌باستان، ۱۴ سطر روی لوحه طلا در سه قطعه، کتیبه کامل است بجز گوشه راست پایین، حدود ۱۳×۹ سانتیمتر؛ پیدا شده در همدان؛ نگاه کنید به: پ ۱۸، با یادداشت ۲[۲].

Sidney Smith, Isaiah Chapters XL-LV 122 (1944); RGKent, JAOS 66.209-12 (1946); AUPope, The Illustrated London News, July 17 1948, pp. 58-9. On exhibition at the Musée Cernuschi (Paris), in the summer of 1948, where it was No.54 of the Catalogue Illustré(no date).

**CMa** =**کوروش / مرغاب A**: ۵ نسخه یا بیشتر از یک کتیبه سه زبانه، دو سطر به فارسی‌باستان، عیلامی واکدی هریک، یک سطر، روی ستونها و پایه‌های کاخ، رو نوشت شده است.

Wb. ZDMG 48.653-65 (1894), KIA xxviii-xxix, lxvii-lxix, 126-7 (1911); Hz. Klio 8.60 (1906); Jn. Persia Past and Present 281-2 (1908); Tm. Lex. 55-6 (1908); Sen, OPI 1 (1941); RGKent, JAOS 66.209 (1946).

**CMb** =**کوروش / مرغاب B**: چند قطعه کوچک از یک کتیبه سه زبانه، دستکم ۶ سطر به فارسی‌باستان، عیلامی واکدی هریک ۴ سطر، که بالای نقش سلطنتی

---

۱.در ترجمه: با یادداشت ۱۰.

۲.در ترجمه: با یادداشت ۱۰.

در آستانه کاخ قرار گرفته بود.

Hz. ApI 2-4 No.3 and Plate 2 (1938); Sen, OPI 239 (1941); RGKent, JAOS 66.209 (1946).

**CMc** =**کوروش / مرغاب C**: کتیبه‌ای به سه زبان، هر زبان در یک سطر، روی چین خوردگی های لباس شاه، بر سه درگاه کاخ؛ در حال حاضر متن فارسی‌باستان آن کاملاً از بین رفته است.

Hz. AMI 1.14-6 (1929); ApI 2 No. 2 and Plate I fig.2 (1938); RGKent, JAOS 66.209 (1946).

**DB**=**داریوش / بهستان**: کتیبه سه زبانه بهستان، روی یک صخره عمودی، در طرف چپ جاده اصلی کاروانرو از بغداد به تهران، حدود ۶۵ مایلی نرسیده به همدان، مشرف به تنگه‌ای نوشته شده است. مجسمه‌ها و کتیبه‌های همراه، در این صخره طبیعی، در بلندای ۲۲۵ پا (بطور مورب ۳۲۲ پا)، بالای جاده، که ۱۰۰ پای پایانی آن دارای شیب تند و صخره‌ای دشوار برای صعود - و بخش پایانی در قسمتی دارای بریدگی مسطح است، بمنظور جلوگیری از دستیابی مخربین - بنابر فرامین داریوش کنده شده‌اند. پهنه مجسمه‌ها در قسمت چپ، پیکره ایستاده داریوش را همراه با دو تن از ملازمان در پشت سر، در حالیکه پای راست او محکم بر روی پیکره بخاک افتاده گئوماتا قرار گرفته، در برمی‌گیرد. پست سر گئوماتا، ۹ نفر از شوروشیان اسیر شده، با دست‌های بسته شده در پشتشان و بندی به دور گردن که همه را بهم متصل کرده، قرار دارند. در قسمت بالا، پیکره اهورامزدا[۳] قرار گرفته است. کتیبه‌های فارسی‌باستان، عیلامی واکدی بخش‌های آزاد پهنه و نیز حاشیه پایین و همینطور فضاهای زیرین، راست، چپ و بصورت اریب زیر و چپ آنرا اشغال کرده‌اند. این کتیبه‌ها هم از فرسایش حاصله از سیلاب‌ها، و هم از لایه‌های انبار شده سنگ آهک بوسیله آب، در داخل و روی نشانه‌های کنده شده، آسیب دیده‌اند. بیشترین ویرانی روی مجسمه‌ها، در دو جنگ جهانی، هنگامیکه سربازان از شاهراه پایین آن

---

۳.نقش فروهر است که تصور می‌کردند تصویر اهورامزدا است.

عبور کرده و از پیکره‌ها بعنوان هدف برای تیراندازی‌های بی‌دقت استفاده می‌کردند، حاصل آمد.

نام بهستان زیاد بکار رفته ولی املاء آن که حد وسطی است میان فارسی‌باستان baga-stāna*- «جایگاه خدا»، برابر آن به یونانی βαγίσταvov (Diodorus 2.13) و «بهستون»(۴) جغرافیدانان عرب قرون وسطی(۵)، فارسی‌نو «بیستون(۶)» یا «بی‌ستون(۷)» (یا حتی بیستون(۸)، بدون واکه در افزوده؛ که براساس واژه شناسی عامیانه از آن معنی «بدون ستون» فهمیده می‌شود)، ضبط نشده است. کتیبه فوق برای نخستین بار در سال ۱۸۳۶-۴۷ توسط ستوان (بعدها سر لشگر سِر) هنری،سی،راولنیسون، بار دیگر در سال ۱۹۰۳ توسط ا،و، ویلیامزجکسن استاد دانشگاه کلمبیا، که علیرغم توفیق در یک بررسی نا تمام، توانست اولین عکس‌ها را از لبه باریک و زیرین کتیبه‌ها بگیرد، سپس در سال ۱۹۰۴ بوسیله ل ، و، کینگ، و نیز،ر،سی، تامپسون از بیرتیش میوزیوم؛ و سرانجام در سال ۱۹۴۸ توسط جورج،جی، کامرون استاد دانشگاه میشیگان، که بررسی جامعی روی کل کتیبه، شامل متن عیلامی واقع در سمت راست پهنه مجسمه‌ها که از پیش کاملاً ناخوانا مانده بود، انجام داد، مورد دستیابی، رونویسی و پژوهش قرار گرفت.

کتیبه بزرگ: متن فارسی‌باستان در ۵ ستون، هریک به ترتیب با ۹۶،۹۸،۹۲،۹۲،۳۶ سطر زیر پهنه مجسمه‌ها قرار دارد. ستون ۵ در سمت راست واقع شده و از افزوده‌های متاخر است. متن عیلامی در دو نسخه آمده است، یک نسخه در ۴ ستون مجموعاً ۳۲۳ سطر، در سمت راست مجسمه‌ها قرار گرفته، و آخرین ضمیمه آن به ستون نخست کاهش یافته است (این ظاهراً همان کتیبه ناخوانایی است که سابقاً «متون مکمل» نامیده می‌شد و هم اکنون برای نخستین بار توسط کامرون قرائت شده است). نسخه دوم عیلامی در ۳

---

۴. Behistūn

۵. منظور جغرافیدانان مسلمان قرون وسطی است.

۶. Bīsitūn

۷. Bīsutūn

۸. Bīstūn

ستون، به ترتیب با ۸۱،۸۵،۹۴ سطر، در سمت چپ متن فارسی‌باستان قرار گرفته و با ۴ ستون نخست فارسی‌باستان تا پایان پاراگراف ۶۹، برابری می‌کند. ستون کوتاه ۱۰ سطری واقع در بخش بالایی و چپ پهنه مجسمه سازی شده، برابر عیلامی پاراگراف ۷۰ فارسی‌باستان است. متن اکدی در یک تک ستون، در سمت چپ پهنه مجسمه‌ها، بر لبه پیش آمده گوشه دارای زاویه باز جهت پوشاندن دو وجه صخره، قرار گرفته است، و ترجمه پاراگراف ۱ـ۶۹ فارسی‌باستان را در بر داشته و شامل ۱۱۲ سطر (سطرهای ۱ـ۳۵ فقط در وجه پیشین، سطرهای ۳۶-۱۱۲ در دو وجه کناری صخره) است.

۱۱ کتیبه کوچک به داریوش و دشمنان اسیر شده او مربوط است؛ این کتیبه‌ها تا آنجا که فضا اجازه می‌داده، نزدیک به شخصی قرار گرفته‌اند که به آنها تعلق دارند. کیتبه a به داریوش مربوط است؛ تحریر فارسی‌باستان آن ۱۸ سطر، تحریر عیلامی آن ۱۰ سطر دارد و کتیبه فاقد تحریر اکدی است. کتیبه‌های j-b همه سه زبانه هستند؛ متون فارسی‌باستان هریک از ۶ تا ۱۲، متون عیلامی از ۲ تا ۸ و متون اکدی از ۳ تا ۴ سطر دارد. کتیبه k به فارسی‌باستان و عیلامی، همانند ستون ۵ فارسی‌باستان، بعداً افزوده شده و در هر زبان دارای دو سطر است.

یک قطعه سنگ دولوریت[۹] بابلی، بخش مکرر تحریر اکدی را که برابر است با سطرهای ۵۵ـ۵۸ و ۶۹-۷۲، در بر دارد.

این مدارک همچنین به زبان آرامی، روی اسناد پاپیروس مربوط به الفانتین نیز، یافته شده‌اند.

Rawlinson, JRAS vols. 10-11 (1846 1849);vol. 12, i-civ (1851). Jn. JAOS 24.77-95 (1903)=Persia Past and Present 186-212 (1906). KT, The Sculptures and Inscriptions of Darius the Great on the Rock of Behistun in Persia (London, 1907). Tm., The Behistan Insscription of King Darius (Vanderbilt Univ.

---

۹.نوعی سنگ مرمر زمخت، سنگ آذرین، تیره‌ای که اجزاء متشکله آن بصورت ظاهر قابل رویت و تعیین نیست.

Studies I, Nashville, 1908). Wb. and WBang, Die Altpersischen Keilinschriften in Umschrift und Übersetzung, fasc. 1 pp. 4-5, 12-33 (Leipizig 1893), fasc. 2 pp.x-xvi (Leipzig 1908). Tm., Ancient Persian Lexicon and Texts 2-36 (Nashville 1908).A. Hoffmann-Kutschke, Die altp. Keilinschriften d. Grosskönigs Dārajawausch d. Ersten am Berge Bagistān, bei Behistun (Stuttgart, Kohlhammer 1908 and 1909). Wb. Die Keilinschriften der Achämeniden xi-xiv, 8-79 (Leipzig 1911). FMEPereira, Iscrição de Dario o Grande, Rei da Persia, no Rochedo de Bisutun (Coimbra 1913). Shapurji Kavasji Hodivala, Cuneiform Inscriptions transcribed into Sanskrit and Avestan: Behistan Inscriptions, in JCOI 19.58-158 (1931). FWKönig, Relief und Inschrift des Königs Dareios I am Felsen von Bagistan (Leiden 1938). Sen, OPI 2-88 (1941). GGCameron, Life May 23 1949 pp. 149-52, NGM Dec. 1950 pp. 825-44, JCS 5.47-54 (1951); Kent JCS 5.55-7(1951), JAOS 72.9-20 (1952).

در مورد ستون ۵ → :WHinz, ZDMG 93.364-75 (1939); Wb. ZfA 46.52-82 (1940); WHinz, ZDMG 96.331-43 (1942); Kent, JNES 2.105-14 (1943), 3.233-4 (1944); WEilers. JNES 7.106-10 (1948).

در مورد تحریر آرامی → :ESachau, Aramäische Papyrus und Ostraka aus einer jüdischen Militär-Kolonie zu Elephantine, 187-205 and Plates 52 and 64-6 (Leipzig 1911); ECowley, Aramaic Papyri of the Fifth Century B.C., pages 248-71 (Oxford 1923).

**DPa= داریوش / پرسپولیس** A: سه زبانه، هر زبان شش سطر، چندین بار روی چهار چوب‌های اطاق داخلی کاخ، بالای تصاویر داریوش و ملازمانش آمده است.

Tm. Lex. 35-6 (1908); Wb. KIA xvi, 80-1 (1911); Sen, OPI 89 (1941).

**DPb=داریوش / پرسپولیس B**: سه زبانه در یک سطر روی لباس داریوش؛ در حال حاضر در بخش مدال‌ها و نشان‌های کتابخانه ملی پاریس قرار دارد.

Tm. Lex. 35-6 (1908); Wb. KIA xvi, 80-1;Sen. OPI 89 (1941); Bv. JA 239.261-73.

**DPc=داریوش / پرسپولیس C**: سه زبانه، تنها یک سطر، ۱۸ بار روی قرنیز پنجره همان اطاق کاخ داریوش تکرار شده است.

Tm. Lex. 35-6 (1908); Wb. KIA xvi, 80-1 (1911); Hz. ApI 22-3 No. 9 ; Sen, OPI 89-90 (1941).

**DPd=داریوش / پرسپولیس D**: تنها به فارسی‌باستان، ۲۴ سطر، روی دیوار حایل جنوبی کاخ.

Tm. Lex. 36-8 (1908); Wb. KIA xvi, 80-3 (1911); Sen, OPI 90-2 (1941).

**DPe=داریوش / پرسپولیس E**: تنها به فارسی‌باستان، ۲۴ سطر، روی دیوار حایل جنوبی کاخ.

Tm. Lex. 37-8 (1908); Wb. KIA xvi, 82-3(1911); Sen, OPI 92-5 (1941).

**DPf,g= داریوش / پرسپولیس G,F**: عیلامی واکدی، هریک بترتیب ۲۴ سطر، بدون متن فارسی‌باستان.

Wb. KIA xvi, 82-7 (1911).

**DPh= داریوش / پرسپولیس H**: سه زبانه، روی دو لوحه طلا و دولوحه نقره؛ در حال حاضر در تهران است. فارسی‌باستان ۱۰ سطر، عیلامی ۷ سطر، اکدی ۸ سطر؛ همانند کیتبه DH.

New York Times, Feb.9, 1936, 2d news section, page 8; Univ. of Chicago Mag. 28.4.23-5, Feb. 1936; Hz. ApI 18-9

No. 6 and Plate 6 (1938).

**DPi=داریوش/پرسپولیس I**: سهٔ زبانه، هر زبان یک سطر، روی دستگیره دری از سنگ لاجورد مصنوعی.

Hz. ApI 23 No. 10 and Plate 7 (1938); EFSchmidt, The Treasury of Persepolis 62-3 (1939); Sen, OPI 252 (1941).

**DN=داریوش/نقش رستم**: در چند مایلی شمال پرسپولیس، در تیغه جنوبی پشته شیب داری که بنام «حسین کوه» یا «کوه حسین» معروف است، چهار کاو عظیم وجود دارد که بصورت صلیب یونانی بریده شده و بعنوان مدخل‌های ورودی آرامگاه‌هایی مورد استفاده قرار می‌گیرند که در صخره پشت آنها واقعند. از سوی شرق، کاو دوم آرامگاه داریوش یکم است که کتیبه‌هایی را در برمی‌گیرد.

این کاو بطور کامل ۷۳ پا ارتفاع دارد؛ تیر عرضی آن ۲۰ پا ارتفاع داشته و پهنای آن ۳۶ پا می‌باشد؛ این کاو بوسیله ستون‌هایی به پنج پهنه تقسیم شده و از این روی نمای یک قصر پارسی را جلوه‌گر می‌سازد. پهنه مرکزی، آستانه ورود به آرامگاه پشت را در برمی‌گیرد. بخش بالاتر صلیب بوسیله تخت سلطنتی که از سوی ۳۰ نفر در دو خط، حمل می‌شود، اشغال شده است؛ داریوش در حالیکه به سمت راست، بسوی یک مهراب روی کرده، روی یک پایه سه پله ایستاده است، در آنسوی مهراب نیز تصویر اهورامزدا(۳)، در فضا شناور می‌باشد. در منتهاالیه سمت چپ پهنه تصاویر، سه تن از ملا زمان داریوش که بصورت عمودی یکی روی دیگر آرایش یافته‌اند، قرار دارند، بطوریکه پایین‌ترین نفر، با پایین‌ترین خط حمل کنندگان تخت سلطنتی در یک امتداد است.

کتیبه نقش رستم **a** در پشت تصویر داریوش؛ نخست به فارسی‌باستان در ۶۰ سطر، سپس ستون دوم به عیلامی در ۴۸ سطر، و سرانجام تحریر اکدی، برون از کاو روی صخره مجاور، در ۳۶ سطر تحریر شده است. کتیبه **b** در مرکز تیر عرضی، در دو طرف در قرار دارد: تحریر فارسی‌باستان در سمت چپ پهنه، در ۶۰ سطر؛ عیلامی در ۴۳ سطر، در سمت راست پهنه، همراه با یک تحریر آرامی در ۲۵ سطر در بخش انتهایی؛ در پهنه آخر به سمت راست، تحریر اکدی

در ۳۹ سطر با فضایی خالی باندازه یک سطر میان سطرهای ۳۱ و ۳۲، قرار دارد. کتیبه c، سه زبانه، با ۲ سطر برای هر زبان، به نیزه‌دار داریوش، بالاترین تصویر از سه تصویر عمودی روبهم، پشت سر شاه، در حاشیه چپ، متصل است: d، سه زبانه، متن فارسی‌باستان ۲ سطر از ۵ سطر متن را پر کرده، و به کماندار داریوش که زیر نیزه‌دار او ایستاده، متصل است. کتیبه‌های I تا xxx، سه زبانه و متصل به حمل کنندگان تخت سلطنت هستند اما همه آنها قابل خواندن نیستند.

Tm. Lex. 43-8 (1908); Wb. Grab, in AbkSGW 29.1.1-54 and 8 Plates (1911); Wb. KIA xvii-xx, 86-99 (1911); Tm. The Grave of King Darius at Naksh-i-Rustam, in Madrassa Jubilee Volume 168-72 (1914); Hz. ZDMG 80.244 (1926; on Aramaic version), AMI 38 (1931), ApI 4.13 No. 4 and Plates 3-5 (1938; some fragments of a second copy of DNb found at Persepolis, on Plate 5); Kent, Lg. 15.160-77 (1939); Sen, OPI 96-107, 240-51 (1941); Kent, JNES 4.39-52,232-3 (1945); Bv. TPS 1945.39-50 (1946); GGCameron, Persepolis Treasury Tablets 29 (1948; on Aramaic version); Hinz, Orientalia [Rome]1950 No. 4 (shortly to appear).

**DSa=داریوش / شوش A**: تنها به فارسی‌باستان، روی دولوحه گلین شکسته، در ۵ سطر؛ ازین کتیبه یک نسخه موجود است و در موزه لوورپاریس قرار دارد.

Tm. Lex. 47-8 (1908); Wb. KIA xx, 98-9 (1911); Scheil 21.52 No.11 (1929); Bv. BSLP 30.163-4 (1930); Kent, JAOS 51.217-8 (1931), 58.326 (1938); Brd. WZKM 39.19-21 (1932); Sen, OPI 116, 131 m (1941); Hinz, ZDMG 95.222-5 (1941).

**DSb=داریوش / شوش B**: دولوحه گلین، یکی کامل و دیگری بشدت آسیب دیده، همراه با یک کتیبه به فارسی‌باستان در ۱۱ سطر. یک لوحه در موزه لوور پارس قرار دارد.

Tm. Lex. 47-8 (1908); Wb. KIA xx, 98-9 (1911); Scheil 21.48-9 No.8 (1929); Kent, JAOS 51.216 (1931); Brd. WZKM 39.22-3 (1932); Sen, OPI 117, 127 e, 129 j (1941); Hinz, ZDMG 95.225-6 (1941); Kent, JAOS 67.31, 152 (1947).

**DSc**=داریوش/شوش c: سه زبانه، هر تحریر در یک سطر، روی پایه یک ستون؛ از آن دو نسخه وجود دارد که یکی از آن‌ها در موزه لوورپاریس قرار گرفته است.

Wb. KIA xx, 98-9 (1911); Scheil 21.35-6 No.2 (1929); Kent, JAOS 51.212 (1931); Brd. WZKM 39.23-4 (1932); Sen, OPI 127 d (1941); Hinz, ZDMG 95.226 (1941).

**DSd**= داریوش/شوش d: بخش‌هایی از ۲ نسخه فارسی‌باستان و ۲ نسخه عیلامی، روی ستون‌ها.

Wb. KIA xx, 98-9 (1911); Scheil 21.38-9 No.4 (1929); Kent, JAOS 51.213 (1931); Brd. WZKM 39.24-5 (1932); Sen, OPI 127 f (1941); Hinz, ZDMG 95.226-7 (1941).

**DSe**=داریوش/شوش E: درباره اعاده نظم در امپراتوری؛ ۱۰ قطعه فارسی‌باستان با نسخه‌های متعدد؛ ۳ قطعه عیلامی؛ یک نسخه تقریباً کامل و دو نسخه ناقص اکدی، همه روی الواح. متن ما برپایه یک نسخه فارسی‌باستان با ۵۲ سطر ترتیب یافته است.

CBezold, ZfA 25.393-4 (1911); Wb. AbkSGW 29.1.36-8 (1911), KIA xx,xxix, 99-101, 130 inc. b (1911); Scheil 21.61-4 No. 15 (1929); Kent, JAOS 51.221-2 (1931); Brd. WZKM 39.25-7 (1932); Scheil 24.116-25 (1933); Kent, JAOS 54.40-50 (1934); Wb. ZDMG 91.80-6 (1937), ZfA 44.150-69 (1938); Kent, JAOS (58.112-21), 324 (1938); Hz. API 19-21 No.7 (1938); Sen, OPI 132-4 q (1941); Hinz, ZDMG 95.227-33 (1941).

**DSf=داریوش/شوش F**: روی بنای کاخ؛ سه زبانه، با قطعاتی در نسخه‌هایی چند روی لوحه‌های گلین و مرمرین، و نیز روی کاشی‌های لعابدار کتیبه سالن بزرگ متن ما برپایه بهترین نسخه محفوظ، لوحه گلین پخته شکسته، با ۵۸ سطر ترتیب یافته است: ۲۷ سطر روی نمای پیشین، ۳ سطر روی لبه پایین، ۲۷ سطر روی طرف مقابل، و ۱ سطر روی لبه بالایی.

Scheil 21.3-34 No. 1 and 53-6 No. 12 (1929); König, Burgbau, in MVAG 35.1.1-76 and 16 plates (1930); RBleichsteiner, WZKM 37.93-104 (1930); Hz. AMI 3.29-124 (1931); Wb. AfOF 7.39-44 (1931); Kent, JAOS 51.193-212, 218-20 (1931); Brd. WZKM 39.28-39 (1932); Schaeder, Arch. Anz., Beibl. z. Jb. d. DAI 47.269-74 (1932); Kent, JAOS 53.1-23 (1933); Scheil 24.105-15 (1933); Kent, JAOS 54.34-40 (1934); Hz. ApI 13-7 No.5 (1938); Sen, OPI 118-27, 132 n2 (1941); VIAbayev, Iranskie Yazyki 1.127-33 (Izd. Ak. Nauk, Iranica vol.3; Moscow-Leningrad, 1945); Hinz, JNES 9.17 (1950) **A**

**DSg=داریوش/شوش G**: بخش‌هایی از ۲ نسخه فارسی‌باستان و ۳ نسخه اکدی روی ستون‌ها؛ هر نسخه در ۳ سطر.

Scheil 21.40-1 No.5 (1929); Kent, JAOS 51.213-4 (1931); Brd. WZKM 39.39-40 (1932); Sen, OPI 127-8 g (1941); Hinz, ZDMG 95.236-8 (1941).

**DSh=داریوش/شوش H**: یک قطعه ۲ سطری.

Scheil 21.41 infra;

این کتیبه از سوی کِنت، همانند $D^2Sa$ شناخته شده است، نگاه کنید به مورد مذکور.

**DSi=داریوش/شوش I**: دو زبانه، فارسی‌باستان در ۴ سطر، عیلامی در ۶ سطر، روی یک ستون.

Scheil 21.42-3 No.6 (1929); Kent, JAOS 51.214 (1931); Brd. WZKM 39.43-4 (1932); Sen, OPI 128 h (1941); Hinz, ZDMG 95.238-9 (1941).

**DSj=داریوش/شوش** J: سه زبانه، فارسی‌باستان در ۶ سطر، عیلامی واکدی هر یک در ۵ سطر، روی یک ستون.

Scheil 21.44-7 No.7 (1929); Kent, JAOS 51.214-6 (1931); Wb. AfOF 7.45 (1931); Brd. WZKM 39.44-52 (1932); Hz. ApI 21-2 No.8 (1938); Sen, OPI 128-9 i (1941); Hinz, ZDMG 95.239-42 (1941), ZDMG 102.375-7 (1952).

**DSk=داریوش/شوش** K: تنها به فارسی‌باستان، در ۵ سطر، منقش روی آجر گلین پخته.

Scheil 21.50 No.9 (1929); Kent, JAOS 51.216-7 (1931); Brd. WZKM 39.53 (1932); Sen, OPI 130 (1941); Hinz, ZDMG 95.242 (1941).

**DSl=داریوش/شوش** L: تنها به فارسی‌باستان در ۵ سطر، منقش روی آجر گلین پخته.

Scheil 21.50 No.10 (1929); Bv. BSLP 30.1.64-5 (1930); Kent, JAOS 51.217 (1931); Brd. WZKM 39.54-5 (1932); Sen, OPI 130-1 (1941); Hinz, ZDMG 95.242-3 (1941).

**DSm=داریوش/شوش** M: سه زبانه، روی آجرهای لعابدار که در یکی از سالن‌ها تشکیل یک کتیبه را می‌دهند؛ تنها یک سطر روی آجر، و دیگر قطعات از نظر کمی بسیار محدود.

Scheil 21.53-6 No. 12 (1929); Brd. WZKM 39.55-8 (1932); Sen, OPI 131 n 1 (1941).

**DSn=داریوش/شوش** N: سه زبانه، قطعات کوچک یک کتیبه روی لباس یک

مجمسه؛ فارسی‌باستان در ۲ سطر.

Scheil 21.57-8 No. 13 and Plate 13 (1929); Kent, JAOS 51.220-1 (1931); Brd. WZKM 39.58-9 (1932); Sen, OPI 132 o (1941); Hinz, ZDMG 95.243-4 m (1941).

**DSo=داریوش/شوش** O: دو زبانه، روی یک لوحه مرمرین؛ فارسی‌باستان در ۴ سطر، اکدی در ۵ سطر.

Scheil 21.59-60 No.14 (1929); Kent, JAOS 51.221 (1931); Brd. WZKM 39.59-60 (1932); Sen, OPI 132p (1941); Hinz, ZDMG 95.255-7 $D^2Sd$ (1941).

**DSp=داریوش/شوش** P: قطعه فارسی‌باستان در ۳ سطر، روی یک لوحه مرمرین.

Scheil 21.65 No. 16A (1929); Kent, JAOS 51.222-3 (1931); Brd. WZKM 39.61-2 (1932); Sen, OPI 135 ṛa (1941); Hinz, ZDMG 95.244n (1941).

**DSq=داریوش/شوش** Q: دو قطعه فارسی‌باستان در ۲ سطر، روی یک لوحه مرمرین.

Scheil 21.65 No. 16 B (1929); Kent, JAOS 51.223 (1923); Brd. WZKM 39.63 (1932); Sen, OPI 135 rb (1941); Hinz, ZDMG 95.245 o (1941).

**DSr=داریوش/شوش** R: تنها به فارسی‌باستان در ۴ سطر، روی یک لوحه مرمرین.

Scheil 21.66 No. 16C;

این کتیبه از سوی Wb. ZDMG 91.643-8، بعنوان بخشی از نسخه $A^2Sd$ شناخته شده است، نگاه کنید به مورد مذکور.

**DSs=داریوش/شوش** S: تنها به فارسی‌باستان، در ۷ سطر، روی لوحه مرمرین.

Scheil 21.66 No. 16 D (1929); Kent, JAOS 51.223-4 (1931); Brd. WZKM 39.65-6 (1932); Sen, OPI 135-6 rd (1941);

Hinz, ZDMG 95.245-8 p (1941).

**DSt=داریوش/شوش T** : تنها به فارسی‌باستان، در ۱۰ سطر، که ۲ سطر آن بکلی از میان رفته است؛ روی دو سمت یک لوحه مرمرین.

Scheil 21.67 No. 16 E (1929); Kent, JAOS 51.224 (1931); Brd. WZKM 39.66-8 (1932); Sen, OPI 136 re (1941); Hinz, ZDMG 95.248-9 q (1941).

**DSu, v, w, x=داریوش/شوش U,V,W,X** : به عیلامی (u و x) یا به اکدی (v و w).

Scheil 21.68-76 Nos. 17-21 (1929); Brd. WZKM 39.68-74 (1932).

اما DSx (Scheil Nos 20-1) در واقع بحثی است از دو نسخه عیلامی DSe؛ Wb. ZDMG 91.80-6 (1937); Kent, JAOS 58.112, 118-21 (1938).

**DSy=داریوش/شوش Y** : روی پایه یک ستون؛ سه زبانه، فارسی‌باستان در ۳ سطر. نسخه چاپ شده در اینجا، به لطف رئیس موزه باستانشناسی تهران، آندره گدار، از طریق کپیه برادری، فراهم آمده است. نسخه‌ای ناقص (فارسی‌باستان واکدی) توسط شَیل بدرستی بازسازی شده است.

Scheil 21.37 No.3 (1929), cf. Kent, JAOS 51.213 (1931);

این کتیبه به اشتباه از سوی Brd.WZKM 39.12 (1932) با کتیبه DSb یکی دانسته شده است.

Kent, JAOS 67.30-2 (1947).

**DZa,b,c=داریوش/سوئزA,B,C** : روی یک ستون گرانیتی، نه چندان دور از سنگ نشاندهنده ۳۳کیلومتر فاصله از سوئز، اندکی به سمت غرب کانال جدید. کتیبه a عبارتست از نام داریوش در یک قاب؛ در دو نسخه. کتیبه b سه زبانه است: فارسی‌باستان در ۶ سطر، عیلامی در ۴ سطر، اکدی در ۳ سطر. کتیبه c در بردارنده شرح گشایش کانال از دریای سرخ به نیل توسط داریوش است: فارسی‌باستان ۱۲ سطر، و زیر آن عیلامی که ۷ سطر از بخشی از آن حفظ شده

است، در حالیکه متن اکدی آن که احتمالاً زیر تحریر عیلامی بوده، بکلی از میان رفته است. در طرف دیگر ستون، کتیبه‌ای بلندتر به هیروگلیف مصری قرارداد که احتمالاً شرح کامل گشایش کانال در آن آمده است.

Tm. Lex 49-52 (1908); Wb. KIA xxi-xxii, 102-5 (1911); Sen, OPI 108-11 (1941); Kent, JNES 1.415-21 (1942).

در مورد قطعه‌ای کوچک از یک نسخه مضاعف → Scheil, BIFAO 30.292-7 (1930); Brd. WZKM 39.76 (1932); Sen, OPI 111 (1941).

**DE=داریوش /الوند**: سه زبانه، هر تحریر در ۲۰ سطر درکاوی بریده شده در تیغه کوه الوند، که در سمت جنوب غربی همدان قرار گرفته و یک ساعت سواره با آن فاصله دارد؛ احتمالاً این کاو در زمان داریوش بریده نشده است، اما مقارن با XE بنابر فرامین خشایارشا انجام گرفته است. مقایسه شود با:

HHSchaeder, SbPAW 1931.644, and AVWJackson, Persia Past and Present 172 (1906). Tm. Lex.51-3 (1908); Wb. KIA xx, 100-3 (1911); Sen, OPI 113 (1941).

**DH=داریوش /همدان**: سه زبانه در دو نسخه روی لوحه زرین و سیمین؛ در حال حاضر در تهران است. فارسی‌باستان ۸ سطر، عیلامی ۷ سطر، اکدی ۸ سطر. این دو نسخه در سطر بندی اندکی متفاوت هستند؛ متن ما از لوحه زرین تبعیت می‌کند. این متن در DPh نیز تکرار شده است.

JMUnwalla, Jame Jamshed, Sept. 30, 1926; Hz. DLZ 47.2105-8 (Oct. 16, 1926); SSmith, JRAS 1926.433-6; CDBuck, Lg. 3.1-5 (1927); LHGray JRAS 1927.97-101: JMUnwalla, JCOI 10.1-3 (1927); Wb. ZfA 37.291-4 (1927); ESchwentner, ZII 6.171-3 (1928); Hz. Memoirs of the Archaeological Survey of India No. 34,7+iii pp. (1928); LDBarnett, JRAS 1930.452; Kent, JAOS 51.229-31 (1931); Brd. WZKM 39.74-6 (1932): Hz. ApI 18-9 No. 6 and Plate 6 (1938); Sen, OPI 114-5 (1941).

XPa=خشایارشا/پرسپولیس A: سه زبانه، هر تحریر در ۲۰ سطر، در ۴ نسخه که با نشانه‌های ad, ac, ab, aa مشخص شده و تنها اندکی در سطربندی با هم اختلاف دارند و روی دیوارهای داخلی درگاه کنده شده‌اند. متن ما از aa تبعیت می‌کند.

Tm. Lex. 38-40 (1908); Wb. KIA xxiii, 106-9 (1911); Sen, OPI 138-40 (1941).

XPb=خشایارشا/پرسپولیس B: تنها به فارسی‌باستان در ۳۰ سطر، روی جهت شمالی تالار صد ستون خشایارشا؛ نیز سه زبانه روی جهت شرقی همان جا، فارسی‌باستان ۳۰ سطر، عیلامی ۱۸ سطر، اکدی ۱۹ سطر.

Tm. Lex. 30-40 (1908); Wb. KIA xxiii-xxiv, 108-11 (1911); Hz. ApI 24-6 No. 13 and Plate 9 (1938); Sen, OPI 140-1 (1941).

XPc=خشایارشا/پرسپولیس C: سه زبانه، در سه نسخه، نسخه ca روی ستون عمودی غربی رواق کاخ داریوش، فارسی‌باستان ۱۵ سطر، عیلامی ۱۴ سطر، اکدی ۱۳ سطر؛ نسخه cb روی دیوار مرزی جنوبی صفه که کاخ روی آن قرار گرفته است، هر تحریر ۲۵ سطر؛ نسخه cc روی ستون ویران شده شرقی رواق، تعداد سطرها برابر با نسخه ca، اما تقسیم بندی‌های سطری اندکی متفاوت است.

Tm. Lex. 40-2 (1908); Wb. KIA xxiv, 110-3 (1911); Sen, OPI 141-2 (1941); E.F. Schmidt. اطلاعات در مورد نسخه cc به لطف

XPd=خشاریاشا/پرسپولیس D: سه زبانه، در چهار نسخه؛ دو نسخه همانند با نشانه da روی ستون‌های گوشه شمال شرقی و شمال غربی سالن کاخ خشایارشا، فارسی‌باستان ۱۹ سطر، عیلامی ۱۲ سطر، اکدی ۱۱ سطر؛ دو نسخه همانند دیگر با نشانه db روی دیواره‌های کنار پله‌ها در شرق و غرب صفه جلویی، فارسی‌باستان ۲۸ سطر (با کمی اختلاف در سطر بندی)، عیلامی ۲۳ سطر، اکدی ۲۲ سطر.

Tm. Lex. 41-2 (1908); Wb. KIA xxiv xxv, 112-5 (1911); Sen,

OPI 142-3 (1941).

**XPe=خشایارشا/پرسپولیس E** : سه زبانه، در دو نسخه (نگاه کنید به پایین)، هر تحریر ۴ سطر، با اندکی اختلاف در سطر بندی‌ها در فارسی‌باستان؛ نسخه ea روی دیرک در شمالی، بالای پیکره حجاری شده شاه؛ eb رو دیرک در شرقی، آن نیز بالای پیکره شاه. همچنین نسخه‌های متعدد دیگری از این کتیبه در داخل و خارج درها و پنجره‌ها که معمولاً در یک سطر یا دو سطر، تنظیم شده است (بنابر اطلاعات کامرون).

Tm. Lex. 41-2 (1908); Wb. KIA xxv, 114-5 (1911); Sen, OPI 143 (1941)

**XPf=خشایارشا/پرسپولیس F** : کتیبه جلوس خشایارشا، دو زبانه، فارسی‌باستان ۴۸ سطر، اکدی ۳۸ سطر؛ یک لوحه از سنگ آهکی، بظاهر شبیه لوحه گلین، یافته شده در زیر دیوار در گوشه جنوب شرقی کاخ جنوب شرقی، در حال حاضر بنظر می‌رسد که باید به حرمسرای داریوش و خشایارشا متعلق باشد.

Hz. AMI 4.117-32 (1932), Oriental Inst. Series, Stud. in Ancient Or. Civilization No.5 (Chicago, 1932); Bv. BSLP 33.2. 144-56 (1932); Wb. ZfA 41.318-21 (1933); Kent, Lg.9.35-46 (1933); Schaeder, SbPAW 1935.496-506; JCTavadia, JCOI 27.137-8 (1935); Hz. AMI 8.35-46 (1937), ApI 35-8 No. 15 and Plates 13-4 (1938); Sen, OPI 143-6 (1941).

**XPg=خشایارشا/پرسپولیس G** : یک لوحه تزئینی روی کاشی‌های لعابدار رنگی، بمنظور جایدادن در روی دیوار کاخ، و یافته شده در حالت قطعه قطعه؛ دو نسخه از فارسی‌باستان در ۱۴ سطر، شماری از قطعات با تحریر اکدی و بسیار کمتر از آن به عیلامی.

Ill. London News, Aprill 8, 1933 (colored illustration on page 488); Bv. BSLP 34.1.32-4 (1933); Kent, Lg.9.229-31 (1933); Hz. ApI 38-41 No. 16 and Plate 15 (1938); Sen, OPI 147 (1941).

**XPh=خشایارشا/پرسپولیس H**: کتیبه دیَیَو daiva: سه زبانه، روی لوحه‌های سنگی، یافته شده در ساختمان واقع در گوشه جنوب شرقی صفه؛ فارسی‌باستان در ۲ نسخه، یک نسخه کامل در ۶۰ سطر، و نسخه دوم در میانه سطر ۵۱ قطع شده است؛ یک نسخه عیلامی در ۵۰ سطر، یک نسخه اکدی در ۵۰ سطر.

New York Times, Feb.9, 1936; Univ. of Chicago Mag. 28.4.23-5 (Feb. 1936); EFSchmidt, Ill. London News, Feb. 22, 1936, page 328, Kent, JAOS 56.212-5 (1936) AfOF 11.91 (1936); Hz AMI 8.56-77 (1936); RHRel. 113.21-41 (Jan-Feb. 1936); HHartmann, OLZ 40.145-60 (1937); Kent, Lg. 13.292-305 (1937); Hz. ApI 27-35 No. 14 and Plates 10-3 (1938); Wb.Symbolae Koschaker 186-93(1938؛در مورد تحریر عیلامی); ILevy, Revue historique 185.105-22 (1939); EFSchmidt, The Treasury of Persepolis 12-5 (1939); Sen, OPI 148-56 (1941); VIAbayev, Iranskie Yazyki 1.134-40 (Izd. Ak. Nauk, Iranica vol. 3; Moscow-Leningrad, 1945).

**XPi=خشایارشا/پرسپولیس I**: روی دستگیره در (یا چیزی شبیه آن) از سنگ لاجورد مصنوعی، متعلق به بنای حرمسرا؛ فارسی‌باستان و عیلامی، هریک در ۱ سطر

Hz. ApI 23-4 No.11 and Plate 7 (1938); Sen, OPI 254 (1941).

**XPj=خشایارشا/پرسپولیس J**: سه زبانه، هر تحریر در یک سطر بلند، روی پایه حداقل پنج ستون؛ یافته شده در قطعات کوچک. کامرون کشف قطعات دیگری را از آنچه که هر تسفلد ثبت کرده است، گزارش می‌کند.

Hz. ApI 41-2 No.17 (1938); Sen, OPI 254 (1941).

**XPk=خشایارشا/پرسپولیس K**: فارسی‌باستان و عیلامی، هریک در یک سطر، روی لباس پیکره شاه در بخش شرقیِ دروازه میانه کاخ «تچر».

Hz. ApI 42 No. 18 (1938); Sen, OPI 255 (1941).

**XSa=خشایارشا/شوش A**: سه زبانه، هر تحریر در ۲ سطر، در پایه یک ستون؛ در حال حاضر موجود در موزه لوور پاریس.

Tm. Lex.1 (1908); Wb. KIA xxv, 114-5 (1911).
نسخه دوم ارائه شده بوسیله → Scheil 21.81 No. 23 (1929); Kent, JAOS 51.225 (1931); Brd WZKM 39.79 (1932); Sen, OPI 160 a,b (1941).

**XSb=خشایارشا/شوش B**: اکدی، روی پایه ستون.

Scheil 21.82-3 (1929); Brd. WZKM 39.79-80 (1932).

**XSc=خشایارشا/شوش C**: تنها به فارسی‌باستان، در ۵ سطر، روی یک لوحه مرمرین ناقص.

Scheil 21.86 No.26 (1929); Kent, JAOS 51.226 (1931); Brd. WZKM 30.80-1 (1932); Sen, OPI 160 c (1941).

**XE=خشایارشا/الوند**: در سمت راست کتیبه داریوش؛ سه زبانه، هر تحر در ۲۰ سطر.

Tm. Lex. 52-4 (1908); Wb. KIA xxv, 116-7 (1911); Sen, OPI 157 (1941).

**XV=خشایارشا/وان**: سه زبانه، هر تحریر در ۲۷ سطر، در یک کاو بزرگ مستطیل، روی دیوار بلند و صخره‌ای کاخ.

Tm. Lex. 53-4 (1908); Wb. KIA xxv-xxvi, 116-9 (1911); Sen, OPI 158-9 (1941).

**XH=خشایارشا/همدان**: تنها به فارسی‌باستان، در یک سطر، روی پاره‌ای از یک سبوی سیمین.

Hz. AMI 2.115-6 (1930); Brd. WZKM 39.83 (1932); Hz. ApI 43 No. 19 (1938); Sen, OPI 161 (1941).

**A$^{1}$Pa=اردشیر اول/پرسپولیس A** : فارسی‌باستان واکدی. متن فارسی‌باستان قطعه کوچکی است در ۱۱ سطر با یک حاشیه چپ، که روی یک تخته سنگ مرمرین در حیاط مقابل ضلع جنوبی کاخ یافت شده است؛

Hz. ApI 44-5 No. 21 (1938); Sen, OPI 256 (1941).

متن اکدی قطعه‌ای است در ۱۴ سطر با حاشیه چپ

Wb. KIA xxvi, 121 (1908); Hz. ApI 43-4 No. 20 and Plate 15 (1938).

هر دو متن با هم ترکیب شده و متن فارسی‌باستان توسط کنِت در JNES 4.228-32 (1945) مورد بازسازی قرار گرفته است. نیز مقایسه شود با

Cameron, Persepolis Treasury Tablets 16-7 (1948).

متن کامل فارسی‌باستان دارای ۲۴ سطر، و متن کامل اکدی دارای ۱۸ سطر بوده است. کتیبه دوم اکدی، مربوط به همان موضوعات آسیب ندیده است.

Hz. ApI 45-6 No. 22 and Plate 16 (1938).

**A$^{1}$I=اردشیر اول/مکان نامعلوم** : تنها به فارسی‌باستان، در یک سطر، کتیبه‌ای همانند روی چهار ظرف سیمین.

Hz. AMI 7.1-8 and 4 Plates (1935); Schaeder, SbPAW 1935.480-96; Hz. AMI 8.6-17, 46-51 (1937); Bv. JAs. 228.233-4 (1936); Kent, JAOS 56.215 (1936), 58.327 (1938); Hz. ApI 46 No. 23 (1938); Sen, OPI 178 (1941).

**D$^{2}$Sa=داریوش دوم/شوش A**: تنها به فارسی‌باستان، در ۳ سطر روی پایه یک ستون؛ قطعاتی از یک کتیبه اکدی با محتوایی متفاوت روی همین ستون قرار دارد.

Scheil 21.82-3 No. 24 (1929); Kent, JAOS 51.227-8 (1931); Brd. WZKM 39.83-5 (1932); Sen, OPI 162 b (1941); Hinz, ZDMG 95.249-51 (1941).

کتیبه ناقص دیگری که از سوی برندنشتاین«Dar. Susa h» نام گرفته، بصورت مستقل بوسیله شَیل منتشر شده است.

Scheil 21.41 infra (1929), Kent JAOS 51.226-7 (1931), Brd.

WZKM 39.40-2 (1932), Sen OPI 162a (1941),
اما در حال حاضر توسط کِنت در (1942) JNES 1.421-3 بعنوان بخش دیگری از همین کتیبه شناخته شده؛ و از سوی هینتز تحت عنوان D²Sc مشخص گردیده است.

Hinz, ZDMG 95.253-5 (1941).

**D²Sb=داریوش دوم/شوش B**: دو زبانه، فارسی‌باستان در ۴ سطر، اکدی در ۵ یا ۶ سطر، دو نسخه از هر یک روی پایه یک ستون.

Schcil 21.84-5 No. 25 (1926); Kent, JAOS 51.225 (1931); Brd. WZKM 39.85-8 (1932); Sen, OPI 163 (1941); Hinz, ZDMG 95.251-2 (1941).

**A**

**A²Sa=اردشیر دوم/شوش A**: سه زبانه، هر تحریر در ۵ سطر، روی پایه ۴ ستون.

Tm. Lex. 47-50 (1908); Wb. KIA xxvii, 122-5 (1911); Scheil 21.94-5 No. 29 (1929),

ارائه دو قطعه دیگر از نسخه اکدی در ۷ سطر؛

Brd. WZKM 39.88-9 (1932); Sen, OPI 160-7 (1941).

**A²Sb=اردشیر دوم/شوش B**: سه زبانه، هر تحریر در یک سطر، روی پایه یک ستون؛ در حال حاضر موجود در موزه لوورپاریس.

Lex. 49-50 (1908); Wb. KIA xxvii, 124-5 (1911); Sen, OPI 167 (1941).

**A²Sc=اردشیر دوم/شوش C**: تنها به فارسی‌باستان، در ۷ سطر، روی یک لوحه سنگی، در حال حاضر موجود در موزه لوورپاریس.

Tm. Lex. 49-50 (1908); Wb. KIA xxvii, 124-5 (1911); Sen, OPI 167 (1941).

**A²Sd= اردشیر دوم/شوش D**: سه زبانه، هر تحریر در ۴ سطر، روی پایه یک ستون؛

همچنین قطعات بیش از دو نسخه فارسی‌باستان، قطعات بیش از دو نسخه اکدی و نیز قطعات بیش از یک نسخه عیلامی، بعداً انتشار یافته است.

Scheil 21.91-3 No. 28 (1929); Kent, JAOS 51.228-9 (1931); Brd WZKM 39.89-92 (1932); Schcil 24.126-8 (1933); Kent, JAOS 54.50-2 (1934); Scn, OPI 168 (1941). Wb. ZDMG 91.643-51 (1937) recognized the identity of his Frag. inc. a (KIA xxix, 130 [1911]; Mordtmann. ZDMG 14.555-6 [1860]; Sen, OPI 175 c [1941] with Scheil's No. 16 C (21.66; Kent, JAOS 51.223 [1931]; Brd. WZKM 39.63-4 [1932]; Sen, OPI 175 b [1941], and that this belonged to A²Sd.

نسخه da همان است که توسط scheil 21.91-3 و نسخه db و dc همان هایی هستند که بوسیله scheil 24.128 انتشار یافته، و نسخه dd قطعه است که از سوی .Wb شناسایی شده است. نسخه ما دارای سطر بندی نسخه da است.

**A²Ha=اردشیر دوم/همدان A**: سه زبانه، فارسی‌باستان در ۷ سطر، عیلامی واکدی هریک در ۵ سطر، روی بخشی از پایه یک ستون، تحت مالکیت خصوصی، در انگلستان گزارش شده است.

Tm.Lex. 54-5 (1908); Wb. KIA xxviii, 126-7 (1911); Sen, OPI 164-5 (1941).

**A²Hb=اردشیر دوم/همدان B**: تنها به فارسی‌باستان، در یک سطر بلند روی پایه یک ستون.

Hz. Altorient. Stud. B.Meissnergewidmet= Mitteil. d. altorient. Geos. 4.85-6 (1928); Kent, JAOS 54.231-2 (1931); Brd. WZKM 39.92-4 (1932); Hz. ApI 50 No.25 (1938); Sen, OPI 165 (1941).

**A²Hc=اردشیر دوم/همدان C** : تنها به فارسی‌باستان در ۲۰ سطر روی یک لوحه طلا،

حدوداً ۱۳×۱۳ سانتیمتر، یافته شده در همدان؛ نگاه کنید به: پ ۱۸، یادداشت ۲[۱۰].

AUPope, The Illustrated London News, July 17 1948, pp. 58-9. On exhibition at the Musée Cernuschi (Paris), in the summer of 1948, where it was No. 53 of the Catalogue Illustré (no date).

**A?P=اردشیر دوم یا سوم/پرسپولیس** : سه زبانه، متعلق به حاملان تخت در آرامگاه جنوبی.

Davis, JRAS 1932.373-7 and Plates 2-3; Hz. ApI 46-50 No. 24 (1938); Sen, OPI 172-3 (1941).

**$A^3$Pa,b,c,d=اردشیر سوم/پرسپولیس A,B,C,D** : تنها به فارسی‌باستان، ۴ نسخه با متنی همانند ولی متفاوت در سطر بندی؛ کتیبه a,c,d روی دیوار شمالی صفه کاخ اردشیر، در اصل هر یک در ۲۶ سطر؛ کتیبه b در ۳۵ سطر، کنار پلکان، در سمت جنوب کاخ داریوش.

Tm. Lex. 42-4 (1908); Wb. KIA xxix, 128-9 (1911); Photographs of Casts of Persian Sculptures of the Achaemenid Period, mostly from Persepolis, London, British Museum, 1932 (Plate 6 shows this inscription very legibly); Sen, OPI 170-1 (1941).

بخشی از کتیبه c که هنگامی که «اشتولز» تصاویر خود را می‌گرفت مفقود شده بود، توسط گروه اعزامی دانشگاه شیکاگو در سال ۱۹۳۹ بدست آمد (برپایه اطلاعات کامرون). متن‌ها دارای سطربندی نسخه a است.

**Wa=داریوش/سنگ وزنه A** : سه زبانه، فارسی‌باستان ۸ سطر، عیلامی ۷ سطر، اکدی ۵ سطر، روی یک هرم فرسوده از دیوریت[۱۱] سبز تیره، با ۵/۱ سانتیمتر

---

۱۰.در ترجمه: پ ۱۸. یادداشت ۱۰.

۱۱.سنگ آذرین کریستالی متخلخل.

ارتفاع، ۴/۴ سانتیمتر درازا و ۴/۱ سانتیمتر پهنا؛ با وزن ۱۶۶/۷۲۴ گرم. در حال حاضر موجود در بریتیش میوزیوم لندن.

Tm. Lex. 56-7 (1908); Wb. KIA xxii, 104-5 (1911); Sen, OPI 137 (1941).

**Wb=داریوش/سنگ وزنه** B: سه زبانه، فارسی‌باستان ۹ سطر، عیلامی ۶ سطر، اکدی ۴ سطر، روی یک هرم فرسوده از دیوریت سبز تیره (ارتفاع ۱۰/۵ سانتیمتر، قاعده ۱۰/۷×۱۰/۹ سانتیمتر)، با ۲۲۲۲/۴۲۵ گرم وزن؛ یافته شده در یک مسافرت یک روزه به آرامگاهی در کرمان، و از این روی به «داریوش/کرمان» شهرت دارد؛ در حال حاضر موجود در موزه آسیایی لنینگراد.

Jn. JAOS 27.193-4 and 3 plates (1906), reprinted in Persia Past and Present 184 and 3 plates (1906); Tm. Lex. 51-2 (1908); Scheil, Rec. de Trav. 31.137 (1909); Wb. Bull. de l'Acad. Imp. des Sci. de St. Pet. 1910.481 ff; Wb. KIA xxii-xxiii, lxxiv-lxxv, 104-5 (1911); Sen, OPI 112 (1941).

**Wc=داریوش/سنگ وزنه** C: سه زبانه، فارسی‌باستان ۱۰ سطر، عیلامی ۷ سطر، اکدی ۴ سطر، روی یک هرم فرسوده از دیوریت سبز مایل به خاکستری با وزن ۹/۹۵۰ کیلوگرم (وزن اصلی کمی بیشتر بوده، زیرا تکه‌هایی از قاعده آن کنده شده است)، یافته شده در بخش جنوبی گنجینه پرسپولیس.

Hz. ApI 24 No. 12 and Plate 8 (1938), Schmidt, Treasury of Persepolis 62-3 including plate (1939); Sen, OPI 253 (1941).

**Wd=داریوش/سنگ وزنه** D: فارسی‌باستان ۱۰ سطر، عیلامی ۶ سطر (مورد اخیر گردِ نمای راست ادامه می‌یابد)، اکدی ۵ سطر (روی نمای راست؛ با آسیب دیدگی)، روی یک هرم فرسوده از دیوریت سبز مایل به خاکستری با وزن ۴/۹۳۵ کیلوگرم (وزن اصلی کمی بیشتر بوده زیرا آسیب‌هایی به آن وارد شده است)؛ یافته شده در سال ۱۹۳۶ در گنجینه پرسپولیس. در این جا با اجازه ویژه از سوی «ای.اف. اشمیت» انتشار یافته است.

**SDa=داریوش /مُهر A**: سه زبانه، هر تحریر در یک سطر، روی یک استوانه کریستال، در حال حاضر موجود در بریتیش میوزیوم.

Tm. Lex. 55-6 (1908); Wb. KIA xxiii, 106-7 (1911); HFrankfort, Cylinder Seals Pl. xxxvii d (1939); Sen, OPI 137 (1941).

**SDb, SXa, SXb, SXc=داریوش /مـهر B**: سـه زبـانه، هـر تـحریر در یک سـطر؛ خشـایارشا /مـهر A,B,C: تـنها بـه فـارسی‌باستان در دو سـطر (سـطر دوم C ناخوانا)؛ از هریک نسخه‌های متعدد موجود است. نشان مهرها (نه خود مهرها) روی لوحه‌ها، از سوی گروه اعزمی دانشگاه شیکاگو، در گـنجینه پـرسپولیس یافته شده است.

EFSchmidt, The Treasury of Persepolis 39 (1939); GGCameron, Persepolis Treasury Tablets 55-8 (1948).

**Sa=مُهر A**: در ۷ سطر، اکنون در بریتیش میوزیوم.

Tm. Lex. 55-6 (1908); Wb. xxx, 130-1 (1911); Sen, OPI 174 (1941).

**Sb=مهر B**: فارسی‌باستان در ۳ سطر، سطر دوم ناخوانا؛ موجود بریتیش میوزیوم.

Tm. Lex. 56-7 (1908); Wb. KIA xxx, 130-1 (1911); Sen, OPI 174 (1941).

**Sc,Sd=مهر C و مهر D**: تنها به فارسی‌باستان، روی سنگ‌های قیمتی بیضی شکل، با تصویر سران ساسانی، نشانه‌های نوشتاری در جلو و پشت سران قـرار گـرفته است؛ محل کنونی این مهرها نامشخص است.

Tm. Lex. 56-7 (1908); Wb. xxx, 130-1 (1911); Sen, OPI 174 (1941).

**Se=مهر E**: تنها بـه فـارسی‌باستان؛ در ۳ سـطر؛ مـوجود در Musée des Armures

«موزه نشان‌ها» ی بروکسل.

Tm. Lex. 56-7 (1908); Wb. KIA xxx, 130-1 (1911); Sen, OPI 174 (1941).

Sf=مهرF : تنها به فارسی‌باستان، در ۴ سطر، که سطر چهارم و تمام سطر سوم بجز بخش‌هایی از دو نشانه آغازین از میان رفته است؛ در یک قاب، روی یک مهر غلتان مصری.

H.H. von der Osten, Ancient Oriental Seals in the Collestion of Mr. Edward T. Newhall no.453, pages 66 and 166, and plate 31 (Univ. of Chicago, Oriental Institute Publ., vol. 22; 1934); A. Goetze, Berytus 8.100 (1944).

XVs=خشایارشا/گلدان‌ها : از رُخام، حامل نام شاه به فارسی‌باستان، عیلامی، اکدی و هیروگلیف مصری. گلدان a موجود در بخش مدال‌های کتابخانه ملی پاریس؛ گلدان b از هالیکارناسوس، موجود در بریتیش میوزیوم؛ گلدان c در موزه دانشگاه فیلادلفیا؛ بعضی از قطعات یافته شده بوسیله «لوفتوس» در شوش، در بریتیش میوزیوم و قطعات دیگر یافته شده توسط «دیولافوا» در سال ۵-۱۸۵۴ در شوش، و نیز تعدادی دیگر که بوسیله گروه «دومورگان» یافته شده، درموزه‌لوور موجود است.

Tm. Lex. 56-8 (1908); Wb. KIA xxvi, 118-9 (1911); Sen, OPI 161 (1941).

AVs=اردشیر/گلدان‌ها : در چهار زبان، همانند موارد مربوط به خشایارشا، که بیشتر به پسر خشایارشا نسبت داده شده‌اند تا اردشیر آخر. گلدان a از سنگ سماق، موجود در گنجینه سن مارک در ونیز؛ گلدان b در موزه دانشگاه فیلادلفیا؛ گلدان c در موزه امپریال برلین؛ برخی از قطعات نیز توسط گروه «دومورگان»، در شوش یافته شده است.

Tm. Lex. 56-8 (1908); Wb. KIA xxvii, 120-1 (1911); Sen, OPI 169 (1941).

گلدان d در سال ۱۹۱۰ در «الّپو[۱۲] Aleppo» بوسیله «نوئل جیرون Noël Giron» به دست آمد، وی آنرا در Rev. d'Ass. 18.143-5 (1921) منتشر ساخت.

## کتیبه‌های جعلی

**spur.a**= کتیبه جعلی a: از Tarku. Wb. Gdr. IP 2.62 §25 (1895)

**Spur.b,c,d,e**= کتیبه جعلی b,c,d,e : چهار لوحه گلین پخته، که توسط «چانتر Chantre» در نزدیکی «قیصریه» بدست آمده و تنها به فارسی‌باستان است. لوحه b,c,d در قسمت رو، شامل نسخه‌های کم و بیش بد نوشته‌ای از DPa و در قسمت پشت در بردارنده نسخه‌هایی از XPe است. لوحه e نیز در قسمت رو دارای ۳ سطر از همان موارد و سپس آمیزه‌ای از علایم نوشتاری فارسی‌باستان و علایمی همانند ولی بی‌معنا در سمت رو و تمام سمت پشت می‌باشد. در حال حاضر لوحه‌ها در موزه آسیایی پاریس (Musèe Guimet) موجود است.
Mènant, Comptes-Rendus de l'Ac.d. Inscr., 4th serics, 23.126-41 (1895); Wb. Gdr. IP 2.62 §25 (1895).

**Spur.f**= کتیبه جعلی f : تنها به فارسی‌باستان، روی کاشی لعابدار، تحریر شده در هر دو طرف، خریداری شده توسط «سایس sayce» در «سَقّره[۱۳] saqqara».
Sayce, AfOF 8.225 (1933); Wb. ZDMG 91.87 (1937); Kent, JAOS 56.215-6 (1936), 58.327-9 (1938); Sen, OPI 179 (1941).

**Spur.g**= کتیبه جعلی g : تنها به فارسی‌باستان، در ۱۴ سطر منقطع بوسیله نقوش برجسته توخالی، روی لوحه مکعبی قرمز، موجود در یک موزه کوچک

---

۱۲.شهری باستانی در سوریه

۱۳.گورستانی کهن در ممفیس با آثار باستانی متعلق به سلسله‌های نخستین (هزاره سوم پیش از میلاد).

شخصی در فیلادلفیا.

Dyen, JAOS 56.91-3 (1936); Eilers, ZDMG 91.407-20 (1937); Kent, JAOS 58.327 (1938); Sen, OPI 180 (1941).

**Spur.h=کتیبه جعلی** h : یک نگاشته غیر جدی به فارسی‌باستان بوسیله «ویسباخ» ZDMG 91.644؛ در اینجا تنها به این دلیل که به اشتباه بعنوان یک متن فارسی‌باستان اصیل از سوی «سن Sen» شناخته شده بود، فهرست شده است (قطعه a او، در صفحه ۱۷۵).

## متن‌ها همراه با یادداشت‌ها و ترجمه

### اریارمنه/همدان =AmH

1. Ariyāramna: xšāyaθiya: vazraka: xšāyaθ
2. iya: xšāyaθiyānām: xšāyaθiya: Pārsā
3. Cišpaiš: xšāyaθiyahyā: puça: Haxāmanišah
4. yā: napā: θātiy: Ariyāramna: xšāyaθiya
5. iyam: dahyāuš: Pārsā: tya: adam: dārayā
6. miy: hya: uvaspā: umartiyā: manā: baga
7. vaźraka: Auramazdā: frābara: vašnā: Au
8. ramazdāha: adam: xšāyaθiya: iyam: da
9. hyāuš: amiy: θātiy: Ariyāramna
10. xšāyaθiya: Auramazdā: manā: upastā
11. m: baratuv

ترجمه AmH:

بند۱.۱-۴. اریارمنه، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه در پارس، پسر شاه چیش پیش، نوهٔ هخامنش.

بند۲.۴-۹. شاه اریارمنه گوید: این سرزمین پارس که من دارم، که دارنده اسبان خوب و مردان خوب است، (آن را) اهورامزدا خدای بزرگ به من ارزانی داشت. به خواست اهورامزدا، من در این سرزمین شاه هستم.

بند۳.۹-۱۱. شاه اریارمنه گوید: باشد که اهورامزدا مرا یاری برساند.

## ارشام/همدان =AsH

1. Aršāma: xšāyaθiya: vazraka: x
2. šāyaθiya: xšāyaθiyānām: x
3. šāyaθiya: Pārsa: Ariyāramna: xš
4. āyaθiyahyā: puça: Haxāmanišiya
5. θātiy: Aršāma: xšāyaθiya: Au
6. ramazdā: baga: vazraka: hya: maθiš
7. ta: bagānām: mām: xšāvaθiya
8. m: akunauš: hauv: dahyāum: P
9. ārsam: manā: frābara: tya: ukāram
10. uvaspam: vašnā: Auramazdāha: im
11. ām: dahyāum: dārayāmiy: mām:
12. Auramazdā: pātuv: utāmaiy: v
13. iθam: utā: imām: dahyāum: tya:
14. adam: dārayāmiy: hauv: pātuv

ترجمه AsH:

بند۱. ۱-۴.ارشام، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه (در) پارس، پسر شاه اریارمنه هخامنشی

بند۲. ۵-۱۴. شاه ارشام گوید: اهورامزدا خدای بزرگ، بزرگترینِ خدایان، مرا شاه کرد. او سرزمین پارس دارنده مردم خوب (و) دارنده اسبان خوب را به من ارزانی داشت. به خواست اهورامزدا این سرزمین را دارم. مرا اهورامزدا بپاید. و (نیز) خاندان مرا و این سرزمین را که من دارم، او بپاید.

## کوروش/مرغاب (پارسارگاد)CMa=A

1. adam: Kūruš: xšāya
2. θiya: Haxāmanišiya

ترجمه CMa:

من کوروش شاه هخامنشی هستم.

## کوروش /مرغاب CMb = B

1. Kūruš: xšāyaθiya: vazraka: Kabūjiya
2. hyā: xšāyaθiyahyā: puça: Haxāmanišiya
3. θātiy: yaθā...
4. ... ... akutā...

یادداشتی بر CMb: تحریرهای دیگر نشان می‌دهند که کتیبه به تصاویر حجاری شده همراه با نیایش به درگاه اهورامزدا برای پشتیبانی، در آستانه در، اشاره دارد؛ اما بازسازی بیش از این، غیر ممکن می‌باشد. تمام قطعات مشخص و ارائه شده در لوحه هرتسفلد به یک کتیبه تعلق ندارند؛ یک چنین کتیبه‌ای بروشنی در بردارنده واژه v]iθi[yā «در کاخ»، است.

ترجمه CMb: کوروش شاه بزرگ، پسر کمبوجیه شاه هخامنشی. (او) گوید: هنگامیکه...ساخت...

## کوروش / مرغاب CMc = C

Kūruš: xšāyaθiya: vazraka: Haxāmanišiya

ترجمه CMc

کوروش شاه بزرگ هخامنشی

## داریوش / بهستان =DB
## متن DB ستون I:

1:adam:Dārayavauš: xšāyaθiya: vazraka: xšāyaθiya: xšāyaθiy

2 ānām: xšāyaθiya: Pārsaiy: xšāyaθiya: dahyūnām: V$^{i}$št

3 āspahyā: puça: Aršāmahyā: napā: Haxāmanišiya: θātiy:

4 Dārayavauš: xšāvaθiya: manā: pitā: V$^{i}$štāspa: V$^{i}$štāspahyā: pitā: Arš

5 āma: Aršāmahyā: pitā: Ariyāramna: Ariyāramahyā: pitā:

Cišpiš: Cišp
6 āiš: pitā: Haxāmaniš : θātiy : Dārayavauš: xšāyaθiya: avahyarā
7 diy: vayam: Haxāmanišiyā: θahyāmahy: hacā: paruviyata: āmātā: ama
8 hy: hacā: paruviyata: hyā: amāxam: taumā: xšāyaθiyā: āha : θ
9 ātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: VIII: manā: taumāyā: tyaiy: paruvam
10:xšāyaθiyā: āha: adam: navama: IX: duvitāparanam: vayam: xšāyaθi
11 yā: amahy :θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: vašnā: Auramazd
12 āha: adam: xšāyaθiya: amiy: Auramazdā: xšaçam: manā: frābara : θ
13 ātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: imā: dahyāva: tyā: manā: patiyāiša: vašn
14 ā: Auramazdāha: adamšām: xšāyaθiya: āham: Pārsa: Ūvja: Bābiruš: A
15 θurā: Arabāya: Mudrāya: tyaiy: drayahyā: Sparda: Yauna: Māda: Armina: Kat
16 patuka: Parθava: Zraka: Haraiva: Uvārazmiy: Bāxtriš: Suguda: Gadāra: Sa
17 ka: Θataguš: Harauvatiš: Maka : fraharavam: dahyāva: XXIII : θātiy: Dāra
18 yavauš: xšāyaθiya: imā: dahyāva: tyā: manā: patiyāiša: vašnā: Au
19 ramazdāha: manā: badakā: āhatā: manā: bājim: abaratā: tyašām: hacāma
20 :aθahya: xšapavā: raucapativā: ava: akunavayatā : θātiy: Dārayava
21 uš: xšāyaθiya : atar : imā : dahyāva: martiya: hya: āgariya:

āha: avam : u

22 bartam: abaram : hya : arika : āha: avam: ufrastam: aparsam : vašnā: Auramazdā

23 ha: imā: dahyāva: tyanā: manā: dātā: apariyāya: yaθāšām: hacāma: aθah

24 ya: avaθā: akunavayatā : θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: Auramazdā

25 maiy: ima: xšaçam: frābara: Auramazdāmaiy: upastām: abara: yātā: ima: xšaçam:

26 hamadārayaiy: vašnā: Auramazdāha: ima: xšaçam: dārayāmiy : θā

27 tiy: Dārayavauš: xšāyaθiya : ima: tya:manā: kartam: pasāva: yaθā: xš

28 āyaθiya: abavam: Kabūjiya: nāma: Kūrauš: puça: amāxam: taumāy

29 ā: hauvam: idā: xšāyaθiya: āha: avahyā: Kabūjiyahyā: brā

30 tā: Bardiya: nāma: āha: hamātā: hamapitā: kabūjiyahyā: pasāva: ka

31 būjiya: avam: Bardiyam: avāja: yaθā: Kabūjiya: Bardiyam: avāja: kārahy

32 ā: naiy: azdā: abava: tya: Bardiya: avajata: pasāva: Kabūjiya: Mudrāyam

33 :ašiyava: yaθā: Kabūjiya: Mudrāyam: ašiyava: pasāva: kāra: arika: abava

34 :pasāva :drauga: dahyauvā :vasiy :abava :utā :Pārsaiy :utā: Mādaiy :ut

35 ā: aniyāuvā: dahyušuvā : θātiy: Dāravavauš: xšāyaθiya: pa

36 sāva: I martiya: maguš: āha: Gaumāta: nāma: hauv: udapatatā: hacā: Paiši

37 yāuvādāyā: Arakadriš: nāma: kaufa: hacā: avadaša: Viyaxnahya: māh

38 yā: XIV: raucabiš: θakatā: āha: yadiy: udapatatā: hauv: kārahyā: avaθā

39 :adurujiya: adam: Bardiya: amiy: hya: Kūrauš: puça: Kabūjiyahyā: br

40 ātā: pasāva: kāra: haruva: hamiçiya: abava: hacā: Kabūjiyā: abiy: avam:

41 ašiyava: utā: Pārsa: utā: Māda: utā: aniyā: dahyāva: xšaçam: hauv

42 :agarbāyatā: Garmapadahya: māhyā: IX: raucabiš: θakatā: āha: avaθā: xša

43 çam: agarbāyatā: pasāva: Kabūjiya: uvāmaršiyuš: amariyatā :θātiy

44 :Dārayavauš: xšāyaθiya: aita: xšāçam: tya: Gaumāta: hya: maguš: adīn

45 ā: Kabūjiyam: aita: xšaçam: hacā: paruviyata: amāxam: taumāyā: ā

46 ha: pasāva: Gaumāta: hya: maguš: adīnā: Kabūjiyam: utā: Pārsam: utā

47 :Mādam: utā: aniyā: dahyāva: hauv: āyasatā: uvāipašiyam: akutā: hau

48 v: xšāyaθiya: abava : θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: naiy: āha: martiya:

49 naiy: Pārsa: naiy: Māda: naiy: amāxam: taumāyā: kašciy: hya: avam: Gau

50 mātam: tyam: magum: xšaçam: dītam: caxriyā: kārašim: hacā : daršam: a

51 tarsa: kāram: vasiy: avājaniyā: hya: paranam: Bardiyam:

adānā: avahyar

52 ādiy: kāram: avājaniyā: mātyamām: xšnāsātiy: tya: adam: naiy: Bard

53 iya: amiy: hya: Kūrauš: puça: kašciy: naiy: adaršnauš: cišciy: θastana

54 iy: pariy: Gaumātam: tyam: magum: yātā: adam: arasam: pasāva: adam: Aura

55 maz(d)ām: patiyāvahyaiy: Auramazdāmaiy: upastām: abara: Bāgayādaiš:

56 māhyā: X: raucabiš: θakatā: āha: avaθā: adam: hadā: kamnaibiš: martiyaibi

57 š: avam: Gaumātam: tyam: magum : avājanam : utā : tyaišaiy : fratamā: mar

58 tiyā: anušiyā: āhatā: Sikayauvatiš: nāmā: didā: Nisāya: nā

59 mā: dahyāuš: Mādaiy: avādašim: avājanam: xšaçamšim: adam: adīnam: va

60 šnā: Auramazdāha: adam: xšāyaθiya: abavam: Auramazdā: xšaçam: manā: fr

61 ābara : θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: xšaçam: tya: hacā: amāxam: ta

62 umāyā: parābartam: āha: ava: adam: patipadam: akunavam: adamšim: gāθa

63 vā: avāstāyam: yaθā: paruvamciy: avaθā: adam: akunavam: āyadan

64 ā: tyā: Gaumāta: hya: maguš: viyaka: adam: niyaçārayam: kārahyā: abi

65 cariš: gaiθāmcā: māniyamcā: v[i]θbiščā: tyādiš: Gaumāta: hya:

66 maguš: adīnā: adam: kāram: gāθavā: avāstāyam: Pārsamcā: Mādamc

67 ā: utā: aniyā: dahyāva: yaθā: paruvamciy: avaθā: adam: tya: parābarta

68 m: patiyābaram: vašnā: Auramazdāha: ima: adam: akunavam: adam: hamataxšaiy:

69 yātā: v$^{i}$θam: tyām: amāxam: gāθavā: avāstāyam: yaθā: paruvmciy:

70 avaθā: adam: hamataxšaiy: vašnā: Auramazdāha: yaθā: Gaumāta: hya: magu

71 š: v$^{i}$θam: tyām: amāxam: naiy: parābara : θātiy: Dārayavauš: xšāyaθ

72 iya: ima: tya: adam: akunavam: pasāva: yaθā: xšāyaθiya: abavam : θātiy

73: Dārayavauš: xšāyaθiya: yaθā: adam: Gaumātam: tyam: magum: avājanam: pa

74 sāva: I martiya: Āçina: nāma: Upadarmahyā: puça: hauv: udapatatā: Ūvjai

75 y :kārahyā: avaθā: aθaha: adam: Ūvjaiy: xšāyaθiya: amiy: pasāva: Ūv

76 jiyā: hamiçiyā: abava: abiy: avam: Āçinam: ašiyava: hauv: xšāyaθiya

77 :abava: Ūvjaiy: utā: I martiya: Bābiruviya: Naditabaira: nāma: Ainairahy

78 ā: puça: hauv: udapatatā: Bābirauv: kāram: avaθā: adurujiya: adam: Nab

79 uk$^{u}$dracara: amiy: hya: Nabunaitahyā: puça: pasāva: kāra: hya: Bābiruviya

80 :haruva : abiy: avam: Naditabairam: ašivava: Bābiruš: hamiçiya: abava: x

81 šaçam: tya: Bābirauv: hauv: agarbāyatā : θātiy: Dārayavauš:

xšāya

82 θiya : pasāva: adam: frāišayam: Ūvjam: hauv: Āçina: basta: anayatā: abiy: mā

83 m: adamšim: avājanam : θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: pasāva: adam: Bā

84 birum: ašiyavam: abiy: avam: Naditabairam: hya: Nabukudracara: agaubatā

85 :kāra: hya: Naditabairahyā: Tigrām: adāraya: avadā: aištatā: utā:

86 abiš: nāviyā: āha: pasāva: adam: kāram: maškāuvā: avākanam: aniyam: uša

87 bārim: akunavam: aniyahyā: asam: frānayam: Auramazdāmaiy : upastām

88 :abara: vašnā: Auramazdāha: Tigrām: viyatarayāmā: avadā: avam: kāram:

89 tyam: Naditabairahyā: adam: ajanam: vasiy: Āçiyādiyahya: māhyā: XXVI: rau

90 cabiš: θakatā: āha: avaθā: hamaranam: akumā : θātiy: Dārayavauš: x

91 šāyaθiya: pasāva: adam: Bābirum: ašiyavam: aθiy: Bābirum: yaθā: naiy: up

92 āyam: Zāzāna: nāma: vardanam: anuv: Ufrātuvā: avadā: hauv: Nadita

93 baira: hya: Nabukudracara: agaubatā: āiš: hadā: kārā: patiš: mām: hamaranam:

94 cartanaiy: pasāva: hamaranam: akumā: Auramazdāmaiy: upastām: abara: vašnā: Aurama

95 zdāha: kāram: tyam: Naditabairahyā: adam: ajanam: vasiy: aniya: āpiyā: āhyatā: ā

96 pišim: parābara: Anāmakahya: māhyā: II: raucabiš: θakatā: āha: avaθā: hamaranam: akumā

یادداشت‌هایی بر DBI:

متن ما از DB متکی است بر پژوهش و ویرایش .KT که بوسیله تحقیقات نوین جکسون و کامرون کامل شد. یادداشت‌ها، نشانه‌ها و واژه‌های در افزوده قابل تشخیص از سوی .RI و نیز از سوی .WB را براساس قرائت .WB از آثار ملخص توسط .RI در برمی‌گیرد. در متن، قرائت‌های کامرون نشان داده شده است، کسی که پوسته‌های سنگ آهک راکه نشانه‌ها را پوشانده بودند برداشت و در نتیجه در تشخیص متون و بسیاری از قطعات که در گذشته غیر قابل قرائت و یا به غلط بازسازی شده بودند، (بویژه موارد زیر: 1.21; 2.33, 74-5, 89;3.26, 89-92; 4.6, 43-4, 46, 54, 85, 87-92; 5.2, 19-20, 22-4, 34-5)، بعلاوه تک نشانه‌های الفبایی در جاهای دیگر، موفق گردید. برای این قرائت‌ها، در یادداشت‌های الحاقی به قطعات، اطمینان در خور داده شده است؛ نیز مقایسه شود با: Cam. JCS 5.47-54, Kent JCS 5.55-7, JAOS 72.9-20. نقل قرائت .KT، بدون توضیح در یادداشت‌ها، این معنی را می‌دهد که قرائت .KT متن پیشین را که بر یک قرائت غلط از سوی. RI و یا. WB استوار بوده است، اصلاح می‌کند. اصلاحات پذیرفته شده‌ای که شکاف‌هایی را پر می‌کنند، به پژوهشگران مربوطه نسبت داده شده‌اند، مگر در جایی که از ویژگی و ماهیت آشکاری برخوردار باشند؛ اما قرائت‌های غلط و اصلاحات متروک، در اغلب موارد حذف شده است. اختلافات کوچک در عادی سازی، آنجا که تمایزات ترجمه‌ای را در بر ندارند، نا دیده گرفته شده‌اند؛ و برای سهولت قیاس، تمام قرائت‌هایی که حرف به حرف داده نشده‌اند، در عادی سازی مورد استفاده این کتاب، ارائه گردیده‌اند.

[5]Ariyāram-KT, both occurrences; not-rām-, with RI. [7]am$^{a}$t$^{a}$a, legible here and DBa 11, Cam; not ādātā with Andreas and Hüsing KZ 38.255. [9]VIII: manā: taumāyā: cf. Hist. App. I. [10]duvitāparanam, see Lex. [14]On list of provinces, see Kent, JNES 2.302-6. [16]Yauna Bv. Gr. §348; not y$^{a}$un$^{a}$[a]=Yaun[ā], with KT, cf.RI.'s Yau[na]. [16][Sug]uda KT. [17]f$^{a}$r$^{a}$h$^{a}$r$^{a}$v$^{a}$m$^{a}$

Rl., KT; instead of the expected $f^ar^ah^ar^uuv^am^a$. [21]$ag^ar^a$[++]KT, cf. Rl.'s $ag^at^a$; $ag^ar^aiy^a$ Cam; see Lex.s.v. āgariya-. [23]tyanā: manā: dātā of Rl. and KT is correct; not dittography for tyā: manā, cf. the idiom in XPh 49 and 51-2 [23]apariyāya, from pari-+ ay-; for wrong interpretations, see Lex. [24-5]Auramazdā |m[aiy:] ima KT. [26]ha[ma]dārayai[y] KT. [29]hauvam KT.[32]avajata Rl., KT; not to be emended to avājata, with Gray, Bthl. [36]On Gaumāta-Bardiya, see Hist. App. II. [37]On the OP calendar, see Hist. App.IV.

[51]avājaniyā, cf. Kent, JAOS 62.274. [55]$m^az^aam^a$ KT. with omission of the $d^a$. [55]patiyāvahyaiy Jn., KT. [58]Sika[ya]uvatiš KT. [64-5]$ab^aic^ar^ai\check{s}^a$ Rl., WB, Jn., KT. [65]$v^i\theta^ab^ai\check{s}^ac^a$ Jn., KT, for Rl.'s $v^i\theta^aib^ai\check{s}^a[c^a]a$; cf. Lex. for lit. on various normalizations and interpretations. [66]Bv. MSLP 23.182-3 finds an haplography and would read adinā: adam [:patiyābaram: adam]: kāram. [74]Upadarmahyā Rl., Wb. KIA; Upadara$^n$mahyā Opp. Mèd., Hüsing, KT, Tm.; U$^n$padara$^n$mahyā HK.

[85]āištatā WB, KT; aištatā Rl., Tm., Wb. [86-7]ušabārim Jn., KT; uš[tra] bārim Bthl. AiW 421; cf. §79. [87]asam Jn., KT. [87]frānayam KT. [88]viyatarayāmā acc. to KT's cuneiform text; viyatarayāma WB. [88][a]vadā: avam: kāram KT. [90]akumā, with final a legible acc. to Rl., WB, Jn.; but not acc. to KT. [91]$a\theta iy$ Rl., KT. [91-2][u]pāyam KT, recording that part of the $p^a$ is visible; this eliminates Foy's [abiy]āyam. [92]Ufratuvā KT. [95][+]$h^a$[+++]a Rl.; [a]ha[rat]ā Opp. 169, Gray AJP 21.22; [a]ha$^n$[jat]ā WB; [a]ha[dat]ā Bthl. AF 1.61; [aharat]ā KT; [a]h[yat]ā Kern ZDMG 23.269, Foy KZ 37.554, Bthl. AiW 279, Wb KIA.

RI . دارای اصلاحات قرائتی زیر است که در آنها نشانه‌های قابل رویت قطعی را ثبت کرده است، این نشانه‌ها در اینجا بوسیله حروف رومی نشان داده شده که برای .KT قابل رویت نبوده است:

[1]xšāyaθiya [:xšāya]θiy-; [2]dahy[ūnām; [4]V$^i$ štāspahyā; [6]xšāyaθ[iya; [14]adamšām; [17]Harauvatiš; [19]manā; [20]Dārayava-; [22][vašn]ā; [24]avaθā; [26]Bardiya; [31]būji]ya: avam; [34]pasā]-va; [65]hya; [69]par[u]va[m]c[iy; [82]Āçi[na; [84]agau[batā;

87 Auramazdāmaiy; 90 avaθā; 91 Babirum: ya[θā; 93 m[ām; 94 hamaranam; 95 āpiyā.

.WB، از قرائت .Wb از آثار ملخص .RI، موارد زیر را نیز با حروف رومی می‌افزاید که نه برای .KT و نه برای .RI قابل رویت نبوده است:

33 aši]yava; 66 Mādamc-; 82 abiy: mā-.

ترجمه DBI:

بند۱.۱-۳. من داریوش، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه در پارس، شاه سرزمین‌ها، پسر ویشتاسپ، نوه ارشام هخامنشی هستم.

بند۲.۳-۶. داریوش شاه گوید:پدر من ویشتاسب و پدر ویشتاسب ارشام و پدر ارشام اریارمنه، پدر اریارمنه چیش پیش، پدر چیش پیش هخامنش بود.

بند۳.۶-۸. داریوش شاه گوید: از این روی ما هخامنشی خوانده می‌شویم. از دیرباز اصیل بوده‌ایم. از دیرباز دودمان ما شاهان بوده‌اند(۱۴).

بند۴.۸-۱۱. داریوش شاه گوید: ۸ (نفر)از دودمان ما قبلاً شاه بوده‌اند؛ من نهمین (آنها) هستم؛ ما ۹ (نفر) پشت اندرپشت شاه بوده‌ایم.

بند۵.۱۱-۱۲. داریوش شاه گوید:بخواست اهورامزدا من شاه هستم،اهورامزدا شهریاری را به من ارزانی داشت.

بند۶.۱۲-۱۷. داریوش شاه گوید: این‌ها هستند سرزمین‌هایی که از آن من شدند، بخواست اهورامزدا من شاه آن‌ها بودم: پارس، عیلام، بابل، آشور، ارابایه، مصر، (آنان) که کنار دریا هستند، سارد، ایونی، ماد، اَرمنیه، کپدوکیه، پارت، زرنگ، هَرات، خوارزم، باختر، سغد، گندار، سَکَ، ثَتَگوش، رُخَج، مَکَ، مجموعاً ۲۳ کشور.

بند۷.۱۷-۲۰. داریوش شاه گوید: این‌ها سرزمین‌هایی هستند که از آن من شدند؛ بخواست اهورامزدا بندگان من بودند؛ به من باج بردند؛ هر آنچه از من به آنان گفته شد چه در شب، چه در روز، همان کرده شد.

بند۸.۲۰-۲۴. داریوش شاه گوید: در این سرزمین‌ها، مردی را که وفادار بود، او راخوب پاداش دادم، (آنرا) که متجاوز بود، او را سخت کیفر دادم؛ بخواست اهورامزدا این سرزمین‌ها به قانون من احترام گذاشتند؛ هر آنچه از من به آنان گفته شد،

---

۱۴.دو جمله اخیر را که کنت مستقل شمرده است، می‌توان در قالب یک جمله مرکب به یکدیگر مربوط دانست، در این صورت: از دیر باز اصیل بوده‌ایم (زیرا) از دیر باز دودمان ما شاهان بوده‌اند.

همان کرده شد.

بند۹. ۲۴-۲۶. داریوش شاه گوید: اهورامزد این شهریاری را به من ارزانی داشت، اهورامزدا مرا یاری رساند تا این شهریاری را تصرف کردم، بخواست اهورامزدا این شهریاری را نگهمیدارم.

بند۱۰. ۲۶-۳۵. داریوش شاه گوید: این است آنچه بوسیله من کرده شد پس از آنکه شاه شدم. کمبوجیه نام، پسر کوروش، از دودمان ما، او در اینجا شاه بود. آن کمبوجیه را برادری بردیا نام بود، هم مادر و هم پدر با کمبوجیه. سپس کمبوجیه آن بردیا را کشت. هنگامیکه کمبوجیه بردیا را کشت، برای مردم معلوم نشد که بردیا کشته شده است. سپس کمبوجیه رهسپار مصر شد هنگامیکه کمبوجیه رهسپار مصر شد، پس آنگاه مردم متجاوز شدند. پس آنگاه دروغ در کشور بسیار شد، هم در پارس، هم در ماد و هم در کشورهای دیگر.

بند۱۱. ۳۵-۴۳. داریوش شاه گوید: سپس مردی مغ بود، گئوماتا نام؛ از پاسارگاد (؟) برخاست. کوهی (است) اَرَکَدرَی نام، هنگامیکه از آنجا برخاست از ماه «وی‌یَخنَ» ۱۴ روز سپری شده بود. او به مردم اینگونه دروغ گفت: «من بردیا پسر کوروش، برادر کمبوجیه هستم». پس آنگاه همهٔ مردم در برابر کمبوجیه نافرمان شدند (و) بسوی او رفتند، هم پارس، هم ماد، هم سایر کشورها. او شهریاری را در ربود؛ از ماه «گَرمَ پَدَ» ۹ روز سپری شده بود، آنگاه او شهریاری را در ربود. پس آنگاه کمبوجیه بدست خود مرد[۱۵].

بند۱۲. ۴۳-۴۸. داریوش شاه گوید: این شهریاری را که گئوماتای مغ از کمبوجیه ستاند، این شهریاری از دیرگاه به دودمان ما تعلق داشت. پس آنگاه گئوماتای مغ (آنرا) از کمبوجیه ستاند، او هم پارس، هم ماد و هم دیگر کشورها را برای خود تصرف کرد، او (آنها را) متعلق بخود ساخت، او شاه شد.

بند۱۳. ۴۸-۶۱. داریوش شاه گوید: مردی نبود نه پارسی نه مادی نه از دودمان ما، کسی که آن گئوماتای مغ را از شهریاری محروم کند. مردم از او بسیار ترسیدند (با این اندیشه که) مبادا او مردم بسیاری را که از قبل بردیا را شناخته بودند بکشد؛ از این روی مردم را بکشد «که مبادا آنان مرا بشناسند که من بردیا پسر کوروش نیستم». کسی جرائت گفتن چیزی درباره گئوماتای مغ را نداشت تا من سر

---

۱۵. نگاه کنید به واژه نامه، زیر مدخل -uvāmaršiyu.

رسیدم. پس آنگاه من کمک اهورامزدا را طلب کردم؛ اهورامزدا مرا یاری رساند؛ از ماه «باگَ یادی» ۱۰ روز سپری شده بود، آنگاه من با تعدادی از مردان آن گئوماتای مغ و آنان را که برجسته‌ترین مردان پیرو او بودند، کشتم. دژی «سیکَ یَاُوَتی» نام، سرزمینی «نیسایَ» نام در ماد، آنجا او را کشتم. شهریاری را از او گرفتم. بخواست اهورامزدا من شاه شدم، اهورامزدا شهریاری را به من ارزانی داشت.

بند۱۴. ۶۱-۷۱. داریوش شاه گوید: شهریاری را که از دودمان ما ستانده شده بود، من آنرا در جای خود قرار دادم، من آنرا در جای خود استوار کردم. پرستشگاه‌هایی را که گئوماتای مغ ویران کرده بود، من همانند قبل ساختم. من چراگاه‌ها، نیز رمه‌ها، نیز بردگان خانگی، نیز خانه‌هایی را که گئوماتای مغ آن‌ها را ستانده بود، به مردم باز گردندم. من مردم را در جای خود استوار کردم، هم پارس، هم ماد و هم دیگر کشورها را. من آنچه را که ستانده شده بود همانند قبل باز گرداندم. بخواست اهورامزدا این را کردم: من کوشیدم تا دودمانمان را همانند قبل در جای خود استوار کردم. نیز من کوشیدم، بخواست اهورامزدا تا گئوماتای مغ دودمان ما را برنینداخت.

بند۱۵. ۷۱-۷۲. داریوش شاه گوید: این است آنچه من کردم پس از آنکه شاه شدم.

بند۱۶. ۷۲-۸۱. داریوش شاه گوید: هنگامیکه من گئوماتای مغ را کشتم، سپس مردی «آثرین»نام پسر «او پَدَرمَ»، او در عیلام برخاست. به مردم چنین گفت: «من در عیلام شاه هستم». سپس عیلامیان نافرمان شدند، (و) بسوی آن آثرین رفتند؛ او در عیلام شاه شد. و مردی بابلی «نَدیتَ بَئیرَ» نام، پسر «ایی‌نَیرَ»، او در بابل برخاست؛ مردم را اینگونه فریفت: «من نبوکدَرچَر» پسر نبونید هستم»، سپس مردم بابل همه بسوی «نَدیِتَ بَئیر» رفتند. بابل نافرمان شد؛ او شهریاری را در بابل در بود.

بند۱۷. ۸۱-۸۳. داریوش شاه گوید: سپس من (پیامی) به عیلام فرستادم. آن آثرین بسته بسوی من فرستاده شد؛ من او را کشتم.

بند۱۸. ۸۳-۹۰. داریوش شاه گوید: پس آنگاه من به بابل رفتم، بسوی آن «نَدیتَ بئیرَ» که خود را نبوکدرچر می‌خواند. سپاه «نَدیتَ بَئیرَ» دجله را در اختیار داشت؛ آنجا

ایستادگی کرد، و (دجله) به سبب آبها ناورو بود[۱۶]. پس آنگاه من (برخی از) سپاهم را روی مَشک‌ها(ی باد شده) قرار دادم. دیگران را بر شتر سوار کردم، برای دیگران نیز اسب تهیه کردم. اهورامزدا مرا یاری رساند؛ بخواست اهورامزدا دجله را گذشتیم. آنجا آن سپاه «نَدیتَ بئیرَ» را من بسیار نابود کردم؛ از ماه «آثری یادیاَ» ۲۶ روز سپری شده بود، آنگاه جنگ کردیم.

بند۱۹. ۹۰-۹۶. داریوش شاه گوید: پس از آن من به بابل رفتم. هنگامیکه به بابل نرسیده بودم، شهری «زازان» نام، در کنار فرات، آنجا آن «نَدیتَ بئیرَ» که خود را «نبوکدرَچَر» می‌خواند با سپاهی برای جنگ کردن با من آمد. سپس جنگ کردیم؛ اهورامزدا مرا یاری رساند؛ بخواست اهورامزدا من سپاه «نَدیتَ بئیرَ» را بسیار نابود کردم. بقیه در آب انداخته شد (و) آب آنرا برد. از ماه «انامَکَ» ۲ روز سپری شده بود، آنگاه جنگ کردیم.

## داریوش / بهستان = DB
## متن DB ستون II:

1: θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: pasāva: Naditabaira: ha

2 dā: kamnaibiš: asabāraibiš: amuθa: Bābirum: ašiya

3 va: pasāva: adam: Bābirum: ašiyavam: vašnā: Auramazdāha: utā: Bā

4 birum: agarbāyam: utā: avam: Naditabairam: agarbāyam: pasāva: ava

5 m: Naditabairm: adam: Bābirauv: avājanam: θātiy: Dārayavauš: x

6 šāyaθiya: yātā: adam: Bābirauv: ābam: imā: dahyāva: tyā: hacāma: ha

7 miçiyā: abava: Pārsa: Ūvja: Māda: Aθurā: Mudrāya: Parθava: Marguš: Θa

8 taguš: Saka: θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: I martiya: Martiya:nā

---

۱۶. دجله به سبب افزایش آب، بدون قایق قابل گذر نبود.

9 ma: Cicixrāiš: puça: Kuganakā: nāma: vardanam: Pārsaiy: avadā: adāraya:

10 hauv: udapatatā: Ūvjaiy: kārahyā: avaθā: aθaha: adam: Imaniš: amiy: Ū

11 vjaiy: xšāyaθiya: θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: adakaiy: adam: ašna

12 iy: āham: abiy: Ūvjam: pasāva: hacāma: atarsa: Ūvjiyā: avam: Marti

13 yam: agarbāya: hyašām: maθišta: āha: utāšim: avājana: θātiy: D

14 ārayavauš: xšāyaθiya: I martiya: Fravartiš: nāma: Māda: hauv: udapatat

15 ā: Mādaiy: kārahyā: avaθā: aθaha: adam: Xšaθrita: amiy: Uvaxštrah

16 yā: taumāyā: pasāva: kāra: Māda: hya: v[i]θāpatiy: hauv: hacāma: hamiçiya: a

17 bava: abiy: avam: Fravartim: ašiyava: hauv: xšāyaθiya: abava: Mādaiy:

18 θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: kāra: Pārsa: utā: Māda: hya: upā: mām: ā

19 ha: hauv: kamnam: āha: pasāva: adam: kāram: frāišayam: Vidarna: nāma: Pārsa: man

20 ā: badaka: avamšām: maθištam: akunavam: avaθāšām: aθaham: paraitā: avam: k

21 āram: tyam: Mādam: jatā: hya: manā: naiy: gaubataiy: pasāva: hauv: Vidarna: ha

22 dā: kārā: ašiyava: yaθā: Mādam: parārasa: Māruš: nāma: vardanam: Mā

23 daiy: avadā: hamaranam: akunauš: hadā: Mādaibiš: hya:

Mādaišuvā

24 :maθišta: āha: hauv: adakaiy: naiy: avadā: āha: Auramazdāmaiy: u

25 pastām: abara: vašnā: Auramazdāha: kāra: hya: manā: avam: kāram: t

26 yam: hamiçiyam: aja: vasiy: Anāmakahya: māhyā: XXVII: raucabiš: θakat

27 ā: āha: avaθāšām: hamaranam: kartam: pasāva: hauv: kāra: hya: manā: Kapada: nām

28 ā: dahyāuš: Mādaiy: avadā: mām: amānaiya: yātā: adam: arasam: Māda

29 m: θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: Dādaršiš: nāma: Arminiya: man

30 ā: badaka: avam: adam: frāišayam: Arminam: avaθāšaiy: aθaham: paraidiy: kā

31 ra: hya: hamiçiya: manā: naiy: gaubataiy: avam: jadiy: pasāva: Dādarši

32 š: ašiyava: yaθā: Arminam: parārasa: pasāva: hamiçiyā: hagmatā: parai

33 tā: patiš: Dādaršim: hamaranam: cartanaiy: Zūzahya: nāma: āvahanam: A

34 rm[i]niyaiy: avadā: hamaranam: akunava: Auramazdāmaiy: upastām: a

35 bara: vašnā: Auramazdāha: kāra: hya: manā: avam: kāram: tyam: hamiçiyam:

36 aja: vasiy: Θūravāharahya: māhyā: VIII: raucabiš: θakatā: āha: avaθ

37 āšām: hamaranam: kartam: θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: patiy: duv

38 itīyam: hamiçiyā: hagmatā: paraitā: patiš: Dādaršim: hamaranam: carta

39 naiy: Tigra: nāmā: didā: Armⁱniyaiy: avadā: hamaranam: akunava: A

40 uramazdāmaiy: upastām: abara: vašnā: Auramazdāha: kāra: hya: manā: a

41 vam: kāram: tyam: hamiçiyam: aja: vasiy: Θūravāharahya: māhyā: XVIII

42: raucabiš: θakatā: āha: avaθāšām: hamaranam: kartam: θātiy: Dāraya

43 vauš: xšāyaθiya: patiy: çitīyam: hamiçiyā: hagmatā: paraitā: pat

44 iš:Dādaršim: hamaranam: cartanaiy: Uyamā: nāmā: didā: Armⁱniyaiy: a

45 vadā: hamaranam: akunava: Auramazdāmaiy: upastām: abara: vašnā: Aurama

46 zdāha: kāra: hya: manā: avam: kāram: tyam: hamiçiyam: aja: vasiy: Θāigarca

47 iš: māhyā: IX: raucabiš: θakatā: āha: avaθāšām: hamaranam: kartam: pasāva

48: Dādaršiš: citā: mām: amānaya: Armⁱniyaiy: yātā: adam: arasam: Mā

49 dam: θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: pasāva: Vaumisa: nāma: Pārsa: manā: ba

50 daka: avam: adam: frāišayam: Arminam: avaθāšaiy: aθaham: paraidiy: kāra:

51 hya: hamiçiya: manā: naiy: gaubataiy: avam: jadiy: pasāva: Vaumisa: a

52 šiyava: yaθā: Arminam: parārasa: pasāva: hamiçiyā:

hagmatā: paraitā: pa

53 tiš: Vaumisam: hamaranam: cartanaiy: Izalā: nāmā: dahyāuš: Aθurāy

54 ā: avadā: hamaranam: akunava: Auramazdāmaiy: upastām: abara: vašnā: Au

55 ramazdāha: kāra: hya: manā: avam: kāram: tyam: hamiçiyam: aja: vasiy:

56 Anāmakahya: māhyā: XV: raucabiš: θakatā: āha: avaθāšām: hamaranam:

57 kartam: θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: patiy: duvitīyam: ham

58 içiyā: hagmatā: paraitā: patiš: Vaumisam: hamaranam: cartanaiy: Au

59 tiyāra: nāmā: dahyāuš: Arminiyaiy: avadā: hamaranam: akunava:

60 Auramazdāmaiy: upastām: abara: vašnā: Auramazdāha: kāra: hya: ma

61 nā: avam: kāram: tyam: hamiçiyam: aja: vasiy: Θūravāharahya māh

62 yā: jiyamnam: patiy: avaθāšām: hamaranam: kartam: pasāva: Vaumisa

63 :citā: mām: amānaya: Arminiyāiy: yātā: adam: arasam: Mādam

64 :θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: pasāva: adam: nijāyam: hacā:

65 Bābirauš: ašiyavam: Mādam: yaθā: Mādam: parārasam: Kudᵘruš: nāma:

66 vardanam: Mādaiy: avadā: hauv: Fravartiš: hya: Mādaiy: xšāyaθiya: a

67 gaubatā: āiš: hadā: kārā: patiš: mām: hamaranam: cartanaiy: pasāva: hamarana

68 m: akumā: Auramazdāmaiy: upastām: abara: vašnā: Auramazdāha: kāram
69 :tyam: Fravartaiš: adam: ajanam: vasiy: Adukanaišahya: māhyā: XXV: ra
70 ucabiš: θakatā: āha: avaθā: hamaranam: akumā: θātiy: Dārayavauš: x
71 šāyaθiya: pasāva: hauv: Fravartiš: hadā: kamnaibiš: asabāraibiš: amuθa: Ra
72 gā: nāmā: dahyāuš: Mādaiy: avaparā: ašiyava: pasāva: adam: kāram: f
73 rāišayam: nipadiy: Fravartiš: āgarbīta: anayatā: abiy: mām: ada
74 mšaiy: utā: nāham: utā: gaušā: utā: h$^{a}$zānam: frājanam: utāša
75 iy: I cašan: avajam: duvarayāmaiy: basta: adāriya: haruvašim: k
76 āra: avaina: pasāvašim: Hagmatānaiy: uzmayāpatiy: akunavam
77 :utā: martiyā: tyaišaiy: fratamā: anušiyā: āhatā: avaiy: Ha
78 gmatānaiy: atar: didām: frāhajam: θātiy: Dārayavauš: xš
79 āyaθiya: I martiya: Ciçataxma: nāma: Asagartiya: hauvmaiy: hamiçiya:
80 abava: kārahyā: avaθā: aθaha: adam: xšāyaθiya: amiy: Asagarta
81 iy: Uvaxštrahyā: taumāyā: pasāva: adam: kāram: Pārsam: ut
82 ā: Mādam: frāišayam: Taxmaspāda: nāma: Māda: manā: badaka: avam
83 šām: maθištam: akunavam: avaθām: aθaham: paraitā: k
84 āram: hamiçiyam: hya: manā: naiy: gaubātaiy: avam: jatā: pas
85 āva: Taxmaspāda: hadā: kārā: ašiyava: hamaranam:

akunauš: had
86 ā: Ciçataxmā: Auramazdāmaiy: upastām: abara: vašnā: Auramaz
87 dāha: kāra: hya: manā: avam: kāram: tyam: hamiçiyam: aja: utā: C
88 içataxmam: agarbāya: anaya: abiy: mām: pasāvašaiy: adam: utā: n
89 āham: utā: gaušā: frājanam: utāšaiy: I cašam: avajam: duvarayā
90 maiy: basta: adāriya: haruvašim: kāra: avaina: pasāvašim: Arbairāyā:
91 uzmayāpatiy: akunavam: θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: ima: tya: ma
92 nā: kartam: Mādaiy: θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: Parθava: utā: Var
93 kāna: hamiçiyā: abava: hacāma: Fravartaiš: agaubatā: V^i^štāspa: manā: pitā: ha
94 uv: Parθavaiy: āha: avam: kāra: avaharda: hamiçiya: abava: pasāva: V^i^štāspa:
95 ašiyava: hadā: kārā: hyašaiy: anušiya: āha: Višpauzātiš: nāma: varda
96 nam: Parθavaiy: avadā: hamaranam: akunauš: hadā: Parθavaibiš: Auramazdāmaiy
97 :upastām: abara: vašnā: Auramazdāha: V^i^štāspa: avam: kāram: tyam: hamiçiya
98 m: aja: vasiy: Viyaxnahya: māhyā: XXII: raucabiš: θakatā: āha: avaθāšām: hamaranam: kartam

یادداشت‌هایی بر DB II:

[2]asabāraibiš, from established by asabāra DNb 41-5 [2]a[muθa] Hüsing, Wb., for a[biy] Rl., ab[iy] KT. [7][Mudrāya] Wb., KT, after the Elam. [24]avadā: āha legible, acc. to Cameron. [25][ma]nā KT. [26]XXVII KT. [28]am$^{a}$an$^{a}$iy$^{a}$ KT. [33]z$^{a}$uz$^{a}$h$^{a}$y$^{a}$ legible, acc. to Cameron. [33-4]ar$^{a}$m$^{i}$n$^{a}$iy$^{a}$iy$^{a}$ KT; so also in 39,44. [44]uy$^{a}$m$^{a}$a legible, acc. to Cameron.

[53]iz$^{a}$l$^{a}$a legible, acc. to Cameron, eliminating various conjectures. [62]jiyamnam, for KT's jiyamanam. [69]Adukanaiš WB; Aduka[ni]šahya KT. [72]avaparā KT. [73]nipadiy KT. [73]āgarbī[ta] Bthl. WZKM 22.65, for KT's agarbi[ta]; immediately follwed by anayatā, without intervening utā, acc. to KT. [74]h$^{a}$z$^{a}$an$^{a}$m$^{a}$ legible, acc. to Cameron, eliminating the conjectures. [75][I caša]m, after 2.89, q.v. [76]pasāvašim KT. [76]For 'impaled' rather than 'crucifiied', cf. Wb. KIA 36n.

[84]kāram: hamiçiyam KT, without Rl.'s tyam between the words. [89]I c$^{a}$š$^{a}$m$^{a}$ legible, acc. to Cameron, settling old disputes; [u]cšam KT,+ cašma Jn.ucašma Wb., ucašam Kent Lg. 19.225-6; cašma Bv. TPS 1945.53-4, after Jn. IF 25.182-3(cf. conj.of Spiegel, Altp. Keilinsch. 21n, 218), whence cašam Kent; see Lex. s.v. caša-. [92-98]Except as noted, the supplements are those of WB and KT. [93]Rl.records hya as visible before manā pitā; but KT omit without comment. [94]avahar[+]KT; avahar[ta]Wb. ZDMG 61.726; avahar[ja] Tm. VS 1.22, Lex. 16, corrected to avahar[da]· Tm. CS 21. [95]Vis[pa]uz[ā]tiš KT; Visp]āvaušatiš Rl.; Vispauzatiš WB. [96]akunava WB; a]kunau[š KT.

RI . دارای اصلاحات قرائتی زیر است که در آنها نشانه‌های قابل رویت قطعی را ثبت کرده است، این نشانه‌ها در اینجا بوسیله حروف رومی نشان داده شده که برای .KT قابل رویت نبوده است:

[4]Naditabai[ram; [5]θāti]y: Dārayavauš; [6]āham: i[mā; [7]Aθurā; [8]xšāya[θiya; [9]nāma: var[danam; [10]avaθā; [11]Dārayavauš :xšāya[θiya; [12]hacāma; [25]hya; [26]māhyā: VI: ra[ucabiš (VI is corrected to VIII by Rl. on page 218); [38]paraitā: pat[iš; [39]Armaniyaiy (Rl. misread the third character); [41]vasiy; [43]ham[içiyā; [81]Uvaz[štra]hyā; [91]uzmayāpat]iy.

.WB، از قرائت .Wb از آثار ملخص .RI، موارد زیر را نیز با حروف رومی می‌افزاید که نه برای .KT و نه برای .RI قابل رویت نبوده است:
[11]xšāyaθ[iya]; [14]Frava[rtiš; [63]Arminiyai[y; [90]ava[ina; [92]Fravartaiš[:]agaubatā; [95]anušiya; [96]nam.

ترجمه DB II :

بند۲۰.۱-۵. داریوش شاه گوید: پس از آنکه «نَدیتَ بئیَر» با سوارانی کم گریخت، به بابل رفت. سپس من به بابل رفتم. بخواست اهورامزدا هم بابل را تصرف کردم و هم آن «نَدیتَ بئیَر» را به اسارت گرفتم. سپس من آن «نَدیتَ بئیَر» را در بابل کشتم.

بند۵.۲۱-۸. داریوش شاه گوید: زمانیکه من در بابل بودم، این‌ها هستند کشورهایی که نسبت به من نافرمان شدند: پارس، عیلام، ماد، آشور، مصر، پارت، مرو، ثَتَگوش، سَکَ.

بند۸.۲۲-۱۱. داریوش شاه گوید: مردی «مرتیاَ» نام پسر «چی چیخری»، شهری «کوگَنَک» نام در پارس، آنجا ساکن بود.۲او در عیلام برخاست. اینگونه به مردم گفت: «من ایمَنیش هستم، شاه عیلام».

بند۱۱.۲۳-۱۳. داریوش شاه گوید: آن هنگام من نزدیک عیلام بودم. پس آنگاه عیلامیان از من ترسیدند؛ آن «مرتیاَ» را که رئیشان بود دستگیر کردند و او را کشتند.

بند۱۳.۲۴-۱۷. داریوش شاه گوید: مردی «فرورتی» نام مادی، او در ماد برخاست. اینگونه به مردم گفت: «من خشثریت هستم از دودمان هوخشَترَ». پس آنگاه سپاه مادی که در کاخ (بود)، آن نسبت به من نافرمان شد، (و) به سوی آن «فرورتی» رفت. او در ماد شاه شد.

بند۱۸.۲۵-۲۹. داریوش شاه گوید: سپاه پارسی و مادی که با من بود، آن (نیرویی) کم بود. پس آنگاه من سپاهی را روانه کردم. «ویَدرنَ» نام پارسی، بندهٔ من، او را رئیس آنان کردم؛ اینگونه به آنان گفتم: پیش روید، آن سپاه مادی را که خود را از آنِ من نه می‌خواند، نابود کنید! سپس آن «ویدرن» با سپاه روانه شد. هنگامیکه به ماد فرا رسید، شهری «مارو» نام در ماد، آنجا با مادی‌ها جنگ کرد. او که در میان مادی‌ها رئیس بود، او در آن هنگام آنجا نبود. اهورامزدا مرا یاری رساند. بخواست اهورامزدا سپاه من آن سپاه شورشی را بسیار نابود کرد. از ماه «انامَک» ۲۷ روز سپری شده بود، آنگاه جنگ از سوی آنان در گرفت. پس آن

سپاه من، سرزمینی «کمپَدَ» نام در ماد، آنجا برایم ماندند تا من به ماد رسیدم.

بند۲۶. ۲۹-۳۷. داریوش شاه گوید: دادرشی نام ارمنی، بندهٔ من، من او را به ارمنیه روانه کردم. چنین به او گفتم «پیش رو، سپاه شورشی که خود را از آنِ من نمی‌خواند، آن را نابود کن!». پس آنگاه دادرشی رهسپار شد. هنگامیکه به ارمنیه فرا رسید، آنگاه شورشیان گرد هم آمدند (و) به جنگ کردن با دادرشی فرا رسیدند. دهی «زوزَهیَ» نام در ارمنیه، آنجا جنگ کردند. اهورامزدا مرا یاری رساند؛ بخواست اهورامزدا سپاه من آن سپاه نافرمان را بسیار نابود کرد. از ماه «ثوروااهَرَ» ۸ روز سپری شده بود، آنگاه جنگ از سوی آنان در گرفت.

بند۲۷. ۳۷-۴۲. داریوش شاه گوید: باز دو باره شورشیان گرد هم آمدند (و) به جنگ کردن با دادرشی فرا رسیدند. دژی تیگرَ نام در ارمنیه، آنجا جنگ کردند. اهورامزدا مرا یاری رساند؛ بخواست اهورامزدا سپاه من آن سپاه شورشی را بسیار نابود کرد. از ماه «ثورَواهَر» ۱۸ روز سپری شده بود. آنگاه جنگ از سوی آنان در گرفت.

بند۲۸. ۴۲-۴۹. داریوش شاه گوید: باز سومین بار شورشیان گرد هم آمدند (و) به جنگ کردن با دادرشی فرا رسیدند. دژی «اویَما» نام در ارمنیه، آنجا جنگ کردند. اهورامزدا مرا یاری رساند؛ بخواست اهورامزدا سپاه من آن سپاه شورشی را بسیار نابود کرد؛ از ماه «ثایی گرَچی» ۹ روز سپری شده بود، آنگاه جنگ با آنان در گرفت. پس از آن، دادرشی آنقدر در ارمنیه برایم ماند تا من به ماد رسیدم.

بند۲۹. ۴۹-۵۷. داریوش شاه گوید: سپس «وَاُومیسَ» نام پارسی، بندهٔ من، من او را به ارمنیه روانه کردم. چنین به او گفتم: «پیش رو، سپاه شورشی را که خود را از آن من نمی‌خواند، آن را نابود کن!». سپس «وَاُومیسَ» رهسپار شد. هنگامیکه به ارمنیه فرا رسید، آنگاه شورشیان گرد هم آمدند (و) به جنگ کردن با «وَاُومیسَ» فرا رسیدند. ناحیه‌ای «ایزَلا»نام، در آشور، آنجا جنگ کردند. اهورامزدا مرا یاری رساند؛ بخواست اهورامزدا، سپاه من، آن سپاه نافرمان را بسیار نابود کرد؛ از ماه «انامَکَ» ۱۵ روز سپری شده بود، آنگاه جنگ از سوی آنان در گرفت.

بند۳۰. ۵۷-۶۳. داریوش شاه گوید: باز دوباره شورشیان گرد هم آمدند (و) به جنگ کردن با «وَاُمیسَ» فرا رسیدند. ناحیه‌ای «اَوُتی یَرَ» نام در ارمنیه، آنجا جنگ کردند. اهورامزدا مرا یاری رساند؛ بخواست اهورامزدا سپاه من آن سپاه شورشی را بسیار نابود کرد. در آخرین روز ماه «ثورَواهَر»، آنگاه جنگ از سوی آنان در گرفت. سپس «وَاُومیسَ» آنقدر در ارمنیه برایم ماند تا من به ماد رسیدم.

بند۳۱.۶۴-۷۰. داریوش شاه گوید: پس آنگاه من از بابل دور شدم (و) به ماد رفتم. هنگامیکه به ماد فرا رسیدم، شهری «کوندورو» نام در ماد، آنجا آن «فرورتیش» که خود را در ماد شاه می‌خواند، با سپاهی به جنگ کردن با من آمد. سپس جنگ کردیم. اهورامزدا مرا یاری رساند؛ بخواست اهورامزدا سپاه «فرورتیش» را من بسیار نابود کردم؛ از ماه «ادوکَنیش» ۲۵ روز سپری شده بود، آنگاه جنگ کردیم.

بند۳۲.۷۰-۷۸. داریوش شاه گوید: سپس آن «فرورتیش» با سواران کمی گریخت؛ ناحیه‌ای «رگا» نام در ماد، بسوی آنجا رهسپار شد. پس از آن من سپاهی را برای تعقیب روانه کردم؛ «فرورتیش» گرفته شده بسوی من آورده شد. من بینی و دو گوش و زبان او را بریدم و یک چشم او را در آوردم؛ او بر در کاخ من بسته نگهداشته شد، همه مردم او را دیدند. سپس او را در هگمتانه به صلابه کشیدم و مردانی را که برجسته‌ترین پیروان او بودند، آنان را در هگمتانه، در دژی (پوست کندم و پوست آنان را انباشته از کاه) آویختم.

بند۳۳.۷۸-۹۱. داریوش شاه گوید: مردی «چیژَنَ تَخمَ» نام اَسَگَرتی، او نسبت به من نافرمان شد؛ اینگونه به مردم گفت: «من در اَسَگرتیا شاه هستم، از دودمان هوخشَتَر». سپس من سپاه پارسی و مادی را روانه کردم؛ «تَخَمسپادَ» نام مادی، بندهٔ من، او را رئیس آنان کردم. اینگونه به آنان گفتم: «پیش روید، سپاه شورشی را که خود را از آنِ من نمی‌خواند، آن را نابود کنید!» سپس «تخمسپاد» با سپاه رهسپار شد؛ با «چیژَر تَخمَ» جنگ کرد. اهورامزدا مرا یاری رساند؛ بخواست اهورامزدا سپاه من آن سپاه شورشی را نابود کرد و «چیثرن تَخمَ» را به اسارت گرفت (و) بسوی من آورد. سپس من هم بینی، هم دو گوش او را بریدم و یک چشم او را در آوردم؛ او بسته بر در کاخ من نگهداشته شد، همه مردم او را دیدند، پس آنگاه او را در اَربِل به صلابه کشیدم.

بند۳۴.۹۱-۹۲. داریوش شاه گوید: این است آنچه بوسیله من در ماد کرده شد.

بند۳۵.۹۲-۹۸. داریوش شاه گوید: پارت و گرگان نسبت به من نافرمان شدند، خود را (پیروان) فرورتیش خواندند. ویشتاسب پدر من، او در پارت بود؛ مردم او را ترک کردند، نافرمان شدند. پس از آن ویشتاسب با سپاهی که به او وفادار بود رهسپار شد. شهری «ویشَپ اُوزَتی» نام در پارت، آنجا با پارتیان جنگ کرد. اهورامزدا مرا یاری کرد؛ بخواست اهورامزدا ویشتاسب آن سپاه نافرمان را

بسیار نابود کرد. از ماه «وی یَخنَ» ۲۲ روز سپری شده بود، آنگاه جنگ از سوی آنان درگرفت.

## DB= داریوش / بهستان
## متن DB ستون III:

1 : θātiy :Dārayavauš: xšāyaθiya: pasāva: adam: kāra

2 m: Pārsam: frāišayam: abiy: V$^{i}$štāspam: hacā: Ragā

3 yā: yaθā: hauv: kāra: parārasa: abiy: V$^{i}$štāskpam

4 :pasāva: V$^{i}$štāspa: āyasatā: avam: kāram: ašiyava: Patigraba

5 nā: nāma: vardanam: Parθavaiy: avadā: hamaranam: akunauš: hadā:

6 hamiçiyaibiš: Auramazdāmaiy: upastā: abara: vašnā: Auramaz

7 dāha: V$^{i}$štāspa: avam: kāram: tyam: hamiçiyam: aja: vasiy: Ga

8 rmapadahya: māhyā: I: rauca: θakatam: āha: avaθāšām: hamaranam: ka

9 rtam: θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: pasāva: dahyāuš: ma

10 nā: abava: ima: tya: manā: kartam: Parθavaiy: θātiy: Dārayavau

11 š: xšāyaθiya: Marguš: nāmā: dahyāuš: hauvmaiy: hamiçiyā: abava

12 : I martiya: Frāda: nāma: Māragava: avam: maθištam: akunavatā: pasā

13 va: adam: frāišayam: Dādaršiš: nāma: Pārsa: manā: badaka: Bāxtriy

14 ā: xšaçapāvā: abiy: avam: avaθāšaiy: aθaham: paraidiy: ava

15 m: kāram: jadiy: hya: manā: naiy: gaubataiy: pasāva: Dādaršiš: hadā: k

16 ārā: ašiyava: hamaranam: akunauš: hadā: Mārgavaibiš: Auramazd

17 āmaiy: upastām: abara: vašnā: Auramazdāha: kāra: hya: manā: avam: kāram

18 :tyam: hamiçiyam: aja: vasiy: Āçiyādiyahya: māhyā: XXIII: raucabi

19 š: θakatā: āha: avaθāšām: hamaranam: kartam: θātiy: Dārayavu

20 š: xšāyaθiya: pasāva: dahvāuš: manā: abava: ima: tya: ma

21 na: kartam: Bāxtriyā: θātiy: Dārayavauš: xšāya

22 θiya: I martiya: Vahyazdāta: nāma: Tāravā: nāma: vardanam

23 :Yautiyā: nāmā: dahyāuš: Pārsaiy: avadā: adāraya: ha

24 uv: duvitīyam: udapatatā: Pārsaiy: kārahyā: avaθā

25 :aθaha: adam: Bardiya: amiy: hya: Kūrauš: puça: pasāva

26 :kāra: Pārsa: hya: v<sup>i</sup>θāpatiy: hacā: Yadāyā: frataram: ha

27 uv: hacāma: hamiçiya: abava: abiy: avam: Vahyazdāta

28 m: ašiyava: hauv: xšāyaθiya: abava: Pārsaiy: θā

29 tiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: pasāva: adam: kāram: Pārsa

30 m: utā: Mādam: frāišayam: hya: upā: mām: āha: Artavard

31 iya: nāma: Pārsa: manā: badaka: avamšām: maθištam: aku

32 navam: hya: aniya: kāra: Pārsa: pasā: manā: ašiyava: Mā

33 dam: pasāva: Artavardiya: hadā: kārā: ašiyava: Pārsam

34 :yaθā: Pārsam: parārasa: Raxā: nāma: vardanam: Pārsaiy: a

35 vadā: hauv: Vahyazdāta: hya: Bardiya: agaubatā: āiš:

36 hadā: kārā: patiš: Artavardiyam: hamaranam: cartanaiy: pas

37 āva: hamaranam: akunava: Auramazdāmaiy: upastām: abara: va

38 šnā: Auramazdāha: kāra: hya: manā: avam: kāram: tyam: Vahya

39 zdātahya: aja: vasiy: Θūravāharahya: māhyā: XII: raucabiš: θaka

40 tā: āha: avaθāšām: hamaranam: kartam: θātiy: Dārayavauš: xšāyaθi

41 ya: pasāva: hauv: Vahyazdāta: hadā: kamnaibiš: asabāraibiš: a

42 muθa: ašiyava: Paišiyāuvādām: hacā: avadaša: kāram: āyasa

43 tā: hyāparam: āiš: patiš: Artavardiyam: hamaranam: cartana

44 iy: Parga: nāma: kaufa: avadā: hamaranam: akunava: Auramazdāma

45 iy: upastām: abara: vašnā: Auramazdāha: kāra: hya: manā: ava

46 m: kāram: tyam: Vahyazdātahya: aja: vasiy: Garmapadahya: māh

47 yā: V: raucabiš: θakatā: āha: avaθāšām: hamaranam: kartam: utā: ava

48 m: Vahyazdātam: agarbāya: utā: martiyā: tyaišaiy: fratam

49 ā: anušiya: āhata: agarbāya: θātiy: Dārayavauš: xš

50 āyaθiya: pasāva: adam: avam: Vahyazdātam: utā: martiyā:

51 tyaišaiy: fratamā: anušiyā: āhata: Uvādaicaya: nāma: var

52 danam: Pārsaiy: avadašiš: uzmayāpatiy: akunavam: θā

53 tiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: ima: tya: manā: kartam: Pārsaiy

54 θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: hauv: Vahyazdāta: hya: Bardiya

55 :agaubatā: hauv: kāram: frāišaya: Harauvatim: Vivāna:
56 nāma: Pārsa: manā: badaka: Harauvatiyā: xšaçapāvā: abiy: ava
57 m: utāšām: I martiyam: maθištam: akunauš: avaθāšām: a
58 θaha: paraitā: Vivānam: jatā: utā: avam: kāram: hya: Dāraya
59 vahauš: xšāyaθiyahyā: gaubataiy: pasāva: hauv: kāra: ašiya
60 va: tyam: Vahyazdāta: frāišaya: abiy: Vivānam: hamaranam: cartanaiy: K
61 āpišakāniš: nāmā: didā: avadā: hamaranam: akunava: Auramazdāmai
62 y: upastām: abara: vašnā: Auramazdāha: kāra: hya: manā: avam: kāram: tya
63 m: hamiçiyam: aja: vasiy: Anāmakahya: māhyā: XIII: raucabiš: θakatā: āha: a
64 vaθāšām: hamaranam: kartam: θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: patiy: h
65 yāparam: hamiçiyā: hagmatā: paraitā: patiš: Vivānam: hamaranam: cartana
66 iy: Gadutava: nāmā: dahyāuš: avadā: hamaranam: akunava: Auramazdāma
67 iy: upastām: abara: vašnā: Auramazdāha: kāra: hya: manā: avam: kāram: t
68 yam: hamiçiyam: aja: vasiy: Viyaxnahya: māhyā: VII: raucabiš: θakatā:
69 āha: avaθāšām: hamaranam: kartam: θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya:
70 pasāva: hauv: martiya: hya: avahyā: kārahyā: maθišta: āha: tyam: Va

71 hyazdāta: frāišaya: abiy: Vivānam: hauv: amuθa: hadā: kamnaib

72 iš: asabāraibiš: ašiyava: Aršādā: nāmā: didā: Harauvatiyā: a

73 vaparā: atiyāiš: pasāva: Vivāna: hadā: kārā: nipadiy: tyaiy: ašiya

74 va: avadāšim: agarbāya: utā: martiyā: tyaišaiy: fratamā: anušiyā:

75 āhatā: avāja: θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: pasāva: dahyāuš: ma

76 nā: abava: ima: tya: manā: kartam: Harauvatiyā: θātiy: Dārayavauš: xšā

77 yaθiya: yātā: adam: Pārsaiy: u(t)ā: Mādaiy: āham: patiy: duvitīyam:

78 Bābiruviyā: hamiçiyā: abava: hacāma: I martiya: Arxa: nāma: Armini

79 ya: Halditahya: puça: hauv: udapatatā: Bābirauv: Dubāla: nāmā: dahyā

80 uš: hacā: avadaša: hauv: kārahyā: avaθā: adurujiya: adam: Nabukud

81 racara: amiy: hya: Nabunaitahya: puça: pasāva: kāra: Bābiruviya: hacāma: ha

82 miçiya: abava: abiy: avam: Arxam: ašiyava: Bābirum: hauv: agarbāyat

83 ā: hauv: xšāyaθiya: abava: Bābirauv: θātiy: Dārayavauš: xšāyaθi

84 ya: pasāva: adam: kāram: frāišayam: Bābirum: Vidafarnā: nāma: Pārsa: manā

85 :badaka: avamšām: maθištam: akunavam: avaθāšām: aθaham: paraita: avam: kāram

86 :Bābiruviyam: jatā: hya: manā: naiy: gaubātaiy: pasāva: Vidafarnā: hadā: kār

87 ā: ašiyava: Bābirum: Auramazdāmaiy: upastām: abara: vašnā: Auramaz.

88 dāha: Vidafarnā: Bābiruviyā: aja: utā: bastā: anaya: Varkazanahya: māhyā: XXII: ra

89 ucabiš: θakatā: āha: avaθā: avam: Arxam: hya: Nabukdracara: duruxtam: a

90 gaubatā: utā: martiyā: tyaišaiy: fratamā: anušiyā: āhatā: agarb

91 āya: niyaštāyam: hauv: Arxa: utā: martiyā: tyaišaiy: fratamā: an

92 ušiyā: āhatā: Bābirauv: uz(ma) yāpatiy: akariyatā

یادداشت‌هایی بر DB III:

[8]θakatam KT. [11]hamiçiyā KT. [14]paraidiy KT. [16]Mārgavaibiš KT. [18]Āçiyādiyahya KT. [26]yadāyā Rl., KT, Cameron; not yaudādā nor yutiyā with Foy, nor Ma$^{n}$dāyā with Hz., ApI 244-9; but see Lex. s.v. [2]yadā-. [26]frataram Cameron, confirmed by the Elamite irpi, this does away with the fratarta of Rl. and KT. [47]V KT. [49]āhata Rl., KT; so also in 51; cf. §36.IVc. [53-4]Rl. lost a line here by haplography; corrected by KT. [55]agaubatā is engraved ag$^{a}$ur$^{a}$t$^{a}$a, KT. [66]g$^{a}$d$^{u}$ut$^{a}$v$^{a}$ Rl., KT, Wb. KIA; perhaps to be read g$^{a}$d$^{u}$um$^{a}$v$^{a}$, with Justi ZDMG 51.240, HK, Tm., cf. Elam. gán(!)-du-ma-qa (Wb. KIA 144, Cam. JCS 5.50, Kent JAOS 72.11.). [67]ar$^{a}$r$^{a}$ KT. [70]maθ[išta Rl. [71]am[uθa KT. [73]nipadiyam...iy Rl.; nipadiy: tyaiy WB; nipadi[y:] t[ya]iy KT. [77]utā is engraved ua, KT.

[80][k]ārahyā KT. [81]Nabunaitahya KT; cf. §36.IVb. [84]v$^{i}$d$^{a}$f$^{a}$r$^{a}$[n$^{a}$a KT, cf.86 and 88; v$^{i}$d$^{a}$f$^{a}$r$^{a}$a Rl. [84]Pā[rsa] KT, cf. 4.83; Māda Rl. [86]Rl.'s tyam at the beginning of the line is not there, acc. to KT. [86]Bābiruvi[ya]m KT.

[86][ga]ubātaiy KT; gaubătaiy Rl. [87]Rl.'s abiy between ašiyava and Bābirum is not on the Rock, acc. to KT. [88]v$^{i}$d$^{a}$[f$^{a}$r$^{a}$]n$^{a}$a KT; v$^{i}$d$^{a}$[f$^{a}$r$^{a}$]a Rl. [88]Bābiruvi[y]ā: aja KT; Bābirum: agarbāya Rl., WB. [88][agarbāya] WBn, HK; [bastā: anaya] or [anaya: abiy: mām]Tm. VS. [88]r...nahya WB, WBn; Margazānahyā HK; [Ma]r[gaja]nahya Wb. KIA, stating that the first character could be also va, the third k$^{a}$ or c$^{a}$, the fourth c$^{a}$ or z$^{a}$; [Varkazanahya] Kent (all after the Elamite and the traces of OP characters in Rl.'s squeezes). [88]XXII KT.

[88-92]Mostly as restored by WB and KT, with Cam.'s added readings. [89][duruxta]m Kent, to fill gap found by Cam. [90-1]tyaišai[y to niyaš]tāyam Wb., after KT's traces; but no space for Wb.'s pasāva after agarbāya, acc. to Cam. [92][u]z$^{a}$y$^{a}$ ap$^{a}$t$^{a}$iy$^{a}$ with m$^{a}$ omitted after z$^{a}$, and a blank space after y$^{a}$, Cam. [92]asariyatā KT; ākariya$^{n}$tām WB; akariya$^{n}$tā Bthl., WBn, confirmed by Cam. [92]At end of line there is blank space adequate for 5 signs, Cam.

. RI دارای اصلاحات قرائتی زیر است که در آنها نشانه‌های قابل رویت قطعی را ثبت کرده است، این نشانه‌ها در اینجا بوسیله حروف رومی نشان داده شده که برای .KT قابل رویت نبوده است:

[72]nipadiy; [74]utā; [78]Armini-; [79]dahyā-; [83]Dārayavauš: xšāyaθi-; [85]paraitā: avam; [87]upastam; [87]abara; [89]θakatā.

ترجمه DB III :

بند۳۶.۱ـ۹. داریوش شاه گوید: پس از آن من سپاه پارسی را از رگا بسوی ویشتاسب روانه کردم. هنگامیکه آن سپاه نزد ویشتاسب فرا رسید، سپس ویشتاسب آن سپاه را برای خود گرفت(۱۷) (و) رهسپار شد. شهری «پتی گربَنا» نام در پارت آنجا با شورشیان جنگ کرد. اهورامزدا مرا یاری رساند؛ بخواست اهورامزدا ویشتاسب آن سپاه نافرمان را بسیار نابود کرد؛ از ماه «گرمَ پَدَ» ۱ روز سپری شده بود که جنگ از سوی آنان درگرفت.

بند۳۷.۹ـ۱۰. داریوش شاه گوید: پس از آن کشور از آنِ من شد. این است آنچه که بوسیله

---

۱۷.یعنی: در رأس آن سپاه قرار گرفت.

من در پارت کرده شد.

بند۳۸. ۱۰-۱۹. داریوش شاه گوید: کشوری مرو نام، آن نسبت به من نافرمان شد. مردی «فرادَ» نام مروی، او را رئیس کردند. پس از آن من دادرشی نام پارسی، بندهٔ من، شهربان بلخ را بسوی او روانه کردم. اینگونه به او گفتم: «پیش رو آن سپاهی را که خود را از آنِ من نمی‌خواند نابود کن!». پس از آن دادرشی با سپاه رهسپار شد؛ با مرویان جنگ کرد. اهورامزدا مرا یاری رساند؛ بخواست اهورامزدا سپاه من آن سپاه شورشی را بسیار نابود کرد؛ از ماه «آثری یادیَ» ۲۳ روز سپری شده بود که جنگ از سوی آنان در گرفت.

بند۳۹. ۱۹-۲۱. داریوش شاه گوید: پس از آن کشور از آنِ من شد. این است آنچه که بوسیله من در بلخ کرده شد.

بند۴۰. ۲۱-۲۸. داریوش شاه گوید: مردی «وَهَیزدات» نام، شهری «تارَوا» نام، در سرزمینی «یأتیاَ» نام در پارس، آنجا ساکن بود. او دومین بار در پارس برخاست(۱۸). اینگونه به مردم گفت: «من بردیا پسر کوروش هستم». سپس سپاه پارسی در کاخ که قبلاً از «انشان» (آمده بود)، آن از من نافرمان شد، بسوی آن «وَهَیزدات» رفت. او در پارس شاه شد.

بند۴۱. ۲۸-۴۰. داریوش شاه گوید: پس از آن من سپاه پارسی و مادی را که تحت فرمان من بود روانه کردم. «اَرتَ وردیاَ» نام پارسی، بندهٔ من، او را رئیسشان کردم. بقیه سپاه پارسی بدنبال من به ماد روانه شد. پس از آن «ارتَ وردیاَ» با سپاهش به پارس رهسپار شد. هنگامیکه به پارس فرا رسید، شهری «رَخا» نام در پارس، آنجا آن «وهیزدات» که خود را بردیا می‌خواند، با سپاهش برای جنگ کردن با «ارت وردیاَ» آمد. پس از آن جنگ کردند. اهورامزدا مرا یاری رساند؛ بخواست اهورامزدا سپاه من آن سپاه «وهیزدات» را بسیار نابود کرد؛ از ماه «ثورَواهَر» ۱۲ روز سپری شده بود، آنگاه جنگ از سوی آنان در گرفت.

بند۴۲. ۴۰-۴۹. داریوش شاه گوید: سپس آن «وَهَیزداتَ» با سوارانی کم گریخت؛ رهسپار پاسارگاد شد. از آنجا سپاهی بدست آورد؛ بعد از آن آمد برای جنگ کردن با «ارتَ ودریاَ». کوهی «پَرگ» نام، آنجا جنگ کردند. اهورامزدا مرا یاری رساند؛ بخواست اهورامزدا سپاه من آن سپاه «وهیزدات» را بسیار نابود کرد؛ از ماه «گرمَ

---

۱۸.یعنی: او دومین کسی است که در پارس برخاست.

پَدَ» ۵ روز سپری شده بود آنگاه جنگ از سوی آنان در گرفت، و آن «وهَیزدات» را اسیر گرفتند و نیز مردانی را که از برجسته‌ترین پیروان او بودند، گرفتند.

بند۴۳.۴۹.۵۲-۵۲. داریوش شاه گوید: پس از آن من آن «وَهَیزدات» و مردانی را که برجسته‌ترین پیروان او بودند، شهری «اَوادَیی‌چَیاَ» نام در پارس، آنجا آنها را به صلاّبه کشیدم.

بند۴۴.۵۲.۵۲-۵۳. داریوش شاه گوید: این است آنچه که بوسیله من در پارس کرده شد.

بند۴۵.۵۴.۵۴-۶۴. داریوش شاه گوید: آن «وهَیزدات» که خود را بردیا می‌خواند، او سپاهی را به رخج روانه کرد، علیه ویوان نام پارسی، بندهٔ من، شهربان رخج، و مردی را رئیس آنان کرد. اینگونه به آنها گفت: «پیش روید، ویوان را نابود کنید، و نیز آن سپاهی را که خود را از آنِ داریوش شاه می‌خواند. سپس آن سپاهی که «وهیزدات» روانه کرده بود، برای جنگ کردن با ویوان رهسپار شد. دژی «کاپیشکانی» نام، آنجا جنگ کردند. اهورامزدا مرا یاری رساند، بخواست اهورامزدا سپاه من آن سپاه نافرمان را بسیار نابود کرد؛ از ماه «انامکَ» ۱۳ روز سپری شده بود، آنگاه جنگ از سوی ایشان در گرفت.

بند۴۶.۶۴.۶۴-۶۹. داریوش شاه گوید: پس از آن دوباره شورشیان گردهم آمدند (و) به جنگ کردن با «ویوان» فرا رسیدند. سرزمینی «گندوتَوَ» نام، آنجا جنگ کردند. اهورامزدا مرا یاری رساند؛ بخواست اهورامزدا سپاه من آن سپاه نافرمان را بسیار نابود کرد، از ماه «وی یَخنَ» ۷ روز سپری شده بود، آنگاه جنگ از سوی آنان در گرفت.

بند۴۷.۶۹.۶۹-۷۵. داریوش شاه گوید: پس از آن، آن مردی که رئیس آن سپاهی بود که «وهیزدات» آن را علیه «ویوان» روانه کرده بود، او با سوارانی کم گریخت (و) رفت. دژی «اَرشَدَ» نام، در رخج، از کنار آنجا برفت. پس آنگاه «ویوان» با سپاهش بدنبال آنها رفت؛ آنجا او را اسیر گرفت و مردانی را که برجسته‌ترین پیروان او بودند (آنها را) کشت.

بند۴۸.۷۵.۷۵-۷۶. داریوش شاه گوید:سپس کشور از آنِ من شد. این است آنچه در رخج بوسیله من کرده شد.

بند۴۹.۷۶.۷۶-۸۳. داریوش شاه گوید:هنگامیکه من در پارس و ماد بودم، باز دوباره بابلیان نسبت به من نافرمان شدند. مردی «اَرخَ» نام ارمنی، پسر «هلدیتَ»، او در بابل برخاست. سرزمینی «دوبالَ» نام، از آنجا به مردم اینگونه دروغ گفت: «من

نبوکدرچَر» پسر نبونید هستم. سپس مردم بابل نسبت به من نافرمان شدند (و) بسوی آن «اَرخَ» رفتند. او بابل را گرفت؛ او در بابل شاه شد.

بند ۵۰.۸۳-۹۲. داریوش شاه گوید: پس از آن من سپاهی را به بابل روانه کردم. «ویندفرن» نام پارسی، بندهٔ من، او را رئیس آنها کردم. اینگونه به آنان گفتم: «پیش روید، آن سپاه بابلی را که خود را از آنِ من نمی‌خواند نابود کنید!». پس از آن «ویندفرن» با سپاه به بابل رهسپار شد. اهورامزدا مرا یاری رساند؛ بخواست اهورامزدا، «ویندفرن» بابلیان را نابود کرد و بسته آورد. از ماه «ورکَ زنَ» ۲۲ روز سپری شده بود، آنگاه آن ارخَ راکه خود را به دروغ «نبوکدرچَر» می‌خواند و مردانی را که برجسته‌ترین پیروان او بودند، اسیر گرفت. من فرمان دادم آن «ارخَ» و مردانی راکه برجسته‌ترین پیروان او بودند، در بابل به صلابه کشیدند.

## داریوش / بهستان = DB
## متن DB ستون IV :

1: θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: ima: t

2 ya: manā: kartam: Bābirauv: θātiy: D

3 ārayavauš: xšāyaθiya; ima: tya: adam: akuna

4 vam: vašnā: Auramazdāha: hamahyāyā: θar

5 da: pasāva: yaθā: xšāyaθiya: abavam: XIX: hamaran

6 ā: akunavam: vašnā: Auramazdāha: adamšiš: a

7 janam: utā: IX: xšāyaθiyā: agarbāyam: I Gaumāta:

8 nāma: maguš: āha: hauv: adurujiya: avaθā: aθaha: adam:

9 Bardiya: amiy: hya: Kūrauš: puça: hauv: Pārsam: ha

10 miçiyam: akunauš: I Āçina: nāma: Ūvjiya: hauv: adu

11 rujiya: avaθā: aθaha: adam: xšāyaθiya: amiy: Ūvjaiy

12: hauv: Ūvjam: hamiçiyam: akunauš: manā: I Naditabaira: n

13 āma: Bābiruviya: hauv: adurujiya: avaθā: aθaha:

14 adam: Nabukudracara: amiy: hya: Nabunaitahya: puça:

15 hauv: Bābirum: hamiçiyam: akunauš: I Martiya: nā

16 ma: Pārsa: hauv: adurujiya: avaθā: aθaha: adam: Imani

17 š: amiy: Ūvjaiy: xšāyaθiya: hauv: Ūvjam: hamiçiya

18 m: akunauš: I Fravartiš: nāma: Māda: hauv: adurujiya

19:avaθā: aθaha: adam: Xšaθrita: amiy: Uvaxštrahya: taumāv

20 ā: hauv: Mādam: hamiçiyam: akunauš: I Ciçataxma: nāma: Asa

21 gartiya: hauv: adurujiya: avaθā: aθaha: adam: xšāyaθ

22 iya: amiy: Asagartaiy: Uvaxštrahya: taumāyā: hauv

23 :Asagartam: hamiçiyam: akunauš: I Frāda: nāma:

24 Mārgava: hauv: adurujiya: avaθā: aθaha: adam:

25 xšāyaθiya: amiy: Margauv: hauv: Margum: hamiçi

26 yam: akunauš: I Vahyazdāta: nāma: Pārsa: hauv: a

27 durujiya: avaθā: aθaha: adam: Bardiya: amiy: hya: Kū

28 rauš: puça: hauv: Pārsam: hamiyçiyam: akunauš: I Ar

29 xa: nāma: Arminiya: hauv: adurujiya: avaθā: aθaha: adam: Nab

30 ukudracara: amiy: hya: Nabunaitahya: puça: hauv: Bābirum: ham

31 içiyam: akunauš: θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: imaiy:

32 IX: xšāyaθiyā: adam: agarbāyam: atar: imā: hamaranā

33 :θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: dahyāva: imā: tyā: hamiçiy

34 ā: abava: drauga: diš: hamiçiyā: akunauš: tya: imaiy: kāram: adur

35 ujiyaša: pasāva: diš: Auramazdā: manā: dastayā: akunauš: yaθā: mām: k

36 āma: avaθā: diš: akunavam: θātiy: Dārayavauš: xšāyaθi

37 ya: tuvam: kā: xšāyaθiya: hya: aparam: āhy: hacā: draugā: daršam:

38 patipayauvā: martiya: hya: draujana: ahatiy: avam: ufraštam: parsā: ya

39 diy: avaθā: maniyāhaiy: dahyāušmaiy: duruvā: ahati

40 y: θātiy: Dārayavauš: xsāyaθiya: ima: tya: adam: akunavam:

41 vašnā: Auramazdāha: hamahyāyā: θarda: akunavam: tuvam: kā: hya

42 :aparam: imām: dipim: patiparsāhy: tya: manā: kartam: varnavatām

43 :θuvām: mātya: draugam: maniyāhay: θātiy: Dārayavauš: xšā

44 yaθiya: Auramazdāha: ragam: vartaiyaiy: yaθā: ima: hašiyam: naiy: duru

45 xtam: adam: akunavam: hamahyāyā: θarda: θātiy: Dārayavauš: xšāya

46 θiya: vašnā: Auramazdāha: utāmaiy: aniyašciy: vasiy: astiy: karta

47 m: ava: ahyāyā: dipiyā: naiy: nipištam: avahyarādiy: naiy: n

48 ipištam: mātya: hya: aparam: imām: dipim: patiparsātiy: avah

49 yā: paruv: θadayātaiy: tya: manā: kartam: naišim: ima: varnavātaiy: d

50 uruxtam: maniyātaiy: θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: tyaiy

51 :paruvā: xšāyaθiyā: yātā: āha: avaišām: avā: naiy: astiy: kar

52 tam: yaθā: manā: vašnā: Auramazdāha: hamahyāyā: θarda: kartam: θā

53 tiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: nūram: θuvām: varnavatām: tya: man

54 ā: kartam: avaθā: kārahyā: rādiy: mā: apagaudaya: yadiy: imām:

55 hadugām: naiy: apagaudayāhy: kārahyā: θāhy: Auramazdā: θuvām:

56 dauštā: biyā: utātaiy: taumā: vasiy: biyā: utā: dargam: jivā

57 :θātiy :Dārayavauš: xšāyaθiya: yadiy: imām: hadugām: apagaudayā

58 hy: naiy: θāhy: kārahyā: Auramazdātay: jatā: biyā: utātaiy: taum

59 ā: mā: biya: θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: ima: tya: adam: akunavam:

60 hamahyāyā: θarda: vašnā: Auramazdāha: akunavam: Auramazdāmaiy: upas

61 tām: abara: utā: aniyāha: bagāha: tyaiy: hatiy: θātiy: Dārayavau

62 š: xšāyaθiya: avahyarādiy: Auramazdā: upastām: abara: utā: ani

63 yāha: bagāha: tyaiy: hatiy: yaθā: naiy: arika: āham: naiy: draujana: āham: na

64 iy: zūrakara: āham: naiy: adam: naimaiy: taumā: upariy: arštām: upariy

65 āyam: naiy: škaurim: naiy: tunuvatam: zūra: akunavam: martiya: hya: hamata

66 xšatā: manā: v[i] θiyā: avam: ubartam: abaram: hya: viyanāθaya: avam: ufrasta

67 m:aparsam: θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: tuvam: kā: xšāyaθiya:

68 hya: aparam: āhy: martiya: hya: draujana: ahatiy: hyavā: zūrakara: ahat

69 iy: avaiy: mā: dauštā: biyā: ufraštādiy: parsā: θātiy: Dāra

70 yavauš: xšāyaθiya: tuvam: kā: hya: aparam: imām: dipim: vaināhy: ty

71 ām: adam: niyapaišam: imaivā: patikarā: mātya: vikanāhy:

yāvā: u

72 tava: āhy: avaθāšatā: paribarā: θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: ya

73 diy: imām: dipim: vaināhy: imaivā: patikarā: naiydiš: vikanāhy: utā

74 taiy: yāvā: taumā: ahatiy: paribarāh[a]diš: Auramazdā: θuvām: dauštā:biy

75 ā: utātaiy: taumā: vasiy: biyā: utā: dargam: jivā: utā: tya: kunavāhy

76 :avataiy: Auramazdā: ucāram: kunautuv: θātiy: Dārayavauš: xšā

77 yaθiya: yadiy: imām: dipim: imaivā: patikarā: vaināhy: vikanāh[a]diš: ut

78 ātaiy: yāvā: taumā: ahatiy: naiydiš: paribarāhy: Auramazdātaiy: jatā: b

79 iyā: utātaiy: taumā: mā: biyā: utā: tya: kunavāhy: avataiy: Auramazd

80 ā: nikatuv: θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: imaiy: martiyā: tyaiy

81 :adakaiy: avadā: āhatā: yātā: adam: Gaumātam: tyam: magum: avājanam:

82 hya: Bardiya: agaubatā: adakaiy: imaiy: martiyā: hamataxšatā: anušiyā: man

83 ā: Vidafarnā: nāma: Vāyaspārahyā: puça: Pārsa: Utāna: nāma: Θuxrahyā

84 :puça: Pārsa: Gaubaruva: nāma: Marduniyahyā: puça: Pārsa: Vidarna: nāma: Ba

85 gābignahyā: puça: Pārsa: Bagabuxša: nāma: Dātuvahyahyā: puça: Pārsa:

86 Ardumaniš: nāma: Vahaukahyā: puça: Pārsa: θātiy: Dārayavauš: xšāyaθ

87 iya: tuvam:kā: xšāyaθiya: hya: aparam: āhy: tyām: imaišām: martiyānā

88 m: taumām: uba(r)tām: paribarā: θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: vašnā: Au

89 ramazdāha: i(ya)m :dipimaiy: ty(ām): adam: akunavam: patišam: ariyā: āha: utā: pavast

90 āyā: utā: carmā: graθitā: āha: patišamaiy: patikaram: akunavam: patišam: uvadā

91 m: akunavam: utā: niyapiθiya: utā: patiyafrasiya: paišiyā: mām: pasāva: i(mā)m: d

92 ipim: adam: frāstāyam: vispadā: atar: dahyāva: kāra: hamātaxšatā

## یادداشت‌های بر DB IV :

[4] Aura[mazd]āha WBn, for Rl's Au[ramazdāha: ā]ha, KT's Aura[mazdāha:]āha. [5]Correctly read by WB from Rl.'s squeezes (against Rl.'s wrong readings), as well as by KT. [6-7]adamšim KT is correctly adamšiš, with a blank space betwenn š[a]and the following i, Cam., see §258.III and Lex. s.v. ša-; the suggestion has been made that the clauses have been shifted in order, the original being adam: IX: xšāyaθiyā: agarbāyam: utāšim: ajanam, but uncompounded jan- means only 'defeat (the foe),' not 'put (individuals) to death' (JAOS 35.349-50). [9]amiy Rl., KT: with blank unengraved space on each side of the a,acc. to KT. [12][ma]nā[: I KT; manā: [I Cameron. [26]A blank space of one character at the beginning of the line, KT.

[36]A blank space of one character between the divider and the following di[š, KT. [36][akunavam]WB, KT; but KT state that the traces of the last letter are possibly those of š[a], which leads to a restored akunauš (so also Rl.), of

which Auramazdā would have to be the implied aubject (cf. Oppet's restoration, IdA 150). It is more probable that the phrase is here as in DB 5.17, 29,33, and that akunavam is correct. [37]ah$^a$y$^a$ Rl., KT; first correctly normalized āhy by Tm. VS 1.30. So also 4.68,72,87. [38]ufraštam KT. [39]man[iyāhy] Opp. IdA, etc., KT; man[iyāhay]Tm. after DPe 20; man[iyāhaiy] Kent, since there is no reason to assume here the defective writing of DPe.

[43]]iy$^a$ah$^a$y$^a$ Rl.; [duruj]iyāhy Spiegel, KT; [duruxtam: man] iyāhy WB; [duru]jiyāhy WBn, [drau]jīyāhy Bthl. AiW 769, after Rl. JRAS 12.vi; correctly dra[uga]m: maniyāhay, Cam. [44]Auramaz[dā...] Rl.; Auramazd[iya:]taiyiya WB, from Rl.'s squeezes; Auramazd[ā...]rtaiyiya with room for 4 or 5 characters in the gap, KT; various restorations and interpretations, Bthl. WZKM 22.69, Tm. VS 1.30, Lex.122 (with lit.), HK 1.28, 1.61 (with lit.), 2.26, Wb. KIA 62-3n, Kent JAOS 63.67-8; all supplanted now by Cameron's reading, aur$^a$m$^a$zad$^a$ah$^a$d$^u$g$^a$m$^a$: [v$^a$]r$^a$t$^a$iy$^a$iy$^a$ (part of v$^a$ legible), which must be reinterpreted to Auramazdāha: ragam: vartaiyaiy (gen-dat. of goal, §250.I; and see Lex. s.vv. raga-, vart-).[46]tya]maiy Rl.; api]maiy WB, ap]imaiy KT; **A** ut]āmaiy Bthl. AiW 83, Gray AJP 30.457; utāmaiy (all characters visible)Cameron. [49]θā[...Rl.; θada[yātiy WB; θā[dutiy, with traces of the third character still visible, KT; θa$^n$da[yātaiy HK 1.28; θada[yā$^h$ Bthl. AiW 1559; θadayā legible, Cameron. The second character was d$^a$ rather than KT's a, Jn.; and KT's traces of the third character fit y$^a$ as well as they do d$^u$. Elsewhere (except in DNa 58)forms of this verb are all middle, and as the subjunctive always has primary endings in Op (§222), the restoration is θadayā[taiy], the necessary space being the same as for KT's restoration.

[51]avā Rl., KT; reading assured, but apparently an omission in the engraving (av$^a$a for av$^a$θ$^a$a), Mt. Gr. 59. [52]kartam KT. [53]No gap between xšāyaθiya and nūram, Jn., KT.[54] sā[...]d$^a$[...]ādiy with vertical hasta at end of last gap, KT; kā[rahyā: θ]ā[hy: avahya]rādiy Tm. (after Rl.'s [avah]yarādiy), but this is too long; Cameron's kārahya[:]rādiy, with rā of rādiy slightly doubtful, is

to be accepted, though Cameron finds in Elam. 3.74 'to the people tell (it)'for this phrase. [55]hadugām WB, KT, for Rl.'s incorrect dipim.

[64]arštām Foy KZ 35.45 (conj.), Jn., KT, for Rl.'s incorrect abištām. [64-5]Definitive reading by Cameron, upariy [ā]ya]m [:] naiy: šakaurim: naiy: t[u]nuvatam, confirming upariy[āyam] of WB, HK, Wb. KIA; šakaurim WB, Jn., šakauri[m]KT, Tm., Wb. KIA (read rather škaurim, see Lex. s.v. skauθi-); [naiy] Spiegel;...uvata Rl.,] nuvatam Jn.,t[u]nuvatam kT. [65]zuku Rl., zūra Rl. later. [65]hya WB (from Rl.'s squeezes), Jn.; omitted by KT. [66]$v^i\theta^a ib^a$...Rl.; v[i]θiyā WB, Jn.; $v^i\theta$i[yā KT. [66]viyanā[sa]ya WB, KT, HK, Tm., Wb. KIA; correctly viyanā[θa]ya Foy KZ 35.46. [66]avam: ufrasta- WB; wrongly ava: ufrasta- KT. [68][zū]rakara: + +: KT, with possibly traces of two characters in the gap; but Cameron finds [zū]rakara: ahat- with only a gap for one character, perhaps miswritten and erased, after the divider. [69]dauštā WB, KT.[69]...ā KT; biy]ā WBn, HK, Tm. [69]atifraštādiy Rl.; ahifraštādiy WB, Jn.; ufraštādiy KT.

[71]visanāhy Rl., KT; vikanāhy WB, Jn., Cameron; similarly 4.73,4.77. [71-2]$d^a$-|$t^a s^a$ with $d^a$ and $s^a$ uncertain, KT; utava HK; Cameron is dubious about utava, and notes that 71 ends with a divider and $d^a$, which if combined make u, but if so there is no divdider (i.e., haplography of two angle-signs). [72]avaθašta KT; avaθašatā Kent JAOS 62.272-3, see Lex. s.v. [72]pari[ba]rā KT, cf. 4.74. [72-3]y- | [av]ā Rl.; ya-|diy WB; ya-| [diy] KT.[73-4]utā-|taiy Kt. [74]paribarāh$^a$diš KT. [76][ava]taiy: aparam Rl.; avataiy WB, Jn., KT (there is no aparam). [76]++++m with traces of the lost characters, KT; ucāram after DSI 5,Bv. BSLP 30.1.65-6. [76]$d^a n^a ut^u uv^a$ Rl.; kunautuv WB, KT.[77-8]ut-|ātaiy KT.[78]paribarāhy KT.

[80-6]On the Helpers of Darius, see hist. App. III.[83]Utāna: nāma WB; U]tā[na:n]āma, though. the middle gap is hardly adequate for two characters and a divider, KT; perhaps the divider was not engraved because it followed an identical stroke as final part of $n^a$. [85]Dāduhyahyā WB; [Dādu]hyahyā KT; [Dātu]hyahyā WBn; [Datu]hyahyā or [Daduva]hyahyā Wb.KIA; Dāt[u]vahyahyā

Cameron, with tᵘ not absolutely certain and vᵃ damaged but sure. [87-8]tyām: imaišām:martiyā: u| ++: imām:...ā+: par[ibar]ā KT; martiyānā:|m: taumām: [ubart]ām WBn, after KT's traces; [u+]tām, space requiring omission of bᵃ or rᵃ in gap, Cam.

[89-92]For restorations, see Wb. KIA 70-2; König, Klotho 4.42-9; Kent, JAOS 62.266-9; Cam.'s new readings, JCS 5.52; Kent, JCS 5.55-6, JAOS 72.11-2; Hinz, ZDMG 102.28-38, closely following the Elam. Our text follows Cam. (a few useful readings in KT also), and accepts Hinz's [u]vādā[m through patiyafrasiya in 90-1. OP lacks Elam. 'which formerly was not,' after 'in Aryan'; correspondence of OP pavastāyā with Elam. halat 'unburnt brick 'is explained by Bv. BSLP 47.1.41-9.

.RI دارای اصلاحات قرائتی زیر است که در آنها نشانه‌های قابل رویت قطعی را ثبت کرده است، این نشانه‌ها در اینجا بوسیله حروف رومی نشان داده شده که برای .KT قابل رویت نبوده است:

[1]Dā]rayava[uš; [3]xšā[yaθiya; [12]ham[içiyam; [12]manā: I Naditabaira; [22]Asagar[taiy; [24]adu]rujiya; [31]θā]tiy; [37]hya; [41]ha]-mahyāyā; [63]arika; [73]dipim; [75]taumā; [80]Dārayavauš; [82]agaubatā; [82]ada[ka]iy; [83]nāma (prior occurrence);[83]Pārsa; [83]Θux]rahyā; [84]Gau[baruva.

.WB، از قرائت .Wb از آثار ملخص .RI، موارد زیر را نیز با حروف رومی می‌افزاید که نه برای .KT و نه برای .RI قابل رویت نبوده است:

[11]aθaha: adam; [38]draujana; [55]apagaudayāhy; [71]niyapaišam: imaivā; [74]ahatiy; [78]taumā: ahatiy: naiydiš; [81]āhatā; [83]Vāyaspārahyā; [84]puça: Pārsa: Gaubaruva; [84]puça: Pārsa: Vidarna; [85]gābignahyā: puça; [85]Bagabuxša; [36]Ardumaniš: nāma: Vahaukahyā: puça;[87] kā: xšāyaθiya.

ترجمه DB IV :

بند۱.۵۱-۲. داریوش شاه گوید: این است آنچه که بوسیله من در بابل کرده شد.

بند۲.۵۲-۳۱. داریوش شاه گوید: این است آنچه که من بخواست اهورامزدا، در همان یک سال پس از آنکه شاه شدم، کردم. ۱۹ جنگ کردم؛ بخواست اهورامزدا من آنها

را نابود کردم و ۹ شاه را گرفتم. یکی مغی بود بنام گئوماتا؛ او دروغ گفت؛ چنین گفت: «من بردیا هستم، پسر کوروش»؛ او پارس را نافرمان کرد. یکی «آثرین» نام عیلامی؛ او دروغ گفت؛ چنین گفت: «من در عیلام شاه هستم»؛ او عیلام را نسبت به من نافرمان کرد. یکی «ندیت بئیرَ» نام بابلی؛ او دروغ گفت؛ چنین گفت: «من نبوکدرچَرَ هستم، پسر نبونید»؛ او بابل را نافرمان کرد. یکی «مَرتیاَ» نام پارسی؛ او دروغ گفت؛ چنین گفت: «من ایمَنیش هستم، شاه در عیلام»؛ او عیلام را نافرمان کرد. یکی فرورتیش نام مادی؛ او دروغ گفت؛ چنین گفت: «من خشثریت هستم از دودمان هوخشَتَر»؛ او ماد را نافرمان کرد. یکی «چیژَن تَخَم» نام اَسَگرتی؛ او دروغ گفت؛ چنین گفت: «من در اَسَگرتیا شاه هستم، از دودمان هوخشَتَر»؛ او اَسَگرتیا را نافرمان کرد. یکی «فرادَ» نام مروی؛ او دروغ گفت؛ چنین گفت: «من در مرو شاه هستم»؛ او مرو را نافرمان کرد. یکی «وهیزدات» نام پارسی؛ او دروغ گفت؛ چنین گفت: «من بردیا هستم، پسر کوروش»؛ او پارس را نافرمان کرد. یکی «ارخَ» نام ارمنی؛ او دروغ گفت؛ چنین گفت: «من نبوکدرچَرَ هستم، پسر نبونید»؛ او بابل را نافرمان کرد.

بند۵۳. ۳۱-۳۲. داریوش شاه گوید: این ۹ شاه را من در این جنگ‌ها اسیر گرفتم.

بند۵۴. ۳۳-۳۶. داریوش شاه گوید: این است کشورهایی که نافرمان شدند. دروغ آنان را نافرمان کرد. از این روی این (مردان) نیز مردم را فریب دادند. پس از آن اهورامزدا آنان را در دست من قرار داد؛ آنگونه که مرا کام بود، با آنان همانگونه کردم.

بند۵۵. ۳۶-۴۰. داریوش شاه گوید: تو که از این پس شاه خواهی شد، خود را از دروغ بشدت بپای؛ مردی که دروغزن باشد، او را خوب مجازات کن اگر اینگونه بیاندیشی: «کشور من در امان باشد».

بند۵۶. ۴۰-۴۳. داریوش شاه گوید: این است آنچه که من کردم؛ بخواست اهورامزدا، (آن را) در همان یک سال کردم. تو که از این پس این کتیبه را بخوانی ، کردهٔ من ترا باور شود، مبادا آن را دروغ بپنداری.

بند۵۷. ۴۳-۴۵. داریوش شاه گوید: خود را سریعاً متوجه اهورامزدا می‌سازم، که این حقیقت (است) نه دروغ. (آنچه که) من در همان یک سال کردم[۱۹]

بند۵۸. ۴۵-۵۰. داریوش شاه گوید: بخواست اهورامزدا و من بسیار کارهای دیگر نیز کرده

---

۱۹. یعنی: به اهورامزدا سوگند می‌خورم که آنچه من در همان یک سال کردم حقیقت است نه دروغ.

شده است؛ که در این کتیبه نوشته نشده است، از این روی نوشته نشد که مبادا آن کس که از این پس این کتیبه را بخواند، برای او بسیار زیاد بنظر آید آنچه بوسیله من کرده شده است، (و) او را باور نشود، (بلکه) آن را دروغ بپندارد.

بند ۵۹. ۵۰-۵۲. داریوش شاه گوید: آنانکه پیش از این شاه بودند، تا هنگامیکه زنده بودند، آنان را چنین کرده‌ای نیست که بخواست اهورامزدا در همان یک سال بوسیله من کرده شد.

بند ۶۰. ۵۲-۵۶. داریوش شاه گوید: اکنون که تو را باور شود آنچه بوسیله من کرده شد، بهمین گونه به مردم منتقل کن، آن را پنهان مکن: اگر این سند را پنهان نکنی، (بلکه) به مردم بگویی، اهورامزدا تو رادوست باد و دودمان تو بسیار شود و دیر زیوی.

بند ۶۱. ۵۷-۵۹. داریوش شاه گوید: اگر این سند را پنهان کنی، (و) به مردم نگویی، اهورامزدا تو را دشمن باد و تو را دودمان نباشد.

بند ۶۲. ۵۹-۶۱. داریوش شاه گوید: این است آنچه من کردم؛ بخواست اهورامزدا در همان یک سال کردم؛ اهورامزدا مرا یاری رساند و نیز بغان دیگری که هستند.

بند ۶۳. ۶۱-۶۷. داریوش شاه گوید: از این سبب اهورامزدا مرا یاری رساند و نیز بغان دیگر که هستند، که من متجاوز نبودم، دروغزن نبودم، زشتی ورز نبودم نه من، نه دودمانم. بنابرحق رفتار کردم. نه برضعیف نه بر توانا زور نورزیدم. مردی را که با خانواده من همراهی کرد، او را نیک پاداش دادم، نیز او را که ضرر رساند، او را سخت مجازات کردم.

بند ۶۴. ۶۷-۶۹. داریوش شاه گوید: تو که از این پس شاه خواهی شد، مردی را که دروغزن باشد یا آنکه زشتی ورز باشد، دوست آنان مباش، (بلکه) آنان را سخت مجازات کن.

بند ۶۵. ۶۹-۷۲. داریوش شاه گوید: تو که از این پس این کتیبه را که من نوشته‌ام، یا این پیکره‌ها را، ببینی، مبادا آنها را تباه سازی (بلکه) تا زمانیکه توانا هستی آنها را بهمان صورت نگهدار.

بند ۶۶. ۷۲-۷۶. داریوش شاه گوید: اگر این کتیبه یا این پیکره‌ها را ببینی (و) آنها را تباه نسازی و تا زمانیکه توانا هستی آنها را نگهداری، اهورامزدا تو را دوست باد، و دودمان تو بسیار باد و دیر زیوی و آنچه بکنی، اهورامزدا آنرا برای تو با فایده کند.

بند ۶۷. ۷۶-۸۰. داریوش شاه گوید: اگر این کتیبه یا این پیکره‌ها را ببینی (و) آنها را تباه سازی و تا زمانیکه توانا هستی آنها را نگهداری نکنی، اهورامزدا دشمن تو باد و تو را دودمان نباشد و آنچه بکنی اهورامزدا آنرا برای تو به کلی بر اندازد.

بند ۶۸. ۸۰-۸۶. داریوش شاه گوید: این‌ها هستند مردانی که چون من گئوماتای مغ را که خود

را بردیا می‌خواند کشتم، آنجا بودند؛ در آن هنگام این مردان بعنوان پیروان من، همکاری کردند: «ویندفرنَ» نام،پسر «وایَسپار» پارسی؛ «اوتان» نام پسر سوخرای پارسی: «گَئوُبَرْوْ»نام پسر مردونیهٔ پارسی؛ «ویدرن» نام پسر «بَگابیگن» پارسی؛ «بَگابوخش» نام، پسر «داتووهیا» پارسی؛ «اردومنیش» نام،پسر «وهَاُوک» پارسی.

بند۶۹. ۸۶-۸۸. داریوش شاه گوید:تو که از این پس شاه خواهی شد، دودمان این مردان را نیک نگهداری کن.

بند۷۰. ۸۸-۹۲. داریوش شاه گوید:بخواست اهورامزدا این است کتیبه‌ای که من بر ساختم. علاوه بر این به آریایی بود، و در روی الواح گلین و روی چرم تصنیف شده بود. علاوه براین پیکره‌ام را نیز بر ساختم. علاوه براین نسب نامه‌ام را نیز بر ساختم. و آن نوشته شد و خوانده شد پیش من. پس از آن من این کتیبه را در همه ایالت فرستادم. مردم همکاری کردند.

## داریوش / بهستان =DB
## متن DB ستون V:

1.θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya:

2 ima: tya: adam: akunavam: duvitīyā

3 mca: çitāmcā: θardam: pasāva: yaθā: xšāya

4 θiya: abavam: Ūvja: nāmā: dahyāuš: hau

5 v: hamiçiyā: abava: I martiya: Atamaita: nāma: Ū

6 vjiya: avam: maθištam: akunavatā: pasāva: ada

7 m: kāram: fraišayam: I martiya: Gaubaruva:

8 nāma: Pārsa: manā: badaka: avamšām: maθištam: aku

9 navam: pasāva: Gaubaruva: hadā: kārā: ašiyava:

10 Ūvjam: hamaranam: akunauš: hadā: Ūvjiyaibiš: pas

11 āva: Gaubaruva: Ūvjiyā: avāja: utā: viyamarda:

12 utā: tyamšām: maθištam: agarbāya: anaya: abi

13 y: mām: utāšim: adam: avājanam: pasāva: dahyā

14 uš: manā: abava: θātiy: Dārayavauš: xšāyaθi

15 ya: avaiy: Ūvjiyā: arikā: āha: utāšām: Aurama
16 zdā: naiy: ayadiya: Auramazdām: ayadaiy: vašnā: A
17 uramazdāha: yaθā: mām: kāma: avaθādiš: akunavam
18: θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: hya: Auramazdā
19 m: yadātaiy: yānam: avahyā: ahatiy: utā: jīvah
20 yā: utā: martahyā: θātiy: Dārayavauš: xš
21 āyaθiya: pasāva: hadā: kārā: adam: ašiyavam: abiy: Sak
22 ām: pasā: Sakā: tyaiy: xaudām: tigrām: barati
23 y: imaiy: Sakā: hacāma: āiša: yadiy: abiy: draya: a
24 vārasam: parašim: avadā: hadā: kārā: visā: viyatara
25 yam: pasāva: adam: Sakā: vasiy: ajanam: aniyam: aga
26 rbāyam: hauv: basta: anayatā: abiy: mām: ut
27 āšim: avājanam: maθištašām: Skuxa: nāma: avam: aga
28 rbāya: utā: anaya: abiy: mām: avadā: aniyam: maθ
29 ištam: akunavam: yaθā: mām: kāma: āha: pasāva: da
30 hyāuš: manā: abava: θātiy: Dārayavauš: xšāya
31 θiya: avaiy: Sakā: arikā: āha: utā: naiy: Auramazd
32 āšām: ayadiya: Auramazdām: ayadaiy: vašnā: Aurama
33 zdāha: yaθā: mām: kāma: avaθādiš: akunavam: θāt
34 iy: Dārayavauš: xšāyaθiya: hya: Auramazdām: yadāta
35 iy: avahyā: yānam: ahatiy: utā: jīvahyā: utā
36: martahyā

یادداشت‌هایی بر DB V :

متن در موارد متعدد به صورت بدی هوازده و یا به کلی از میان رفته است؛ در مورد ۳۵ فاصله موجود نشانه‌ای وجود ندارد. بحث انتقادی در:

JNES 2.105-44, 3.232-3, cf. also Wb. ZfA 46.52-82, Hinz ZDMG 96.331-43, Eilers JNES 7.106-10; now superseded by Cam.'s readings, JCS 5.52-4, also Kent JCS 5.56-7, JAOS 72.15-8.

متن ما در بردارنده قرائت‌های کامرون است (در حدود ۱۳۵ نشانه که قبلاً قرائت نشده بود) همراه با بازسازی‌های جدید بوسیله کنت.

حروف رومی در زیر، قرائت‌های قدیمی‌تری را نشان می‌دهد که برای .RI یا .KT قابل رویت و برای .Cam غیر قابل رویت بوده است (اما بازسازهای ارائه شده در اینجا معمولاً پس از .RI و .KT انجام گرفته است):

[2]akunava[m Rl. [3]xšāya, [4]hau Rl., KT. [5]Ū Rl., KT. [6]vjiya, a[kunava]Rl.; ada Rl., KT. [7]mart]iya Rl. [8]: P[ārsa, :a[vamšām Rl. [9]pa[sāva Rl., KT. [11]Ga[ubar]uva, [13]ada[m, pasāva, [15]:[arikā, utā[š]ām KT. [17]uramaz[dā]ha Rl. [19]jīvah Rl., KT. [20]martah]yā KT. [20]xš Rl., KT. [22]tyaiy: xaudā]m, [24]avad]ā: ha[dā, [25]Sak[ā KT. [25]aniyam Rl., KT. [26]:abiy Rl. [27]āš[im KT. [27]Sk]uxa Rl., S[ku]xa KT. [28]:avadā, [29]ya[θā, [31]Sa[k]ā, [32]m]ām, [36]ma[rtahyā] KT.

موارد زیر بازسازی‌های اخیر و نیز آنهایی را که قدیم‌تر بوده‌اند و در کار .KT نیامداند، در بر می‌گیرد، این بازسازی‌ها برای متن بالا اساسی هستند:

[2]duvitīyā Cam. [3]ç[itāmcā] Kent. [4]]mamaita kT, [A]tamaita Hüsing. [7][I] Rl. [11][Ūvjiyā] WBn. [11]daiy: marda KT, viya: marda Wb. ZfA 46.55; no divider Cam. [12][tyāmšām] WBn. [15]a[vā Hinz, a[vaiy Kent; [arikā: āha] Hinz. [16]A[uramazdām] Wb. KIA. [19]ya[dātaiy Tm. VS; ši]yāt[iš: avahyā] Eilers, yā[nam: avahyā] Kent. [20][utā] Foy; martah]yā Hinz; no space for word between martahyā and θātiy (sic!), Cam. [21][pasāva: had]ā: k[ārā Kent. [22]pas[ā]va[... Cam., pas[ā]: Sa[kā Kent; [tyaiy: xauda]m Oppert. [22-3]barata-y Rl., KT; barati-y (sic) Cam. [23]i...iš$^a$...iy$^a$, with gaps of about 15 and 3 spaces, Cam.; i[maiy: Sakā: hacāma: ā]iša [: yad]iy Kent. [23-4]avā[rasam: avad]ā: ha[dā: kār]ā Hinz; after first word Cam. found more space and read + r$^a$x$^a$ + a[, emended by Kent to pa]raši[m:]a[vadā. [24]pisā Rl, KT; visā (sic!) Cam. [25]Sak[ā] Tm. Lex.; [pasāva: adam:] Sak[ā: vasiy:] Hinz. [26][hauv] Kent apud Hinz. [27]maθ]išta[mšām Hinz, maθ]išta[šām Kent. [28]utā: āna]ya[: abiy: mām Hinz, quoting Wb. [29]ya[θā: mām: k]āma WBn, after Oppert. [31][avaiy] Kent; [arikā: āha: u]tā Hinz. [32]ā[šām] Kent; [ayad]i[ya] Hinz; A]ura[mazdām: a]yadaiy Tm. Lex. [34][hya] Foy,

after Oppert. [35]Like 19, except [avahyā: yāna]m Kent; identity of §76 with §73, Hinz ZDMG 93.374. [36]Only 11 signs or fewer after the divider, Cam.

Wb.ZfA 46.52-82 اصلاحات زیر راکه در JNES 2.105-14 مورد بحث قرار نگرفته و من نیز آنها را نمی‌پذیرم، مورد تایید قرار داده است:

[21]hadā: kār]ā: S[ugdam (for pasāva: had]ā: k[ārā, where KT read]ā: s[); [25][aniyam] for [vasiy], [26][aniya] for [hauv], [26-7]utāš[iš for utāš[im, [27]hya]š[ām: maθišta.

مورد اول و آخر، فاصله موجود را پر نمی‌کند و با نشانه‌های خوانا مناسب نیست؛ مورد دوم و سوم و چنانچه بپذیریم، مورد چهارم، این امکان را دارند.

ترجمه DB V :

بند۷۱. ۱-۱۴. داریوش شاه گوید: این است آنچه من کردم هم در دومین و هم در سومین سال پس از آنکه شاه شدم. کشوری عیلام نام، آن نافرمان شد. مردی «اتامَ ئیتاَ» نام عیلامی، او را رئیس کردند. پس از آن من سپاه را روانه کردم. مردی «گئوبَرأو» نام پارسی، بندهٔ من، او را رئیس آنان کردم. پس از آن «گئوبَرأو» با سپاه رهسپار عیلام شد، با عیلامیان جنگ کرد. پس آنگاه «گئوبَرأو» عیلامیان را نابود کرد و تار و مار کرد و رئیس آنها را گرفت، او را نزد من آورد و من او را کشتم. سپس کشور از آنِ من شد.

بند ۷۲. ۱۴-۱۷. داریوش شاه گوید: آن عیلامیان بی‌ایمان بودند و اهورامزد از سوی آنان ستایش نمی‌شد. من اهورامزدا را می‌پرستیدم؛ بخواست اهورامزدا، آنگونه که مرا کام بود، همانگونه با آنان کردم.

بند۷۳. ۱۸-۲۰. داریوش شاه گوید: آنکه اهورامزدا را بپرستد، رحمت الهی با او باشد، چه زنده، چه مرده

بند۷۴. ۲۰-۳۰. داریوش شاه گوید: پس آنگاه من با سپاهی بسوی سَکَ رهسپار شدم، در پی «سکاهای بَرنده خُودتیز(۲۰)». این سکاها از پیش من رفتند. هنگامیکه به دریا رسیدم، آنگاه با تمام سپاه به آن سویش گذشتم. پس از آن من سکاها را بسیار نابود کردم؛ (سردار) دیگری را گرفتم، او بسته به نزد من آورده شد و من او را

---

۲۰.سکاهای تیز خود، منظور تیره‌ای از سکاهایی هستند که بر سر خود کلاه خود نک تیز حمل می‌کردند.

کشتم. رئیس آنان، «اِسکونخَ» نام، او را گرفتند و بنزد من آوردند. سپس دیگری را رئیس کردم، آنگونه که مرا کام بود. پس از آن، کشور از آنِ من شد.

بند۷۵. ۳۰-۳۳. داریوش شاه گوید: آن سکاها سرکش بودند و اهورامزدا از سوی آنان ستایش نمی‌شد.... (DB5.15-17).

بند۷۶. ۳۳-۳۶. ... (=DB5.18-20).

## متن DB، کتیبه‌های کوچک:

DBA:

1:adam:Dārayavauš: xšāyaθiya: vazraka: xšāya

2 θiya: xšāyaθiyanām: xšāyaθiya: Pārsaiy: xš

3 āyaθiya: dahyūnām: V[i]štāspahyā: puça:

4 Aršāmahyā: napā: Haxāmanišiya: θātiy: Dāra

5 yavauš: xšāyaθiya: manā: pitā: V[i]štāspa: V[i]

6 štāspahyā: pitā: Aršāma: Aršāmahyā: pi

7 tā: Ariyāramna: Ariyāramnahyā: pitā:

8 Cišpiš: Cispaiš: pitā: Haxāmnaiš:

9 θātiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: avahya

10 rādiy: vayam: Haxāmanišiyā: θahyā

11 mahy: hacā: paruviyata: āmātā

12: amahy: hacā: paruviyata: hyā: amā

13 xam: taumā: xšāyaθiyā: āha: θā

14 tiy: Dārayavauš: xšāyaθiya: VIII: ma

15 nā: taumāyā: tyaiy: paruva

16 m: xšāyaθiyā: āha: adam: na

17 vama: IX: duvitāparanam: vayam: x

18 šāyaθiyā: amahya:

DBb

1: iyam: Gaumā
2 ta: hya: maguš
: a
3 durujiya:
4 avaθā: aθaha:
adam: Ba
5 rdiya: amiy:hya
:k
6 ūrauš: puça:
adam:xš
7 āyaθiya: amiy:

DBc

1: iyam: Āç
2 ina: adu
3 rujiya:
4 avaθā
5: aθaha: a
6 dam: x
7 šāyaθ
8 iya: am
9 iy: Ū
10 vjaiy:

DBd

1: iyam:
Naditabaira:
2 adurujiya: ava
3 θā: aθaha: adam:
Nab
4 ukudracara: ami
5 y: hya:
Nabunaita
6 hya: puça: adam
:x
7 šāyaθiya: amiy:
B
8 ābirauv:

DBe

1: iyam:Fra
2 vartiš:
3 aduru
4 jiya: ava
5 θā: aθaha: adam:
6 Xšaθirta: amiy
7: Uvaxštrahya
8: taumāyā: adam
9: xšāyaθiya: amiy
10: Mā
11 daiya:

DBF

1:iyam: Martiya
:a
2 durujiya: a
3 vaθā: aθaha: a
4 dam: Imaniš: am
5 iy: Ūvjaiy: x
6 šāyaθi
7 ya:

DBG

1: iyam: Ciça
2 taxma: ad
3 urujiya
4: avaθā: a
5 θaha: adam:
6 xšāyaθi
7 ya: ami
8 y: Asaga
9 rtaiy: Uva
10 xštrahya
11: taumāy
12 ā

DBH

1: iyam: Vahya
2 zdāta: adu
3 rujiya: ava
4 θā: aθaha: ada
5 m: Bardiya: a
6 miy: hya: K
7 ūrauš: puça
8: adam: xšā
9 yaθiya: amiy

DBI

1: iyam: Arxa
2: aduruj
3iya: avaθā:
4 aθaha: adam:
5 Nabuku(d)ra
6 cara: amiy:
7 hya: Nabuna
8 itahya: pu
9 ça: adam: xšā
10 yaθiya: amiy
11: Bābarauv:

DBK

1: iyam: Sku
2 xa: hya: Saka

DBj
1 :iyam: Frāda:
2 aduruji
3 ya: ava$\theta$ā: a$\theta$aha
4 :adam: xšāya$\theta$
5 iya: amiy: Marga
6 uv:

یادداشت‌هایی بر DB، کتیبه‌های کوچک:

DBa: علیرغم KT، نشانه جدا کننده، در پایان سطر ۷ قرار دارد نه در آغاز سطر ۸ (کامرون).

DBg: این کتیبه ۱۲ سطر دارد (نیز WB، ۵ سطر پس از نسخه برداری‌های .RI؛ مورد تایید از سوی کامرون) و نه ۱۱ سطر (همانند KT و شماری دیگر از ویرایش‌ها که سطر ۷ را حذف می‌کنند).

DBi: $^{5\text{-}6}n^ab^auk^uur^ac^ar^a$ روی صخره؛ $d^a$ حذف شده است. $^{11}b^aab^ar^auv^a$، با حذف i که باید بدنبال $b^a$ دوم بیاید.

ترجمه DB، کتیبه‌های کوچک:

:DBa

بند ۱.۱ـ۴....(=DB 1.1-3).
بند ۲.۴ـ۸...(= DB 1.3-6).
بند ۳.۹ـ۱۳...(=DB 1.6-8).
بند ۴.۱۳ـ۱۸...(=DB 1.8-11).

:DBb

این است گئوماتای مغ...(=DB 4.8-9)؛ من شاه هستم.

:DBC

این است آثرین...(=DB 4.10-11).

:DBd

این است ندیت بئیَر...(DB 4.13-14)؛ من در بابل شاه هستم.

:DBe

این است فرورتیش...(DB 4.18-20)؛ من در ماد شاه هستم.

:DBf

این است مرتیاَ...(=DB 4.16-17).

:DBg

این است چیژَن تَخَم... (=DB 4.21-22).

:DBh

این است «وهیَزدات»... (=DB 4.26-28)؛ من شاه هستم.

:DBi

این است اَرخَ...(=DB 4.29-30)؛ من در بابل شاه هستم.

:DBj

این است فرادَ...(=DB 4.24-25).

:DBk

این است «اسکونخَ» سکایی

داریوش / پرسپولیس DPa = A

1 Dārayavauš: xšāyaθiya:
2 vazraka: xšāyaθiya: xšā
3 yaθiyānām: xšāyaθiya:
4 dahyūnām: Vištāspahy
5 ā: puça: Haxāmanišiya: h
6 ya: imam: tacaram: akunauš

ترجمه DPa:

داریوش شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه کشورها، پسر ویشتاسب هخامنشی، کسی که این کاخ را ساخت.

داریوش / پرسپولیس DPb = B

Dārayavauš: XŠ: vazraka: Vištāspahyā: puça: Haxāmanišiya

ترجمه DPb:

داریوش شاه‌بزرگ، پسر ویشتاسب هخامنشی

داریوش / پرسپولیس DPc = C

ardastāna: aθagaina: Dārayavahauš: XŠhyā: viθiyā: karta

ترجمه DPc:

قرنیز پنجره سنگی ساخته شده در قصر داریوش شاه.

داریوش / پرسپولیس D = DPd

1 Auramazdā: vazraka: hya: maθišta: bag
2 ānām: hauv: Dārayavaum: xšayaθi
3 yam: adadā: haušaiy: xšaçam: frāba
4 ra: vašnā: Auramazdāhā: Dārayavau
5 š: xšāyaθiya: θātiy: Dārayavauš:
6 xšāyaθiya: iyam: dahyāuš: Pār
7 sa: tyām: manā: Auramazdā: frāba
8 ra: hyā: naibā: uvaspā: umarti
9 yā: vašnā: Auramazdāhā: manac
10 ā: Dārayavahauš: xšāyaθiyahy
11 ā: hacā: aniyanā: naiy: tarsat
12 iy: θātiy: Dārayavauš: xšāya
13 aiya: manā: Auramazdā: upastām:
14 baratuv: hadā: viθaibiš: bagai
15 biš: utā: imām: dahyāum: Aura
16 mazdā: pātuv: hacā: haināy
17 ā: hacā: dušiyārā: hacā: dra
18 ugā: abiy: imām: dahyāum: mā
19: ājamiyā: mā: hainā: mā: duš
20 iyāram: mā: drauga: aita: adam:
21 yānam: jadiyāmiy: Auramazd
22 ām: hadā: viθaibiš: bagaibiš: a
23 itamaiy: yānam: Auramazdā: dadāt
24 uv: hadā: viθaibiš: bagaibiš:

یادداشت‌هایی بر DPd:

[17]dušiyārā Jn. (not $d^u aš^a$) . [18]abiy Stolze (not $an^a iy^a$). [19-20]dušiyāram Jn. (not $d^u aš^a$-). [20]$iy^a ar^a m^a$: $m^a a$ with divider and all characters visible, and a gap between i and $y^a$, acc. to Cameron. [21]$y^a an^a m^a$, with separation caused by a defect in the stone (so Stolze's photograph). [22]The insertion of yānam is required for the filling, of the gap in which some slight traces of the characters are still visible; so Cameron, from photo.

ترجمه Dpd:

بند۱.۱ـ۵. اهورامزدای بزرگ، بزرگترینِ بغان، او داریوش شاه را آفرید، او شهریاری را به او ارزانی داشت؛ بخواست اهورامزدا داریوش شاه است.

بند۲.۵ـ۱۲. داریوش شاه گوید:این کشور پارس که اهورامزدا به من ارزانی داشت، زیبا، دارنده اسبان خوب، دارنده مردان خوب، بخواست اهورامزدا و نیز من داریوش شاه، از دیگری نمی‌ترسد.

بند۳.۱۲ـ۲۴. داریوش شاه گوید: اهورامزدا مرا یاری کند، با بغان خاندان شاهی و این کشور را اهورامزدا از دشمن (متجاوز)، از قحطسالی، از دروغ بپاید! به این کشور نه دشمن، نه قحطسالی، نه دروغ نیایید؛ این را من چون رحمت از اهورامزدا با بغان خاندان شاهی در خواست می‌کنم. باشد که این موهبت را اهورامزدا با بغان خاندان شاهی به من بدهد.

DPe = E داریوش / پرسپولیس

1 adam: Dārayavauš: xšāyaθiya: vaz

2 raka: xšāyaθiya: xšāyaθiyānā

3 m : xšāyaθya: dahyūnām: tyai

4 šām: parūnām: Vištāspahyā:

5 puça: Haxāmanišiya: θātiy: Dāra

6 yavauš: xšāyaθiya: vašnā: Aurama

7 zdāhā: imā: dahyāva: tyā: adam

8: adaršiy: hadā: anā: Pārsā: kā

9 rā: tyā: hacāma: atarsa: manā: bāj
10 im :abara: Ūvja: Māda: Bābiru
11 š: Arabāya: Aθurā: Mudrāy
12 ā: Armina: Katpatuka: Sparda: Ya
13 unā: tyaiy: uškahyā: utā: tya
14 iy : drayahyā: utā: dahyāva: t
15 yā: para: draya: Asagarta: Parθava: Zra
16 ka: Haraiva: Bāxtriš: Sug$^{u}$da: Uv
17 ārazmiy: Θatagyš: Harauvatiš: H
18 iduš: Gadāra: Sakā: Maka: θātiy
19 :Dārayavauš: xšātaθiya: yadiy
20: avaθā: maniyāhay: hacā: aniya
21 nā: mā: tarsam: imam: Pārsam: kāram: pādi
22 y: yadiy: kāra: Pārsa: pāta: ahatiy: hyā:
23 duvaištam: šiyātiš: axšatā: hauvci
24 y: Aurā: nirasātiy: abiy: imām: viθam

یادداشت‌هایی بر DPe:

[8]hadā not 'by means of', as previously taken, but 'along with, in addition to', as shown by Bv. TPS 1945.51-3, which is its normal meaning. [15]p$^{a}$r$^{a}$u + y$^{a}$, with a vertical hasta in the mutilated character, followed by a gap, according to the earliest editors; restored as paruvaiy by Rl.; misread p$^{a}$r$^{a}$uiy$^{a}$ with a blank unegraved space in the gap, by Jn.; correctly read p$^{a}$r$^{a}$: d$^{a}$r$^{a}$y$^{a}$ = para: draya by Cameron, JNES 2.307-8, with a wide space between the r$^{a}$ and the y$^{a}$ [20]maniyāhay for- haiy. [22]A divider is visible between pāta and ahatiy, acc. to Jn. and to Stolze's photographs.

ترجمه DPe:

بند۱.۱ـ۵. من داریوش شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه کشورهای بسیار، پسر ویشتاسب

هخامنشی هستم.

بند۲.۵.۱۸. داریوش شاه گوید:بخواست اهورامزدا این‌ها هستند کشورهایی که من علاوه بر مردم پارسی، از آنِ خود کردم،که از من ترسیدند (و) به من باج دادند: عیلام، ماد، بابل، ارابایه، آشور، مصر، ارمنیه، کبدوکیه، سارد، ایونی‌هایی خشکی و (آنها) که کنار دریا هستند، و کشورهایی که آن سوی دریا هستند، اسَگرتیا، پارت،زرنگ،هرات،بلخ، سغد،خوارزم،ثتگوش،رخج، سند،گندار، سَکَ، مَکَ.

بند۳.۱۸-۲۴. داریوش شاه گوید:اگر اینگونه بیندیشی «از دیگری نترسم»، این مردم پارس را بپای؛ اگر مردم پارس پاییده شوند، از این پس شادی پیوسته بوسیله اهورا بر این خاندان فرو خواهد رسید.

داریوش / پرسپولیس DPh = H

1 Dārayavauš: XŠ: vazraka: XŠ: XŠyanām: XŠ

2: dahyūvnām: Vištāspahyā: puça

3: Haxāmanišiya: θātiy: Dārayavau

4 š: XŠ: ima: xšaçam: tya: adam: dāray

5 āmiy: hacā: Sakaibiš: tyaiy: para

6: Sugdam: amata: yātā: ā: Kūšā:

7 hacā: Hidauv: amata: yātā: ā: Spa

8 rdā: tyamaiy: Auramazdā: frābara

9 : hya: maθišta: bagānām: mām: Au

10 ramazdā: pātuv: utāmaiy: viθam

ترجمه DPh:

بند۱.۱-۳. داریوش شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه کشورها، پسرویشتاسب هخامنشی.

بند۲.۳-۱۰. داریوش شاه گوید:این است شهریاری که من دارم، از سکاهای آنسوی سغد، از آنجا تا کوش[۲۱]، از هند، از آنجا تا سارد، که آنرا اهورامزدا؛ بزرگترینِ بغان، برمن ارزانی داشت. اهورامزدا مرا و خاندان مرا بپاید.

---

۲۱.اتیوپی

DPi = I داریوش / پرسپولیس

mayūxa: kāsakaina: Dārayavahauš: XŠhyā: viθiyā: karta

ترجمه DPi:

دستگیره در از سنگ قیمتی ساخته شده در کاخ داریوش شاه.

## کتیبه‌های نقش رستم.

DNa = A داریوش / نقش رستم

1 baga: vazraka: Auramazdā: hya: im
2 ām: būmim: adā: hya: avam: asm
3 ānam: adā: hya: martiyam: adā: h
4 ya: šiyātim: adā: martiyahyā
5 :hya: Dārayavaum: xšāyaθiyam: ak
6 unauš: aivam: parūvnām: xšāyaθ
7 iyam: aivam: parūvnām: framātā
8 ram: adam: Dārayavauš: xšāyaθiya: va
9 zraka: xšāyaθiya: xšāyaθiyānām
10 :xšāyaθiya: dahyūnām: vispazanā
11 nām: xšāyaθiya: ahyāyā: būmi
12 yā: vazrakāyā: dūraiapiy: Vištās
13 pahyā: puça: Haxāmanišiya: Pārsa: P
14 ārsahyā: puça: Ariya: Ariya: ci
15 ça: θātiy: Dārayavauš: xšāya
16 θiya: vašnā: Auramazdāhā: imā:
17 dahyāva: tyā: adam: agarbāyam:
18 apataram: hacā: Pārsā: adamšām:
19 patiyaxšayaiy: manā: bājim: abara
20 ha: tyašām: hacāma: aθahya: ava: a

21 kunava: dātam: tya: manā: avadiš:

22 adāraiya: Māda: Ūvja: Parθava: Harai

23 va: Bāxtriš: Suguda: Uvārazm

24 iš: Zraka: Harauvatiš: Θataguš: Ga

25 dāra: Hiduš: Sakā: haumavargā: Sa

26 kā: tigraxaudā: Bābiruš: A

27 θurā: Arabāya: Mudrāya: Armina

28 :Katpatuka: Sparda: Yauna: Sakā: tyaiy: pa

29 radraya: Skudra: Yaunā: takabarā: Putāy

30 ā: Kūšiyā: Maciyā: Karkā: θātiy: D

31 ārayavauš: xšāyaθiya: Auramazdā: yaθ

32 ā: avaina: imām: būmim: yaudatim:

33 pasāvadim: manā: frābara: mām: xšā

34 yaθiyam: akunauš: adam: xšāyaθiya

35 :amiy: vašnā: Auramazdāhā: a

36 damšim: gāθavā: niyašādayam: tyašā

37 m: adam: aθaham: ava: akunava: yaθā: mām:

38 kāma: āha: yadipatiy: maniyāhaiy: t

39 ya: ciyakaram: āha: avā: dahyāva

40 tyā: Dārayavauš: xšāyaθiya

41 :adāraya: patikarā: dīdiy: tyaiy: g

42 āθum: baratiy: avadā: xšnāsāhy:

43 adataiy: azdā: bavātiy: Pārsahyā:

44 martiyahyā: dūraiy: arštiš: pa

45 rāgmatā: adataiy: azdā: bavāti

46 y: Pārsa: martiya: dūrayapiy: hacā: Pā

47 rsā: partaram: patiyajatā: θātiy: Dā

48 rayavauš: xšāyaθiya: aita: tya: karta

49 m: ava: visam: vašnā: Auramazdāhā: ak

50 unavam: Auramazdā(ma)iy: upastām: aba
51 ra: yātā: kartam: akunavam: mām: A
52 uramazdā: pātuv: hacā: gastā: utāma
53 iy: viθam: utā: imām: dahyāum: aita: ada
54 m: Auramazdām: jadiyāmiy: aitama
55 iy : Auramazdā: dadātuv:
56 martiyā: hyā: Auramazdāh
57 ā: framānā: hauvtaiy: gas
58 tā: mā: θadaya: paθim:
59 tyām: rāstām: mā
60 :avarada: mā: stabava

### یادداشت‌هایی بر DNa:

مـتن DNa در حـال حـاضر بـر تـصاویر «ف.اشـتولتز (Persepolis: Berlin, 1882) و نـیز «ا.سِوروگین» (قابل دستیابی در Wb. Grab, Plates 2-3) متکی است. قرائت‌های زیر کـه یـا جایگزین قرائت‌های اشتباه قبلی می‌شود و یا قرائت‌های قابل تردید قبل را تائید می‌کند، بوسیله این تصاویر مسلم و قطعی شده‌اند؛ بازسازی‌ها با مقدار درازای فواصل مطابقت دارند:

[7-8]framātā- |ram; [12]dūraiapiy; [19]patiyaxšayaiy; [19-20]aba[ra]-|ha; [22]adāraiya (for normalization, cf. §48); [25]haumavargā; [37]akunava;[38]yadipatiy: maniy[āhaiy: t]- |ya(for-haiy, cf. note on DB 4.39); [39][āha]Wb.; [41]no space for [manā] before gāθum; [42]a[va]dā; [44]dūraiy; [46]dūrayapiy; [50]Auramazdā(ma)iy, with omission of $m^a$; [62]ga[stā] , see Lex.s.v. (not $s^ar^a$ +).

### یادداشت‌های دیگر متنی:

[28-9][pa]-|radraya, after other occurrences, see Lex. s.v.; not [ta]- | radraya. [29-30]Put-[ā]yā,after other occurrences, see Lex. s.v.; not Put[i]yā. [32]yau[datim]Bthl., see Lex. s.v. yaud-; hardly yau[dinim], with Wb. [60]stabava(as Rl. JRAS 10.310 had it), see Lex. s.v.; not starava nor stakava.

### ترجمه DNa:

بند۱.۱-۸. خدای بزرگ اهورامزدا است، که این زمین را آفرید، که آن آسمان را آفرید، که

انسان را آفرید، که شادی را برای انسان آفرید، که داریوش را شاه کرد، یک شاه از بسیاری، یک فرمدار از بسیاری.

بند۲. ۸-۱۵. من داریوش شاه، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه سرزمین‌های دارنده همه گونه مردم، شاه در این زمین بزرگ دور ودراز، پسر ویشتاسب هخامنشی پارسی، پسر یک پارسی آریایی آریایی نژاد.

بند۳. ۱۵-۳۰. داریوش شاه گوید: بخواست اهورامزدا این‌ها هستند کشورهایی که من بجز پارس گرفتم؛ بر آنها فرمان راندم؛ به من باج دادند؛ آنچه از سوی من به آنها گفته شد، آنرا انجام دادند؛ قانون من آنان را نگهداشت: ماد، عیلام، پارت، هرات، بلخ، سغد، خوارزم، زرنگ، رخج، ثتگوش، گندار، هند، سکاهای هوم ورگ، سکاهای تیز خود، بابل، آشور، ارابایه، مصر، ارمنیه، کپدوکیه، سارد، ایونی، سکاهای آنسوی دریا، اسکودرَ، ایونیایی‌های پتاسوس(۲۲) برسر، لیبیایی‌ها، کوشیان، اهالی مَکَ، کاریان.

بند۴. ۳۰-۴۷. داریوش شاه گوید: اهورامزدا چون این زمین را آشفته دید، آنگاه آنرا به من ارزانی داشت، مرا شاه کرد؛ من شاه هستم. بخواست اهورامزدا من آنرا در جای خود قرار دادم؛ آنچه من به آنها گفتم، آنرا انجام دادند، آنچنان که مرا کام بود. اکنون اگر فکر کنی که «چند بود آن کشورهایی که داریوش شاه داشت؟» پیکره‌ها را ببین که تخت را می‌برند، آنگاه خواهی دانست، آنگاه به تو معلوم خواهد شد که: نیزه مرد پارسی دور رفته است؛ آنگاه به تو معلوم خواهد شد که: مرد پارسی دورتر از پارس جنگ کرده است.

بند۵. ۴۷-۵۵. داریوش شاه گوید: این که کرده شد، همه را بخواست اهورامزدا کردم. اهورامزدا مرا یاری رساند تا کار را به انجام رساندم. اهورامزدا مرا و خاندان مرا و این سرزمین را از آسیب بپاید: این را من از اهورامزدا طلب می‌کنم، باشد که این را اهورامزدا به من بدهد!

بند۶. ۵۶-۶۰. ای مرد، فرمان اهورامزدا، ناپسند بنظرت نیاید؛ راه راست را ترک مکن، شورش مکن!

داریوش / نقش رستم DNb = B

1 baga: vazraka: Auramazdā:hya: adadā: i

---

۲۲. کلاه بالدار مرکوری، کلاه کوتاه و لبه پهن یونانیان باستان.

2 ma: frašam: tya: vainataiy: hya: adadā: ši
3 yātim: martiyahyā: hya: xraθum: ut
4 ā: aruvastam: upariy: Dārayavaum: xšā
5 aθiyam: nīyasaya: θātiy: Dārayavauš: xšāya
6 °θiya: vašnā: Auramazdāhā: avākaram: a
7 miy: tya: rāstam: dauštā: amiy: miθa: na
8 iy: dauštā: amiy: naimā: kāma: tya: skauθ
9 iš: tunuvatahyā: rā°diy: miθa: kariyaiš
10 : naimā: ava: kāma: tya: tunvuā: skauθaiš: r
11 ādiy: miθa: kariyaiš: tya: rāstam: ava: mām:
12 kāma: martiyam: draujanam: naiy: dauštā: am
13 iy: naiy: manauviš: amiy: tyāmaiy: dartana
14 yā: bavatiy: daršam: dārayāmiy: manahā:
15 uvaipašiyahyā: daršam: xšayamna: amiy:
16 martiya: hya: hataxšataiy: anudim: hakarta°
17 hyā: avaθādim: paribarāmiy: hya: v°
18 ināθayatiy: anudim: vinastahyā: avaθ
19 ā: parsāmiy: naimā: kāma: tya: mar°tiya
20 :vināθayaiš: naipatimā: ava: kāma: yadi
21 y: vināθayaiš: naiy: fraθiyaiš: martiya:
22 tya: pat°iy: martiyam: θātiy: ava: mām:
23 naiy: varnavataiy: yātā: uradanām: hadu
24 gām: āxšnautiy: martiya: tya: kunau
25 tiy: yad°ivā: ābaratiy: anuv: tauman
26 išaiy: xšnuta: °°amiy: utā: mām: vas
27 iy: kāma: utā: uxšnauš: amiy: avākaram
28 camaiy: °ušīy: utā: framānā: yaθāmai
29 y: tya: kartam: vaināhy: yadivā: āxšnav
30 āhy: utā: viθ°i°yā: °°uta: spāθma
31 i°d°yā: aitamai°y°: °°°aruvastam:

32 upariy: manaščā: °°ušīcā: ima: patimai
33 y: aruvastam: t°ya°maiy: tanūš: tāvaya
34 ti°y: hamaranakara: am°iy: ušhamaranakara: hakara
35 mci°y: ušīyā: gāθa°vā: vainātaiy: yaciy:
36 vaināmiy: hamiçiya°m: yaciy: naiy: vainā
37 miy: utā: ušībiyā: utā: framānāyā
38 :a°dakaiy: fratara: maniyaiy: aruvāyā: ya
39 di°y: vaināmiy: hamiçiyam: yaθā: yadiy:
40 nai°y: vaināmiy: yāumainiš: amiy: u
41 tā°: dastaibiyā: utā: pādaibiyā: asabā
42 ra: °uvāsabāra: amiy: θanuvaniya: uθa
43 n°uvaniya: amiy: utā: pastiš: utā
44 :asabāra: ārštika: amiy: uvārštika:
45 utā: pastiš: utā: asabāra: utā: ūvnarā
46 :tyā: Auramazdā: upariy: mām: niyasaya: utā
47 diš: atāvayam: bartanaiy: vašnā: Auramazdāh
48 ā: tyamaiy: kartam: imaibiš: ūvnaraibiš: aku
49 navam: tyā: mām: Auramazdā: upariy: nīyasaya
50 :marī°kā: daršam: azdā: kušuvā: ciyākaram
51 :amiy: ciyākaramcamaiy: ūvnarā: ciyākara
52 mcamaiy: pariyanam: mātaiy: duruxtam:
53 θaday a°:tyataiy: gaušāyā: xšnutam: avaš
54 ciy:°āxšnudiy: tya: partamtaiy: asti
55 y: marī°kā: mātaiy: avašciy: duruxta
56 m: kuna°vātaiy: tya: manā: kartam: astiy
57 :avašciy: dīdiy: yaciy: nipištam: mā:
58 taiy: dātā: +++++ :mā: ++++++ ātiy
59 ā: ayāu(ma)iniš: bavātiy: marīkā: xšāyaθiya
60 :mā:raxθatuv: ++++++++++++++++ina:

### یادداشت‌هایی بر DNb:

متن ما از DNb همان است که در JNES 4.39-52 ، برپایه تصاویر «اشمیت» که در سال ۱۹۳۸ گرفته شده و بوسیله نگاره و حرف نوشت هرتسفلد در ApI 4-6 کامل شده، ارائه گردیده است. میان افزودهٔ ${}^{\circ\circ\circ}$ ${}^{\circ\circ}$ ${}^{\circ}$ در متن ما، بترتیب فضاهای خالی مناسب با یک، دو، سه حرف را که ناهمواری صخره ، حجاری آنرا ناممکن می‌ساخته، مشخص می‌کند.

برداشت جدید مربوط به سطر ۳۴-۴۰، همراه با بازسازیهای دیگر متنی توسط «ای.گرشویچ» در TPS 1948.66-8 ، مرا متقاعد نمی‌سازد. پاره‌ای تغییرات متون فارسی‌باستان ونیز برخی برداشت‌ها بویژه در سطور ۵۲-۶۰ از سوی «و. هینتز» برپایه تحریر عیلامی، تا زمانیکه مقاله وی در دست چاپ است نمی‌تواند ارزیابی شود.

[14]bavatiy on the Rock; bauvatiy in fragmentary 2d copy (Hz. ApI Plate5). [19]mar$^{\circ}$tiya Schmidt photo; last character not m$^{\circ}$, despite Hz. [22]pat$^{\circ}$iy Kent; par[sa]iy 'in court' Hz.ApI 273. [31]The gap is inadequate for Hz.'s restored dīdiy; and the Schmidt photo shows a divider in the middle of the space. [28]an$^{u}$uv$^{a}$a$\theta^{a}$a, with dubious n$^{u}$, Wb. KIA 94, from Sevruguin's photo; af$^{a}$uv$^{a}$ay$^{a}$a Hz., which he emends to ar$^{u}$uv$^{a}$a$\theta^{a}$a; af$^{a}$uv$^{a}$ay$^{a}$a, with f$^{a}$ to be emended to r$^{u}$, and y$^{a}$ rather than $\theta^{a}$, Kent from Schmidt photo.

[49]The divider is not at the end of 49, but at the beginning of 50.Between the two lines there is the vacant space of one line, to indicate the break in the subjectmatter. [51,51-2]c$^{a}$iy$^{a}$ak$^{a}$r$^{a}$m$^{a}$m$^{a}$c$^{a}$iy$^{a}$ in both places, Hz., confirmed by Schmidt photo; with metathesis for m$^{a}$c$^{a}$m$^{a}$, and to be normalized ciyākaramcamaiy. [52][durux]tam Bv., after DB 4.44f, 49f. [53][xšnutam] Kent; the space is inadequate for Bv.'s āxšnūtam. [55-6][durux]tam Kent, after Bv.'s restoration in 52. [56-60]The remaining restorations, quite dubious, are largely my own. [59]The m$^{a}$ of ayāumainiš was omitted on the Rock.

For my variations from Hz.'s text. see Lg. 15.166-74, JNES 4.39-52.

### ترجمه DNb:

بند۱.۷ـ۵. خدای بزرگ اهورامزدا است که این شکوه را که دیده می‌شود آفرید، که شادی را برای انسان آفرید، که خرد و فعالیت را به داریوش شاه ارزانی داشت.

بند۸a.۵-۱۱. داریوش شاه گوید:بخواست اهورامزدا بگونه‌ای هستم که راستی را دوست هستم، خطا را دوست نیستم. نه مرا کام است که به ضعیف از سوی قوی ظلم کرده شود، نه مرا کام است که به قوی از سوی ضعیف ظلم کرده شود.

بند۸b.۱۱-۱۵. آنچه راست است، آن کام من است. مرد دروغزن را دوست نیستم. تند خو نیستم. آن چیزهایی را که خشم مرا گسترش می‌دهند، توسط اندیشه خویش بشدت تحت مراقبت نگهمیدارم. سخت بر (امیال) خود مسلط هستم.

بند۸c.۱۶-۲۱. مردی را که همکاری می‌کند، او را متناسب با همکاریش، او را پاداش می‌دهم. آنکه آسیب می‌رساند، او را متناسب با آسیبش، او را مجازات می‌کنم. نه مرا کام است که مردی آسیب برساند؛ نه در واقع مرا کام است که اگر آسیب رساند، مجازات نشود.

بند۸d.۲۱-۲۴. آنچه مردی علیه مردی می‌گوید، آن مرا باور نیاید، تا اینکه فرمان قوانین خوب را اجابت کند.

بند۸e.۲۴-۲۷. آنچه مردی متناسب با قوای (طبیعی) خود (برای من) بکند یا بجای آورد، خشنود هستم و مرا کام بسیار است و نیک خشنود هستم.

بند۸f.۲۷-۳۱. از این گونه است هوش و فرمان من: چون آنچه از سوی من کرده شده ببینی یا بشنوی، چه در کاخ و چه در اردوگاه رزم، این فعالیت من است علاوه بر قدرت اندیشه‌ام و هوشم.

بند۸g[۲۳]۳۲-۴۰. در واقع این فعالیت من است: تا تن من توان دارد، بعنوان هماورد، هماورد خوبی هستم. همینکه با هوش در (آورد-) گاه نگریسته شود، آنکه نافرمان (باشد)، آنکه غیر (نافرمان باشد)می‌بینم؛ چه باهوش، چه با فرمان، آنگاه نخستین کسی هستم که می‌اندیشم همراه با عمل، چه هنگامیکه نافرمانی را می‌بینم، چه هنگامیکه غیر (نافرمانی) را می‌بینم.

بند۸h.۴۰-۴۵. آزموده هستم، هم با دست‌ها، هم با پای‌ها. بعنوان سوار، سوار خوبی هستم. بعنوان کمانور،کمانوری خوب هستم، چه پیاده چه سوار. بعنوان نیزه‌ور، نیزه‌ور خوبی هستم، چه پیاده چه سوار.

بند۸i.۴۵-۴۹. و مهارت‌های (بدنی) که اهورامزدا به من فرو فرستاد و توانا بوده‌ام در استفاده از آنها، بخواست اهورامزدا، آنچه بوسیله من کرده شد، با این

---

۲۴.در ترجمه انگلیسی، ۳۱-۴۰ آمده که در واقع یک سطر اشتباه شده است.

مهارت‌هایی کردم که اهورامزدا بر من ارزانی داشت.

بند9a.۵۰-۵۵. ای بنده، جداً آگاه ساز که من چگونه‌ام، مهارت‌هایم چگونه‌اند، برتریم چگونه است. مبادا دروغ بنظرت رسد آنچه با گوش‌هایت شنیده شده است. آنچه را که بتو اظهار شده، بشنو.

بند9b.۵۵-۶۰. ای بنده، مبادا آنچه بوسیله من کرده شده است، دروغ (بنظرت) نمایانده شود. بنگر آنچه را که [نوشته شده است]. مبادا قوانین [مورد نافرمانی قرارگیرد] بوسیله تو. مبادا[کسی در فرمانبرداری] ناآزموده شود. [ای بنده] مبادا شاه، (خود را ملزم به)تحمیل مجازات (؟)کند[برای عمل خطا (؟) در مورد ساکنین (در این سرزمین) (؟)].

متن DN/کتیبه‌های کوچک:

DNc 1 Gaubaruva: Pātišuvariš: Dāra
2 yavahauš: xšāyaθiyahyā: arštibara

DNd 1 Aspacanā: vaçabara :Dārayavahauš: xš
2 āyaθiyahyā: isuvām: dārayatiy

DN I iyam: Pārsa
II iyam: Māda
III iyam: Ūvja
IV iyam: Parθava
XV iyam: Sakā: tigraxaudā
XVI iyam: Bābiruš
XVII iyam: Aθuriya
XXIX iyam: Maciyā

یادداشت‌هایی بر DN،کتیبه‌های کوچک:

DNc: $^{2}$arštibara, engraved $š^a r^a s^a t^a ib^a r^a$; the original draft was miswritten $ar^a s^a t^a ib^a r^a$, and the $š^a$, intended to replace the $s^a$, was by error inserted in the place of the a. (But the first engraved character is read by Cameron from photographs not as $š^a$, but as $h^a$; for a miswritten $h^a$ I can offer no

explanation).

DNd: «اسپَچَنا» دارای کمان یا کماندانی سنگین برروی شانه چپ و تبرزینی در دست است؛ مقایسه شود با JNES 4.233

ترجمه DN، کتیبه‌های کوچک:

:DNc

«گئوَبرُاُوَ» اهل «پتی‌شُووَری»، نیزه‌دار داریوش شاه.

:DNd

«اسپَچَنا» کمانور، تبرزین داریوش شاه را (دردست) دارد.

:DNI

این پارسی است.

:DNII

این مادی است.

:DNIII

این عیلامی است.

:DN IV

این پارتی است.

:DN XV

این سکای تیز خود است.

:DN XVI

این بابلی است.

:DN XVII

این آشوری است.

:DN XXIX

این اهل مَکَ است.

DSa = A داریوش / شوش

1 adam: Dārayavauš: XŠ: vazraka: XŠ XŠyān

2 ām: XŠ DHnām: V[i]štāspahyā: puça: Ha
3 xāmaniš[a]ya: θātiy: Dārayavauš: XŠ
4 :vašnā: AMha: adam: ava: akunavam: tya:
5 akunavam: visahyā: frašam: θadayātaiy

یادداشت‌هایی بر DSa:

[5] frašam: θadayātaiy, Hz. ApI 156-8, for the previously accepted frašta: θadayāmaiy; but Hinz, ZDMG 95.223-5, supports a[dam: visa]hyā: frašta: θadayāmaiy.

ترجمه DSa:

بند۱.۱-۳. من داریوش...(=DPa 1-5).

بند۲.۳-۵. داریوش شاه گوید: بخواست اهورامزدا من کردم آنچه را که کردم؛ بر همگان عالی بنظر آید.

DSb = B داریوش / شوش

1 adam: Dārayavau
2 š: xšāyaθiya
3 :vazraka: xšāya
4 θiya: xšāyaθi
5 yānām: xšāya
6 θiya: dahyūnā
7 m: xšāyaθiya:
8 haruvahyāya:
9 būmiyā: V[i]št
10 āspahyā: puça
11 :Haxāmanišiya

ترجمه DSb:

من داریوش...(= DPa 1-4)، شاه کشورها...(=DPe 4-5).

DSc = C داریوش / شوش

adam: Dārayavauš XŠ: vazraka XŠyānām: Vištāspahyā: puça

ترجمه DSc:

من داریوش...(=DPa 1-3,4-5)

DSd = D داریوش / شوش

1 adam Dārayavauš XŠ vazraka XŠ XŠyānām XŠ DHnām XŠ

2 ahyāyā BUyā Vištāspahyā: puça: Haxāmanišiya $\theta$ā

3 tiy Dārayavauš XŠ vašnā AMha imam: tacaram akunavam

ترجمه DSd:

بند۱.۱-۲. من داریوش...(=DPa 1-4)، شاه در این زمین...(DPe 4-5).

بند۲.۲-۳. داریوش شاه گوید:بخواست اهورامزدا من این کاخ را ساختم.

DSe = E داریوش / شوش

1 baga: vazraka: Auramazdā: hya: imā

2 m: būmim: adadā: hya: avam: as

3 mānam: adadā: hya: martiyam: ada

4 dā: hya: šiyātim: adadā: mart

5 iyahyā: hya: Dārayavaum: XŠm: ak

6 unauš: aivam: parūvnām: XŠm: a

7 ivam: parūvnā: framātāram: a

8 dam: Dārayavauš: XŠ: vazraka: XŠ: XŠy

9 ānām: XŠ: dahyūnām: vispazanā

10 nām: XŠ: ahyāyā: būmiyā: vaz
11 rakāyā: dūraiy: apiy: Vištās
12 pahyā: puça: Haxāmanišiya: Pār
13 sa: Pārsahyā: puça: Ariya: Ari
14 ya: ciça: θātiy: Dārayavauš: XŠ:
15 vašnā: Auramazdāhā: imā: dahy
16 āva: tyā: adam: agarbāyam: apata
17 ram: hacā: Pārsā: adamšām: pat
18 iyaxšayaiy: manā: bājim: abara:
19 tyašām: hacāma: aθahya: ava: aku
20 nava: dātam: tya: manā: avadiš: a
21 dāraya: Māda: Ūja: Parθava: Haraiva:
22 Bāxtriš: Suguda: Uvārazmiš
23 :Zraka: Harauvatiš: Θataguš: Maci
24 yā: Gadāra: Hiduš: Sakā: haumava
25 rgā: Sakā: tigraxaudā: Bābir
26 uš: Aθurā: Arabāya: Mudrāya:
27 Armina: Katpatuka: Sparda: Yaun
28 ā: tyaiy: drayahyā: utā: tyai
29 y: paradraya: Skudra: Putāyā:
30 Kūšiyā: Karkā: θātiy: Dāra
31 yavauš: XŠ: vasiy: tya: duškarta
32 m: āha: ava: naibam: akunavam: da
33 hyāva: ayauda: aniya: aniyam:
34 aja: ava: adam: akunavam: vašnā
35 :Auramazdāhā: yaθā: aniya: a
36 niyam: naiy: jatiy: cinā: gā
37 θavā: kašciy: astiy: dātam:
38 tya: manā: hacā: avanā: tarsati

39 y: yaθā: hya: tauviyā: tyam: s
40 kauθim: naiy: jatiy: naiy: vi
41 mardatiy: θātiy: Dārayavauš:
42 XŠ: vašnā: Auramazdāhā: dastaka
43 rtam: vasiy: tya: paruvam: naiy
44 :gāθavā: kartam: ava: adam: gāθa
45 vā: akunavam: ++++:nāma: varda
46 nam: didā: hanatāyā: avagmat
47 ā: paruvam: akartā: hacā: ava
48 daša: ā: pasāva: didām: aniy
49 ām: akunavam: θātiy: Dārayavau
50 š: XŠ: mām: AM: pātuv: hadā: ba
51 gaibiš: utamaiy: viθam: u
52 tā: tyamaiy: nipištam

یادداشت‌هایی بر DSe:

برای بازسازی این متن، نگاه کنید به مراجع در کتابشناسی.

21-30

فهرست ایالت‌ها براساس ترجمه دوباره از تحریر اکدی بازسازی شده است؛ اینکه putāyā و kūšiya هردو در سطر ۲۹-۳۰ قرار داشته باشند، وابسته است به اینکه فاصله موجود در پایان سطر ۲۱ تحریر اکدی برای هردو نام کافی باشد.

36 ci[nā] Kent, JAOS 58.116-7; ci[tā]Sen 134.

45-9

بازسازی‌ها کاملاً غیر قطعی است؛ مقایسه شود با:

Hinz, ZDMG 95.229-32.

ترجمه DSe:

بند ۱.۱-۷.... (= DNa 1-8).

بند۱۴.۷.۲....۱۴-۷ (=DNa 8-15).

بند۱۴.۳-۴۰.... (=DNa 15-24)، مردم مَکَ،...(DNa 24-28)، ایونیایی‌ها، (آنان) که کنار دریا هستند و (آنان) که آنسوی دریا هستند، اِسکودرَ، لیبیایی‌ها، کوشی‌ها، کاری‌ها.

بند۴.۳۰-۴۱. داریوش شاه گوید:بسیار کارهای بد کرده شده بود، آنها را نیک کردم. کشورها در شورش بودند، یکی دیگری را نابود می‌کرد. من بخواست اهورامزدا آن را چنان کردم که به کلی یکی دیگری را نابود نکند، هرکس در جای خود است. قانون من، از آن می‌ترسند، از این روی توانا ضعیف را نه، می‌زند، نه نابود می‌کند.

بند۵.۴۱-۴۹. داریوش شاه گوید:بخواست اهورامزدا، بسیار کارهای دستی که قبلاً از جای خود جابجا شده بود، آن را من در جای خود قرار دادم. شهری... نام، دیوار (آن) ازگذشت زمان فرو ریخته، قبل از این بازسازی نشده بود، دیوار دیگری ساختم (برای کارکردن) از آن هنگام تا آینده.

بند۶.۴۹-۵۲. داریوش شاه گوید: اهورامزدا با بغان، مرا و خاندان مرا و آنچه را که بوسیله من نوشته شده بپاید.

DSf = F داریوش / شوش

1 baga: vazraka: Auramazdā: hya: imām: būmim: a

2 dā: hya: avam: asmānam: adā: hya: martiyam: adā

3 :hya: šiyātim: adā: martiyahyā: hya: Dāra

4 yavaum: XŠyam: akunauš: aivam: parūnām: XŠ

5 yam: aivam: parūnām: framātāram: adam: Dāra

6 yavauš: XŠ: vazraka: XŠ: XŠyānām: XŠ: DHnām: XŠ

7 :ahyāyā: BUyā: Vištāspahyā: puça: Haxāma

8 nišiya: θātiy: Dārayavauš: XŠ: Auramazdā:

9 hya: maθišta: bagānām: hauv: mām: adā: ha

10 uv: mām: XŠyam: akunauš: haumaiy: ima: xša

11 çam: frābara: tya: vazrakam: tya: uvaspam: uma

12 rtiyam: vašnā: Auramazdāha: hya: manā: pitā

13 :Vištāspa: utā: Aršāma: hya: manā: niyāka:

14 tyā: ubā: ajivatam: yadiy: Auramazdā: mā

15 m: XŠyam: akunauš: ahyāyā: BUyā: Auramazd

16 ām: avaθā: kāma: āha: haruvahyāyā: BUyā: mar

17 tiyam: mām: avarnavatā: mām: XŠyam: akunauš:

18 haruvahāyā: BUyā: adam: Auramazdām: ayadaiy:

19 Auramazdāmaiy: upastām: abara: tyamaiy: fram

20 ātam: cartanaiy: ava: ucāramaiy: akunauš: t

21 ya: adam: akunavam: visam: vašnā: Auramazdāha:

22 akunavam: ima: hadiš: tya: Çūšāyā: akunavam:

23 hacāciy: dūradaša: arjanamšaiy: abariya: frava

24 ta: BU: akaniya: vātā: aθagam: BUyā: avārasam:

25 yaθā: katam: abava: pasāva: θikā: avaniya: aniyā:

26 XL: arašaniš: baršnā: aniyā: XX: arašaniš: barš

27 nā: upariy: avām: θikām: hadis: frāsahya

28 :utā: tya: BU: akaniya: fravata: utā: tya: θikā:

29 avaniya: utā: tya: ištiš: ajaniya: kāra: hya: Bā

30 biruviya: hauv: akunauš: θarmiš: hya: nau

31 caina: hauv: Labanāna: nāma: kaufa: hacā: avanā: aba

32 riya: kāra: hya: Aθuriya: haudim: abara: yātā:

33 Bābirauv: hacā: Bābirauv: Karkā: utā: Yau.

34 nā: abara: yātā: Çūšāyā: yakā: hacā: Gadārā

35 :abariya: utā: hacā: Karmānā: daraniyam: hacā

36: Spardā: utā: hacā: Bāxtriyā: abariya: tya

37 :idā: akariya: kāsaka: hya: kapautaka: utā: sikab

38 ruš: hya: idā: karta: hauv: hacā: Sugudā: aba

39 riya: kāsaka: hya: axšaina: hauv: ḥacā: Uvāraz

40 miyā: abariya: hya: idā: karta: ardatam: utā: a

41 sā: dāruv: hacā: Mudrāyā: abariya: ar

42 janam: tyanā: didā: pištā: ava: hacā: Yaun

43 ā: abariya: piruš: hya: idā: karta: hacā: Kūš
44 ā: utā: hacā: Hidauv: utā: hacā: Harauvat
45 iyā: abariya: stūnā: aθagainiya: tyā: id
46 ā: kartā: Abirāduš: nāma: āvahanam: Ūjaiy
47 :hacā: avadaša: abariya: martiyā: karnuvakā: t
48 yaiy: aθagam: akunavatā: avaiy: Yaunā: utā
49 :Spardiyā: martiyā: dāraniyakarā: tyaiy: daran
50 iyam: akunavaša: avaiy: Mādā: utā: Mudrāy
51 ā: martiyā: tyaiy: dāruv: akunavaša: avaiy:
52 Spardiyā: utā: Mudrāyā: martiyā: tyaiy
53:agurum: akunavaša: avaiy: Bābiruviy
54 ā: martiyā: tyaiy: didām: apiθa: avaiy: Mād
55 ā: utā: Mudrāyā: θātiy: Dārayavauš: XŠ:
56 Çūšāyā: paruv: frašam: framātam: paruv: fraša
57 m: āha: mām: Auramazdā: pātuv: utā: V
58 ištāspam: hya: manā: pitā: utāmaiy: DHum

یادداشت‌هایی بر DSf:

سطر بندی این متن همان است که در لوحه a «شَیل»، به استناد قطعات متعدد نسخه‌های دیگر، و نیز تحریرهای عیلامی واکدی، کامل شده است. تمام نسخه‌ها دارای یک متن بوده‌اند، بجز موردی که در توضیح مربوط به سطر ۵۵ بیان شده است؛ برای تغییرات ارائه شده از سوی Brd., WZKM 39.30-9 مبنایی وجود ندارد.

[14]tyā König, Burgbau 29; imā Hz. AMI 3.34; but the traces are very faint and indecisive, cf. Kent, JAOS 53.8. [20]Retranslation of Elam. version by Hinz, JNES 9.1-7, because of Elam. ù-sa-ra-um-mi, transliteration of OP ucāramaiy=ucāram-maiy; the Akk. version is here, as often, quite different. [21]The Akk. does not warrant ava with visam; in this phrase, ava always precedes, but the OP has no gap at that point. [27]frāsah[ya](passive) is probably better than my frāsaha[m] (active), JAOS 53.13. [41]dāruva Scheil 21.18, etc., is a

better reading than sāruva, Hz. ApI 299; but normalize dāruv, with Duchesne. Guilleman (d[a] certain, according to Duchesne-Guillemin, who inspected the original tablet at the Louvrein 1948); for meaning and normalization, see Lex. s.v. dāruv. [42][p]ištā Bv. BSLP 30.1.62-3; [d]ištā Hz. AMI 3.37. [51][dār]uv Hinz, rather than [išmal]uv; see Lex. s.vv.

[62]'Babylonians' here seems to denote 'Ionians resident in Babylonia,' cf. König, Burgbau 25; confirmed by the reading of Akk. frag. Y line 9 of obverse (Akk. 21 = OP 30), given by Scheil 24.107. [55]Betwenn the text of 55 and that of 56, Scheil's fragment $\theta$ indicates the presence of vašnā Auramazdāha (JAOS 51.196); but there is no space for it in tablet a. There is also no room for aita tya, inserted here by Hz. AMI 3.38, 3.77. [57][āha] Brd. WZKM 39.36; probably better than abava, Kent, JAOS 52.22-3.

ترجمه DSf:

بند۱.۱ـ۵... (=DNa 1-8).

بند۲.۵ـ۸... (=DSd 1-2).

بند۳a.۸ـ۱۲. داریوش شاه گوید:اهورامزدا، بزرگترینِ بغان، او مرا آفرید، او مرا شاه کرد، او این شهریاری را به من ارزانی داشت، که بزرگ، دارای اسبان خوب، دارای مردان خوب است.

بند۳b.۱۲ـ۱۵. بخواست اهورامزدا، پدر من ویشتاسب و ارشام نیای من، هر دو زندگی می‌کردند هنگامیکه اهورامزدا مرا در این زمین شاه کرد.

بند۳c.۱۵ـ۱۸. اهورامزدا را چنین کام بود:او در تمام این زمین مرا بعنوان انسان (دلخواه خود) برگزید؛ مرا در تمام این زمین شاه کرد.

بند۳d.۱۸ـ۲۲. من اهورامزدا را ستایش کردم، اهورامزدا مرا یاری رساند. آنچه را که من به انجام آن فرمان دادم، او برای من نیک گردانید. آنچه که من کردم، همه را بخواست اهورامزدا کردم.

بند۳e.۲۲ـ۲۷. این کاخ را که در شوش ساختم، تزئینات آن از دور دست آورده شد. زمین کنده شد، تا اینکه در زمین به سنگ رسیدم. هنگامیکه کنده شد، آنگاه شفته انباشته شد، حدود ۴۰ ارش عمق (و در جای) دیگر ۲۰ ارش عمق. روی آن

شفته کاخ بنا شد.

بند۳f.۲۸-۳۰. و زمینی که کنده شد، و شفته‌ای که انباشته شد، و خشتی که زده شد، مردم بابل (این کارها را) انجام دادند.

بند۳g.۳۰-۳۵. الوار کاج، از کوهی لبنان نام، از آنجا آورده شد. مردم آشور آنرا آوردند تا بابل، از بابل کاری‌ها و ایونیایی‌ها آوردند تا شوش. الوار «یَکا» از گندار و کَرمان آورده شد.

بند۳h.۳۵-۴۰. زری که در اینجا بکار رفته، از سارد و باختر آورده شد. سنگ قیمتی کبود و عقیقی که در اینجا بکار رفته، آن از سُغد آورده شد. سنگ قیمتی فیروزه که در اینجا بکار رفته، از خوارزم آورده شد.

بند۳i.۴۰-۴۵. نقره و چوب آبنوس از مصر آورده شد. زیوری که با آن، دیوار آراسته شد، آن از ایونی آورده شد. عاجی که در این‌جا بکار رفته از کوش و از سند واز رخج آورده شد.

بند۳j.۴۵-۴۹. ستون‌های سنگی که در اینجا بکار رفته از دهکده‌ای «ابیرادو» نام در عیلام، از آن جا آورده شد. مردان سنگ تراشی که سنگ کاری کردند، آنان ایونیایی و ساردی بودند.

بند۳k.۴۹-۵۵. مردان زرگری که زرگری کردند، آنان مادی و مصری بودند. مردانی که با چوب کار کردند، آنان ساردی و مصری بودند. مردانی که با آجر پخته کار کردند، آنان بابلی بودند. مردانی که دیوار را آراستند، آنان مادی و مصری بودند.

بند۴.۵۵-۵۸. داریوش شاه گوید: در شوش (کاری) بسیار عالی فرموده شد، (کاری) بسیار عالی (تکمیل) شد. اهورامزدا مرا و ویشتاسپ پدر من و سرزمین مرا بپاید.

داریوش / شوش DSg = G

1 adam: Dārayavauš XŠ vazraka XŠ XŠyānām XŠ DHnām XŠ ah

2 yāyā BUyā: Vištāspahyā puça Haxāmanišiya θāt

3 iy: Dārayavauš XŠ viθiyā imā stūnā adam akunavam

یادداشتی بر DSg:

[3] [viθiyā imā stūnā] Brd., for which Hinz, ZDMG 95.238, prefers [imam apadānam]

ترجمه DSg:

بند۱.۱-۲... (=DSd 1-2).

بند۲.۲-۳. داریوش شاه گوید:این ستون‌ها را در خانه (ام) ساختم.

DSi = I داریوش / شوش

1 adam: Dārayavauš XŠ: vazraka: XŠ XŠyānām: XŠ DHnām: XŠ a

2 hyāyā BUyā: Vištāspahyā: puça: Haxāmanišiya: θ

3 ātiy: Dārayavauš XŠ: yaθā: AM: mām: XŠyam: akunauš:

4 ahyāyā BUyā: vašnā: AMha: visam: naibam: akunavam

یادداشتی بر DSi:

[4]For restoration, cf. XPg 4, XV 20; but the Akk. does not warrant Brd.'s visam tya naibam, WZKM 39.43;cf. XPh 43.

ترجمه DSi:

بند۱.۱-۲... (=DSd 1-2).

بند۲.۲-۴. داریوش شاه گوید:پس از آنکه اهورامزدا مرا در این زمین شاه کرد، بخواست اهورامزدا هر آنچه را (که) انجام دادم خوب (بود).

DSj = J داریوش / شوش

1 adam: Dārayavauš XŠ: vazraka XŠ XŠyānām: XŠ ahyāyā BUyā: Vištāspahyā:

2 puça: Haxāmanišiya: θātiy: Dārayavauš XŠ: visam: tya: adam: akunava

3 m: aniyaθā: naiy: akunavam: yaθā: AM m: kāma: āha: avaθā: akunava

4 m: mām: AM: dauštā: āha: tya: akunavam: avamaiy: visam: ucāram: āha: θā

5 tiy: Dārayavauš XŠ: vašnā AMhā: hya: ima: hadiš: vainātiy: tya: manā: ka

6 rtam: visahyā: frašam: θadayātaiy: mām: AM: pātuv: utamaiy: DHum

یادداشت‌هایی بر DSj:

[2]visam Hinz (after Elam.). [3][paruv]iyaθā naiy 'nicht in einem einzigen Anhieb' Brd.;[aparuv]iyaθā naiy 'wie nie zuvor' Hz. ApI 103; [an]iyaθā naiy 'not otherwise' Kent; Hinz ZDMG 102.376 (after Elam.). [3]AMm kāma Hinz ib. [6]frašam θadayā[taiy] Hz. (cf. DSa 5,q.v.); frašta Scheil.

ترجمه DSj:

بند۱.۱-۲... (= DSd 1-2)،با یک مورد افتادگی).

بند۲.۲-۴. داریوش شاه گوید:هر آنچه راکه من انجام دادم، از جهات دیگر نکردم، (بلکه) آنگونه که اهورامزدا راکام بود، همانگونه کردم. اهورامزدا مرا دوست بود؛ هر آنچه که انجام دادم، آن همه، برای من موفقیت‌آمیز بود.

بند۳.۴-۶. داریوش شاه گوید:بخواست اهورامزدا، این کاخی که بوسیله من ساخته شده است، برای هرکسی که آنرا ببیند، عالی بنظر آید. اهورامزدا مرا و سرزمین مرا بپاید.

DSk = K داریوش / شوش

1 adam: Dārayavauš: XŠ: vazraka: XŠ: XŠy

2 ānām: XŠ: DHnām: V^iš tāspahyā:

3 puça: Haxāmanišiya: θātiy: Dā

4 rayavauš: XŠ: manā: AM: AMha: adam: AMm:

5 ayadaiy: AMmaniy: upastām: baratuv

ترجمه DSk:

بند۱.۱-۳. من داریوش...(=DPa 1-5).

بند۲.۳.۵. داریوش شاه گوید:اهورامزدا از آنِ من است، من از آن اهورامزدا هستم. من اهورامزدا را پرستیدم. اهورامزدا مرا یاری رساند.

DSl = L داریوش / شوش

1 θātiy: Dārayavauš: x
2 šāyaθiya: vašnā: Aura
3 mazdāha: tya: amaniyai
4 y: kunavānaiy: avamai
5 y: visam: ucāram: āha:

ترجمه DSl:

داریوش شاه گوید:بخواست اهورامزدا آنچه اندیشیدم که انجام دهم، همه آنها برای من موفقیت‌آمیز بود.

DSm = M داریوش / شوش

1 adam: Dārayavauš: XŠ: vazraka: XŠ: XŠyānām:
2 XŠ: DHnām: Vištāspahyā: puça: Haxāmanisiya:
3 θātiy: Dārayavauš: XŠ: AMmaiy: xšaçam: frābara:
4 tya: vazrakam: tya: umartiyam: mām: xšāyaθiyam:
5 ahyāyā: būmiyā: akunauš: vašnā: AMhā: imā: dah
6 yāva: tyaišām: adam: xšāyaθiya: abavam: Pārsa:
7 Ūja: Bābiruš: Aθurā: Arabāya: Mudrāya: Sparda:
8 Yauna: Māda: Armina: Katpatuka: Parθava: Zraka:
9 Haraiva: Uvārazmiš: Bāxtriš: Suguda: Gadāra:
10 Θataguš: Harauvatiš: Hiduš: Skudra: Yaunā: taka
11 barā:.....

یادداشتی بر DSm:

در اینجا متن بازسازی شده Brd. WZKM 39.55-8، علیرغم مغایرت‌های کاربردی هزوارش‌ها، ارائه

شده است.

ترجمه DSm:

بند۱.۱ـ۲. من داریوش...(DPa 1-5=).

بند۲.۳ـ۱۱. داریوش شاه گوید:اهورامزدا شهریاریِ بزرگ، دارای مردان خوب را بر من ارزانی داشت؛ او مرا در این زمین شاه کرد. بخواست اهورامزدا این‌ها هستند کشورهایی که من شاه آنها شدم: پارس، عیلام، بابل، آشور، ارابایه، مصر، سارد، ایونی، ماد، ارمنیه، کپدوکیه، پارت، زرنگ، هرات، خوارزم، بلخ، سغد، گندار، ثتگوش، رخج، سند، اِسکودرَ، ایونیایی‌های پتاسوس برسر...

DSn = N داریوش / شوش

1 imam: patikaram: Dārayavauš: XŠ: niyaštāya: cartanaiy: +++....

2...+++ na: Dārayavaum: XŠyam: AM: pātuv: utā: tya: kartam

ترجمه DSn:

ساختن این پیکره را داریوش شاه فرمان داد،... اهورامزدا داریوش شاه و آنچه را که (بوسیله او) ساخته شده بپاید.

DSo = O داریوش / شوش

1+++++ +++++ +++++ naš[a]

2 tam: akunavam: θātiy: Dā

3 rayavauš: XŠ: vašnā: AMha: Çūš

4 āyā: idā: frašam: akunavam

یادداشتی بر DSo:

هینتز در ZDMG 95.255-7، بخشی از کتیبه فوق را بعنوان کتیبه‌ای از داریوش دوم ($D^2Sd$)، بازسازی می‌کند.

ترجمه DSO:

... ساختم. داریوش شاه گوید: بخواست اهورامزدا، اینجا در شوش (بنایی) عالی ساختم.

داریوش / شوش DSp = P

1 Auramazdā: vazraka: hya: maθišta: bagānām: hauv: Dā
2 rayavaum: XŠyam: adā: haušaiy: xšaçam: frābara: tya: nai
3 bam: tya: uraθaram: uvaspam: umartiyam:...

یادداشت‌هایی بر DSP:

[3][u]raθaram Brd. WZKM 39.61-2; [f]raθaram Bv. BSLP 33.2.151.

تمام متن ارائه شده در بالا متعلق به براندنشتاین است؛ هینتز در ZDMG 95.244، این متن را بصورت زیر پیشنهاد می‌کند:

1 [baga: vazraka: Auramazd]ā[:hya: maθišta: bagān
2 ām: hya: Dārayavaum:] XŠya[m: akunauš: θāti
3 y: Dārayavauš XŠ: ima: f[raθaram [:adam: akunavam]

ترجمه DSp:

اهورامزدای بزرگ، بزرگترینِ بغان، او داریوش شاه را آفرید، شهریاری خوب، دارای گردونه رانان خوب، اسبان خوب، مردان خوب را به او ارزانی داشت.

داریوش / شوش DSq = Q

1...a...
2...:Dārayavauš: XŠ:...cašam:...
3....:adānā:.... ...nas$^{a}$tā...
4... m: mā: ka... ....:mā:yā...

ترجمه DSq:

داریوش شاه... چشم... او دانست... مَـ... مَـ...

داریوش / شوش DSs = S

1 baga: vazraka: Auramazdā: hya: frašam: ah

2 yāyā: būmiyā: kunautiy: hya: mart

3 iyam: ahyāyā: būmiyā: kunau

4 tiy: hya: šiyātim: kunautiy:

5 martiyahyā: hya: uvaspā: ura$\theta$ācā:

6 kunautiy: manā: haudiš: frābara: mām: Au

7 ramazdā: pātur: utā: tyamaiy: kartam:

یادداشتی بر DSs:

هینتز در ZDMG 95.245-8، در آغاز بیش از یک سطر را بازسازی کرده و در سطر ۶ نیز بیانی بشرح زیر دارد:

0 baga: vazraka: Auramazdā: hya: ma$\theta$išta: bag

1 ānām: hya: Dārayavaum: xsāya$\theta$iyam:] ah

.........

6 [kunautiy: hyamaiy: upastām: aba]ra: mām: Au

ترجمه DSs:

خدای بزرگ اهورامزدا است که برتری را در این زمین برقرار می‌کند، که انسان را در این زمین بوجود می‌آورد، که شادی را برای انسان می‌آفریند، که اسبان خوب، ارابه‌های خوب را می‌آفرنید. آنها را بر من ارزانی داشت. اهورامزدا مرا و آنچه را که بوسیله من کرده شده بپاید.

داریوش / شوش DSt = T

1 baga: vazraka: Auramazdā: hya: imā

2 m: būmim: adā: hya: avam: as

3 mānam: adā: hya: martiyam: a

4 dā: hya: šiyātim: adā: mart

5 iyahyā: hya: Dārayavaum: xš

6 āyaθiyam: akunauš: θāti
7 y: Dārayavauš: XŠ: mām: Auramaz
8 dā: pātuv: hadā: bagaibiš
9:utamaiy: viθam: utā: θuv
10 ām: kā: XŠ: hya: aparam: āhy

ترجمه DSt:

بند۱.۱ـ۶... (=DNa 1-6).
بند۲.۶ـ۱۰... (=DSe 49-51) و تو را که روزی شاه خواهی شد بپاید.

داریوش / شوش DSy = Y
1 adam: Dārayavauš XŠ: vazraka XŠ XŠyānām
2 XŠ DHyūnām XŠ: ahyāyā BUyā: Vi
3 štāspahyā: puça: Haxāmanišiya

یادداشتی بر DSy:

متن فوق از روی نسخه کپی شده از طریق سایش ذغال، که حذف نشانه‌های جدا سازنده واژه را مسجل می‌دارد، قرائت شده است؛ در حالیکه فاصله موجود در بخش از میان رفته سطر ۳، به حضور آن نیاز دارد. نسخه ناقص مذکور، اندکی دارای سطر بندی متفاوت است.

ترجمه Dsy:
(DSd 1-2 =)....

کتیبه‌های داریوش در سوئز = DZ

یادداشتی بر DZ:

متن ما از کتیبه‌های سوئز بر آثار جدید منانت و دارسی در Recueil de Travaux, vols. 9 and 11، با مطابقت با Oppert, Le Peuple et la

Langue des Mèdes 217-8 استوار است؛ مقایسه شود با JNES 1.415-21.

DZa = A داریوش / سوئز
1 Dā 2 raya 3 va 4 uš

ترجمه DZa:
داریوش.

DZb = B داریوش / سوئز
1 Dārayavauš: XŠ: vazraka
2: XŠ: XŠyānām: XŠ: dahy
3 ūnām: XŠ: ahyāyā:
4 būmiyā: vazrakāyā:
5 Vištāspahyā: pu
6 ça: Haxāmanišiya

ترجمه DZb:
...... (=DNa 8-12، با کمبود دو واژه).

DZc = C داریوش / سوئز
1 baga: vazraka: Auramazdā: hya: avam: asmānam: adā: hya: imām: būm
2 im: adā: hya: martiyam: adā: hya: šiyātim: adā: martiyahy
3 ā: hya: Dārayavaum: XŠyam: akunauš: hya: Dārayavahauš: XŠyā: xšaça
4 m: frābara: tya: vazrakam: tya: uvaspam: umartiyam: adam: Dārayavauš:
5 XŠ: vazraka: XŠ: XŠyānām: XŠ: dahyūnām: vispazanānām: XŠ: ahyāy

6 ā: būmiyā: vazrakāyā: dūraiy: apiy: Vištāspahyā: puça: Ha

7 xāmanišiya: θātiy: Dārayavauš: XŠ: adam: Pārsa: amiy: hacā: Pā

8 rsā: Mudrāyam: agarbāyam: adam: niyaštāyam: imām: yauviyā

9 m: katanaiy: hacā: Pirāva: nāma: rauta: tya: Mudrāyaiy: danuvatiy: ab

10 iy: draya: tya: hacā: Pārsā: aitiy: pasāva: iyam: yauviyā: akaniya:

11 avaθā: yaθā: adam: niyaštāyam: utā: nāva: āyatā: hacā: Mudrā

12 yā: tara: imām: yauviyām: abiy: Pārsam: avaθā: yaθā: mām: kāma: āha

یادداشت‌هایی بر DZc:

The Fragment has[9-10]a]biy[:draya and[10-1]akani]ya: a[vaθā.

ترجمه DZc:

بند۱.۱-۴.... (=DNa 1-6، با یک تغییر در نظم)؛ که به داریوش شاه...(=DSf 11-12).

بند۴.۲-۷... (=DNa 8-13).

بند۷.۳-۱۲. داریوش شاه گوید: من پارسی هستم؛ از پارس مصر را گرفتم؛ من کندن این ترعه را فرمان دادم از رودی نیل نام که در مصر جاری است تا دریایی که از پارس می‌رود. پس از آن این ترعه کنده شد همانگونه که من فرمان داده بودم، و ناوها از مصر از طریق این ترعه به پارس رفتند همانگونه که مرا کام بود.

DE = داریوش / الوند

1 baga: vazraka: Auramazdā

2 :hya: imām: būmim:

3 adā: hya: avam: asmā

4 nam: adā: hya: martiya

5 m: adā: hya: šyāti
6 m: adā: martiyahyā:
7 hya: Dārayavaum: xšāya
8 θiyam: akunauš: aiva
9 m: parūnām: xšāyaθ
10 iyam: aivam: parūnām
11 :framātāram: adam:
12 Dārayavauš: xšāyaθi
13 ya: vazraka: xšāyaθiya:
14 xšāyaθiyānām: xš
15 āyaθiya: dahyūnām: pa
16 ruzanānām: xšāyaθ
17 iya: ahyāyā: būmiy
18 ā: vazrakāyā: dūraiy
19 :apiy: Vištāspahy
20 ā: puça: Haxāmanišiya

ترجمه DE:

بند۱.۱-۱۱..... (=DNa 1-8).

بند۲.۱۱-۲۰..... (DNa 8-10)، دارای همه گونه مردم،... (=DNa 11-13).

داریوش / همدان = DH

1 Dārayavauš: XŠ: vazraka: XŠ: XŠyanām: XŠ: dahy
2 ūvnām: Vištāspahyā: puça: Haxāmanišiya:
3 θātiy: Dārayavauš: XŠ: ima: xšaçam: tya: ada
4 m: dārayāmiy: hacā: Sakaibiš: tyaiy: pa
5 ra: Sugdam: amata: yātā: ā: Kūšā: hacā: Hida
6 uv: amata: yātā: ā: Spardā: tyamaiy: Aurama
7 zdā: frābara: hya: maθišta: bagānām: m

8 ām: Auramazdā: pātuv: utāmaiy: viθam

یادداشتی بر DH:

متن ما از سطر بندی نسخه گرفته شده از لوحه زرین تبعیت می‌کند.

ترجمه DH:

بند ۱.۱-۲... (=DPh 1-3).

بند ۲.۳-۸... (=DPh 3-10).

XPa = A خشایارشا / پرسپولیس

1 baga: vazraka: Auramazdā: hya: imām: būmim: a

2 dā: hya: avam: asmānam: adā: hya: martiyam:

3 adā: hya: šiyātim: adā: martiyahyā: hya

4 :Xšayāršām: xšāyaθiyam: akunauš: aivam:

5 parūnām: xšāyaθiyam: aivam: parūnām: fram

6 ātāram: adam: Xšayāršā: xšāyaθiya: vazraka:

7 xšāyaθiya: xšāyaθiyānām: xšāyaθiya: dahy

8 ūnām: paruv: zanānām: xšāyaθiya: ahyāy

9 ā: būmiyā: vazrakāyā: dūraiy: apiy: Dā

10 rayavahauš: xšāyaθiyahyā: puça: Hāxāmaniš

11 iya: θātiy: Xšayārša: xšāyaθiya: vašnā:

12 Auramazdāhā: imam: duvarθim: visadahyum

13 :adam: akunavam: vasiy: aniyašciy: naibam

14 :kartam: anā: Pārsā: tya: adam: akunavam:

15 utamaiy: tya: pitā: akunauš: tyapatiy: ka

16 rtam: vainataiy: naibam: ava: visam: vašnā: A

17 uramazdāhā: akumā: θātiy: Xšayāršā:

18 xšāyaθiya: mām: Auramazdā: pātuv: utamai

19 y: xšaçam: utā: tya: manā: kartam: utā: tyamai

20 y: piça: kartam: avašciy: Auramazdā: pātuv

یادداشتی بر XPa.

10-11 hāxāmanišiya(۲۴)، تحریر نادرستی برای -hăxā.

ترجمه XPa:

بند۱.۱-۶... (=DNa 1-4)، که خشایارشا(۲۵) را شاه کرد، یک شاه از بسیاری، یک فرمدار از بسیاری.

بند۲.۶-۱۱. من خشایارشا،...(=DE 12-19)، پسر داریوش شاه هخامنشی.

بند۳.۱۱-۱۷. شاه خشایارشا گوید:بخواست اهورامزدا این دالان همه کشورها را من ساختم. بسیار (ساختمان) خوب دیگر در این (شهر) پارس ساخته شد، که من ساختم و پدر من ساخت. هر بنایی که زیبا دیده می‌شود، آن همه را بخواست اهورامزدا ساختیم.

بند۴.۱۷-۲۰. شاه خشایارشا گوید:اهورامزدا مرا و شهریاری مرا بپاید و آنچه را که بوسیله من ساخته شده و آنچه را که بوسیله پدر من ساخته شده آنرا اهورامزدا بپاید.

XPb = B خشایارشا / پرسپولیس

1 baga: vazraka: Auramazdā

2 :hya: imām: būmim:

3 adā: hya: avam: asamā

4 nam: adā: hya: martiya

5 m: adā: hya: šiyāti

6 m: adā: martiyahyā:

7 hya: Xšayāršām: xšā

8 yaθiyam: akunauš: ai

9 vam: parūnām: xšāyaθ

---

۲۴.در متن انگلیسی به اشتباه: 11-2 hāxāmanišiya.

۲۵.در ترجمه انگلیسی به اشتباه: داریوش

10 iyam: aivam: parūnām
11 :framātāram: adam: X
12 šayāršā: xšāyaθiya:
13 vazraka: xšāyaθiya: xš
14 āyaθiyānām: xšāyaθ
15 iya: dahyūnām: paruv
16 zanānām: xšāyaθiya:
17 ahiyāyā: būmiyā:
18 vazrakāyā: dūratiy: a
19 piy: Dārayavahauš: xš
20 āyaθiyahyā: puça: Hax
21 āmanišiya: θātiy: X
22 šayāršā: xšāyaθiya:
23 vazraka: tya: manā: karta
24 m: idā: utā: tyamaiy
25 :apataram: kartam: ava: v
26 isam: vašnā: Auramazdā
27 ha: akunavam: mām: Aura
28 mazdā: pātuv: hadā: ba
29 gaibiš: utāmaiy: xšaça
30 m: utā: tyamaiy: kartam

یادداشتی بر XPb:

متن ما دارای سطر بندی نسخه دوم است، بصورتی که در Hz. ApI,Tafel LX دیده می‌شود.

ترجمه XPb:

بند۱.۱-۱۱... (XPa 1-6=).

بند۲.۱۱-۲۱.... (XPa 6-11=).

بند۳.۲۱-۳۰. خشایارشا، شاه بزرگ گوید: آنچه بوسیله من در اینجا ساخته شد، و آنچه بوسیله من

در فاصله‌ای (از اینجا) ساخته شد، تمام آن را بخواست اهورامزدا ساختم. اهورامزدا با بغان، مرا و شهریاری مرا و آنچه را که بوسیله من ساخته شده بپاید.

خشایارشا / پرسپولیس XPc = C

1 baga: vazraka: Auramazdā: hya: imām: būmim:
2 adā: hya: avam: asmānam: adā: hya: marti
3 yam: adā: hya: šiyātim: adā: martiyahyā
4 :hya: Xšayāršām: Xšm: akunauš: aivam: pa
5 rūnām: XŠm: aivam: parūnām: framātāram
6 :adam: Xšayāršā: XŠ: vazraka: XŠ: XŠānām: XŠ:
7 dahyūnām: paruv: zanānām: XŠ: ahyāyā: b
8 ūmiyā: vazrakāyā: dūraiy: apiy: Dārayava
9 hauš: XŠhyā: puça: Haxāmanišiya: θātiy: X
10 šayāršā: XŠ: vazraka: vašnā: Aurahya Mazdāha: i
11 ma: hadiš: Dārayavauš: XŠ: akunauš: hya: manā:
12 pitā: mām: Auramazdā: pātuv: hadā: baga
13 ibiš: utā: tyamaiy: kartam: utā: tyamaiy:
14 piça: Dārayavahauš: XŠhyā: kartam: avašciy
15: Auramazdā: pātuv: hadā: bagaibiš

یادداشتی بر XPc:

نشانه جدا کننده میان aurahya و mazdāha موجود نیست (ca 10, cb 17, cc11)، حالت مفعولی صریح در بررسی‌های کامرون از عکس‌های مربوطه.

ترجمه XPc:

بند۱.۱ـ۵... (=XPa 1-6).

بند۲.۶ـ۹... (=XPa 6-11).

بند۳.۹ـ۱۵. خشایارشا، شاه بزرگ گوید: بخواست اهورامزدا، این کاخ را داریوش شاه که

پدر من است ساخت. اهورامزدا با بغان مرا بپاید، و آنچه را که بوسیله من ساخته شده، و آنچه را که بوسیله پدر من داریوش شاه ساخته شده، آنرا نیز اهورامزدا با بغان بپاید.

XPd = D خشایارشا / پرسپولیس

1 baga: vazraka: Auramazdā: hya: i
2 mām: būmim: ada: hya: avam
3 :asmānam: adā: hya: martiya
4 m: adā: hya: šiyātim: adā: mar
5 tiyahyā: hya: Xšayāršām: x
6 šāyaθiyam: akunauš: aivam: par
7 ūnām: xšāyaθiyam: aivam: parū
8 nām: framātāram: adam: Xšayārš
9 ā: xšāyaθiya: vazraka: xšāyaθiya:
10 xšāyaθiyānām: xšāyaθiya: dahy
11 ūnām: paruvzanānām: xšāyaθiya
12: ahiyāyā: būmiyā: vazrakāyā
13: dūraiy: apiy: Dārayavahauš: xš
14 āyaθiyahyā: puça: Haxāmanišiya:
15 θātiy: Xšayāršā: xšāyaθiya: va
16 zraka: vašnā: Auramazdāha: ima: had
17 iš: adam: akunavam: mām: Auramaz
18 dā: pātuv: hadā: bagaibiš: utama
19 iy: xšaçam: utā: tyamaiy: kartam

یادداشتی بر XPd:

نسخه db در راه پله شرقی در پایان، پس از kartam دارای نشانه جدا کننده است؛ db در راه پله غربی، در پایان، جایی برای نشانه جدا کننده دارد، اما سنگ چنان آسیب دیده است که نشانه جدا کننده‌ای نمی‌تواند دیده شود (اطلاعات کامرون).

ترجمه XPd:

بند۱.۱-۸... (=XPa 1-6).

بند۸.۲-۱۴... (=XPa 6-11).

بند۳.۱۵-۱۹. شاه بزرگ، خشایارشا گوید: بخواست اهورامزدا این کاخ را من ساختم...(=XPb 27-30).

خشایارشا / پرسپولیس XPe = E

1 Xšayāršā: xšāyaθiya: vazra

2 ka: xšāyaθiya: xšāyaθiyā

3 nām: Dārayavahauš: xšāyaθ

4 iyahyā: puça: Haxšanišiya:

ترجمه XPe:

...(=XPa 6-7,9-11).

خشایارشا / پرسپولیس XPf = F

1 baga: vazraka: Auramazdā: hya: imā

2 m: būmim: adā: hya: avam: asm

3 ānam: adā: hya: martiyam: adā:

4 hya: šiyātim: adā: martiyahy

5 ā: hya: Xšayāršām: xšāyaθiyam

6 :akunauš: aivam: parūnām: xš

7 āyaθiyam: aivam: parūnām: fram

8 ātāram: adam: Xšayāršā: xšā

9 yaθiya: vazraka: xšāyaθiya: xšā

10 yaθiyānām: xšāyaθiya: dahyū

11 nām: paruv: zanānām: xšāyaθ

12 iya: ahyāyā: būmiyā: vazrak

13 āyā: dūraiy: apiy: Dārayavaha

14 uš: xšāyaθiyahyā: puça: Haxš

15 manišiya: θātiy: Xšayāršā:
16 xšāyaθiya: manā: pitā: Dāraya
17 vauš: Dārayavahauš: pitā: Viš
18 tāspa: nāma: āha: Vištāspahy
19 ā: pitā: Aršāma: nāma: āha: u
20 tā: Vištāspa: utā: Aršāma:
21 ubā: ajīvatam: aciy: Auramaz
22 dām: avaθā: kāma: āha: Dārayava
23 um: hya: manā: pitā: avam: xš
24 āyaθiyam: akunauš: ahyāyā:
25 būmiyā: yaθā: Dārayarahauš: xš
26 āyaθiya: abava: vasiy: tya: fraθara
27 m: akunauš: θātiy: Xšayāršā
28 :xšāyaθiya: Dārayavauš: puçā:
29 aniyaiciy: āhatā: Auramazdām
30 :avaθa: kāma: āha: Dārayavauš: hya
31 : manā: pitā: pasā: tanūm: mām
32 : maθištam: akunauš: yaθāmaiy
33 : pitā: Dārayavauš: gāθavā: a
34 šiyava: vašnā: Auramazdahā: ada
35 m: xšāyaθiya: abavam: piça: gā
36 θavā: yaθā: adam: xšāyaθiya: a
37 bavam: vasiy: tya: fraθaram: aku
38 navam: tyamaiy: piça: kartam: āha
39 :ava: adam: apayaiy: utā: ani
40 ya: kartam: abījāvayam: tyapati
41 y: adam: akunavam: utamaiy: tya
42 :pitā: akunauš: ava: visam:
43 vašnā: Auramazdahā: akumā: θ
44 ātiy: Xšayāršā: xšāyaθiya:

45 mām: Auramazdā: pātuv: utama
46 iy: xšaçam: utā: tya: manā: kar
47 tam: utā: tyamaiy: piça: kartam
48 :avašciy: Auramazdā: pātuv

یادداشت‌هایی بر XPf:
[25]Dārayavahauš برای حالت فاعلی vauš-؛ در پیش نویس اصلی، $h^a$ در صورت وابستگی حذف شده است. در سطر ۲۸، و نیز هنگامیکه اشتباه مورد اشاره قرار گرفته، اصلاح در تظاهر غلط واژه اعمال شده بود.[28] برای جلوس خشایارشا نگاه کنید به: پیوست تاریخی ۵.

ترجمه XPf:
بند۱.۱ـ۸.. (=XPa 1-6).
بند۲.۸ـ۱۵.... (=XPa 6-11).
بند۳.۱۵ـ۲۷. شاه، خشایارشا گوید:پدر من داریوش بود؛ پدر داریوش ویشتاسب نامی بود. پدر ویشتاسب ارشام نامی بود. هم ویشتاسپ و هم ارشام هر دو در آن هنگام زنده بودند، اهورامزدا را چنین کام بود، داریوش، پدر من، او را در این زمین شاه کرد. زمانی که داریوش شاه شد، او بسیار (بنای) عالی ساخت.
بند۴.۲۷ـ۴۳. شاه خشایارشا گوید:داریوش را پسران دیگری بودند، (اما) چنانکه اهورامزدا را کام بود، داریوش، پدرمن، پس از خود، مرا بزرگترین کرد. هنگامیکه پدر من داریوش از تخت (کنار) رفت، بخواست اهورامزدا من برجایگاه پدر شاه شدم. هنگامیکه من شاه شدم، بسیار (بنای) عالی ساختم. آنچه را که بوسیله پدرم ساخته شده بود، من آن را پاییدم و ساختمان دیگری افزودم. آنچه را که من ساختم و آنچه که پدرم ساخت آن همه را بخواست اهورامزدا ساختیم.
بند۵.۴۳ـ۴۸... (=XPa 17-20).

XPg = G خشایارشا / پرسپولیس
1 θātiy: Xšayāršā:
2 xšāyaθiya: vazraka: vaš
3 nā: Auramazdāha: vasi

4 y: tya: naibam: akunau
5 š: utā: frāmāyatā:
6 Dārayavauš: xšāyaθiya
7 :hya: manā: pitā: vaš
8 nāpiy: Auramazdāha
9 :adam: abiyajāvayam
10: abiy: ava: kartam:
11 utā: frataram: akuna
12 vam: mām: Auramazdā
13: pātuv: hadā: bagai
14 biš: utamaiy: xšaçam

یادداشتی بر XPg:

7-8 vašnā[pi]y Bv. BSLP 34.1.32-4

که من در حال حاضر آنرا از صورت بازسازی شده خود vašnā[ci]y یا vašnā[di] y در Lg. 9.230 بهتر می‌دانم.

ترجمه XPg:

شاه بزرگ، خشایارشا گوید: بخواست اهورامزدا، داریوش شاه، پدر من، بسیار (بنای) زیبا ساخت و فرمان داد (تا ساخته شود). نیز بخواست اهورامزدا، من به آن ساختمان افزودم و (بناهای) بیشتر ساختم. ....(=XPb 27-30).

XPh = H خشایارشا / پرسپولیس

1 baga: vazraka: Auramazdā: hya: imām: būm
2 im: adā: hya: avam: asmānam: adā: hya
3 :martiyam: adā: hya: šiyātim: adā:
4 martiyahyā: hya: Xšayāršām: xšāyaθi
5 yam: akunauš: aivam: parūnām: xšāyaθ
6 iyam: aivam: parūnām: framātāram: ada
7 m: Xšayāršā: xšāyaθiya: vazraka: xšāya

8 θiya: xšāyaθiyānām: xšāyaθiya: dahy
9 ūnām: paruv: zanānām: xšāyaθiya: ah
10 yāyā: būmiyā: vazrakāyā: dūraiy: a
11 piy: Dārayavahauš: xšāyaθiyahyā: puça
12 :Haxāmanišiya: Pārsa: Pārsahyā: puça
13 :Ariya: Ariyaciça: θātiy: Xšayāršā
14 :xšāyaθiya: vašnā: Auramazdahā: imā:
15 dahyāva: tyaišām: adam: xšāyaθiya: āh
16 ām: apataram: hacā: Pārsā: adamšām:
17 patiyaxšayaiy: manā: bājim: abaraha: t
18 yašām: hacāma: aθahiya: ava: akunava: d
19 ātam: tya: manā: avadiš: adāraya: Māda
20 :Ūja: Harauvatiš: Armina: Zraka: Parθava
21 :Haraiva: Bāxtriš: Sugda: Uvārazmi
22 š: Bābiruš: Aθurā: Θataguš: Sparda
23 :Mudrāya: Yaunā: tya: drayahiyā: dā
24 rayatiy: utā: tyaiy: paradraya: dārayat
25 iy: Maciyā: Arabāya: Gadāra: Hiduš:
26 Katpatuka: Dahā: Sakā: haumavargā: Sakā
27 :tigraxaudā: Skudrā: Ākaufaciyā:
28 Putāyā: Karkā: Kūšiya: θātiy: Xša
29 yāršā: xšāyaθiya: yaθā: tya: adam:x
30 šāyaθiya: abavam: astiy: atar: aitā
31 :dahyāva: tyaiy: upariy: nipištā: a
32 yauda: pasāvamaiy: Auramazdā: upastām:
33 abara: vašnā: Auramazdahā: ava: dahyāvam
34 :adam: ajanam: utašim: gāθavā: nīšāda
35 yam :utā: atar: aitā: dahyāva: āha: yad
36 ātya: paruvam: daivā: ayadiya: pasāva: va
37 šnā: Auramazdahā: adam: avam: daivadāna

38 m: viyakanam: utā: patiyazbayam: daivā:
39 mā: yadiyaiša: yadāyā: paruvam: daivā:
40 ayadiya: avadā: adam: Auramazdām: ayada
41 iy: artācā: brazmaniya: utā: aniyaš
42 cª: āha: tya: duškartam: akariya: ava: ada
43 m: naibam: akunavam: aita: tya: adam: ak
44 unavam: visam: vašnā: Auramazdahā: aku
45 navam: Auramazdāmaiy: upastām: abara: y
46 ātā: kartam: akunavam: tuva: kā: hya:
47 apara: yadimaniyāiy: šiyāta: ahaniy
48 :jīva: utā: marta: artāvā: ahaniy:
49 avanā: dātā: parīdiy: tya: Auramazd
50 ā: niyaštāya: Auramazdām: yadaišā: a
51 rtācā: brazmaniya: martiya: hya: avan
52 ā: dātā: pariyaitª: tya: Auramazdā: n
53 ištāya: utā: Auramazdām: yadataiy: a
54 rtācā: brazmaniya: hauv: utā: jīva:
55 šiyāta: bavatiy: utā: marta: artāvā
56 :bavatiy: θātiy: Xšayāršā: xšāyaθ
57 iya: mām: Auramazdā: pātuv: hacā: ga
58 stā: utamaiy: viθam: utā: imām: dah
59 yāvam: aita: adam: Auramazdām: jadiy
60 āmiy: aitamaiy: Auramazdā:dadātuv

یادداشت‌هایی بر XPh:

[17]The hª of abaraha has become nª by failure to engrave the prior angle. [23]tªyª for tªyªiyª = tyaiy. [31]The pª of upariy lacks the two small verticals in copy a. [37]The daivadāna- of copy a is daivadāva- in copy b; the engraver was misled by the vª ending the previous line (Hz. AMI 8.62). [39]yªdªiyªišª for

$y^a d^i iy^a iš^a$ = yadiyaiša. [41]For the normalization brazmaniya here and in 51 and 54, see Lex. s.v. [41-2]$aniyašc^a$ for - $c^a iy^a$ = - ciy. [45]The $m^a$ of - maiy lacks the small middle vertical in copy b. [46]The a of kā, in both copies, has the horizontal over a single vertical only. [47]apara is perhaps an error for aparam, which elsewhere stands in this idiom. [51]Copy b ends midway in this line, with the left-hand part lacking; the engraver was accustomed to Aramaic writing, which went from right to left, Hz. AMI 8.62. [52]$pariyait^a$ = - $t^a iy^a$ = -tiy. [58]In the prior utā the space for the first character is left blank; probably the character in the model copy was illegible to the engraver.

ترجمه: XPh:

بند۱.۱ـ۶... (=XPa 1-6).

بند۲.۶ـ۱۳... (=XPa 6-11, DN 13-15).

بند۳.۱۳ـ۲۸. شاه، خشایارشا گوید: بخواست اهورامزدا این‌ها هستند کشورهایی که بجز پارس من شاه آنها بودم... (=DNa 18-22)؛ ماد، عیلام، رخج، ارمنیه، زرنگ، پارت، هرات، بلخ، سغد، خوارزم، بابل، آشور، ثتگوش، سارد، مصر، ایونیایی‌ها ـ آنهایی که در کنار دریا ساکنند و آنهایی که آنسوی دریا ساکنند، اهالی مَکَ، ارابایه، گندار، سند، کپدوکیه، دَها، سکاهای هوم ورگ، سکاهای تیز خود، اِسکودر، اهالی آکئوفَکَ، لیبیایی‌ها، کاری‌ها. کوشی‌ها.

بند۴a.۲۸ـ۳۵. شاه خشایارشاگوید:هنگامیکه من شاه شدم، در میان کشورهایی که در بالا نوشته شد (یکی از آنها) در شورش بود. سپس اهورامزدا مرا یاری رساند، بخواست اهورامزدا من آن کشور را شکست دادم و آن را سرجایش نشاندم.

بند۴b.۳۵ـ۴۱. و در میان این کشورها(جایی) بود که در آن از قبل دیوان پرستیده می‌شدند. پس از آن بخواست اهورامزدا من آن دیوکده را ویران کردم و اعلام کردم، «دیوان پرستیده نخواهند شد!»، جاییکه از قبل دیوان پرستیده می‌شدند، من در آنجا اهورامزدا و اَرتَ را با احترام ستایش کردم.

بند۴c.۴۱ـ۴۶. و (کار) دیگری بود که بد انجام شده بود؛ من آن را نیک گردانیدم. آنچه را که من انجام دادم، همه را بخواست اهورامزدا کردم، اهورامزدا مرا یاری رساند تا کار را تکمیل کردم.

بند۴.۴۶d.۵۶-۴۶. تو که از این پس (خواهی بود)، اگر بیندیشی، «هنگام زندگی شاد شوم و هنگام مرگ سعادتمند شوم»، به آن قانونی که اهورامزدا وضع کرده احترام بگذار؛ اهورامزدا و اَرتَ را با احترام بستای. مردی که به آن قانونی که اهورامزدا وضع کرده است احترام بگذارد و اهورامزدا و اَرتَ را با احترام بستاید، او هم هنگام زندگی شادی می‌شود و هم هنگام مرگ سعادتمند می‌گردد.

بند۵.۵۶-۶۰. شاه، خشایارشا گوید...(=DNa 51-55).

XPi = I خشایارشا / پرسپولیس

mayūxa: kāsakaina: Xšayāršāha: XŠhyā: viθiyā: karta

ترجمه XPi:

...(= DPi) خشایارشا.

XPj = J خشایارشا / پرسپولیس

adam: Xšayāršā: XŠ: vazraka: XŠ: XŠyānām: XŠ: DHyūnām: XŠ:ahyāyā:būmiyā: Dārayavahauš: XŠyahyā: puça: Haxāmanišiya: θātiy: Xšayāršā: XŠ: imam: tacaram: adam: akunavam

یادداشتی بر XPj:

قطعات اضافی یافته شده بوسیله کامرون، بیشتر فواصل باز مانده در قطعات هرتسفلد را پر می‌کند، و نیز قرائت‌های ahiyāyā و XŠyahiyā را برای برخی از نسخه‌ها ارائه می‌دهد.

ترجمه XPj:

بند۱.۱-۳... (=XPa 6-11 با دو مورد حذف).

بند۲.۳-۴. شاه، خشایارشا گوید: این کاخ را من ساختم.

XPk = K خشایارشا / پرسپولیس

Xšayāršā: Dārayavahauš: XŠhyā: puça: Haxāmanišiya

ترجمه XPk:

خشایارشا، پسر داریوش شاه هخامنشی.

XSa = A خشایارشا / شوش

1 θātiy: Xšayāršā: xšāyaθiya: vašnā: Auramazdāha: ima:

2 hadiš: Dārayavauš: xšāyaθiya: akunauš: hya: manā: pitā

یادداشت‌هایی بر XSa:

این متن دارای سطر بندی نسخه مربوط به شَیل است؛ نسخه دیگر سطر را پیش از ima جدا می‌کند. نسخه دستی شَیل، علیرغم صورت عادی شده $ak^{u}un^{a}uš^{a}$ توسط وَیسباخ، دارای صورت $ak^{u}un^{a}uuš^{a}$ است.

ترجمه XSa:

...(=XPc 9-12 با اندکی موارد حذف).

XSc = C خشایارشا / شوش

1 adam: Xšayāršā: xšāyaθiya: vazraka: xšāyaθiya: xšāyaθiyānām: xšāya

2 θiya: dahyūnām: Dārayavahauš: xšāyaθiyahyā: puça: Haxāmanišiya: θāt

3 iy: Xšayāršā: xšāyaθiya: ima: hadiš: akunām: pasāva: yaθā: adam: xšāya

4 θiya: abavam: aita: adam: yānam: jadiyāmiy: Auramazdām: mām: Au

5 ramazdā: pātuv: hadā: bagaibiš: utamaiy: xšaçam: utā: tyamaiy: kartam

ترجمه XSc:

بند ۱.۱-۲.... (=XPa 6-8, 9-11).

بند۲.۲ـ۵. شاه، خشایارشا گوید: این کاخ را ساختم، پس از آنکه من شاه شدم. این را من بصورت یک لطف از اهورامزدا طلب می‌کنم ...(=XPb 27-30).

XE = خشایارشا / الوند

1 baga: vazraka: Auramazdā:

2 hya: ma$\theta$išta: bagānām:

3 hya: imām: būmim: ad

4 ā: hya: avam: asmānam:

5 adā: hya: martiyam: ad

6 ā: hya: šiyātim: adā

7: martiyahyā: hya: Xša

8 yāršām: xšāya$\theta$iyam:

9 akunauš: aivam: parūn

10 ām: xšāya$\theta$iyam: aivam

11 :parūnām: framātāram

12 :adam: Xšayāršā: xšā

13 ya$\theta$iya: vazraka: xšāya$\theta$i

14 ya: xšāya$\theta$iyānām: xš

15 āya$\theta$iya: dahyūnām: par

16 uzanānām: xšāya$\theta$iya:

17 ahiyāyā: būmiyā: va

18 zrakāyā: dūraiy: apiy

19 :Dārayavahauš: xšāya$\theta$iya

20 hyā: puça: Haxāmanišiya

ترجمه XE:

بند۱.۱ـ۱۱... (=XPa 1-6).

بند۲.۱۲ـ۲۰ (=XPa 6-11).

XV = خشایارشا / وان

1 baga: vazraka: Auramazdā: hya: maθi

2 šta: bagānām: hya: imām: būm

3 im: adā: hya: avam: asmānam:

4 adā: hya: martiyam: adā: hya:

5 šiyātim: adā: martiyahyā:

6 hya: Xšayāršām: xšāyaθiyam

7 :akunauš: aivam: parūnām: x

8 šāyaθiyam: aivam: parūnām:

9 framātāram: adam: Xšayāršā:

10 xšāyaθiya: vazraka: xšāyaθiya:

11 xšāyaθiyānām: xšāyaθiya: da

12 hyūnām: paruv: zanānām: xš

13 āyaθiya: ahyāyā: būmiyā: va

14 zarkāyā: dūraiy: apiy: Dāraya

15 vahauš: xšāyaθiyahyā: puça: Ha

16 xāmanišiya: θātiy: Xšayāršā

17 :xšāyaθiya: Dārayavauš: xšāya

18 θiya: hya: manā: pitā: hauv: va

19 šnā: Auramazdāha: vasiy: tya:

20 naibam: akunauš: utā: ima: st

21 ānam: hauv: niyaštāya: katanaiy

22 :yaniy: dipim: naiy: nipišt

23 ām: akunauš: pasāva: adam: ni

24 yaštāyam: imām: dipim: nipa

25 ištanaiy: mām: Auramazdā: pā

26 tuv: hadā: bagaibiš: utāmai

27 y: xšaçam: utā: tyamaiy: kartam

یادداشتی بر XV:

سـطر ۲۵ بـطور کـامل، در عکس گـرفته شـده بـوسیله «لـهمان Lehmann» قـابل خـوانـدن است، SbPAW 1900.1.628 Taf.2

ترجمه XV:

بند۱.۱ـ۹. خدای بزرگ اهورامزدا است، بزرگترینِ بغان...(XPa 1-6=).

بند۲.۹ـ۱۶... (XPa 6-11=).

بند۳.۱۶ـ۲۷. شاه،خشایارشا گوید:داریوش شاه، که پدر من بود، او بخواست اهورامـزدا بسیار (بنای) زیبا ساخت، و فرمان کندن این کاو را او داد، جاییکه سبب نشد تـاکـتیبه‌ای نـوشته (شـود). پس از آن مـن فـرمان نـوشتن ایـن کـتیبه را دادم... (XPb 27-30=)

XH = خشایارشا / همدان

Xšayāršāha: XŠhyā: viθiyā: kartam

یادداشتی بر XH:

احتمالاً واژه «سبو» در آغاز این کتیبه از میان رفته است زیرا کتیبه روی یک سبو نـوشته شـده است. احتمالاً XŠyā نسبت بـه صـورت نـوشتاری و اسـتثنایی Hz. Apl 43 Xšhyā کـه در Hz. AMI 2.115 ارائه شده درست‌تر است.

ترجمه XH:

(سبو) ساخته شده در خانه شاه، خشایارشا.

$A^1Pa$ = A اردشیر اول / پرسپولیس

1 baga: vazraka: Auramazdā: hya:

2 imām: būmim: adā: hya: ava

3 m: asmānam: adā: hya: marti

4 yam: adā: hya: šiyātim: ad

5 ā: martiyahyā: hya: Artaxšaç

6 ām: xšāyaθiyam: akunauš: a
7 ivam: parūnām: xšāyaθiyam:
8 aivam: parūnām: framātāram
9 :adam: Artaxšaçā: xšāyaθiya
10 :vazraka: xšāyaθiya: xšāyaθi
11 yānām: xšāyaθiya: dahyūnā
12 m: paruzanānām: xšāyaθiya:
13 ahyāyā: būmiyā: vazrak
14 āyā: dūraiy: apiy: Xšay
15 āršahyā: xšāyaθiyahyā: pu
16 ça: Dārayavahauš: napā: Haxāmanišiya
17 :θātiy: Artaxšaçā: xšā
18 yaθiya: vazraka: vašnā: Au
19 ramazdahā: ima: hadiš: Xšayā
20 ršā: xšāyaθiya: hya: manā: pi
21 tā: frataram: pasāva: adam: aku
22 navam: mām: Auramazdā: pāt
23 uv: hadā: bagaibiš: utamaiy:
24 xšaçam: utā: tyamaiy: kartam

یادداشتی بر $A^1Pa$:

برای بازسازی نگاه کنید به JNES.4.228-32.

ترجمه $A^1Pa$:

بند۱. ۱ـ۸... (=DNa 1-4)، که اردشیر را شاه کرد، یک شاه از بسیاری، یک فرمدار از بسیاری.

بند۲. ۹ـ۱۶. من اردشیر... (=DE 12-19)، پسر شاه خشایارشا، نوه داریوش هخامنشی

بند۳. ۱۷ـ۲۴. اردشیر شاه بزرگ گوید: بخواست اهورامزدا، این کاخ را شاه خشایارشا، پدر من از قبل (آغاز کرد به ساختن)، پس از آن من (کامل) ساختم... (=XPb 27-30)

$A^1l$ = اردشیر اول / مکان نامعلوم

Artaxšaçā: XŠ: vazraka: XŠ: XŠyānām: XŠ:
DHyūnām: Xšayāršahyā: XŠhyā: puça:
Xšayāršahyā: Dārayavaušahyā: XShyā: puça:
Haxāmanišiya: hya: imam: bātugara: siyamam: viθiyā: karta

یادداشتی بر $A^1l$:

برای نحو فراکرد آخر، مقایسه شود با شیوه بیان در DPi, XPi, XH.

ترجمه $A^1l$:

اردشیر شاه بزرگ، شاه‌شاهان، شاه کشورها، پسر شاه خشایارشا (که) پسر داریوش شاه هخامنشی (بود)؛ که در کاخش این نعلبکی نقره‌ای ساخته شد.

$D^2Sa$ = A داریوش دوم / شوش

1 imam: apadānam: stūnāya: aθagainam:
2 Dārayavauš: XŠ: vazraka: akunauš: Dāraya
3 vaum: XŠm: AM pātuv: hadā: BGibiš

ترجمه $D^2Sa$:

این کاخ با ستون(های) سنگی را، داریوش شاه بزرگ ساخت؛ داریوش شاه را اهورامزدا بابغان دیگر بپاید.

$D^2Sb$ = B داریوش دوم / شوش

1 adam: Dārayavauš: XŠ: vazraka: XŠ: XŠyānām: XŠ: DHyūnām XŠ: a
2 hyāyā: BUyā: Artaxšaçahyā: XŠhyā: puça: Haxāmanišiya:
3 θātiy: Dārayavauš: XŠ: ima: hadiš: Artaxšaçā: paranam: akunauš:
4 hya: manā: pitā: ima: hadiš: pasāva: vašnā: AMha: adam:

akunavam

یادداشت‌هایی بر D²Sb:

Brd. WZKM 39.85-7, after the Akk., restored [3][apara]m 'upper part'= 'part at the top of the slope,' and [4][adaram] 'lower part' = 'part lower on the hill'; but Hinz, ZDMG 91.251-2, restores [parana]m and [pasāva], in temporal sense, which is preferable. [3]akunaš in copy b.

ترجمه D²Sb:

بند۱.۱-۲... (=DNa 8-12 با یک مورد حذف)، پسر شاه اردشیر هخامنشی.
بند۲.۳-۴. داریوش شاه گوید: این کاخ را اردشیر که پدر من بود، از قبل ساخت؛ پس از آن بخواست اهورامزدا، من این کاخ را (کامل) ساختم.

A²Sa = A اردشیر دوم / شوش

1 θātiy: Artaxšaçā: XŠ: vazraka: XŠ: XŠyānām: XŠ: DHyūnām: XŠ: ahyāyā: BUyā: Dāravaušahyā: XŠhyā: puça: D
2 ārayavaušahyā: Artaxšaçāhyā: XŠhyā: puça: Artaxšaçāhyā: Xšayārcahyā: XŠhyā: puça: Xšayārcahyā: Dāra
3 yavaušahyā: XŠhyā: puça: Dārayavaušahyā: Vⁱštāspahyā: puça: Haxamānᵃšiya: imam: apadāna: Dārayavauš: apanᵃyākama: ak
4 unaš: abᵃyapara: upā: Artaxšaçām: nᵃyākama: ++++:vašnā: AM: Anahᵃta: utā: Mⁱθra: imam: apadāna: adam: akunām: AM: A
5 nahᵃta: utā: Mⁱθra: mām: pātuv: hacā: vispā: gastā: utā: imam: tya: akunām: mā: vijanātiy: mā: vināθayātiy

یادداشتی بر A²sa:

سطرهای ۴-۵، پس از متن فارسی‌باستان A²Ha و تحریر اکدی A²Sa بازسازی شده‌اند.

ترجمه $A^2Sa$:

اردشیر شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه کشورها، شاه در این زمین، پسر داریوش شاه، داریوش (که) پسر شاه اردشیر (بود)، اردشیر (که) پسر شاه خشایارشا (بود)، خشایارشا (که) پسر داریوش شاه (بود)، داریوش (که) پسر ویشتاسب هخامنشی (بود): این کاخ را داریوش پدرنیای من ساخت؛ بعداً در دوره اردشیر پدربزرگ من آتش گرفت؛ بخواست اهورامزدا، ناهید و مهر، این کاخ را من ساختم. اهورامزدا ناهید و مهر مرا از هر بلایی بپایند و آنچه من ساختم نه فرو بپاشد و نه آسیب به بیند.

$A^2Sb$ = B اردشیر دوم / شوش

adam: Artaxšaçā: XŠ: vazraka: XŠ XŠyānā: XŠ: Dārayavauš: XŠhyā: puça

یادداشتی بر $A^2Sb$:

XŠ پس از Xšyānā یک تکرارنوشتاری اشتباه‌است که درهیچیک‌ازدو تحریر دیگر قرینه‌ای ندارد.

ترجمه $A^2Sb$:

...(= $A^2Sa$ 1 با مواردی از حذف).

$A^2Sc$ = C اردشیر دوم / شوش

0 Dārayavaušahyā: XŠhyā: puça:

0 Dārayavaušahyā: Vⁱštāspahyā: puça

1 :Haxāmanišiya: θātiy: Artaxšaçā:

2 xšāyaθiya: vazraka: xšāyaθiya: x

3 šāyaθiyānām: xšāyaθiya: dahyūn

4 ām: xšāyaθiya: ahyāyā: būmiyā: i

5 mām: hadiš: utā: imām: usta

6 canām: tya: :aθagainām: ta +++++

7 .................. Auramazdā:

8 ..............

یادداشتی بر $A^2Sc$:

دو سطر نخست به گونه‌ای بازسازی شده‌اند که در بردارنده قطعه مورد اشاره Wb. KIA 125n. باشد؛ اما این قطعه برای واژه «شاه» دارای هزوارش و برای بخش دیگر دارای صورت نوشتاری کامل است. مقایسه شود با یادداشتی بر DSm.

ترجمه $A^2Sc$:

بند۱.۰.۱-۱... (= $A^2Sa$ 2-3).

بند۱.۲-۷... (= $A^2Sa$ 1): این کاخ و این پلکان سنگی... اهورامزدا...

## $A^2Sd$ = D اردشیر دوم / شوش

(DC, DB, DA نسخه‌های)

1 adam: Artaxšaçā: XŠ: vazraka: XŠ: XŠyānām: XŠ: DHyūnām: XŠ: ahyāyā:

2 BUyā: Dārayavauš: XŠāhyā: puça: Haxāmanišiya: θātiy: Artaxšaçā: XŠ:

3 vašnā: AMhā: imām: hadiš: tya: $j^i$vadiy: paradayadām: adam: akunavām: AM: Anah

4 ita: utā: $M^i$tra: mām: pātuv: hacā: vispā: gastā: utamaiy: kartam

یادداشت‌هایی بر $A^2Sd$:

متن براساس سطر بندی نسخه da.

[1]a[...da; ahyāyā db; ahyā dc. [2]Haxāmanišiya db; Haxāmaniš$^a$ya da, dc. [3]aku[... da; akunavām db; akuvanašāša dc. [4]hacā da; lost in db; hašā dc. [4]vispā da, dc; $v^i$āspā db. [4]gāstā da, db; gastā dc. [4]uta[... da; utamaiy db; utamay dc.

ترجمه $A^2Sd$:

بند۱.۱-۲... (= $A^2Sa$ 1)، هخامنشی.

بند۲.۲ـ۴. شاه اردشیر گوید: بخواست اهورامزدا، این است کاخی که در زندگی خود بعنوان خلوتگاه خوشایند ساختم. اهورامزدا، ناهید و مهر مرا و آنچه را که من ساختم از هر بلایی بپایند.

اردشیر دوم / همدان $A^2Ha = A$

1 θātiy: Artaxšaçā: XŠ: vazraka: XŠ: XŠyānām: XŠ: DHyūnām: XŠ: ah
2 yāyā: BUyā: Dārayavašahyā: XŠhyā: puça: Dārayavašahyā: Artaxšaθra
3 hyā: XŠhyā: puça: Artaxšaθrahyā: Xšayāršahyā: XŠhyā: puça: Xšayār
4 šahyā: Dārayavašahyā: XŠhyā: puça: Dārayavašahyā: V$^i$štāspahyā: puça
5 :Haxāmanišiya: imam: apadāna: vašnā: AM: Anah$^a$ta: utā: M$^i$tra: adam: akun
6 ām: AM: Anah$^a$ta: utā: M$^i$tra: mām: pātuv: hacā: vispā: gastā: ut
7 ā: imam: tya: akunā: mā: vijanātiy: mā: vināθayātiy

یادداشتهایی بر $A^2Ha$:

[2,3]Artaxšaθrahyā, acc. to Tm. Lex. 54, and not-çahyā. [6][hacā: gastā] WB; [utāmaiy: xšaçam] Tm.; [hacā: vispā: gastā] Kent, after $A^2Sd$. [7]akunā for akunām, and mā with following lost verb, as in $A^2Sa$; but akunā: mā emended to akunaumā Tm. PAPA 36.xxxii, Lex. 81, and to akunavam Bthl. AiW 444.

ترجمه $A^2Ha$:

بند۱.۱ـ۵... ($=A^2Sa$ 1-3).

بند۲.۵ـ۷... ($=A^2Sa$ 4-5).

$A^2Hb$ = B اردشیر دوم / همدان

apadānam: stūnāya: aθagainam: Artaxšaçā:
XŠ: vazraka: akunauš: hya: Dārayavauš:
XŠ: puçā: Haxāmanišiya: Mitra: mām: pātuv

یادداشتی بر $A^2Hb$:

احتمالاً ضمیر اشاره imam در آغاز پیش از apadānam و عبارت‌های دیگر نیایش برای حفاظت، در پایان قرار داشته است.

ترجمه $A^2Hb$:

این کاخ با ستون(های) سنگی را اردشیر، شاه بزرگ، پسر داریوش شاه هخامنشی ساخت. مهر مرا بپاید...

$A^2Hc$ = C اردشیر دوم / همدان

1 baga: vazraka: Auramazdā: hya: maθišta:
2 bagānām: hya: imām: būmim: adā:
3 hya: avam: asmānam: adā: hya: martiya
4 m: adā: hya: šiyātim: adā: martiyahy
5 ā: hya: Artaxšaçām: XŠm: akunauš: ai
6 vam: parūnām: XŠm: aivam: parūnām:
7 framātāram: θātiy: Artaxšaça: XŠ: va
8 zraka: XŠ: XŠyānām: XŠ: DHyūnām: XŠ
9 :ahyāyā: BUyā: adam: Dārayavaušahy
10 ā: XŠhyā: puça: Dārayavaušahyā: Artax
11 šaçāhyā: XŠhyā: puça: Artaxšaçāhy
12 ā: Xšayāršāhyā: XŠhyā: puça: Xšay
13 āršāhyā: Dārayavaušahyā: XŠhyā: p
14 uça: Dārayavaušahyā: Vištāspahyā: nā
15 ma: puça: Haxāmanišiya: θātiy: Artaxša

16 çā: XŠ: vašnā: Auramazdāhā: adam: XŠ: a

17 hyāyā: BUyā: vazrakāyā: dūraiy: a

18 piy: amiy: Auramazdā: xšçam: manā: frāba

19 ra: mām: Auramazdā: pātuv: utā: xšaça

20 m: tyamaiy: frābara: utāmaiy: viθam

ترجمه $A^2Hc$:

بند۱.۱-۷. خدای بزرگ اهورامزدا است، بزرگترینِ بغان...($A^1Pa$ 1-8=).

بند۲.۷-۱۵... ($A^2Sa$ 1=): من...($A^2Sa$ 1-2=)، پسر ویشتاسب نام هخامنشی.

بند۳.۱۵-۲۰. شاه اردشیر گوید: بخواست اهورامزدا من شاه در این سر زمین بزرگ دور و گسترده هستم؛ اهورامزدا شهریاری را به من ارزانی داشت. اهورامزدا مرا و شهریاری راکه به من ارزانی داشت و خاندان مرا بپاید.

اردشیر دوم یا سوم / پرسپولیس = A?P

1 iyam: Pārsa:

2 iyam: Māda:

3 iyam: Ūvja:

4 iyam: Parθava:

8 iyam: Uvārazm$^i$ya

9 iyam: Zrakā

10 iyam: Harauvatiya

11 iyam: Θataguiya

12 iyam: Gadāraya:

13 iyam: Hiduya

14 iyam: Sakā: haumavargā:

15 iyam: Sakā: tigraxaudā:

16 iyam: Bābiruš:

17 iyam: Aθuriya

18 iyam: Arabāya

19 iyam: Mudrāya
20 iyam: Arminiya
21 iyam: Katpatuka:
22 imay: Spardiya
23 iyam: Yaunā:
24 iyam: Sakā: paradraiya:
25 iyam: Skudra:
26 iyam: Yauna: takabarā:
27 iyam: Putāya:
28 iyam: Kūšāya
29 iyam: Maciya
30 iyam: Karka:

یادداشت‌هایی بر A?P:

[11]Θataguiya Smith, Hz.; if correct, for Θataguviya; or a wrong writing for Θatagudaya or Θatagudiya, cf. Gk. Σατταγύδαι. [14]There is an extra vertical hasta between the $g^a$ and the a in haumavargā. [22]$im^ay^a$, miswritten for $iy^am^a$.

ترجمه A?P:

۱ـ این پارسی است. ۲ـ این مادی است. ۳ـ این عیلامی است. ۴ـ ایـن پـارتی است.[۵ـ۷ـ این هراتی، بلخی، سغدی است].۸ـ این خوارزمـی است. ۹ـ ایـن زرنگی است. ۱۰ـ این رخجی است.
۱۱ـ این ثتگوشی است. ۱۲ـ این گنداری است. ۱۳ـ این اهل سند است. ۱۴ـ این سکایی هوم ورگ است. ۱۵ـ این سکایی تیز خود است. ۱۶ـ این بابلی است. ۱۷ـ این آشوری است. ۱۸ـ این اهل ارابایه است. ۱۹ـ این مصری است. ۲۰ـ این ارمنی است.
۲۱ـ این کپدوکیایی است. ۲۲ـ این ساردی است. ۲۳ـ این ایونیایی است. ۲۴ـ این سکایی آنسوی دریا است. ۲۵ـ ایـن اِسکـودری است ۲۶ـ ایـن ایـونیایی

پتاسوس برسر است. ۲۷ـاین لیبیایی است. ۲۸ـاین کوشی است. ۲۹ـاین اهل مَکَ است. ۳۰ـاین کاری است.

$A^3Pa$ = A,B,C,D اردشیر سوم / پرسپولیس

1 baga: vazraka: Auramazdā: hya:
2 imām: būmām: adā: hya: a
3 vam: asmānām: adā: hya: marti
4 yam: adā: hya: šāyatām: adā: mart
5 ihyā: hya: mām: Artaxšaçā: xšāya
6 θiya: akunauš: aivam: parūvnām:
7 xšāyaθiyam: aivam: parūvnām
8 :framatāram: θātiy: Artaxsaçā:
9 xšāyaθiya: vazraka: xšāyaθiya
10 :xšāyaθiyanām: xšāyaθiya:
11 DHyūnām: xšāyaθiya: ahyāyā: BUyā: ada
12 m: Artaxšaçā: xšāya
13 θiya: puça: Artaxšaçā: Darayavau
14 š: xšāyaθiya: puça: Dārayavauš: A
15 rtaxšaçā: xšāyaθiya: puça: Artaxša
16 çā: Xšayāršā: xšāyaθiya: puça: X
17 šayāršā: Dārayavauš: xšāyaθ
18 iya: puça: Dārayavauš: V$^i$štāspa
19 hyā: nāma: puça: V$^i$stāspahyā:
20 Aršāma: nāma: puça: Haxāmaniši
21 ya: θātiy: Artaxšaçā: xšāyaθi
22 ya: imam: ustašanām: aθaganām: mā
23 m: upā: mām: kartā: θātiy: Arta
24 xšaçā: xšāyaθiya: mām: Auramazdā:
25 utā: M$^i$θra: baga: pātuv: utā: imā

26 m: DHyaum: utā: tya: mām: kartā:

یادداشت‌هایی بر $A^3$pa:

متن براساس سطر بندی نسخه a، همراه با تمام موارد نوشتاری غلط، تنظیم شده است؛ تمام چهار نسخه دارای تحریری همانند است، اگرچه سطر بندی‌ها تا اندازه‌ای متفاوت هستند.

[12] ترجمه سطرهای ۱۲ـ۲۰، نمایانگر ساخت بی‌تسلسل صورت‌های فاعلی است؛ قطعه مذکور بطور آشکار، همان مفهومی را منتقل می‌کند که در $A^2$Sa1-3 بیان شده است.

[23] برای upā mām «در زمان من» (در اینجا تنها برای تاکید آمده، زیرا آمدن آن بی‌مورد است)، مقایسه شود با $A^2$Sa 4[u]pā Arta[xšaçām] «در زمان اردشیر».

ترجمه $A^3$Pa:

بند۱.۱ـ۸... (=DNa 1-4)، که من، اردشیر را شاه...(=DNa 6-8).

بند۲.۸ـ۲۱... (=$A^2$Sa 1): من پسر شاه اردشیر هستم، اردشیر (که) پسر داریوش شاه، داریوش پسر شاه اردشیر، اردشیر پسر شاه خشایارشا، خشایارشا پسر داریوش شاه، داریوش پسر ویشاسب نام، ویشتاسب پسر ارشام نام هخامنشی (بود).

بند۳.۲۱ـ۲۳. شاه اردشیر گوید:این پلکان سنگی بوسیله من در زمان من ساخته شد.

بند۴.۲۳ـ۲۶. شاه اردشیر گوید:اهورامزدا و مهربغ مرا و این کشور را و آنچه را که بوسیله من ساخته شده بپایند.

## کتیبه‌های روی سنگ‌های وزنه

داریوش / سنگ وزنه Wa = A

1 II karšā

2 adam: Dāra

3 yavauš: xš

4 āyaθiya: va

5 zraka: Viš

6 tāspahyā

7 :puça: Hax

8 āmanišiya

ترجمه Wa:

به وزن II (واحد)...(=Wb 1-2,7-9):

داریوش / سنگ وزنه Wb = B

1 adam: Dārayavauš: x
2 šāyaθiya: vazraka: x
3 šāyaθiya: xšāyaθ
4 iyānām: xšāyaθ
5 iya: dahyūnām: xš
6 āyaθiya: ahyāyā
7 :būmiyā: Vištā
8 spahyā: puça: Haxš
9 manišiya

ترجمه Wb:

(DSf 5-8=)...

داریوش / سنگ وزنه Wc = C

1 CXX karšayā
2 adam: Dārayavauš: x
3 šāyaθiya: vazraka: x
4 šāyaθiya: xšāyaθ
5 iyānām: xšāyaθ
6 iya: dahyūnām: x
7 šāyaθiya: ahyāy
8 ā: būmiyā: Višt
9 āspahyā: puça: Hax
10 āmanišiya

ترجمه Wc :

به وزن cxx (واحد)...(Wb 1-9).

داریوش / سنگ وزنه D = Wd

1 LX karšayā

2 adam: Dārayavauš:

3 xšāyaθiya: vazraka:

4 xšāyaθiya: xšāyaθ

5 iyānām: xšāyaθ

6 iya: dahyūnām: xš

7 āyaθiya: ahyāyā

8 :būmiyā: Vištā

9 spahyā: puça: Hax

10 āmanišiya

ترجمه Wd :

به وزن LX (واحد)... (=Wb 1-9)

# کتیبه‌های روی مُهرها

| | | |
|---|---|---|
| SDa= | داریوش /مُهرA | adam:Darayavauš XŠ |
| SDb= | داریوش /مهرB | adam: Dārayavauš |
| SXa= | خشایارشا/مهرA | 1 Xšayāršā 2:XŠ: vazraka |
| SXb= | خشایارشا/مهرB | 1 adam: Xšay 2 āršā: XŠ |
| SXc= | خشایارشا/مهرC | 1 adam: Xšayāršā: XŠ 2..... |
| Sa = | مُهرA | 1 Arša 5 yāba<br>2 ka:n 6 ušna<br>3 āma: 7 hyā:<br>4 Āθi 8 puça |
| Sb= | مُهر B | 1 Hadaxaya<br>2....<br>3 θadaθa: ... |
| Sc= | مُهر C | Vašdāsaka |
| Sd= | مهرD | Vahyav$^{i}$šdāpaya |
| Se= | مهر E | 1 ma:Xa 2 rša 3 dašyā |
| Sf= | مهرF | 1 upā 2 Arta 3 xšaç 4 ām |

یادداشت‌ها:

Se :برای قرائت xišyāršа متعلق به یوستی، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل xaršadšyā . Sf : بعد از upā نشانه جدا کننده واژه وجود ندارد.

ترجمه مهرها:

| | |
|---|---|
| :SDa | من داریوش شاه (هستم). |
| :SDb | من داریوش (هستم). |
| :SXa | خشایارشاه، شاه بزرگ |
| :SXb-c | من شاه، خشایارشا(هستم). |
| :Sa | ارشک نام، پسر آثیابَ اوشنَ. |
| :Sb-e | ؟ ؟ ؟ |
| :Sf | در دوران اردشیر |

# کتیبه‌های روی گلدان

| | | |
|---|---|---|
| XVs= | خشایارشا/گلدان | Xšayāršā: XŠ: vazraka |
| AVsa= | اردشیر/گلدان A | Ardaxcašca: XŠ: vazraka |
| AVsb-d= | اردشیر/گلدان B,C,D | Artaxšaçā: xšāyaθiya |

ترجمه:

XVs: خشایارشا، شاه بزرگ.

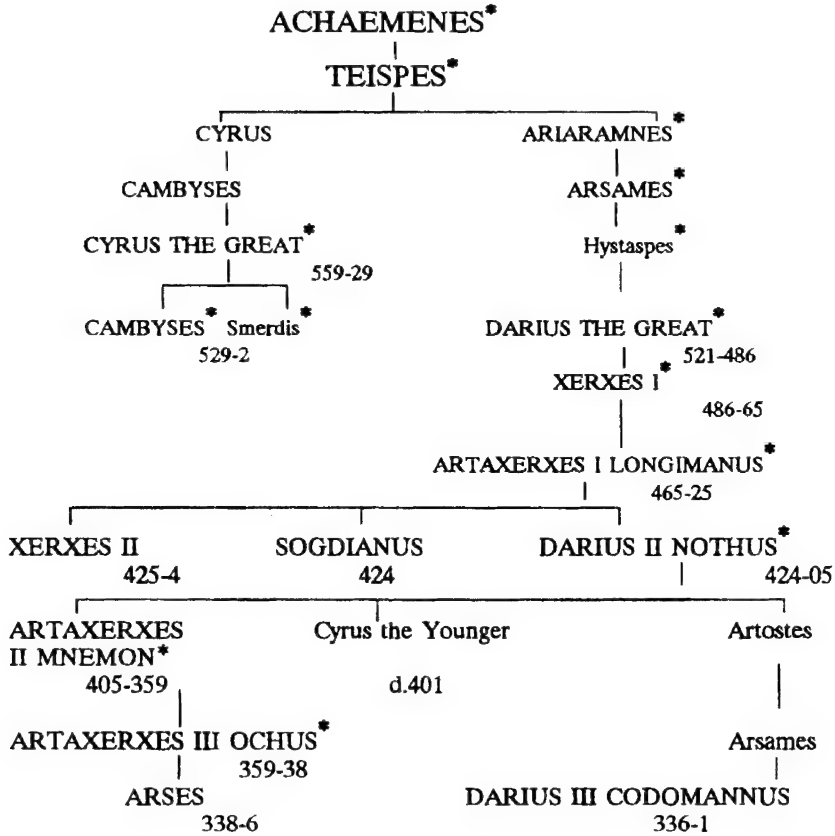
AVsa: اردشیر، شاه بزرگ.

AVsb-d: اردشیر شاه

# پیوست تاریخی

## ۱ـ سلسله هخامنشی

داریوش و شاهان دیگر پارسی که کتیبه‌های میخی مدون شده به فارسی‌باستان را برای ما باقی گذاشته‌اند، همگی به سلسله هخامنشی وابسته‌اند و نیز از این جهت به این نام خوانده می‌شوند که از تبار هخامنش بوده‌اند. اطلاعات کامل را می‌توان در PW 1.200-204 زیر مدخل Achaimenidai و همچنین زیر نام‌های شخصی افراد یافت؛ در PW 1.192 جدول کامل تبار شناسی ارائه گردیده است. در این جا نیز جدولی از مهمترین شخصیت‌های هخامنشی داده شده است؛ نام شاهان با حروف بزرگ در اندازه‌های بزرگ و کوچک همراه با سال سلطنت آنان آمده، و نشانه ستاره آن شخصیت‌های هخامنشی راکه درکتیبه‌های فارسی‌باستان ازآنان نام رفته مشخص می‌کند.



داریوش در کتیبه بهستان بند ۴ و نیز دوباره در بهستان a، تصریح می‌کند که در خاندان آنها، پیش از او هشت پادشاه وجود داشته و او نهمین بوده است. ما می‌توانیم آنها را بدین ترتیب بر شماریم: ۱ـ هخامنش، ۲ـ چیش پش، ۳ـ کوروش، ۴ـ کمبوجیه، ۵ـ کوروش کبیر، ۶ـ کمبوجیه، ۷ـ آریارمنه، ۸ـ ارشام، ۹ـ داریوش. سه نفر آخر به دودمان جوانتر آریارمنه وابسته‌اند، در حالیکه از شماره ۳ تا ۶ به دودمان چیش پس، پسر بزرگتر تعلق دارند. در این میان ویشتاسب پدر داریوش بر شمرده نشده است زیرا او در هیچ جا دارای عنوان «شاه» نیست حتی در هنگامیکه بعنوان پدر داریوش مورد اشاره قرار گرفته است، در حالیکه شاهان دیگر همه در هنگام بیان دودمان، به پدر خود عنوان «شاه» می‌دهند. هردوت ۷/۱۱، تبار داریوش را بدین ترتیب نشان می‌دهد: هخامنش، چیش‌پش، کمبوجیه، کوروش، چیش‌پش، آریارمنه، ارشام، ویشتاسب، داریوش که در این تبارنامه، داریوش نهمین است. اما بی‌تردید داریوش تبار خود را بهتر از هردوت می‌شناخت. هردوت، یا دچار تکرار نوشتاری غلطی شده است که از نسخه برداری از فهرستی که هر دو شاخه را پوشش می‌دهد، ناشی می‌شود، و یا به غلط به کمبوجیه و کوروش بعنوان نیاکان داریوش نگریسته و چیش پش را برای دومین بار درج نموده است تا فهرستی مطابق با واقعیت مشهور که بنابر آن پدر آریارمنه، چیش پش نامیده می‌شد، ترتیب دهد.

گزارش‌های دیگری که در برخی ملاحظات مهم متفاوتند، نیز وجود دارد. نیکلاس دمشقی، که تصور می‌رود از«پرسیکا»ی کتزیاس استفاده کرده باشد، بیان میدارد که کوروش کبیر در بدو تولد یک هخامنشی نبود، بلکه به اصلی پایین‌تر تعلق داشت که لطف کمبوجیه را جلب کرد و سر انجام علیه وی شورش نمود و او را سرنگون ساخت؛ نگاه کنید به ترجمه گزارش نیکلاس توسط «سی.جی. اگدن C.J.Ogden» در Dastur Hosang Memorial Volume 465-81 (Bombay 1918).

تمام گزارشات، اعم از کتابی و کتیبه‌ای توسط ویسباخ در PW, Suppl.Bd.4.1132-44, s.v.Kyros، معرفی و ارزشیابی شده است. نتایج وی بشرح زیر عبارتست از: از پسران چیش، آریارمنه در پارس (بعداً پارسوا نامیده شد) شاه بود و کوروش اول در شهر (یا ناحیه؟) انشان واقع در میان پارس و عیلام و یا احتمالاً در منتهاالیه شمال، میان پارس و ماد، پادشاهی می‌کرد. کوروش دوم پس از دستیابی به سلطنت انشان، ارشام را که در پارسوا فرمانروایی می‌کرد، بزودی خلع کرده و خود پادشاه پارسوا که بعداً پارس نامیده شد، گردید. بهرحال ارشام به قتل نرسید، بلکه

(براساس آنچه که کتیبه‌های فارسی‌باستان به ما می‌گویند) تا زمانیکه نوه‌اش داریوش به تخت سلطنت پارس نشست، هنوز زنده بود. بنابراین ویشتاسب هرگز شاه نبوده و در میان نُه پادشاه هخامنشی بر شمرده نشده است. پس از آن کوروش دوم ماد را فتح کرد و به قلمرو خود افزود و سپس فتوحات خود را از هر سمت گسترش داد. اما او از سوی نیاکان به دودمان هخامنشی وابسته بود؛ و از این روی، به سختی می‌توان او را به عنوان یک بیگانه مطرح نمود.

احتمالاً داستان کتزیاس، بگونه‌ای که توسط نیکلاس دمشقی تکرار شده، به عنوان وسیله‌ای برای بی‌اعتباری دودمان کوروش و نیز توجیه داریوش در تصرف قدرت امپراتوری، در دودمان داریوش شکل گرفته است. در این میان شورش ناموفق کوروش صغیر علیه برادر خود، اردشیر دوم، که کتزیاس بعنوان پزشک شخصی به او خدمت می‌کرد، می‌توانست موقعیت ویژه‌ای بوده باشد. مقایسه شود با (1946)JAOS 66.211.

## ۲- بردیا[1] و گئوماتا

بنابر مندرجات کتیبه بهستان بند ۱۰-۱۳، کمبوجیه پسر کوروش، برادرتنی خود بردیا را چنان مخفیانه بقتل رساند که مرگ وی بر مردم آشکار نشد؛ آنگاه به مصر لشکر کشید. هنگامیکه او سرگرم این لشکر کشی بود، شورش‌ها در پارس، ماد و نقاط دیگر گسترش یافت. بویژه اینکه مغی بنام گئوماتا رهبری شورش‌ها را بدست گرفت و ادعا کرد که بردیا پسر کوروش است و در نتیجه در تمام این سرزمین شورشی، به پادشاهی رسید. کمبوجیه که هنوز در مصر بسر می‌برد، دست به خودکشی زد.

گئوماتا شورش خود را در روز ۱۴ از ماه ۱۲ سال ۵۲۳/۲ آغاز کرد و در روز ۹ از ماه ۴ سال ۵۲۲/۱، پیروی تمام امپراتوری را نسبت به خود بدست آورد. اما داریوش پسر عموی دور کمبوجیه که می‌دانست که گئوماتا بردیای واقعی نیست، با یاری تنی چند از مردان با گئوماتا جنگید و گئوماتا و پیروان اصلی وی را در روز ۱۰ از ماه ۷ همان سال، در «سیکَ یأووَتی»، دژی در «نیسایَ» ناحیه‌ای در ماد، بقتل رساند. پس از آن داریوش شاه شد.

هردوت همین داستان را در کتاب ۳، فصل‌های ۱-۳۸ و ۶۱-۸۸، با تفصیل بیشتری روایت می‌کند. کمبوجیه به مصر لشکر کشید (فصل ۱)، و البته دلایل این تجاوز و نیز

---

۱. سمردیس smerdis

لشکرکشی نیز ارائه شده است (۱-۲۶). او در ممفیس برگاو مقدسی که بعنوان خدایی بنام آپیس ستایش می‌شد، زخمی مرگبار وارد ساخت (۲۷-۲۹)، و در نتیجه عقل خود را از دست داد. مهارت رشگ برانگیز برادر وی بردیا، در رابطه با کمان بزرگی که بوسیله طایفه «ایختیوفاگی» آورده شده بود، سبب شد که او بردیا را به پارس برگرداند و آنگاه، پس از دیدن خوابی که از جانشینی بردیا بجای او حکایت می‌کرد، وی گمارده‌ٔ خود «پرکساسپس prexaspes» را برای کشتن پنهانی او گسیل داشت و او نیز همین کار را کرد (۳۰-۳۸)، بویژه ۳۰).

پاتزیتس patizeithes مغ، از سوی کمبوجیه، بعنوان عامل و کارگزار در بار او، در شوش مانده بود، و او یکی از چند نفری بود که از مرگ بردیا آگاهی داشت. وی خود دارای برادری بود که در ظاهر بسیار زیاد به بردیا شباهت داشت، و هردوت می‌گوید، نام این برادر نیز بردیا بود. پاتزتیس برادر خود بردیا را بر تخت نشاند، با این ادعا که او بردیا پسر کوروش و برادر کمبوجیه بوده است. بردیای دروغین با اجازه حضورندادن به هرکسی که بردیای واقعی را می‌شناخت، موفق شد هویت واقعی خود را تا زمانی پنهان نگهدارد(۶۱-۶۲). اما خبرها در مصر به کمبوجیه می‌رسید و او حقیقت را می‌دانست، زیرا «پرکساسپس» او را مطمئن کرده بود که بردیای واقعی را کشته است. وی تصمیم گرفت که با غاصب بجنگد، از این روی برای بازگرداندن سپاه خود به شوش بروی اسب خود پرید، اما تصادفاً نوک شمشیر به ران او اصابت کرد و او از زخم حاصله مرد (۶۳-۶۶). بدین ترتیب بردیای دروغین برای ماه‌ها، فرمانروایی کرد؛ اما «اوتانَ[۲]» پسر «ثوخرا»، که نجیب‌زاده‌ای پارسی بود و به هویت او مشکوک شده بود، موفق شد با نیرنگی هویت او را برای خود اثبات کند (۶۷-۶۹)، و در این راه به یاری پنج نفر نجیب‌زاده دیگر که داریوش نیز که از سوی پدرش ویشتاسب، فرمانروای پارس، به شوش آمده بود، به آنان افزوده می‌شد، پشتگرم شد (۷۰؛ نگاه کنید به پیوست ۳). داریوش در ابراز عمل بیدرنگ علیه دومغ اصرار ورزید (۷۱-۷۳). آشفتگی ناشی از اعتراف آشکار و علنی «پرکساسپس» مبنی بر اینکه او بردیای واقعی را کشته است، و سپس خودکشی وی، اوضاع را مساعد کرده، سپس آن هفت مرد بناگاه به حضور آن دومغ تاخته و آنها را بقتل رساندند (۷۴-۷۹). آنگاه آنان در مورد شیوه‌ای جهت انتخاب یک نفر از میان خود برای تصدی سلطنت موافقت کردند، و داریوش به کمک نیرنگ

---

۲.برای معادل این نام‌ها در تاریخ هردوت به پیوست ۳ مراجعه کنید.

مهتر خود «اوبارس» برنده شد (۸۰-۸۸).

دو گـزارش فـوق اگـرچـه در ویـژگی‌های اصلی مشترکند امـا در جـزئیات بـطور چشمگیری متفاوت هستند. بعبارت دیگر روایت هردوت به روشنی وارد قلمرو داستان تاریخی شده است. نیز نگاه کنید به PW 3A.710-2 زیر مدخل smerdis.

## ۳- یاران داریوش

نام شش نـجیب‌زاده پـارسی کـه بـا داریـوش در کشـتن گـئوماتا، بـردیای دروغـین، همکاری کرده‌اند، در بند ۶۸ کتیبه بهستان و نیز هردوت ۳/۷۰ آمده است؛ میان نام پنج نفر نخست، در دو منبع مطابقت وجود دارد:

| هردوت | بهستان |
| --- | --- |
| Intaphernes | Viⁿdafarnā پسر → Vāyaspāra |
| Otanes پسر → Pharnaspes | Utāna پسر → Θuxra |
| Gobryas | Gaubaruva پسر → Marduniya |
| Hydarnes | Vidarna پسر → Bagābigna |
| Megabyzus | Bagabuxša پسر → Dātuvahya |
| Aspathines | Ardumaniš پسر → Vahauka |

گزارش هردوت، در نام پدر «اوتان - اوتانس» با گزارش کـتیبه بـهستان مـتفاوت است؛ وی مردونیه (۷/۸۲) سردار سومین یورش به یونان را بعنوان پسر گئوبراُوَ مورد اشاره قرار داده است در حالیکه این نام با پدر گئوبراو، مطابقت می‌کند. مگابیزوس پسر زوپیروس (۷/۸۲) نیز احتمال دارد که همان بگابوخش پسر داتووهیا یا نوه او، در کتیبه بهستان باشد یـا نـباشد. هـردوت نـام یـاران ششگـانه داریـوش را در قـطعاتی بـه جـز ۳/۸۸-۶۸، یعنی در قطعاتی که در هر نمایه اسامی خاص مربوط به متن هردوت می‌توان یافت، مورد اشاره قرار داده است. کتیبه بهستان دوباره در بند ۲۵ از «ویـدرن» بـعنوان شکست‌دهنده‌سپاه‌فرورتیش در ماد؛ از ویندفرن در بند ۵۰ بعنوان در هم کوبنده شورش در بابل؛ از گئوبراُوَ در بند ۷۱ بعنوان سرکوب کننده آخرین شورش عیلامیان، یاد می‌کند.

## ۴- تقویم پارسی و بهستان IV-I

داریوش در کتیبه بهستان ۴/۴ بیان مـی‌دارد کـه ۱۹ نـبرد، هـمراه بـا اسـارت ۹

غاصب، توسط وی در سه ستون نخست کتیبه به ثبت رسیده که تماماً نیز «در همان یکسال hamahyāyā θarda» رخ داده است. برای هجده نبرد، در تقویم پارسی، همراه با ترجمه آن به عیلامی واکدی، تاریخ داده شده است. در مرتب کردن و قرار دادن این تاریخ‌ها در یک سال، که با کشتن گئوماتا یعنی بردیای دروغین آغاز می‌شود، دشواری وجود دارد؛ نظم ماه‌ها در تقویم پارسی و تقویم‌های دیگر نیز، بهیچ‌وجه یکسان و قطعی نبوده است. بهرترتیب، در حال حاضر، «آرنوپوبل Arno poebel» از طریق نمونه‌ای از لوحه‌های اکدی و عیلامی در افزوده که تحریر فارسی‌باستان ندارند، موفق شده است که فهرست ماه‌ها را بصورت زیر بازسازی کند[۱]:

| | معادل | اکدی | عیلامی | فارسی‌باستان |
|---|---|---|---|---|
| A | Mch.-Apr. | Nīsannu | Hadukannaš | 1 Adukanaiša |
| | Apr.-May | Aiiāru | Turmār | 2 Θūravāhara |
| | May-June | Sīmannu | Sākurrisiš | 3 Θāigarciš |
| | June-July | Du'ūzu | Karmabadaš | 4 Garmapada |
| | July-Aug. | Ābu | Turnabasiš | 5 .... |
| | Aug.-Spt. | Ulūlu | Qarbaši(ia)š | 6.... |
| | Spt.-Oct. | Tašrītu | Bagiiātiš | 7 Bāgayādiš |
| | Oct.-Nov. | Arahsamna | Marqasanaš | 8 *Varkazana |
| | Nov.-Dec. | Kis(i)līmu | Haššiati(ia)š | 9 Āçiyādiya |
| | Dec.-Jan. | Ṭebētu | Hanāmakaš | 10 Anāmaka |

| | | | |
|---|---|---|---|
| 11 .... | Sami(ia)maš | Šabāṭu | Jan.-Feb. |
| 12 Viyaxna | Mi(ia)kannaš | Addāru | Feb.-Mch. |

هر چند که روایت شورش‌ها در ستون III-I با ترتیب زمانی نیامده است، اما نسبتاً دارای نظم جغرافیایی هستند که براساس همین نظم کشورهای شورشی چنانکه در بند ۲۱[۳] نامبرده شده‌اند عبارتند از: پارس، عیلام، ماد، آشور، مصر، پارت، مرو، ثتگوش، سَکَ. چنانچه بتوانیم داستان مربوطه را در حد نمونه‌ای بسیار روشن و ساده کوتاه کنیم، بصورت زیر در خواهد آمد:

پس از آنکه کمبوجیه، پسر کوروش کبیر، برادر تنی خود بردیا را پنهانی بقتل رساند، و جهت فتح مصر لشکر کشی کرد، علیه سلطنت او شورش‌هایی در پارس، ماد و نواحی دیگر رخ داد (بند ۱۰). بویژه اینکه مغی بنام گئوماتا رهبری شورش را بدست گرفت و مدعی شد که بردیا است، کسی که مرگ او تنها برای تعدادی اندک آشکار بود؛ وی شورش خود را در روز ۱۴ از ماه ۱۲ سال ۵۲۳/۲ آغاز کرد و زمانیکه در روز ۹ از ماه ۴ سال ۵۲۲/۱ شاه شد، پیروی تمام امپراتوری را جلب کرد[۲]. کمبوجیه در مصر، بلافاصله پس از شنیدن خبر شورش گئوماتا، چه عمدی و چه تصادفی، بدست خود مرد (بند ۱۱).

سه ماه بعد، داریوش و یارانش، گئوماتا و مهمترین پیروان او را در روز ۱۰ از ماه ۷ سال ۵۲۲/۱، در «سیک یَاُووَتی» در ماد کشتند. داریوش از این رهگذر شاه شد، اما در مراحل بسیار آغازین، فرمانروانی او از سوی آثرین در عیلام و ندیت‌بئیر[۴] (که مدعی بود بخت‌النصر پسر نبونید است) در بابل، که هریک در ناحیه خود بعنوان شاه شناخته شده بودند، مورد اعتراض قرار گرفت؛ که البته آثرین زیاد دوام نیاورد؛ داریوش پس از تشکیل حکومت در ماد و پارس، سپاهی از مادها و پارس‌ها گرد آورد و بسوی بابل که از نزدیکی عیلام می‌گذشت، لشکر کشید. در هنگام عبور، برای عیلامیان فرمان‌هایی ارسال کرد و آنان نیز با ترس و وحشت آثرین را گرفته و در غل و زنجیر به حضور داریوش آوردند و داریوش نیز او را کشت (بند ۱۷).

---

۳.در متن انگلیسی به اشتباه: بند ۲۲.

۴.نیدینتوبل Nidintu-Bel

داریوش با سپاهش، علیه ندیت‌بئیر رهسپار بابل شد (بند ۱۸)، و در نبود او، از ماد و پارس شورش‌های متعددی آغاز شد (بند ۲۱)، شاید بعضی از آنها زودتر آغاز شده بودند، اما خبر آنها، پیش از عزیمت علیه ندیت‌بئیر، به داریوش نرسید: الف) شورش وهیزدات در پارس با طرفداری ثتگوش واحتمالاً گروهی در رخج (بند ۴۵)؛ ب) شورش مرتیا در عیلام؛ پ) شورش فرورتیش در ماد با طرفداری ارمنیه (بند ۲۶)، شورش آشور، پارت شامل گرگان (بند ۳۵)؛ ت) شورش فراد در مرو؛ ث) شورش مصر؛ ج) شورش اِسکونخَ درسَکَ (بند ۲۱).

داریوش بسوی ندیت‌بئیر و سپاه او که در کنار دجله بود آمد، با دشواری از آن گذر کرد و او را در روز ۲۶ از ماه ۹ شکست داد (بند ۱۸)، و اگرچه ندیت‌بئیر تجدید قواکرده و دست به تهاجم زد اما داریوش دوباره او را در روز ۲ از ماه ۱۰، در زازان واقع در کنار فرات شکست داد (بند ۱۹)؛ داریوش، او و سواران معدود و باقیمانده‌اش را تا بابل دنبال کرد، آن شهر و ندیت بئیر را همراه با آن گرفت و شورش را شکست (بند ۲۰).

در این هنگام رویدادها در هرجایی در حال گسترش بود. داریوش دادرشی، سردار پارسی را که شهربان ایالت مجاور بلخ بود، همراه با نیروهای محلی‌اش، علیه فرادَ که خود را فرمانروای مرو کرده بود فرستاد، و دادرشی در روز ۲۳ از ماه ۹، با بدست آوردن پیروزی سرنوشت ساز، دوباره فرمانروایی داریوش را در مرو پا برجا ساخت (بند ۳۹).

فرورتیش با این ادعا که خشتریت از دودمان هوخشَتَرَ(۵) است خود را بر بخش بزرگی از امپراتوری، شاه کرد (بند ۲۴). نخستین گام داریوش، گسیل داشتن «واومیس» شهربان پارسی، علیه شورشیان به ارمنیه بود؛ وی می‌باید «واومیس» را قبلاً به نبرد بابلیان فرستاده باشد، زیرا «واومیس» در روز ۱۵ از ماه ۱۰ در مسیر شمال، در «ایزلا» واقع در آشور، با شورشیان برخورد کرده است. اینکه «وَاُومیس» چه نیروهایی در اختیار خود داشته، بیان نشده، و حتی اشاره‌ای به اعزام گروهایی با او نیز نرفته است؛ احتمالاً وی گروهای وفادار را در طول میسر جمع آوری کرده است. «واومیس» با این نبرد، شورشیان را تا داخل ارمنیه پس‌راند، یعنی همانجایی که وی چند ماه بعد دومین نبرد خود را با آنان انجام داد (بند ۳۰، نگاه کنید به قسمت زیر).

با اینکه نیروی مادی و پارسی همراه داریوش در بابل اندک بود، وی در زمانی کوتاه، احتمالاً نه با فاصله زمانی زیادی پس از نبرد در کنار دجله، ملزم شد که ویدرن، شهربان

---

۵. کیاکسارِس cyaxares

پارسی را با نیرویی قوی علیه فرورتیش در ماد گسیل دارد. ویدرنَ با سپاهی متعلق به فرورتیش (که وی خود با آن نبود) جهت نبرد، در "مارو" واقع در ماد روبرو شد و در روز ۲۷ از ماه ۱۰ با آنان جنگید، البته اینکه پس از آن، ویدرنَ برای ورود داریوش و سپاهش از بابل منتظر مانده باشد، غیر قطعی بنظر می‌رسد (بند ۲۵).

پارت و ناحیه مجاور گرگان، هردو به فرورتیش روی آوردند، اما ویشتاسب، پدر داریوش در پارت فرمانده سپاه بود و در نتیجه ارتش وفادار ماند. ویشتاسب در روز ۲۲ از ماه ۱۲، در «ویشپَ اوزتی» با شورشیان به نبرد پرداخت، اما پیروزی قطعی بدست نیامد.

پس از مرگ ندیت‌بئیر در بابل، داریوش علیه فرورتیش رهسپار ماد شد (بند ۳۱). مسیر حرکت، او را به عیلام نزدیک کرد، جایی که یک پارسی بنام مرتیا، تحت نام ایمنیش، خود را به شاهی منصوب نموده بود. عیلامیان که از برخورد با داریوش وحشت‌زده شده بودند، مرتیا را گرفتند و کشتند (بند ۲۲-۲۳)[۳]. در این هنگام داریوش نیرویی از پارسیان و مادها را تحت فرماندهی اَرتَ وردیا سردار پارسی، علیه وهیزدات که خود را در پارسی شاه کرده بود، روانه کرد؛ او خود با باقیمانده سپاه پارسی به ماد رفت (بند ۴۱) و در روز ۲۵ از ماه ۱ سال ۵۲۱ در «کوندورو» جنگی میان فرورتیش و او درگرفت (بند ۳۱). سپاه فرورتیش تارومار شد؛ او خود با سوارانی چند گریخت، اما در رگا غافلگیر و اسیر شد و در هگمتانه[۶] باشکنجه و عذاب بقتل رسید (بند ۳۲). داریوش از رگا، نیرویی از پارسیان را جهت تجدید قوای ویشتاسب به پارت روانه کرد (بند ۳۶).

پس از این، مردی اَسَگرَتی بنام چیثَرن تَخَم، احتمالاً فرمانده نیروهای محلی که به فرورتیش وفادار بوده است، خود را در اَسَگرتی، ناحیه‌ای در شمال ماد، شاه معرفی کرد؛ او مدعی بود که از دودمان هوخشَتَرَ است. داریوش نیرویی مرکب از مادها و پارسیان را تحت فرماندهی تَخَمسپادَ، سرداری مادی روانه کرد، کسی که چیثرن تَخَم را شکست داد و او را اسیر نزد داریوش آورد. داریوش نیز وی را در اربل با شکنجه و عذاب بقتل رساند (بند ۳۳). بدین ترتیب شورش در ماد بپایان رسید (بند ۳۴)؛ اما هنوز یک نیروی شورشی قوی در ارمنیه وجود داشت، که داریوش سرداری ارمنی بنام دادرشی را علیه آن روانه کرد. دادرشی سه بار با شورشیان جنگید و آنان را بترتیب در

---

۶. Ecbatana

روز ۸ از ماه ۲ در زوزهیَ (بند ۲۶)، در روز ۱۸ از ماه ۲ در کنار دجله (بند ۲۷) و در روز ۹ از ماه ۳ در اویَما، شکست داد، پس از آن او منتظر داریوش ماند تا بیاید و آخرین آرایشات حکومتی و دولتی را اعمال کند (بند ۲۸). این جنگ سوم از سوی دادرشی، تنها نُه روز پس از آنکه "واُومیس" در دومین درگیری، دیگر نیروی شورشیان ارمنی را در روز ۳۰ از ماه ۲ در ناحیه "اَوتی یَرَ" سرکوب کرد، واقع شد؛ که وی پس از آن، همچنین منتظر ورود داریوش ماند (بند ۳۰). بیش از این جنگ دیگری در ارمنیه در نگرفت.

ویشتاسب در پارت با پارسیانی که داریوش از رگا بسوی او روانه کرده بود، تجدید قوا کرد و پس از تعقیب سپاه شورشی، آنرا در روز ۱ از ماه ۴ در "پتی‌گربنا" تارومار نمود (بند ۳۶). این رویداد فرمانروایی داریوش را در پارت دوبار مستقر ساخت.

هنگامیکه داریوش در بابل بود، یک نفر پارسی بنام "وهیزدات"، با ادعای اینکه بردیا پسر کوروش است، شورش نموده و خود را در پارس شاه کرد (بند ۴۰). وی ظاهراً با اعتماد به موقعیت خود نیرویی را علیه ویوان، شهربان پارسی، که به داریوش وفادار مانده بود، به رخج[۴] فرستاد؛ اما ویوان در روز ۱۳ از ماه ۱۰، شورشیان را در کاپشیکانی سرکوب کرد (بند ۴۵). شورشیان بار دیگر در روز ۷ از ماه ۱۲ در "گندوتَوَ" دست به نبرد زدند، ولی در این‌جا بطور قطع شکست خوردند (بند ۴۶)؛ فرمانده آنان و نیز سوارانی چند، گریختند، اما توسط ویوان در "اَرشَدَ" اسیر شدند و ویوان همه آنها را کشت (بند ۴۷).

وهیزدات چند ماهی در پارس، بی‌مشکل فرمانروایی داشت، اما این دوران با پیشروی "ارت وردیا" و نیروی پارسی و مادی همراه که از سوی داریوش در مسیر خود به ماد اعزام شده بود، بپایان رسید. وهیزدات یک بار در روز ۱۲ از ماه ۲ در "رخا" (بند ۴۱) و بار دیگر در روز ۵ از ماه ۴ در نزدیکی کوه "پَرگ" با ارت وردیا نبرد کرد. در نبرد دوم، وهیزدات و مهم‌ترین پیروان او اسیر شدند (بند ۴۲)؛ آنان در شهر پارسی «اوودَیی چَیا» به داریوش تحویل داده شدند، و داریوش نیز آنها را با شکنجه و عذاب اعدام کرد (بند ۴۳). در این هنگام داریوش به پارس بازگشت (بند ۴۴) که بعلاوه سرزمین‌های شورشی دیگر بجز مصر و سَکَ، دوباره تحت فرمانروایی او در آمده بودند. از هنگامیکه وی گئوماتای غاصب را کشته بود، نُه ماه کامل نگذشته بود که این رویداد تحقق یافت.

اما زمانیکه داریوش در حال سرکوبی شورشیان در ماد و پارس بود، یک ارمنی بنام اَرخَ، با این ادعا که بخت‌النصر پسر نبونید است، خود را شاه بابل معرفی کرد (بند ۴۹). داریوش یک سردار پارسی بنام ویندفرن را با سپاهی علیه او روانه ساخت، و ویندفرن

پس از تعقیب اَرخَ و نیروهای او در روز ۲۲ از ماه ۸، هم اَرخَ وهم سرداران مهم او را در بابل اسیر و اعدام کرد (بند ۵۰).

این آخرین رویداد مربوط به سه ستون نخست کتیبه بهستان است، یعنی ۱۳ ماه و ۱۲ روز پس از مرگ گئوماتا؛ بنابراین، زمان مذکور عملاً از یک سالی که داریوش در ستون IV با مباهات به آن اشاره دارد، تجاوز نمی‌کند.

ستون V گزارشی در مورد سومین شورش در عیلام تحت رهبری «اَتاَمَ ئیتاَ» ارائه می‌دهد؛ «گئوبراوَ» با سپاهی از سوی داریوش علیه او روانه شد و او را شکست داد و اسیر شده برای داریوش آورد و داریوش نیز او را کشت (بند ۷۱). آنگونه که قرائت کامرون از صورت دارای ریختگی DB 5.2-3 نشان می‌دهد[۵]، تاریخ این شورش در دومین سال فرمانروایی داریوش یعنی سال ۵۲۱، جای دارد. پس از این، داریوش در سال سوم به سَکَ رفت و اِسکونخَ را شکست داده و اسیر کرد (بند ۷۴). فتح مجدد مصر نیز، اگرچه در کتیبه بهستان مورد اشاره قرار نگرفته است، اما باید در همان سال یا سال بعد روی داده باشد[۶].

## ۵ ـ جلوس خشایارشا

خشایارشا در XPf گزارشی از چگونگی جانشینی خود برای تخت سلطنت، به ما می‌دهد: داریوش را پسرانی چند بود، اما همانگونه که اهورامزدا را کام بود، او خشایارشا را (احتمالاً نه فرزند بزرگتر خود را، اگرچه این مطلب در کتیبه بیان نشده است) پس از خود (دارای) بزرگترین (مقام) کرد؛ و هنگامیکه داریوش «از تخت رفت»، همانگونه که اهورامزدا را کام بود، خشایارشا بر تخت سلطنت پدر شاه شد.

گزاش ارائه شده توسط هردوت ۴ـ۱/ ۷، نیز با این گزارش مطابقت دارد اما با تفصیل بیشتری همراه است: پس از آنکه داریوش اخباری را مبنی بر اینکه نیروهایش در ما را تن شکست خورده و نیز کمی پس از آن مصر سر به شورش برداشته، دریافت کرد، آمادگی هایی را علیه نبرد با آتنی‌ها و نیز علیه مصریان، تدارک دید. در این هنگام، میان آرتباز، پسر ارشد داریوش از همسر اول وی، دختر گئوبراوَ، و نیز خشایارشا پسر ارشد داریوش از آتوسا، دختر کورش کبیر که پس از جلوس به تخت سلطنت با وی از دواج کرده بود تا جانشینی داشته باشد، اختلافی درگرفته بود. بنابر توصیه "داما را توس"، شاه تبعید شده اسپارت، خشایارشاه نزد پدر رفته و بر این ادعا پای فشرد که او پسر ارشد

داریوش شاه است، در حالیکه آرتباز تنها پسر ارشد داریوش، یک فرد بی‌مقام است[۷]. داریوش این ادعا را تائید کرد، اگرچه شاید واقعاً نیازی به استدلال نیز نبود (آتوسا بعنوان دختر کوروش کبیر، باید نفوذ بسیاری در داریوش می‌داشته، و خشایارشا نیز احتمالاً لایق‌ترین پسران داریوش بوده است)، و بدین ترتیب خشایارشا، به جانشینی وی منصوب شد. داریوش، پیش از تدارک آمادگی‌های لازم برای نیروهای مذکور، مرد؛ در حالیکه خشایارشاه بر تخت سلطنت پدر جلوس کرد.

---

۷.آرتباز پسر ارشد داریوش پیش از جلوس به تخت سلطنت است.

## یادداشت‌های پیوست تاریخی

۱- AJSLL 55.139-42 . تقویم پارسی موضوع تحقیقات بسیاری قرار گرفته است، اما تحقیقات «پوببل» جای همه آنها را گرفته است: AJSLL 55.130-65, 285-314, 56.121-45، نیز مقایسه شود با Hinz, ZDMG 96.326-31;Cam.PTT 44-5.

۲- ماه‌ها با اعداد رومی نشان داده می‌شوند.

۳- پوبل در AJSLL 55.154 مرگ بی تاریخ مرتیا را پس از مرگ فرورتیش قرار داده است، زیرا در ردیف اسیران حجاری شده در صخره بهستان نظم مربوطه عبارتست از گئوماتا، آثرین، ندیت بئیر، فرورتیش، مرتیا، چیژن تَخَم، وَهیزَدات، اَرخَ، فراد». من توضیحی اینگونه از ردیف حجاری‌ها را نمی‌پذیرم، زیرا این نظم ما را ملزم می‌کند که مرگ فرادَ را در پایان ردیف قرار دهیم و در نتیجه تاریخ شکست او را نه در روز ۲۳ از ماه ۹ سال ۵۲۲/۱، که در روز ۲۳ از ماه ۹ سال ۵۲۱ بپذیریم، و بدین ترتیب رشته رویدادها را از ۱۳ ماه و ۱۲ روز به ۱۴ ماه و ۱۳ روز گسترش دهیم.

۴- من شورش در ثتگوش (بند ۲۲) را بعنوان پاره‌ای از وقایع رخج (بند ۴۵ ـ ۴۷) بررسی می‌کنم.

۵- Cameron, JCS 5.52-3; cf .R.A. Parker, AJSLL 58.373-7; Kent, JNES 2.109-10.

۶- Parker, l.c.

# بخش سدیگر: واژه‌نامه

این واژه‌نامه دارای کشف اللغاتی برای واژه‌های کتیبه‌ها و نیز مطالبی جهت مطابقه ریشه شناختی است. نظم الفبایی این واژه‌نامه عبارتست از: a/ā i/ī u/ū k x g c j t θ ç d n p f b m y r l v s š z h، در حالیکه y و v پایانی در این نظم نادیده گرفته شده‌اند (بنابراین naiy دارای جایگاه الفبایی nai بوده و بر -naiba مقدم است). ورود حروف بر کشیده، برای نشان دادن آواهای حذف شده در دستگاه نوشتاری فارسی‌باستان است و از این روی تاثیری در نظم الفبایی ندارند.

ارجاعات مربوط به بخش نخست (دستور زبان) با نشانه § مشخص شده‌اند[1]؛ این ارجاعات کلیه اشارات مربوط به واژه و یا صورت در افزوده به اطلاعات ارائه شده در واژه‌نامه را در برمی‌گیرد، اما در تمام نمونه‌ها دارای فهرست کاملی نیست. بخش مربوط به نحو، کم ارجاع‌ترین بخش این واژه‌نامه است، زیرا مثال‌های آن بخش بیشتر عبارات است تا واژه‌ها؛ازاین‌روی نمایه‌ای از قطعات در پایان بخش مربوطه، آمده است.

**A**

ā قید، بعنوان پیشوند و حرف (اضافه) پیشایند، «به»: اوستا، سنسکریت، ā، حرف (اضافه) پیشایند با حالت مفعولی صریح وازی، «به، تا» (نیز با کاربردها و معانی دیگر)؛ هندواروپایی آغازین $^*ā$ اگر = لاتین ā «از» (Sturtevant, Lg.15.145-54)، یا $^*ō$ اگر = یونانی – ω در *ω-κεανος* «(گرداگرد قرار گرفته)، اقیانوس».

(۱) پیشوند با فعل‌های -ay-, xšnav-, gam-, grab-, jan-, bar-, mā-, yam؛ در

---

۱. در متن ترجمه بخش دستور زبان، نشانه فوق با حرف «پ» مشخص شده است.

اسـم مـصدرهای -āyadana-, āvahana ، و در بـخش دوم ترکیبات -Āθyābaušna-, Ariyāramna-, Bagābigna و نیز در -Ākaufaciya.

(۲) حرف (اضافه) پسایند متصل به حالت دری مفرد و جمع (§270.IV) و در حرف ربط yadā؛

(۳) حرف (اضافه)پیشایند با حالت ازی: yātā ā «تا» DPh 6,7; DH 5,6.

(۴) حرف (اضافه) پیشایند با قید: DSe 48

**[1]a-** پیشوند نفی پیش از همخوان‌ها an-; §67, §67.I, §132.I پیش واکه‌ای، نگاه کنید به مدخل مربوطه): اوستا، سنسکریت -a، یونانی -a، لاتین -in، ژرمنی -un، هندواروپایی آغازین -n̥*. نگاه کنید به -akarta-, axšaina-, axšata-, Anāmaka-, ayaumani.

**[2]a-** اشاره، «این»: اوستا -a همانند اوستای گاهانی، حالت وابستگی مفرد مذکر ahē، سنسکریت -a همانند حالت وابستگی مفرد مذکر asyà، یونانی حالت دری مفرد خنثی εἰ «اگر»، لاتین، حالت فاعلی مفرد خنثی ed* در ecce «هان!»؛ هندواروپایی آغازین -e*. نیز نگاه کنید به -aciy, ada، صرف §199.

**anā** حالت بایی مفرد مذکر Dpe (نه به اوستا، سنسکریت -ana، مقایسه شود با XPa 14; (Mt. MSLP 19.49-52 (بنابر:Wb. KIA 109, Mt. Gr. §326؛ ترجمه اکدی -a-ga'، عیلامی hi «این»، که برداشت Bv. Gr. §368, §388 بعنوان حرف (اضافه) پیشایند برای واژه در حالت بایی به معنی «در طولِ، سرتاسر» را رد می‌کند؛ اوستا ana با حالت مفعولی «روی، در مورد، در طول»، یونانی àvà «در طول، سرتاسر»).

ahyāyā دری، مفرد،مونث DB 4.47; DNa 11; DSd 2°; DSe 10; DSf 7, 15; DSg lf; DSi lf, 4; DSj 1°; DSm 5°; DSs lf, 3°; DSy 2; DZb 3; DZc 5f; DE 17; XPa 8f; XPc 7; XPf 12, 24; XPh 9f; XPj; XV 13; $A^1$Pa 13; $D^2$Sb lf; $A^2$Sa 1; $A^2$Sc 4; $A^2$Sdb 1 (ahyā dc, §52.VI); $A^2$Ha If; $A^2$Hc 9, 16f; $A^3$Pa 11; Wb 6; Wc 7f; Wd 7.

ahiyāyā (§27) XPb 12; XPjv, XE 17.

**aita-** اشاره، «این» (§260.III, §266): اوستا -aēta سنسکریت età، آریایی آغازین *aita-

aita فاعلی مفرد خنثی (§202) DB 1.44,45; DNa 48. aita-maiyaita DNb 31.

aita مفعولی صریح مفرد خنثی DPd 20; DNa 53; XPh 43, 59; XSc 4°

aita-maiy DPd 22f; DNa 54f; XPh 60.

aitā مفعولی صریح جمع مونث XPh 30,35.

**ainaira-** اسم، «اَیی‌نیرَ»، یک شخصیت بابلی، پدر ندیت‌بئیر: عیلامی ha-a-na-a-ra، اکدی a-ni-ri-'.

aina[ira]hyā وابستگی، مفرد، مذکر DB 1.77f

**aiva-** صفت، «یک» (§150; §204.I): اوستا -aēva «یک»، یونانی هـمری oĩos، قبرسی οιfos «تنها»، هندواروپایی آغازین *oiuos.

aivam مفعولی صریح، مفرد، مذکر DNa 6,7; DSe 6°, 6f; DSf 4,5; DE 8f, 10; XPa 4,5; XPb 8f, 10; XPc 4, 5; XPd 6, 7; XPf 6,7; XPh 5,6; XE 9,10; XV 7,8; $A^1$Pa 6f°, 8°; $A^2$Hc 5f, 6; $A^3$Pa 6,7.

**aiš-** فعل، «شتابان رفتن»، سببی -aišaya «روانه کردن، فرستادن»: اوستا -aēš، سببی -aēšaya، سنسکریت -iṣ، سببی esayati (§117).

-fra- + aiš سببی «پیش فرستادن»: اوستا -fraēš، سنسکریت –preṣ.

frāišayam ماضی استمراری، اول شخص مفرد (§24, §72, §131, §215)DB 1.82; 2.19, 30,50, 72f, 82; 3.2, 13,30, 84; 5.7.

frāišaya ماضی استمراری DB 3.55, 60,71.

**autiyāra-** اسم، «اَوتی یارَ»، ناحیه‌ای در ارمنیه: عیلامی ha-u-ti-ia-ru-iš، اکدی

.u-ti-ia-a-ri

autiyāra فاعلی، مفرد، مذکر DB 2.58f.

**aura-** (همان -a^h^ura) اسم، «سرور، خدا»: اوستا -ahura، سنسکریت -àsura «دیو»، هندواروپایی آغازین -esuro* (§148.I).

aurahya mazdāha وابستگی، جمع، مذکر (§36.IVb, §44) XPc 10.

aurā بایی مفرد مذکر DPe 24

(بصورت دیگر در Bv. BSLP 30.1.70-3,Gr.§179, §389؛ «سرازیر»، بایی مفرد خنثی از -aura، درجه ضعیف -avara، صفت برتر از -$^2$ava، مقایسه شود با اوستای متاخر aora «پایین»). در جاهای دیگر همیشه در ترکیب -auramazdāh.

**auramazdāh-** اسم «سرور دانا. اهورامزدا»، خدای برتر دین زردشتی: اوستا در
**A** حالت فاعلی مفرد مذکر ahurō mazdā، پهلوی ōhrmazd، فارسی‌نو: هرمزد؛ عیلامی u-ra-maš-da ، اکدی ù-ra-ma-az-da ù-ri-mi-iz-da-' و غیره، یونانی Ὠρομάσδης؛ در اوستا همیشه بصورت دو واژه معمولاً جدا می‌آید و درگاهان اغلب بصورت برعکس (Kent, Or.Stud.Hon. Pavry 200-8)، اما در فارسی‌باستان بجز XPc 10 ، همیشه بصورت یک واژه بکار می‌رود (§44؛ برای aurā به تنهایی نگاه کنید زیر مدخل -aura). ترکیب -ahura* (نگاه کنید به -aura) بعلاوه ma(n)dzdhā* با پسوند s (نظر دیگر مربوط به پیزانی، مقایسه شود با §185.n3)؛ این ترکیبی است از هندواروپایی آغازین -menth* (یا درجه قوی هندواروپایی آغازین ?-math*) در یونانی بصورت ἔμαθον «من آموختم»، بعلاوه هندواروپایی آغازین -dhē* «عرضه کردن، قرار دادن»، نگاه کنید به -$^2$dā (Pisani, Riv. Stud. Or. 81-2) پس از Wackernagel-Debrunner, Altind. Gram. 3.282-3 ، بخش نخست را بصورت -mns* ، درجه ضعیف آریایی آغازین -manas می‌گیرد): برای ساخت واژه، مقایسه شود با سنسکریت -srad-dhā «اعتماد»، لاتین crēdit .§70, §156.I, §160.II; decl., §185.IV

auramazdā فاعلی، مفرد، مذکر AmH 7, 10; AsH 5f, 12; DB 1.12, 60;4.35,55,62,74,76,79f; 5.15f; DPd 1,7,13,15f,23;DPh 8,9f; DNa

1,31, 51f,55; DNb 1, 46,49; DSe 1; DSf 1,8,14,57; DSp 1; DSs 1°,6f; DSt 1°, 7f; DZc 1; DE 1; DH 6f, 8;XPa 1,18,20; XPb 1,27f; XPc 1,12, 15; XPd 1, 17f; XPf 1,45,48; XPg 12; XPh 1,32,49f,52,57,60;XSc 4f°;XE 1; XV 1,25; $A^1$Pa 1°,22°;$A^2$Sc 7; $A^2$Hc 1,18,19;$A^3$Pa 1,24. auramazdā-maiy DB 1.24f, 25, 55, 87,94; 2.24, 34, 39f, 45, 54, 60, 68, 86, 96;3.6,16f,37,44f,61f,66f,87;4.60; DNa 50 -dāiy, با حذف → $m^a$ (§52.VI);DSf 19; XPh 45.

auramazdā-taiy DB 4.78.

auramazdā-tay (§52.II) DB 4.58.

auramazdā-[šām] DB 5.31f.

auramazdām مفعولی صریح، مفرد، مذکر DB 1.54f (auramazām, §52.VI);5.16,18f,32,34; DPd 21f; DNa 54; DSf 15f,18; XPf 21f,29;XPh40,50,53,59; XSc 4.

auramazdāha وابستگی، مفرد،مذکر AmH 7f; AsH 10; DB 1.11f, 14, 18f,22f,26,60,68,70,88,94f; 2.3, 25, 35, 40, 45f,54f, 60,68, 86f,97;3.6f,17,38,45,62,67, 87f;4.4, 6,41,44,46,52, 60, 88f; 5.16f, 32f;DSf 12,21°; DSfv 55f°; DSl 2f; XPb 26f; XPd 16; XPg 3,8;XSa1;XV 19.

auramazdāhā DPd 4,9; DPe 6f; DNa 16,35,49,56f; DNb 6,47f; DSe 15, 35, 42; XPa 12, 16f; $A^2$Hc 16.

Auramazdahā (§52.III; §131; §185. IV) XPf 34, 43;XPh 14,33,37,44;$A^1$Pa 18f.

AM فاعلی،مفرد،مذکر (§42) DSe 50°; DSi 3°; DSj 4, 6°; DSK 4; DSn 2°; $D^2$Sa 3; $A^2$Sa 4° (§313.II بصورت وابستگی) 4;$A^2$Sd 3;$A^2$Ha 5° (بصورت وابستگی), 6.

AMmaiy DSk 5;DSm 3°.

AMm مفعولی صریح، مفرد، مذکر DSj 3°; DSK 4.

AMha وابستگی مفرد مذکر DSa 4; (§42 صورت متصل) DSk 4.

AMhā DSj 5; $A^2$Sd 3.

AMha یا AMhā DSd 3°; DSi 4°; DSm 5°; DSo 3°; D²Sb 4°.

**ākaufaciya-** صفت، اسم «اهل اکَئوفک»؛ جمع، ایالتی از امپراتوری ایران: اکدی a-ku-pi-i-iš. مشتق از -akaufaka* «کوهستان»، پیشوند ā بعلاوه -kaufa «کوه» بعلاوهٔ پسوند صفت ساز (§113,§144,III; cf.Hz.AMI 8.72; Kent,Lg.13.298-9)
ākaufaciā فاعلی جمع، مذکر Xph 27.

**akarta-** صفت «ناکرده، نساخته، مرمت نشده»؛ نشانه نفی -a بعلاوه وجه وصفی از -kar «ساختن» (نظر .Kent, JAOS 54.43)
[akartā] فاعلی، مفرد، مونث DSe 47.

**axšaina-** صفت، با -kāsaka «فیروزه» (نیز Bleichsteiner, WZKM 37.103-4، و König, Burgbau 63-4، اما Hinz, ZDMG 95.235-6 آنرا با تردید بررسی کرده است؛ با اینکه به سختی می‌توان معنی «کهربای خاکستری» را از سوی Hz. AMI 3.65-7, ApI 232 قبول کرد ولی معنی «هماتیت» را از سوی Scheil 21.29-30 نمی‌توان پذیرفت): اوستا -axšaēna «تیره رنگ»، وام گرفته شده در یونانی πòντos Aζεινos «دریای سیاه (براساس ریشه‌شناسی عامیانه یونانی «بخیل»، و با حسن تعبیر بصورت Evζεινos تغییر کرده است)، از نشانه نفی -a بعلاوه -xšaina، مقایسه شود با اوستا- xšaēta «درخشان» (§102, §147.I).
axšaina فاعلی، مفرد، مذکر DSf 39.

**axšata-** صفت «پیوسته، ناگسسته»: نشانه نفی -a بعلاوه وجه وصفی -xšan (§102,§242.I)، سنسکریت kṣanòti «آسیب می‌رساند»، یونانی kteινeι «می‌کشد» (بصورت دیگر Foy KZ 35.49, Hz.ApI 70-1).
axšatā فاعلی، مفرد، مونث DPe 23.

**āgariya-** صفت «وفادار» در تضاد با-arikả (Bv. BSLP 47.132-3): برپایه (اوستا) -ā-²gar «تمجید کردن» (Bthl.AiW 512; Duchesne-Guillemin, Comp. de lAv.74).
āgaria فاعلی، مفرد، مذکر DB 1.21

(قرائت کامرون، نگاه کنید به عبارت مربوطه؛ پذیرش صورت عادی شده agriya کنت، = اوستا -aγrya «عالی»، سنسکریت -agriyà «برجسته»، برپایه اوستا -aγra «نخستین»، سنسکریت -ágra «اوج»، دشوار است: در برابر ++ $ag^{a}r^{a}$ متعلق به KT، āgar[ta] مربوط به:
Wb. ZDMG 61.725, Tm.Vdt. Stud.1.9, cf.Bthl. WZKM 22.72; $\bar{a}gra^{n}[\theta a]$ Jn. Indian Stud. Lanman 255-7; āgr[mata]König, RuID 65; āgr[mā] Hz.ApI.59-62).

**agura-** اسم «آجر پخته» (§153.I).

[agurum] مفعولی صریح مفرد مذکر DSf 53,
ارائه شده از سوی König, Burgbau 52، پس از a-gar-ru متن اکدی، مقایسه شود با فارسی‌نو «اگور» در همان معنی.
a[g]ura[vā] دری مفرد مذکر DB 4.89,
(بازسازی شده بوسیله kent, JAOS 62.267، پس از könig, klotho 4.45)، اما قرائت کامرون بصورت ariyā āha.

**aciy** قید «آنگاه، در آن هنگام» (§291.IV): اوستا atčit «و براستی» لاتین ecquid از ادات پرسش «هر چیز»، هندواروپایی آغازین $^{*}ed\text{-}q^{u}id$. نگاه کنید به -$^{2}$a «این» و ادات -ciy (§105,§130; Bv. BSLP 33.2.152-3; Hz. AMI 4.125-6,8.41, ApI 55-6; Wb. ZfA 41.319). XPf 21.

**atamaita-** اسم «اتامَ ئیتا»، یک شورشی بابلی: عیلامی atameta (§54.I,§76.V; Hüsing ap. Prašek, GMP 2.73.n3; König, RuID 78; نه صورت umamaita پس از ummaima مربوط به Oppert, Mèdes 158، برپایه صورت $+ tim^{a}im^{a}$ راولینسون، و بعد صورت تغییر داده شده $+ m^{a}m^{a}it^{a}$ از سوی KT).
[a]tamaita فاعلی،مفرد،مذکر DB 5.5

**ātar-** اسم «آتش»: اوستا $\bar{a}\theta r-$ -ātar، فارسی‌نو «آذر»؛ در -āçiyādiya و احتمالاً در āçina- (§152.I).

**atar** (همان $a^{n}tar$) ، حرف (اضافه) پیشایند با حالت مفعولی صریح «اندر، میان»: اوستا antarə ، سنسکریت antar ، لاتین inter هندواروپایی آغازین *enter (§31).
DB 1.21;2.78;4.32,92;XPh 30,35.

**ati-** پیشوند «ماوراء، آنسوی»: اوستا aiti ، سنسکریت àti ، یونانی ἔτι «هنوز، طولانی‌تر»، لاتین et «و»، هندواروپایی آغازین *eti ؛ با -ay . نیز مقایسه شود با aθiy.

**aθaga-** (همان $a\theta a^{n}ga$-) اسم «سنگ»: اوستا -asənga ، فارسی‌نو «سنگ»، مقایسه شود با فارسی‌باستان -asan-,asman (§87,§151,§155.I) ؛ نیز نگاه کنید به aθagaina-.

aθagam مفعولی صریح، مفرد، مذکر DSf 24,48.

**aθgaina-** (همان $a\theta a^{n}gaina$-) صفت «سنگی»: مشتق از -aθaga (§147.III) ، احتمالاً با ویژگی vriddhi (?-āθagaina ;§126).

aθagaina فاعلی مفرد مذکر DPc.
aθagainam مفعولی صریح،مفرد، مذکر $D^2Sa$ 1; $A^2Hb$.
aθagainām مفعولی صریح،مفرد،مونث $A^2Sc$ 6.
aθaganām (§56.V) فاعلی مفرد،مونث ← بجای (§52.VI) مفعولی صریح،مفرد،مونث $A^3Pa$ 22.
aθagainiya فاعلی جمع،مونث §179.III,§190.I;JAOS 53.20 ؛§152.II به اشتباه در aθagainīy ؛نه König, Burgbau 68; در حالت فاعلی مفرد مونث برای اسم جمع stūnā همانگونه که از سوی Hz.AMI 3.68 گرفته شده است). DSf 45.

**aθahavaja** قرائت اشتباه KT در DB 4.90 . مورد بحث از سوی Morgenstierne, Acta Orientalia 1.252؛ از سوی F.W.König,Klotho 4.44-5 ؛ و از سوی Kent, JAOS 62.268 . قرائت درست بصورت akunavam از سوی کامرون (JCS 5.50 ؛ و نیز مقایسه شود با Kent, JAOS 72.14) مطرح شد.

**aθiy** حرف (اضافه) پیشایند با حالت مفعولی صریح «به».
DB 1.91
ظاهراً جفتی برای atiy(Bv.Gr. §102)، احتمالاً از طریق خلط *aθi پیشواکه‌ای و ati پیش همخوانی در فرایند سندهی (§80;Mt.Gr. §103).

**āθiyābaušna-** اسم «آثیابَ اوشن»، پدر «ارشاک» (§163.III): ترکیبی از (اوستا) -āθi «تباهی، بدبختی» بعلاوهٔ وجه وصفی گذشته -ā-baug «رها کردن» (§243) همراه با صورت متاخر -šn- از -xšn-(Bv. BSLP 29.2.104)، مقایسه شود با اوستا -pouru-baoxšna «موجب رهایی بسیار» (Bthl. AiW 901) : «رها شده از بدبختی» (§160.Id)؛ نه عملاً «موجب‌رهایی از بدبختی»، همانگونه که Bthl. Aiw 322-3 آنرا اختیار کرده است؛ بصورت دیگر در Hz. ApI 191-2: -haθiya «حقیقت»، با نبود متاخر -h+ مشتقی از -ā-baud «خوشبو بودن»، مقایسه شود با اوستا -baoδi «بوی خوش»، بنابراین در مجموع «دارنده بوی خوش حقیقت»؛ Gray, AJP 72.326-7، بصورت یک ترکیب ملکی (§161) «دارنده رهایی از بدبختی»، نگاه کنید به پیوست 79a.
āθiyābaušnahyā وابستگی،مفرد،مذکر Sa 4-7.

**aθurā-** اسم «آشور (و سوریه)»، ایالتی از امپراتوری ایران (§6, §166.III) : عیلامی áš-šú-ra، اکدی áš-šur، یونانی Ἀσσυρίā , اما آرامی aθur.
aθurā فاعلی،مفرد،مونث DB 1.14f;2.7; DPe 11;DNa 26f; DSe 26°; DSm 7°; XPh 22.
aθurāyā دری،مفرد،مونث (§136) DB 2.53 f.

**aθuriya-** صفت «آشوری»: مشتقی برای مدخل پیشین (§144.III)، احتمالاً با ویژگی vriddhi در هجای نخست (§126; āθuriya-?)
aθuriya فاعلی،مفرد،مذکر DN xvii; DSf 32;A?P 17.
**āçina-** اسم «آثرین»، یک شورشی عیلامی: عیلامی ha-iš-ši-na، اکدی a-ši-na. یا از عیلامی به وام گرفته شده (Foy, KZ 37.498)؛ و یا صورت کوتاه شدهٔ یک نام هندواروپایی است که با -āç فارسی‌باستان = اوستا -āθr، -ātar «آتش» آغاز

می‌شود (§147.II, §152.I) ، مقایسه شود با -ātərə-dāta «آتش داده یا آتش آفریده» و اسامی دیگر (Vd.18.52; Justi, INB 50; Bthl. AiW 324)
āçina فاعلی،مفرد،مذکر DB.1.74,82;4.10;DBc 1f.
āçinam مفعولی صریح،مفرد،مذکر DB 1.76.

**āçiyādiya-** صفت «آثری یادیاً، نهمین ماه، برابر با نوامبر- دسامبر: عیلامی hašši̇iatiiaš، اکدی kis(i)līmu . ترکیبی از -ātar «آتش» بعلاوه مشتقی از -yad- «ستایش کردن» (§126; §152.I): «ماه پرستش آتش». **A**
āçiyādiyahya وابستگی،مفرد،مذکر DB 1.89; 3.18.

**ada-** قید «آنگاه»: اوستای گاهانی adā ، اوستای متاخر aδa ، سنسکریت àdha «بنابراین» مقایسه شود با یونانی (θεν→ و )θε-προσ«در برابر»: هندواروپایی آغازین *e-dhe ، برپایه ریشه مختوم به -a$^2$(§76.III;§191.II) ؛ نیز نگاه کنید به adakaiy
ada-taiy DNa 43,45.

**adakaiy** قید «آنگاه»: فارسی‌باستان -kaiy + -ada، یونانی، قید ποι«جایی»، هندواروپایی آغازین *q$^u$oi ، حالت دری مفرد خنثی برپایه بن پرسشی نامعین (§135).
DB 2.11,24;4.81,82;DNb 38.

**adam** ضمیر «من»: اوستا azəm ، سنسکریت ahàm ، هندواروپایی آغازین *eghom (§109)، مقایسه شود با هندواروپایی آغازین *egō در یونانی εγω ، لاتین ego (§193.I)
adam فاعلی،مفرد،مذکر AmH 5,8; AsH 14; CMa 1; DB 1.1, 10, 12, 39, 52, 54 bis, 56, 59, 60, 62, 63, 64, 66, 67, 68 bis, 70, 72, 73, 75, 78, 82, 83,86, 89, 91, 95; 2.3, 5,6, 10°, 11, 15°, 19, 28, 30, 48, 50, 63, 64, 69, 72, 80, 81, 88; 3.1, 13, 25, 29, 50, 77, 80, 84; 4.3, 8, 11°, 14, 16, 19, 21, 24, 27, 29, 32, 40, 45, 59, 64, 71, 81, 89; 5.2, 6f, 13, 21, 25°; DBa, 1, 16; DBb 4,6; DBc 5f; DBd 3,6; DBe 5, 8; DBf 3f; DBg 5; DBh 4f, 8; DBi 4,9; DBj 4; DPd 20; DPe 1,7; DPh 4;

DNa 8,17,34,37; 53f; DSa 1,4; DSb 1; DSc; DSd 1°; DSe 7f, 16°, 34, 44°; DSf 5,18°, 21°; DSg 1,3°; DSi 1; DSj 1°, 2°; DSk 1,4; DSm 1°, 6°; DSy 1; DZc 4,7,8, 11; DE 11; DH 3f; XPa 6, 13, 14; XPb 11; XPc 6; XPd 8,17; XPf 8,34f,36,39,41; XPg 9; XPh 6f,15,29,34,37,40,42f,43,59; XPj bis; XSc 1°,3°,4°; XE 12; XV 9,23; A¹Pa 9°,21°; D²Sb 1°, 4°; A²Sa 4; A²Sb; A²Sd 1,3; A²Ha 5°; A²Hc 9,16; A³Pa 11f; Wa 2; Wb 1; Wc 2; Wd 2; SDa; SDb; SXb 1; SXc 1.

adam-šaiy DB 2.73f.

adam-šim (§39) DB 1.62, 83; DNa 35f.

adam-šām DB 1.14; DNa 18; DSe 17; XPh 16.

adam-šiš DB 4.6.

mām مفعولی صریح،مفرد مذکر

(اوستا mam ، سنسکریت mām ، هندواروپایی آغازین *mē بعلاوه پایانه مفعولی صریح m-;(§193.II):

AsH7,11; DB 1.52 (mātya-mām, §133),82f,93°;2.18, 28,48,63,67,73,88;3.30; 4.35,91;5.13,17,26,28°,29°,33;DPh 9; DNa 33,37,51;DNb 11,22,26,49;DSe 50°; DSf 9,10,14f,17 bis, 57; DSi 3°; DSj 4,6°; DSm 4°; DSs 6; DSt 7°; DZc 12; DH 7f; XPa 18; XPb 27;XPc 12; XPd 17; XPf 31,45; XPg 12; XPh 57; XSc 4°; XV 25; A¹Pa 22°; A²Sa 5°; A²Sd 4; A²Ha 6; A²Hb°; A²Hc 19; A³Pa 5,23,24;22f,26 (§56.V; برای → manā?).

-mā پی‌چسب،مفعولی صریح، مفرد مذکر

(اوستا mā ، سنسکریت mā ، هندواروپایی آغازین *mē , §193.II ؛ مقایسه شود با پی‌چسب *me در یونانی με):

nai-mā DNb 8 (na[imā]),10,19; nai-pati-mā DNb 20.

manā وابستگی،مفرد،مذکر

(اوستا mana ، سنسکریت màma ، آریایی آغازین *mana ، مقایسه شود با لیتوانیایی màno ; §193.III):

AmH 6,10; AsH 9;DB 1.4, 9,12,13,18,19 bis,23,27,60;2.19f, 21, 25, 27,29f,31,35,40,46,49,51,55,60f,82,84,87, 91f, 93;3.9f, 10,13, 15,17, 20, 20f,31,32,38,45,53,56,62,67,75f,76,84,86;4.2,12, 35,42, 49, 52, 53f,66,82f;5.8, 14,30;DBa 5,14f; DPd 7,13;DPe 9;DNa 19,21,33; DNb 56°; DSe 18°,20°,38;DSf 12,13,58;DSj 5°; DSk 4; DSs 6°; XPa 19; XPb 23; XPc 11; XPf 16,23,31,46; XPg 7; XPh 17,19; XSa 2; XV 18; $A^1$Pa 20°; $D^2$Sb 4°; $A^2$Hc 18. mana-cā(§135) DPd 9f.

-maiy وابستگی،مفرد،مذکر

(اوستای گاهانی، وابستگی-برایی mōi، اوستای متاخر mē، سنسکریت me، یونانی، برایی μοι، هندواروپایی آغازین *moi)پی‌چسبی برای:

aita,auramazdā AM, ava, avākaram avākaramca-, ucāram, utā uta-, tya, dahyāuš, dipī-, duvarayā, nai-, pati-, patišam, pasāva, yaθā, hauv hau-: AsH 12, DB 1.25 bis, 55,87, 94; 2.24, 34,40, 45,54, 60, 68,75,79,86, 90, 96; 3.6, 11,17,37, 44f, 61f,66f, 87;4.39, 46,60,64,89,90; DPd 23°, DPh 8, 10; DNa 50 ( مـــــــخدوف $m^a$, §52.VI), 52f,54f; DNb 13,28,28f, 31,32f, 33, 48, 51,52; DSe 51°,52°; DSf 10,19,19°,20°,58; DSj 4°,6°; DSk 5; DSl 4f;DSm 3°; DSs 7°; DSt 9°; DH 6,8; XPa 15,18f, 19f; XPb 24,29,30; XPc 13 bis; XPd 18f, 19; XPf 32,38,41,45f,47; XPg 14; XPh 32,45,58,60;XSc 5° bis; XV 26f°,27°; $A^1$Pa 23°, 24°; $A^2$Sdb 4 (-may dc, §52.VI); $A^2$Hc 20 bis.

-ma برای، وابستگی مفرد مذکر → -maiy (§193.III)

apan$^a$yāka-ma $A^2$Sa 3;]kama [n$^a$yā برای → n$^a$yākam-ma (§130) $A^2$Sa 4. نه kamna-ma DB 2.19، همانگونه که تولمان آنرا اختیار کرده است.

- ma پی‌چسب،ازی،مفرد،مذکر

(اوستا mat، سنسکریت mat، هندواروپایی آغازین *med ،§193.IV؛ صورت دارای تکیه مستقل هندواروپایی آغازین *med در لاتین باستان mēd، لاتین کلاسیک mē)؛ تنها در DB 1.19,23;2.6,12° ,16,93 hacā-ma

3.27,78,81;5.23°; DPe 9;DNa 20; DSe 19°; XPh 18.
نه duvitīya-ma DB 3.24 (نزد .Bthl)؛ نه apara-ma DB 4.37,68,87 (نزد Bthl)، و نه Dst 10°

vayam فاعلی جمع مذکر
(اوستا vaēm، سنسکریت vayàm، هندواروپایی آغازین *uei بعلاوه آریایی آغازین -am، مقایسه شود با گوتیک wei-s;§193.V)
DB 1.7,10°; DBa 10,17.
amāxam وابستگی جمع مذکر
(اوستا ahmākəm، سنسکریت asmākam;§118.II, §193.VI)
DB 1.8,28,45,49,61,69,71;DBa 12f.

**adukanaiša-** صفت «اَدوکنیش»، نخستین ماه، برابر با مارس ـ آوریل: عیلامی ha-du-kan-na-iš، اکدی nīsannu: -naiša- بیشتر برپایه نمونه عیلامی، حالت مفعولی صریح در MB Gr. §96، تا (§117)-niša-. ترکیبی از (?)-adu بعلاوهٔ -kan «کندن»، احتمالاً با ویژگی vriddhi (?-ādu ;126§): «ماه لایروبی کانال آبیاری»، اشاره به لایروبی مجراهای زیرزمینی برای آب آبیاری، که قاعدتاً در بهار انجام می‌شده است (مقایسه شود با Bthl.Aiw 61).
aduka[nai]šahya وابستگی مفرد مذکر DB 2.69.

**an-** پیشوند نفی پیش از واکه‌ها، مقایسه شود با -a[1] پیش از همخوان‌ها: اوستا، سنسکریت -an، یونانی -αν، لاتین -in، گوتیک -un، هندواروپایی آغازین *n̥- (§67.I)؛ در -anāhatā.

**anā** حالت بایی مفرد مذکر برپایه -a[2] (نگاه کنید به مدخل مربوطه)؛ DPe 8 (نه برپایه اوستا، سنسکریت -ana; XPa 14 (نه حرف (اضافه) پیشایند).

**anāmaka-** صفت «اَنامَک»، دهمین ماه، برابر با دسامبر ـ ژانویه: عیلامی hanāmakaš، اکدی tebētu. ترکیبی از نشانه نفی -a بعلاوه -nāma «نام» (نگاه کنید به -nāman) بعلاوه پسوند صفت ساز -ka-(§146.II)، احتمالاً با ویژگی

vriddhi (§126; ānāmaka-?) : «ماه خدای بی‌نام(=متعالی)».

anāmakahya وابستگی، مفرد، مذکر DB 1.96;2.26, 56;3.63.

**anāhitā-** اسم «آناهیتا، ناهید»، یک ایزد بانو: عیلامی an-na-hi-ud-da . اکدی a-na-ah-i-tu- ، یونانی 'Αναιτις ؛ اوستا_ anāhitā . ترکیبی از نشانه نفی -an بعلاوه وجه وصفی گذشته -āhita «لکه‌دار، آلوده»، با پیوندهای درونی نا مشخص (§67.I,§118.V, §242.I): «نیالوده». نوشته‌های فارسی‌باستان متاخر، در نشان دادن بلندای ā در هر موضعی، ناتوان است.

anahita (§27, §52.III) فاعلی،مفرد،مونث $A^2$sd 3f.

anah$^a$ta $A^2$Sa 4 (بگونه وابستگی) (§313.11),4f,$A^2$Ha 50 (بگونه وابستگی)،6.

**aniya-** صفت «یکی یا دیگری از (دوتا)، دیگر (از هر شماری)، بقیهٔ» (4- JNES 3.233 ؛ نه «دشمن»، مقایسه شود با Bv. TPS 1945.56-9 و Kent,JAOS 35.345. n6): اوستا -ainya ، سنسکریت _ anyà ، هندواروپایی آغازین -anio* ، مقایسه شود با -alio* در یونانی ἄλλος، لاتین alius و -antero* در گوتیک -anþara ، ژرمنی ander ، انگلیسی نو other (§39,§144.II,§204.II; decl., §203).

aniya فاعلی،مفرد،مذکر DB 1.95; 3.32; DSe 33°, 35.

aniyam مفعولی صریح،مفرد،مذکر DB 1.86;5.25, 28; DSe 33,35f.

aniyahyā وابستگی مفرد مذکر DB 1.87.

aniyanā ازی،مفرد مذکر DPd 11; DPe 20f.

aniyai-ciy فاعلی، جمع، مذکر XPf 29.

aniyāha فاعلی جمع، مذکر (§10,§172)DB 4.61,62f.

aniyā فاعلی مفرد مونث DSf 25,26

(نه مطابق با؛ Bv.Gr.§334 ،بایی بگونه قید «در یک سو... در سوی دیگر).

aniyām مفعولی صریح مفرد مونث DSe 48f.

aniyā فاعلی جمع مونث DB 1.41.

aniyā مفعولی صریح جمع مونث DB 1.47,67.

aniyāuvā دری جمع مونث (§72) DB 1.35.

aniya مفعولی صریح مفرد خنثی XPf 39f.

aniyaš-ciy فاعلی مفرد خنثی(§9.VI,§105)DB 4.46;XPa 13;XPh 41f(§52.I aniyašc^a صورت نوشتاری بگونه).

**aniyaθā** قید «به صورت دیگر»(§191. II) DSj 3
(Kent, JAOS 51.215; Hinz, ZDMG 102.376)، پس از عیلامی) نه در DB 4.89 (Cam. JCS 5.52).

**anuv** (همان anu) حرف (اضافه)پیشایند «سراسرِ، برابر با»: اوستا anu با حالت مفعولی صریح و دری «در امتدادِ، بسوی»، سنسکریت ànu با حالت مفعولی صریح «بعد از، سراسر»؛ نیز نگاه کنید به -anušiya.
۱) با حالت بایی DB 1.92; DNb 25 (مقایسه شود با → Lg.15.176).
۲) با حالت وابستگی DNb 16,18 (§137,§267.IV; anu-dim+ حالت وابستگی).

**anušiya-** صفت بعنوان اسم «پیرو، مرید»: از -anu (نگاه کنید به anuv) بعلاوه پسوند صفت ساز- tia- (§80, §144.VI).
anušiya فاعلی مفرد مذکر DB 2.95.
anušiyā فاعلی جمع مذکر DB 1.58;2.77;3.49,51,74,90,91f; 4.82.

**apa-** پیشوند (§206b) «دور»:اوستا، سنسکریت apa، یونانی ἀπό، لاتین ab، گوتیک af، ژرمنی ab، انگلیسی نو off, of، هندواروپایی آغازین *apo. بکار رفته با فعل -gaud و نیز در اسم‌های -apadāna-, apaniyāka؛ با پسوند بصورت -apatara- apara,

**apataram** قید «دورتر، دور»، حالت فاعلی مفرد خنثی از -apatara، که عبارتست از -apa بعلاوه نشانه صفت‌برتر -tara (§32,§190.III)، مقایسه شود با قید یونانی απωτερω.
DNa 18; DSe 16f; XPb 25; XPh 16.

**apadāna-** اسم «کاخ»: از -apa بعلاوه -dāna(§147.I) برپایه ریشه -²dā، مقایسه شود با سنسکریت apadhā «نهانگاه»، یونانی αποθηκη «انبار». برای تحول در ایرانی متاخر،

با -āpa از طریق بلندای ثانویه (اما نه -appa فارسی‌باستان، مقایسه شود با 130§) ، نگاه کنید به Henning, Trans.Philol.Soc.1944.110n.

apadānam مفعولی صریح مفرد مذکر $D^2$Sa 1; $A^2$Hb.

apadāna (§52.V) $A^2$Sa 3,4; $A^2$Ha 5.

**apaniyāka-** اسم «پدرِ پدرِ پدربزرگ[۲]»: از -apa بعلاوه -niyāka «نیا»، مقایسه شود با لاتین ab-avos «پدرِ پدر پدر بزرگ».

apan$^a$yāka-ma (§22, §52.I) فاعلی مفرد مذکر $A^2$Sa 3.

**apara-** صفت «متاخر،پسین»:اوستا، سنسکریت -apara ، از -apa بعلاوه پسوند صفت برتر -ra-(§32, §190.III).

apara فاعلی مفرد، مذکر XPh 47.

aparam مفعولی صریح مفرد خنثی بصورت قید DB 4.37, 42, 48, 68, 70, 87; DSt 10°

(نه apara-ma در حالت فاعلی مفرد مذکر با پی‌چسب حالت ازی در DSt 10° و DB 4.37, 68, 87- بگونه‌ای که Bthl.AiW به تبع اکدی ša be-la -a ar-ki-a «کسیکه پس از من فرمانروایی خواهد کرد»، حدس می‌زند).

**āpi-** اسم «آب»: اوستا -āp، فارسی‌نو «آب»، سنسکریت، فاعلی جمع āpas، مفعولی صریح apàs، هندواروپایی آغازین -āp*، با و یا بدون گستره -ī که بنظر می‌رسد در فارسی‌باستان آ باشد (§122).

āpišim (=āpiš-šim; §41,§130) فاعلی مفرد، مونث DB 1.95f.

āpiyā دری مفرد مونث DB 1.95

abiš بایی جمع مونث DB 1.86.

(سنسکریت adbhì و سنسکریت در حالت برایی ـ ازی adbhyàs، اوستا aiwyō، هر دو از -ābh* §75.IV, §130, §188.V, JAOS 62.269-70; نیز نگاه کنید به مدخل abiš).

---

۲. تحت اللفظی واژه فارسی‌باستان: نیای دور

**apiy** قید «بعلاوه، خیلی»: اوستا aipi، سنسکریت àpi، یونانی، حرف (اضافه) پیشایند επι «روی»، هندواروپایی آغازین epi* (§44, §191.I). در فارسی‌باستان معمولاً پی‌چسب است. اما گاهی نیز جدا نوشته می‌شود؛ اغلب با dūraiy «دور» می‌آید (§136):

dūrai-apiy «دورو دراز» DNa 12.

dūray-apiy DNa 46.

dūraiy apiy بصورت دو واژه جدا DSc 11, DZc 6, DE 19, XPa 9, XPb 18f, XPc 8, XPd 13, XPf 13, XPh 10f, XE 18, XV 14, A¹Pa 14°, A²Hc 17f.

احتمالاً صورت vašnā[pi]y XPg 7f(Bv. BSLP 34.1.32-4) با ادغام واکه‌ای پسندیده‌تر از صورت vašnā-[ci]y یا vašnā-[di]y (Lg.9.230) است؛ صورت بازسازی شده [ap]i-maiy متعلق به kT در قرائت utāmaiy کامرون بصورت کاملاً قابل رویت حذف شده است DB 4.46 (مقایسه شود با عبارت مربوطه).

**afuvāyā** اشتباه نوشتاری برای aruvāyā (§55.II)؛ نگاه کنید به -aruvā.

**abiy** حرف (اضافه) پیشایند و پیشوند «به، بسوی، علیه، علاوه بر»: اوستای گاهانی aibī. اوستای متاخر aiwi، سنسکریت abhì؛ مجموعه‌ای از هندواروپایی آغازین mbhi*، ژرمنی فرازین باستان umbi «گرداگرد»، هندواروپایی آغازین obhi*، وساکسونی کهن obĭ «نزدیک، کنار».

۱) حرف (اضافه) پیشایند با حالت مفعولی صریح DB 1.40, 76, 80, 82, 84; 2.12, 17, 73, 88; 3.2,3, 14, 27, 56, 60, 71, 82; 5.12f, 21, 23, 26, 28°; DPd 18; DPe 24; DZc 9f, 12; XPg 10.

۲)پیشوند با فعل -jav، و پاره نخست در abicariš, abyapara، و نیز شاید در abirāduš، اما احتمالاً پایه و اساس abiš نیست.

**abicariš** DB 1.64f، واژه‌ای با ساخت و معنی نامشخص، احتمالاً حالت مفعولی صریح مفرد خنثی بن مختوم به s (§ 185.III)، برپایه -abi بعلاوه ریشه -car «حرکت کردن، رفتن» (اوستا caraiti، سنسکریت càrati، لاتین colit «می‌کارد»؛ §107)، در ارتباط

با واژه gai$\theta$ām که در پی آن می‌آید، بطور تحت‌اللفظی «ثروت شخصی حیاتی» با مفهوم (سرزمین‌های مرتع» معنی می‌دهد، مقایسه شود با فارسی‌نو «چریدن»(Spiegel,KT,Bthl.AiW 89)، نیز مقایسه شود با؛Tm.Le.64-5; Hüsing, KZ48. 155-6; Hz.ApI 51-4 ؛ Gray, JAOS 33.281-3. **A**

**abiyaparam** قید «پس آنگاه، بعداً»، از abiy بعلاوه aparam(§191.IV) ab$^{a}$yapara (§22, §52.V) A$^{2}$Sa 4.

**abirādu-** اسم «ابیرادو»، دهکده‌ای در عیلام: پاره نخست احتمالاً -abi. abirāduš فاعلی، مفرد، مذکر DSf 46.

**abiš** DB 1.86، احتمالاً قید «از این طریق» با ترکیب -abi بعلاوه s- قیدی نیست، بلکه باید صورت بایی جمع مونث -āpi «آب» باشد (نگاه کنید به مدخل مربوطه): نظر König, RuID 70-1 مبنی بر اینکه واژه فوق اشتباه نوشتاری است برای āpiš «آب» در حالت فاعلی مفرد مونث، پذیرفته نیست.

**abyapara** نگاه کنید به abiyaparam

**-am** از ادات پی‌چسب که از تقسیم اشتباه *azham «من» آریایی آغازین بدست آمده است، این امر احتمالاً حتی در دوران هندواروپایی آغازین صورت گرفته است، و بنابراین -om* از *eg(h)om؛ که در فارسی‌باستان tuvam (مقایسه شود با adam «من»)، iyam, imam, patišam دیده می‌شود، مقایسه شود با سنسکریت tuvàm iyàm imàm و غیره.

**ama-** اسم «نیروی تهاجمی»، نگاه کنید به -aršāma.

**amaxamatā** قرائت اشتباه KT. DB 4.92 بصورت amaxamatā: hama . مورد بحث، تبادل نظر و برداشت‌های گوناگون از سوی Wb. KIA 72n و نیز بوسیله Kent, JAOS 62.269 قرائت درست hamā[ta]xšatā از سوی Cameron, در

JCS 5.52 مطرح شد، مقایسه شود با Kent, JAOS 72.15 (نگاه کنید به -taxš و §103.II).

**amata** قید «از آنجا»: اشاره، با بن -ama، یافته شده (اگرچه بندرت) در سنسکریت، بعلاوه قید -tos، همانند سنسکریت tàtas «از آنجا»، یونانی ἐκτὸς «خارج، ماوراء»، لاتین caelitus «از آسمان» :Buck, Lg. 3.45؛ به نقل از جکسون از سوی Gray, JRAS 1927.101: مقایسه شود با Kent, JAOS 51.231. از نظر Gray, JRAS 1927.99-100 و Hz. ApI 65-6، بدشواری، همان asmāt سنسکریت در حالت ازی است که به asmatas* با پایانه -tos بازسازی شده است.

DPh 6,7; DH 5,6.

**amuθa** نگاه کنید به -mauθ.

**ay-** فعل «رفتن: اوستا -ay (مضارع aēiti)، سنسکریت -i (مضارع èti)، یونانی εἶσι، لاتین it: صرف §208. نیز مقایسه شود با -yauviyā.

aitiy (§69) DZc 10.

āiš ماضی استمراری (§72, §228.III) DB 1.93; 2.67; 3.35, 43.

[ā]iša ماضی استمراری، سوم شخص جمع DB 5.25.

ā+ay- «رسیدن»: āyantā ماضی استمراری، سوم شخص جمع میانه (§131 ,§208) DZc 11.

ati- + ay «پیش رفتن، فرا رفتن»: atiyāiš ماضی استمراری (§72, §122, §228.III) DB 3.73.

upa-+ay- «رسیدن به، وارد شدن به»: [u]pāyam ماضی استمراری، اول شخص مفرد (§122, §131, §226.II) DB 1.91f.

upari-+ ay- «رفتار کردن، سلوک کردن»: upariyā[ya]m ماضی استمراری اول شخص مفرد (§122, §226.II) DB 4.64f.

nij-+ay- «دور شدن»: nijāyam ماضی استمراری اول شخص مفرد (§120, §208, §226.II) DB 2.64.

pati-+ay- آمدن به، به مالکیت درآمدن :patiyāiša[n] سوم شخص جمع ماضی استمراری، (§140.III,

parā + ay- پیشروی کردن، جلو رفتن :paraidiy دوم شخص مفرد امر، (§122, §131,§237.I)DB 2.30, 50; 3.14.

paraitā دوم شخص مفرد امر (§131, §208, §231, §237) DB 2.20, 83; 3.58, 85.

paraitā فاعلی جمع مذکر وجه وصفی گذشته، (§122, §242, §242.I) DB 2.32f, 38, 43, 52, 58; 3.65.

pari - + ay- «احترام گذاشتن، توجه کردن» با حالت بایی: pariyaitiy XPh 52(نوشته شده بصورت ait[a] §52.I؛ بوسیله Hz.AMI8.66f,ApI219 به‌اشتباه‌ترجمه شده‌است).

parīdiy دوم شخص مفرد امر، (§122,§131,§208,§237.I) XPh 49 (نیز بوسیله Hz. در همان، به اشتباه ترجمه شده است).

apariyāya[n] جمع سوم شخص ماضی استمراری (بدون افزونه مضاعف §208) DB 1.23 (نه āpariyāya، برای *ahapa-، در سنسکریت saparyàti «می‌پرستد»، علیرغم نظر Bthl.Stud.2.67, AiW 1765 : نباید به upariyāya چنانکه بوسیله WBn xi, Wb. KIA 12 صورت گرفته، اصلاح شود)؛ نگاه کنید به JAOS 35.331-6, Lg. 13.303.

**ayāumani-** صفت «ناآزموده»: نشانه نفی -a(§67.I) بعلاوه- yāumani.

ayāu(ma)iniš فاعلی مفرد مذکر DNb 59 (باتوارد آوایی -i-،§127، همانند اوستا ;§52.VI)

**āyadana-** اسم «پرستشگاه»: مشتق از (§147.I) پیشوند ā بعلاوه فعل -yad «پرستیدن».

āyadanā مفعولی صریح جمع خنثی DB 1.63f

**ar-** فعل «حرکت کردن، رفتن یا آمدن بسوی»: اوستا -ar، سنسکریت -ṛ، لاتین oritur «برمی‌خیزد»؛ مضارع آغازی (§97) ، فارسی‌باستان -rasa ، فارسی‌نو «رسد»، سنسکریت ṛcchàti، هندواروپایی آغازین *ṛske- (و- *re-ske § 32). نیز نگاه کنید به -arta-, hamarana.

arasam ماضی استمراری،اول شخص مفرد(§212)DB 1.54; 2.28, 48, 63.

ava-+ar- «فرا رسیدن، وارد شدن به»: avā[rasam] ماضی استمراری اول شخص مفرد

(§131)DB 5.23f; [a]vārasam DSf 24.

parā+ar- «آمدن به، وارد شدن به»،

با حالت مفعولی صریح مکان، و abiy بعلاوه حالت مفعولی صریح شخص:

parārasam ماضی استمراری اول شخص مفرد (§131) DB 2.65.

parārasa ماضی استمراری DB 2.22,32,52;3.3,34.

ni-+ar- «فرود آمدن، نازل شدن»

با abiy و حالت مفعولی صریح مکان:

nirasātiy التزامی (§140.I; §289) DPe 24.

**arakadri-**. اسم «اَرکَدَری»، کوهی در پارس (§32) : عیلامی ha-rak-qa-tar-ri-iš، اکدی a-ra-ka-ad-ri- ؛ ریشه‌شناسی احتمالی در Foy, KZ 35.62.

arakadriš فاعلی مفرد مذکر DB 1.37.

**arabāya-** اسم «ارابایه»، ایالتی از امپراتوری ایران (§32,§75.V,§166.III) ؛ نیز «اهل ارابایه»، قوم ـ واژه‌ای برای همان مکان: عیلامی har-ba-ia ، اکدی a-ra-bi ، یونانی Ἀρβία

۱)arabāya فاعلی مفرد مذکر «ارابایه»DB 1.15;DPe 11; DNa 27; DSe 26°; DSm 7°; Xph 25

۲)arabāya فاعلی مفرد مذکر «اهل ارابایه» A?P 18.

**arašan-** اسم «اَرَش» (§32,§82,§155.II) : اوستا در حالت فاعلی تثنیه arəθnā ، برپایه بن ایرانی -aratan-,araθn ، مقایسه شود با سنسکریت aratnì ؛ Lg.15.176-7 (واموازه از ایرانی در اسلاوی معمول بصورت aršin «ال»[۳] Berneker, Slav. etym. Wrtb. 31، علیرغم Wb. AfoF7.41، که آنرا واموازه‌ای از ترکی می‌داند)؛ نیز مقایسه شود با Bv. Orig. 105.

---

۳. واحد طول برابر با ۴۵ اینچ

arašaniš بایی، جمع مذکر (§187) DSf 26 bis
(نه فاعلی مفرد از نظر Bv.Gr. §308, §318: نه مفعولی صریح جمع)

**arika-** صفت «بی‌وفا، شرور»: مشتق (§146.II) از -asra*، اوستای گاهانی -angra، اوستای متاخر -aŋra «متخاصم، دشمن»، برپایه ریشه آریایی آغازین -ans*، در اوستا بصورت -asta «نفرت داشتن، دشمنی» دیده می‌شود؛ نیز مقایسه کنید با اوستا (فاعلی) aŋrō mainyuš «اندیشه پلید، اهریمن» (Bthl. AiW 189)؛ نه برپایه سنسکریت -arí «دشمن» (MB Gr. §273)، و نه برپایه سنسکریت alīkà (Wackernagel, KZ 59.28-9).

arika فاعلی مفرد مذکر DB 1.22,33;463.
arīkā فاعلی جمع مذکر DB 5.15°,31.

**ariya-** «آریایی (شاید -āriya §126): اوستا airya، سنسکریت -ārya «نجیب»، مقایسه شود با فارسی‌نو «ایران»، ایرلندی aire «نجیب»، برپایه ریشه هندواروپایی آغازین -er*، فارسی‌باستان -ar(§35.I, §144.I) نگاه کنید به ariyaciça-,ariyāramna-.

ariya فاعلی،مفرد،مذکر DNa 14; DSe 13; XPh 13.
ariyā بایی بعنوان اسم، «در(زبان) آریایی» DB 4.89

**ariyaciça-** صفت «از تبار آریایی» (§161. IIa): مرکب از -ariya بعلاوه -ciça.
ariyaciça[۴] فاعلی مفرد مذکر XPh 13;
ariyaciça (§44 نوشته شده بصورت دو واژه) DNa 14f, DSe 13f.

**ariyāramna-** اسم «اریارمنه»،پدر پدربزرگ داریوش: عیلامی har-ri-ia-ra-um-na، اکدی -'ar-ia-ra-am-na، یونانی Ἀριαράμνης. از -ariya بعلاوه وجه وصفی گذشته -ā-ram (§131؛ اوستا، سنسکریت -ram «در آرامش بودن، صلح کردن»): نگاهدارنده آریاییان در آرامش «(§161.IIc) . ترکیب ariyā جمع

---

۴. در متن انگلیسی به اشتباه: ariyaçica

بعلاوه -ramna (Foy, KZ 35.9) ، یا -ariya بعلاوه -aramna بعنوان صفت فاعلی میانه برپایه -ar (Hz. ApI 237) را بدشواری می‌توان پذیرفت.
ariyāramna فاعلی مفرد مذکر AmH 1,4,9; DB 1.5; DBa 7;
بعنوان وابستگی مفرد مذکر AsH 3 (§313.II).
ariyāramnahyā وابستگی مفرد مذکر DB 1.5; DBa 7.

**aruvā** اسم «عمل» (JNES 4.44,52;§35.II,§150; نیز → Bv. TPS 1945.42-3): مونث برپایه صفت -aruva ، اوستا -aurva «تند، دلیر» (Bthl. AiW 200)، قرینه اوستا -aurvant (نگاه کنید به مدخل -aruvasta).
aruvāyā دری مفرد مونث DNb 38
(در کتیبه بصورت afuvāyā نوشته شده § 55.II ؛ و نمی‌توان آنرا بصورت anuvāθā از نظر Wb. Grab 28, KIA 94 ، و نیز شکل اصلاح شده به aruvāθā «عشق»، از سوی Hz. ApI 293-6 را پذیرفت، مقایسه شود با اوستا urvaθa- «دوست» Bthl.AiW 1537 ؛ āfuvāyā حالت مفعولی صریح خنثی جمع «تصمیمات متخذه»، از -āpu-āia*، در Pisani, Riv. Stud. Or. 19.82-5، برپایه ریشه -āp* «بدست آوردن»، مقایسه شود با اوستا āfənte «آنها کسب می‌کنند»، Bthl.AiW 70 , 72 ، یادداشت ۱ بر -ap)

**aruvasta-** اسم «فعالیت» (JNES 4.50-2, 232) «توانایی بدنی» -ta- (Bv. TPS 1945.40-1): اسم معنی (§145) از -arvant «متحرک»، اوستا- aurvant «تند، دلیر، دلاور» (Bthl. AiW 200) ، سنسکریت -arvant «تند، شتابان، اسب»، از آریایی -ar «حرکت کردن» بعلاوه پسوند -vant-(§35.II,§85,§126,§157) ، مقایسه شود با لاتین orior «برخاستن»؛ مقایسه شود با ترجمه اکدی [lu]it-ba-ru-tum «فعالیت»، برپایه abāru «قوی بودن» (Schaeder, OLZ 43.289-93). نیز نگاه کنید به -aruvā. نه از نظر Hz.RHRel.113.29-31, ApI 80-6 «موهبت بودن»، برپایه اوستا- urvaθa «دوست»، مطابق با it-ba-ru-tum به معنی «دوستی» برپایه ibru «دوست» (مقایسه شود با JNES 4.51) ؛ نمونه و مثال معتبری برای معنی واموازه آرامی arwest «تعجب می‌کند» که بوسیله Nyberg, Rel.351 از St. John 4.48 نقل شده، وجود ندارد.

aruvastam مفعولی صریح مفرد، خنثی ;DNb 31,33 فاعلی مفرد خنثی DNb 4.

**arxa-** اسم «اَرخَ، یک شورشی ارمنی (§31,§164.V): عیلامی ha-rak-qa، اکدی a-ra-hu.
arxa فاعلی مفرد مذکر DB 3.78,91; 4.28f; DBi l.
arxam مفعولی صریح مفرد مذکر DB 3.82,89.

**arjana-** اسم «تزئین»، همانگونه که در اکدی si-im-ma-nu-u «آذین بندی» (§34,§126,§147.I) دیده می‌شود: برای معنی آن نگاه کنید به Schaeder, Arch. Anz.47.272-4 ،JAOS 51.208,53.13, 53.19، علیرغم .HZ «سنگ آهک» (AMI 3.52-3) و «مواد ساختمانی» (ApI 88-93). مقایسه شود با اوستا، مضارع- arəja «ارزش داشتن»، سنسکریت àrhati و پهلوی اشکانی aržān ، فارسی‌نو «ارزان»، اوستا -arəǰah «ارزش، بها»، سنسکریت -argha.
arjanam فاعلی مفرد خنثی DSf 41f;
arjanam-šaiy DSf 23°.

**arta-** اسم «قانون، عدالت»، ایزدی مقرب و ملازم اهورامزدا: وجه وصفی از -ar بصورت اسم، اوستا -aša و -arəta ، سنسکریت -rtà* «نظم کیهانی»، لاتین ortus «برخاسته، خلق شده»، هندواروپایی آغازین -rto (§30,§66,§242.I). نیز نگاه کنید به -artaxšaça-, artāvan-, artavardiya.
artā-cā بایی مفرد خنثی (§252.I, Lg.21.223-9) XPh 41,50f,53f (نه مطابق با Hartmann, OLZ 40.145-60؛ و نه مطابق با Nyberg Rel.367, 478. ؛Bailey ap. Nyberg, Rel. 478; Henning, TPS 1944.108 بدشواری مطابق با Sen 155 ، بصورت artācā brazmaniy در حالت مفعولی صریح جمع خنثی «و خرسندی‌های الهی را»؛ و نه مطابق با نظر Pisani, Riv. Stud. Or. 19.85-8 مبنی بر تثنیه محذوف «brazman و arta»، و اینکه -cā رابط aurāmazdām مقدم است، و brazman موجود در فارسی‌باستان برابر اوستا vohū manō «اندیشه نیک» است).

**artaxšaça-** اسم «اردشیر» (اول، پسر خشایارشا؛ دوم، پسر داریوش دوم؛ سوم، پسر

اردشـــیر دوم): عــیلامی ir-tak-šà-àš-šà ، اکــدی ar-tak-šat-su ، یــونانی Αρταξερξης (§29.n2, §30) از -arta «حـــق» بـعلاوه -xšaça «شـهریاری»، «دارای شهریاری حق» (نظر Nyberg, Rel.352 را مبنی بر «کسی که -xšaça او از -arta ناشی می‌شود»، بدشواری می‌توان پذیرفت)؛ به تقلید از xšayāršā ، پایانه مفعولی صریح -ām- بیانگر واکه بـلند آخـرین جـزء در صـورت فـاعلی ومفعولی صریح است (§78,§161.Ib; decl. §172, §187).

artaxšaçā فـاعلی مـفرد مـذکر $A^1Pa$ 9°, 17°; $A^1I$; $D^2Sb$ 3°; $A^2Sa$ 1; $A^2Sb$; $A^2Sc$ 1°; $A^2Sd$ 1,2; $A^2Ha$ 1; $A^2Hb$; $A^2Hc$ 7,15f; $A^3Pa$ 5 (§313.II),13 بـعنوان مـفعولی صـریح §247E[۵]),8,12 بـعنوان وابسـتگی) ,21, 23f; (بعنوان وابستگی)15f،(بعنوان وابسـتگی) 14f (بـعنوان وابسـتگی) AVsb-d.

ardaxcašca(§49 ;یا- šda) AVsa.

artaxšaçām مفعولی صریح مـفرد مـذکر $A^1Pa$ 5f°; $A^2Sa$ 4; $A^2Hc$ 5;Sf 2-4.

artaxšaçahyā وابستگی مفرد مذکر $D^2Sb$ 2°.

artaxšaθrahyā (Tm.Lex.54)$A^2Ha$2f, 3;

artaxšaçāhyā(§53)$A^2Sa$ 2 bis;$A^2Hc$ 10f, (بعنوان فاعلی §313.I) 11f.

**artāvan-** صفت «پارسا، مقدس»، اشاره به وضعیت سعادتمند دینداران واقعی، پس از مرگ: برابر با اوستا -ašāvan «مـتصف بـه ارتَ یـا اشَـه، پـارسا»، سـنسکریت -ṛtàvan «وفادار نسبت به قانون مقدس»(مقایسه شود با Hz. API 289-93)؛ از -ṛta* ، فارسی‌باستان -arta ، با واکه بلند پایانی، بـعلاوه پسـوند صـفت سـاز -van- (§30,§155.IV).

artāvā فاعلی مفرد مذکر (§124.5, §187)XPh 48,55.

**artavardiya-** اسم «ارت وردیا»، یکی از سرداران داریوش:عیلامی ir-du-mar-ti-ia ، اکدی ar-ta-mar-zi-ia. از -arta بعلاوه -vard «کارکردن»، بعلاوه پسوند صفت ساز (§30,§31,§144.IV, §160.Ia) : «عامل به عدالت» (نه از -vard «افزایش

---

۵. در ترجمه: پ ن/۲۴۷

دادن، بالاندن»، سنسکریت -vardh ، به سبب -z- در اکدی و آرامی <rtvrzy> بگونه‌ای که Bv.BSLP 31.2.66-7 نشان می‌دهد).
artavardiya فاعلی مفرد مذکر DB 3.30f, 33.
artarardiyam مفعولی صریح مفرد مذکر DB 3.36, 43.

**ardaxcašca** (یا -šda)، احتمالاً اشتباه نوشتاری بجای -artaxšaçā ، نگاه کنید به مدخل مربوطه.

**ardata-** اسم «نقره»: اوستا -ərəzata ، سنسکریت -rajatà ، مقایسه شود با یونانی *αργυρος*، لاتین argentum (§30,§88,§145) ؛ یزدی ālī «نقره» دارای -ar ایرانی و نه -ṛ (Bv. BSLP 30.1.60, Origines 12) . نیز نگاه کنید به .ardastāna-
ardatam فاعلی مفرد خنثی DSf 40.

**ardastāna-** اسم «قرنیز پنجره»: -arda «نور» همانند فارسی‌باستان -ardata «نقره»، سنسکریت ـ rajatà «سفید»، -ṛjrà «سرخ»، یونانی *αργὸs* «درخشان» بعلاوه -stāna «مکان» (§31,§160.Ib; Foy, KZ 35.48) باحتمال ضعیف از نظر (Bthl. AiW 193, یا Hz. ApI 74-6) ؛ «مکان روشن».
ardastāna فاعلی مفرد مذکر DPc.

**ardumaniš-** اسم «اردومنیش»، هوادار داریوش دربرابر گئوماتا: اکدی a-ar-di-ma-ni-is . از -ardu «شریف»، اوستای گاهانی -ərəzu ، سنسکریت -ṛjú بعلاوه -maniš ، نگاه کنید به -manah «اندیشه» (§34,§63.II,§124.4,§156.IV, §161.IIa, §185.III): «دارای اندیشه شریف» (باحتمال ضعیف -ardimaniš«-manah او برانگیخته است» از نظر .(Nyberg, Rel.352
ar[duma]n[iš] فاعلی مفرد مذکر DB 4.86.

**arbairā-** اسم «اربل»،شهری در آشور: عیلامی har-be-ra ، اکدی ar-ba>-il، یونانی "Αρβηλα (§31,§107,§166,§160.III).

arbairāyā دری مفرد مونث DB 2.90.

**armina-** اسم «ارمنیه»، ایالتی از امپراتوری ایران (§31,§106) : نیز نگاه کنید زیر .arminiya-

armina فاعلی مفرد مذکر DB1.15;DPe 12;DNa27;DSe 27°;DSm 8°; XPh 20.

arminam مفعولی صریح مفرد مذکر DB 2.30,32,50,52.

**arminiya-** ۱) صفت «ارمنی»، ۲) اسم «ارمنیه»، ایالتی از امپراتوری ایران: عیلامی har-mi-nu-ia، اکدی u-ra-aš-ṭu، یونانی Ἀρμενιā . صفتی برای -armina (§144.III)

۱) arminiya فاعلی مفرد مذکر DB 2.29;3.78f;4.29;A?P 20.

۲) arminiyaiy دری مفرد مذکر DB2.59,63;Arm[i]niyaiy DB 2.33f,39,44,48 (§22;Lg.19.233n).

**aršaka-** اسم «ارشاک»: یونانی Ἀρσάκης . مشتق از -arša ، نگاه کنید به-aršan؛ .§30,§146.II, §163.III,§164.III

aršaka فاعلی مفرد مذکر Sa 1f.

**aršādā-** اسم «اَرشَد»، دژی در رخج: عیلامی ir-šà-da(§30).

aršādā فاعلی مفرد مونث DB 3.72.

**aršan-** و نیز صورت -arša (§155.I) اسم «نَرینه =مرد، قهرمان، گاونر»: اوستا -aršan، سنسکریت -ṛsa-bhà «گاونر»، یونانی ἀρσην «نَرینه»؛ در aršaka-,aršāma-,xšayāršan-، احتمالاً در aršādā.

**aršāma-** اسم «ارشام»: عیلامی ir-šà-um-ma، یونانی Ἀρσάμης (§29, §29.n2,§30). از -arša بعلاوه (فارسی‌باستان، اوستا، سنسکریت) -ama «نیروی تهاجمی» (Benveniste Renou, Vṛtra et Vṛθragna 11) : «دارای نیروی یک قهرمان» .(§161.Ib)

aršāma فــاعلی مــفرد مــذکر AsH 1,5;DB 1.4f;DBa 6;DSf 13;XPf 19,20;A[3]Pa 20 (بعنوان وابستگی; §313.II).
aršāmahyā وابستگی مفرد مذکر DB 1.3, 5;DBa 4,6.

**arštā-** اسم «راستی» (§30; §93) : محذوف بقرینه برای -aršta-tā* (§129)، اسم معنی برپایه -aršta «پارسا» (§145)، هندواروپایی آغازین -r̥g-ta*، با درجه ضعیف برپایه ریشه -reg* (§122; Mt.Gr.§123,§125)، مقایسه شود با اوستا -arštāt «ایزدبانوی راستی»، فارسی‌باستان -ardu در -ardumaniš، -rāsta؛ یا صرفاً مونث -r̥g-tā* بعنوان اسم معنی (Bv.Gr.§123,§125).
arštām مفعولی صریح مفرد مونث DB 4.64.

**ar̥šti-** اسم «نیزه» (§30) : اوستا -aršti، سنسکریت -r̥ṣṭì، هندواروپایی آغازین -r̥s-ti* (§152.III,§179.III)، برپایه ریشه سنسکریت àrṣati r̥ṣàti «با شتاب رفتن، هل دادن». نیز نگاه کنید به -ārštika -arštibara.
aršt[i]š فاعلی مفرد مونث DNa 44.

**ārštika-** اسم «نیزه‌ور» از -aršti «نیزه» با ویژگی vriddhi (همانند -uvārštika §126)، بعلاوه پسوند -ka (§146.II).
ārštika فاعلی مفرد مذکر DNb 44.

**arštibara-** اســم «نــیزه‌دار»: -aršti «نــیزه» بــعلاوه -bara «بــرنده، حــامل» (§122,§143.V,§160.Ia).

arštibara فاعلی مفرد مذکر DNc 2
(صورت نوشتاری $š^ar^as^at^aib^ar^a$ ,51§؛ بنظر می‌رسد که پیش نویس اولیه دارای صورت $ar^as^at^aib^ar^a$ بوده باشد؛ در نمونه خوانی $š^a$ که می‌باید جایگزین $s^a$ شده باشد، به اشتباه با a جابجا شده است، و همین اصلاح غلط نوشتاری در حجاری صخره راه یافته است).

**[1]ava-** صــفت، ضــمیر اشــاره «آن» (§260.III,§264): اوســتا -ava، ســنسکریت،

وابستگی تثنیه avòs ، سلتی وساکسونی کهن ovŭ ؛ نیز نگاه کنید به avā, avaθā, avadā, avaparā, avahyarādiy,pasāva ، صرف، §200.

avam مفعولی صریح مفرد مذکر DB 1.21,22,31,40,49,57,76,80,84, 88; 2.4, 4f, 12, 17, 20, 25, 30, 31, 35, 40f, 46, 50, 51, 55, 61, 84, 87, 94, 97; 3.4, 7, 12, 14, 14f, 17, 27, 38, 45f, 47f, 50, 56f, 58, 62, 67, 82, 85, 89; 4.38, 66 bis; 5.6°,27; DNa 2; DSe 2; DSf 2°; DSt 2°; DZc 1; DE 3;XPa 2; XPb 3; XPc 2; XPd 2; XPf 2, 23; XPh 2,37; XE 4; XV 3; $A^1$Pa 2f°; $A^2$Hc 3; $A^3$Pa 2f.avamšām DB 2.20, 82f; 3.31,85; 5.8°.

avahyā وابستگی مفرد مذکر DB 1.29;3.70;4.48f;5.19°,35°.

avanā ازی مفرد مذکر DSf 31.

avaiy فاعلی جمع مذکر DB 5.15,31;DSf 48,50°,51,53,54.

avaiy مفعولی صریح جمع مذکر DB 2.77; 4.69.

avaišām وابستگی جمع مذکر DB 4.051

avām مفعولی صریح مفرد مونث DSf 27;

ava بعنوان‌مفعولی‌صریح‌مفردمونث (§56.V)XPh 33.

[a]vā فاعلی جمع مونث DNa 39.

ava فاعلی مفرد خنثی DB 1.20,4.47; DNb 10,11,20, 22; DSf 42.ava-maiy DSj 4; DSI 4f. ava-diš DNa 21; DSe 20°; XPh 19. avaš-ciy (§9.VI,§105) DNb 55.

ava مفعولی صریح مفرد خنثی DB 1.62;DNa 20,37,49;DSa 4; DSe 19°, 32°,34,44°;DSf 20°; XPa 16; XPb 25; XPf 39, 42; XPg 10; XPh 18,42. ava-taiy DB 4.76, 79. avaš-ciy DNb 53f, 57; XPa 20; XPc 14; XPf 48.

avanā ازی مفرد خنثی DSe 38.

avanā بایی مفرد خنثی XPh 49,51f.

$^2$ava- پیشوند «دور، پایین»: اوستای گاهانی avā ، اوستای متاخر ava ، سنسکریت àva ؛ با افعال -ar-,$^2$kan-,gam-,jan-,ā-jan-,$^1$rad-,stā-,hard . مقایسه شود با

JAOS 62.274-5

**avā** قید «بنابراین»، متناظر با yaθā : احتمالاً حالت بایی -[1]ava (نیز هم اکنون Bv. BSLP 47.131-2)، اما احتمالاً برای avaθā با حذف $\theta^a$ (§52.VI;so MBGr. §59)؛ نیز نگاه کنید به -avākara. DB 4.51.

**avākanam** نگاه کنید به -[2]kan.

**avākara-** صفت «بگونه‌ای»: avā «بنابراین» بعلاوه -kara «کننده» (§160.Ia)؛ به اشتباه در Hz. ApI 101-3، که -kara- را در -avākara و -ciyākara نه از -kar «کردن»، بلکه از -kara «زمان» می‌گیرد، همانند hakaram، نگاه کنید به مدخل مربوطه).

avākaram فاعلی مفرد خنثی (§259) DNb 6.

avākaram-ca-maiy (§109,§133,§135) DNb 27f.

**avajam**، نگاه کنید به -vaj.

**avaθā** قید «بنابراین، آنگاه، سپس»: اوستای متاخر avaθa : -[1]ava بعلاوه پسوند قید ساز θā-(§191.II)؛ مقایسه شود با سنسکریت tà-thā . معمولاً همراه با قید متناظر مقدم یا موخر yaθā؛ نیز نگاه کنید به avaθāš$^a$tā.

۱) «ازاینرو،بنابراین»: DB 1.24, 38, 63, 67, 70, 75, 78; 2.10, 15, 80; 3.24, 80; 4.8, 11, 13, 16, 19, 21, 24, 27, 29, 36, 39, 54; DBb 4; DBc 4; DBd 2f; DBe 4f; DBf 2f; DBg 4; DBh 3f; DBi 3; DBj 3;DPe 20; DNb 18f; DSf 16; DSj 3°; DZc 11, 12; XPf 22, 30 (صورت نوشتاری avaθa, §52.III). avaθā-dim DNb 17. avaθādiš DB 5.17, 33. avaθā-šaiy DB 2.30, 50; 3.14. avaθā-šām DB 2.20, 83;3.57,85.

۲) «پس، آنگاه»: DB 1.42, 56, 90, 96; 2.70; 3.89. avaθā-šām DB 2.27, 36f, 42, 47, 56, 62, 98; 3.8, 19, 40, 47, 63f, 69.

**avaθāšᵃtā** DB 4.72، واژه‌ای نامشخص که بوسیله KT قرائت شده است؛ احتمالاً avaθāša-tā است، از avaθā همراه با پایانه ازی ša-(همانند avadaša ;§191.II) بعلاوه پی‌چسب مفعولی صریح جمع مذکر tā-(§133)، «از آن پس آنها را (= پیکره‌ها)». نیز Kent, JAOS 62.272-3، پس از تصحیح تولمان بصورت avaθā : tā «بنابراین آنها را»؛ مقایسه شود با عبارت مربوط به HK بصورت avaθā štā «بنابراین می‌ایستند (همانگونه که من در برابر شورشیان می‌ایستم)»،و نیز قرائت «سِن Sen» بصورت avaθāštā صفت در حالت مفعولی صریح جمع مذکر «این چنین ایستاده».

**avadā** (همان avadă) قید «آنجا، آنگاه»: اوستای متاخر avaδa از ava-[1] بعلاوه پسوندی که در فارسی‌باستان بصورت idā (§191. II) دیده می‌شود. معمولاً قید از سر گیرنده برای عبارت مکانی که بلافاصله بر آن مقدم می‌شود و بدین ترتیب حالت دری ایجاد می‌شود (نیز پیوسته در DB بجز ;1.85, 88; 2.24 28 ,5.24 ;4.81 ;3.74). نیز نگاه کنید به avadaša.

۱) «آنجا»: DB 1.85, 88, 92; 2.9, 23, 24, 28, 34, 39, 44f, 54, 59,66, 96; 3.5, 23, 34f, 44, 61, 66; 4.81; 5.24, 28; XPh 40.avada-šim (§135) DB 1.59; avadā-šim DB 3.74;avada-šiš DB 3.52.

۲) «آنگاه»: DNa 42

**avadaša** قید «از آنجا، از آنگاه»: avadā بعلاوه پایانه ازی ša- (§191.II؛ Bthl.AiW170، بصورت تحت‌اللفظی؛ مخالف نظر او Bv. Gr. §325)، همیشه پس از hacā.

۱)«از آنجا»: DB 1.37; 3.42, 80; DSf 47.

۲)«از آنگاه» : DSe 47f.

**avaparā** قید مرکب «از آنسو»: ava در حالت مفعولی صریح مفرد خنثی بعلاوه حرف (اضافه) پسایند parā (§191.IV) DB 2.72; 3.72f.

**avastā-** اسم «چرم» (König, Klotho 4.45-6) : ریشه‌شناسی نامعین (§145). avast[ā]y[ā] دری مفرد مونث DB 4.89f (JAOS 62.267);

بدشواری می‌توان قرائت و بازسازی KT بصورت avast[ā]ya[m] را که تنها می‌تواند ماضی استمراری بدون افزونه -ava بعلاوه -stā باشد، پذیرفت. احتمالاً آنگونه که Wb. ZDMG 61.730 پیشنهاد کرده است، مرجعی برای اوستا وجود ندارد.

**āvahana-** اسم «دهکده» (§166)، مشتق از (§147.I) ā بعلاوه -vah «ساکن شدن»، اوستا -vah، سنسکریت -vas، ژرمنی wesen «هستی».
āvahanam DB 2.33; DSf 46.

**avahar[da]** DB 2.94، نگاه کنید به -hard.

**avahya-** فعل جعلی (§217) «یاری خواستن»، اوستا -avahya، سنسکریت -avasya در صفت فاعلی با حالت برایی مفرد مذکر avasyaté (RV 1.116.23)، در اوستا -avah «کمک کردن»، سنسکریت -avas.(Jn.JAOS 27.190, MB Gr.§209, Bv.Gr. §193)
pati-+avahya- «یاری خواستن»: patiyāvahyaiy(§140.III) ماضی استمراری اول شخص مفرد میانه DB 1.55.

**avahyarādiy** قید مرکب (§191.IV) «ازاین سبب»: avahyă(§135) وابستگی مفرد خنثی از -ava[1] بعلاوه rādiy «به سبب»، نگاه کنید به مدخل مربوطه. در مورد عبارت پردازی، مقایسه شود با یونانی τοὺτου ἕνεka, τουνεka، لاتین huius reī causā ; JAOS 35.322-9.
DB 1.6f, 51f; 4.47, 62; DBa 9f.

**asa-** اسم «اسب» (§90, §143.III): مادی -aspa، اوستا-aspa، سنسکریت -àśva، لاتین equos، هندواروپایی آغازین *ekuos. نیز نگاه کنید به -asabāra-, aspa، -asagarta.
asam (اسم جمع §255) مفعولی صریح مفرد مذکر DB 1.87.

**asagarta-** اسم «اَسَگرتیا» ایالتی در شمال غرب امپراتوری ایران (§29.n2, §31): عیلامی

صفت aš-šà-kar-ti-ia ، اکدی، صفت sa-ga-ar-ta-a-a ، یونانی Σαγαρτῖα.
احتمالاً -asan «سنگ» (با s مادی k> هندواروپایی آغازین ؛9.I§، 87§) بعلاوه
-garta* «غار» (سنسکریت – gàrta)، «سرزمین ساکنان غار سنگی»،
(§161.Ib, §166.I;Bthl. AiW 207, zAiW 119-20) ؛ به احتمال ضعیف -asa
«اسب» (با s فارسی‌باستان <k̂u هندواروپایی آغازین 90§) بعلاوه -garta* «گاری»
(سنسکریت -gàrta)، «سرزمین گاری‌های اسبی». نیز نگاه کنید به -asagartiya.
asagarta فاعلی مفرد مذکر DPe 15.
asagartam مفعولی صریح مفرد مذکر DB 4.23.
asagartaiy دری مفرد مذکر DB 2.80f;4.22;DBg 8f

**asagartiya-** صفت «اَسَگرتی»، صفت از مدخل پیشین (§144.III, §159).
asagartiya فاعلی مفرد مذکر DB 2.79; 4.20f.

**asan-** اسم «سنگ»:هندواروپایی آغازین -aken* (§9.V, §87, §155.I)، مقایسه شود با -asman. نیز نگاه کنید به -asagarta.
asā (§124.5,§187) فاعلی مفرد مذکر DSf 40f;
نیز نگاه کنید زیر -dāru.

**asabāra-** اسم «سوار»: فارسی‌نو «سوار»، نیز مقایسه شود با Tedesco, ZII 2.40-1؛ -asa «اسب» (§126) بعلاوه -bāra «حمل شده بوسیله، سوارکار» (§122,§143.V, §159, §160.Ic) نیز نگاه کنید به -uvāsabāra.
asabāra فاعلی مفرد مذکر DNb 41f, 44, 45.
asabāraibiš بایی جمع مذکر DB 2.2,71; 3.41,72.

**aspa-** اسم «اسب»، گونه مادی برای فارسی‌باستان -asa(90§)، نگاه کنید به مدخل مربوطه، در -aspacanah-,uvaspa-, vištāspa.

**aspacanah-** اسم «اسپَچَنا»، کمانور داریوش: عیلامی aš-ba-sa-na، اکدی as-pa-[si-na]، یونانی Ἀσπαθίνης؛ -aspa «اسب» (§9.II, §9.n2, §90)

بعلاوه -canah «اشتیاق»، اوستا -činah-، سنسکریت cànas؛ «دوست دارنده اسب‌ها» (§161.Ia, §163.Ib).

aspacanā فاعلی مفرد مذکر (156.II,§185.II)DNd 1.

**asman-** اسم «آسمان»:اوستا -asman، سنسکریت -àšman، یونانی ακμων «سندان»، لیتوانیایی akmuō «سنگ»، هندواروپایی آغازین -akmen-/mon* (§95,§155. III)؛ برای معانی مختلف، مقایسه شود با Reichelt, IF 32.23-57؛ برای اعتقادات ایرانی در مورد پیدایش آن، مقایسه شود با Bailey, Zoroastrian Problems 120-48. نه بصورت -āsman علیرغم گونه فارسی‌نو «آسمان»، که در صورت متاخر دارای واکه بلند است.

(Debrunner, IF 52.153 علیرغم نظر Bv. Gr. §175). نیز نگاه کنید به -aθaga-,asan.

asmānam مفعولی مفرد مذکر (§67.II, §124.6, §187) DNa 2f; DSe 2f; DSf 2; DSt 2f; DZc 1; DE 3f; XPa 2; XPb 3f; XPc 2; XPd 3; XPf 2f; XPh 2; XE 4; XV 3; $A^1$Hc 3.

asmānām (§53) $A^2$Pa 3.

**ašnaiy** قید «نزدیک» حالت بایی مفرد خنثی از -ašna «نزدیک» (Hz. ApI 98-9)، اوستا-āsna «نزدیک»، در صورت دری asne،āsnaē-ca «نزدیک»، ازی asnāt «از نزدیک»؛ از ریشه مختوم به š یا ž آریایی آغازین (هندواروپایی آغازین k یا g: سنسکریت asòti «می‌رسد» و àjati «می‌راند» که به احتمال ضعیف تناسب دارد)؛ نه -ā-zd-na*، وجه وصفی ā بعلاوه -$^2$had «به کسی نزدیک شدن» (Bthl. AiW 1755؛اما-$^2$had که همیشه دارای پیشوند ā است، تنها یک گونه معنایی برای -$^1$had «نشستن» می‌باشد)، مقایسه شود با سنسکریت -āsanna بعنوان صفت «نزدیک» (Bthl. AiW 220). احتمالاً از هندواروپایی آغازین -angh* «خفه کردن،بند آوردن»، مقایسه شود با لاتین angō، یونانی αγχω، اسم لاتین angor، اوستا ـ azah، سنسکریت -angh-:ahas* بعلاوه وجه وصفی -no-(§96,§147.I,§191.III, §243)؛ برای معنی‌شناسی، مقایسه شود با یونانی αγχι، قید «نزدیک» (JAOS 62.276-7). نه «روی مرز» برپایه ریشه آریایی آغازین -až*، سنسکریت ájati، لاتین agit (Bthl. AiW 264)؛ نه «در

دوستی» براساس عیلامی kanna enni git (WB, KT؛ قرائت کنونی kánna šà-nu-gi-ut)؛ و نه «در صلح»، مقایسه شود با اوستا āxštiš «صلح»، āxšta- «آرام» (Bv. BSLP 31.2.67-9). عیلامی -kàn تکرار می‌شود =dauštā «دوست»، بدین ترتیب تنها مفهوم «روی مرز» حذف می‌شود، زیرا «دوستی»، «صلح»، «نزدیکی» مفاهیم مرتبط هستند.

ašnaiy DB 2.11f;

نه در DB 5.23، علیرغم نظر Hinz ZDMG 96.341.

**azdā** قید «آگاهی»: اوستای گاهانی azdā «بدین‌ترتیب»، پهلوی azd، سنسکریت addhā «قطعاً»، از آریایی آغازین *adzdhā (§85)؛ مقایسه شود با MB Gr.§118.

DB 1.32; DNa 43,45; DNb 50.

**[1]ah-** فعل «بودن»: اوستا -ah، سنسکریت -as، یونانی ἐστὶ، لاتین est، گوتیک ist، هندواروپایی آغازین -*es. نیز نگاه کنید به -āθiyābaušna، -hašiya. صرف §208

amiy اول شخص مفرد

اوستا ahmi، سنسکریت àsmi یونانیِ لسبی ἔμμι آتیک εἰμι انگلیسی نو am(§118.II, §226.I):

AmH 9; DB 1.12, 39, 53, 75, 79;2.10; 15, 80; 3.25, 81; 4.9,11, 14°, 17, 19, 22, 25, 27, 30; DBb 5, 7; DBc 8f; DBd 4f, 7; DBe 6, 9; DBf 4f; DBg 7f; DBh 5f, 9; DBi 6, 10; DBj 5; DNa 35; DNb 6f, 7, 8, 12f, 13, 15, 26, 27, 34, 40, 42, 43, 44, 51; DZc 7; A[2]Hc 18.

astiy,

اوستا asti، فارسی نو «است»، سنسکریت àsti (§116, §228.I):

DB 4.46, 51; DNb 54f, 56; DSe 37; XPh 30.

a[h]mahy.

اوستا mahi، سنسکریت -smàs-i، یونانی دُری εἰμες(§118.II, §230.I):

DB 1.7f, 11; DBa 12, 18.

ha[n]tiy سوم شخص جمع

اوستا hənti، سنسکریت sànti، یونانی دُری εντι، اوسکی sent :(§39, §122, §232.I)

DB 4.61, 63°.

āham ماضی استمراری اول شخص مفرد

سنسکریت āham، یونانی همری ῆa (§67.II, §122, §226.II):

DB 1.14; 2.6, 12; 3.77, 4.63 bis, 64. āhām XPh 15f

(§53, §131; باحتمال ضعیف → Hz. AMI 8.65, ApI 63-4).

āha ماضی استمراری *ēset (§228.II)

اما اوستا ās از *est:

DB 1.21, 22, 29, 30, 36, 45f, 48, 62, 86, 2.13, 18f, 19, 24 bis, 94, 95; 3.8, 30, 70; 4.8; 89; 5.29; DNa 38; DSe 32°; DSf 16, 57°; DSj 3°, 4,4°; DSI 5; DZc 12°; XPf 18, 19, 22, 30, 38; XPh 35, 42.

$\bar{a}ha^{n}$ ماضی استمراری سوم شخص جمع

سنسکریت āsan (§232.II; §274.nl):

DB 1.8 (§259), 10, 38, 42, 56, 90, 96; 2.27, 36, 42, 47, 56, 70, 98; 3.19, 40, 47, 63, 69, 89; 4.51; 5.15°, 31; DBa 13. 16; DNa 39°.

$\bar{a}ha^{n}t\bar{a}$ ماضی استمراری سوم شخص جمع میانه (§236.II, §274.nl)

DB 1.19, 58; 2.77; 3.75, 90°, 92; 4.81; XPf 29.

$\bar{a}ha^{n}ta$ (§36.IV c) DB 3.49, 51.

āhaniy التزامی، اول شخص مفرد

سنسکریت àsāni (§226.I):

XPh 47,48

(-ă- از زمان فعلی دیگری گسترش یافته است، بنابر نظر Ogden ap. (Kent, JAOS 58.325; §52.III, §131, §222.I

āhy التزامی دوم شخص مفرد

سنسکریت àsasi (§131, §227.I):

DB 4.37, 68, 72, 87; DSt 10°.

ahatiy التزامی

اوستای گاهانی aŋhaitī، سنسکریت àsati (§222.I):

DB 4.38, 39f, 68, 68f, 74°, 78; 5.19, 35°; DPe 22.

**²ah-** فعل «حرکت دادن»: اوستا -²ah، سنسکریت -as، مضارع àsyati.
DB 1.95 (§214, §274d) ماضی استمراری میانه بعنوان مجهول [ā]h[yat]ā
(بازسازی مربوط به Kern, ZDMG 23.239).

**idā** (همان idă) قید «اینجا»: اوستای گاهانی idā، اوستای متاخر iδa، سنسکریت ihà، یونانی، پایانه قیدی -θε، هندواروپایی آغازین *i-dhe (§76.III, §191.II)، شکل گرفته روی ریشه ضمیرواره موجود در فارسی‌باستان iyam، سنسکریت ayàm iyàm idàm، لاتین is ea id.

DB 1.29; DSf 37, 38, 40, 43, 45f; DSo 4°; XPb 24.

**ima-** صفت و ضمیر اشاره «این»: اوستا -ima، سنسکریت -ima؛ بن برگرفته از آریایی *im-am برابر با مفعولی صریح *i-m بعلاوه پی‌چسب -am (نگاه کنید به مدخل مربوطه؛ به اشتباه در Mt. MSLP 19.49-52). صرف §199.
imam مفعولی صریح مفرد مذکر DPa 6; DPe 21; DSd 3; DSn 1°; XPa 12; XPj; A¹I (بعنوان فاعلی مفرد مذکر §56.V): D²Sa 1°; A²Sa 3,4°,5° (بعنوان مفعولی صریح مفرد خنثی); A²Ha, 5,7 (بعنوان مفعولی مفعولی صریح مفرد خنثی §56.V); A3Pa 22;(بعنوان فاعلی مفرد مونث §56.V).
imaiy فاعلی جمع مذکر DB 4.34, 80, 82; 5.23.
imaiy مفعولی صریح جمع مذکر DB 4.31; imai-vā (§136) DB 4.71, 73,77.
imaišām وابستگی جمع مذکر DB 4.87.
imām مفعولی صریح مفرد مونث AsH 10f, 13; DB 4.42, 48, 54, 57, 70, 73, 77, 91 (imª Cameron; بجای → imām, §52.VI); DPd 15, 18; DPe 24; DNa 1f, 32, 53; DSe 1f; DSf 1; DSt 1; DZc 1,8,12; DE 2; XPa 1; XPb 2; XPc 1;XPd 1f; XPf 1f; XPh 1, 58; XE 3; XV 2,

24; A1Pa 2°; A2Sc 4f(بعنوان مفعولی صریح مفرد خنثی §56.V), 5; A2Sd3 (بعنوان فاعلی مفرد خنثی §56.V); A2Hc 2; A3Pa 2,25f.
imā فاعلی جمع مونث DB 1.13, 18,23;2.6°;4.33; DPe 7; DNa 16; DSe 15; DSm 5°; XPh 14.
imā مفعولی صریح جمع مونث DB 1.21; DSg 3°.
ima فاعلی مفرد خنثی DB 1.27, 72; 2.91; 3.10, 20, 53, 76; 4.1, 3,40, 49, 59; 5.2; DPh 4; DNb 32; DSf 22; DH 3.
ima مفعولی صریح مفرد خنثی DB 1.25 bis, 26, 68; 4.44; DNb 1f; DSf 10; DSj 5°; XPc 10f; XPd 16; XSa 1; XSc 3°; XV 20; A1Pa 19°; D2Sb 3°, 4°.
imā مفعولی صریح جمع خنثی DB 4.32.
imaibiš بایی جمع خنثی DNb 48.

**imaniš-** اسم «ایمنیش»، نامی که از سوی «مرتیا»، شورشی بابلی بکار رفته است (§163.V): عیلامی um-man-nu-iš, اکدی im-ma-ni-e-šú.
imaniš فاعلی مفرد مذکر (§185.III) DB 2.10; 4.16f; DBf 4.

**iyam** صفت و ضمیر اشاره «این» (§11, §260.III, §265): از ī* در حالت فاعلی مفرد مونث (نیز احتمالاً از i* در حالت فاعلی مفرد مذکر بدون پسوند) بعلاوه ضمیرواره am- (نگاه کنید به مدخل مربوطه). صرف، §199. نیز نگاه کنید به idā, ima-.
iyam ضمیر، فاعلی مفرد مذکر DBb 1; DBc 1; DBd 1; DBe 1; Dbf 1; DBg 1; DBh 1; DBi 1;DBj 1;DBk 1; DNi-iv, xv,xvi°, xvii, xxix; A?P 1-4, 8°, 9-21, 22( نوشتار بصورت → imaya, §51), 23-8, 29°,30.
ıyam صفت، فاعلی مفرد مونث AmH 5,8 (بعنوان دری مفرد مونث §56.V) ; DPd 6;DZc 10;i(ya)m DB4.89 (§52.VI); (یا ادغام شده در Im, § 23.I)

**isuvā-** اسم «تبرزین»، (Junge, Klio 33.22-3; Kent, JNES 4.233): ریشه‌شناسی نامعلوم (ساخت بن §143.IV). نه «کمانداران» برای išuvā- برپایه اوستا išu-

«تیر»، سنسکریت -iṣu (مقایسه شود با آراء گوناگون Wb. Grab 41-3).
isuvām مفعولی صریح مفرد مونث DNd 2.

**iš-** فعل، نگاه کنید به -aiš.

**išti-** اسم «خشت» (§152.III, §179.III): اوستا – ištya، فارسی‌نو «خِشت»، سنسکریت iṣṭakā، سنسکریت قرون وسطی -iṣṭikā
(König, Burgbau 51-2; Wb. AfoF 7.41; Hz. AMI 3.57-8; W.N. Brown, Lg. 8.13).
ištiš فاعلی مفرد مونث DSf 29.

**[išmal]uv** یا **[išmar]uv** حالت مفعولی صریح مفرد خنثی با مفهومی نامعین، احتمالاً «(طلای) مرصع»
(Cameron, Persepolis Treasury Tablets 129-30)DSf 51؛ ارائه شده از سوی Hz.AMI 3.74-5 بعنوان وامواژه از عیلامی is-ma-lu (gišma-lu «چوب» Hinz, Orientalia 1950,19,408-15) یا از یک اصل گمشده اکدی برای هردو؛ مقایسه شود با JAOS 53.21, 56.220. اما قرائت ترجیحی از نظر هینتز [dār] uv، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه.

**izalā-** اسم «ایزَلا» ناحیه‌ای در آشور (§6, §107): عیلامی is-ṣi-la.
i[zal]ā فاعلی مفرد مونث DB 2.53,
صورت بازسازی شده بوسیله Wb ZDMG 61.726 (Izarā Tm. Lex. 74)، پس از صورت عیلامی. اما کامرون تمام حروف را قابل مشاهده یافته است: izalaa.

**hu-** پیشوند جدا نشدنی «خوب، درست» (-uv پیش از واکه‌ها): اوستا -hu، سنسکریت -su، یونانی u-γιης «دارای زندگی خوب، سالم». هندواروپایی آغازین -*su (§140. IV) در: uxšnav-, ukāra-, ucāra-, utāna-, utava-, uθanuvaniya-, ufrašta- ufrasta-, ubarta-, umartiya-, uraθa-, uvaspa-, ūvnara-, uradana-, uvaxštra-, uvārazmi-, uvārštika-,

.uvāsabāra-, ušhamaranakara-.

**ukāra-** صفت «دارنده مردم یا سپاه خوب»: از -u «خوب» بعلاوه -kāra «مردم، سپاه».
مفعولی صریح مفرد خنثی بجای مفعولی صریح مفردمونث ukāram AsH 9 (§ 52.III).

**uxšnav-** صفت «خوب راضی» (142 §): از -u «خوب» بعلاوه -xšnav «راضی کردن» («مهربان» Hz. ApI 199-200؛ uxšnuš «آگاه»، Sen 233).
u[xšna]uš فاعلی مفرد مذکر (§183.III,§190.I) DNb 27.

**ucāra-** صفت «خوب انجام شده، موفق»، بعنوان اسم خنثی «کردار خوب»؛ از -u بعلاوهٔ -cāra از ریشه -kar «انجام دادن (§99, §122, §123.3)، مقایسه شود با اوستای متاخر -čārā «ابزار کمکی»، فارسی‌نو «چاره»(Bv. BSLP 30.1.65-6، Gr. §292؛ مقایسه شود با Bthl. AiW 584)؛ اما Wb. AfoF 7.39-40، Hz. ApI 193-8، واژه را از آریایی -car «حرکت کردن» می‌گیرند (اوستا čaraiti، سنسکریت càrati; اما در سنسکریت تنها واژه sučārā بعنوان نام زن وجود دارد!).
ucāram فاعلی مفرد خنثی DSj 4°; DSl 5.
ucāram مفعولی صریح مفرد خنثی DB 4.76; ucāramaiy DSf 20° (=ucāram-maiy, §138.I).

**ucašma-** قرائت اشتباه برای cašam = cᵃšᵃmᵃ؛ نگاه کنید به -caša.

**ʰūja-ʰūvja-** (§23.II) اسم، «عیلام، شوش»، ایالتی در امپراتوری ایران (§166.II)؛ نیز بعنوان قوم ـ واژه «عیلامی،شوشی»: عیلامی hal-tam-ti، اکدی e-lam-mat، مقایسه شود با فارسی‌نو «هوژ» (ūja متمایز از ūvja، نظر اشتباه (König, Burgbau 9-11, Hz. AMI 3.69-73 نیز نگاه کنید به –ūjiya.
۱) «عیلام»: ūja فاعلی مفرد مذکر DSe 21°, DSm 7°; XPh 20.
ūvja DB 1.14, 2.7, 5.4; DPe 10; DNa 22.

ūvjam مفعولی صریح مفرد مذکر DB 1.82; 2.12; 4.12, 17; 5.10.
ūjaiy در مفرد مذکر DSf 46. ūvjaiy DB 1.74f, 75, 77; 2.10, 10f; 4.11, 17; DBc 9f; DBf 5.
۲) «عیلامی»: ūvja فاعلی مفرد مذکر DN iii; A?P 3.

**hūvjiya-hūjia-** (§144.III) صفت، عیلامی، «شوشی»: مشتق از واژه پیشین.
ūvjiya فاعلی مفرد مذکر DB 4.10,5.5f.
ūvjiyā فاعلی جمع مذکر DB 1.75f, 2.12,5.15.
ūvjiyā مفعولی صریح جمع مذکر DB 5.11.
ūvjiyaibiš بایی جمع مذکر DB 5.10.

**utā** (برای §36.I ută) حرف عطف «و» (§291.I-II): اوستا uta، سنسکریت utà، یونانی همری η-ὔτε «مانند»، هندواروپایی آغازین ute* (باحتمال ضعیف هم ă- و هم ā- در آریایی، علیرغم Mt. MSLP 19.57-8, MB Gr. §151). همبسته با cā- مقدم DB 1.66f, (مقایسه شود با یونانی τε καί); utā...utā «هم... و هم...»:

DB 1.34f, 41, 46f; 2.74, 88f; 5.19f, 35; DNb 30, 37, 40f, 43, 45; XPf 19f; XPh 54f.

utā : AsH 13; DB 1.34 bis, 34f, 41 ter, 46 bis, 47, 57, 67, 77, 85; 2.3,4, 18, 74 ter, 77, 81f, 87, 88, 89, 92; 3.30, 47, 48, 50, 58, 74, 77(uā, §52.VI),88, 90, 91; 4.7, 56, 61, 62, 75 bis, 79, 89, 90, 91 bis;5.11, 12, 19, 20°, 28°, 31, 35 bis; DPd 15; DPe 13, 14; DNa 53; DNb 3f. 26, 27, 28, 30 bis, 37 bis, 40f, 41, 43 bis, 45 ter; DSe 28°, 51f; DSf 13, 28 bis, 29, 33, 35, 36, 37, 40, 44 bis, 48, 50, 52, 55, 57; DSn 2°; DSs 7°; DSt 9; DZc 11; XPa 19 bis; XPb 24, 30; XPc 13 bis; XPd 19; XPf 19f, 20, 39, 46, 47; XPg 5,11; XPh 24, 35, 38, 41, 48, 53, 54, 55, 58; XSc 5°; XV 20, 27°; $A^1$Pa 24°; $A^2$Sa 4, 5, 5°; $A^2$Sc 5; $A^2$Sd 4; $A^2$Ha 5°,6, 6f; $A^2$Hc 19; $A^3$Pa 25 bis, 26.

utā-maiy:AsH 12;DB4.46 (قابل رویت برای کامرون؛ مقایسه شود با یاداشت مربوطه); DPh 10; DNa 52f; DH 8; XPb 29; XV 26f°; A²Hc 20. utā-taiy DB 4.56, 58, 73f, 75, 77f, 79. utā-šaiy DB 2.74f, 89. utā-šim DB 2.13°; 5.13, 26f. utā-šām DB 3.57; 5.15. utā-diš DNb 46f.

uta-maiy (§135) DSe 51°; DSf 58; DSj 6°; DSt 9°; XPa 15, 18f; XPd 18f;XPf 41,45f;XPg 14;XPh 58(جای u خالی مانده‌است; Lg. 13.303); XSc 5°; A¹Pa 23°; A²Sd 4. uta-šim (§135) XPh 34.(در بازسازی‌ها معمولاً همیشه میان utā و -ută ابهام وجود دارد).

**utāna-** اسم «اوتانَ»، پیرو داریوش علیه گئوماتا: عیلامی hu-ud-da-na، اکدی u-mi-it-ta-na-، یونانی Οτάνης؛ احتمالاً -u «خوب» بعلاوه -tāna از ریشه -tan «کشیدن،گستردن»(§164.II)،اوستا، سنسکریت -tan، یونانی τείνει، لاتین tendit. مقایسه شود با سنسکریت tàna-m «فرزند»: دارنده نسل‌های خوب».

[u]tā[na] فاعلی مفرد مذکر DB 4.83.

**utava-** صفت «قوی،سالم»:-u «خوب» بعلاوه صورت مشتق از -tav «قوی بودن» (§122).

utava فاعلی مفرد مذکر DB 4.71f
(اصلاح HK,ApKI 1.63, 2.29 در برابر dªtªsª مربوط به KT، در مورد حروف اول و سوم بسیارسست است §54.I).

**uθanuvaniya-** اسم «کمانور خوب»: -u «خوب»، بعلاوه -θanuvaniya «کمانور».
uθanuvaniya فاعلی مفرد مذکر DNb 42f.

**ud** حرف (اضافه)پیشایند و پیشوند «بالا»، از ایرانی -uz-,us پیش از آواهای دندانی (§85): اوستا-uz-,us، سنسکریت ud، هندواروپایی آغازین *ud ( و *ūd در انگلیسی نو out، آلمانی فرازین نو ud:(aus؛ با ریشه فعلی -us-,pad در -ustašanā و -u(z)(̌– در -uzma (§84).

**upā** (همان upă، مقایسه شود با 140.I§) حرف (اضافه) پیشایند و پیشوند «بسوی»: اوستا upa، سنسکریت úpa یونانی ὑπò، لاتین s-ub «زیر»، هندواروپایی آغازین *upo.

۱) «در زمان، زیر، با»، حرف (اضافه) پیشایند با حالت مفعولی صریح (به‌احتمال ضعیف به معنی «مربوط به» بصورتی‌که Hz. ApI 353 برداشت کرده است):

DB 2.18,3.30; A²Pa 23; Sf.

۲) پیشوند

«زیر»، در -upadarma; «بسوی»، با فعل -ay؛ «نسبت به»، در -upastā.

**upadarma-** اسم «اوپدَرمَ»، پدر آثرین: عیلامی uk-ba-[tar]-ra-an-ma. از upa بعلاوه -darma (ریشه -dar)، سنسکریت -dhàrma «رفتار مناسب» (163.V§): «کسی که تحت تاثیر رفتار مناسب است (=براساس رفتار مناسب عمل می‌کند)»

(نیز Bthl. AiW 390، بصورت تحت‌اللفظی؛ باحتمال ضعیف -upadaraⁿma، پس از صورت عیلامی؛ صورت پذیرفته شده با احتمال ضعیف از سوی Hz. ApI 190)

upadarmahyā وابستگی مفرد مذکر DB 1.74.

**upariy** قید، حرف (اضافه) پیشایند، پیشوند «بالا»: اوستا upairi، سنسکریت upàri، یونانی ὑπερ، لاتین s-uper، گوتیک ufar، هندواروپایی آغازین *uperi (191.I§)

۱) قید «بالا»، Xph 31.

۲) «مطابق با، طبق، روی»، حرف (اضافه) پیشایند با حالت مفعولی صریح:

DB 4.64; DNb 4,32, 46,49; DSf 27.

۳) پیشوند، «روی»، با فعل -ay

**upastā** اسم «کمک، یاری»: upā بعلاوه ریشه فعلی -stā (140.I, §142§)، از نظر معنایی مقایسه شود با آلمانی Bei-stand.

upastām مفعولی صریح مفرد مونث AmH 10f; DB 1.25, 55, 87, 94; 2.24f, 34, 40, 45, 54, 60, 68, 86, 97°; 3.6, 17, 37, 45, 62, 67, 87; 4.60f, 62; DPd 13; DNa 50; DSf 19°; DSk 5; XPh 32, 45.

**ufrātu-** اسم «فرات»، رودبابل: عیلامی ú-ip-ra-tu-iš، اکدی purattu، یونانی

Ευφρāτης (§75.V,§76.V,§166,§166.III). ریشه‌شناسی نامعلوم، احتمالاً در فارسی باستان، یک ریشه‌شناسی عامیانه از نام یک محل غیر ایرانی است ، مقایسه شود با Bth.AiW 1830;Fick,BB 24.310;Justi, IFA 17.116; Tm. Lex.77.
ufrātuvā بایی مفرد مذکر DB 1.92(Hz. ApI 71-2 نه در حالت وابستگی بصورت اختیار شده از سوی).

**ufrasta- ufrašta** صفت «بخوبی مجازات شده»: -u «بخوبی» بعلاوه وجه وصفی frasta- یا frašta- «مورد سئوال واقع شده، بازجویی شده» از ریشه fraθ-: هندواروپایی آغازین *su-prekto- (§93) (§33,§75.II,§242.II).
ufrastam مفعولی صریح مفرد مذکر DB 1.22, 4.66f;
ufraštam DB 4.38.
ufraštā-diy مفعولی صریح جمع مذکر DB 4.59
(JAOS 35.351-2, cf.Bv.Gr.§345؛ نه ufrastā در حالت دری بعلاوه حرف (اضافه) پیشایند adiy، بصورت اختیار شده از سوی Bthl. IF 12.110, AiW .(60-1, Mt. Gr. §318

**uba-** صفت «هردو»:اوستای گاهانی -uba، سنسکریت، تثنیه ubhā(u)، هندواروپایی آغازین *ubhō(u)، مقایسه شود با یونانی αμ-φω، لاتین am-bō (§143.III).
ubā فاعلی تثنیه مذکر (§189) DSf 14; XPf 21.

**ubarta-** صفت «خوب نواخته شده، ارتقاء یافته، محترم شمرده شده»: -u «خوب» بعلاوه barta- «بُرده»، وجه وصفی از -bar «بردن»، هندواروپایی آغازین *su-bhṛto- (§30, §122, §242.1).
ubartam مفعولی صریح مفرد مذکر DB 1.21f; 4.66
[uba(r)]tām (§56.VI) مفعولی صریح مفرد مونث DB 4.88.
در مورد معنی، مقایسه شود با Altheim, ZII 3.33-5 به احتمال ضعیف، بصورتی که از سوی König, RuID 69 اختیار شده است.

**[u]mamaita،** نگاه کنید به -atamaita.

**umartiya-** صفت «دارای مردان خوب»: -u «خوب» بعلاوه -martiya «مرد».

umartiyā فاعلی مفرد مونث AmH 6; DPd 8f.
umartiyam مفعولی صریح مفرد خنثی DSf 11f;DSm 4°;DSp 3°.DZc 4.

**uyamā** اسم «اُویما»، دژی در ارمنیه: عیلامی ú-i-ia-ma، آرامی huyaw .(Cowley, AP 251 line 4,257)
uyamā فاعلی مفرد مونث DB 2.44 (همه حروف برای کامرون قابل رویت بوده است)

**uraθa-** صفت «دارای گردونه‌های خوب»؛ سنسکریت -suratha بعنوان نام مرد: -u «خوب» بعلاوه -raθa «گردونه»، اوستا -raθa، سنسکریت -ràtha، لاتین rota «چرخ» (§143.III). نیز نگاه کنید به -uraθara.
uraθā-cā مفعولی صریح جمع خنثی بعنوان اسم «گردونه‌های خوب» DSs 5.

**uraθara-** صفت «دارای گردونه رانان خوب»، مشتق از -uraθa (§148.I).
[u]raθaram مفعولی صریح مفرد خنثی DSp 3.

**uradana-** صفت «دارای دستور خوب»: -u «خوب» بعلاوه مشتق -²rad «هدایت کردن» (§122, §147.I): نیز نگاه کنید به Hz.ApI 206-7 (اما او در طرح واژه به لاتین بصورت lēx «قانون» اشتباه کرده است).
uradanām مفعولی صریح مفرد مونث DNb 23.

**ʰuva-** ضمیر انعکاسی «خود» و صفت ملکی «مال خود» (§118.IV): اوستا -xᵛa، سنسکریت -sva، یونانی ε و os، لاتین sē و suos، هندواروپایی آغازین sue* و suos* (§143.III)؛ در -uvādā-,uvāipašiya-, uvāmaršiyu.

**uvaipašiya-** صفت «متعلق به خود» (به اشتباه «خود رأی»، Sen 246)، خنثی بعنوان اسم «ملکیت خود»: اوستا -xǎēpaiθya «خود»؛ فارسی‌باستان -uvai، صورت فاعلی -uva، همانند سنسکریت svay-àm «خود» (MB Gr. §293) بعلاوه آریایی آغازین -patia* ساخته شده روی صورت هندواروپایی آغازین -poti*، اوستا paitiš «سرور، شوهر»، سنسکریت -pati، یونانی πòσιs «شوهر»، لاتین

potis «قادر»، لیتوانیایی pàts «خود»: هندواروپایی آغازین -suoi-potio* .(§53, §143.II,§152.III,§161.IIb)

uvaipašiyahyā وابستگی مفرد خنثی DNb 15.

**uvāipašiya-** همان واژه پیشین، با ویژگی vriddhi در هجای آغازین (§126;MB Gr. §298)؛ اما ممکن است -uvāi صورت اشتباهی باشد برای -uvai، یا -uvai بجای (§53) -uvāi

uvāipašiyam مفعولی صریح مفرد خنثی DB 1.47.

**ʰuvaxštra-** اسم «هوخشتر»، شاه متقدم ماد: عیلامی ma-ak-iš-tar-ra، اکدی ú-ma-ku-iš-tar، یونانی κυαξάρης از -u «خوب» بعلاوه -vaxštra «رشد» (§9.II,§79,§148.III)، از ریشه -vaxš، اوستا -vaxš، سنسکریت -vakṣ، آلمانی wachsen، انگلیسی نو wax (§102): «دارنده رشد خوب»(§164.II, IV). نیز Bthl. AiW 1836؛اما Hz. ApI 209 «دارای نظارت خوب» معنی می‌کند، برپایه اوستا aiwy-axštrāi (در حالت برایی) «نظارت» (صورت دیگر (Hüsing, OLZ 2.139-40

uvaxštrahyā وابستگی مفرد مذکر DB 2.15f,81. uvaxštrahya (§36.IVb) DB 4.19,22;DBe 7; DBg 9f.

**uvajiya- uvaja-** قرائت -ūvjiya- ūvja؛ نگاه کنید به -ūjiya-,ūja.

**uvādā-** اسم «محل اقامت»، ساخت دارای ویژگی vriddhi از سنسکریت svadhā «ویژگی ذاتی»،از -sva «خود»بعلاوه -dhā «ساختن»(-uva-+²dā §142;OP)؛ در paišiyāuvādā، نگاه کنید به مدخل مربوطه.

[v]vādā[m] «نسب نامه»، مفعولی صریح مفرد مونث DB 4.90f.

**uvādaicaya-** اسم «اوواَدیی چیا»، شهری در پارس (§159): عیلامی .ma-te-si-iš.

uvādaicaya فاعلی مفرد مذکر DB 3.51.

**uvāmaršiyu-** صفت «(دارای خود مرگی =) کسی که با دست خود بمیرد»، چه از

روی عمد و چه تصادفی: -uva «خود»، با ویژگی vriddhi بعلاوه *mr̥tiu «مرگ»، اوستا -mərəθyu سنسکریت -mr̥tyú از -mar «مردن» (§30, §80, §113, §122, §126, §152.III, §153.I, §161.IIa) ؛ این صفت برای کمبوجیه بکار رفته است که بنابر Herod. 3.64-6، براثر زخمی که تصادفاً برخود وار آورد، مرد. این برداشت از طریق ترجمه‌های اکدی و (با اینکه متن دقیق عیلامی تا اندازه‌ای دارای ابهام است)عیلامی، قویاً تایید شده‌است. نیز KT9;Tm.Lex.78; Wb.KIA 17 با یادداشت ؛ ApI 216-9; W.Hinz, Altpers. Wortschatz 141 و Hz. BSOS 8.589-97.
نظر W.Schulze, SbPAW 1912.685-703, 1918.331-2 مبنی بر «براثر مرگ طبیعی» راکه در زبانهای دیگر دارای نظایر معنایی است واز سوی MB Gr. §144, §286, §298 (بنونیست -uvā را در حالت بایی و نه با ویژگی vriddhi اختیار کرده است) و H.H.Schaeder, Nachrichten d.Ak.d. Wiss. in Göttingen, phil.-hist. Kl.1946-7.24-36 نیز مورد پیروی قرار گرفته است، نمی‌توان پذیرفت.
uvāmaršiyuš فاعلی مفرد مذکر DB 1.43.

**uvārazmī-** اسم «خوارزم»، ایالتی از امپراتوری ایران: عیلامی ma-ra-iš-mi-iš، اکدی hu-ma-ri-iz-ma-، یونانی χωρασμίη اوستا، مفعولی صریح مفرد مونث x̌āirizəm از -u «خوب» بعلاوه (؟)-vāra (§126,§143.III)، بعلاوه -zmī(§95,§120,§152.II) از -zam «سرزمین». نیز نگاه کنید به-uvārazmiya.
uvārazmīy فاعلی مفرد مونث (§179.I; Lg.19.223)DB 1.16, DPe 16f;
uvārazmiš DNa 23f,DSe 22°,DSm 9°,XPh 21f.
uvārazmiyā ازی مفرد مونث DSf 39f.

**uvārazmiya-** صفت «خوارزمی»: مشتق از واژه پیشین (§144.III)
[uvāra]zmⁱya(§22) فاعلی مفرد مذکر A?P 8.

**ūvārštika-** اسم «نیزه‌دار خوب»: -u «خوب» بعلاوه -ārštika «نیزه‌دار» (§126).
uvārštika فاعلی مفرد مذکر DNb 44.

**uvāsbāra-** اسم «سوار خوب»: -u «خوب» بعلاوه -asabāra «سوار»، با ویژگی vriddhi

.(§126)

uvāsbāra فاعلی مفرد مذکر DNb 42.

**uvaspa-** صفت «دارنده اسب‌های خوب»: -u «خوب» (§118.IV, §140.IV) بعلاوه -aspa «اسب» (§9.III).

uvaspā فاعلی مفرد مونث AmH6; DPd 8.

uvaspam مفعولی صریح مفرد خنثی DSf 11;DSp 3°; DZc 4°; بجای ←
مفعولی صریح مفرد مونث AsH 10 (§52.III).

uvaspā مفعولی صریح جمع خنثی بعنوان اسم «اسبان خوب» DSs 5°.

**ūvjiya- ūvja-** نگاه کنید به -ūja -ūjiya: مقایسه شود با Wb. AfoF 7.43, Schaeder Sb PAW 1931.636.n3.

**ūvnara-** اسم «هنر، مهارت»: ساخت صفتی از آریایی آغازین -su* «خوب» بعلاوه -nar* «مرد» (§142, §143.II,V)، = «دارنده بهترین نوع مرد»، اوستا -hunara «قابلیت، مهارت»، سنسکریت -sūnàra «شادمان، خوشحال، خندان»، با ویژگی vriddhi در واکه نخست در فارسی‌باستان و سنسکریت برای نشان دادن ویژگی اشتقاقی (§126,§23.II :Lg.15.173,JNES 4.51-2: مقایسه شود با Hz.RHRel.113.30,ApI 200-6، که ریشه‌شناسی دیگری را مطرح می‌کند، همانگونه که Pisani, Riv.Stud.Or.19.93-4 و Bailey, JRAS 195,194، عمل می‌کنند).

ūvnarā فاعلی جمع خنثی DNb 45,51.

ūvnaraibiš بایی جمع خنثی DNb 48.

**ustašanā-** (ustašnā Bv. Gr. §294) اسم «پلکان»: -us (نگاه کنید به -ud §84,§85) بعلاوه tašanā (§102)، مشتق (§147.I) از ریشه -taš «بریدن، ساختن» (نگاه کنید به مدخل -taxs)، هندواروپایی آغازین ud-tekþenā*.

ustašanām مفعولی صریح مفرد مونث $A^3$Pa 22 (§56.V به عنوان فاعلی).

[usta]canām (§49b) $A^2$Sc 5f.

**ušabāri-** صفت «سوار بر شتر»: -uša «شتر» (§79, §130)، اوستا- uštra «سوار بر» bāri ـ بعلاوه، (MB Gr. §109; cf. Justi, GGA 1882.488) (§122,§126,§152.I,§160.Ic)، از ریشه -bar «بردن». مقایسه شود با Jn. Indo-Iranian Studies Sanjana 18-20.
ušabārim DB 1.86f.

**ušī-** اسم تثنیه «دو گوش، شنیدار، درک» (مقایسه شود با ;JNES 4.232 (Hz. RHRel. 113.30, ApI 342-4): اوستای متاخر، تثنیه uši، مقایسه شود با یونانی ovs، لاتین auris، گوتیک ausō.
ušīy فاعلی تثنیه خنثی (§189) DNb 28.
[uš]ī-cā مفعولی صریح تثنیه خنثی (§136)DNb 32.
ušībiyā بایی تثنیه خنثی (§189)DNb 37;
ušīyā بایی تثنیه خنثی (§189;Lg. 19.224-5 (با پایانه مفرد DNb 35.

**uška-** صفت «خشک»؛ خنثی بعنوان اسم، «سرزمین، سرزمین اصلی»: اوستا -huška «خشک»، فارسی‌نو «خشک»، سنسکریت -súsyati,súṣka «خشک می‌کند»، لیتوانیایی saũsa-s «خشک»، انگلیسی نو sere، sear (§146.I).
uškahyā وابستگی مفرد خنثی DPe 13.

**ušhamaranakara-** اسم «جنگاور خوب»: -u «خوب» بعلاوه -hamaranakara «جنگاور» (§ 140.VI).
ušhamaranakara فاعلی مفرد مذکر DNb 34.

**uzma-** صفت بعنوان اسم «آن که بالای زمین است، چوبه مرگ»: از -ud «بالا» بعلاوه -zma از -zam «زمین» (§84,§65,§120,§130,§142,§143.II,VI):
Wackernagel, KZ 61.208; Lommel, OLZ 37.180.n2; بصورت دیگر
uzmayā-patiy دری مفرد خنثی DB 2.76,91;3.52, 92 (حذف شده $m^a$, §52.VI).
König, RuID 72

**ka-** ضمیر پرسشی نامعین «چه کسی»: اوستا، سنسکریت -ka، یونانی -πο، لاتین

quo-، انگلیسی نو wha-t، هندواروپایی آغازین -$q^uo$* (§201). نیز نگاه کنید به (§132.2) -kā,-kaiy, ci. با پی چسب -ciy، «هر»:
kaš-ciy (§9.VI, §99, §105) فاعلی مفرد مذکر DB 1.49,53;DSe 37.

**Kā** از ادات تعمیم پس از ضمیر دوم شخص: احتمالاً حالت بایی مفرد خنثی از -ka (§191.III; Kern ap. Caland, z.Syntax der Pron.im Av. 47; Kieckers, Etymol. Miszellen 1934.135; صورت دیگر → Gray, JAOS 23.60). DB 4.37,41,67°,70,87°; DSt 10°; XPh 46.

**kaiy** از ادات تاکید پی‌چسب، در ada-kaiy (نگاه کنید به مدخل مربوطه): احتمالاً حالت دری مفرد خنثی از -ka (§191.III)، مقایسه شود با یونانی $\pi o\iota$ «هرجا» (Bv.Gr. §336) واژه را بصورت $ka^d$-$i^d$* گرفته است، مقایسه شود با naiy از ($^*$na-$i^d$).

**kaufa-** اسم «کوه»: اوستا-kaofa، پهلوی kōf، فارسی نو «کوه[۶]» (§75.II, §166). نیز نگاه کنید به -ākaufaciya.
kaufa فاعلی مفرد مذکر DB 1.37;3.44;DSf 31.

**ka$^n$ta-** وجه وصفی بعنوان اسم (§276.III) «حفاری»: آریایی آغازین -kn̥ta* از -$^1$kan، با n بازسازی شده (§242.II) همانند samar-kand، که در آن -kand از نهر تا دیوار مجاور انتقال یافته است (König,Burgbau 32n;Hz. AMI 3.54-5, ApI 224)
katam فاعلی مفرد خنثی DSf 25.

**katpatuka-** اسم «کپدوکیه». ایالتی از امپراتوری ایران؛ نیز، بصورت صفت، «کپدوکیایی»: عیلامی qa-at-ba-du-qa، اکدی ka-at-pa-tuk-ka، یونانی Κaππaδokīa (§83.III).

---

۶. کنت واژه فوق را در فارسی‌نو بصورت kōh واجنویسی کرده است. در حالیکه واجنویسی درست این واژه در فارسی kūh است؛ زیرا واج /ō/ فارسی‌میانه در فارسی‌نو به /ū/ تبدیل شده است.

۱)«کپدوکیه»: katpatuka فاعلی مفرد مذکر DB 1.15f; DPe 12; DNa 28; DSe 27°; DSm 8°; XPh 26.

۲)«کپدوکیایی»: katpatuka فاعلی مفرد مذکر A?P 21.

**¹kan** فعل «کندن»: اوستا -kan، سنسکریت -khan (§100). نیز نگاه کنید به .kata-,adukanaiša-

kaⁿtanaiy (§238 ; «کندن» فارسی نو) مصدر DZc 9; XV 21.

akaniya نگاه‌کنیدزیرمدخل (§113,§220)DSf 24,28(25,29,van)ماضی استمراری‌مجهول avaniya (قرائت DZc10°

ni- + kan- «ویران کردن، از میان بردن» : nikaⁿtuv امر (§208, §237.II) DB 4.80

vi- + kan-«ویران کردن، از زیرخاک در آوردن» : viyakanam ماضی استمراری اول شخص مفرد XPg 38.

viyakaⁿ ماضی استمراری (§208,§228.II) DB 1.64.

vikanāhy التزامی دوم شخص مفرد (§27) DB 4.71,73;

vikanāhᵃ-diš (§27,§54.II,§136) DB 4.77

**²kan-** فعل، با پیوندهای مبهم، احتمالاً «انداختن، قراردادن»: مقایسه شود با فارسی نو «افکندن» به معنی «بار کردن» از-ava-kan (Bv. Gr. §184; Morgenstierne, Acta Or.1.249; Hz. ApI 225).

ava+kan- «نهادن در، گذاشتن در» : avākanam ماضی استمراری اول شخص مفرد (§213, §226.II) DB 1.86

**kaᵐpaⁿda-** (§111) اسم «کَمپَدَ»، ناحیه‌ای در ماد (مقایسه شود با König. RuID 71): عیلامی qa-um-pan-taš، اکدی ha-am-ba-nu.

kapada فاعلی مفرد مذکر DB 2.27.

**kapautaka-** صفت «کبود»، در «سنگ لاجورد» kāsaka hya kapautaka: مشتق (§146.II) از بن، در پهلوی kapōt، فارسی نو «کبود[۷]»، سنسکریت -kapòta «کبوتر، رنگ کفتری،طوسی»

---

۷. واجنویسی کنت kabōd، که می‌بایست بصورت kabūd واجنویسی می‌شد. برای واج /ō/ نگاه کنید به یادداشت -kaufa

(Scheil 21.29; Bv.BSLP 30.1.61;König, Burgbau 62; Bleichsteiner, WZKM 37.94-110;
Wb. AfOF 7.42مقایسه شود با → PW 10.1887 s.v. kapauta; Hz. AMI3.64-5)
kapautaka- فاعلی مفرد مذکر DSf 37.

**kāpišakāni-** اسم «کاپیشکانی»، دژی در رخج (§117, §126): عیلامی -qa-ap-pi-iš-ša-qa-nu-iš.
kāpišakāniš فاعلی مفرد DB 60f.

**ka$^{m}$būjiya-** اسم «کمبوجیه»، ۱- پدر کوروش کبیر؛ ۲- پسر کوروش کبیر، شاه ایران پیش از داریوش: عیلامی ,kàn-bu-ṣi-ia، اکدی kam-bu-zi-ia ، یونانی Kaμβυσης (§ 111, §144.IV): ریشه‌شناسی مورد اختلاف است (مقایسه شود با Bthl. AiW 437; Charpentier, ZII 2.140-52).
kabūjiya فاعلی مفرد مذکر DB 1.28,30f,31,32,33,43.
kabūjiyam مفعولی صریح مفرد مذکر DB 1.45,46.
kabūjiyahyā وابستگی مفرد مذکر CMb 1f;DB 1.29,30,39.
kabūjiyā ازی مفرد مذکر DB 1.40.

**kam-** فعل «میل داشتن»،سنسکریت -kam؛ در -kāma، و احتمالاً در –canah. برای واژه‌های خویشاوند نگاه کنید به LEW3 زیر مدخل cārus.

**kāma-** اسم «کام، آرزو»: اوستا، سنسکریت -kāma (§126,§143.I, V, VI). نیز نگاه کنید به kam. برای ساخت نحوی حالت مفعولی صریح وابسته نگاه کنید به §249.I,JAOS 66.44-9.
kāma فاعلی مفرد مذکر DB 4.35f; 5.17°, 29,33; DNa 38; DNb 8, 10, 12, 19, 20, 27; DSf 16; DSj 3°; DZc 12°; XPf 22,30.

**kamna-** صفت «کم، اندک»: اوستا-kamna، فارسی‌نو «کم» (§147.II).
kamnam فاعلی مفرد خنثی (بعنوان اسم مسند §259) DB 2.19.

kamnaibiš بایی جمع مذکر DB 1.56;2.2,71;3.41,71f.

**kar-** فعل «کردن، ساختن، بنیان گذاشتن»:اوستا -kar، مضارع kərənaoiti، سنسکریت -kr، مضارع kr̥ṇóti(§99,§122,§132.2,§132.3). نیز نگاه کنید به .akarta-, ucāra-, kara-,dastakarta-,duškarta-, hakarta-

kunautiy (§66.I, §70, §99, §210.I) DNb 24f; DSe 2°,3f,4,6°.

akunavam (§66.I) ماضی استمراری اول شخص مفرد DB 1.62, 63, 68, 72, 87; 2.20, 76, 83, 91; 3.31f, 52, 85; 4.3f, 6,36°, 40, 41, 45,59, 60, 65, 89, 90, 91°; 5.2, 8f, 17, 29, 33; DNa 49f,51; DNb 48f; DSa 4,5; DSd 3°; DSe 32, 34, 45, 49; DSf 21,22 bis, DSg 3°; DSi 4°; DSj 2f°, 3,3f°, 4; DSo 2°,4; XPa 13,14; XPb 27; XPd 17; XPf 37f,41; XPg 11f; XPh 43, 43f. 44f, 46; XPj; A¹Pa 21f; D²Sb4. akunavām (§53,§55.I) A²Sdb 3; akuvanašāša (§55.I)A²Sdc 3. [akun]ām (§55.I) XSc 3; A²Ha 5f; [akunām]A²Sa 4,5;akunā (§55.I) A²Ha 7.

akunauš ماضی استمراری(§84, §218.I, §228.III) AsH 8; DB 2.23, 85, 96; 3.5, 16, 57; 4.10, 12, 15, 18, 20, 23, 26, 28, 31, 34, 35; 5.10; DPa 6; DNa 5f, 34; DSe 5f; DSf 4,10,15, 17, 20°,30; DSi 3°; DSm 5°; DSt 6°; DZc 3; DE 8; XPa 4,15; XPb 8; XPc 4, 11; XPd 6; XPf 6, 24, 27, 32, 42; XPg 4f; XPh 5; XSaa 2(در -nauuš §53, ab) XE 9; XV 7,20,23; A¹Pa 6°; D²Sa 2; D²Sb 3; A²Hb; A²Hc 5; A³Pa 6. akunaš (§55.I) D²Sbb 3; A²Sa 3f.

akunava$^n$ ماضی استمراری سوم شخص جمع DB 2.34, 39, 45, 54, 59; 3.37, 44, 61, 66; DNa 20f, 37; DSe 19f°; XPh 18. akunavaša (§232.III) DSf 50°, 51, 53.

akumā ماضی اول شخص جمع (§218.II, §230.II) DB 1.90, 94, 96; 2.68, 70; XPa 17; XPf 43.

akunava$^n$tā ماضی استمراری میانه سوم شخص جمع (§210.I, §236.II) DB 3.12; 5.6; DSf 48

Hz. ApI 229-30) این فعل را از -ā+kart «بریدن» گرفته است؛ اما نگاه کنید

به 2-Kent, Lg. 18.81).

akutā ماضی میانه (§66.I, §218.II, §235.II)CMb 4; DB 1.47.

akunavayatā ماضی استمراری مجهول (§220,§235.II) DB 1.20, 24.

akariya ماضی استمراری مجهول (§35.I, §99, §220)DSf 37; XPh 42.

akariya$^{n}$tā ماضی استمراری مجهول سوم شخص جمع (§35.I, §66.II, §220, §236.II)DB 3.92.

[c]āxr[iyatā] یا caxr[iyatā] ماضی نقلی مجهول DB 4.90,

بازسازی اشتباه Kent, JAOS 62.267-8 برای ]ax$^{a}$r$^{a}$[ مربوط به KT.

قرائت درست carmā (کامرون).

kunavāhy التزامی دوم شخص مفرد (§222.III) DB 4.75, 79.

kunavānaiy التزامی میانه‌اول شخص‌مفرد(§66.I,§222.III,§233.IV)DSI 4.

(نه niy- در حالت معلوم از نظر Bv.BSLP 30.1.65; Wb.AfOF 7.39).

kunavātaiy التزامی میانه (§222.III) DNb 56.

caxriyā ماضی نقلی وجه تمنایی (§99,§103.I, §122, §219, §223.I, §228.II) DB 1.50

kariyaiš وجه تمنایی مجهول (§35.I, §220, §223.II, §228.III) DNb 9,11

(نه زمان آینده وجه آرزویی، بصورتی که از سوی Hz. ApI 228 اختیار شده است).

kunautuv وجه امری (§210.I, §237.II) DB 4.76.

kušuvā ماضی وجه امری میانه دوم‌شخص مفرد(§218.II,§237.III)DNb50.

cartanaiy مصدر (§31, §99, §122, §238) DB 1.94; 2.33, 38f, 44, 53, 58, 67; 3.36, 43f, 60, 65f; DSf 20°; DSn 1°.

karta صفت مفعولی گذشته. فاعلی مفرد مذکر

(اوستا: -kərəta، فارسی‌نو«کرد»، سنسکریت -kr̥tà؛ §30,§66,§122, §242.I) DPc: DPi; DSf 38, 40, 43; XPi°; A$^{1}$I.

kartā فاعلی مفرد مونث A$^{3}$Pa 23

kartā فاعلی جمع مونث (§119)DSf 46.

kartam فاعلی مفرد خنثی DB 1.27; 2.27, 37, 42, 47, 57, 62, 92, 98; 3.8f, 10, 19, 21, 40, 47, 53, 64, 69, 76; 4.2, 42, 46f, 49, 51f, 52, 54;

DNa 48f; DNb 29, 48, 56°; DSe 44; DSj 5f°; DSn2°; DSs 7; XPa 14, 15f. 19, 20; XPb 23f, 25, 30; XPc 13, 14; XPd 19; XPf 38, 46f, 47; XSc 5°; XV 27°; XH; A[1]Pa 24°.
(kartā §56.V، بجای فاعلی مفرد خنثی) A[3]Pa 26.
kartam مفعولی صریح مفرد خنثی DNa 51; XPf 40; XPg 10; XPh 46; A[2]Sd 4.

**kara-** اسم «کننده، سازنده»، بعنوان دومین بخش اسم مرکب: مشتق از kar-(§32, §143.I)؛ در avākara-, ciyākara-, dāraniyakara-, zūrakara-, hakara-, hamaranakara- و نیز همراه با معنی مجهول «چیز ساخته شده» در patikara- (مقایسه شود با Bv.Gr. §289)، دیده می‌شود.

**kāra-** اسم «مردم، سپاه»: لیتوانیایی kāras «جنگ»، در گویش «سپاه»، گوتیک harjis «سپاه»، آلمانی نو Heer (§143. III)؛ مقایسه شود با König, RuID 66. نیز نگاه کنید به ukāra-.
kāra فاعلی مفرد مذکر DB 1.33, 40, 79, 85; 2.16, 18, 25, 27, 30f, 35, 40, 46, 50, 55, 60, 75f, 87, 90, 94; 3.3, 17, 26, 32, 38, 45, 59, 62, 67, 81; 4.92; DPe 22; DSf 29,32. kāra-šim DB 1.50.
kāram مفعولی صریح مفرد مذکر DB 1.51, 52, 66, 78, 86, 88, 95; 2.19, 20f, 25, 35, 41, 46, 55, 61, 68, 72, 81, 83f, 87, 97; 3.1f, 4,7, 15, 17, 29, 38, 42, 46, 55, 58, 62, 67, 84, 85; 4.34; 5.7; DPe 21.
kārahyā وابستگی مفرد مذکر DB 1.31f, 38, 64, 75; 2.10, 15, 80; 3.24, 70, 80; 4.54, 55, 58.
kārā بایی مفرد مذکر DB 1.93; 2.22, 67, 85, 95; 3.15f, 33, 36, 73, 86f; 5.9, 21, 24; DPe 8f.

**karka-** صفت «کاری»؛جمع، نیز ایالتی از امپراتوری ایران: عیلامی kur-qa-ap, اکدی kar-sa، یونانی kāρες, kāρικοι (§31, §106)؛ مقایسه شود با Eilers, OLZ 38.201-13 با صورت حرفی.

karka فاعلی مفرد مذکر A?P 30.
karkā فاعلی جمع مذکر DNa 30; DSe 30°; DSf 33; XPh 28.

**karnuvaka-** اسم «سنگ تراش»: از ریشه -kart «بریدن»، اوستا، مضارع -kərənv، سنسکریت -krt، هندواروپایی آغازین -qert* بعلاوه پسوند -aka- (§30, §146.I)، مقایسه شود با JAOS 51.210 نیز ساخت‌هایی از این ریشه وجود دارد که دارای -t- نیست (JAOS 53.20)، همانند یونانی κειρω (مقایسه شود با (Boisacq, Dict. ètym.de la langue grecque, s.v. . نیز نگاه کنید به Bv.BSLP 30.1.66;Hz. AMI 3.73;König, Burgbau 69-70;Wb.AfoF 7.43
karnuvakā فاعلی جمع مذکر DSf 47.

**karmāna-** اسم «کرمان»، ناحیه‌ای در جنوب ایران (§166.I): فارسی‌نو «کرمان»، یونانی kaρμāνιā.
karmānā ازی مفرد مذکر DSf 35.

**karša-** اسم «سنگ وزنه،(واحد)وزن» (مانند لاتین pondō (Lg. 19.227-9) برابر با ۸۳/۳۳گرم یا اندکی کمتر از ۳ اونس وزن
(Gray, JAOS 20.55; Schmidt, Treasury of Persepolis 62) سنسکریت -karṣa «کشیدن، واحد برای وزن» (§29.n2, §30, §143.I, VI) karša-. فارسی‌باستان، یک ششم mana (وزن؛ نه واحد ارزش) بابلی بوده است. عیلامی، آنرا بصورت kur-šà-um, =kr̥šam واجنویسی می‌کند، که ممکن است واژه را بصورت خنثی نشان دهد، زیرا واجنویسی‌های عیلامی، معمولاً صورت فاعلی مفرد وامواژه را ارائه می‌کنند؛ در حالیکه نمونه دیگر، بیشتر برای مذکر است.
karšā (نه، فاعلی تثنیه مذکر;§252D; Lg. 19.227-9)بایی مفرد مذکر Wa 1.
karšayā (نه، فاعلی جمع مذکر ;§251C; Lg. 19.227-9) دری مفرد مذکر Wc 1; Wd 1.

**kāsaka-** اسم «سنگ قیمتی»؛ صورت عیلامی qa-si-qa، سبب می‌شود که könig و

Wb، وژاه را بصورت $k\bar{a}s^ika$ تحریر کنند، در حالیکه این تحریر در فارسی‌باستان موجه نیست. مشتق از ریشه ایرانی «-kas* (§9.V, §87, §126, §146. II) = سنسکریت -kaś «قابل رویت بودن، ظاهر شدن، درخشیدن» (نگاه کنید به König, Burgbau 61؛ نه به سنسکریت -kācà «بلور، کوارتز»، علیرغم Bv. BSLP 30.1.61)؛ برای معنی، مقایسه شود با انگلیسی نو brilliant. نیز مقایسه شود با Scheil 21.29; Wb. AfOF 7.42; Hz. AMI 3.65, ApI 230-3; Bv.Gr.§273. نیز نگاه کنید به -kasakaina.

kāsaka- فاعلی مفرد مذکر DSf 37,39.

**kāsakaina-** صفت «از سنگ قیمتی»، یعنی، از سنگ لاجورد: صفت از واژه پیشین (§147. III).

kāsakaina فاعلی مفرد مذکر DPi;XPi.

**kuganakā-** اسم «کوگنکَ»؛ شهری در پارس: عیلامی ku-ug-gàm-na-qa-an، اکدی ku-gu-na- ak-ka.

kuganakā فاعلی مفرد مونث DB 2.9.

**ku$^n$duru-** اسم «کوندورو»، شهری در ماد: عیلامی ku-un-tar-ru-iš، اکدی ku-un-du-ur،

kud$^u$ruš (§22) فاعلی مفرد مذکر DB 2.65.

**kūru-** اسم «کوروش»، بنیانگذار امپراتوری ایران: عیلامی ku-raš، اکدی ku-ra-aš، یونانی κῦρος (§164.V).

kūruš فاعلی مفرد مذکر CMa 1; CMb 1; CMc°

kūrauš وابستگی مفرد مذکر DB 1.28, 39, 53; 3.25; 4.9, 27f; DBb 5f; DBh 6f.

**kūša-** اسم «کوش = اتیوپی»، ایالتی از امپراتوری ایران: عیلامی ku-šà، اکدی

ku-ù-šu، عبری kūš. نیز نگاه کنید به -kūšiya
kūšā ازی مفرد مذکر DPh 6; DSf 43f; DH5.

**-kūšiya** صفت «کوشی»؛ جمع؛ ایالتی از امپراتوری ایران: صفت از واژه پیشین (§144.III).
kūšāya (در این صورت!) فاعلی مفرد مذکر A?P 28.
kūšiyā فاعلی جمع مذکر DNa 30; DSe 30°; XPh 28.
(مکتوب بصورت kūšiya ,51§؛ مقایسه شود با Lg. 13.298).

**-xaudā** اسم «کلاه، خود» (§100, §143.IV): اوستا -xaoδa، آسی xodä ، فارسی‌نو «خوذ(۸)»، ارمنی (وامواژه) xoir «نوار دورسر»
(مقایسه شود با Duchesne-Guillemin, BSOS 9.865 و Boisacq, DELG 444، برای صورت‌های خویشاوند). نیز نگاه کنید به -tigra-xauda.
[xaudā]m مفعولی مفرد مونث DB 5.22.

**xaršādašya**(یا **xaršāišyā**) واژه‌ای با معنی مبهم، در Se؛ ظاهراً در حالت وابستگی مفرد مذکر از اسم خود. Justi, INB 173 ، سطرها را بصورت ۲ـ۳ـ۱ قرائت می‌کند و واژه xišyāršā را که به صورت اکدی نام خشایارشا نزدیک است، بدست می‌آورد (§163.VII)؛ برخلاف این امر، نگاه کنید به Wb.KIA 131.

**-xraθu** «خرد»، معنی ارائه شده در اکدی برابر با tēmē hissatum «کلام یا پیام خرد»: اوستا -xratav- xraθw «خواستن و توانستن عقلی» (Bthl. AiW 535)، سنسکریت -krátu «نیرو»، یونانی κpaτús «نیرومند»،(§33, §81, §103.I; مقایسه شود با Hz.RHRel.113.27-9, ApI 235-7 §153.III, §179.n2)
xraθum مفعولی صریح مفرد مذکر DNb 3.

**-xšaθrita** اسم «خشتریت»، نامی که از سوی شورشی مادی، فرورتیش، مورد استفاده

---

۸. واجنویسی کنت xōδ ، که بایست بصورت xūd واجنویسی می‌شد. در مورد واج /ō/ نگاه کنید به یادداشت: -kaufa

قرار گرفت (§9.II, §78): عیلامی ša-at-tar-ri-da اکدی ša-at-tar-ri-da؛ ha-ša-at-ri-it-ti؛ صورت کوتاه اسمی مرکب (§145,§164.III) همانند -xšθradāra* (موجود در پهلوی، مقایسه شود با Justi, INB 176).

xšaθrita فاعلی مفرد مذکر DB 2.15°; 4.19; DBe 6.

**xšaça-** اسم «شهریاری، پادشاهی»: اوستا -xšaθra، فارسی نو «شهر»، سنسکریت -kṣatrá، هندواروپایی آغازین -*qþetro، مشتق از ریشه موجود در فارسی باستان -xšay (§78, §148.III). نیز نگاه کنید به -artaxšaça-,xšaθrita-, xšaçapāvan.

xšaçam فاعلی مفرد خنثی DB 1.44; DPh 4; DH 3.

xšaçam مفعولی صریح مفرد خنثی DB 1.12, 25 bis, 26, 41, 42f, 50, 60, 61, 80f; DPd 3; DSf 10f; DSm 3°; DSp 2°; DZc 3f; XPa 19; XPb 29f; XPd 19; XPf 46; XPg 14; XSc 5; XV 27°; A¹Pa 24°; A²Hc 18,19f, xšaçam-šim DB 1.59.

**xšaçapāvan-** اسم «شهربان»: یونانی σατράπης؛ -xšaça بعلاوه ریشه -pā «پاییدن» بعلاوه پسوند -van (§155.IV, §160.Ia).

xšaçapāvā فاعلی مفرد مذکر (§124.5, §187) DB3.14, 56.

**xšan-** فعل، نگاه کنید به -axšata

**xšap-** اسم «شب»: اوستا -xšap، فارسی نو «شب»، سنسکریت -kṣap (§102, §142)

xšapa-vā وابستگی مفرد مونث DB 1.20

(برای حالت نگاه کنید به §188.III، مقایسه شود با سنسکریت، حالت وابستگی kṣapas...usras «شب و روز»، RV 6.52.15,7.15.8؛ در §318، حالت وابستگی، با rauca در حالت مفعولی صریح بیشتر هم قافیه شده است تا xšapam در حالت مفعولی صریح که از xšapa برای هم قافیه شدن با rauca باز ساخته شده است).

**xšay-** فعل «فرمانراندن»: اوستا -(y)xšā، سنسکریت kṣáyati «در اختیار دارد»، یونانی κτάομαι «من بدست می‌آورم»، κτῆμα «بخشی از دارایی»، هندواروپایی آغازین -qþei* (§102). نیز نگاه کنید به ,-xšaça-,xšāyaθiya ‎.xšayāršan-

xšayamna وجه وصفی میانه، فاعلی مفرد مذکر (§213,§241)DNb 15.

upari + xšay- «فرمانراندن بر»: upariya[xšayaiy] ماضی استمراری میانه، اول شخص مفرد DB 4.64f.

(Tm. Lex. 85) بازسازی اشتباهی است برای upariyā[ya]m بگونه‌ای که از سوی کامرون قرائت شده است (پیش از این از سوی Wb. KIA 66, ZDMG 61.729 حدس زده شده بود).

pati- + xšay- «سروری داشتن بر»: patiyaxšayaiy ماضی استمراری میانه اول شخص مفرد (§ 213, §233. III) DNa 19; DSe 17f; XPh 17.

**xšāyaθiya-** اسم «شاه»؛ احتمال در اصل، درکاربرد صفتی «سلطنتی»، DB 1.8 (Bthl. AiW 553) آریایی آغازین -kšāiatia* (مادی -θy- ،Bv. Gr. §147, Hz. AMI 3.97؛ نه -θiia اصیل، همانگونه که Mt. Gr. §147 دارای آن بوده است)، از ریشه موجود در فارسی‌باستان -xšay (§9.III,§80,§126,§144.VI).

xšāyaθiya فاعلی مفرد مذکر AmH 1, 1f, 2, 4, 8, 10; AsH 1, 1f, 2f, 5; CMa 1f; CMb 1°; CMc°; DB 1.1 bis, 2 bis, 4, 6, 9, 11, 12, 13, 14, 18, 21, 24, 27, 27f, 29, 35, 44, 48 bis, 60, 61, 71f, 72, 73, 75, 76, 81f, 83, 90f; 2.1,5f, 8, 11, 11°, 14, 17°, 18, 29, 37, 43, 49, 57, 64, 66, 70f, 78f, 80, 91, 92; 3.1, 9, 11, 20; 21f, 28, 29, 40f, 49f, 53, 54, 64, 69, 75, 76f, 83, 83f; 4.1, 3,5, 11, 17, 21f, 25, 31, 33, 36f, 37, 40, 43f, 45f, 50,53, 57, 59, 62, 67bis, 70, 72, 76f, 80, 86f, 87, 88; 5.1, 3f, 14f, 18, 20f, 30f, 34; DBa 1,1f, 2, 2f, 5, 9, 14; DBb 6f; DBc 6f; DBd 6f; DBe 9; DBf 5f; DBg 6f; DBh 8f; DBi 9f; DBj 4f; DPa 1, 2, 3; DPd 5, 6, 12f; DPe 1, 2, 3, 6, 19; DNa 8, 9, 10, 11, 15f, 31, 34, 40, 48; DNb 5f, 59; DSb 2, 3f, 5f, 7; DSI 1f; DSm 6°; DE 12f, 13, 14f, 16f; XPa 6, 7 bis, 8, 11, 18; XPb 12, 13, 14f, 16, 22; XPd

9 bis, 10, 11, 15; XPe 1,2; XPf 8f, 9, 10, 11f, 16, 25f, 28, 35, 36, 44; XPg 2, 6; XPh 7.7f.8.9, 14, 15, 29, 29f, 56f; XSa 1, 2; XSc 1°,1, 1f°, 3°, 3f°; XE 12f, 13f, 14f, 16; XV 10 bis, 11,12f, 17, 17f; A¹Pa 9°, 10°, 11°, 12°, 17f, 20; A²Sc 2,2°,3,4; A³Pa 5f (§247E), 9 bis, 10, 11, 21f, 24; Wa 3f; Wb 1f, 2f, 4f, 5f; Wc 2f, 3f, 5f, 6f; Wd 3, 4, 5f.6f; AVsb-d.

xšāyaθiyam مفعولی صریح مفرد مذکر AsH 7f; DPd 2f; DNa 5, 6f, 33f; DNb 4f; DSm 4;DSt 5f°; DE 7f, 9f; XPa 4, 5; XPb 7f, 9f; XPd 5f, 7; XPf 5,6f,23f;XPh 4f, 5f; XE 8,10; XV 6,7f; A¹Pa 6°, 7°; A³Pa 7.

xšāyaθiyahyā وابستگی مفرد مذکر AmH 3; AsH 3f; CMb 2; DB 3.59; DPd 10f; DNc 2; DNd 1f; XPa 10; XPb 19f; XPd 13f; XPe 3f; XPf 14; XPh 11; XSc 2; XE 19f; XV 15; A¹Pa 15°.

xšāyaθiya بعنوان وابستگی مفرد مذکر(§313.II)A³Pa 12f, 14, 15, 16, 17f.

xšāyaθiyā فاعلی جمع مذکر DB 1.8(یا صفت در حالت فاعلی مفرد مونث؟) 10,10f; 4.51; DBa 13, 16, 17f.

xšāyaθiyā مفعولی صریح جمع مذکر DB 4.7, 32.

xšāyθiyānām وابستگی جمع مذکر AmH 2; AsH 2; DB 1.1f; DBa 2; DPa 2f; DPe 2f; DNa 9; DSb 4f; DE 14; XPa 7; XPb 13f; XPd 10; XPe 2f; XPf 9f; XPh 8; XSc 1; XE 14; XV 11;A¹Pa 10f°; Wb 3f; Wc 4f; Wd 4f. xšāyaθiyanām (§52.III) A²Sc 2f; A³Pa 10.

در مورد عنوان «شاه شاهان»، نگاه کنید به .von Wesendonk, Or. Stud. Pavry 488-90.

XŠ فاعلی مفرد مذکر (§42) DPb; DPh 1 ter, 4; DSa 1 bis, 2, 3; DSc bis; DSd 1 bis, 1° bis, 3°; DSe 8°, 8, 9°, 10°, 14°, 31°, 42, 50°; DSf 6 quater, 8, 55°; DSg 1° quarter, 3; DSi 1,1° ter, 3; DSj 1 bis, 1°,2°, 5; DSk 1 bis, 2, 4; DSm 1° bis, 2°, 3°; DSn 1°; DSo 3°; DSt 7°, 10°; DSy 1 bis, 2 bis; DZb 1,2 bis, 3°; DZc 5 ter, 5°, 7; DH 1 ter, 3; XPc 6 ter, 7, 10, 11; XPj quinquies; A¹I ter; D²Sa 2°; D²Sb 1° ter, 1, 3°; A²Sa 1 quater; A²Sb ter; A²dd 1 quater, 2; A²Ha 1 bis, 1°

bis; $A^2$Hb; $A^2$Hc 7, 8 ter, 16 bis; SDa; SXa 2; SXb 2;SXc 1; XVs; AVsa.

XŠm مفعولی صریح مفرد مذکر DSc 5,6; XPc 4,5; $D^2$Sa 3; $A^2$Hc 5, 6.

XŠyam DSf 4, 4f, 10, 15, 17; DSi 3°; DSn 2; DSp 2; DZc 3.

XŠyā وابستگی مفرد مذکر DZc 3. XŠhyā DPc; DPi; XPc 9, 14; XPi°; XPk; XH; $A^1$I bis; $D^2$Sb 2°; $A^2$Sa 1, 2 bis, 3; $A^2$Sb; $A^2$Sc 0; $A^2$Ha 2, 3, 3°, 4; $A^2$Hc 10, 11, 12, 13. XŠāhyā (§53) $A^2$Sd 2. XŠyahyā XPj; XŠyahiyā (§27) XPjv.

XŠ وابستگی مفرد مذکر بعنوان (§313.II) $A^2$Hb.

XŠānām وابستگی جمع مذکر XPc 6. XŠyānām DSa 1f; DSc; DSd 1; DSe 8f; DSf 6; DSg 1°; DSi 1°; DSj 1; DSk 1f; DSm 1°; DSy 1; DZb 2; DZc 5; XPj; $A^1$I; $D^2$Sb 1°; $A^2$Sa 1; $A^2$Ha 1°; $A^2$Hc 8. XŠyanām (§52.III) DPh 1; DH 1. XŠyānā (§52. V) $A^2$Sb.

**xšayāršan-** اسم «خشایارشا»: عیلامی ik-še-ir-iš-šá، اکدی hi-ši-'-a ar-šá، یونانی Ξερξης: از xšaya- «شاه»، اوستا xšaya-، از ریشه xšay-، بعلاوه aršan «مرد»

**A** (§131): «قهرمان در میان شاهان»، مقایسه شود با سنسکریت rāja-rṣabha- (Bthl. AiW 550؛ اما Hz.AMI 1.121n, Bv. Gr. §290 بخش دوم را بصورت arša- «عادل» می‌گیرند، در مورد آن مقایسه شود با §162.nl, §187.n2 نیز مقایسه شود با Hz. AMI 7.82-137، بویژه 6-135، در باره آن نگاه کنید به (Henning, BSOS 10.502-3)، صرف، §187.

xšayāršā فاعلی مفرد مذکر XPa 6, 11, 17; XPb 11f, 21f; XPc 6, 9f; XPd 8f, 15; XPe 1; XPf 8, 15, 27, 44; XPg 1; XPh 7, 13, 28f, 56; XPj bis; XPk; XSa l; XSc 1°, 3°; XE 12; XV 9, 16; $A^1$Pa 19f; $A^3$Pa 16, 16f (هردو بعنوان وابستگی, §313. II); SXa 1; SXb 1f; SXc 1; XVs.

xšayāršām مفعولی صریح مفرد مذکر XPa 4; XPb 7; XPc 4; XPd 5; XPf 5; XPh 4; XE 7f; XV 6.

xšayā[ršāha] وابستگی مفرد مذکر XPi; [xšayār]šāha XH. xšayāršahyā (§57) $A^1$Pa 14f;

$A^1I$ bis; $A^2Ha$ 3, 3f. xšayārcahyā (§49b) $A^2Sa$ 2 bis. xšayāršāhyā $A^2Hc$ 12, نگاه کنید به مدخل مربوط، xaršadašyā 12f. (§313.I بعنوان فاعلی)

**xšnā-** فعل، «آموختن، قصد دانستن کردن، دانستن»: اوستا -xšnā، سنسکریت -jñā، یونانی γιγνώσκω، لاتین gnōscō، انگلیسی نو know، هندواروپایی آغازین آغازین – gnō* (§96, §110, §212). نیز نگاه کنید به -dan - , xšnav.
adānā فارسی نو «دانم») ماضی استمراری §68, §210.II)DB 1.51; DSq 3.
xšnāsāhy دوم شخص مفرد التزامی (§212, §227.I) DNa 42.
xšnāsātiy التزامی (§62, §97, §110, §122) DB 1.52.

**xšnav-** فعل «شنیدن، خشنود کردن» (§96): مقایسه شود با اوستا -xšnav «رضایت داشتن»، صفت -xšnav «راضی»، وجه وصفی -xšnūta، اسم -xšnūtay «خشنودی» (Bthl. AiW 557-60)؛ ظاهراً گسترشی است از ریشه xšnā «آموختن» (مقایسه شود با هندواروپایی آغازین -dō* و -dou* «دادن») همراه با تحول معنایی «آموختن، خبردار شدن، شنیدن»، و «شنیدن، گوش دادن به، خشنود کردن» (Lg.15.171؛ نیز مقایسه شود با Bv. TPS 1945.47-50). Hz. ApI 238-40 معادلی غیر ممکن با سنسکریت -šru را ارائه می‌دهد (هندواروپایی آغازین -klu*)؛ Sen 247, 251 دارای معانی اشتباهی است. Pisani, Acme 1.319-20، نیز ریشه‌شناسی دیگری را ارائه می‌دهد. نیز نگاه کنید به -uxšnav.

**xšnuta-** صفت مفعولی گذشته (§71, §242.I)، مقایسه شود با -uxšnav:
xšnuta «خشنود» فاعلی مفرد مذکر DNb 26.
[xšnutam] «شنیده» فاعلی مفرد خنثی DNb 53.
ā+xšnav-:axšnautiy (§71, §122, §208) «خشنود کردن» DNb 24.
āxšnavāhy «خشنود کردن» (§227.I) التزامی دوم شخص مفرد DNb 29f.
axšnudiy «شنیدن» (§208, §237.I) امر، دوم شخص مفرد DNb 54.

**gaiθā-** اسم «دارایی شخصی (زندگی)، گلّه گاو»: اوستا -gaēθā «حیات فردی»، جمع:

جهان؛ اهل خانه، دارایی»، پهلوی gēhān «کیهان» (از حالت وابستگی جمع)، از ریشه هندواروپایی آغازین -*$g^u$ei، موجود در فارسی‌باستان بصورت ,jīv- (§69, §101, §151) برای تعبیرات گوناگون، نگاه کنید به Tm. Lex.85، همراه با صورت تحت‌اللفظی.
gaiθām-cā(§39) مفعولی صریح مفرد مونث DB 1.65.

**gaud-** فعل «پوشاندن»: اوستا -gaoz، سنسکریت gūhati (§88).
apa- + gaud- «مخفی کردن، پوشاندن»:
apagaudayāhy التزامی، دوم شخص مفرد (§227.I) DB 4.55, 57f.
apagaudaya وجه تاکیدی، دوم شخص مفرد (§215,§224,§227.II, §237) DB 4.54.

**gaub-** فعل «گفتن»، میانه «خود را خواندن» (§213): پهلوی ساسانی gōwēd «گوید»، فارسی‌نو «گوید»، مصدر «گفتن»: احتمالاً گسترشی از -bh- مربوط به ریشه هندواروپایی آغازین -*gheu، که بصورت گسترش -s- در -gauša دیده می‌شود (نگاه کنید به مدخل مربوطه؛ Bv. BSLP 31.2.70).
gaubataiy میانه (§235.I) DB 2.21,31,51; 3.15,59.
agaubatā ماضی استمراری میانه DB1.84,93;2.66f;3.35,55 (مکتوب بصورت agauratā ,54.II) 89f;4.82.
agauba$^n$tā ماضی استمراری میانه سوم شخص جمع (§236.II)DB 2.93.
gaubātaiy التزامی میانه (§235.I)DB 2.84; 3.86.

**gaubaruva-** اسم «گئوبَرُو»، طرفدار داریوش در برابر گئوماتا: عیلامی kam-bar-ma، اکدی، '-gu-ba-ru، یونانی Γωβρυης؛ از -gau «گله گاو» بعلاوه -*baruva، مقایسه شود با سنسکریت -bharu «سرور»، از فعل -bar «دارنده گله گاو» (§35.II, §101, §122, §142, §143.II, §150, §153.I, §160.Ib): (Justi, IFA17.111; صورت دیگر → Foy, ZDMG 54.360, و Boisacq, DELG 733)
gaubaruva فاعلی مفرد مذکر DB 4.84; 5.7, 9, 11; DNc 1.

**gaumāta-** اسم «گئوماتا»، مدعی مادی که نام بردیا را برای خود اختیار کرد (§ 164.I): عیلامی kam-ma-ad-da، اکدی gu-ma-a-tu: از -gav «گله گاو» بعلاوه وجه

وصفی -māta با معنی نامعلوم (§ 242.II).
gaumāta فاعلی مفرد مذکر DB 1.36, 44, 46, 64, 65, 70; 4.7; DBb 1f.
gaumātam مفعولی صریح مفرد مذکر DB 1.49f, 54, 57, 73; 4.81.

**gaušа-** اسم «گوش»: اوستا -gaoša، فارسی‌نو «گوش[۹]»، سنسکریت -ghòsa «سرو صدا»؛ ریشه ایرانی -gauš* «شنیدن»، هندواروپایی آغازین -gheus* (§70, §101, §143.I).
gaušā مفعولی صریح تثنیه مذکر (§189) DB 2.74, 89.
gaušāyā بایی تثنیه مذکر (با پایانه مفرد Lg.19.225 ;§189) DNb 53.

**gāθu-** اسم «جا.تخت، رزمگاه» (JNES 4.49-50): اوستا gāθw - gātav، فارسی‌نو «گاه»، سنسکریت -gātu، از ریشه آریایی آغازین -gam، هندواروپایی آغازین -gᵘem* «آمدن» (§68, §81, §153.III, §179.n2)
gāθum مفعولی صریح مفرد مذکر DNa 41f.
gāθava دری مفرد مذکر (§137, §182.II)DB 1.62f, 66, 69; DNa 36; DNb 35 (JNES 4.49-50): DSe 36f, 44, 44f; XPf 33
بعنوان حالت ازی §182.III علیرغم نداشتن hacā:
Lg. 9.41-6; Bv.BSLP 33.2.148-50; Wb. ZfA 41.319-20; Schaeder, SbPAW 1935.503;Hz AMI 4.130-2,8.45,ApI 177-80),35f; XPh 34.

**gad-** فعل، نگاه کنید به -jad.

**gaⁿdāra-** اسم «گندار»، ایالتی از امپراتوری ایران: عیلامی gán-da-ra، اکدی gan-da-ri. نیز نگاه کنید به -gadāraya.
gadāra فاعلی مفرد مذکر DB 1.16;DPe 18; DNa 24f; DSe 24°; DSm 9°; XPh 25.
gadārā ازی مفرد مذکر DSf 34.

---

۹. واجنویسی کنت gōš ؛ که باید بصورت gūš واجنویسی می‌شد. در مورد اوج /ō/ نگاه کنید به یادداشت kaufa-

**ga$^{n}$dāraya-** صفت برای واژه پیشین (§144.III, §167).
gadāraya فاعلی مفرد مذکر A?P 12.

**ga$^{n}$dutava-** اسم «گندوتَوَ»، ناحیه‌ای در رخج: عیلامی ir(gán (بـجای-du-ma-qa (Cam.JCS 5.50; Kent JAOS 72.11).
gadutava فاعلی مفرد مذکر DB 3.66.

**gan-** فعل، نگاه کنید به -jan.

**gand-** فعل، نگاه کنید به -gasta.

**gam-** فعل «آمدن»: اوستا -gam، سنسکریت -gam، یونانی βαινω، لاتین veniō، گوتیک qiman، هندواروپایی آغازین -g$^{u}$em* (§101, §244). نیز نگاه کنید به -gāθu.
ā+gam. «آمدن»: ājamiyā تمنایی (gamyāt; سنسکریت §67.I, §101, §122, §132.2, §218.II, §223.I, §228.II) DPd 19.
اسم مفعول، فاعلی مفرد مونث [avagmat]ā : «فرو رفتن، سقوط کردن» -ava+gam (نظر کِنت، مقایسه شود با JAOS 54.46. (§244) DSe 46f
اسم مفعول فاعلی مفرد مونث parāgmatā «پیش رفتن» -parā + gam (§101,§103.IV,§122, §132.2, §244) DNa 44f.
اسم مفعول، فاعلی جمع مذکر ha$^{m}$gmatā «گرد هم آمدن، با هم آمدن -ham-+gam
(§101, §103.IV, §132.2,§140.V, §244)DB 2.32,38,43,52,58;3.65.
نیز نگاه کنید به -hagmatāna.

**gay-** فعل، نگاه کنید به -jīv.

**gara-** «نوشش [۱۰]»، نگاه کنید به -bātugara

---

۱۰. از فعل «نوشیدن»

**garta-** اسم، «غار» و یا «گاری»، نگاه کنید به -asagarta.

**garmapada-** صفت «گرمَ پَدَ»، چهارمین ماه، برابر با ژوئن - ژوئیه: عیلامی karmabadaš، اکدی du'ūzu. از -garma «گرما»، اوستا -garəma، سنسکریت gharmá، لاتین formus «داغ»، انگلیسی نو «warm»، هندواروپایی آغازین -*gʷhormo مقایسه شود با یونانی θερμòs (با -e- قیاسی)، بعلاوه -pada «گام، جایگاه» (§29,§31,§149.I, §161.Ib.§165): «ماه جایگاه گرما».
garmapadahya وابستگی مفرد مذکر DB 1.42;3.7f.46.

**gav-** اسم «گاو، گله گاو» (§101): اوستا gāuš، سنسکریت gāus، یونانی βovs، انگلیسی نو cow، هندواروپایی آغازین، حالت فاعلی -*gʷōus: در -gaumāta، -gaubaruva، احتمالاً در -θatagu.

**gasta-** صفت «ناپسند، زشت»؛ خنثی بعنوان اسم، «زشتی، آسیب»: اسم مفعول (§85,§242.I) از فعل -gandh* -gant* «بوی بد دادن»، اوستا -ganti «بوی بد» (AiW 493)، -duž-ganti «بوی مشمئز کننده» (AiW 757)، سنسکریت gandhá «بو» (Bv.Gr. §179)؛ برای معنی، مقایسه شود با لاتین odor «بوکشیدن»، ōdī «(من بو کشیده‌ام)، من بدم می‌آید»، odium «انزجار، بیزاری».
نه تلخیص از همان ریشه، -gant-tāt*، فاعلی gastā[1]، حالت ازی کوتاه شده از طریق حذف بقرینه، چنانکه Hz. AMI 8.68, ApI 173-7 اختیار کرده است.
gastā فاعلی مفرد مونث DNa 57f.
gastā ازی مفرد خنثی DNa 52; XPh 57f; A²Sa5°; A²Sdc 4 (gāstā d, db; §53); A²Ha 6°.

**gud-** فعل، نگاه کنید به -gaud.

**gub-** فعل، نگاه کنید به -gaub.

**A** **-graθ** در وجه وصفی gra[θitā]، DB 4.90؛ نگاه کنید به پیوست.

**grab-** فعل «گرفتن (به عنوان مالکیت)، گرفتن (بعنوان اسیر)»، مضارع -garbāya (§30, §217): اوستا-grab، مضارع -gəurvāya، سنسکریت -grabh، مضارع grbhāyati، انگلیسی نو grab, هندواروپایی آغازین -ghrebh*. نیز نگاه کنید به -patigrabanā.

agarbāyam ماضی استمراری اول شخص مفرد DB 2.4 bis; 4.7, 32; 5.25f; DNa 17; DSe 16; DZc 8.

agarbāya ماضی استمراری DB 2.88; 3.74,90°; 5.12.

agarbāya[n] ماضی استمراری سوم شخص جمع (§232.II) DB 2.13; 3.48, 49; 5.27f.

agarbāyatā ماضی استمراری،میانه (§235.II)DB 1.42, 43, 81; 3.82f.

هنگامیکه به معنی «اسیر گرفتن» باشد (DBستون ۲ بند:۴ با دوبار بسامد، بند ۱۳ ،۸۸؛ ستون ۳ بند: ۴۸ ،۴۹، ۷۴، ۹۰ ؛ ستون ۴ بند: ۷، ۳۲ ؛ ستون ۵ بند: ۱۲، ۲۵f، f ۲۷)، احتمالاً نه -agarb بلکه -āgarb، از ā بعلاوه -garb است (نگاه کنید به پایین).

صفت مفعولی گذشته، فاعلی مفرد خنثی āgarbīta : «گرفتن (بعنوان اسیر)» -ā+grab (§30,§217, §242.II) DB 2.73.

برای مثال‌های نامشخص، نگاه کنید زیر مدخل -grab (غیر ترکیبی).

**-cā** (همان -cǎ)پی‌چسب عطف «و»: اوستای گاهانی -cā، اوستای متاخر -ča، سنسکریت ca، یونانی τε، لاتین -que، هندواروپایی آغازین q[u]e*.

-cā...-cā«هم...هم...»DB 1.65, DNb 32;

-cā...-cā utā«هم...هم...وهم...»DB 1.66-7;

-cā...[-cā]«هم...هم...»DB 5.3 (§52. III).

-cā DB 1.65 ter, 66, 66f; 5.3 bis; DPd 9f; DNa 32 bis; XPh 41, 51, 54;-ca-maiy DNb 28, 51, 52 (§51).

**+++canām** نگاه کنید به -ustašanā.

**canah-** اسم «اشتیاق»، نگاه کنید به -aspacanah.

**car-** فعل «حرکت کردن»، نگاه کنید به abicariš؛ نیز مقایسه شود با -ucāra.

cāra-(§126), .ucāra- نگاه کنید به

**carman-** اسم «پوست، چرم، پوستی که بجای کاغذ از آن استفاده می‌شد»: اوستا– čarəman، فارسی‌نو «چرم»، سنسکریت -čarman «پوست».
carmā دری مفرد خنثی (§187)DB 4.90.

**caša-** اسم «چشم»: برپایه ریشه موجود در سنسکریت -caks «نگاه کردن، حرف زدن»، مشتقات – cáksas- caksu- caksus- caksan و اوستا -čašman، پهلوی، فارسی‌نو čašm «چشم»؛ -u آغازین در ucašma یک اشتباه است.
(Bv. TPS 1945.53-4, quoting Jn. IF 25.182). بن این واژه -caša است نه cašman- (Kent, Lg. 19.225-6)، زیرا حالت فاعلی ـ مفعولی صریح واژه خنثی -cašman، باید cašmā شود نه -cašma. مقایسه شود با §102, §143.I, §187.nl. در مورد کوشش‌ها و تلاش در جهت توضیح -u اشتباه در -učašma، نگاه کنید به: Wb. ZDMG 61.726; Wackernagel, KZ 61.205-8.
cašam مفعولی صریح مفرد خنثی DB 2.75, 89
(کامرون در سطر ۸۹ I cašama را ولی در سطر ۷۵ تنها ma پایانی را قابل قرائت یافت)؛
caša[m] (ساخت و حالت نامشخص است) DSq 2.

**ci-** ضمیر پرسشی نامعین «چه، هر»؛ بن موازی (§201) با فارسی‌باستان -ka. نیز نگاه کنید به -ciy, citā, cinā, ciyăkara-.
ciš-ciy «هر چیز» مفعولی صریح مفرد خنثی (§9.VI, §105, §132.2, §201) DB 1.53,
لاتین quicquid، هندواروپایی آغازین *qᵘid-qᵘid: ساخت مضاعف شده همراه با ویژگی سندهی در مادی: برای هم خانواده‌های دقیق، نگاه کنید به فارسی‌باستان -ciy

**-ciy** از ادات پی‌چسب تاکید یا تعمیم، حالت فاعلی مفرد خنثی یا مفعولی صریح مفرد خنثی از -ci: اوستا -čit، سنسکریت cid، یونانی τι، لاتین quid، هندواروپایی آغازین *qᵘid (§40, §84, §113, §191.III, §201, §228.n2).
در ترکیبات زیر:

aciy (نگاه کنید به مدخل مربوطه) XPf 21.
aniyaš-ciy فاعلی مفرد خنثی DB 4.46; XPa 13; aniyaš-c[a] (§52.I) XPh 41f.
aniyai-ciy فاعلی جمع مذکر XPf 29.
avaš-ciy فاعلی مفرد خنثی DNb 55; مفعولی صریح مفرد خنثی DNb 53f, 51; XPa20; XPc14; XPf 48.
kaš-ciy فاعلی مفرد مذکر DB 1.49,53; DSe 37.
ciš-ciy مفعولی صریح خنثی DB 1.53. paruvam-ciy DB 1.63, 67, 69.
yaciy (نگاه کنید به مدخل مربوطه) DNb 35, 36, 57. hauv-ciy DPe 23f.
hakaram-ciy DNb 34f. [hacā-ci]y DSf 23. نـــه → vašnā-[ci]y XPg 7f, نگاه کنید به → apiy.

**ci[n]cixri-** اسم «سین سیخری»، پدر «مرتیا» (§163.V): عیلامی ši-in-sa-ak-ri-iš اکدی ši-in-ša-ah-ri-iš.

cicixrāiš وابستگی مفرد مذکر (§179. IV) DB 2.9.

**citā** قید «تا زمانیکه»، متناظر با yātā «تا»: از -ci بعلاوه پسوند موجود در یونانی επει-τα «سپس» (§191.II؛ بصورت اشتباه در Sen 40,König, RuID 72).
DB 2.48,63.

**ciça-** اسم «تخمه،تبار»:اوستا-čiθra، فارسی‌نو «چهر=اصل» (§78,§148.III). در ciçataxma-, ariyaciça-.

**ciça[n]taxma-** اسم «چیژن تَخَم»، شورشی اسگرتیایی: عیلامی ši-iš-šá-an-tak-ma اکدی ši-it-ra-an-tah-ma یونانی Τριτανταιχμης. از -ciça (§9.nl) بعلاوه -taxma «شجاع» (§9.II): «از نظر نژادی شجاع» (§160-Ie)؛ -xm- مادی است (§163.II;Jacobsohn, KZ 54.261; Bv.BSLP 31.2.79). برای پایانه غنه‌ای نخستین بخش، نگاه کنید به §159.nl.

ciçataxma فاعلی مفرد مذکر DB 2.79; 4.20; DBg 1f.

ciçataxman مفعولی صریح مفرد مذکر DB 2.87f.
ciçataxmā بایی مفرد مذکر DB 2.86.
**ci[nā]** قید تاکید، پس از حالت نفی، «بکلی»: اوستا cinā «همچنین، نیز همینطور»؛ احتمالاً حالت بایی مفرد خنثی از -ci، مقایسه شود با JAOS 58,116-7, 324, Harl, KZ 63.2 (نه ci[tā]، از نظر Sen 134). DSe 36

**ciyākara-** (§53) صفت «چه بزرگ»؛ خنثی بعنوان اسم، «چه چیز بزرگی» :-ciya(n)t*، مقایسه شود با سنسکریت kiyat در حالت فاعلی مفرد خنثی «چقدر، چه مقدار»، بعلاوه -kara از ریشه -kar «ساختن» (§160.Ia; Bthl. AiW 597؛ بدشواری می‌توان پذیرفت که از -kara «زمان» باشد، مقایسه شود با hakaram، همانگونه که از سوی MB Gr §293, Hz. ApI 101-3 اختیار شده است).
ciyākaram فاعلی مفرد خنثی (§259) DNa 39; ciyākaram DNb 50; ciyākaram-ca-maiy(صورت مکتوب → $r^am^am^ac^aiy^a$; §41, §51, §133, §138.I; Lg. 15.173, علیرغم → Hz. ApI 240) DNb 51,51f.

**cišpi-** (نیز Schaeder, SbPAW 1931.641.n4؛ و بصورت -$ca^hišpi$ حالت مفعولی صریح مندرج در Justi, INB 152، برپایه نمونه‌های مشخص املایی در یونانی) اسم «چیش پس»، شاه عیلام در حدود سال ۶۱۰ پیش از میلاد، نیای کوروش و داریوش: عیلامی si-iš-pi-iš، اکدی ši-iš-pi-iš، یونانی Τεισπης .(§117, §124.3, §164.V)
cišpiš فاعلی مفرد مذکر (§24,§179.IV) DB 1.5°; DBa 8.
cišpāiš وابستگی مفرد مذکر (§24, §179.IV) DB 1.5f; cišpaiš (§24, §179.IV) AmH 3;DBa 8.

**$ja^ntar$-** اسم «کشنده، نابودکننده» :اوستا–ǰantar، سنسکریت -hantár؛ هندواروپایی آغازین -$g^uhen$-tor*، اسم فاعل از ریشه فارسی‌باستان -jan(§154.II).
jatā فاعلی مفرد مذکر (§186.I) DB 4.58, 78.

**jad-** فعل «دعا کردن، خواستن»، با مفعول صریح شخصی و مفعول صریح شیئی:

اوستا -ǰad (Bthl.AiW 487, gad-)، مضارع -jaiδya (§214)،یونانی، آئوریست، مصدر، میانه، θέσσασθαι، هندواروپایی آغازین -*gᵘhedh؛یونانی πόθος «آرزو».

jadiyāmaiy اول شخص مفرد (§226/I) DPd 21; DNa 54; XPh 59f; XSc 4.

**jan-** فعل «زدن،نابود کردن، شکست دادن (دشمن در نبرد)»؛ قالب زدن (آجر): اوستا -jan (Bthl. AiW 490,gan-)، سنسکریت -han، یونانی θείνει «می‌زند»، φόνος «قتل»، لاتین dē-fendit «از خود دور می‌کند»، هندواروپایی آغازین -*gᵘhen (§101, §110, §208)؛ نیز نگاه کنید به -jatar .

jaⁿtiy (hánti سنسکریت;§208, §228.I) DSe 36, 40.

ajanam ماضی استمراری اول شخص مفرد (§101, §122, §208) DB 1.89, 95; 2.69; 4.6f; 5.25; XPh 34.

ajaⁿ ماضی استمراری (§101,§208) DB 2.26,36,41,46,55,61,87, 98°; 3.7,18,39,46,63,68,88,DSe 34.

ajaniya ماضی استمراری مجهول (§220) DSf 29.

jadiy (jahi سنسکریت ;§101, §122, §208, §237.I) امر،دوم شخص مفرد DB 2.31, 51; 3.15.

jatā امر دوم شخص جمع (§208,§531)DB 2.21, 84;3.58,86.

ava-+jan- و -ava + ā+jan-«کشتن، نابود کردن»

(ظاهراً -ava در avajata و ava-ā در avājaniyā، و موارد دیگر مبهم هستند؛ مقایسه شود با §206c, JAOS 62.274):

avājanam ماضی استمراری اول شخص مفرد (§226.II) DB 1.57, 59, 73, 83; 2.5; 4.81; 5.13, 27°.

avājaⁿ ماضی استمراری (§228.II) DB 1.31 bis; 3.75; 5.11.

avājanaⁿ ماضی استمراری سوم شخص جمع (§208,§232.II) DB 2.13.

avājaniyā تمنایی (§206c, §223.I, §228.II) DB 1.51, 52 (§53, JAOS 62.274; بدشواری برابر با → Foy, KZ 35.34).

avajata صفت مفعولی گذشته،فاعلی مفرد مذکر (§122,§242.I)DB 1.32

(صورت اشتباه برای avājata ،بنابر نظر Gray AJP 21.13,Bthl. AiW 491).
pati- + jan- «جنگیدن علیه»: patiyajatā ماضی استمراری میانه (§140.III, §208, §235.II) DNa 47.
fra- +jan- «قطع کردن»: frājanam ماضی استمراری اول شخص مفرد (§226.II) DB 2.74,89.
vi- + jan- «خرد کردن»: vijanā$^{n}$tiy التزامی سوم شخص جمع (§208, §222.III, §232.I) $A^2Sa5°$, $A^2Ha7°$ (نظر kent).

**jav-** فعل «سوق دادن به جلو»: سنسکریت -jū «سوق دادن به جلو، به سرعت هل دادن، برانگیختن، بالا بردن»، مضارع jávate «شتاب می‌کند»، وجه‌سببی jāvayati. مقایسه‌شود با Bv.BSLP 33.2.152;Hz.AMI 4.127,8.37-8,65-6,ApI 366-7; Wb. ZfA 41.320; Bailey, BSOS 7.292-4; Schaeder SbPAW 1935.502; Kent, Lg. 9.43, 231.
abi-+jav- «افزودن به، افزایش دادن، بالا بردن» وجه سببی:
abiyajāvayam ماضی استمراری اول شخص مفرد (§215) XPg 9; abījāvayam (§23.I, §140.III) XPf 40.

**jiyamna-** وجه وصفی بعنوان صفت «روبه پایان»، حالت خنثی بعنوان اسم «پایان» (§109,§241): اوستا -ǰyamna، وجه وصفی از ریشه -ǰyā «رشد ضعیف داشتن»، سنسکریت jināti «روبه پایان است».
jiyamnam مفعولی صریح مفرد خنثی DB 2.62.

**jiv-** فعل «زندگی کردن»: اوستا ǰivaiti (gay-,Bthl. AiW 502)، سنسکریت jīvati، لاتین vīvit، هندواروپایی آغازین *g$^{u}$īueti (§216)؛ نیز نگاه کنید به jīva-,gaiθā-.
ajīvatam ماضی استمراری سوم شخص تثنیه (§229) DSf 14; XPf 21
jīvā امر دوم شخص مفرد (§237.I) DB 4.56, 75.

**jīva-** صفت «زنده»: اوستا -ǰva، سنسکریت -jīvá، لاتین vīvos، هندواروپایی

آغازین -$g^u$īuo*، مقایسه شود با -$g^u$iuo* در یونانی βιος«زندگی» ,-$g^u$ig$^u$ o* در انگلیسی باستان cwicu «زنده»، انگلیسی نو quick (§101, §114, §150). نیز نگاه کنید به -jīv.

jīva فاعلی مفرد مذکر XPh 48, 54. jīva-diy $A^2$Sd 3 (بطور نامشخص §22، §55.II؛ مقایسه شود با (JAOS 51.229, Scheil 21.93, Wb. AfoF 7.45).

jīvahyā وابستگی مفرد مذکر DB 5.19f, 35.

**ju-** فعل، نگاه کنید به -jav

**-ta-** ضمیر اشاره متصل «این، او»: اوستا، سنسکریت -ta، مقایسه شود با فارسی‌باستان -tya. تنها بصورت -tā در حالت مفعولی صریح جمع مذکر، برای ارجاع به patikarā، در avaθaša-tā مندرج در DB 4.72 (§133, §196; JAOS 62.272-3).

A **taumā-** اسم «دودمان» (§149.I): اوستا-taoxman، فارسی‌نو «تخم»، سنسکریت toká-m «فرزند»، -tokma-s,tòkman «پره نورس جو»؛ -xm به -hm- فارسی‌باستان تبدیل می‌شود (§103.II, §118.II)، در حالیکه در مادی به همان صورت نخست باقی می‌ماند.

(Bv.BSLP31.2.76-9, Gr. §133; به اشتباه → Mt.Gr.§75,Kent JAOS35.329-31).

taumā فاعلی مفرد مونث DB 1.8; 4.56, 58f, 64, 75, 79; DBa 13.

taumām مفعولی صریح مفرد مونث DB 4.88.

taumāyā وابستگی مفرد مونث (§119) DB 1.9, 28f, 45, 49; 2.16, 81; 4.19f, 22; DBa 15; DBe 8; DBg 11f.

taumāyā ازی مفرد مونث DB 1.61f.

**tauman-** اسم «نیرو،قدرت»: مشتق از ریشه -tav «نیرومندن بودن» با پسوند -man- همانند سنسکریت nāma «اسم»، لاتین nōmen (§122, §155.III). برای تمایز و جدایی از -taumā «خانواده»، نگاه کنید به Kent, JAOS 35.329-31 و Tm. Lex.91. نیز نگاه کنید به -tauvīyah.

taumā فاعلی مفرد خنثی (§187) DB 4.74, 78.

taumanišaiy(=taumaniš-šaiy;§41,§130,§138.I,§187) بـایی جـمع خنثی DNb 25f

(Lg.15.171-2,176 ؛ نه وابستگی مفرد از نظر Hz. ApI 327 ؛ به احتمال ضعیف دری مفرد از نظر Sen 247 ؛ احتمالاً مفعولی صریح تثنیه «دو نیروی [فکری و بدنی]»، از نظر Pisani, Riv. Stud. Or.19. 88-9).

**tauvīyah-** صفت «نیرومندتر»: مرکب از -tauma*، صفت از -tauman «نیرو»؛ برای ساخت (§48, §122, §156.III, §190.I-II)، مقایسه شود با سنسکریت -sthūrá «نیرومند» و نیز ترکیب -sthávīyas؛ اوستا -stūra و ترکیب -staoyah-,taxma «دلاور» و نیز ترکیب -JAOS 58.324:tasyah.

tauvīyā فاعلی مفرد مذکر (§185.IV) DSe 39

(نه برپایه صفت فاعلی -tavya-nt، چنانکه Hz.ApI 328 اختیار کرده است).

A **takabara-** صفت «پتاسوس برسر[11]» (§76.V, §160.Ia)، چنانکه از زبان اکدی بر می‌آید «کسانی که برسر خود سپرهایی را حمل می‌کنند».
(Andreas, Verh.d.13.Internat. Orien talisten-Kong. 1902,96-7; Wb. AbkSGW 29.1.33; نظریات دیگر از سوی → Foy KZ 35.63, 37. 545-6, Bthl. AiW 626, Tm.Lex. 91, PAPA 44,liii-lv).

takabarā فاعلی جمع مذکر DNa 29;DSm 10f°;A?P 26.(§56.III, برای حالت فاعلی مفرد مذکر)

**taxma-** صـفت «دلاور»(§9.II, §103.II,§149.I; بـا -xm- مـادی → Bv. Gr. §133): اوستا -taxma، فارسی‌نو «تهم»، در -ciçataxma-, taxmaspāda.

**taxmaspāda-** اسـم «تَـخَمسپادَ»، یکـی از سـرداران داریـوش: عـیلامی tak-maš-ba-da؛ از -taxma «دلاور» بعلاوه -spāda «سپاه»
(§9.II,§103.II,§116, §161.IIa, §163.II)

---

۱۱. نگاه کنید به یادداشت ترجمه DNa 29.

taxmaspāda فاعلی مفرد مذکر DB 2.82,85.

**taxš-** فعل «فعال بودن»: خلط شده با ایرانی آغازین -taš*، اوستا -taš «بریدن، ساختن»، سنسکریت -taks «ساختن از طریق بریدن»، یونانی τεκτων «سازنده»، لاتین texit «بافه، می‌بافد»، هندواروپایی آغازین -tekÞ* و آریایی آغازین -tuakš*، اوستا- θwaxš «(میانه) سرگرم بودن»، سنسکریت -twaks «آفریدن، کارکردن»، هندواروپایی آغازین -tueqÞ*. نیز مقایسه شود با Hz. ApI 322-4, و -ustašanā.

ham + taxš- «کارکردن با، موجب شدن»: ha$^{m}$taxšataiy میانه (§140.V, §213, §235.I) DNb 16.
hamataxšaiy ماضی استمراری میانه اول شخص مفرد (§213,§233.III) DB 1.68,70.

A hamataxšatā ماضی استمراری میانه (نگاه کنید به پیوست) (§235.II) DB 4.65f,92
hamataxša$^{n}$tā ماضی استمراری میانه سوم شخص جمع DB 4.82.

**tacara-** اسم «کاخ»: فارسی‌نو «تزر»، عیلامی da-is-sa-ra-um، اکدی bītu (§76.V,§148.I). مقایسه شود با
Gray, AJP 53.67; Hz. Klio 8.51, AMI 2.77; Hinz, ZDMG 95.227.
tacaram مفعولی صریح مفرد مذکر Dpa 6; XPj.dacaram (§49a) DSd 3.

A **tanū** اسم «تن، نَفس» (§153.II): اوستا-tanū، سنسکریت -tanū؛ مقایسه شود با Debrunner, IF 52.136. صرف → §183.I.
tanūš فاعلی مفرد مونث DNb 33.
tanūm مفعولی صریح مفرد مونث XPf 31.

**tar-** فعل «از سویی به سوی رفتن»: اوستا -tar، سنسکریت tárati، وجه سببی tāráyati، لاتین trāns وجه وصفی بعنوان حرف (اضافه) پیشایند «از میانِ»،

مقایسه شود با انگلیسی نو through نیز نگاه کنید به tara.
وجه سببی «موفق به انجام کاری شدن»، «از سویی به سویی رفتن» -vi-+tar:
viyatarayam ماضی استمراری اول شخص مفرد (§215) DB 5.24f.
viyatarayāmā ماضی استمراری اول شخص جمع (§230.II) DB 1.88.

**tara** حرف (اضافه)پیشایند با حالت مفعولی صریح «سرتاسر»: اوستا tarō، فارسی‌نو «تر»، سنسکریت tirás؛ ساخته شده برپایه ریشه -tar (نگاه کنید به مدخل مربوطه) همانند para (نگاه کنید به مدخل مربوطه).
ta[ra] DZc 12.

**tāravā-** اسم «تاروا»، شهری در پارس؛ عیلامی -ra-u-ma +، اکدی ’-ta-ar-ma.
tāravā فاعلی مفرد مونث DB 3.22.

**tarsa-** بن مضارع فعل «ترسیدن، با hacā بعلاوه حالت ازی: اوستا tərəsaiti، فارسی‌نو «ترسد»، هندواروپایی آغازین *trs-ske-ti (§31, §97, §212)، مقایسه شود با هندواروپایی آغازین -*tres در سنسکریت trásati، یونانی τρεει، نیز -trem* -trep*، در لاتین tremit «می‌لرزد (همراه با ترس)»، trepidus «سراسیمه (همراه با ترس)».
tarsatiy (§228.I) DPd 11f.
tarsa$^{n}$tiy سوم شخص جمع (§232.I) DSe 38f.
atarsa ماضی استمراری DB 1.50f.
atarsa$^{n}$ ماضی استمراری سوم شخص جمع (§232.II) DB 2.12°; DPe 9.
tarsam وجه تاکیدی اول شخص مفرد (§224, §237) DPe 21.

**tav-** فعل «نیرومند بودن»: اوستا -tav، سنسکریت -tu، مقایسه شود با یونانی ταυρos «گاو»، لاتین taurus. نیز نگاه کنید به -tunuvat- utava-, tauman، و -tauvīyah (مقایسه شود با Hz. ApI 328-33).
tāvayatiy (§122, §123.2, §215) DNb 33f.
atāvayam ماضی استمراری اول شخص مفرد (§215) DNb 47.

**taš-** فعل، نگاه کنید زیر مدخل -taxš، در -ustašanā.

**tigra-**[1] اسم «تیگرَ»، دژی در ارمنیه: عیلامی ti-ig-ra (§103.IV).
tigra فاعلی مفرد مذکر DB 2.39.

**tigra-**[2] صفت «نوک تیز» (§103.IV, §148.I): اوستا -tiγrai «تیر»، سنسکریت -tigmá «نوک تیز»، مقایسه شود با درجه قوی اوستا -bitaēγa «دولبه»، سنسکریت tèjate «تیز است»؛ با پیشوند -s، یونانی *στιγμη* «سوراخ کردن». نیز نگاه کنید به -tigraxauda.
tigrām مفعولی صریح مفرد مونث DB 5.22.

**tigrā-** اسم «دجله» (§76.V, §103.IV, §107,§166): عیلامی ti-ig-ra، اکدی di-iq-lat، یونانی *Τιγρις*.
tigrām مفعولی صریح مفرد مونث DB 1.85, 88.

**tigraxauda-** صفت «تیز خود[۱۲]» (§161. IIa) , همانگونه که در حجاری شکل «اسکونخَ» سکایی در بیستون دیده می‌شود (نیز مقایسه شود با Hdt. 7.64): -tigra[2] «نوک تیز»، بعلاوه -xaudā «کلاه خود» (§159).
برای فاعلی مفرد مذکر DNa 26,DSe 25°,XPh 27; فاعلی جمع مـذکر tigraxaudā (§56.III) DN xv, A?P 15.

**tunuva$^{n}$t-** صفت «توانا»: وجه وصفی (§240) برپایه *tunautiy، مضارع از -tav (§122; JAOS 15.170; بصورت دیگر ← Hz. ApI 329-32). صرف ← §190.I, §240.
tunuvā فاعلی مفرد مذکر (§210.I) DNb 10.
tunuva$^{n}$tam (§39) DB 4.65.
tunuva$^{n}$tahyā وابستگی مفرد مذکر DNb 9.

**tuvam** ضمیر «تو»:اوستای گاهانی tvə̄m، اوستای متاخر tūm، سـنسکریت tuvám،

---

۱۲. گروهی از سکاها که کلاه خود نوک تیز بر سر داشتند.

هندواروپایی آغازین *tuuom؛ مقایسه شود با سنسکریت tvám، یونانی دری τυ لاتین tū، گوتیک þū (§76.I, §137). صرف §194.

tuvam فاعلی مفردمذکر DB 4.37, 41, 67, 70, 87; tuva (§ 52.V;نه بصورت→ túv بصورت مفروض از سوی ،tu* هندواروپایی آغازین = → Hz. ApI 329) XPh 46.

θuvām مفعولی صریح مفرد مذکر (Skt.tvām ؛ §81, §114, §132.3) DB 4.43, 53, 55, 74; DSt 9f.

taiy وابستگی مفرد مذکر(سنسکریت te،یونانی، قید τοι)DNb 58 (§133).

-taiy پی‌چسب، وابستگی مفرد مذکر

در موارد زیر:

auramazdā-tay (§52.II) DB 4.58; auramazdā-taiy DB 4.78; ada-taiy DNa 43,45; ava-taiy DB 4.76, 79; utā-taiy DB 4.56, 58, 73f, 75, 77f, 79; tya-taiy DNb 53; parta[m-taiy]DNb 54; mā-taiy DNb 52, 55(مقایسه شود با → mā: taiy 58); hauv-taiy DNa 57.

**1tya-** ضمیر موصولی، حرف تعریف معین، ضمیر اشاره؛ مقایسه شود با بن مشابه در سنسکریت (ودایی) یعنی ضمیر اشاره -tya؛ صورت (ایرانی یا فارسی‌باستان) متاخر، صورت خلط شده (§261; Lg.20.1-8) با ضمیر اشاره -ta است، اوستا، سنسکریت -ta، یونانی -το، هندواروپایی آغازین -to* (مقایسه شود با لاتین is-tud، انگلیسی نو tha-t) همراه با بن موصول -ya، اوستا، سنسکریت -ya، یونانی ö-s، هندواروپایی آغازین -io* (تا گسترش بن -ta از طریق پسوند -(i)ia-، بصورتی که از سوی MB Gr. §331 فرض شده است)، و بیشتر صورت نوشتاری -$t^a y^a$ تا صورت نوشتاری -$t^a iy^a$ به سبب نوشتار همانند hya در حالت فاعلی مفرد مذکر و hyā در حالت فاعلی مفرد مونث (نه به سبب ناتکیه بر بودن، به گونه‌ای که از سوی MB Gr. §331 فرض شده است)؛ -t پیش از i بواسطه تاثیر -ta، تغییر نیافته است زیرا واژه مشتق است (Foy, KZ 35.4n; Bthl. Gdr. IP §416 a.nl). صرف، §198؛ کاربردها §261, §262. نیز نگاه کنید به 2tya حرف ربط، hya.

۱) موصول «که،که آن،چه»:

tyam مفعولی صریح مفرد مذکر DB 3.60, 70.

tyaiy فاعلی جمع مذکر DB 1.9, 15;4.50, 61, 63, 80; 5.22°; DBa 15; DPe 13, 13f; DPh 5; DNa 28, 41; DSe 28°, 28f°; DSf 47f, 49, 51°, 52, 54°; DH 4; XPh 24. tyai-šaiy (§136) DB 1.57; 2.77; 3.48, 51, 74, 90, 91.

tya بعنوان فاعلی جمع مذکر (§52.I) XPh 23.

tyām مفعولی صریح مفرد مونث DB 4.70f; DPd 7.

tya بعنوان مفعولی صریح مفرد مونث (§56.V) AmH 5; AsH 13°; DB 4.89°.

tyā فاعلی جمع مونث DB 1.13, 18;2.6; 4.33; DPe 9,14f; DSf 45.

tyaiy فاعلی جمع مونث (§258.IV) XPh 31.

tyā مفعولی صریح جمع مونث DPe 7; DNa 17, 40; DSe 16.

tyaišām وابستگی جمع مونث DSm 6°; XPh 15.

tya فاعلی مفرد مذکر (§40) DB 1.27, 61, 67; 2.91; 3.10, 20, 53, 76; 4.1f, 42, 49°, 53; DNa 48; DNb 2, 11, 29, 54, 56; DSe 31, 43; DSf 36; DSj 5°; DSn 2°; DZc 9, 10; XPa 19; XPb 23; XPf 26, 37, 46; XPg 4; XPh 42; XV 19; $A^3$Pa 26. tya-šām DB 1.19; DNa 20; DSe 19°; XPh 17f. tya-maiy DNb 48; DSe 52°; DSf 19°; DSs 7°; XPa 19f; XPb 24, 30; XPc 13 bis; XPd 19; XPf 38, 47; XSc 5°; XV 27°; $A^1$Pa 24°; $A^2$Hc 20. tya-taiy DNb 53. tya-patiy XPa 15.

tya مفعولی صریح مفرد خنثی DB 1.44, 72; 4.3, 40, 59, 75, 79; 5.2; DPh 4; DNb 22, 24; DSa 4; DSf 20f°, 22°; DSj 2°, 4; DSI 3;DH 3; XPa 14, 15; XPf 41; XPh 43, 49, 52; $A^2$Sa 5°; $A^2$Sd 3; $A^2$Ha 7. [tya]- šām DNa 36f. tya-maiy DPh 8; DH 6. tya-patiy XPf 40f.

tyanā بایی مفرد خنثی DSf 42.

tyā فاعلی جمع خنثی در tyāmaiy DNb 13.

tyā مفعولی صریح جمع خنثی DB 1.64; DNb 46, 49. tyā-diš DB 1.65.

۲) حرف تعریف معین: tyam مفعولی صریح مفرد مذکر DB 1.50, 54, 57, 73, 89, 95; 2.21, 25f, 35, 41, 46, 55, 61, 69, 87, 97°; 3.7, 18, 38, 46, 62f, 67f; 4.81; DSe 39. tyamšām DB 5.12.

tyām مفعولی صریح مفرد مونث DB 1.69, 71; 4.87; DNa 59.
tya بعنوان مفعولی صریح مفرد مونث (§56.V)AsH 9, A²Sc 6.
tyaišām وابستگی جمع مونث DPe 3f.
tya فاعلی مفرد خنثی DNa 21; DSe 20°, 38; XPh 19.
tya مفعولی مفرد خنثی DB 1.81; DSf 11 bis; DSm 4° bis; DSp 2°, 3°; DZc 4 bis.
tyanā بایی مفرد خنثی DB 1.23.
۳) ضمیر اشاره «این» : tyā فاعلی برایی مذکر DSf 14.
tyaiy مفعولی صریح جمع مذکر DB 3.73.

**²tya** حرف ربط «که»، حالت خنثی و مفردِ مدخل پیشین؛ مقایسه شود با کاربردهای همانند یونانی *ὅτι*، لاتین quod، انگلیسی نو that، آلمانی نو dass.
در کاربردهای گوناگون (§299):
۱) «که»، ارائه دهنده فراکرد واقعیت بعنوان مفعول، DSf 28 bis,29.
۲) «که»، ارائه دهنده فراکرد اختیار، با وجه تمنایی، DNb 8,10,19.
۳) «که»، ارائه‌کننده‌نقل قول غیر مستقیم یا مستقیم، DB1.32,52;DNa 38f.
۴) «زیرا»، ارائه کننده فراکرد سببی، DNb 33 (tya-maiy).
۵) «برای اینکه»، ارائه‌کننده فراکرد نتیجه، DB 4.34; DNb 7.
۶) mā-tya «مبادا» DB 4.43,48,71، و نیز در ← mā-tya-mām DB 1.52.
۷) yadā-tya «جایی‌که» XPh35f. مقایسه‌شود با ← yadāyā «جایی‌که» XPh 39.
۸) yaθā tya «هنگامیکه» XPh 29.

**θāigarci-** صفت «ثایی گرچی»، سومین ماه، برابر با مِه - ژوئن: عیلامی sākurrisiš، اکدی sīmannu (§30, §72, §87, §126, §152.I, §165)؛ از نظر ریشه‌شناسی به معنی «ماه جمع آوری سیر»، متضمن عادی سازی بصورت -θāigraci، که از سوی Justi, ZDMG 51.243 ارائه شده است (مقایسه شود با Bthl. AiW 786).
θāigarcais وابستگی مفرد مذکر DB 2.46f

**θakata-** وجه وصفی، صفت «پر شده»: اوستا -sak «گذشتن (زمان)»، هندواروپایی

آغازین -keq*؛ صفت مفعولی آینده (§244) همانند اوستا -yazata «در خور ستایش» (Bv. BSLP 30.1.68-70)، بیشتر، گذر به معنی گذشته، همانند سنسکریت pacatá «پخته»، یونانی ἀρι-δεικ-ετος «بسیار موکد، مشهور» (Schwyzer, Griech. Gram. 501-2) تا صفت فاعلی معلوم -θakaⁿt که بصورت تماتیک ساخته شده است (مقایسه شود با Bthl.WZKM 22.79-80).

θakatam فاعلی مفرد خنثی DB 3.8.

θakatā فاعلی جمع خنثی DB 1.38, 42, 56, 90, 96; 2.26f, 36, 42, 47, 56, 70, 98; 3.19, 39f, 47, 63, 68, 89.

**θatagu-** اسم «ثتگوش»، ایالتی از امپراتوری ایران: عیلامی sa-ad-da-ku-iš، اکدی sa-at-ta-gu-ú، یونانی Σατταγυδιā (§67, §87, §122, §153.I, §161.IIa, §204.V). از -θata «صد»، اوستا -sata، سنسکریت śatám، یونانی ἑ-κατον لاتین centum، انگلیسی نو hundred، هندواروپایی آغازین *kmto-m، بعلاوه -gav «گله گاو، گاو»: دارنده صدها (گله)گاو» (باحتمال بسیار ضعیف «[سرزمین] هفت رود»، از نظر Hz. AMI 1.99n, 3.100-2, 8.73, König RuID 63). نیز نگاه کنید به -θataguiya.

θataguš فاعلی مفرد مذکر DB 1.17; 2.7f; DPe 17; DNa 24; DSe 23°; DSm 10°; XPh 22.

**θataguiya-** صفت «ثتگوشی»: صفت از مدخل پیشین (§144.III, §167).

θataguiya فاعلی مفرد مذکر A?P 11;

در مورد -guviya، باید تجدید نظر صورت گرفته باشد، مگر اینکه -gudaya خوانده شود (§54.I, §167)، مقایسه شود با یونانی Σατταγυδαι، که در آن صورت، ریشه‌شناسی زیر -θatagu داده شده است.

**θaⁿd-** فعل «بنظر آمدن»: اوستا -sand، سنسکریت -chand (§87, §215).

θadayātaiy التزامی میانه (§222.II)DB 4.49; DSa 5; DSj 6 (برای متن، نگاه کنید زیر -fraša؛ مقایسه شود با §54.I).

θadaya وجه تاکیدی (§224, §228.II, §237)DNa 58; DNb 53.

**θadaθa-** واژه‌ای با معنی نامعلوم، Sb3.

**θanuvaniya-** اسم «کمانور»: مشتق (§144.IV) از بن موجود در اوستا -θanvar/n «کمان»، مقایسه شود با سنسکریت -dhanvan «کمان» (§83.II, §114, §155.IV) و Hz. ApI 339.
نیز نگاه کنید به -uθanuvaniya.

θanuvaniya فاعلی مفرد مذکر DNb 42.

**θard-** **A** اسم «سال»: اوستا -sarəd «سال»، فارسی نو «سال»، سنسکریت -śarád «پاییز» (§31, §87, §142). برای گاهشماری شورشیان علیه داریوش، نگاه کنید به پیوست تاریخی IV.

θardam مفعولی صریح مفرد مونث DB 5.3.

θarda وابستگی مفرد مونث DB 4.4f, 41, 45, 52, 60.

**θarmi-** اسم «الوار» (§6, §29, §34, §152.IV): بدون ریشه‌شناسی احتمالی، علیرغم نظر König, Burgbau 52-4; Hz. AMI 3.58; Gray, AJP 53.67-8.

θarmiš DSf 30.

**θah-** فعل «بیان داشتن، گفتن»: اوستا -sah، مضارع -saŋha، سنسکریت śasati، لاتین cēnset، هندواروپایی آغازین -kens* (§87)؛ احتمالاً نبود آوای غنه‌ای در مضارع فارسی‌باستان (MB Gr. §134، §108.nl مقایسه شود با Wackenagel, IF 45.321-7؛ نظریه‌های مبهم در مورد تلفظ Hz. AMI 3.83-6).

θātiy (§131, §213, §228.I; JAOS 35.332-4) AmH 4,9; AsH 5; CMb 3; DB 1.3,6,8f,11,12f, 17, 20, 24, 26f, 35, 43, 48, 61, 71, 72, 81, 83, 90; 2.1, 5°, 8, 11, 13, 18, 29, 37, 42, 49, 57, 64, 70, 78, 91, 92; 3.1,9, 10, 19, 21, 28f, 40, 49, 52f, 54, 64, 69, 75, 76, 83; 4.1, 2,31,33, 36, 40, 43, 45, 50, 52f, 57, 59, 61, 67, 69, 72, 76, 80, 86, 88; 5.1, 14, 18, 20, 30, 33f; DBa 4, 9, 13f; DPd 5, 12; DPe 5, 18; DPh 3; DNa 15, 30, 47; DNb 5, 22; DSa 3; DSd 2f°; DSe 14, 30°, 41, 49°; DSf 8,

55; DSg 2f; DSi 2f; DSj 2,4f°; DSk 3; DSI 1; DSm 3; DSo 2°; DSt 6f; DZc 7; DH 3; XPa 11, 17; XPb 21; XPc 9; XPd 15; XPf 15, 27, 43f; 11, 17; XPb 21; XPc 9; XPd 15; XPf 15, 27, 43f; XPg 1; XPh 13, 28, 56; XPj; XSa 1; XSc 2f°; XV 16; $A^1$Pa 17; $D^2$Sb 3°; $A^2$Sa 1;$A^2$Sc 1°; $A^2$Sd 2; $A^2$Ha 1; $A^2$Hc 7, 15; $A^3$Pa 8, 21, 23.

aθaham ماضی استمراری اول شخص مفرد (§131, §132.2-3, §213)DB 2.20, 30, 50, 83; 3.14,85; DNa 37.

aθaha ماضی استمراری DB 1.75; 2.10°, 15, 80; 3.25, 57f; 4.8, 11, 13, 16, 19, 21, 24, 27°, 29; DBb 4; DBc 5; DBd 3; DBe 5; DBf 3; DBg 4f; DBh 4; DBi 4; DBj 3.

θahyāmahy مجهول اول شخص جمع (§220, §230.I) DB 1.7; DBa 10f.

aθahya ماضی استمراری مجهول (§220) DB 1.20, 23f; DNa 20; DSe 19°; aθahiya (§27) XPh 18.

θāhy التزامی دوم شخص مفرد (§131, §222.II, §227.I) DB 4.55, 58.

θastanaiy مصدر (§132.2-3)DB 1.53f.

**θikā-** اسم «شفته، قلوه سنگ، پاره سنگ» (به اشتباه König, Burgbau 50)، مقایسه شود با Kent, JAOS 53.14): احتمالاً هندواروپایی آغازین-*kiqā (§87, §143. IV)، مقایسه شود با سنسکریت -sikatā «شن، شفته» (با s پراکریت بجای ś سنسکریت، یا وام گرفته شده از یکی از گویش‌های ایرانی Bv. BSLP 30.1.60-1) و شاید فارسی‌باستان sikayauvatiš (با-s مادی)، مونث برپایه -*śikayas-vant (مقایسه شود با Bv. BSLP 30.1.61; Hz. AMI 3.55-6;Kent, JAOS 51.203).

θikā فاعلی مفرد مونث DSf 25,28.

θikām مفعولی مفرد مونث DSf 27.

**θuxra-** اسم «سوخرا»، پدرِ «اوتانَ» (§163.Ib, §164.III): عیلامی du-uk-kur-ra، اکدی su-uḫ-ra-، احتمالاً همان -suxra «سرخ» در اوستا، فارسی‌نو «سرخ»، سنسکریت -śukrá «درخشان» (§87, §103.I, §148.I؛ مقایسه شود با Foy, KZ 35.20).

θuxrah[y]ā وابستگی مفرد مذکر DB 4.83.

**θūravāhara-** صفت «ثورَواهر»، دومین ماه، برابر آوریل ـ مه: عیلامی turmār، اکدی aiiāru. مرکب از -θūra «نیرومند»، اوستا -sūra، سنسکریت -śūra، یونانی κῦριος «معتبر»، هندواروپایی آغازین -*kūro (§87)، بعلاوه -vāhara «بهار»، سنسکریت -vāsará «درخشان»، فارسی نو «بهار»، لیتوانیایی vāsara «تابستان» (§118.I, §126, §143.II, §148.I, §154.I)؛ مقایسه شود با (ماه) بهار فزاینده (§161.IIa, §165) : (Bv. :Origines 16).

θūravāharahya وابستگی مفرد مذکر DB 2.36, 41, 61; 3.39.

**çay-** فعل «زخم شدن»: اوستا -sray، سنسکریت -śri، یونانی κλινει لاتین in-clīnat، انگلیسی نو lean، هندواروپایی آغازین -*klei (§94).

ni + çay- «بازسازی کردن» (§123, §215) وجه سببی؛

ساخت متاثر از -dāraya در اوستا و فارسی باستان (Ware, JAOS 44.285-7):

niyaçārayam ماضی استمراری اول شخص مفرد DB 1.64

**çita-** صفت «سوم»: یونانی τριτος هندواروپایی آغازین tritos (§204.III). نگاه کنید به -çitīya.

ç[itām-cā] مفعولی صریح مفرد مونث DB 5.3
(JNES 2.109-10; JCS 5.56; JAOS 72.17)

**çitīya-** صفت «سوم»: اوستا -θritya، سنسکریت -trtīya، لاتین tertius، هندواروپایی آغازین -*tritīio (§78, §144.II, §204.III)؛ نیز نگاه کنید به -çita.

çitīyam مفعولی صریح مفرد خنثی بعنوان قید DB 2.43.

**çūšā-** اسم «شوش»، شهر مرکزی داریوش، در عیلام: عیلامی šu-šá-an، اکدی šu-šá-an، یونانی Σουσα (§78,§117).

çūšāyā دری مفرد مونث DSf 22,34,56; DSo 3f.

**[1]dā-** فعل «دادن»: اوستا، سنسکریت -dā، یونانی δίδωμι لاتین dat «دادن»،

dōnum «هدیه»، هندواروپایی آغازین -*dō (§62, §76.III).
dadātuv وجه امری (§209, §237.II) DPd 23f; DNa 55; XPh 60.

**$^{2}$dā-** فعل «گذاشتن، ساختن، آفریدن»: اوستا -dā، سنسکریت ـ dhā، یونانی τίθημι لاتین fēcit «ساخته»، انگلیسی‌نو deed,do، هندواروپایی آغازین -*dhē. نیز نگاه کنید به -uvadā-,dāta-, dāna.
adadā ماضی استمراری (§209,§228.II) DPd 3; DNb 1,2; DSe 2°, 3°, 3f, 4.
adā ماضی (§62,§76.III, §122, §218.II, §228.II) DNa 2,3 bis, 4; DSf 1f°, 2 bis, 3, 9; DSp 2°; DSt 2°, 3, 3f°, 4°; DZc 1, 2 ter; DE 3,4,5,6; XPa 1f,2,3 bis; XPb 3,4,5,6; XPc 2 bis, 3 bis; XPd 2,3,4 bis; XPf 2,3 bis, 4; XPh 2 bis, 3 bis; XE 3f,5,5f,6; XV 3,4 bis, 5; A[1]Pa 2°,3°,4°,4f°; A[2]Hc 2,3, 4 bis; A[3]Pa 2,3, 4 bis.

**daiy** نگاه کنید به -di.

**daiva-** اسم «الوهیت (ناحق)، دیو» (مقایسه شود با Hz. RHRel.113.32-7, AMI 8.74-5, ApI 126-30): اوستا -daēva، سنسکریت -devá «خدا»، لاتین deus, dīvos، هندواروپایی آغازین -*deiuo (§76.III,§114,§143.III). نیز نگاه کنید به -daivadāna.
daivā فاعلی جمع مذکر XPh 36, 38, 39.

**daivadāna-** اسم «دیوکده» (§147.I, §160.Ib): -daiva بعلاوه -dāna (در معنی توهین‌آمیز، «لانه»، بنابر نظر Hz. AMI 8.75, ApI 131).
daivadānam مفعولی صریح مفرد مذکر XPh 37f
(صورت نوشتاری در نسخه دوم -$d^{a}av^{a}m^{a}$، مقایسه شود با §51,Lg.13.293).

**daug-** فعل، نگاه کنید به -hadugā.

**dauštar-** اسم «دوست»: فارسی‌نو «دوست»، سنسکریت -jostár «با محبت»؛ اسم فاعل

(§154.II) از ریشه -dauš، اوستا– zaoš «لذت بردن»، سنسکریت ـ jus، لاتین gustat «می‌چشد»، انگلیسی نو choose، هندواروپایی آغازین -geus* (§88).

dauštā فاعلی مفرد مذکر (§124.5,§186.I) DB 4.56, 69, 74; DNb 7, 8, 12; DSj 4.

**dacara-** نگاه کنید به -tacara.

**dāta-** اسم «قانون»: اوستا ـ dāta، فارسی‌نو «داد»؛ وجه وصفی خنثی از 2dā- (§122,§242.II). نیز نگاه کنید به -vahyazdāta.

dātam فاعلی مفرد خنثی DNa 21; DSe 20°, 37; XPh 18f.

dātā (باحتمال بسیار ضعیف حالت ازی مفرد خنثی §172)بایی مفرد خنثی DB 1.23; XPh 49,52.

[d]ātā فاعلی جمع خنثی DNb 58.

**datasa-** قرائت KT، با غیر قطعی بودن نشانه حرفی اول و سوم، DB 4.71f؛ مطالعه کنید -utava ، نگاه کنید به مدخل مربوطه.

**dātuvahya-** اسم (§164.V) «داتووهیا»، پدر مگابیزوس (§163.Ib): عیلامی da-ad-du-man-ia، اکدی za-'-tu-'-a؛ مقایسه شود با Hz. AMI 1.84n.

dāt[u]vahyahyā وابستگی مفرد مذکر DB 4.85.

**dādarši** اسم «دادرشی»، ۱)شخصی ارمنی، ۲)شخصی پارسی، شهربان بلخ: عیلامی da-tur-ši-iš، اکدی da-da-ar-šú. مشتق از -darš «جرأت کردن»، با مضاعف سازی؛ سنسکریت -dādhṛṣi «جسور» (§30,§76.III,§152.I,§164.IV).

dādaršiš فاعلی مفرد مذکر DB 2.29,31f,48;3.13,15.

dādaršim مفعولی صریح مفرد مذکر DB 2.33, 38, 44.

**¹dan-** فعل «جاری بودن»: سنسکریت dhán-vati.

→ پس از پیشنهاد دیگر از سوی Wb. KIA 104؛ میانه danu[taiy]) danu[vatiy]DZc 9 Bthl. AiW 683); §216, §216.nl.

**$^{2}$dan-** فعل «آشنا شدن با»، نگاه کنید به -xšnā.

**dāna-** در -apadāna-, daivadāna: سنسکریت dhāna-m «ظرف»؛ از فارسی‌باستان -$^{2}$dā بعلاوه پسوند -na-(§147.I).

**$^{1}$dar-** فعل «نگهداشتن»؛ (لازم) «ساکن شدن»: اوستا -dar، سنسکریت -dhr̥، لاتین fir-mus «محکم کردن»، لیتوانیایی darỹti «ساختن»، هندواروپایی آغازین (§76.III,§122)*dher-. نیز نگاه کنید به -upadarma-, dārayavau-, duruva-, vidarna. بن مضارع -dāraya و التزامی، §215.
dārayāmiy اول شخص مفرد (§226.I) AmH 5f; AsH 11, 14; DB 1.26; DPh 4f; DNb 14; DH 4. dārayatiy DNd 2
(قرائت قطعی، مطابق با یاداشت حاشیه‌ای Wb بر AbkSGW 29.142).
dārayaⁿtiy سوم شخص جمع (§232.I) XPh 23f, 24f.
adāraya ماضی استمراری (§228.II) DB 1.85; 2.9; 3.23; DNa 41; DSe 20f°; XPh19; adāraiya DNa 22 (§48; Wb. AbkSGW 29.33, (بعنوان مجهول Hz. ApI 132, → به اشتباه; Kent,JAOS 35.347n →مقایسه شود با
adaršiy ماضی، میانه اول شخص مفرد (§218.I, §233.V) DPe 8.
adāriya ماضی استمراری مجهول (§220,§228.II)DB 2.75, 90.
بازسازی کنت (JAOS 62.268) بصورت adā[rayat]ā، در قرائت جدید کامرون از DB 4.90f حذف شده است.
ham + dar «تصرف کردن، بدست آوردن»: hamadārayaiy ماضی استمراری اول شخص مفرد (§233.III) DB 1.26.

**$^{2}$dar-** فعل «خشمگین شدن»، نگاه کنید به -dartana.

**daraniya-** اسم «زَر»: اوستا -zaranya، پهلوی اشکانی zarēn، فارسی نو «زر»،

سنسکریت hıraṇya-m، هندواروپایی آغازین -ghl̥-enio*
(§32,§66.II,§88,§126,§144.IV)، مقایسه شود با انگلیسی نو gold. نیز نگاه کنید به -dāraniyakara.

daraniyam فاعلی مفرد خنثی DSf 35.
daraniyam مفعولی صریح خنثی DSf 49f.

اما صورت یونانی δāρειkos، «سکه زرین پارسی»، از نام داریوش گرفته شده است (Bv. BSLP 30.1.59)، و نه از صورت کوتاه شده -daraniya (به گونه‌ای که از سوی Mt. Gr. §129, Hz. ApI 134-5 اختیار شده است).

**dāraniyakara-** اسم «زرگر»: فارسی نو «زرگر»؛ -daraniya با ویژگی vriddhi، بعلاوه -kara «سازنده» (§126, §143.V, §160.Ia; König, Burgbau 65; Hz. AMI 3.73-4; Kent, JAOS 53.21)
dāraniyakarā فاعلی جمع مذکر DSf 49
(در مورد Frag. Theta, Scheil 21, plate 11، نگاه کنید به §44؛ König, Burgbau, Tafel 5; Kent, JAOS 53.21، در مقابل 51.195-6).

**dārayava^h^u-** اسم «داریوش» (ـ اول، پسرویشتاسب شاه ۵۲۲-۴۸۶ پیش از میلاد؛ ـ دوم، پسر شاه اردشیر یکم، ۴۲۶-۴۰۴ پیش از میلاد): عیلامی da-ri-ia-ma-u-iš، اکدی da-ri-ia-muš، یونانی Δāρεῖos (با حذف بقرینه بجای Δāρειαῖos؛ Keiper, Acta Sem. Phil. Erlangen, 1.253). از آریایی آغازین -dhāraiat* وجه وصفی از ریشه موجود در فارسی‌باستان -dar (§162,§240)، بعلاوه آریایی آغازین uasu* در حالت مفعولی صریح مفرد خنثی «نیکی» (§153.I)، نگاه کنید به فارسی‌باستان -vau: «کسی که نیکی را ثابت نگهمیدارد» (Hz. Arch. Hist. Iran 40, ApI 255, 267)، این نام را صورت مصغر -dāraya-vahu-manah* بمعنی «نگهدارنده اندیشه نیک» پنداشته است؛ این نظر از سوی Nyberg, Rel. 361 رد شده است).
dārayavauš فاعلی مفرد مذکر (§118.IV, §124.2) DB 1.1,4, 6, 9, 11, 13, 17f, 20f, 24, 27, 35, 44, 48, 61, 71, 73, 81, 83, 90; 2.1, 5, 8, 11, 13f, 18, 29, 37, 42f, 49, 57, 64, 70, 78, 91, 92; 3.1, 9, 10f, 19f, 21,

29, 40, 49, 53, 54, 64, 69, 75, 76, 83; 4.1, 2f, 31, 33, 36, 40, 43, 45, 50, 53, 57, 59, 61f, 67, 69f, 72, 76, 80, 86, 88; 5.1, 14, 18, 20, 30, 34; DBa 1, 4f, 9, 14; DPa 1; DPb; DPd 4f, 5, 12; DPe 1,5f, 19; DPh 1,3f;DNa 8, 15, 30f, 40, 47f; DNb 5; DSa 1, 3; DSb 1f; DSc; DSd 1°, 3°; DSe 8, 14, 30f°, 41°, 49f; DSf 5f, 8, 55; DSg 1, 3; DSi 1,3; DSj 1, 2, 5; DSk 1, 3f; DSl 1; DSm 1, 3°; DSn 1°; DSo 2f; DSq 2; DSt 7°; DSy 1; DZa; Dzb 1; DZc 4, 7; DE 12; DH 1, 3; XPc 11; XPf 16f, 30, 33; XPg 6; XSa 2; XV 17; $D^2$Sa 2; $D^2$Sb 1°, 3°; $A^2$Sa 3; Wa 2f; Wb 1; Wc 2; Wd 2; SDa; SDb.

dārayavahauš بعنوان فاعلی مفرد مذکر XPf 25 (§51; Lg. 9.39).

dārayavaum مفعولی صریح مفرد مذکر DPd 2; DNa 5; DNb 4; DSe 5°; DSf 3f; DSn 2; DSp 1f°; DSt 5°; DZc 3; DE 7; XPf 22f; $D^2$Sa 2f.

dārayavahauš وابستگی مفرد مذکر (§118.IV, §124.2) DB 3.58f; DPc; DPd 10; DPi; DNc 1f; DNd 1; DZc 3; XPa 9f; XPb 19; XPc 8f, 14; XPd 13; XPe 3; XPf 13f, 17; XPh 11; XPj; XPk; XSc 2°; XE 19; XV 14f; $A^1$Pa 16.

darayavauš بعنوان وابستگی مفرد مذکر XPf 28 (§51; Lg. 9.39); (§313.II) $A^2$Sb, $A^2$Sd 2, $A^2$Hb, $A^3$Pa 13f, 14, 17, 18.

dārayavaušahyā وابستگی مفرد مذکر (§57) $A^1$I; $A^2$Sa 1, 1f, 2f, 3; $A^2$Sc 0 bis: $A^2$Hc 9f, 10 (§313.I بعنوان حالت فاعلی)، 13, 14 (بعنوان فاعلی).

dārayavašahyā وابستگی مفرد مذکر (§52.VI,§57) $A^2$Ha 2,2°, 4,4°.

**dāru-** اسم «چوب»: اوستا -dāuru، سنسکریت -dāru، مقایسه شود با یونانی δὸρυ «نیزه».dāruv (§181) مندرج در DSf 41، در عبارت asā dāruv «چوب آبنوس»، تحت‌اللفظی «چوب سنگی» (§308.nl)، نه تنها به سبب سختی به این نام خوانده شده، بلکه احتمالاً asā ترجمه متشابه اکدی aban «سنگ» است، مقایسه شود با عبری eben «آبنوس»، یونانی έβεvos از مصری hbnj «آبنوس» (J. Duchesne- Guillemin, BSOS 10.925-7 [1942]) نه همانگونه که Hdt.3.97 اشاره کرده و می‌گوید مصریان الوارهای چوب آبنوس

را بعنوان خراج به شاه ایران پرداختند). واژه dāruva نباید برپایه ریشه -¹dar و عبارتی که به معنی «مس» (Scheil 21.30; Kent JAOS 51.208, 53.18-9) ویا «آهن» است (Bv.BSLP 30.1.60؛ که پیشنهاد می‌کند که dāruva ممکن است صفتی باشد که به نوعی درخت اشاره دارد) عادی شده باشد؛ واژه فوق نه از asā بعلاوه dāruv در حالت بایی و در مجموع به معنی «قاب چوبی پنجره‌ها» ترکیب شده (König, Burgbau 64-5)؛ و نه از صورت asā sāruva «راهنمایی کردن» (Hz. ApI 299)، برپایه اوستا -srva «راهنمایی کردن» (Bthl. AiW 1649) بوجود آمده است، مضافاً براینکه آثار اندک موجود مؤید sᵃ آغازین نیست.

[dār]uv مفعولی صریح مفرد خنثی DSf 51
(بهمین صورت Hinz, Orientalia 19.415 [1950]؛ نه [išmāl]uv، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه).

**darga-** صفت «دیر»: اوستای گاهانی -darəga، اوستای متاخر -darəγa، فارسی‌نو «دیر[۱۳]»، سنسکریت -dīrghá، هندواروپایی آغازین -*dl̥gho، مقایسه شود با یونانی δολιχος لاتین longus (§31,§68,§101,§143.III,VI).
dargam «برای زمانی دراز» مفعولی صریح مفرد خنثی بعنوان قید، DB 4.56,75.

**dartana-** (یا شاید -zartana، با z مادی) اسم «خشم»: اوستا -zarəta «خشمگین»، سنسکریت hr̥ṇitè «خشمگین است» (§34,§147.V,§238).
[da]rtanayā دری مفرد خنثی DNb 13f
(نظر Kent, JNES 4.46-7، مقایسه شود با §238.n1).

**darš-** فعل «جرأت داشتن»: اوستای گاهانی -dərəš «عمل تجاوز»، سنسکریت dhr̥ṣ-nòti «جرأت می‌کند»، انگلیسی نو dare (§76.III,§117). نیز نگاه کنید به dādarši-, daršam.

---

۱۳. کنت واژه فوق را در فارسی‌نو بصورت dēr واجنویسی کرده است. در حالیکه واجنویسی درست آن در فارسی‌نو dīr است. زیرا واج /ē/ فارسی‌میانه، در فارسی‌نو به /ī/ تبدیل شده است.

adaršnauš ماضی استمراری (§30,§84,§210.I, §228.III) DB 1.53.

**daršam** قید «با توانایی»: حالت مفعولی صریح مفرد خنثی از صفت darša-(§143.I)، از ریشه -darš (در مقابل این ریشه‌شناسی، Hz. ApI 135-6). DB 1.50(MB Gr. §366; به اشتباه → Kent, JAOS 35.336-42); 4.37; DNb 14,15,50.

**dasta-** اسم «دست»: اوستا -zasta، فارسی‌نو «دست»، سنسکریت -hásta، هندواروپایی آغازین -ghosto* (§88,§116,§145). نیز نگاه کنید به -dastakarta.

dastayā دری مفرد مذکر DB 4.35.

dastaibiyā بایی تثنیه مذکر (§189) DNb 41.

**dastakarta-** صفت «دست ساخت»: -dasta بعلاوه وجه وصفی -karta (§160.Ic)، از ریشه -kar «ساختن».

[dasta]kartam (بازسازی بعد از عیلامی Wb. ZDMG 91.85, Hz. ApI 136-8) «کاردست» فاعلی مفرد خنثی بعنوان اسم DSe 42f.

**daha-** صفت «اهل دها»؛ جمع، ایالتی از امپراتوری ایران: اکدی da-a-an، یونانی Δάαι (§76.V; Lg. 13.298; Hz. AMI 8.72).

dahā فاعلی جمع مذکر XPh 26.

**dahyu-** اسم «سرزمین، ایالت، ناحیه»: اوستای گاهانی -dahyu، اوستای متاخر dahyu- daiŋhu-، فارسی‌نو «دِه»، سنسکریت -dásyu «بیگانه، دیو» (§124.2, §153.IV, §166) صرف §183.II. نیز نگاه کنید به -visadahyu.

dahyāuš فاعلی مفرد مونث AmH 5,8f (بعنوان مفرد مونث §314b); DB 1.59; 2.28, 53, 59, 72; 3.9, 11, 20, 23, 66, 75, 79f; 5.4, 13f, 29f; DPd 6. dahyāuš-maiy DB 4.39.

dahyāum مفعولی صریح مفرد مونث (§53, §72) AsH 8, 11, 13; DPd

15, 18; DNa 53. dahyāvam (§124.VI) XPh 33, 58f.

dahyauvā (dahyuvā Wb.) دری مفرد مونث (§48,§124,§137) DB 1.34.

dahyāva فاعلی جمع مونث (§124.7) DB 1.13, 17, 18, 23, 41; 26°; 4.33; DPe 7, 14; DNa 17, 39; DSe 15f, 32f; DSm 5f°;XPh 15.

dahyāva مفعولی صریح جمع مونث DB 1.21, 47, 67; 4.92; XPh 31, 35.

dahyūnām وابستگی جمع مونث DB 1.2; DBa 3; DPa 4; DPe 3; DNa 10; DSb 6f; DSe 9°; DZb 2f; DZc 5; DE 15; XPa 7f; XPb 15; XPc 7; XPd 10f; XPf 10f; XPh 8f; XSc 2°; XE 15; XV 11f; $A^1$Pa 11f°;$A^2$Sc 3f; Wb 5; Wc 6; Wd 6. dahyūvnām (§23.II) DPh 2; DH 1f.

dahyušuvā دری جمع مونث DB 1.35.

DHum (§42) مفعولی صریح مفرد مونث DSf 58; DSj 6°. DHyaum (§53) $A^3$Pa26.

DHum (§42) مفعولی صریح مفرد مونث DSf 58; DSj 6°. DHyaum (§53) $A^3$Pa 26.

DHnām وابستگی جمع مونث DSa 2; DSd 1; DSf 6; DSg 1°; DSi 1°; DSk 2; DSm 2°. DHyūnām DSy 2; XPj; $A^1$I; $D^2$Sa 1; $A^2$Ha 1°; $A^2$Hc 8; $A^3$Pa 11.

**$^1$dī** فعل «دیدن»: اوستا -$^2$dā(y) «دیدن» (Bthl. AiW 724)، فارسی نو «دیدن»، سنسکریت dhī «اندیشیدن».

dīdiy امر دوم شخص مفرد (§65, §129, §209, §218.II, §237.I) DNa 41; DNb 57.

**$^2$dī-** فعل «بزور گرفتن (چیزی از شخصی، با ۲ حالت مفعولی صریح)، محروم کردن (کسی از چیزی، با ۲ حالت مفعولی صریح)»: اوستا zināiti «آسیب می‌رساند» (zyā-, Bthl. AiW 1700)، سنسکریت jināti «سرکوب می‌کند» (§88)، مقایسه شود با یونانی $\beta\iota$ā «تجاوز».

adīnam ماضی استمراری اول شخص مفرد (§210.II, §226.II) DB 1.59.

adīnā ماضی استمراری (§210.II, §228.II) DB 1.44f, 46, 66.

dītam صفت مفعولی گذشته، مفعولی صریح مفرد مذکر (§242.I) DB 1.50.

**-dī-** ضمیر متصل «او را، آنها را»، معمولاً با مرجع مذکر: اوستا (Bthl.AiW 684) -di؛ سرچشمه گرفته از تقسیم اشتباه pasāvad-im و غیره، در حالیکه -im صورت مفعولی صریح *is، لاتین is بوده و بدین صورت تعمیم و گسترش یافته است (§195.II; Caland, KZ 42.173; Mt. MSLP 19.53-5, Gr.§166)؛ در مورد تقابل آن با -šī-، نگاه کنید به Bv.Gr.§345.

**-dim** مفعولی صریح مفرد مذکر (§195.II) در Pasāva-dim (با مرجع مونث) DNa 33؛ DSf 32 hau-dim؛ DNb 17 avaθā-dim؛ DNb 16,18 anu-dim

**-diš** مفعولی صریح جمع مذکر (§195.III) در
tyā-diš DB 1.65 (بامرجع اسم جمع مذکر); naiy-diš DB 4.73, 78; paribarāhᵃ-diš DB 4.74; vikanāhᵃ-diš DB 4.77; avaθā-diš DB 5.17,33; ava-diš DNa 21, DSe.20°, XPh 19; utā-diš DNb 46f (با مرجع خنثی) ; hau-diš DSs 6° (با مرجع هایی از جنس های گوناگون).
نوشته شده بصورت واژه‌ای جدا، در
drauga diš DB 4.34 (با مرجع های مونث); pasāva diš DB 4.35; avaθā diš DB 4.36.
DB 5.11, daiy بعنوان واژه جدا، احتمالاً vⁱiyᵃ (بدون هیچ نشانه جداکننده‌ای علیرغم Rl., KT)؛ مطالعه کنید viyamarda را از نظر Wb. ZfA 46.55، نگاه کنید زیر مدخل -mard (نه در حالت مفعولی صریح جمع مذکر از نظر Kent, JAOS 62.273؛ و نه در حالت وابستگی - برایی مفرد از نظر Wb. KIA 73n، (Bv. Gr. §345, Gray AJP 53.69

**-diy** از ادات تاکید متصل: اوستا zī، سنسکریت hi، یونانی، پی‌چسب χι در ναι-χι «بله واقعاً»، ου-χι «نه بهیچ وجه»، هندواروپایی آغازین *ghi (§88, §191.I).
ufraštādiy DB 4.69

(JAOS 35.351-2؛ نه ضمیر، مفعولی صریح جمع مذکر از نظر ,Bv.BSLP 31.2.63-4
(Gr. §345؛ به احتمال ضعیف vašnā-[di]y XPg 7f (علیرغم Lg 9.320؛ نگاه کنید
زیر مدخل apiy).

j[i]va-diy $A^2$Sd3 (JAOS 51.229).

**didā-** اسم «دیوار، پایگاه، دژ»: فارسی‌نو «دز»، هندواروپایی آغازین -dhighā*، مقایسه شود با سنسکریت dehī «دیوار»، یونانی τεῖχος، انگلیسی نو dike، ditch (§76. III, §88, §143.IV, §166). نیز مقایسه شود با paradayadām.

didā فاعلی مفرد مونث DB 1.58; 2.39,44; 3.61, 72; DSe 46; DSf 42.

didām مفعولی صریح مفرد مونث DB 2.78; DSe 48°; DSf 54.

**dipī** اسم «کتیبه»: عیلامی tup-pi، اکدی tuppu (§179.I): وامواژه از سومری -dup (Bv. Gr. §282)؛ نه بصورت خلط شده با ایرانی -ripi* برابر با سنسکریت -lipi «آلودن، نوشتن» (Pisani, Riv. Stud. Or. 14.320)، همانند سنسکریت -lipi که بیشتر نوشتن با جوهر را بیان می‌کند تا نقر کردن بر سنگ.

dipī-mai[y] فاعلی مفرد مونث DB 4.89 (§136;= Elam. tup-pi-me).

dipim مفعولی صریح مفرد مونث DB 4.42,48,70,73,77,91f; XV 22, 24.

d[i]p[iy]ā دری مفرد مونث (§179.V) DB 4.47.

**dug-** فعل، نگاه کنید به -hadugā.

**dubāla-** اسم «دوبال»، ناحیه‌ای در بابل: عیلامی + -du-ib-ba (§6,§107).

dubāla فاعلی مفرد مذکر DB 3.79.

**dūra-** صفت «دور (در زمان یا فاصله مکانی)»: اوستا -dūra، فارسی‌نو «دور»، سنسکریت -dūrá (§148.I). نیز نگاه کنید به -dāradaša,duvaišta.

dūraiy دری مفرد خنثی بعنوان قید «دور، دور دست، دور و دراز» DNa 44 (اوستای گاهانی dūirē، اوستای متاخر dūire، سنسکریت dūré؛ §65,§191.III)

dūraiy apiy DSe 11, DZc 6, DE 18, XPa 9, XPb 18, XPc 8, XPd

13, XPf 13, XPh 10, XE 18, XV 14, A¹Pa 14f°, A²Hc 17.
dūraiapiy DNa 12, dūrayapiy DNa 46 (§48, §136).

**duradaša-** قید «از دور» با تقدم hacā : -dūra بعلاوه قید -dă همانگونه که در avadā بعلاوه -ša- در حالت ازی، دیده می‌شود، همانند avadaša،
(§135, §191.II; JAOS 54.37). DSf 23.

**duruj-** فعل «دروغ گفتن، فریفتن»: اوستا -druǰ «دروغ گفتن» (Bthl. AiW 767,draog-)، مضارع družaiti، اسم، druxš «بن شرور، اهریمن»، سنسکریت drúhyati «می‌فریبد»، آلمانی Trügen، هندواروپایی آغازین (§76.III). -dhrugh* نیز نگاه کنید به -drauga.
adurujiya ماضی استمراری (§101, §103.IV, §113, §128, §132,1,2,3, §214, §228.II) DB 1.39, 78; 3.80; 4.8, 10f, 13, 16, 18, 21, 24, 26f, 29; DBb 2f; DBc 2f; DBd 2; DBe 3f; DBf 1f; DBg 2f; DBh 2f; DBi 2f; DBj 2f.
adurujiyašaⁿ ماضی استمراری سوم شخص جمع (§214, §218.I, §232.III) DB 4.34f.
druxtam صفت مفعولی گذشته، فاعلی مفرد خنثی (§103.IV, §122, §128, §132.1,3, §242.I) DNb 52, 55f; مفعولی صریح مفرد خنثی DB 4.44f, 49f; قید «بناروا» DB 3.89.(۱۴)

**duruva-** صفت «مطمئن، محکم»: اوستا -drva، سنسکریت -dhruvá؛ مشتق از ریشه موجود در فارسی‌باستان -¹dar (§122, §128, §150).
duruvā فاعلی مفرد مونث DB 4.39.

**duvaišta-** صفت «بسیار دراز، بسیار دور»: صفت عالی برپایه -dūra (§156.III, §190.II, §191.III; MB Gr. §275)، مقایسه شود با سنسکریت

---

۱۴. در متن انگلیسی به اشتباه DB 3.88.

-davisthá با اندکی تفاوت در ساخت.
DPe 23. duvaiš[ta]m مفعولی صریح مفرد خنثی بعنوان قید «تا زمانی دراز»
(مقایسه شود با نظریات مربوط به مدخل hyā).

**duvara-** اسم «در»: اوستا -dvar، سنسکریت -dvár، یونانی θυρā، لاتین forēs، انگلیسی‌نو door، لیتوانیایی dvāras «حیاط»، هندواروپایی آغازین -dhuor* و ساخت‌های گسترش یافته آن بصورت -dhuoro* و غیره؛ نیز نگاه کنید به -duvarθi.
duvarayā-maiy دری مفرد خنثی (§136) DB 2.75, 89f.

**duvarθi-** اسم «دالان»: -duvar «در» بعلاوه -varθi «پوشاندن، حفاظت»، از ریشه -var «پوشاندن»، با حذف بقرینه(§34, §129, §152.IV, §160.Ia; Bthl. AiW 766)،
duvarθim مفعولی صریح مفرد مذکر XPa 12.

**duvitāparanam** قید «یکی پس از دیگری، پی‌درپی»: duvitā (§191.III,§204.II)، فارسی میانه dit «یکی یا دیگری» (Bthl., quoted by Tm. Lex. 102)، مقایسه شود با فارسی‌باستان duvitīyam «بار دوم»، سنسکریت dvis «بار دوم»، لاتین bis، بعلاوه paranam «پیش از، بیشتر» (Tm.l.c., و Vdt. Stud. 1.8). این هم از معنی .Tm بصورت «خیلی پیشتر»، قید duvitā «طولانی»، اوستای گاهانی daibitā، سنسکریت dvitā (مقایسه شود با فارسی‌باستان duvaištam) بعلاوه paranam (به گونه بالا) بهتر است؛ و هم از معنی KT بصورت duvitāparanam «در دو خط»، شامل واژه هم خانواده سنسکریت -parṇá «بال» (مورد تایید بوسیله Wb. ZDMG 61.724-5,KIA 10-1 و نیز Hz. AMI 1.112h).DB 1.10; DBa 17.

**duvitīya-** صفت «دوم»: اوستای گاهانی -daibitya، اوستای متاخر -bitya، سنسکریت -dvitīya، هندواروپایی آغازین -duitīio* (§76.III,§144.II,§204.II). نیز نگاه کنید به duvitāparanam.
duvitīyam مفعولی صریح مفرد خنثی بعنوان قید «بار دوم» DB 2.37f, 57,

DB 3.24 بعنوان مفعول نهفته، «(شورش) دوم» ;3.77
(نــه duvitīya-ma udapatatā «دومــین بــود کـه بـر مـن شـورید»، چـنانکه BthI. Aiw 964 می‌پندارد، زیرا udapatatā در هیچ جای دیگر نمایانگر بیان کسی نیست که علیه او شورش شکل گرفته باشد).
duvitīyām-ca مفعولی صریح مفرد مونث DB 5.2f(قرائت کامرون).

**duš-** پـیشوند جـدا نشـدنی «بـد»: اوسـتا -duš، سـنسکریت -dus، یـونانی -δυσ (§76.III)؛ در -duškarta- dušiyāra.

**dušiyāra-** اسم «سال بد، محصول بد، خشکسالی»: -duš بعلاوه -yār «سال» ساخته شده بـصورت تـماتیک، اوسـتا -yār، یـونانی ωρā «فـصل»، آلمـانی نـو Jahr (§140.VII, §143.II)
dušiyāram فاعلی مفرد خنثی DPd 19f.
dušiyārā ازی مفرد مذکر DPd 17.

**duškarta-** صفت «بدکرده»، متضاد -naiba (Hz. ApI 143-4): -duš بعلاوه -karta «انجام شده، ساخته شده»، صفت مفعولی گذشته از -kar.
duškartam فاعلی مفرد خنثی DSe 31f; XPh 42.

**draug-** فعل، نگاه کنید به -duruj و -drauga.

**drauga-** اسم «دروغ»، نیروی شرور در تقابل با اهورامزدا، یعنی همان druǰ اوستایی: اوستا -draoga، فارسی‌نو «دروغ[۱۵]»، سنسکریت -droha-, drògha «آسیب (ناشی از سوء نیست)»، هندواروپایی آغازین -dhrougho*، مقایسه شود با آلمانی نو Trug «فریبکاری»، در فارسی‌باستان -duruj-, draujana-, draujīya (§70,§76.III, §101, §103.IV, §106, §122, §128, §132.2,3,§143.I, V)

۱۵. واجنویسی کنت drōγ که می‌باید بصورت durūγ واجنویسی می‌شد. در مورد واج /ō/ نگاه کنید به یادداشت -kaufa

drauga فاعلی مفرد مذکر DB 1.34, 4.34; DPd 20.
dra[uga]m مفعولی صریح مفرد مذکر DB 4.43.
draugā ازی مفرد مذکر DB 4.37; DPd 17f.

**draujana-** صفت «دروغزن»، یعنی «پیرو دروغ»: مشتق از -drauga (§101,§132.2, §147.II) مقایسه شود با اوستای گاهانی -drəgvant «پیرو دروج» (Hz. ApI 140-1).
draujana فاعلی مفرد مذکر DB 4.38, 63, 68.
draujanam مفعولی صریح مفرد مذکر DNb 12.

**[drau]jīyāhy** DB 4.43 ، قرائت و بازسازی غلط، نگاه کنید به یادداشت مربوطه در عبارت مذکور؛ Cam. JCS 5.51.

**drayah-** اسم «دریا»: اوستا -zrayah ، فارسی‌نو «دریا»، سنسکریت -jráyas «گستره»، هندواروپایی آغازین -*greios (§88, §113, §128, §156.II). صرف §185.I. نیز نگاه کنید به -paradraya.
draya مفعولی صریح مفرد خنثی DB 5.23; DPe 15; DZc 10.
drayahyā دری مفرد خنثی (§136,§251A; به غلط در حالت وابستگی → Hz. ApI 141-3) DB 1.15, DPe 14, DSe 28°;
drayahiyā (§27) XPh 23.

**naiy** قید «نَه»: اوستا nōit ، پهلوی nē ، سنسکریت ned؛ از هندواروپایی آغازین *ne ، سنسکریت na ، لاتین ne-scio «من نمیدانم»، بعلاوه *id ، حالت مفعولی صریح مفرد خنثی ضمیر -i ، لاتین id ، فارسی‌باستان id-am ، و غیره (§69, §84, §191.I, §291.II, §292a).
DB 1.32°, 48, 49 ter, 52, 53, 71, 91°; 2.21, 24, 31, 51, 84; 3.15, 86; 4.44,47 bis, 51, 55, 58, 63 bis, 63f, 64, 65 bis; 5.16, 31; DPd 11; DNb 7f, 12, 13, 21, 23, 36. 40; DSe 36, 40 bis, 43°; DSj 3; XV 22. nai-maiy (§136) DB 4.64. nai-mā DNb 8, 10, 19.nai pati-mā (§133) DNb 20. nai-šim DB 4.49.naiy diš (§136) DB 4.73, 78.

**naibā** صفت «زیبا، (از نظر دینی) خوب»، جایگزین اوستای گاهانی -vahu «خوب» و متضاد -duškarta (Hz. AMI 8.68, ApI 266-7) : فارسی نو «نیو»(۱۶) = شجاع، نیک» ایرانی باستان nōib «مقدس» (§11, §143.III)، مقایسه شود با Walde-Hofmann LEW³ نگاه کنید به مدخل nitēō.

naibā فاعلی مفرد مونث DPd 8.

naibam فاعلی مفرد خنثی XPa 13,16;XPg 4;XV 20,

naibam مفعولی صریح مفرد خنثی DSe 32°; DSi 4°; DSp 2f°; XPh 43,

**naucaina-** صفت «از چوب کاج»: فارسی نو «نوژ»(۱۷)، نوژان «میوه کاج»؛ بدین ترتیب -naucaina «شکل میوه کاج» (§147.III)، مربوط به چوب کاج (König, Burgbau 53-4; Hz. AMI 3.58)

naucaina فاعلی مفرد مذکر DSf 30f.

**naθ-** «تباه کردن»، وجه سببی (§123.2, §215) «آسیب زدن، ویران کردن»: اوستا -nas، سنسکریت -naŝ یونانی νεκυς «جسد»، لاتین، حالت مفعولی صریح nec-em «ویرانی»، nocet «آسیب می‌رساند»، هندواروپایی آغازین -nek* (§87).

vi + naθ - «آسیب رساندن، صدمه زدن» وجه سببی: vināθayatiy (§215) DNb 17f.

viyanāθaya ماضی استمراری (§122, §123.2, §215) DB 4.66.

vināθayāⁿtiy التزامی سوم شخص جمع (§222.II, §232.I) A²Sa 5°, A²Ha7° (نظر کنت).

vināθayaiš وجه تمنایی (§215,§223.II, §228.III) DNb 20, 21.

vinastahyā صفت مفعولی گذشته بعنوان اسم، وابستگی مفرد خنثی (§93, §122, §242.II) DNb 18.

---

۱۶. واجنویسی کنت nēv است که باید بصورت nīv واجنویسی می‌شد. در مورد واج /ē/ نگاه کنید به یادداشت -darga.

۱۷. نوج، نوچ؛ نگاه کنید به فرهنگ فارسی انگلیسی استینگاس، زیر مدخل مربوطه. کنت این واژه را بصورت nōž و nōžān واجنویسی کرده است که باید بصورت nūž و nūžān واجنویسی می‌شد. در مورد واج /ō/ نگاه کنید به یادداشت -kaufa.

**nadi$^n$tabaira-** اسم «ندیت ببیر»، شورشی بابلی: عیلامی nu-ti-ut-be-ul، اکدی ni-din-tù- $^{ilu}$bēl (§75.V, §76.V, §107).

naditabaira فاعلی مفرد مذکر DB 1.77, 92f; 21; 4.12; DBd 1.
naditabairam مفعولی صریح مفرد مذکر DB 1.80, 84; 2.4, 5.
naditabairahyā وابستگی مفرد مذکر DB 1.85, 89, 95.

**napāt-** اسم «نوه»: اوستا، سنسکریت -napāt، لاتین nepōs، هندواروپایی آغازین *nepōt- (§75.I, §110, §142).

napā فاعلی مفرد مذکر (§124.5, §188.I) AmH 4; DB 1.3; DBa 4; A$^1$Pa 16°.

**nabukudracara-** اسم «بخت‌النصر»، پسر نبونید؛ نامی که از سوی دو شورشی یعنی «ندیت ببیر» و «ارخَ» بکار رفته است: عیلامی nab-ku-tur-ra-sir، اکدی nabū-kudurri-uṣur (§32,§33,§75.V, §128, §163. VI).

nabukudracara فاعلی مفرد مذکر DB 3.80f, 89; 4.14 29f; DBd 3f; نوشته شده بصورت → Nabukuracara (§52.VI) DBi 5f. Nabuk$^u$dracara (§22) DB 1.78f, 84, 93.

**nabunaita-** اسم «نبونید»، آخرین شاه امپراتوری بابل نو ۵۵۶-۵۳۹ پیش از میلاد: عیلامی na-bu-ni-da، اکدی nabū-na'id؛ یونانی Λαβύνητος (Hdt.1.74,).

nabunaitahyā وابستگی مفرد مذکر DB 1.79. Nabunaitahya (§36. IVb) DB 3.81; 4.14, 30; DBd 5f; DBi 7f.

**nāman-** اسم «نام»: اوستا -nāman، فارسی نو «نام»، سنسکریت -nāman لاتین nōmen، هندواروپایی آغازین -*nōmen، مقایسه شود با یونانی ὄνομα، انگلیسی نو name (§109, §110, §155.III). نیز نگاه کنید به -anāmaka.

nāma$^n$ اسمی بدون پسوند، در حالت دری مفرد خنثی که با اسامی عام مذکر و خنثی جهت اشاره به ویژگی آنها بکار می‌رود (§112, §187, §251C, §312): DB 1.28, 30, 36, 37, 74, 77, 92; 2.8f, 9, 14°, 19, 22, 29, 33, 49, 65, 79, 82, 95; 3.5, 12, 13, 22 bis, 31, 34, 44,

51, 56, 78, 84; 4.8, 10, 12f, 15f, 18, 20, 23, 26, 29, 83 bis, 84 bis, 85, 86°; 5.5, 8, 27; DSe 45°; DSf 31, 46; DZc 9; XPf 18, 19; $A^2$Hc 14f; $A^3$Pa 19, 20; Sa 2f.

**nāmā** یا در حالت مفعولی صریح مفرد خنثی *nāmă و یا در حالت دری مفرد خنثی $nāmā^n$ (با درجه بلند)، به سبب تشابه پایانه، ویژه همان کاربرد با اسامی عام مونث (§67.II, §187, §249L, §312 ؛ مقایسه شود با Tm. Lex. 105، با صورت تحت‌اللفظی؛ نه با Foy, KZ 35.11 37.505, IF 12.172n و نه با Debrunner, IF 52.153):

DB 1.58, 58f; 2.27f, 39, 44, 53, 59, 72;3.11, 23, 61, 66, 72, 79; 5.4.

**nay-** فعل «راهنمایی کردن»: اوستا nayeiti، سنسکریت náyati، ساخت افعال §213.

anaya ماضی استمراری DB 2.88; 3.88°; 5.12.

[a]$naya^n$ ماضی استمراری سوم شخص جمع (§232.II) DB 5.28.

anayatā ماضی استمراری میانه بعنوان مجهول (§235.II) DB 1.82, 2.73; 5.26°.

پاره‌ای و یا تمام این صورت‌ها احتمالاً از ānay، یعنی از ā بعلاوه -nay ساخته شده‌اند.

fra- + nay «پیش راندن، تدارک کردن»: frānayam ماضی استمراری اول شخص مفرد (§226.II) DB 1.87.

**nar-** اسم «مرد»: اوستا، سنسکریت -nar، یونانی *ἀνήρ*، مقایسه شود با لاتین Ner-ō؛ در -ūv-nara (§142).

**nāv-** اسم «ناو»: سنسکریت nāus، یونانی *ναῦς*، لاتین nāv-is، هندواروپایی آغازین *nāv- (§142). نیز نگاه کنید به -nāviyā.

[nāva] فاعلی جمع مونث (§183.IV) DZc 11 (ارائه شده از سوی → Tm. Lex. 52).

**navama-** صفت «نهم»: اوستا -naoma، سنسکریت ـ navamá، آریایی آغازین

-navama، بازسازی شده از هندواروپایی آغازین -neueno* پس از آریایی آغازین -dasama «دهم» (§149.II, §204.IV)، مقایسه شود با لاتین nōnus.
navama فاعلی مفرد مذکر DB 1.10; DBa 16f.

**A** **-nāviyā** صفت مونث بعنوان اسم «ناورو»، یعنی «جریان آبی که گذر از آن بصورت پیاده امکان‌پذیر نباشد»: اوستا -nāvaya «ناورو»، سنسکریت -navyá، صفت برپایه -nāv «ناو» (§144.V). به احتمال بسیار ضعیف، اسم جمع، «مجموعه‌ای از ناوها، ناوتیپ»، و قطعاً نه در حالت دری مفرد مونث برپایه -nāv، «سوار در ناو»؛ مقایسه شود با König, RuID 70-1 و بویژه با kent JAOS 62.269-71 و نیز 63.67، (با صورت تحت‌اللفظی)
nāviyā فاعلی مفرد مونث DB 1.86.

**-nāh** اسم «بینی»: اوستا -nāh، سنسکریت -nās، لاتین nārēs، انگلیسی نو nose، هندواروپایی آغازین -nās* (§110, §142).
nāham مفعولی صریح مفرد مذکر (§118.I,§185.IV) DB 2.74,88f.

**-ni** حرف (اضافه) پیشایند و پیشوند فعلی (پایین): اوستا nī، سنسکریت -ni هندواروپایی آغازین ni* در قید nipadiy و با فعل‌های ,-ar-,kan-,cay-, pai$\theta$ .yam-,stā-, had-

**-nij** پیشوند فعلی «دور»: ساخت سندهی از صورت هندواروپایی آغازین -nis* پیش از آواهای انسدادی واکدار، که تعمیم یافته است، مقایسه شود با اوستا -niš، سنسکریت -nis (§120)؛ با فعل -ay «رفتن».

**-nipadiy** قید مرکب و حرف (اضافه) پیشایند «بدنبالِ، درپیِ»: حرف (اضافه) پیشایند -ni بعلاوه حالت دری padiy برپایه -pad «پا»(§76.III, §136, §140, §191.IV)
nipadiy قید DB 2.73; حرف (اضافه) پیشایند با حالت مفعولی صریح DB 3.73.

**[nip]iš[tiyā]** DB 4.90، بازسازی اشتباه Kent, JAOS 62.268، پس از قرائت KT؛

صورت درست pa[t]iša[m]، حالت مفعولی صریح، از نظر Cam. JCS 5.52.

**A** **niyāka-** اسم «نیا»: اوستا -nyāka (§146.III)، مقایسه شود با -apaniyāka.
[ni]yāka فاعلی مفرد مذکر DSf 13;
[n^a^yā]kama (§22; برای → -kam-maiy §41, §52.I, §130, §138.I) مفعولی صریح مفرد مذکر $A^2$Sa 4.

**niyašādayam** نگاه کنید به -had.

**nisāya-** اسم «نیسایَ»، ناحیه‌ای در ماد: عیلامی nu-iš-šá-ia، اکدی ni-is-sa-a-a (§116).
احتمالاً از -ni «پایین» بعلاوه -sāya، از ریشه اوستا -say , -si «فریب دادن، سنسکریت -śī، یونانی *κειται* «می‌فریبد»، هندواروپایی آغازین -*kei.

nisāya فاعلی مفرد مذکر DB 1.58.

**nišādayam** نگاه کنید به -had.

**nūram** قید «اکنون»: اوستا nūrəm؛ از هندواروپایی آغازین *nū «اکنون» (اوستا nū، سنسکریت nū، لاتین nu-nc، انگلیسی‌نو now) بعلاوه بخش پایانی (آریایی آغازین) *dūram «طولانی» (§148.I)، مقایسه شود با dūraiy.
DB 4.53.

**Pā** فعل «پاییدن»: اوستا، مضارع pāiti، پهلوی pātan، سنسکریت -pā، مضارع pāti «گردش واکه §122). نیز نگاه کنید به -xšaçapāvan.
apayaiy ماضی استمراری میانه اول شخص مفرد
(Bv. BSLP33.2.151-2; Kent, Lg. 9.42; §71, §214, §233.III؛ به اشتباه برپایه سنسکریت -PĪ «بالا آمدن»، wb.ZfA 41.320-1).
XPf 39.
pādiy امر دوم شخص مفرد (§208, §237.I) DPe 21f. pātuv (§208,

§237.II) AsH 12, 14; DPd 16; DPh 10; DNa 52; DSe 50; DSf 57; DSj 6°; DSn 2°; DSs 7°; DSt 8°;DH 8; XPa 18, 20; XPb 28; XPc 12, 15; XPd 18; XPf 45, 48; XPg 13; XPh 57; XSc 5°; XV 25f; $A^1$Pa 22f; $D^2$Sa 3; $A^2$Hb°; $A^2$Hc 19.

pā$^n$tuv امر سوم شخص جمع (§237.II) $A^2$Sa 5°; $A^2$Sd 4; $A^2$Ha 6°; $A^3$Pa 25.

pāta صفت مفعولی گذشته، فاعلی مفرد مذکر (§242.II)DPe 22.

pati- +pā- میانه «خود را در برابر...پاییدن» بعلاوه حالت ازی، hacā با :patipayauvā (امر، میانه دوم شخص مفرد نه اشتباه نوشتار علیرغم §28; MBGr.§69) (§71,§214,§237.III)DB 4.38.

**pai$\theta$-** فعل «بریدن، حک کردن، تزئین کردن»: اوستا -paēsa «تزئین»، سنسکریت pišáti «می‌بُرد، تزئین می‌کند». یونانی ποικιλος «متنوع»، سلتی و ساکسونی کهن pĭsati «نوشتن»، هندواروپایی آغازین -peik*، مقایسه شود با لاتین pingit «گلدوزی می‌کند، نقاشی می‌کند» (Wb.AfOF 7.42). نیز مقایسه شود با .paišiyā-uvādā-

api$\theta$a ماضی استمراری سوم شخص جمع DSf 54 (§211; مقایسه شود با → köing, Burgbau 72).

[p]ištā صفت مفعولی گذشته، فاعلی مفرد مونث (§242.1)DSf 42 (BV.BSLP 30.1.63;könig,Burgbau 71 نه [d]ištā؛ از نظر HZ.ApI 121-5).

نه api$\theta$iya DB 4.91 ؛ و نه pisā DB 5.24 (نگاه کنید به مدخل مربوطه).

ni - + pai$\theta$- «حک کردن، کتیبه نوشتن»: niyapaišam ماضی اول شخص مفرد (§92, §102, §130, §218.I, §226.II) DB 4.71.

niyapi[$\theta$]i[ya] ماضی استمراری مجهول DB 4.91 (Hinz; Kent JAOS 72.14-5).

nipaištanaiy مصدر (§93, §122, 238) XV 24f.

nipištām صفت مفعولی گذشته، مفعولی صریح مفرد مونث (§93) XV 22f.

nipištā فاعلی جمع مونث XPh 31.

nipištam فاعلی مفرد خنثی (§122) DB 4.47, 47f; DNb 57°; DSe 52.

**paišiyā** حرف (اضافه) پیشایند با حالت مفعولی صریح (§269) «در حضور، پیشِ» (نیز Hinz, ZDMG 102.37، پس از عیلامی): فارسی نو «پیش»[۱۸]؛ *pati-ā (§80, §127) از patiy بعلاوه ā (نگاه کنید زیر مدخل‌های مربوطه).
DB 4.91.

**paišiyā$^{h}$uvādā** اسم «پاسارگاد»: اکدی pi-ši-'ḫu-ma-du. از نظر Justi, IFA 17.107 احتمالاً «پاسارگاد»، از paišiyā «نوشتار» بعلاوه $^{h}$uvādā «مکان» (§72,§89,§126,§127,§142,§160,§166.I) : «محل آرشیوها و نوشته‌های مقدس» (در مورد پاسارگاد، نیز مقایسه شود با König,RuID 66 ؛ اما Hz. ApI 275-6، ضمن تغییر و اصلاح نظر خود در AMI 186n، بخش مقدم واژه را -pati پنداشته که آنگاه -pati با توارد آوایی به -paši تغییر یافته است؛ Bthl. AiW 907-8 آنرا پس از صورت اکدی، به شکل -piši عادی سازی کرده است، ولی هیچگونه ریشه‌شناسی ارائه نمی‌دهد).
paišiyāuvādām مفعولی صریح مفرد مونث DB 3.42.
paiši[yā]uvādāyā ازی مفرد مونث DB 1.36f.

**pa[camām]** صفت «پنجمین»، در حالت مفعولی صریح مفرد مونث؛ بازسازی غلط Wb در DB 5.3 (مقایسه شود با Kent, JNES 2.109).

**pat-** فعل «پرواز کردن»: اوستا pat-aiti، سنسکریت pát-ati، یونانی *πετεται* لاتین petit «جستجو می‌کند»، هندواروپایی آغازین *pet-.
ud- +pat- «برخاستن، شورش کردن» (مقایسه شود با → Bv. TPS 1945.64-66):
udapatatā ماضی استمراری میانه (§84, §213, §235.II) DB 1.36, 38, 74, 78; 2.10, 14f; 3.24, 79.

---

۱۸. واجنویسی کنت: pēš که باید بصورت pīš واجنویسی می‌شد. در مورد واج /ē/ نگاه کنید به یادداشت darga-.

**patiy** قید، حرف (اضافه) پیشایند، پیشوند (§140.I, §191.I): اوستا paiti، یونانی (صورت گویشی) *ποτι* هندواروپایی آغازین *poti، مقایسه شود با هندواروپایی آغازین *proti در سنسکریت práti، یونانی هومری *προτι* کلاسیک *πρòs* (مقایسه شود با Lg.20.9-10).

۱) قید «بعلاوه، دوباره»: DB 2.37, 43, 57; 3.64, 77. pati-maiy (§136) DNb 32f. nai-pati-mā (§133, §136) DNb 20. yadi-patiy (§136) DNa 38. tya-patiy XPa 15; XPf 40f.

۲) حرف (اضافه) پیشایند (§271) با حالت مفعولی صریح «برابرِ»: DNb 22 (Hz. ApI 273 آنرا بصورت par[s]aiy «در دادگاه»، اسم از ریشه -fraθ نگاه کنید به مدخل مربوط، قرائت می‌کند)

«علیه»، حرف (اضافه) پسایند DB 2.62.

از ادات پی‌چسب با حالت مفعولی صریح «در زمان» DB 1.20 (§133, §136)

حالت بایی «نزدیک، در» DB 2.16°, 3.26;

با حالت دری «در» DB 2.76, 91; 3.52, 92.

Bv. BSLP 42.2.70 تمام این موارد را به جز DB 2.62, DNb 22 قید می‌پندارد.

۳) پیشوند با فعل‌های → ay-, xšay-, jan-, pā-, fraθ-, ā-bar-, zbā-; بخش مقدم در اسم‌های patikara-, patigrabanā-، شاید pātišuvari- و نیز paišiyāuvādā، و همچنین در قید مرکب patipadam؛ نیز مقایسه شود با patiš, patišam.

**patikara-** اسم «پیکر، صورت (حجاری شده)»: پهلوی patkar، فارسی‌نو «پیکر»؛ pati- بعلاوه kara- از ریشه kar- (§143.V).

patikaram مفعولی صریح مفرد مذکر DB 4.90; DSn 1°.
patikarā مفعولی صریح جمع مذکر DB 4.71, 73, 77; DNa 41.

**patigrabanā-** اسم «پَتی‌گربنَا»، شهری در پارت: عیلامی pat-ti-ig-ráb-ba-na؛ از pati- بعلاوه ریشه grab- بعلاوه پسوند (§33,§103.IV,§147.I).
patigrabanā فاعلی مفرد مونث DB 3.4f.

**patipadam** قید مرکب (§191.IV) «در جای خود»: -pati(§136,§140.I) بعلاوه صورت مفعولی صریح padam (نگاه کنید به -pada؛ §122 ,§76.III).
DB 1.62.

**patiš** حرف (اضافه) پیشایند با حالت مفعولی صریح «علیه»: -pati بعلاوه قید -s، مقایسه شود با لاتین ops-,abs,ex در sups-,os-tendō در sus-tineō ، سنسکریت ni و nis، یونانی ἀπὸ ἄψ, ἀμφι ἀμφις. نیز نگاه کنید به patišam.
DB 1.93; 2.33,38, 43f, 52f, 58, 67; 3.36, 43, 65.

**patišam** قید «بعلاوه»: گسترش patiš، برای ساخت مقایسه شود با اوسکی per-um «بدون»، برپایه (لاتین) per، و برای معنی با یونانی πρὸs δε «و علاوه بر این»، لاتین atque از ad-que* «و بعلاوه» (فارسی‌باستان patiy، یونانی πρὸs لاتین ad که در نشان دادن چیزی بعنوان افزایش هم سو هستند).
patišam DB 4.89; 4.90 (König, Klotho 4,45; Kent, JAOS 62.267-8); patišamaiy DB 4.90 (=patišam-maiy, Kent JAOS 72.14, از قرائت کامرون ؛ §138.I مقایسه شود با).

**pātišʰuvari-** صفت «مربوط به پتی شوَرِی» (§167): عیلامی ba-ut-ti-iš-mar-ri-iš، اکدی pa-id-di-š-ḫu-ri-iš، یونانی (جمع) πατεισχορεῖs احتمالاً آریایی آغازین -pati* با ویژگی vriddhi(126 §)، بعلاوه -suāra* «(از دشت) مقابل کوه‌های hvara» (§117)، با ترکیب (§140.VI) ساخت‌های سندهی (نیز Hz. ApI 183-4)، که به ă ما قبل آخر در فارسی‌باستان بی‌توجه است).
pātišuvariš فاعلی مفرد مذکر DNc 1.

**paθi-** اسم «راه،مسیر» (§76.II,§152.I,§179.III): اوستا -paθ- paθā، سنسکریت -panthan- path.
paθim مفعولی صریح مفرد مونث DNa 58.

**pad-** اسم «پا»: اوستا، سنسکریت -pad، یونانی -ποδ لاتین -ped (§142)؛ در

nipadiy، نیز مقایسه شود با -pada-, pāda-,pasti.

**pada-** اسم «جایگاه، گام»: اوستا -paδa «پا (در معیار اندازه)»، سنسکریت -padá «پا، قدم، جا»، یونانی πεδον «زمین»؛ گسترش -pad (§143.II). در patipadam؛ -garmapada, نیز نگاه کنید به -pāda-, pad.

**pāda-** اسم «پا»: اوستای متاخر -pāδa «قدم، گام»، سنسکریت -pāda «پا»؛ گوتیک -fōtu، گسترش بن هندواروپایی آغازین *pōd-s، مفعولی صریح *pōd-m̥، موجود در یونانی دُری πώs(§76.III, §122, §126, §143.II). نیز مقایسه شود با -pada-, pad.

pādaibiyā بایی تثنیه مذکر (§189) DNb 41.

**par-** فعل «انتقال دادن» :اوستا -[4]par «از میان،از موضوعی به موضوعی پرداختن» (Bthl. AiW 851) یونانی Πειρω «من (باسیخ) سوراخ می‌کنم»، گوتیک faran «سفر کردن».

parta[mtaiy] صفت مفعولی گذشته، فاعلی مفرد خنثی (§242.I) DNb 54 (نظر غیر قطعی Kent, Lg. 15.167, 173-4).

**[1]para-** صفت «پیشین»، احتمالاً در hyāparam (نگاه کنید به مدخل مربوطه): اوستا -para «پیشتر»، سنسکریت -pára «دور»، یونانی περāν «ماوراء».

**[2]para** حرف (اضافه) پیشایند با حالت مفعولی صریح «ماوراء» (§32, §63.I): اوستا parō «پیش»، سنسکریت purás «پیش»، یونانی πάρος «پیش»؛

DPe 15, DPh 5, DH 4f; [pa]raši[m] DB 5.24 (نظر kent).

نگاه کنید به paradayadām, paradraya.

**parā** حرف (اضافه)پسایند با حالت مفعولی صریح «پیش»، و نیز پیشوند فعلی «پیش» (§132.3): اوستا [2]parā «پیش»، سنسکریت purā «پیش، قبلاً»، یونانی παρά «کنار»؛ در avaparā و با -gam-, bar-,ay-,ar.

**parauvaiy** حالت دری مفرد خنثی بعنوان اسم «در شرق»:

$p^ar^au[v^a]iy^a$ DPe 15

قرائت اشتباه برای $p^ar^a$: $d^ar^ay^a$ (فاصله نانوشته میان $r^a$ و $y^a$) = para:dra ya؛ نگاه کنید به paradraya.

**paradayadām** اسم، در حالت مفعولی صریح مفرد مونث، احتمالاً «خلوتگاه خوشایند» ، (§55.II, §143.IV) :$A^2Sd$ 3. احتمالاً قرائت اشتباه $p^ar^ad^ay^ad^aam^a$ بجای $p^ar^aid^aid^am^a$ برابر با paridaidam، اوستا pairidaēza- «حصار کشی، دیوار کشیدن» (Bthl. AiW 865)، وامواژه در یونانی παράδεισος (پارک)، مقایسه شود با JAOS 51.229 و یا بجای $p^ar^ad^iid^aam^a$ برابر با paradidām، از $^2$para «ماوراء» بعلاوه -didā «دیوار» (نگاه کنید به مدخل مربوطه)، در معنی «آنچه که ماوراء یا پشت دیوار است» (مقایسه شود با Scheil 21.93;Bv.BSLP 30.1.67 $j^i$vadiy paradayadām «بهشت زندگی»).

**paradraya-** قید مرکب «آنسوی دریا» (§44,§191.IV): $^2$para «ماوراء» بعلاوه draya «دریا» در حالت مفعولی صریح.

DNa 28f; DSe 29°; XPh 24. paradraiya (§48) A?P 24 (Hz. ApI 142). بعنوان دو واژه جدا para draya DPe 15 (Cameron, JNES 2.307-8).

**parana-** صفت «پیشین»: مشتق (§147.II) از بن فارسی‌باستان $^2$para , parā (مقایسه شود با Bthl. AiW 854)، اوستا $^2$parā , parō، سنسکریت purā «قبلاً» (بدشواری باید از صورت گوتیک falrneis «کهن» به شکل parna- عادی سازی شده باشد، همانگونه که MB Gr. §267 پنداشته است). نیز نگاه کنید به duvitāparanam.

paranam مفعولی مفرد خنثی بعنوان قید «قبلاً» DB 1.51, $D^2Sb$ 3.

**pariy** حرف (اضافه) پیشایند و پیشوند «دور، پیرامون»: اوستا pairi، سنسکریت pári، یونانی περί لاتین per «از میان»، هندواروپایی آغازین *peri

(§64, §75.I,§113,§140.I). حرف (اضافه) پیشایند با حالت مفعولی صریح «دربارهٔ» DB 1.54. پیشوند با -bar، -ay؛ نیز مقایسه شود با -pariyana.

**pariyana-** اسم «برتری»: مشتق (§147.II) از pariy از نظر معنایی برابر با اوستا pairi «دربارهٔ...، پیش»، سنسکریت pári بعنوان پیشوند «زیاد، بسیار»، مقایسه شود با یونانی περισσὸς «زیاد از حد» (بصورتی دیگر Hz. ApI 273,Sen 250).
pariyanam فاعلی مفرد خنثی DNb 52.

**paru-** صفت «زیاد، بسیار»: اوستا -pouru، سنسکریت -purù، یونانی πολὺs گوتیک filu، هندواروپایی آغازین -*p̥lu (§63.I, §107). نیز نگاه کنید به -paruzana.
paruv فاعلی مفرد خنثی (§114,§127,§140.I)DB 4.49; DSf 56 bis.
parūnām وابستگی جمع مذکر DSf 4,5; DE 9, 10; XPa 5 bis; XPb 9, 10; XPc 4f, 5; XPd 6f, 7f; XPf 6, 7; XPh 5, 6; XE 9f, 11; XV 7,8; A[1]Pa 7°,8°; A[2]Hc 6 bis.
parūnām وابستگی جمع مونث DPe 4.
679
parūvnām (§23.II) وابستگی جمع مذکر DNa 6,7; DSe 6,7; A[3]Pa 6,7.

**paruva-** صفت «در زمان و مکان پیش بودن» (§35.II): اوستا -paurva، سنسکریت -pūrva، هندواروپایی آغازین *pr̄uos (§68,§150)، مقایسه شود با یونانی ایونی πρωιos «زود». نیز نگاه کنید به paruviyata, paruviyaθā.
paruvā فاعلی جمع مذکر «پیشین» DB 4.51
paruvnām مفعولی صریح مفرد خنثی بعنوان قید DB 1.9; DBa 15f; DSe 43°, 47; XPh 36, 39; paruvam-ciy DB 1.63,67,69.

**paruviyata-** قید با تقدم hacā «از دیرگاهان»: -*paruviya (همان -*parvya)، مشتق از -paruva)، اوستا -paouruya، سنسکریت -pūrvyá بعلاوه پسوند قیدی -tah، اوستا -tō، سنسکریت -tas، یونانی -τos، لاتین -tus همانگونه که در funditus،

وجـود دارد، هـندواروپـایی آغـازین tos*-(§191.II). نیز مـقایسه شـود بـا paruviyaθā.

DB 1.7,8, 45; DBa 11,12.

**[paruv]iyaθā** قید «در بار اول»: -paruviya* (نگاه کـنید بـه paruviyata) بـعلاوه پسوند قیدی θā-، اوستا θa-، سنسکریت thā-(§191.II).DSj[3].
(نظر Brandensten, WZKM 39.49-51؛ مقایسه شود با یادداشت عبارت مربوطه)

**paruzana-** صفت «پر جمعیت، یا دارای انواع مردم («دارای مردمی با تمام زبان‌ها» Wb. ZfA 44.165 پس از اکـدی): -paru «بسـیار» بـعلاوه -zana «انسـان» (§9.III,§88,§120,§161.IIa).
paruzanānām(§140.I) وابستگی جمع مونث.DE 15f; XE 15f; A[1]Pa 12°. paruvzanānām (§23.II) XPb 15f; XPd 11. paruvzanānām (§23.II,§44) XPa 8; XPc 7; XPf 11; XPh 9; XV 12.

**parga-** اسم «پرگ»، کوهی در پارس: عیلامی -par-rak-qa، فارسی‌نو «پورگ» (§30).
parga فاعلی مفرد مذکر DB 3.44.

**partara-** اسم «نبرد» (همانند تحریرهای عیلامی واکدی): گستره بن مختوم به -r/n- (§30,§148.I,§154.I)، مقایسه شود بـا اوسـتا -pəšana «نـبرد»، سـنسکریت -pṛtana «نـبرد، سپاه»، بـرپایه ریشـه اوسـتا pərət-ənte «آنـها مـی‌جنگند» (Bv. TPS 1945.63-4؛ نه اسم فـاعل «جـنگجو، دشـمن» چـنانکه از سـوی Wb.KIA 90-1, Bv. Gr. §277 اختیار شده؛ ونه -paratara «دشمن» از نظر Wackernagel, KZ 59.29-30، بگونه‌ای که با [سنسکریت] -pára «دور» = ریگ‌ودا «دشمن» قیاس می‌شود).
partaram مفعولی صریح مفرد خنثی DNa 47.

**parθava-** (§29.n2, §31) صفت «پارتی»، نیز در حالت مذکر بعنوان اسم «(پارت»)، ایالتی از امپراتـوری ایـران: عـیلامی par-tu-ma، اکـدی pa-ar-tu-ù، یـونانی

$\Pi\alpha\rho\theta\iota\bar{a}$. گستره (§150) بنی که با ویژگی vriddhi بصورت -pārsa دیده می‌شود، اما با تفاوت گویشی مختوم به θ/s (§9.VI, §87).

۱) «پارتی»: parθava فاعلی مفرد مذکر DN iv; A?P 4.
parθavaibiš بایی جمع مذکر DB 2.96.

۲) «پارت»: parθava فاعلی مفرد مذکر DB 1.16;2.7,92; DPe 15; DNa 22; DSe 21°; DSm 8°; XPh 20.
parθavaiy دری مفرد مذکر DB 2.94°,96°;3.5, 10.

**parna-** نگاه کنید به -duvitāparanam, parana.

[1]**parsa-** فعل، نگاه کنید به -fraθ.

[2]**parsa-** اسم «دادگاه»، تنها در Hz. ApI 273؛ برای قرائتش بصورت par[r]saiy در حالت دری مفرد مذکر DNb 22، نگاه کنید زیر مدخل patiy.

**pārsa-** صفت «پارسی»؛ نیز در حالت مذکر بعنوان اسم، «پارس»، ایالتی از امپراتوری ایران: عیلامی par-šíp، اکدی pa-ar-su، یونانی $\Pi\epsilon\rho\sigma\iota\bar{a}$ ، $\Pi\epsilon\rho\sigma\eta s$ (§9.VI,§87, §126, §143.III). نیز نگاه کنید به -parθava.

۱) «پارسی». pārsa فاعلی مفرد مذکر DB 1.49; 2.18, 19, 49; 3.13, 26, 31, 32, 56, 84; 4.16, 26, 83, 84 bis, 85 bis, 86; 5.8; DPe 22; DNa 13, 46; DN i; DSe 12f; DZc 7; XPh 12; A?P 1.
pārsam مفعولی صریح مفرد مذکر DB 2.81; 3.2, 29f; DPe 21.
pārsahyā وابستگی مفرد مذکر DNa 13f, 43; DSe 13; XPh 12.
pārsā بایی مفرد مذکر DPe 8.

۲) «پارس»: pārsa فاعلی مفرد مذکر AsH3 (بجای حالت دری §52.I); DB 1.14, 41; 2.7; DPd 6f; DSm 6°.
pārsam مفعولی صریح مفرد مذکر AsH 8f; DB 1.46; 3.33, 34; 4.9, 28; DZc 12. Pārsam-cā DB 1.66.
pārsā بایی مفرد مذکر XPa 14

(در اینجا برابر است با «پرسپولیس»، بنابر نظر کامرون، باعتبار نص؛ (§166,§166.I).
pārsā ازی مفرد مذکر DNa 18,46f;DSe 17°; DZc 7f, 10; XPh 16.
pārsā بجای حالت دری مفرد مذکر AmH2
§56.V, §314b) صورت اشتباه Hz. AMI 4.132-4, 8.17-9، بعنوان حالت بایی صورت گسترش یافته)؛ بجای فاعلی مفرد مذکر AmH5 (§53؛ نه صفت در حالت فاعلی مفرد مونث از نظر Hz. AMI 8.20-1, 34).
pārsaiy دری مفرد مذکر DB 1.2,34;2.9°;3.23,24,28,34,52,53,77;DBa 2.

**pavastā-** اسم «الواح گلین» (Bv. BSLP 47.1.40-9): پهلوی pōst «پوست درخت، پوست»، فارسی‌نو «پوست[۱۹]».

pavastāyā دری مفرد مونث DB 4.89f. **A**

**pasā-** حرف (اضافه) پیشایند «بعد از»، همراه با حالت مفعولی صریح و وابستگی (Bv. BSLP 33.2.153; Kent, JAOS 72.17): اوستا pasča، فارسی‌نو «پس»، سنسکریت paŝcā، حالت بایی مفرد خنثی برپایه بن موجود در لیتوانیایی (حالت برایی) قید و حرف (اضافه) پیشایند pāskui «پشت، پس از» (Foy, KZ 35.26)؛ هندواروپایی آغازین po* همانند لاتین po-liō,positus، یونانی á-πò بعلاوه sqᵘē*، حالت بایی برپایه اسم ـ ریشه از -seqᵘ* «بدنبال رفتن»، اوستا hacaite، سنسکریت sácate، یونانی *επεται* لاتین sequitur (§105; Uhdenbeck, Etym. Wtb.d. altind. Spr., s.v. paçcā).در pasā، s فارسی‌باستان بجای šc مادی، sč اوستا، از ŝc آریایی آغازین قرار گرفته است (Bv. Gr. §114; صورت دیگر ← Mt. Gr. §114). به احتمال بسیار ضعیف آریایی آغازین pas* (لیتوانیایی pás «در،بسوی») از همان po* بعلاوه s- قیدساز همانند فارسی‌باستان patiš بعلاوه cā- حالت بایی بن‌های مختوم به -añc-، بجای acā- (از ṇcā*-)از راه تاثیر صورت‌های مخفف شده‌ای همانند

---

۱۹. واجنویسی کنت: pōst، در حالیکه در فارسی‌نو باید بصورت pūst واجنویسی شود در مورد واج /ō/ نگاه کنید به یادداشت kaufa-

سنسکریت prācā(pra-acā*) برپایه -prāñc(-pra-añc*) «روبه جلو»، مقایسه شود با صورت قیاسی همانند در سنسکریت، قید nīcā «روبه پایین» (به جای ni-acā*) برپایه -nyañc. بدشواری از *pas (همانند فوق) بعلاوه ā- پس از متضاد خود parā «پیش» (Bthl. AiW 879).

A

pasā با حالت مفعولی صریح ;DB 3.32 با حالت وابستگی DB 5.22,XPf 31, و در pasāva (نگاه کنید به مدخل مربوطه).

pasāva قید مرکب (§191.IV) «سپس، پس از آن»:

pasā + ava حالت مفعولی صریح مفرد خنثی (§131).

DB 1.27, 30, 32, 33, 34°, 35f, 40, 43, 46, 54, 72, 73f, 75, 79, 82, 83, 86, 91, 94; 2.1, 3,4, 12, 16, 19, 21, 27, 31, 32, 47, 49°, 51, 52, 62, 64, 67, 71, 72, 81, 84f, 94; 3.1, 4, 9, 12f, 15, 20, 25, 29, 33, 36f, 41, 50, 59, 70, 73, 75, 81, 84, 86; 4.5, 35, 91; 5.3, 6, 9, 10f, 13, 21, 23, 25°, 29; DSe 48; DSf 25; DZc 10; XPh 36; XSc 3; XV 23; A[1]Pa 21°; D[2]Sb 4°. pasāva-šim DB 2.76, 90. pasāva-šaiy DB 2.88. pasāva-dim DNa 33. pasāva-maiy XPh 32.

**pasti-** اسم «سربازپیاده»: سنسکریت -pattí، از هندواروپایی آغازین -ped* «پا» (فارسی‌باستان -pad) بعلاوه -ti- (§85, §152.III; Wb.Grab 40, Hz.ApI 94-8).

pastiš فاعلی مفرد مذکر DNb 43.45.

**pitar-** اسم «پدر»: اوستا -pitar، فارسی‌نو «پدر»، سنسکریت -pitár، یونانی πατηρ لاتین pater، گوتیک fadar، هندواروپایی آغازین(§63.II, §75.I, §76.I, §154.II) -pəter*؛ نیز نگاه کنید به -hamapitar.

pitā فاعلی مفرد مذکر (§36.II, §124.5, §186.II) DB 1.4 bis, 5 bis, 6;2.93; DBa 5, 6, 6f, 7, 8; DSf 12, 58; XPa 15; XPc 12; XPf 16, 17, 19, 23, 31, 33, 42; XPg 7; XSa 2; XV 18; A[1]Pa 20f; D[2]Sb 4°.

piça وابستگی مفرد مذکر (§78, §124.5, §186.II) XPa 20; XPc 14; XPf 35, 38,47.

**pirāva-** اسم «نیل» (§75.V, §124.2, §166.VI): از مصری (قبطی) piero «رود

بزرگ» (G.Maspéro, Rec. Trav.9.153n; Bv.BSLP 47.1.39-40).
pirāva فاعلی مفرد مذکر DZc 9,
در عبارت نامگذاری، ساخت بی‌تسلسل بجای حالت ازی پس از hacā (§312.II). نه برپایه -piru «عاج»، مگر به استناد ریشه‌شناسی عامه.

**piru-** اسم «عاج»: اکدی pīlu، همراه با واموازه و واژه‌های خویشاوند در بسیاری از زبانهای آسیایی (Przyluski, BSLP 27.3.220-2; Scheil, Rev. d'Assyr. 24.120; Bv. BSLP 30.1.62; Köing, Burgbau 66; Hz. AMI 3.67-8)
piruš فاعلی مفرد مذکر DSf 43.

**piθ-** فعل نگاه کنید به -paiθ.

**pisā** DB 5.24 «با انبوه»: قرائت اشتباه KT، در حال حاضر توسط کامرون بصورت visā در حالت بایی مفرد مذکر اصلاح شده است، نگاه کنید به مدخل -visa.

paiša- یا **paiša** بن فعلی، نگاه کنید –paiθ.

**putāya-** صفت «اهل پوت، لیبیایی» (§75.V, §76.V, §144.III)؛ بصورت جمع، «لیبی»، ایالتی از امپراتوری ایران (Cameron,JNES 2.308-9): عیلامی pu-ù-ti-ia-ap، اکدی pu-u-ta (Lg. 13.299, 15.165).
putāya فاعلی مفرد مذکر A?P 27.
putāyā فاعلی جمع مذکر DNa 29f; DSc 29°; XPh 28.

**puça-** اسم «پسر»: اوستا -puθra، پهلوی اشکانی puhr، فارسی‌نو «پُس»، سنسکریت -putrá، اُسکی -puclo، هندواروپایی آغازین -putlo* (§64, §75.I,§78,§148.II).
puça فاعلی مفرد مذکر AmH3; AsH 4; CMb 2°; DB 1.3, 28, 39, 53, 74, 78, 79; 2.9; 3.25, 79, 81; 4.9, 14, 28, 30, 83, 84° bis, 85 bis, 86; DBa 3; DBb 6; DBd 6; DBh 7; DBi 8f; DPa 5; DPb; DPe 5; DPh 2; DNa 13, 14; DSa 2; DSb 10; DSc; DSd 2; DSe 12, 13; DSf 7;

DSg 2°; DSi 2°; DSj 2°; DSk 3; DSm 2°; DSy 3; DZb 5f; DZc 6; DE 20; DH 2; XPa 10; XPb 20; XPc 9; XPd 14; XPe 4; XPf 14; XPh 11, 12; XPj; XPk; XSc 2; XE 20; XV 15; A[1]Pa 15f; A[1]I bis; D[2]Sb 2°; A[2]Sa 1; 2 bis, 3 bis; A[2]Sb; A[2]Sc 0° bis; A[2]Sd 2; A[2]Ha 2°, 3, 3°, 4, 4°; A[2]Hc 10, 11, 12, 13f, 15; A[3]Pa 13, 14, 15, 16, 18, 19, 20; Wa 7; Wb 8; Wc 9; Wd 9; Sa 8°.

puçā فاعلی جمع مذکر XPf 28; بعنوان فاعلی مفرد مذکر A[2]Hb (Brd. WZKM 39.92 در حالت مفعولی صریح از نظر napā پس از -ā با §53).

**farnah-** اسم، نگاه کنید به -vidafarnah.

**fra-** پیشوند «پیش، جلو» (بعنوان حرف (اضافه) پیشایند در فارسی‌باستان یافته نشده است): اوستا frā، سنسکریت pra، یونانی πρò لاتین prŏ-fessus، گوتیک -fra، هندواروپایی آغازین pro* (§33, §61, §75.11, §106, §132.3). با افعال -aiš-,jan-,nay-,bar-,mā-, sā, stā-, haj؛ در اسم‌های -framātar-, framānā-, fravarti؛ در قید مرکب fraharavam؛ با پسوندها و گستره‌ها، در -fratama-, fratara-, fraθara-, fravata, fraša.

**fratama-** صفت «برجسته‌ترین»: -fra بعلاوه پسوند صفت عالی -tama-، اوستا -fratəma، سنسکریت -tama-(§190.III).

fratamā فاعلی جمع مذکر DB 1.57; 2.77; 3.48f, 51, 74, 90, 91.

**fratara-** صفت «نخستین، پیشتر»: -fra بعلاوه پسوند صفت برتر -tara-، اوستا -fratara، سنسکریت، قید pratarám، یونانی πρòτερos (§106, §190.III).

fratara فاعلی مفرد مذکر DNb 38

(Sen 249 بی‌جهت این واژه را صورت اشتباهی برای frataram می‌پندارد).

frataram مفعولی صریح مفرد خنثی XPg 11; قید «قبلاً»، DB 3.26, A[1]Pa 21.

**fratarta** DB 3.26، قرائت نادرست بجای frataram (کامرون).

**fraθ-** فعل «پرسیدن، بررسی کردن، رسیدگی کردن، کیفردادن»: اوستا -fras، سنسکریت -praś، لاتین precor، هندواروپایی آغازین -prek̑* با مضارع وجه آغازی -pr̥k̑-sk̑e*، فارسی‌باستان -parsa، اوستا pərəsaiti، فارسی‌نو «پرسد»، سنسکریت pr̥ccháti، لاتین poscit. نیز مقایسه شود با .ufrašta-ufrasta-

parsāmiy اول شخص مفرد (§30, §97, §130, §212, §226.I) DNb 19.
aparsam ماضی استمراری اول شخص مفرد (§122, §132.3, §212, §226.II) DB 1.22; 4.67.
parsā امر دوم شخص مفرد (§212, §237.I) DB 4.38, 69.
fraθiyaiš مجهول وجه تمنایی (§220, §223.II, §228.III) DNb 21 (نه آینده مجهول وجه آرزویی، همانگونه که Hz. ApI 167 پنداشته است).
pati-+parsa- «بررسی کردن، خواندن» (در مورد معنی، Bv. BSLP 31.2.71-2):
patiparsāhy التزامی دوم شخص مفرد (§222.II,§227.I) DB 4.42.
patiparsātiy التزامی (§222.II) DB4.48.
patiyafrasiya ماضی مجهول DB 4.91 (§220).

**fraθara-** صفت «برتر»: -fra بعلاوه گونهٔ دیگری از صفت برتر بصورت -thara- بر پایه همان پسوند موجود در -fratara (§148.II, §190.III; Wb. ZfA 41.319; Bv. 33.2.150-1 و 34.1.33-4, Hz. AMI 4.126-7, 8.39-40, ApI 166-7), مقایسه شود با پسوند صفت عالی -thama- در سنسکریت -prathamá «نخستین». نیز مقایسه شود با -uraθara.

fraθaram مفعولی صریح مفرد خنثی XPf 26f, 37.

**frāda-** اسم «فراد»، شورشی مروی: عیلامی pìr-ra-da، اکدی -pa-ra-da'؛ احتمالاً بن اسمی تماتیک (§141) از -fra بعلاوه -$^{2}$dā، با ویژگی vriddhi (§126)، مقایسه شود با اوستا -frād «پیش بردن، افزایش دادن» (Bthl. AiW 1012)، اما به احتمال قوی گونه مصغر اسم مرکبی است (§164.III; Bthl. AiW 1013) که جزء پیشین آن بن وجه وصفی برگرفته از همان فعل مرکب بوده است (§162)، مقایسه شود با صفت اوستا -frādat_gaēθā «رونق بخش خانه»، اسم

-frādat.fšav «حامی گله‌ها» (نام یک ایزد Bthl. AiW 1013-4). نه مطابق با نـظر Sen 52 (-fra بـعلاوه فـارسی‌باستان -ad* «رانـدن»، اوسـتا azaiti، سنسکریت ájati، لاتین agit) و نه مطابق با نظر Justi, INB 101 مـبنی بـر ( -fra بعلاوه -had «نشستن» با نبود -h- میان واکه‌ای).

frāda فاعلی مفرد مذکر DB 3.12; 4.23; DBJ 1.

**-framātar** اسم «فرمدار، فرمانروا» («گیرنده تصمیمات قضایی»، از نـظر Hz. ApI 150-4) : -fra بعلاوه ریشه -mā بعلاوه پسوند اسم فاعل -tar-(§154.II).

framātāram مفعولی صریح مفرد مذکر (§124.VI, §186.I) DNa 7f; DSe 7; DSf 5; DE 11; XPa 5f; XPb 11; XPc 5; XPd 8; XPf 7f; XPh 6; XE 11; XV 9; $A^1$Pa 8°; $A^2$Hc 7. framatāram (§52.III) $A^3$Pa 8.

**-framānā** اسم «فرمان» («قضاوت، تصمیم»، از نظر Hz.ApI 144-50): پهلوی framān، فارسی‌نو «فرمان»؛ -fra بعلاوه -mā بعلاوه پسوند -nā- (§128, §147.I)، مقایسه شود با سنسکریت pramāṇa-m «اندازه، معیار».

framānā فاعلی مفرد مونث DNa 57; DNb 28.

framānāyā بایی مفرد مونث DNb 37.

**-fravata** قید «به پیش، رو به پایین»: پهلوی frōt، فارسی‌نو «فرود[۲۰]»؛ از -frava*، گستره -fra همانند یونانی πρῶtos «نخستین» از -proua* بـعلاوه -tos هـمانگونه کـه در amata موجود است (§191.II; JAOS 51.204, 53.15; Bv. BSLP 30.1.59)؛ بدشواری مطابق با نظر König, Burgbau 51؛ نه همانند با سـنسکریت pravátā «سرازیری» در حالت بایی مفرد مونث).

DSf 23f, 28.

**-fravarti** اســم «فــرورتیش»، شــورشی مــادی: عـیلامی pìr-ru-mar-ti-iš، اکـدی

---

۲۰. واجنویسی کنت: fārōd, fārō که می‌باید بصورت furūd, furū واجنویسی می‌شد. در مورد واج /ō/ نگاه کنید به یادداشت -kaufa.

pa-ar-ù-mar-ti-iš یونانی Φραόρτης : یا یکسان با اوستا fravaši «فرشته نگهبان، روح»، از -fra بعلاوه -var نگهداری کردن» بعلاوه -ti-(§31,§152.III) به معنی «نگهداری»، و یا یکسان با اوستا -fraorəti «از کسی حمایت کردن»، از -fra بعلاوه -var «برگزیدن (از نظر دینی) «بعلاوه -ti- (Nyberg Rel. 334-5;Bthl.AiW 991,992,976 نظر دوم را ترجیح می‌دهد)؛ بعنوان نامی برای مرد، احتمالاً صورت مصغر ترکیبی بزرگتر (§164.II).
fravartiš فاعلی مفرد مذکر DB 2.14,66,71,73;4.18;DBe 1f.
fravartim مفعولی صریح مفرد مذکر DB 2.17.
fravartaiš وابستگی مفرد مذکر DB 2.69,93.

**fras-** فعل، نگاه کنید به -fraθ.

**fraša-** صفت «عالی» («شایسته»، König Burgbau 48, Brd. WZKM 39.37): اوستا -fraša «هدایت شده، سر براه، سودمند»، ساخته شده روی قید fraša برپایه -frānk، سنسکریت، قید prācā از -prānc، از -pra بعلاوه -anc (Bthl. AiW 1006-7)؛ -š- بی قاعده بجای -s- در -šy- ممکن است آمیزشی باشد از -frasa* و -frašay* (صورت دیگر Bthl.IF 2.266-7؛ وام گرفته از اوستا از نظر Hz. ApI 156-65.(Hz. ApI 162 (با نفی اشتقاق این واژه از -fra بعلاوه xšāy درخشیدن، برجسته» AMI 3.1-11) آن را از طریق اصطلاحی مربوط به مسابقه یا جنگ به صورت «(رقابت) فوق‌العاده، برتر از (رقابت)»، مشتق از -pra می‌داند، و بدین ترتیب دارای معنی «غیر قابل قیاس، برجسته» می‌باشد. نیز مقایسه شود با .Hz.RHRel. 113.26; Bailey, BSoS 6.595-7; Kent,Lg.15.169
frašam فاعلی مفرد خنثی DSa 5,DSj 6 (برای قرائت، نگاه کنید به -frašta).
frašam مفعولی صریح مفرد خنثی DNb 2;DSf 56, 56f; DSo 4°; DSs 1°.

**frašta-** DSa 5, DSj 6: مورد بحث قرار گرفته از سوی Bv. BSLP 30.1.63-4، Gr.§103, Gray AJP 53.67, Brd. WZKM 39.20-1 اما frašam و نه frašta θadayāmaiy (§ 54.II) θadayātaiy در هر دو قطعه مذکور قرائت می‌شود (Hz. AMI 3.9-10, ApI 156-8). نگاه کنید زیر مدخل -fraša.

**fraharavam** قید مرکب (§191.III)، «در مجموع»: -fra (§140.I) بعلاوه haravam

حالت مفعولی صریح مفرد خنثی با نوشتار گوناگون (26§ ,22§) از -haruva.
DB 1.17.

**baug-** فعل «آزاد کردن»، اوستا baog، فارسی نو «بُختن»؛ در -aθiyābaušna-, bagabuxša.

**bāxtri-** اسم «بلخ»، ایالتی از امپراتوری ایران: عیلامی ba-ak-ši-iš, ba-ik-tur-ri-iš، اکدی ba-ah-tar، یونانی (جمع خنثی) Báktρa (§9.I, §79, §103. III). در فارسی باستان بن مختوم به اِ بجای بن کهنتر مختوم به آ (§152.II)، در اوستا بصورت bāxδī.
bāxtriš فاعلی مفرد مونث DB 1.16; DPe 16; DNa 23; DSe 22°; DSm 9°; XPh 21.
bāxtriyā دری مفرد مونث DB 3.13f, 21.
bāxtriyā ازی مفرد مونث DSf 36.

**bag-** فعل، نگاه کنید زیر مدخل -baga-, bāji.

**baga-** اسم «بغ»: اوستا -baga «بخت، اقبال نیک»، سنسکریت -bhága «مُقَسِّم اقبال نیک» یونانی -φaγos «خورنده»، سلتی و ساکسونی کهن bogŭ «خدا»، هندواروپایی آغازین -*bhago (§101, §122, §143.I, V, VI)؛ مقایسه شود با Hz. ApI 105-10 نیز نگاه کنید به -bagābigna-, bagabuxša-, bāgayādi-, .bāji-
baga فاعلی مفرد مذکر AmH 6; AsH 6; DNa 1; DNb 1; DSe 1°; DSf 1°; DSe 1°; Dst 1; DZc 1°; DE 1; XPa 1; XPb 1; XPc 1; XPd 1; XPf 1; XPh 1; XE 1; XV 1; A¹Pa 1°; A²Hc 1; A³Pa 1, 25.
bagāha فاعلی جمع مذکر (§10, §119, §172) DB 4.61, 63.
bagānām وابستگی جمع مذکر AsH 7; DPd 1f; DPh 9; DSf 9; DSp 1°; DH7; XE 2;XV 2;A²Hc 2.
bagaibiš بایی جمع مذکر DPd 14f, 22, 24; DSe 50f°; DSt 8; XPb 28f; XPc 12f, 15; XPd 18; XPg 13f; XSc 5°; XV 26; A¹Pa 23°.

BGibiš(§42) بایی جمع مذکر $D^2$Sa 3.

**bagābigna-** اسم «بگابیگن»، یک پارسی، پدر «ویدرن»: عیلامی ba-qa-pi-ig-na؛ از -baga «بغ» بعلاوه -ā-bigna، وجه وصفی مختوم به -na- از یک ریشه فعلی ناشناس، مقایسه شود با احتمالاً سنسکریت bīja-m «تخمه» **A** (§75.III,§103.IV, §160.Ic, §243)؛ با احتمال ضعیف مطابق با نظر (Justi,INB 489.

bag[ā]bignah[yā] وابستگی مفرد مذکر DB 4.84f.

**bagabuxša-** اسم «بگابوخش»، یکی از پیروان داریوش علیه گئوماتا: عیلامی ba-qa-bu-uk-šá، اکدی ba-ga-bu-ki-šù، یونانی Μεγάβυζος. از -baga «بغ» بعلاوه مشتق ریشه -baug «آزاد کردن» (§102,§151): «رستگار از سوی خدا» (§160.Ic).

ba[gab]uxša فاعلی مفرد مذکر DB 4.85.

**bāgayādi-** صفت «باگ یادی، ماه هفتم» برابر با سپتامبر-اکتبر: عیلامی bagiiātiš، اکدی tašrītu.از -baga «بغ» با ویژگی vriddhi (§126, §165)، بعلاوه -yad «ستودن» با واکه بلند (§126, §165) ووند -i- (§ 152.I): «ماه ستایش خدا» (§159, §161.Ia)، احتمالاً اشاره به مِهر، زیرا در پهلوی و فارسی‌نو، این ماه را مِهر، «(ماه) مهر» می‌نامند (Justi, ZDMG 51.247; Bthl. AiW 952-3).

bāgayādaiš وابستگی مفرد مذکر DB 1.55.

**bāji-** اسم «باج»: فارسی‌نو «باز»؛ مشتق (§152.I,§179.III) از ریشه سنسکریت -bhága «بخش، مُقسّم»، فارسی‌باستان -baga «بغ»، فعل در سنسکریت bhájati «بخش می‌کند»، اوستا -bag، پهلوی baxtan (§101,§122,§123,§126).

bājim مفعولی صریح مفرد مونث DB 1.19; DPe 9f; DNa 19; DSe 18; XPh 17.

**bātugara-** اسم «نعلبکی، پیمانه»: چنانچه واژه اصیل باشد

batu- از (§55.II; JAOS 56.215; Schaeder,SbPAW1935.489-96) «شراب» (§153.I؛ ریشه‌شناسی واژه نامشخص است، اما Hz. ApI 114، واژه βατιάκη را از Athenaeus, bk.xi, page 784a، بعنوان یک واژه پارسی برای «شیشه‌دارو،ساغر» نقل می‌کند) بعلاوه -gara- (§143.I) «بلع، آشامش» (§160.Ia)، مقایسه شود با اوستا aspō.garō «اسب خور»، سنسکریت aja-gará- «بُزخور، اژدرمار»، یونانی δημο-βόρος «مردم خور»، لاتین carni-vorus «گوشت خور»، از ریشه اوستا -gar «بلعیدن»، سنسکریت giráti، لاتین vorat، هندواروپایی آغازین -*gᵘer. Bv.JAs. 228.233-4 پیشنهاد می‌کند، و Hz. AMI 8.9-17,ApI 113-5 می‌پذیرد که واژه بیشتر با سنسکریت galati «جرعه جرعه می‌ریزد»، gālayati «می‌ریزد»، در مجموع به معنی «می‌ریز» خویشاوند است، مقایسه شود با لاتین libāre «ریختن (بعنوان نثار برای خدایان)»، و فارسی نو «پیاله»، از -*pati-gāra.

bātugara فاعلی مفرد مذکر (§56.V) A¹I.

**baⁿd-** فعل «بستن»: اوستا -band، سنسکریت -bandh، گوتیک bindan، هندواروپایی آغازین -*bhendh. نیز نگاه کنید به -badaka.

basta صفت مفعولی گذشته، فاعلی مفرد مذکر (فارسی نو«بست») (§67, §85, §120, §122, §132.1, §242.I) DB.1.82; 2.75, 90; 5.26.

bastā مفعولی صریح جمع مذکر DB 3.88°.

**baⁿdaka-** اسم «بنده، خدمتکار» (مقایسه شود با König, RuID 64): پهلوی bandak، فارسی‌نو «بنده»؛ مشتق (§146.II) از فارسی‌باستان -*baⁿda «قیدوبند، تعهد کردن»، اوستا -banda ، سنسکریت -bandha ، از ریشه هندواروپایی آغازین -*bhendh (فارسی‌باستان -baⁿd ; §39, §75.III, §111, §122, §132.1)

badaka فاعلی مفرد مذکر DB 2.20, 30, 49f, 82; 3.13, 31, 56, 85; 5.8.

badakā فاعلی جمع مونث DB 1.19.

**bābiru-** اسم (-bābairu زیرا پالی -bāveru, MB Gr. §80) «بابِل»، نام شهری است (§56.III, §166) ؛ «بابِل»، ایالتی از امپراتوری ایران؛ از طریق انتقال

«بابِلی»: عیلامی ba-pi-li، اکدی bāb-ilu, bāb-ilāni «دروازه خدا(یان)»، یونانی Βαβυλων (§75.V, §107). نیز نگاه کنید به -bābiruviya.

bābiruš فاعلی مفرد مذکر DB 1.14, 80; DPe 10f; DNa 26; DSe 25f°; DSm 7°; XPh 22; بعنوان قوم‌واژه → (§56.III), DN xvi, A?P 16.

bābirum مفعولی صریح مفرد مذکر DB 1.83f, 91 bis; 2.2, 3,3f; 3.82, 84, 87; 4.15, 30.

bābirauš ازی مفرد مذکر (§168,§182.III) DB 2.65.

bābirauv دری مفرد مذکر DB 1.78, 81;2.5,6; 3.79, 83, 92; 4.2; DBd 7f; DBi 11 (§22 bābarauv مکتوب بصورت);

DS f33 yātā بعنوان حالت ازی با 33 hacā، بعنوان حالت دری با (علیرغم نظر Hz. AMI 3.55n, Kent JAOS 53.16، می‌توان آن رابعنوان ساخت ازی واقعی، برابر با اوستا -aut پذیرفت).

**bābiruviya-** صفت «بابِلی»: مشتق (§144.III) از واژه پیشین.

bābiruviya فاعلی مفرد مذکر DB 1.77,79;3.81; 4.13; DSf 29f.

bābiruviyam مفعولی صریح مفرد مذکر DB 3.86.

bābiruviyā فاعلی جمع مذکر DB 3.78; DSf 53f.

bābiruviyā مفعولی صریح جمع مذکر DB 3.88.

**bar-** فعل «بردن، بالابردن، گرامی داشتن»: بن مضارع -bara، اوستا baraiti، فارسی‌نو «بَرَد»، سنسکریت bhárati، یونانی φερει، لاتین fert، گوتیک baìrip، هندواروپایی آغازین -*bhere/o (§213). نیز نگاه کنید به gaubaruva-,bara-, ubarta-, ušabāri-,

baraⁿtiy سوم شخص جمع (§122,§232.I) DB 5.22f(کامرون)-tᵃiyᵃ مکتوب بصورت); DNa 42.

abaram ماضی استمراری اول شخص مفرد (§61, §75.III, §226.II) DB 1.22;4.66.

abara ماضی استمراری (§40, §84, §228.II) DB 1.25, 55, 88, 94; 2.25, 34f,40,45, 54, 60, 68, 86, 97°; 3.6, 17, 37, 45, 62, 67 مکتوب بصورت)

→ $ar^ar^a$, §54.II), 87;4.61, 62; DNa 50f; DSf 19°, 32; XPh 33, 45.

$abara^n$ ماضی استمراری سوم شخص جمع (§10, §40, §84, §106, §232.II) DPe 10; DSe 18°; DSf 34.

$abaraha^n$ ماضی استمراری سوم شخص جمع (§10, §218, §232.III) DNa 19f; XPh 17.(§54.I $ab^ar^an^a$ مکتوب بصورت)

$abara^nt\bar{a}$ ماضی استمراری میانه سوم شخص جمع (§10, §236.II) DB 1.19.

abariya ماضی استمراری مجهول (§35.I, §220, §228.II) DSf 23°, 31f, 35, 36, 38f,40,43, 45.

$abariya^n$ ماضی استمراری مجهول سوم شخص جمع (§220, §232.II) DSf 41, 47.

baratuv وجه امری (§237.II) AmH 11°; DPd 14; DSk 5.

bartanaiy مصدر (§238) DNb 47.

ā + bar- «انجام دادن»:ābaratiy (§213, §228.I) DNb 25.

نیز مقایسه شود با Hz. ApI 110-1، که به ā-bar- ارجاع می‌دهد، ساخت‌های دیگر بطور مشخص، بعنوان ساخت‌های با افزونه غیر مرکب bar-، در بالا آمده است.

pati + ā + bar- «بازگرداندن، بازسازی کردن»: patiyābaram ماضی استمراری اول شخص مفرد DB 1.68

(احتمالاً -ā- تنها زیر تاثیر parābartam وارد شده است، JAOS 62.275; §53,§206c)

parā+bar- «بردن، برداشتن»:parābara ماضی استمراری DB 1.71,96.

parābartam صفت مفعولی گذشته فاعلی مفرد خنثی (§242.I) DB 1.62,67f.

pari+bar- «نگهداری کردن، محافظت کردن»: (مقایسه شود با Hz. ApI 112-3):

paribarāmiy اول شخص مفرد (§226.I) DNb 17.

paribarāhy التزامی دوم شخص مفرد (§27,§136,§222.II,§227.I) DB 4.78; $paribar\bar{a}h^a$-diš (§27,etc.) DB 4.74.

paribarā امر دوم شخص مفرد (§237.I) DB 4.72, 88.

fra+bar-«تقدیم کردن، اعطا کردن»:frābara ماضی استمراری AmH 7; AsH 9; DB 1.12, 25, 60f; DPd 3f, 7f; DPh 8; DNa 33; DSf 11; DSm 3°; DSp 2°; DSs 6; DZc 4; DH 7; $A^2$Hc 18f, 20.

**bara-** اسم «تحمل، حامل»: اوستا -bara، سنسکریت -bhara، یونانی φορος، هندواروپایی آغازین *bhoros (§32, §122, §143.I, VI)، از ریشه -bar «بردن»، در -arštibara-,takabara-,vaçabara؛ نیز -bāra «برده شده بوسیلهٔ، سواربر...»، با ویژگی vriddhi (§122, §126, §143.I)، در -asabāra، مقایسه شود با -ušabāri نگاه کنید به .Hz. ApI 95.

**bard-** فعل «بالا بودن»: اوستا -barəz «بالا» -bərəzant «رفیع»، فارسی‌نو «بُرز»، سنسکریت -brhánt «رفیع»، آلمانی فرازین باستان berg «کوه»، هندواروپایی آغازین -bhergh*؛ در -baršan-,bardiya، و احتمالاً در -brazman.

**bardiya-** اسم «بردیا»، برادر کمبوجیه (§164.III): عیلامی bìr-ti-ia، اکدی bar-zi-ia، یونانی Σμερδις (§29.n2, §30). مشتق (§144.IV) از فارسی‌باستان -bard «بالا بودن» (§75.III): «متعال».

bardiya فاعلی مفرد مذکر DB 1.30, 32, 39, 52f;3.25, 35, 54; 4.9, 27, 82; DBb 4f; DBh 5.

bardiyam مفعولی صریح مفرد مذکر DB 1.31 bis, 51.

**baršan-** اسم «بلند، ژرفا» (§31): اوستا -barəzan (Bthl. AiW 950)؛ مشتق از فارسی‌باستان -bard

(§75.III,§155.I; Scheil 21.26; König, Burgbau 51; Hz. AMI 3.57; Bv. Gr. §312; Kent, JAOS 51.204, 53.15).

baršnā بایی مفرد مذکر (§96,§120)DSf 26, 26f.

**bav-** فعل «شدن، بودن»: بن مضارع -bava (§213) «اوستا bavaiti، سنسکریت bhávati، یونانی φυει «رشد می‌کند»، لاتین fuī «من بودم» لیتوانیایی būti «بودن»، انگلیسی‌نو be، هندواروپایی آغازین -bheu*. نیز نگاه کنید به -būmi.

bavatiy (§122, §228.I) XPh 55, 56.

bava^n^tiy سوم شخص جمع (§232.I) DNb 14(bauvatiy در دودستنویس ← Hz. ApI 115; cf.§48).

abavam ماضی استمراری اول شخص مفرد DB 1.28, 60, 72; 4.5; 5.4°; DSm 6°; XPf 35, 36f; XPh 30; XSc 4°.
abava ماضی استمراری (§228.II) DB 1.32, 33, 34, 40, 48, 77, 80; 2.16f, 17, 80, 94; 3.10, 11, 20, 27, 28, 76, 82, 83; 5.5,14°, 30; DSf 25; XPf 26.
abava$^n$ ماضی استمراری سوم شخص جمع (§112, §232.II) DB 1.76; 2.7, 93; 3.78; 4.34.
bavātiy التزامی (§222.II,§228.I) DNa 43, 45f; DNb 59
(Lg. 15.74؛ تائید شده بوسیله عکس، JNES 4.44).
[biy]ā تمنایی،دوم شخص مفرد (§114, §218.II, §223.I, §227.II) DB 4.69.
تمنایی biyā (*bhu-iiēt,Bv.Gr.§232) ، قیاس با اوستا buyāt از *bhu-iēt,
اما Bthl. Gdr.IP 1.§143 آنرا بصورت *bhu-ī-iet برابر با لاتین fīet می‌گیرد،
که ممکن است یا وجه تمنایی غیر تماتیک باشد و یا وجه التزامی تماتیک
(§114, §122, §208' .§218.II,§223.I §228.II).
DB 4.56 bis,58,59,74f,75,78f,79°.

**bigna-** در -ā-bigna، نگاه کنید به -bagābigna.

**būmi-** اسم بوم (=جهان یا سرزمین): اوستا -būmī، فارسی‌نو «بوم»، سنسکریت (ریگ‌ودا)در حالت فاعلی bhūmis bhūmī؛مشتق از ریشه -bhav (نگاه کنید به -bav) با درجه ـ bhū، مقایسه شود با سنسکریت ماضی ábhūt، یونانی εφū (§11, §65, §152.IV, §179.III).

būmim مفعولی صریح مفرد مونث DNa 2,32; DSe 2°; DSf 1; DSt 2; DZc 1f; DE 2; XPa 1; XPb 2; XPc 1; XPd 2; XPf 2; XPh 1f; XE 3; XV 2f; A$^1$Pa 2°; A$^2$Hc 2.
būmām مفعولی صریح مفرد مونث (§55.I) A$^3$Pa 2.
būmiyā دری مفرد مونث (§179.II) DNa 11f; DSb 9; DSe 10; DSm 5; DSs 2°, 3°; DZb 4; DZc 6; DE 17f; XPa 9; XPb 17; XPc 7f; XPd

12; XPf 12,25; XPh 10; XPj; XE 17; XV 13; A[1]Pa 13°; A[2]Sc 4°; Wb 7; Wc 8; Wd 8.
BU فاعلی مفرد مونث (§42) DSf 24, 28.
Buyā دری مفرد مونث DSd 2°; DSf 7, 15, 16, 18, 24°; DSg 2; DSi 2, 4; DSj 1°; DSy 2; D[2]Sb 2°; A[2]Sa 1; A[2]Sd 2; A[2]Ha 2; A[2]Hc 9, 17; A[3]Pa 11.

**brātar-** اسم «برادر»: اوستا-brātar، فارسی‌نو «برادر»، سنسکریت -bhrātar، یونانی φρātηρ«برادر قبیله‌ای»، لاتین frāter، سلتی و ساکسونی کهن bratrŭ، گوتیک broÞar، هندواروپایی آغازین -bhrāter* (§62,§75.III,§128,§154.II).
brātā فاعلی مفرد مذکر (§124.5,§186.II) DB 1.29f, 39f.

**brazmaniya-** صفت «نمازگزار، با احترام» (مقایسه شود با Kent, Lg. 21.223-9)، بیشتر مطابق با -braz تا -barz (§33؛ مقایسه شود با عیلامی pír-ra-iṣ-man-nu-ia، اکدی bi-ra-za-man-ni-i): مشتق (§144.IV) از مرجع آریایی آغازین و به تبع آن سنسکریت -bráhman «ایمان دینی، نیایش»، مقایسه شود با مشتق مشابه سنسکریت -brahmanyá «دین»، از ریشه هندواروپایی آغازین -bhergh* (نگاه کنید به فارسی‌باستان -bard؛ §75.III, §95, §120, §155.III; Henning,TPS 1944.108-18) برای نظرهای دیگر،نگاه کنید به Kent, L.g. 13.301; Hartmann, OLZ 40.145-60; Nyberg, Rel. 367, 478; Hz. AMI 8.69, ApI 116-8 (از اوستا -barəg «خوشامد گفتن»، -bərəg «آیین» bərəxδa-, «محبوب»؛ نظریه نادرست است زیرا این صورت باید در فارسی‌باستان -bragman* را داده باشد)؛
Christensen, Essai sur la dèmonologie iranienne 40-1; Henning, BSOS 10.506; Abayev, Iranskie Yazyki 1.134; Scherman, JAOS 65.141-3 n.23. نیز مقایسه شود با O.M.Dalton, Treasure of the Oxus 94-5. در مورد ساخت و معنی پهلوی brahm, brahmak، نگاه کنید به Henning,TPS 1944.108-18.
brazmaniya فاعلی مفرد مذکر XPh 41, 51, 54
(باحتمال بسیارضعیف brazmanīy درحالت‌بایی مفرد خنثی،توصیف کننده artā؛ و نیز

نه‌بصورت niy- درحالت‌مفعولی صریح جمع خنثی«الهی»،ازنظر Sen 155،ونه در حالت مفعولی صریح‌تثنیه‌خنثی‌باحذف بقرینه تثنیه از نظر پیزانی، نگاه کنید زیر مدخل arta-).

**m^a** با معنی نامشخص، Se 1؛ Justi, IFA 17.112 آنرا بعنوان کوته نوشتی بـرای māraka* «مُهر» فارسی‌باستان می‌پندارد، فارسی‌نو «ماره».

**ma-** بن ضمیر اول شخص در حالت‌های غیر فاعلی مفرد؛ نگاه کنید به adam.

**mā** از ادات ربـط «مَا»، در نـهی‌ها و غـیره: اوسـتا، سـنسکریت mā، یـونانی $\mu\eta$، هندواروپایی آغازین mē* (§109,§191.I, §292b).

باوجه التزامی: DNb 55 (mā-taiy), 58.

باوجه تمنایی: DB 4.59,69,79°; DPd 18, 19 bis, 20; XPh 39.

باوجه تاکیدی: DB 4.54;DPe 21;DNa 58,59,60;DNb 52 (mā-taiy).

با وجه امری: DNb 60.

با افعال منسوخ: DNb 57,DSq 4 bis;باوجه التزامی بازسازی شده A²Sa 5° bis, A²Ha 7,7° نیز نگاه کنید به mātya.

**mā-** فعل «اندازه گرفتن»: اوستا، سنسکریت mā، لاتین mētior «من اندازه می‌گیرم».
ā + mā- «گسترش دادن»: āmātā صفت مفعولی گذشته،فاعلی جمع مذکر(§242.II)«نژاده»DB 1.7; DBa 11

fra - + mā- «فرمودن»

(از نظر Hz. ApI 154-6 «تـصمیم گـرفتن، قـضاوت کـردن؛ و از نـظر Hinz, ZDMG 95.233-5 «بـرنامه ریـزی کـردن»). نـیز نگـاه کـنید بـه framānā .framātar-,

frāmāyatā ماضی استمراری میانه (§214,§235.II) XPg 5.

framātam صفت مفعولی گذشته، فاعلی مفرد خـنثی (§242.II) DSf 19f°, 56.

**mauθ-** فعل «گریختن»: معنی این فعل از طریق تحریرهای عیلامی واکدی تثبیت شده

است (Hüsing, KZ 38.258)؛ احتمالاً از سنسکریت munthate «می گریزد» (Jn. JAOS 38.122).

amuθa ماضی استمراری (§211) DB 2.2, 71;3.41f, 71.

**maka-** اسم «مَکَ»، ایالتی از امپراتوری ایران (بحث لغوی در مورد محل در JAOS 56.217-8 آمده است): عیلامی ma-ak-qa، اکدی ma-ak، مقایسه شود با یونانی در حالت جمع Makaι (§99, §132.2, §144.III). نیز نگاه کنید به -maciya.

maka فاعلی مفرد مذکر DB 1.17; DPe 18.

A **magu-** اسم «مغ»، عضوی از طبقه دینی ماد: عیلامی ma-ku-iš، اکدی ma-gu-šú، یونانی Máγos (§153.I). واژه از نظر معنی و ریشه‌شناسی نامشخص است RuID 66 و König, Klotho 4 chap. 12.

maguš فاعلی مفرد مذکر DB 1.36,44,46,64,66,70f;4.8;DBb 2.

magum مفعولی صریح مفرد مذکر DB 1.50,54,57,73;4.81.

**maciya-** صفت «اهل مَکَ»؛ در حالت جمع، نام ایالتی از امپراتوری ایران: مشتق از -maka (§99, §113, §132.2, §144.III).

maciy فاعلی مفرد مذکر A?P 29.

maciyā بعنوان فاعلی مفرد مذکر (§56.III) DN xxix.

maciyā فاعلی جمع مذکر DNa 30; DSe 23f; XPh 25.

**mātar-** اسم «مادر»: اوستا -mātar، سنسکریت -mātár، یونانی دُری μāτηρ لاتین māter، هندواروپایی آغازین در حالت فاعلی *mātē، بن -*māter (§154.II): در -hamātar.

**mātya** ازادات ربط «مبادا، نکند که»، «مَا» بعلاوه‌حرف ربط tya (§133,§292b).

mātya-mām (§133) DB 1.52.

mātya DB 4.43, 48, 71.

**maθišta-** صفت «بزرگترین»، در XPf معادل «ولیعهد» (Speiser ap. Kent, Lg. 9.40-1; Hz.ApI 254-8):

اوستا -masišta، فارسی نو «مَهِست»، یونانی $\mu\eta\kappa\iota\sigma$tos «درازترین» (واکه ریشه‌ای پس از آن در $\mu\eta$kos «بلندا»)؛ صفت برترین از هندواروپایی آغازین *māk-ros، یونانی $\mu$akpòs، لاتین macer «نازک»، ریشه هندواروپایی آغازین -māk (§87) «دراز و ترکه‌ای بودن» بعلاوه پسوند صفت برترین -isto- (§117,§156.III,§190.II)، یونانی -$\iota\sigma$to-، اوستا -išta-، سنسکریت (بادمش) -istha-.

ma$\theta$išta فاعلی مفرد مذکر AsH 6f; DB 2.13, 24; 3.70; DPd 1; DPh 9; DSf 9; DSp 1°; DH 7; XE 2; XV 1f; A$^2$Hc 1. [ma$\theta$]išta-[šām] DB 5.27.

ma$\theta$ištam مفعولی صریح مفرد مذکر DB 2.20, 83; 3.12, 31, 57, 85; 5.6, 8, 12, 28f; XPf 32.

**māda-** (§166.I) صفت «مادی»؛ مذکر بعنوان اسم «ماد»، ایالتی از امپراتوری ایران: عیلامی ma-da، اکدی ma-da-a-a، یونانی جمع M$\eta\delta o\iota$

۱) «مادی»: māda فاعلی مفرد مذکر DB 1.49;2.14°,16,18,82;4.18;DN ii°; A?P 2.

mādam مفعولی صریح مفرد مذکر DB 2.21,82;3.30.

mādā فاعلی جمع مذکر DSf 50,54f.

māda[ibi]š بایی جمع مذکر DB 2.23.

mādaišuvā دری جمع مذکر DB 2.23.

۲) «ماد»: māda فاعلی مفرد مذکر DB 1.15°, 41;2.7; DPe 10; DNa 22; DSe 21°; DSm 8°; XPh 19.

mādam مفعولی صریح مفرد مذکر DB 1.47; 2.22, 28f, 48f, 63, 65 bis; 3.32f; 4.20. Mādam-cā DB 1.66f.

mādaiy دری مفرد مذکر DB 1.34, 59;2.15,17,22f,28,66 bis, 72,92;3.77; DBe 10f.

**[1]man-** فعل «اندیشیدن»: اوستا man-yete، سنسکریت mán-yate، یونانی $\mu\epsilon\mu o\nu$a «(من اندیشه...را دارم)، من میل دارم»، لاتین memini «من بخاطر می‌آورم»، هندواروپایی آغازین -*men. نیز نگاه کنید به -manah.

maniyaiy (§214,§233.II) اول شخص مفرد میانه DNb 38.

amaniyaiy ماضی استمراری میانه اول شخص مفرد (§214,§233.III) DSI 3f.
maniyāhaiy التزامی میانه دوم شخص مفرد (§131,§222.II,§234.I) DB 4.39 (man[...); DB 4.43, DPe 20 (maniyāhay §27, §52.II) ; DNa 38 (maniy[...); XPh 47 (maniyāiy, بدون → h°: §27, §52.VI, Lg. 13.302; Hz. AMI 8.66, ApI 243-4).
maniyā[taiy] التزامی میانه (§222.II) DB 4.50.

**²man-** فعل «ماندن»: اوستا -man، بن مضارع تکریری[۲۱] -mānaya (§123,§215)، یونانی *μένω*، لاتین maneō؛ احتمالاً تخصیص معنایی هندواروپایی آغازین -*men «اندیشیدن» (نگاه کنید به -¹man) در معنی «در فکر ماندن».
amānaya ماضی استمراری DB 2.48,63; amānaiya (§48) DB 2.28.

**manaʰuvin-** صفت «متوجه، خود رأی، تندخو»: از -manah بعلاوه -uni- (§155.V)، مقایسه شود با Lg.15.170,JNES 4.47 (صورت دیگر به اشتباه Hz.ApI 242).
manauviš فاعلی مفرد مذکر (باز ساخته از -vī ,§187) DNb 13.

**manah-** اسم «نیروی اندیشه، نیروی اراده (Jn. Iran.Rel.§70;Kent,JNES 4.45-7, 232): اوستا-manah، سنسکریت -mánas، یونانی *μενος*«جرأت»، هندواروپایی آغازین-*menes *menos (§124.4, §156.II) صرف §185.I.نیز نگاه کنید به -manauvin، و -maniš- با تخفیف درجه در هجای دوم در -ardumaniš-,haxāmaniš، و احتمالاً در-imaniš.
manaš-cā (§105) مفعولی صریح مفرد خنثی DNb 32.
manahā بایی مفرد خنثی (JNES 4.45; ←به اشتباه حالت وابستگی Hz.ApI 240-2 و Sen 235) DNb 14.

A **māniya-** اسم «برده(های) خانگی (نگاه کنید به پیوست)؛ صفت خنثی بعنوان اسم جمع (§255)، از -māna، اوستای گاهانی -dəmāna، اوستای

---

۲۱. وجهی از فعل که روی تداوم تکرار عمل تاکید دارد. نگاه کنید به A Dictionary of linguistics and phonetics ص ۱۶۷.

متاخر -nmāna «مسکن، خانه» (§126)، گسترش ریشه موجود در سنسکریت -dáma «خانه»، یونانی δόμος «لاتین domus. برای نظرهای مختلف نگاه کنید به Tm. Lex. 116، با صورت تحت‌اللفظی؛ Gray, JAOS 21.17, 33.281-3;Bthl. AiW 1163; MB Gr. §261; Fay, JAOS 34.330-1.

māniyam-cā مفعولی صریح مفرد خنثی DB 1.65.

**+mamaita-** نگاه کنید به -atamaita.

**mayūxa-** اسم «دستگیره در»: سنسکریت -mayūkha «میخ»، شاید از سنسکریت -mi (مضارع minòti) «ثابت (در زمین)» (§100, §143.III)؛ مقایسه شود با Hz.ApI 258-9.

mayūxa فاعلی مفرد مذکر DPi; XPi.

**mar-** فعل «مردن»: اوستا -mar، مضارع miryeite (§122,§214)، سنسکریت mriyáte، لاتین moritur، هندواروپایی آغازین -*mer. نیز نگاه کنید به uvāmaršiyu-, marīka-, marta-, martiya-.

amariyatā ماضی استمراری میانه (§35.I,§235.II) DB 1.43.

**marīka-** اسم «شخص متعلق به طبقه پایین، مطیع»، همانگونه که در اکدی LUgal-la «نوکر» نشان داده شده است: صورت کوتاه شده‌ای (§23.I) از -*mariyaka، مشتق از بن سنسکریت (ودایی) -márya «مرد جوان، اسب نر»، مقایسه شود با سنسکریت -maryaká «مرد کوچک (که به گاونر در میان گاوان ماده گفته می‌شود)»، پهلوی mērak (از *maryaka)، یونانی μεῖραξ «پسر، دختر» (از *meriak-)؛ آخرین ریشه هندواروپایی آغازین -*mer فارسی‌باستان -mar (§122, §146.III). مقایسه شود با Hz.ApI 251-3,Bv. TPS 1945.43-4.

marīkā ندایی مفرد مذکر DNb 50,55,59°.

**māru-** اسم «مارو»، شهری در ماد (مقایسه شود با König,RuID 71): عیلامی ma-ru-iš، اکدی -'ma-ru.

mā[ru]š فاعلی مفرد مذکر DB 2.22.

**māragava-** صفت «مروی»: صفت برپایه -margu، با ویژگی vriddhi (§126,§143.II,V,VI).
māragava فاعلی مفرد مذکر DB 3.12; 4.24.
māragavaibiš بایی جمع مذکر DB 3.16.

**margu-** اسم «مرو»، ایالتی از امپراتوری ایران: عیلامی mar-ku-iš، اکدی mar-gu-' یونانی Μάργος، Μαργιάνη (§31, §153.I). نیز نگاه کنید به .māragava-

marguš فاعلی مفرد مذکر DB 2.7; 3.11.
margum مفعولی صریح مفرد مذکر DB 4.25.
margauv دری مفرد مذکر (§114) DB 4.25; DBj 5f.

**marta-** وجه وصفی بعنوان صفت «مرده»: اوستا -mərəta، فارسی‌نو «مُرد»، سنسکریت mṛtá، یونانی βροτός (بجای *βλατός با همگون شدگی واکه)، لاتین mart-uos (پس از vī-vos «زندگی»)، هندواروپایی آغازین *mṛtos (§30,§109,§122,§242.I)؛ نگاه کنید به فارسی‌باستان -mar و مقایسه شود با Hz. ApI 249-51.

marta فاعلی مفرد مذکر XPh 48,55.
martahyā وابستگی مفرد مذکر DB 5.20, 36.

[1]**martiya-** صفت بعنوان اسم «مرد»: گسترش -iio- از هندواروپایی آغازین *mortos، اوستا -marəta «میرا، انسان»، فارسی‌نو «مرد»، سنسکریت márta- (§31,§106,§122,§242.II). مقایسه شود با گسترش -io- در اوستا mašya-، سنسکریت mártya- (§144.IV). نیز نگاه کنید به ,-[2]martiya، .umartiya-

martiya فاعلی مفرد مذکر DB 1.21, 36, 48, 74, 77; 2.8, 14, 79; 3.12, 22,70,78; 4.38, 65, 68; 5.5°,7; DNa 46;DNb 16, 19, 21, 24; XPh 51.
martiyā ندایی مفرد مذکر DNa 56.

martiyam مفعولی صریح مفرد مذکر DB 3.57; DNa 3; DNb 12, 22; DSe 3; DSf 2,16f; DSs 2f; DSt 3°; DZc 2; DE 4f; XPa 2; XPb 4f; XPc 2f; XPd 3f; XPf 3; XPh 3; XE 5; XV 4; A[1]Pa 3f°; A[2]Hc 3f; A[3]Pa 3f.

martiyahyā وابستگی مفرد مذکر DNa 4, 44; DNb 3; DSe 4f; DSf 3; DSs 5°; DSt 4f°; DZc 2f; DE 6; XPa 3; XPb 6; XPc 3; XPd 4f; XPf 4f; XPh 4; XE 7; XV 5; A[1]Pa 5°; A[2]Hc 4f; martihyā A[3]Pa 4f. (§52.VI ؛ به احتمال ضعیف صورت آوایی، همانگونه که از سوی Morgenstierne, Acta Or.1.253 اختیار شده است).

martiyā فاعلی جمع مذکر DB 1.57f;4.80, 82;DSf 47, 49, 51, 52, 54.

martiyā مفعولی صریح جمع مذکر DB 2.77; 3.48,50,74,90,91.

martiyānām وابستگی جمع مذکر DB 4.87f.

martiyaibiš بایی جمع مذکر DB 1.56f.

**[2]martiya-** اسم «مرتیا»،شورشی شوشی: عیلامی mar-ti-ia، اکدی mar-ti-ia؛ همانند [1]martiya-، تخصیص معنایی بعنوان نام یک مرد (§163.V, §164.III)؛ اما مقایسه شود با (HK Iran.Eigenn.13-4,Phil.66.183-4, ApKI 1.54, 2.26).

martiya- فاعلی مفرد مذکر DB 2.8;4.15;DBf 1.

martiyam مفعولی صریح مفرد مذکر DB 2.12f.

**mard-** فعل «فشردن»: اوستا-marəd «ویران کردن»، سنسکریت -mṛd «مالیدن، له کردن»، لاتین mordet «گاز می‌گیرد»، هندواروپایی آغازین -merd* (Foy,KZ 35.48). نیز نگاه کنید به -marduniya.

vi+mard- «ویران کردن»: vimardatiy (§30, §213) DSe 40f.

viyamarda ماضی استمراری (Cam. JCS 5.53; §44,وجود ندارد $y^a$ نشانه جداکننده‌ای پس از) §52.IV, §228.II, -di- (و نیز واژه‌نامه، زیر مدخل DB 5.11.

**marduniya-** اسم «مردونیه»، پدر «گئوبرُووَ»: عیلامی mar-du-nu-ia، یونانی Μαρδόνιος ؛ احتمالاً مشتق از -marduna* «شراب فروش»

(§144.IV, §147.II، §153.I, §164.IV) مقایسه شود با فارسی نو «مُل = شراب»، سنسکریت ـmrdvīkā «تاک» (Bthl.AiW 1151; Justi,INB 195) که احتمالاً دربردارنده ریشه -mard «فشردن (انگورها به منظور ساختن شراب)» است.

marduniyahyā وابستگی مفرد مذکر DB 4.84.

**mav-** فعل «فرستادن»: مقایسه شود با لاتین moveō «من تکان می‌دهم». [am]avatā در DB 4.92، نظر اشتباهی است از Kent, JAOS 62.269؛ مدخل f[rā]stāyam را مطالعه کنید (کامرون ـکِنت)، نگاه کنید به مدخل -stā.

**mazdāh-** صفت «دانا» (§156.I, §160.Ia): بصورت با قاعده در -auramazdāh ترکیب شده است (نگاه کنید به مدخل مربوطه)؛ در aurahya mazdāha XPc 10 (§185.IV) هردوبخش صرف شده‌اند،اما بدون نشانه جداکننده واژه.

**maškā-** اسم «پوست (باد شده)»؛ فارسی نو «مسک»، اکدی maš-ku-u «پوست»، آرامی maškā: وام گرفته شده از سامی (§99, §109, §117, §143.IV؛ نگاه کنید به MB Gr. §101).

maškāuvā دری جمع مونث (§72) DB 1.86.

**māha-** اسم «ماه»: سنسکریت -māsa، هندواروپایی آغازین -mēso*؛ گسترش (§143.II) هندواروپایی آغازین -mēs*، موجود در اوستا بصورت -māh، فارسی نو «ماه»، سنسکریت -mās، مقایسه شود با لاتین mēsis، یونانی μήν، گوتیک mēna، آلمانی فرازین باستان māno، لیتوانیایی mĕnuo، همگی به معنی «ماه» یا «ماه تقویمی».

māhyā وابستگی مفرد مذکر DB 1.37f, 42, 56, 89, 96; 2.26, 36, 41, 47, 56, 61f, 69, 98; 3.8, 18, 39, 46f, 63, 68, 88

(بجای māhahyā*، با صورت کوتاه شده -āhah به -āh-، از نظر Gray, AJP 21.13-4؛ متعارف‌تر است از برداشت معمول مبنی بر حالت دری مفرد مذکر از بن -māh; §131, §165.n1, §185.IV).

**miθah-** اسم (§156.II) «پلیدی»، متضاد -rāšta: اوستا -miθahya «زشتی» ,-miθaoxta «گفتار دروغ»، سنسکریت -mith «ملاقات (بعنوان دوست یا رقیب)، وارد شدن در ستیزه»؛ مقایسه شود با Hz. ApI 259-61, Kent Lg. 15.169-70، و -hamiçiya.
miθa مفعولی صریح مفرد خنثی DNb 7,9,11.

**miθra-** اسم «دوست»، بعنوان ایزد، «مهر»: عیلامی mi-iš-šá، اکدی mi-it-ri؛ اوستا -miθra، فارسی‌نو «مهر = خورشید»، سنسکریت mitrá «دوست» (§9.VI, §33, §49c, §78, §148.III). مقایسه شود با -vaumisa و احتمالاً -hamiçiya.
mit[ra] فاعلی مفرد مذکر $A^2$Hb; Mitra (§22) $A^2$Sd 4, $A^2$Ha 6; miθra $A^2$Sa 5, $A^3$Pa 25. بعنوان وابستگی (§313.II), mitra $A^2$Ha 5°, miθra $A^2$Sa 4.

**muθ-** فعل، نگاه کنید به -mauθ.

**mudrāya-** صفت «مصری»؛ نیز در حالت جمع، ایالتی از امپراتوری ایران، «مصر»؛ در حالت مفرد مذکر بعنوان اسم، «مصر»، نام ایالتی است: عیلامی mu-is-sa-ri-ia، اکدی mi-ṣir (§6, §76.V).
۱) «مصری»: mudrāya فاعلی مفرد مذکر A?P 19.
mudrāyā فاعلی جمع مذکر DSf 50f,52,55.
۲) بعنوان یک ایالت «مصریان»: mudrāyā فاعلی جمع مذکر DPe 11f.
۳) «مصر»: mudrāya فاعلی مفرد مذکر DB 1.15,2.7°;DNa 27; DSe 26°; DSm 7°; XPh 23.
mudrāyam مفعولی صریح مفرد مذکر DB 1.32,33; DZc 8.
mudrāyā ازی مفرد مذکر DSf 41; DZc 11f.
mudrāyaiy دری مفرد مذکر DZc 9.

**ya-** ضمیر موصولی «که»، تعمیم یافته بوسیله پی‌چسب -ciy (مقایسه شود با Hz. ApI 355-6): اوستا، سنسکریت -ya، یونانی ös، هندواروپایی آغازین

*io- . نیز نگاه کنید به yātā, yaθā, yadā, yadiy, yaniy, yāvā.

ya-ciy فاعلی مفرد خنثی (§105, §130, §197) DNb 57.

ya-ciy مفعولی مفرد خنثی DNb 35, 36.

**yautiyā** اسم «یَاُوتیا»، ناحیه‌ای در پارس: عیلامی ia-ú-ti-ia-iš، اکدی i-ú-ti-ia.

yautiyā فاعلی مفرد مونث DB 3.23.

**yaud-** فعل «در آشفتگی بودن»، بن مضارع -yauda : اوستا-yaoz «جوشیدن» (§88)، بن مضارع -yaoza (Hz. AMI 8.67, ApI 362-5)؛ نه از اوستا -yaod- «جنگیدن»، سنسکریت -yudh، به سبب تمایز و اختلاف در بن مضارع (اوستا yūiδyeiti، سنسکریت yúdhyati؛ JAOS 58.116).

ayauda ماضی استمراری (§213) XPh 31f

(نه āyauda «شورش»، در حالت فاعلی مفرد مذکر، بصورتی که Henning, BSOS 10.505 اختیار کرده و براساس تحریر اکدی رد شده است).

ayauda$^n$ ماضی استمراری سوم شخص جمع (§232.II) DSe 33°.

yau[da$^n$tim] صفت فاعلی معلوم،مفعولی صریح مفرد مونث (§190, §240) DNa32.

**yauna-** صفت «ایونیایی»؛ نیز در حالت جمع، ایالتی از امپراتوری ایران؛ مفرد مذکر، بعنوان اسم «ایونی»، نام ایالتی است: عیلامی ia-u-na-(i)، اکدی ia-ma-nu، یونانی Ἰωνία.

۱) «ایونیایی»: yauna فاعلی مفرد مذکر A?P 26.

yaunā فاعلی جمع مذکر DSf 33f, 48; بعنوان فاعلی مفرد مذکر (§56.III) A?P 23.

۲) بعنوان یک ایالت «ایونیایی‌ها»: yaunā فاعلی جمع مذکر DPe 12f; DNa 29; DSe 27f°; DSm 10°; XPh 23.

۳) «ایونی»: yauna فاعلی مفرد مذکر DB 1.15; DNa 28; DSm 8°.

yaunā ازی مفرد مذکر DSf 42f.

**yāumani-** صفت «آزموده، ماهر»: صفت از -*yauman، با ویژگی vriddhi

(§126, §152.I, §155.III)، از ریشه موجود در سنسکریت yāuti «مهار می‌کند، محکم می‌کند»، مقایسه شود با Hz. ApI 365-6 (نه مطابق با نظر Sen 249، «چابک»، از -yāuman-aina*، مونث -ī). نیز نگاه کنید به .ayāumani-

yāumainiš (§127;Lg. 15.173،با تواردآوایی)فاعلی مفرد مذکر DNb 40.

**yauviyā-** اسم «نهر» (§48): فارسی‌نو «جوی[۲۲]»، مقایسه شود با احتمالاً سنسکریت (ودایی) yavyā «نهر، رود»؛ احتمالاً مشتق (§144.V) از ریشه -ay/i-/yā «رفتن» .(JAOS 62.271)

yauviyā فاعلی مفرد مونث DZc 10.

yaviyām مفعولی صریح مفرد مونث DZc 8f, 12.

**yakā-** اسم (§6,§143.IV) نوعی چوب («بلوط» Scheil 25.28، در این صورت، واژه دارای خویشاوند نیست، Bv. BSLP 30.1.61؛«سرو افغانی» König, Burgbau 54-61؛«توت» Wb. AfoF 7.42 ؛ «ساج» Hz.AMI 3.61-2؛ بدون تردید در مجموع «الوار» معنی نمی‌دهد، چنانکه از سوی Gray, AJP 53.68 اختیار شده است).

yakā فاعلی مفرد مونث DSf 34.

**yaciy** نگاه کنید به -ya.

**yātā** حرف ربط و حرف (اضافه) پیشایند؛ احتمالاً yā در حالت بایی مفرد خنثی، و یا ya-t در حالت ازی مفرد خنثی از -ya بعلاوه -tă همانگونه که در citā دیده می‌شود، نگاه کنید به مدخل مربوطه (به اشتباه در Sen 11).

۱) حرف ربط (§294) «تا» : DB 1.25,54,69;2.28,48,63; DNa 51; DNb 23; DSf 24; XPh 45f. 'زمانی که' DB 4.81.'درحالی‌که' DB 2.6;3.77.'مادامی که' DB 4.51.

۲) «تا»، حرف (اضافه) پیشایند با حالت دری : DSf 32, 34.

---

۲۲. واجنویسی کنت: jōi، که می‌باید بصورت jūy واجنویسی می‌شد. در مورد واج /ō/ نگاه کنید به یادداشت مربوط به -kaufa

۳) حــــرف (اضــــافه) پـــیشایند مـــضاعف yātā ā بـــا حــــالت ازی (نه،با حالت مفعولی صریح چنانکه از سوی Schwentner,ZII 6.173 اختیار شده است)، «تا»: Dph 6,7; DH 5,6.

**yaθā** حرف ربط: اوستای گاهانی yaθā، اوستای متاخر yaθa، سنسکریت yáthā؛ ضمیر موصولی -ya بعلاوه پسوند قیدی thā-(§113) (§76.II, در هندی باستان به یک فعل بجز زمان حال التزامی که در فراکردهای زمان، زمان آینده را نشان می‌دهد، نیاز دارد (DNb 28f)؛ جزئیات نحوی، §295.

۱) «چنانکه»: DB 1.23 (yaθā-šām), 63, 67, 69; 4.35, 52; 5.17°, 29, 33°; DNa 37; DSj 3; DZc 11°, 12.

۲) «بعلاوه، و...هم»، فراکردهای قیاس: DNb 39 (Hz. ApI 362 به اشتباه در).

۳) «هـــــنگامی‌که»: CMb 3; DB 1.31, 91°; 2.22, 65; 3.34; DNb 28f (yaθā-maiy); DSi 3; XPf 25, 32 (yaθā-maiy), 36; XPh 29 (yaθā tya).

۴) «پس از»، پیشایند یا پسایند، با pasāva: DB 1.27, 33, 72, 73; 2.32, 52; 3.3; 4.5; 5.3; DNa 31f; DSf 25; XSc 3°.

۵) «که»، آغازگر فراکرد مفعولی: DB 4.44.

۶) «برای اینکه»، آغازگر فراکرد نتیجه: DB 1.70; DSe 35, 39.

۷) «زیرا»: DB 4.63.

**yad-** فعل «تکریم کردن، پرستیدن»، معمولاً میانه: اوستا yazaite، سنسکریت yájati، یونانی aζεται، هندواروپایی آغازین -*iaĝ (§88, §113). نیز نگاه کنید به āçiyādiya-, āyadana-, bāgayādi-, [2]yadā.

yadataiy میانه (§213, §235.I) XPh 53.

ayadaiy ماضی استمراری میانه اول شخص مفرد (§233. III) DB 5.16,32; DSf 18°; DSk 5; XPh 40f.

ayadiya ماضی استمراری مجهول (§220) DB 5.16, 32.

ayadiya$^n$ ماضی استمراری مجهول سوم شخص جمع (§220,§232.II) XPh 36,40.

yadātaiy التزامی میانه (§222.II,§235.I) DB 5.19,34f.
yadaišā تمنایی میانه دوم شخص مفرد (§223.II, §234.II)XPh 50.
yadiyaiša$^{n}$ XPh 39.
(§220,§223.II,§232.III؛ مکتوب بصورت y$^{a}$d$^{a}$iy$^{a}$iš$^{a}$ ،§55.I، مقایسه شود با ogden ap. JAOS 58.325؛ تمنایی مجهول سوم شخص جمع (Hz. AMI 8.67, ApI 357-8 نه yadiyaiš تمنایی میانه دوم شخص مفرد از نظر Wb. Symbolae Koschaker 196، و نه آینده مجهول از نظر Hz. AMI 8.67, ApI 357-8).

**yadā-**[1] حرف ربط «جایی‌که»: اوستای گاهانی yadā، سنسکریت yadā؛ احتمالاً ضمیر موصولی خنثی آریایی آغازین *iad بعلاوه حرف (اضافه) پسایند ā.
yadā-tya XPh 35f (§133, §296; مقایسه شود با ← yaθā tya XPh 29);
yadāyā XPh 39
(شاید اشتباه در نوشتار، §55.I؛ اما مقایسه شود با Hz. AMI 8.66, ApI 358, Nyberg Rel. 477-8).

**yadā-**[2] اسم «یدا»، احتمالاً «انشان» (بطوریکه در ترجمه عیلامی an-sa-an-mar 3.3 که بوسیله کامرون قرائت گردیده، مشاهده شده است؛ مقایسه شود با §166.n2): نه اسم معنی -yadā «وفاداری» از ریشه -yad (نگاه کنید به مدخل مربوطه)، بطوریکه معمولاً پنداشته می‌شود
(نیز به اشتباه ← Foy, KZ 35.43; Hüsing, OLZ 8.513-6; Hz. ApI 244-9;Nyberg,Rel.477-8). **A**
yadāyā ازی مفرد مونث (§141,§175) DB 3.26.

**yadiy** حرف ربط «اگر، زمانی‌که»: اوستا yeiδi، سنسکریت yádi: احتمالاً ضمیر موصولی خنثی آریایی آغازین *iad بعلاوه ادات اشاره -i، نحو §297.
۱) «اگر»، باوجه التزامی : DB 4.38f, 54, 57, 72f, 77; DPe 19, 22; DNa 38 (yadi-patiy);DNb 29 (yadivā;مقایسه شود با ← Hz. ApI 359); XPh 47 (yadi-maniyāiy; §44,§52.VI);باوجه تمنایی ← DNb 20f; بازمان حال اخباری ← DNb 25 (yadi-vā).
۲) «زمانی‌که»، با ماضی استمراری وجه اخباری: DB 1.38, 5.23, DSf 14; «هر وقت»، با زمان حال اخباری ← DNb 38f, 39.

**yāna-** اسم «لطف، موهبت»: اوستا -yāna؛ مشتق از -yam، احتمالاً -ya* از -im*، با بلندا و پسوند -na-(§147.I).

yānam فاعلی مفرد خنثی DB 5.19, 35.

yānam مفعولی صریح مفرد خنثی DPd 21, 23; XSc 4°.

**yaniy** حرف ربط «زمانی‌که، هر زمان»: حالت دری مفرد خنثی ya^h^mi* (= سنسکریت yásmi-n، اوستا yahmy-a «زمانی‌که») از بن ضمیر موصولی -ya، همراه با -n- در برابر yanā* در حالت بایی مفرد خنثی، مقایسه شود با tyanā در حالت بایی مفرد خنثی، از -tya (باحتمال بسیار ضعیف yanaiy در حالت دری، ساخته شده روی بن -yana، بیرون آمده از yanā* در حالت بایی مفرد خنثی، بگونه‌ای که از سوی Bthl. AiW 1262 اختیار شده است؛ نه صورت اشتباه نوشتاری بجای tyanaiy، همانگونه Müller, WZKM 7.112 پنداشته است؛ نظریه‌های دیگر در Tm.Lex.120، نگاه به مدخل مربوطه). نحو §296.

XV 22.

**yam-** فعل «دست درازی کردن، تصرف کردن»: اوستا-yam، مضارع yasaiti، سنسکریت -yam، مضارع yácchati، فارسی‌باستان بن مضارع -yasa، هندواروپایی آغازین -im-sk̑e*. نیز نگاه کنید به -yāna.

ā+yam- «برای خود گرفتن»: āyasatā «دست درازی کردن،(میانه)» ماضی استمراری میانه (§97, §212,§235.II) DB 1.47;3.4, 42f.

**A** در مورد ساخت صرفی a]tīya[si]ya]، نگاه کنید به پیوست.

**A** ni- + yam- «ارزانی داشتن،فروفرستادن»: nīyasaya «فروفرستادن»(وجه سببی) ماضی استمراری وجه سببی (§23.I, §140.III,§215) DNb 5,46,49 (Jn.JAOS 38.123-4; MB Gr. §199; Johnson, Gr. §478b; Hz.ApI 359-61).

**yāvā** حرف ربط «تا زمانی‌که»، حالت بایی مفرد خنثی از -yāva*، گسترش ضمیر موصولی هندواروپایی آغازین -io*، آریایی آغازین -ia*، مقایسه شود با

سنسکریت yāvat، اوستا yavata، یونانی $\varepsilon\omega s$ (از *iāuos)؛ به احتمال ضعیف از *yāvaᵗ ā برابر با اوستای گاهانی (یسنا۴۳ بند۸) yavat ā، همراه با ادغام (Wackernagel, KZ 46.275-80) با وجه التزامی برای نشان دادن زمان آینده(§298)
DB 4.71,74,78

**rā-** فعل «دادن، مستقل کردن، پخش کردن»: اوستا -rā «دادن، بخشیدن» (Bthl. AiW 1518)، سنسکریت و دایی rāti.
.(Cam. JCS 5.51; Kent JCS 5.55, JAOS 72.13)

**A** rādiy امر دوم شخص مفرد (§237.I) DB 4.54.

**raucah-** اسم «روز»: اوستا -raočah «روشنایی»، پهلوی rōč، فارسی‌نو «روز[۲۳]»، سنسکریت -ròcas «روشنایی»، هندواروپایی آغازین *leuqos (§70,§107,§156.II)، مقایسه شود با یونانی، صفت $\lambda\varepsilon\upsilon$kò-s «روشن».
rauca فاعلی مفرد خنثی (§119,§185.I) DB 3.8.
rauca-pati-vā (§99, §133) مفعولی صریح مفرد خنثی DB 1.20.
raucaibiš بایی جمع خنثی (§119,§185.I) DB 1.38, 42, 56, 89f,
96;2.26,36,42,47,56,69f,98°;3.18f,39,47,63,68,88f.

**rautah-** اسم «رود» (§166): فارسی‌نو «رود[۲۴]»، سنسکریت -sròtas «جریان آب، رودخانه»، هندواروپایی آغازین (§118.II,§156.II) از ریشه -*sreu «جاری شدن»؛ همانند اوستا -θraotah با ویژگی سندهی در آغاز
.(Bthl. Gdr. IP 1.§87.n2, AiW 800)
rauta ساخت بی‌تسلسل در عبارت نامگذاری، فاعلی مفرد خنثی
(حالت وابستگی ـ ازی، ازبن) به اشتباه← raut-,Mt.MSLP 19.56-7,MB Gr.§167,§316) DZc 9.

---

۲۳. واجنویسی کنت : rōz، که باید بصورت rūz واجنویسی می‌شد. در مورد واج /ō/، نگاه کنید به یادداشت مربوط به -kaufa.

۲۴. واجنویسی کنت rōδ است که باید بصورت rūd واجنویسی می‌شد زیرا در فارسی‌نو /ō/ به /ū/ و /δ/ به /d/ تبدیل شده است.

**raxā** اسم «رخا»، شهری در پارس: عیلامی rak-qa-an (§100).
raxā فاعلی مفرد مونث DB 3.34.

**raxθatuv-** DNb 60 ، وجه امری فعلی، بدون ریشه‌شناسی و معنی مشخص (§76.II, V,§103.III, §213, §237.II)، احتمالاً «زدن، تنبیه»، مقایسه شود با تحریر اکدی (Lg.15.174 ؛ نیز نگاه کنید به Hz.ApI 284-5).

**ra^n ga-** اسم «سرعت، شتاب»: اوستا -rang «سریع، به سرعت رشد کردن» (Bthl. AiW,1511)، سنسکریت rahate «شتاب می‌کند، تسریع می‌کند». -rahas خنثی «سرعت، شتاب» (برای پیوستگی‌های بیشتر، نگاه کنید به Uhlenbeck, Wrtb.d. altind. Sprache 241).
ragam مفعولی صریح مفرد خنثی (یا مفعولی صریح مفرد مذکر؟) بعنوان قید (§143.I, §191.III) DB 4.44
احتمالاً با تحول به «مشتاقانه» یا «با اطمینان».

**ragā-** اسم «رگا»، ناحیه‌ای در ماد: عیلامی rak-qa-an، اکدی -ra-ga'، یونانی Ῥάγης اکنون شهر «ری» نزدیک تهران.
ragā فاعلی مفرد مونث DB 2.71f.
ragāyā ازی مفرد مونث DB 3.2f.

**raθa-** اسم «گردونه» (§76.II, §143.III)، نگاه کنید به -uraθa.

**[1]rad-** فعل «رها کردن»: سنسکریت -rah، مضارع rahati «جدا می‌کند، رها می‌کند»، از هندواروپایی آغازین -regh*، اوستا -razah «جدایی»، یا از هندواروپایی آغازین -redh*، فارسی‌نو (از طریق پهلوی اشکانی) «رَهَد»؛ Fr. Müller, WZKM 11.203-4; Foy, KZ 37.564-5;Bthl.AiW 1505;MB Gr. §192
وجه تاکیدی دوم شخص مفرد avarada: «رها کردن، ترک کردن» -ava- +rad (§213, §224, §227.II, §237) DNa 60.

**[2]rad-** فعل «فرمان دادن»، اوستا -raz، سنسکریت -rāj «سلطنت کردن»، لاتین regō «من

فرمانروایی می‌کنم، حکومت می‌کنم»، هندواروپایی آغازین *-reg ؛ در ,-uradana
.-rāsta

**rādiy** حرف (اضافه) پسایند (133§) «به سببِ»، با حالت وابستگی: فارسی‌نو «را»، حرف (اضافه) پسایند پی‌چسب در «چرا»، نیز اداتی برای کاربردهای گوناگون، معمولاً وندی برای مفعول صریح جهت تصریح؛ سلتی و ساکسونی کهن radi، حرف (اضافه) پسایند با حالت وابستگی، «به سببِ»؛ حالت دری مفرد از -rād (188.III§)، از ریشه موجود در سنسکریت -rādh «موجب شدن، کامل کردن» (نه از -rad², هندواروپایی آغازین *-reg، از نظر Hz. ApI 280). DNb 9,10f؛ نیز در avahyarādiy، نگاه کنید به مدخل مربوطه.

**ram-** فعل «در آرامش بودن»، با پیشوند ā، در -ariyāramna، نگاه کنید به مدخل مربوطه.

**rasa-** بن مضارع فعل، نگاه کنید به -ar.

**rāsta-** صفت «راست، درست، حقیقی»، با حالت خنثی بعنوان اسم؛ وجه وصفی از -rad²: اوستا -rāšta، پهلوی ترفانی rāšt «حقیقی»، لاتین rēctus «راست»، هندواروپایی آغازین-*rēkto (§93,§93.n1.2,§106,§122, §126, §242.II).
مقایسه شود با arštā.

rāstām مفعولی صریح مفرد مونث DNa 59.
rāstam مفعولی صریح مفرد خنثی ;DNb 11 فاعلی مفرد خنثی DNb7.

**rtaiyaiy...** نگاه کنید -vart.

**labanāna-** (یا -labnāna)اسم «لُبنان» (107§ ,6§)، کوهی در سوریه که برای درختان سدرش شهرت دارد.
labanāna فاعلی مفرد مذکر DSf 31.

**-vā** حرف ربط پی‌چسب «یا» (291.III§ ,133§)؛-vā...-vā «یا... یا...»: اوستا vā، سنسکریت vā، هندواروپایی آغازین *uē، مقایسه شود با لاتین -ve.

xšapa-vā rauca-pati-vā DB 1.20.
hya-vā DB 4.68.
imai-vā DB 4.71,73,77.
yadivā DNb 25, 29.

**vaina-** بن مضارع فعل «دیدن، (میانه) بنظر آمدن»: اوستا-vaēna، فارسی‌نو «بیند»، سنسکریت vèda «می‌داند»، vindáti «می‌یابد»، لاتین videt «می‌بیند»، vidētur «بنظر می‌رسد»؛ آریایی آغازین -uaidna*، ایرانی آغازین *uaina- (§69,§83.I,§130,§210.III;Reichelt, Aw. Elmb. §157). نیز نگاه کنید به -vidafarnah.

vaināmiy اول شخص مفرد (§226.I)DNb 36, 36f, 39, 40.
avaina ماضی استمراری DB 2.76, 90; DNa 32.
vainataiy میانه بعنوان مجهول (§235.I)DNb 2; XPa 16.
vaināhy التزامی دوم شخص مفرد (§37, §222.II, §227.I) DB 4.70, 73, 77; DNb 29.
vainātiy التزامی (§222.II) DSj 5°.
vainātaiy التزامی میانه بعنوان مجهول (§222.II) DNb 35.

**va^h^u-** صفت «خوب» (§11, §153.I)؛ خنثی بعنوان اسم «بهی، بهی (دینی)»: اوستا، فاعلی مفرد مذکر vaηhuš، فاعلی مفرد خنثی vohu، سنسکریت، فاعلی مفرد مذکر vásuṣ، فاعلی مفرد خنثی vásu، هندواروپایی آغازین -uesu*، در vahauka-, vahyazdāta- ،dārayavau-, vaumisa-.

**va^h^umisa-** اسم «وَاُومیس»، یکی از سرداران داریوش: عیلامی ma-u-mi-iš-šá، اکدی ù-mi-is-si، یونانی (پلوتارخ) Ωμισης؛ بصورت مرکب -va^h^u و -miθra «دوست» (§49c, §78, §148.III): «دوست خدا»(§160.Ib;cf.MB Gr.§51).
vaumisa فاعلی مفرد مذکر DB 2.49,51,62.
vaumisam مفعولی صریح مفرد مذکر DB 2.53,58.

**vaxš-** فعل «رشد کردن»، نگاه کنید به -uvaxštra.

**vaj-** فعل «(چشم) در آوردن»، مقایسه شود با JAOS 62.274: ریشه‌شناسی نامعلوم (برابرهای مشکوک از سوی Foy, KZ 35.39 و Bv. Origines 7).

avajam ماضی استمراری اول شخص مفرد (§213) DB 2.75, 89.

**vaçabara-** اسم «کمانور» (JNES 4.233) : -vaça «کمان» (§78, §148.III؛ پیوستگی‌های غیر قطعی در Wb. AbkSGW 29.1.42، و نیز در Bv.Gr. §105) بعلاوه -bara (§160.Ia)، از ریشه -bar «بردن».

vaçabara فاعلی مفرد مذکر DNd 1.

**A** **van-** فعل «چیره شدن، انباشتن»: اوستا -van «برتری یافتن»، مضارع vanaiti (-¹van Bthl. AiW 1350؛ مقایسه شود با JAOS 53.15-6, Wb.AfoF 7.41, Hz. ApI 346-7)، سنسکریت vánati «آرزو می‌کند، با تلاش بدست می‌آورد»،گوتیک winnan «دچار بودن»، انگلیسی نو win.

avaniya ماضی استمراری مجهول (§220) DSf 25.29

(نه akaniy چنانکه از سوی Scheil 21.26;König, Burgbau 32 ;Hz. AMI 3.49, 54;Schaeder, Ung.Jrb. 15.562 قرائت شده است).

**vayam** ضمیر فاعلی جمع «ما». نگاه کنید به adam.

**vāyaspāra-** اسم «وایَسپار»، پدر ویندفرن: عیلامی +-mi-iš-par، اکدی -mi-is-pa-ru’ بنابر Foy, KZ 35.63، -vayat «بافندگی» (§162,§240)، با ویژگی vriddhi (§126) بعلاوه -spāra «محافظ» (§116 §143.III) «مردی با محافظ حصیری» (§163.Ib)؛ مقایسه شود با اوستا -spāra-dāšta چنانچه معنی «سپر در دست» بدهد (لقب aši؛ معنی مزبور نامناسب بوده و بنابراین ریشه‌شناسی از سوی Bthl. AiW 1358-9 رده شده است).

vā[ya]sp[āra]hyā وابستگی مفرد مذکر DB 4.83.

**var-** فعل «پوشاندن، محافظت کردن؛ (میانه)گزیدن، متقاعد کردن»: اوستا -var، مضارع -vərənav (از -¹var, ²var, ⁴var Bthl. AiW 1360-3 و احتمالاً -³var،

از نظر ساخت و معنی قابل کاهش به یک ریشه هستند)، سنسکریت vṛṇòti، گـوتیک warjan «واگـردانـدن»، لاتـین operit «مـی‌پوشاند» (از -op-uer*)؛ فارسی‌باستان، بن مضارع -varnava (§30, §210.I)، بصورت تماتیک. نیز نگاه کنید به -duvarθi-, fravarti.

varnavataiy میانه (§235.I) DNb 23.

avar[navatā] ماضی استمراری میانه (§235.II) DSf 17 (Hz. AMI 3.43; Kent, JAOS 53.ll).

varnavātaiy التزامی میانه (§222.III) DB 4.49.

varnavatām امر میانه (§237.IV) DB 4.42,53.

**vāra-** اسم، نگاه کنید به -uvārazmī.

**varka-** اسم «گرگ»، نگاه کنید به -varkāna.

**varkāna-** اسم «گرگان»، ناحیه جنوب شرقی دریای کاسپین[۲۵] (§166.I): عیلامی mi-ir-qa-nu-ia-ip «گـــرگانی‌ها»، پـهلوی و فـارسی‌نو «گـرگان»، یـونانی γρkavιā (§30,§99,§107)؛ «سرزمین گرگ»، مشتق از هندواروپایی آغـازین *ulqᵘo-، اوستا-vəhrka،سنسکریت -vṛka، لیتوانیایی vilkas، گـوتیک wulfs (§143.III) : نیز نگاه کنید به -varkazana.

varkāna فاعلی مفرد مذکر DB 2.92f.

**varkazana-** صـفت «وَرکَزنَ»، هشـتمین مـاه، بـرابـر بـا اکـتبر ـ نـوامـبر: عـیلامی marqaṣanaš، اکدی araḫsamna. از -varka «گرگ» (§143.III) بعلاوه -zana «مرد» (§9.IV, §88, §120): «ماه گرگ مردان» (§161.IIb). **A**

[varkazanahya] وابستگی مفرد مذکر DB 3.88

بازسازی شده پس از صورت عیلامی (نگاه کنید به Wb. KIA 56-7؛ a نخست یا سوم ممکن است بلند بوده باشد).

---

۲۵. = دریای خزر

**varga-** اسم، نگاه کنید به -haumavarga.

**vart-** فعل «گرداندن»، متعدی در حالت معلوم، انعکاسی، یا لازم در حالت میانه: اوستا -varət، سنسکریت -vr̥t، مضارع vártati, vártate، لاتین vertit، آلمانی werden «شدن»، هندواروپایی آغازین -uert*.
[va]rtaiyaiy وجه سببی میانه اول شخص مفرد (§31, §48, §215, §233.II; JAOS 62.275,63.67-8) DB 4.44
(قرائت کامرون؛ نه -[upāva]rtaiy = upa- + ā + vart با تکرار اشتباه در tᵃiyᵃiyᵃ، چنانکه از سوی Tm.Vdt. Stud. 1.30-1,Lex. 122 پیشنهاد شده است؛ برای بازسازی‌های دیگر نگاه کنید به Gray JAOS 23.60-2, (Bthl. WZKM 22.69, Wb.ZDMG 61.728,HK Phil.Nov.3.103,ApKI 1.61,2.28

**vard-** فعل «کارکردن»: اوستا -varəz، یونانی ϝεργον «کار»، آلمانی werk، هندواروپایی آغازین -uerg*؛ در -artavardiya.

**vardana-** اسم «شهر»: اوستا -vərəzəna، اوستای متاخر -varəzāna «اجتماع»، سنسکریت -vr̥jána «فضای بسته»، هندواروپایی آغازین -ur̥geno* (§30, §147.I)، از ریشه -uerg*، سنسکریت -vr̥j، یونانی εργω «من می‌بندم» (برای بحث ریشه شناختی، با نظری دیگر، نگاه کنید به Hall, Lg. 12.297-9).
vardanam فاعلی مفرد خنثی DB 1.92;2.9°, 22, 66, 95f; 3.5, 22,34, 51f; DSe 45f.

**vasiy** قید (§191.III) «مطابق میل، بسیار زیاد، کاملاً»؛ بعنوان اسم تصریف ناپذیر «بسیار»: پهلوی ساسانی vas، فارسی‌نو «بس»؛ حالت دری اسم ـ ریشه -vas (§9.VI, §87, §142) از ریشه هندواروپایی آغازین -uek̑*، اوستای گاهانی vasəmi «من آرزو می‌کنم»، یونانی (کِرتی) ϝεκων «مشتاق»؛ با احتمال کم vasaiy (§97)، حالت دری از بن تماتیک -vasa (-uek̑-sk̑e*، بنابر MB Gr. §114)، از بن زمان حال همان ریشه. نیز نگاه کنید به vašnā.
DB 1.34, 51, 89, 95; 2.26, 36, 41, 46, 55, 61, 69, 98°; 3.7, 18,

39, 46, 63, 68; 4.46, 56, 75; 5.25°; DNb 26f; DSe 31°, 43; XPa 13; XPf 26, 37; XPg 3f; XV 19.

**vašdāsaka** واژه‌ای نامشخص در Sc، احتمالاً نام مردی است (§163.VII).

**vašnā-** اسم «خواست، لطف»: اوستا-vasna : مشتق (§96, §147.I) از ریشه -vas «آرزو کردن»، نگاه کنید زیر مدخل vasiy(Mt. MSLP 17.354-6; Hz. ApI 349.52؛ بن -vašnaبنابر MB Gr. §267 و Bthl. AiW 1893، و نه -vasan ازنظر Sen 5).
vašnā بایی مفرد مذکر AmH 7; AsH 10; DB 1.11, 13f, 18, 22, 26, 59f, 68, 70, 88, 94°; 2.3°, 25, 35, 40, 45, 54, 60, 68, 86, 97; 3.6, 17, 37f, 45, 62, 67, 87; 4.4, 6, 41, 46, 52, 60, 88; 5.16, 32; DPd 4, 9; DPe 6; DNa 16, 35, 49; DNb 6, 47; DSa 4; DSd 3; DSe 15, 34, 42; DSf 12, 21°; DSfv 55f; DSi 4; DSj 5; DSI 2; DSm 5; DSo 3°; XPa 11, 16; XPb 26; XPc 10; XPd 16; XPf 34, 43; XPg 2f, 7f (vašnā[pi]y از نظر§139 → Bv. BSLP 34.1.33, بیشتر از → vašnā[ci]y Lg. 9.229-30); XPh 14, 33, 36f, 44; XSa 1; XV 18f; A¹Pa 18°; D²Sb 4°; A²Sa 4°; A²Sd 3; A²Ha 5; A²Hc 16.

**vazraka-** صفت «بزرگ»: فارسی‌نو «بزرگ»؛ مشتق از -vazra*، اوستا-vazra «گرز»، سنسکریت -vájra «آذرخش ایندرا»، هندواروپایی آغازین -uegro*، از ریشه -ueg* «نیرومند بودن»، سنسکریت vajati، لاتین veget (§9.III, §88, §120, §128, §143.II, §146.II, §154.I). برای -zra-، مقایسه شود با Bv. Origines 15، در برابر -vazṛka و -vazarka، مقایسه شود با Schaeder, SbPAW 1935.489.nl. و W.Henning, GN 1932.224.An8

vazraka فاعلی مفرد مذکر AmH 1,7; AsH 1, 6; CMb 1°; CMc°; DB 1.1; DBa 1; DPa 2; DPb; DPd 1; DPe 1f; DPh 1; DNa 1,8f; DNb 1; DSa 1; DSb 3; DSc; DSd 1; DSe 1°, 8°; DSf 1°, 6; DSg 1°; DSi 1; DSj 1; DSk 1; DSm 1; DSp 1°;DSs 1°; DSy 1;DZb 1; DZc 1,5;

DE 1,13; DH 1; XPa 1,6; XPh 1, 13, 23; XPc 1, 6,10; XPd 1,9, 15f; XPe 1f; XPf 1, 9; XPg 2; XPh 1, 7; XPj;XSc 1°; XE 1, 13; XV 1, 10; $A^1$Pa 1°, 10°, 18°; $A^1$I; $D^2$Sa 2;$D^2$Sb, 1°; $A^2$Sa 1; $A^2$Sb; $A^2$Sc 2; $A^2$Sd 1; $A^2$Ha 1; $A^2$Hb;$A^2$Hc 1, 7f; $A^3$Pa 1, 9; Wa 4f; Wb 2; Wc 3; Wd 3; SXa 2; XVs; AVsa.

vazrakam مفعولی صریح مفرد خنثی DSf 11; DSm 4; DZc 4.

vazrakāyā دری مفرد مونث DNa 12; DSe 10f; DZb 4; DZc 6; DE 18; XPa 9; XPb 18; XPc 8; XPd 12; XPf 12f; XPh 10; XE 17f; XV 13f; $A^1$Pa 13f; $A^2$Hc 17.

**vah-** فعل «اقامت کردن»، نگاه کنید -āvahana.

**vahauka-** اسم «وَهَـاُوک»، پدراردومـنیش: عـیلامی ma-u-uk-qa، اکـدی ù-ma-ah-ku. صورت مصغر اسمی که با -$va^hu$ «به» آغاز می‌شود، همراه با ویژگی guna در هجای دوم و پسوند-ka-(§146.II, §153.I, §164.III)؛مقایسه شود باBthl.AiW .1394-5

vahau[kah]y[ā] وابستگی مفرد مذکر DB 4.86.

**vāhara-** اسم «هنگام بهار»، نگاه کنید به -θūravāhara.

**vahyav$^i$šdāpaya** (§22)، واژه‌ای نامشخص در Sd، احتمالاً نوشتار مخدوش نام یک مرد (§163.VII).

**vahyazdāta-** اسم «وهیزدات»، شورشی پارسی: عـیلامی mi-iš-da-ad-da، اکـدی ù-mi-iz-da-a-tù. از -vahyah «بـهتر» (§120, §156.III)، اوسـتا -vaŋhah، سنسکریت -vásyas، ترکیب فارسی‌باستان -$va^hu$ (§190.II)، بعلاوه -dāta «قانون»: «پیرو قانون بهتر (=ایمان حقیقی)» (§161.IIa).

vahyazdāta فاعلی مفرد مذکر DB 3.22, 35, 41, 54, 60, 70f; 4.26; DBh If.

vahyazdātam مفعولی صریح مفرد مذکر DB 3.27f, 48, 50.
vahyazdātahya (§36.IVc) وابستگی مفرد مذکر DB 3.38f, 46.

**vi-** پیشوند «دور از، جدا»: اوستا vī، سنسکریت vi؛ با ریشه فعلی kan-, jan-, tar-, naθ-, mard- و احتمالاً در اسامی vidarna-, vivāna-, vištāspa- و صفت viyaxna-.

**viθ-** اسم «خانه، دربار، خانواده سلطنتی» (JNES 4.232): اوستا vīs- «خانه اربابی»، سنسکریت viś- «خانه، مسکن»، یونانی oikos «خانه»، لاتین vīcus «دهکده» (§22, §87, §114, §142). صرف §188.IV, V.
viθam مفعولی صریح مفرد مونث AsH 12f; DPe 24; DPh 10; DNa 53; DSe 51; DSt 9°; DH 8; XPh 58; A²Hc 20.
vⁱθam مفعولی صریح مفرد مونث DB 1.69, 71.
vⁱθā-patiy بایی مفرد مونث (Foy, KZ 35.37-8, 37.556; Hz. ApI 352-4) DB 2.16°; 3.26.
viθiyā دری مفرد مونث CMb note: DPc; DPi; DNb 30; DSg 3°; XPi°; XH; A¹I. vⁱθi[yā] DB 4.66.
vⁱθbiš-cā «خانه‌ها» DB 1.65 بایی جمع مونث (§87, §188.V) بجای مفعولی صریح جمع مونث (§252.I) Gray, JAOS 33.281-3; Morgenstierne, برای نظرهای گوناگون؛ Tm. Lex.125-6)، Acta Or. 1.248-9; به اشتباه Sen 23، با معنی ازی).

**viθa-** صفت، احتمالاً «سلطنتی، از خاندان سلطنتی»، از viθ- «دربار» (§143.II: Tm. Lex. 125; MB Gr. §282)؛ اما براساس ترجمه اکدی ممکن است به معنی «همه» از visa- «همه» باشد (Wb. KIA 81n.).
viθaibiš بایی جمع مذکر DPd 14, 22. 24.

**viⁿdafarnah-** اسم «ویندفرن»، نام یک پارسی، پیرو داریوش علیه گئوماتا: عیلامی mi-in-da-par-na اکدی '+-in-+-+-na-'، یونانی Ἰνταφέρνης از vindat- «یافته» (§111, §162, §211, §240)؛ مقایسه شود با فارسی باستان vaina-،

§83.I)، سنسکریت vindáti «می‌یابد»، بعلاوه -farnah «فرّه» با -f مادی (§9.II, §9.n2, §118.IV؛ وام گرفته از آرامی -farna)، اوستا -xᵛarənah «شکوه شاهی»، هندواروپایی آغازین *suel-nos (§29.n2, §31, §107, §156.II)، مقایسه شود با یونانی σελas (*suel-n̥s) «درخشش»، سسنکریت svár «خورشید»: «یابنده فره»

(Foy, KZ 35.5n; Mt. MSLP 17.107-9; MB Gr. §104; Morgenstierne, Acta Or.1.249-50; Andreas ap. Lentz, ZII 4.288; Bv. BSLP 31.2.72-6).

نظر دیگر در مورد-farnah: Bailey, Zoroastrian Problems 1.77, esp.1-3, 73-7, در اصل «چیز بدست آمده یا آرزو شده»، جاییکه «چیز(های) خوب، نیکبختی، بخت» مطرح باشد، از آریایی آغازین -suar*، اوستا -xᵛar «بدست آوردن، خوردن، بویژه خوردن غذا».

vidafarnā فاعلی مفرد مذکر DB 3.84, 86, 88; 4.83.

**vidarna-** اسم «ویدرن»، نام یک پارسی، پیرو داریوش علیه گئوماتا: عیلامی mi-tar-na، اکدی ’-ù-mi-da-ar-na، یونانی Ὑδάρνης. احتمالاً -vi «جدا از» بعلاوه -dar- «داشتن» درمعنی «حمایت کردن، امنیت» (§31,§147.I,§164.II, IV). مقایسه شود با اوستا -vi-dar «نگهداری کردن، حمایت کردن»، -darana- «دژ، محل پناه بردن» (Bthl. AiW 692)، سنسکریت -vi-dhṛ «نگهداشتن، نگهداری کردن، حمایت کردن»، -vìdharaṇa «کنترل، حمایت»؛ نیز Justi, INB 491 (باحتمال بسیار ضعیف از سنسکریت -vidīrṇa «پاره شده» ،از نظر Bthl. AiW 1443)؛ احتمالاً صورت کوچک شده یک ترکیب (§164.III).

vidarna فاعلی مفرد مذکر DB 2.19, 21; 4.84.

**viyaxna-** صفت «وی یخَن»، ماه دوازدهم، برابر با فوریه ـ مارس: عیلامی mi(ia)kannaš، اکدی addāru، احتمالاً -vi بعلاوه جزء ناشناخته (§103.III, §126, §147.I, §165)، گرچه Cameron, Pers. Treas.Insc. 45 اشاره می‌کند که واجنویسی‌های بسیار متداول عیلامی بیشتر صورت -vīyxana را نشان می‌دهند (مقایسه شود با §23.I)، احتمالاً از vi بعلاوه -xan برابر با

سنسکریت -khan «کندن» (مقایسه شود با فارسی‌باستان -kan) به معنی «(ماه) حفاری»، متناسب با فعالیت‌های کشاورزی ماه فوریه ـ مارس.

viyaxnahya (§36.IVa) وابستگی مفرد مذکر DB 1.37; 2.98; 3.68.

**vivāna-** اسم «ویوان»، نام یک پارسی، شهربان رخج: عیلامی mi-ma-na، اکدی ’-ù-mi-ma-na؛ احتمالاً از -vi بعلاوه ریشه -van (§126,§143.I,§164.II,IV) «فاتح، برنده» (باحتمال بسیار ضعیف -vivahana*، مرتبط با اوستا -vī-vah-vant پدر جم، سنسکریت -vivásvant §131؛ علیرغم (Bthl. AiW 1452, Hz. AMI 1.83.n2).

vivāna فاعلی مفرد مذکر DB 3.55, 73.

vivānam مفعولی صریح مفرد مذکر DB 3.58, 60, 65,71.

**visa-** صفت «همه»: فارسی‌باستان (مادی) -vispa، اوستا -vīspa، سنسکریت -víśva، آریایی آغازین -uišua* (§90) در برابر هندواروپایی آغازین -uĭko* (سلتی و ساکسونی کهن vĭsĭ «همه») پس از -ua- در (سنسکریت) -sárva (نگاه کنید به فارسی‌باستان -haruva; §150). نیز نگاه کنید به -visadahyu و مقایسه شود با viθa-, vispa-.

visahyā وابستگی مفرد مذکر DSa 5; DSj 6.

visam فاعلی مفرد خنثی DSj 2°, 4°; DSl 5.

visam مفعولی صریح مفرد خنثی DNa 49; DSf 21; DSi 4°; XPa 16; XPb 25f; XPf 42; XPh 44.

visā بایی مفرد مذکر (Cam. JCS 5.53-4) DB 5.24.

**visadahyu-** صفت «از یا برای تمام سرزمین‌ها یا ایالت‌ها» (§161.IIa): وام‌واژه در عیلامی mi-iš-šá-da-a-ḫu-iš و (با -vispa مادی) اکدی -u-’- iš-pi-da-a-’-i؛ -visa «همه» بعلاوه -dahyu «سرزمین، ایالت».

visadahyum مفعولی صریح مفرد مذکر (§53, §183.II) XPa 12.

**vispa-** صفت «همه»: واژه مادی (§9.III, §90) برای فارسی‌باستان -visa، نیز در

vispadā ,vispazana-

vispā ازی مفرد خنثی $A^2$Sa 5°; $A^2$Sda 4,dc 4(v^iāspā db, §55.I; $A^2$Ha 6°).

**vi[s] padā-** (§90) قید «همه جا، هرجا»: -vispa بعلاوه پسوند -dă (§191.II) DB 4.92 (Kent JCS 5.55-6 JAOS 72.15؛ قرائت از سوی کامرون، مورد تایید قرار گرفته است).

**vispazana-** صفت «دارای همه (گونه) مردم» (§161.IIa): واموا‌ژه در عیلامی mi-iš-šá-da-na، از صورت فارسی‌باستان -*visadana: مادی -vispa «همه» بعلاوه مادی -zana «انسان، مردم» (§9.III, §88, §90)

vispazanānām وابستگی جمع مونث DNa 10f;DSe 9f; DZc 5.

**vištāspa-** اسم «ویشتاسب»، پدر داریوش: عیلامی mi-iš-da-áš-ba، اکدی uš-ta-as-pa، یونانی γσταoπηs. جزء نخست یعنی -višta، احتمالاً وجه وصفی از (اوستا) -vaēs «آماده عملی شدن» (Bthl. AiW 1326)، سنسکریت -viš «وارد شدن»، جزء دیگر -aspa «اسب»: «دارنده اسب‌های آماده» (§9.II, §9.n2, §93, §161.IIa, Lg. 21.55-8؛ ریشه‌شناسی متداول بعید بنظر می‌رسد: -višta وجه وصفی از -vi بعلاوه -had «نشستن، مستقر کردن»، سنسکریت -vi-ṣad «فروریختن، افسردن»، در مجموع به معنی «دارای اسبان بی روح»، که می‌تواند اسمی شوم باشد؛ و این وجه وصفی باید در فارسی‌باستان -*višasta یا معادل سنسکریت آن یعنی -visaṇṇa باشد، نه -višta؛ نیز Hüsing, OLZ 15.537-41 به اشتباه جزء نخست را بشکل مختصر شده -vahišta «بهترین» پنداشته است).

**A**

vištāspa فاعلی مفرد مذکر DSf 13; XPf 17f, 20. v^ištāspa (§22) DB 1.4; 2.93, 94, 97; 3.4, 7; DBa 5.

vištāspam مفعولی صریح مفرد مذکر DSf 57f°.v^ištāspam(§22)DB 3.2,3.

vištāspahyā وابستگی مفرد مذکر DPa 4f; DPb; DPe 4; DPh 2; DNa 12f; DSc; DSd 2; DSf 7; DSg 2; DSi 2; DSj 1°; DSm 2°; DSy 2f; DZb 5; DZc 6; DE 19f; DH 2; XPf 18f; $A^2$Hc 14; Wa 5f; Wb 7f;

Wc 8f; Wd 8f. Vištāspahyā (§22) DB 1.2f, 4; DBa 3, 5f; DSa 2; DSb 9f; DSe 11f; DSk 2; A[2]Sa 3; A[2]Sc 0°; A[2]Ha 4°; A[3]Pa 18f, 19.

**višpauzāti-** اسم «ویشپ اوزاتی»، شهری در پارت؛ عیلامی mi-iš-ba-u-ṣa-ti-iš.
viš[pa]uz[ā]tiš فاعلی مفرد مونث DB 2.95.

A **sā-** فعل «برپا ساختن، ساختن»: احتمالاً از هندواروپایی آغازین -kuā*، اوستا- spā «انداختن، پرت کردن، بزمین گذاشتن»، پهلوی اشکانی pari-sp «دیوار»
(§90;Bv.Gr.§113، مقایسه شود با König, Burgbau 49-50؛ به اشتباه (Bv.BSLP 30.1.66-7.
fra- + sā- «برپا ساختن، ساختن» :frāsah[ya] ماضی s دار مجهول (§218.I, §220) DSf 27
(اول شخص مفرد معلوم بصورت frāsaha[m] نیز ممکن است، چنانکه از سوی Kent, JAOS 53.15 پیشنهاد شده و Schaeder,Ung. Jrb.15.562. n2 تایید نموده است)

**saka-** صفت «سکایی» (§116, §143.III)؛ مفرد مذکر بعنوان اسم «سَکَ» نام ایالت یا ناحیه است؛ جمع مذکر نیز بعنوان نام ایالت، معمولاً با توصیف کننده‌ها ؛ (مقایسه شود با JNES 2.304-5 برای بحث‌های دیگر، مقایسه شود با A.Hermann, AfoF, Beiheft 1,Festschrift oppenheim 157-164 [1933] و (J. Kluge,Klio, Beiheft 41, Saka-Studien [1939]. عیلامی šá-ak-qa اکدی gi-mi(r)-ri، یونانی Σkuθης, Σkuθιā نیز نگاه کنید به -sakā. احتمالاً «سگ» در معنی خوب، برابر با «نگهبان گله‌ها»، هندواروپایی آغازین -kuon*، مادی σπáka «سگ» (Herod. 1. 110)، مقایسه شود با Van Windekens, Beitr. z. Namenforchung.1.98-102.
۱) «سکایی»: saka فاعلی مفرد مذکر DBk 2.
sakā فاعلی جمع مذکر بعنوان فاعلی مفرد مذکر (§56.III) DN xv; A?P 14,15,24.
sakā فاعلی جمع مذکر DB 5.23°, 31.
sakā مفعولی صریح جمع مذکر DB 5.22, 25.

sakaibiš بایی جمع مذکر بجای ازی جمع مذکر (§252F) DPh 5; DH 4.
۲) «سکاها»: ایالتی از امپراتوری ایران sakā فاعلی جمع مذکر DPe 18; DNa 25,25f, 28; DSe 24°, 25°; XPh 26 bis.
۳) «سک»: saka فاعلی مفرد مذکر DB 1.16f; 2.8.

**sakā-** اسم «سَکَ»، صورت مونث واژه پیشین بعنوان اسم.
sakām مفعولی صریح مفرد مونث DB 5.21f.

**si$^{n}$kabru-** اسم «عقیق»: عیلامی ši-in-qa-ab-ru-iš اکدی si-in-ga- + -ru-ù (§6,§75.V, §116, §153.I; JAOS 54.57-8). برای معنی، مقایسه شود با Bleichsteiner, WZKM 37.101-3; König, Burgbau 62-3; Kent,JAOS 53.18,54.37-8, «شنگرف», Hz. AMI 3.64-5 ApI 303-5; «مار سنگ» ,Gray, AJP 53.68-9.
sikabruš فاعلی مفرد مذکر DSf 37f.

**Sikaya$^{h}$uvati-** اسم «سیک یَاُوتی»، دژی در ماد: عیلامی ši-ik-ki-ù-ma-ti-iš اکدی 'sik-kam-u-ba-at-ti-، احتمالاً *sika-yas-vatī، صفت مونث مشتق از θikā- (نگاه کنید به مدخل مربوطه، و نیز §9.I, §87, §152.II, §156.III, §157)؛ بنابراین «دژسنگی» ساخته شده از دیواری از قلوه سنگ و ملاط. مقایسه شود با Hz. AMI 3.55-6.
Sika[ya]uvatiš فاعلی مفرد مونث DB 1.58.

**siyamam** صفت، در حالت مفعولی صریح مفرد مذکر بجای حالت فاعلی مفرد مذکر، «ساخته شده از نقره»، A$^{1}$؛ نشانه‌های حرفی مشخص، اما واژه ناشناخته است (§55.II,§56.V, §116, §149.I). ظاهراً بجای فارسی‌نو «سیم = نقره»، از پهلوی asēm، وام گرفته از یونانی ἄσημον «نقره (بی‌نقش)»، یونانی نو ἀσημι «نقره»؛ اما بنظر می‌رسد که این مورد در این دوره کهن و منسوخ باشد. Hz.ApI 296-9 (نیز AMI 7.2-3, 8.10-7) واژه را بصورت saiymam عادی سازی کرده است: علیرغم صحت و اصالت کتیبه، مقایسه شود با

.Schaeder, SbPAW 1935.489-96

**suguda- sugda-** اسم «سغد»، ایالتی از امپراتوری ایران: عیلامی šu-ug-da، اکدی su-ug-du، یونانی $\Sigma o\gamma\delta\iota\bar{a}\nu\eta$ (§22,§103.IV,§116,§128).
sugda فاعلی مفرد مذکر XPh 21. Suguda (§128) DB 1.16; DNa 23; DSe 22°; DSm 9°. Sug[u]da (§22) DPe 16.
sugdam مفعولی صریح مفرد مذکر DPh 6; DH5.
sugudā ازی مفرد مذکر DSf 38.

**skauθi-** صفت «فقیر،ضعیف،دون پایه»: پهلوی ترفانی <škvh> ؛ مقایسه شود با §6, §116, §152.I, §190.IV JAOS 56.219-20, 58.324; 223.244-5; Hz.ApI 305-10 Bv.JAs.
s[a] آغازی در تصاویر عکسی DNb آشکار است.
skauθiš فاعلی مفرد مذکر DNb 8f.
skauθim مفعولی صریح مفرد مذکر DSe 39f;
اشتباه نوشتاری بصورت ← škaurim DB 4.65.
skauθaiš وابستگی مفرد مذکر DNb 10.

**sku[n]xa-** اسم «اسکونخَ»، شورشی سکایی: عیلامی iš-ku-in-qa (§100,§111,§116).
skuxa فاعلی مفرد مذکر DB 5.27; DBK 1f.

**skudra-** صفت «اسکودری»؛ صورت مذکر بعنوان اسم «اسکودَر»، ایالتی از امپراتوری ایران، احتمالاً تراس و مقدونیه (مقایسه شود با JNES 2.305): عیلامی iš-ku-ud-ra، اکدی is-ku-du-ru (§116).
۱) «اسکودری»: skudra فاعلی مفرد مذکر A?P 25.
۲) «اسکودَر»: skudra فاعلی مفرد مذکر DNa 29; DSe 29°; DSm 10°; XPh 27 (صورت مکتوب ← skudrā ; نگاه کنید به ← §51, Lg.13.298).

**stā-** فعل «قرار دادن؛ (میانه) ایستادن»: اوستا -stā، سنسکریت -sthā، یونانی

ἵστημι لاتین stō sistō، هندواروپایی آغازین *st(h) ā-
(§76.II,§116,§122,§132.2-3). نیز نگاه کنید به upastā-,stāna-.
a^h^ištatā ماضی استمراری میانه (§27, §64, §117, §122, §209, §235.II) DB 1.85.
ava- +stā- «دوباره برقرار کردن، قراردادن، نشاندن»:
avāstāyam ماضی‌استمراری اول شخص مفرد (§214) DB 1.63, 66, 69.
ni-+stā-, «امر کردن، دستور دادن»، عادی شده بصورت →ništā-(§117,§140.VI),
(مقایسه شود با → Altheim, ZIIl 3.37; Hz.ApI 315-8):
niyaštāyam ماضی استمراری اول شخص مفرد (§140.III, §214) DB 3.91; DZc 8, 11; XV 23f.
niyaštāya ماضی استمراری DSn 1; XPh 50; XV 21; nīštāya XPh 52f.
fra- + stā- : f[rā]stāyam نگاه کنید به پیوست. **A**

**stāna-** اسم «جا»: اوستا -stāna- در ترکیبات، فارسی‌نو -stān، سنسکریت -sthāna؛ مشتق از ریشه -stā (§116,§122,§132.2-3, §147.I). نیز نگاه کنید به ardastāna-.
stānam مفعولی صریح مفرد خنثی XV 20 f.

**A** **sta^m^b-** فعل «شورش کردن»: فارسی‌نو «ستمب ـ = شورش کردن»، نیز احتمالاً سنسکریت sta(m)bh- «بستن، مانع شدن، مخالفت کردن» (Wb. AbkSGW 29.1.34; Mt. JAs. 1911.637; MB Gr. §202).
stabava وجه تاکیدی دوم شخص مفرد (§216, §224, §227.II, §237) DNa 60.

**stūnā-** اسم «ستون»: اوستا، صورت مذکر stūna-، مونث stūnā-، فارسی‌نو «ستون»، سنسکریت sthūṇā (§147.I).
stūnā فاعلی جمع مونث DSf 45 (باشتباه،اسم جمع، فاعلی مفرد مونث → Hz. AMI 3.68-9).

[stūnā] مفعولی صریح جمع مونث DSg 3°.
stūnāya ساخت نامشخص، احتمالاً حالت دری مفرد مونث
(بجای -āyā- ,§52.III, §176, §255؛ به احتمال ضعیف صفت در حالت مفعولی صریح مفرد مذکر از نظر Hinz, ZDMG 95.250؛ به اشتباه Kent, JAOS 51.227-8).
D²Sa 1, A²Hb.

**spāda-** اسم «سپاه»: اوستای گاهانی -spāda، فارسی نو «سپاه»، انگلوهندی spahi؛ در -taxmaspāda، مقایسه شود با -spāθmaida (76.V, §83.II,§116, §143.II).
احتمالاً از هندواروپایی آغازین *kuā «ورم کردن، بزرگ شدن»
(Gray, Lg. 25.377-8; Bailey, JRAS 1951.194; cf. §90).

**spāθmaida-** اسم «اردو، رزم»، معنی از طریق تحریر اکدی مشخص است: مقایسه شود با -spāda «سپاه» (§83.II)، اوستا -hamaspaθmaēdaya نام یک ایزد و جشن مربوط به او (Hz. ApI 310-5).
spāθmaidayā دری مفرد DNb 30f.

**sparda-** اسم «سارد»، ایالتی از امپراتوری ایران: عیلامی iš-par-da، اکدی sa-par-du، یونانی Σάρδεις (§31)؛ با -*śu، موجود در لیدیایی بصورت -śfard (MB Gr. §52; Hz. AMI 3.63-4). نیز نگاه کنید به -spardiya.
sparda فاعلی مفرد مذکر DB 1.15; DPe 12; DNa 28; DSe 27°; DSm 7°; XPh 22.
spardā ازی مفرد مذکر DPh7f; DSf 36; DH 6.

**spardiya-** صفت «ساردی»: مشتق (§144.III) از واژه پیشن؛ مقایسه شود با JAOS 54.40, Hz.AMI 3.37.
spardi[ya] فاعلی مفرد مذکر A?P 22.
spardiyā فاعلی جمع مذکر DSf 49,52.

**-ša-** و **-ši-** ضمیر سوم شخص مفرد متصل: هندواروپایی آغازین -*sĭ, -*so، آریایی

*ša-,*ši- و *sa-,*ši- بنابر ویژگی سندهی، ایرانی آغازین -ha-,*hi* و -ši* ,-ša* (§117; decl., §195)، اوستا در حالت وابستگی - برایی مفرد šē، hē، مفعولی صریح مفرد hīm، مفعولی صریح جمع hīš، سنسکریت sīm و غیره. صورت‌های مفرد ممکن است به مرجع‌های جمع ارجاع داده شوند، و صورت‌های فارسی‌باستان تمایزی در جنسیت ندارند.

(بعنوان حالت ازی نگاه کنید به hacā) DB 1-50 مفعولی صریح مفرد با مرجع مفرد مذکر -šim 59 bis,83,96;2.13°, 75, 76, 90 bis; 3.74; 4.49; 5.13, 27.

-šim با مرجع مفرد مونث DNa 36; XPh 34.

-šim با مرجع مفرد خنثی DB 1.62; 5.24.

-šaiy وابستگی - برایی با مرجع مفرد مذکر DB 1.57; 2.30°, 50, 74, 74f, 77, 88, 89, 95; 3.14, 48, 51, 74, 90, 91; DPd 3; DNb 26; DSp 2°.

-šaiy با مرجع مفرد خنثی DSf 23°.

-šām وابستگی با مرجع مذکر DB 2.13, 20 bis, 27, 37, 42, 47, 56, 62, 83 bis, 98; 3.8, 19, 31, 40, 47, 57 bis, 64, 69, 85 bis; 5.8, 12, 15, 27°.

با مرجع مونث → dahyāva -šām DB 1.14, 19, 23; DNa 18, 20, 36f; DSe 17°, 19°; XPh 16, 18.

-šiš مفعولی صریح جمع با مرجع مونث DB 3.52;

با مرجع مذکر بیان شده بطور ضمنی از سوی صورت جمع خنثی DB 4.6

-ša

ازی مفرد، بعنوان پسوند قیدهای ازی dūradaša, avadaša و احتمالاً avaθāša-tā

(BthI. BB 14.247, AiW 170-1، علیرغم Bv.Gr.§325؛ به اشتباه Foy,Kz 35.29-30).

**šarastibara-** نگاه کنید به -arštibara.

**-ši-** نگاه کنید به -ša-.

**šiyāta-** صفت «آرام، شاد (در زمین)»: اوستای گاهانی -šyāta «شادمان»، اوستای متاخر -šāta، لاتین quiētus «آرام» (§104): صفت مفعولی گذشته از اوستا -šyā

«شادی کردن» (§242.II).نیزنگاه کنیدبه-šiyāti ، با مطالب پیشین در مورد معنی.

šiyāta فاعلی مفرد مذکر XPh 47,55.

**šiyāti-** اسم «سعادت، آرامش (در زمین)، شادی (نیز پس از مرگ)» (Hz.AMI 3.40, 8.68-9 , RHRel. 113.26-7, ApI 318-22): اوستای متاخر -šāti «شادی»، نیز در نام ملکه (یونانی) σπαρù-σatις لاتین quiēs، quiēt-is «آرامش» (§104, §152.III, §179.III)؛ نیز نگاه کنید به -šiyāta. برای معنی «شادی پس از مرگ»، نگاه کنید به JNES 7.108, n10f ؛ بجز آن نگاه کنید به Cam. JCS 5.54.

šiyātiš فاعلی مفرد مونث DPe 23.

šiyātim مفعولی صریح مفرد مونث DNa 4; DNb 2f; DSe 4°; DSf 3; DSs 4°; DSt 4°; DZc 2; DE 5f; XPa 3; XPb 5f; XPc 3; XPd 4; XPf 4; XPh 3; XE 6; XV 5; $A^1$Pa 4°; $A^2$Hc 4; غلط نوشتاری → sāyatām (§55.I) $A^3$Pa 4.

**šiyav-** فعل «عازم شدن، رفتن»: اوستای گاهانی -šyav، اوستای متاخر -šav، فارسی نو «شود»، سنسکریت cyàvati، یونانی δευω «من سریعاً پس از.... آغاز می‌کنم، تعقیب کردن، سبب تعقیب کردن»، هندواروپایی آغازین -qieu* (§104).

ašiyavam ماضی استمراری اول شخص مفرد (§213) DB 1.84.91; 2.3,65; 5.21.

ašiyava ماضی استمراری DB 1.33 bis, 41, 80; 2.2f, 17, 22, 32, 51f, 72, 85, 95°; 3.4, 16, 28, 32, 33, 42, 59f, 72, 73f, 82, 87; 5.9; XPf 33f.

ašiyava$^n$ ماضی استمراری سوم شخص جمع (§232.II) DB 1.76.

**škaurim-** نگاه کنید زیر -skauθi.

**štā-** نگاه کنید زیر -stā.

**zana-** اسم «انسان»: اوستا -zana، سنسکریت -jàna، یونانی γòνos «بچه، فرزند»،

هـندواروپـایی آغـازین -gono* (§88, §143.I) ؛ در ,-paruzana
varkazana-, vispazana-

**zam-** اسم «زمین»: اوستا در حالت فاعلی zā، یونانی χαμαί «روی زمین»، لاتین humus «زمین»، لیتوانیایی zēmē ، هندواروپایی آغازین -ghem* (§11, §142, §143.II)، مقایسه شود با -gδhem* در سنسکریت -kṣam ، یونانی χθων؛ در -uvārazmī-, uzma.

**[za]rtanayā** با -z مادی، بازسازی دیگری بجای [da]rtanayā؛نگاه کنید به -dartana.

**zazāna-** اسم «زازان»، شهری در ناحیه فرات، بالای بابل: عیلامی za-iz-za-an، اکدی za-za-an-nu (§120).
zazāna فاعلی مفرد مذکر DB 1.92.

**zūrakara-** اسم «زشتی ورز» (§143.V, §160.Ia): -zūrah «زشتی» (§105, §119, §120) بعلاوه -kara «کننده» (§99, §122)، از ریشه -kar.
zūrakara- فاعلی مفرد مذکر DB 4.64,68.

**zūrah-** اسم «فریبکاری، کار نادرست»: اوستا -zūrah، فارسی‌نو «زور=دروغ»، مقایسه شود با سنسکریت -hváras «نادرستی، فریبکاری، کَلک (§9.IV, §88, §120, §156.II)؛ نیز نگاه کنید به -zūrakara.
zūra مفعولی صریح مفرد خنثی DB 4.65.

**zūzahya-** اسم «زوزهیَ»، شهری در ارمنیه: عیلامی su-iz-za، اکدی zu-ù-zu (§120).
zūzahya فاعلی مفرد مذکر(بنابر کامرون، تمام نشانه‌های نوشتاری قابل رویت است) DB 2.33.

**zbā-** فعل «فراخواندن» (Lg. 19.226-7; Hz. AMI 8.67. ApI 367): اوستا -zav و -zbā، بن مضارع -zbaya، سنسکریت -hū و -hvā، بن مضارع -hvaya، هندواروپایی آغازین -ghuā* (-zb مادی §9.VI, §91, §120) نیز نگاه کنید به -hazāna.

pati- +zbaya-«اعلام کردن» (Bv.BSLP 42.2.70, تنها برای منع بکار رفته است)
patiyazbayam ماضی استمراری اول شخص مفرد (§214) XPh 38.

**zra^n^ka-** صفت «زرنگی»؛ صورت مذکر بعنوان اسم «زرنگ»، ایالتی از امپراتوری ایران: عیلامی sir-ra-an-qa، اکدی za-ra-an-ga، یونانی (هردوت) Σαραγγαι، (پلی‌بیوس) Δραγγηνη، (استرابو) Δραγγιᾶνη، (آریان) zapaγγαι؛ (§9.I,§33,§88,§120,§128؛ مقایسه شود با MB Gr. §119).
۱) «زَرنگی»: zrakā بجای فاعلی مفرد مذکر (§56.III) A?P 9.
۲) «زَرنگ»: zraka فاعلی مفرد مذکر DB 1.16; DPe 15f; DNa 24; DSe 23°; DSm 8°; XPh 20.

**ha-** پیشوند جدا نشدنی (§204.I)، پیش از همخوان (§132.1): اوستا -ha، سنسکریت -sa، یونانی -ά، لاتین -sem، هندواروپایی آغازین -sm̥*، درجه ضعیف هندواروپایی آغازین -sem* «یک»، یونانی εἷs εν (از sem-s *sem*)؛ در hakara-, hadā. نیز نگاه کنید به -ham-, hama.

**hainā** اسم «سپاه»: اوستا -haēnā، پهلوی hēn، سنسکریت -sénā (§118.I,§147.).
hainā فاعلی مفرد مونث DPd 19.
haināyā ازی مفرد مونث DPd 16f.

**hauv-** ضمیر «این»، ضمیر، صفت «این» (§11, §263): هندواروپایی آغازین so*، حالت فاعلی مفرد مونث sā*، اوستا hō (از so-s*)، hā، سنسکریت sa-s sā یونانی ὁη «حرف تعریف معین»، بعلاوه وند u*، سنسکریت u «نیز»، موجود در یونانی بصورت πὰν-υ «روی‌هم‌رفته»، οὗτος «این» از so-u-tos*، نیز احتمالاً در فارسی باستان u-tā «و». hǎuv فارسی باستان ادغام با قاعده‌ای از ā-u را (§118.IV,§196) ؛ نشان می‌دهد؛ در حالیکه sāu*، با ā از طریق قیاس با صورت مونث، در اوستا بصورت مذکر - مونث hāu تعمیم یافته است، سنسکریت a-sāu. نیز نگاه کنید به hauvam, hya.

hauv ضمیر، در حالت فاعلی مفرد مذکر AsH 8, 14; DB 1.36, 38, 41, 47,

47f, 74, 76, 78, 81; 2.10, 14, 16°, 17, 19, 24, 93f; 3.23f, 26f, 28, 55, 71, 79, 80, 82, 83; 4.8°, 9, 10, 12, 13, 15, 16, 17, 18, 20, 21, 22, 24, 25, 26, 28, 29°, 30; 5.26°; DPd 2; DSf 9, 9f, 30, 31, 38, 39; DSp 1°; XPh 54; XV 18, 21. hauv-maiy DB 2.79. hau-maiy DSf 10. hau-šaiy DPd 3; DSp 2°. hau-dim DSf 32. hau-diš DSs 6°
hauv فاعلی مفرد مونث (§196) DB 5.4f; hauv-maiy DB 3.11; hauv-taiy DNa 57; hauv-ciy DPe 23f.
hauv صفت،فاعلی مفرد مذکر DB 1.82, 92°; 2.21, 27, 66, 71; 3.3, 35, 41, 54, 59, 70, 91.

**haumavarga-** صفت «هوم نوش» یا «تهیه کننده هوم» (§160.Ia): عیلامی u-mu-mar-qa، اکدی ù-mu-ur-ga-’، یونانی *Αμυργιοι* از hauma- (§149.I)، اوستا haoma-، سنسکریت sòma- نام یک گیاه، نیز نام نوشیدنی است تهیه شده از عصاره شاخه‌های آن، از ریشه اوستا hau-، سنسکریت su- «فشردن»، بعلاوه varga- (§31, §143.I) با پیوندی ناشناخته.
haumavargā فاعلی جمع مذکر DNa 25; DSe 24f°; XPh 26; بعنوان فاعلی مفرد مذکر(§56.III),A?P 14.

**hauvam** ضمیر «او»، در حالت فاعلی مفرد مذکر hauv:DB 1.29 (نگاه کنید به مدخل مربوطه) بعلاوه -am از adam, tuvam و غیره (§48, §137, §196). مقایسه شود با MB Gr. §158.

**hakaram** قید «یک بار» (§191.III, §204.I): اوستا hakərət «یک بار»، سنسکریت sakṛt، مقایسه شود با یونانی ἅ-παξ، لاتین sem-el؛ ha- (نگاه کنید به مدخل مربوطه) بعلاوه krt* «زمان» (مقایسه شود با لیتوانیایی kar̃tas «زمان»)، باز ساخته بصورت -karam پس از -kara «سازنده» (Hz. ApI 181). نیز مقایسه شود با Bv.Gr. §323.

hakaram-ciy DNb 34f.

**haᵐkarta-** (§140.V) وجه وصفی، صورت خنثی بعنوان اسم «همکاری»: -ham

بعلاوه -karta «کرده»، صفت مفعولی گذشته از -kar.
[ha]kartahyā وابستگی مفرد خنثی DNb 16f
Hz.ApI از نظر ،[u]karrtahyā یا karrpahyā نه ؛Kent, JNES 4.42-3)
233-5؛ و نه [ha]karrtahyā، با تکرار اشتباه $r^a$ نزد Kent, Lg.15.170).

**haxāmaniš-** اسم «هخامنش» (§161.Ib)، بنیانگذار سلسله هخامنشی: عیلامی ha-ak-qa-man-nu-iš، اکدی -a-ha-ma-ni-iš'، یونانی Ἀχαιμένης، از -haxā، اوستای متاخر، حالت فاعلی مفرد مذکر haxa، سنسکریت، حالت فاعلی مفرد مذکر sákhā «دوست»، بعلاوه -maniš، با درجه تخفیف یافته واکه در هجای آخر (§63.II, §124.4, §156.IV, §185.III, nl)، صورت دیگر اشتقاق همانندی با -manah (نگاه کنید به مدخل مربوطه). نیز نگاه کنید به -haxāmanišiya

haxāmaniš فاعلی مفرد مذکر DB 1.6; DBa 8.
haxāmanišahyā وابستگی مفرد مذکر (§57, §185.III; مقایسه شود با → Hz.AMI 4.133,8.31-4) AmH 3f.

**haxāmanišiya-** صفت بعنوان اسم «هخامنشی»: صفت از واژه پیشین (§144.III, §159, §185.nl؛ به احتمال بسیار ضعیف -šya- از -tya-، همانگونه که از سوی MB Gr. §262 پیشنهاد شده است، مقایسه شود با Hz. AMI 4.133, 8.31-4).
haxāmanišiya فاعلی مفرد مذکر AsH 4; CMa 2; CMb 2°; CMc°; DB 1.3; DBa 4; DPa 5; DPb; DPe 5; DPh 3; DNa 13; DSb 11; DSd 2; DSe 12; DSf 7f; DSg 2; DSi2° DSj 2; DSk 3; DSm 2; DSy 3; DZb 6; DZc 6f; DE 20; DH 2; XPb 20f; XPc 9; XPd 14; XPe 4; XPf 14f; XPh 12; XPj; XPk; XSc 2; XE 20; XV 15f; $A^1$Pa 16°; $A^1$I; $D^2$Sb 2; $A^2$Sc 1; $A^2$Sdb 2; $A^2$Ha 5; $A^2$Hb; $A^2$Hc 15; $A^3$Pa 20f; Wa 7f; Wb 8f; Wc 9f; Wd 9f. hāxāmanišiya (§53) XPa 10f. haxāmaniš$^a$ya (§22) DSa 2f; $A^2$Sda, dc 2. haxamān$^a$šiya (§22, §51) $A^2$Sa 3.
haxāmanišiyā فاعلی جمع خنثی DB 1.7; DBa 10.

**ha$^{m}$gmatāna-** اسم «هگمتانه»، اقامتگاهی سلطنتی در ماد: عیلامی ag-ma-da-na، اکدی a-ga- ma-ta-nu، یونانی (هردوت) Aγβάταvα (آخیلوس، آریستونانس) Ekβαταvα، فارسی‌نو «همدان». احتمالاً مشتق از ha-gmata (نگاه کنید به مدخل مربوطه، زیر مدخل -gam (§103.IV, §147.II; «شهر گردهمایی».
hamatānaiy دری مفرد مذکر DB 2.76,77f.

**hacā** حرف (اضافه)پیشایند «از»: اوستای گاهانی hacā، اوستای متاخر hacā، سنسکریت sácā «با» (در مورد معنی، نگاه کنید به Fay, JAOS 31.403-12):
حالت بایی مفرد از اسم - ریشه تماتیک هندواروپایی آغازین -*seq$^{u}$ «دنبال کردن»، اوستا hačaite، سنسکریت sácate یونانی επεται لاتین sequitur، ژرمنی saíhan «دیدن» (§99) - نحو §271
۱) با حالت ازی: DB 1.36, 40, 61; 2.64; 3.2, 26; 4.37; DPd 11, 16, 17 bis; DPe 20; DNa 18, 46, 52; DSe 17, 38; DSf 31, 34, 35°, 35, 36, 38, 39, 41, 42, 43, 44; DZc 7, 10, 11; XPh 16, 57; A$^{2}$Sa 5°; A$^{2}$Sda 4 (hašā dc 4, §49b); A$^{2}$Ha 6°. hacā-ma DB 1.19, 23; 2.6, 12, 16, 93°; 3.27, 78, 81; 5.23°; DPe 9; DNa 20; DSe 19°; XPh 18.
۲) با حالت دری، بعنوان حالت ازی: DPh7; DSf 33, 44; DH5.
۳) با حالت بایی، بعنوان حالت ازی: DPh 5; DH4.
۴) با قیدهای ازی: hacā avadaša DB 1.37; 3.42, 80; DSe 47f°; DSf 47. hacā paruviyata DB 1.7, 8, 45; DBa 11, 12. [hacā-ci]y dūradaša DSf 23.
۵) با ضمیر متصل مقدم در حالت مفعولی صریح: -šim hacā DB 1.50 (Bang, ZDMG43.534; Bv.BSLP 31.2.64-5).
۶) با عبارت نامگذاری بی‌تسلسل در حالت فاعلی: hacā Pirāva nāma rauta DZc 9.

**ha$^{n}$j-** فعل «آویختن»: سنسکریت -sañj «بستن»، مضارع sájati.
fra- + ha$^{n}$j- «آویزان کردن»
«آویزان کردن» برای نمایش (Foy, KZ 35.39) پوست پر شده از کاه یک

شورشی (König, RuID 73-4؛ به اشتباه «زندانی کردن»، از نظر Sen 45):
frāhanjam ماضی استمراری اول شخص مفرد (§213) DB 2.78.

**had-** فعل «نشستن»: اوستا -had، سنسکریت -sad، لاتین sedet، انگلیسی نو sit؛ نیز نگاه کنید به -hadiš و احتمالاً -vištāspa.
ni - + šad (§117) وجه سببی ni-šādaya- (§76.III, §122, §123.2, §132.2-3,§215)
ماضی استمراری اول شخص مفرد (§226.II) niyašādayam: «نشاندن، بر قرار کردن»
DNa 36. nišādayam (§23.I, §140.III) XPh 34f(مقایسه شود با → Hz. AMI)

**hadā** حرف (اضافه) پیشایند با حالت بایی «با»: اوستای گاهانی hadā، اوستای متاخر haδa، سنسکریت sahá، هندواروپایی آغازین *sm̥-dhe (§11, §67, §76.III)؛ آریایی -*sa (نگاه کنید به فارسی‌باستان -ha) بعلاوه پسوند قیدی -dhe، همانگونه که در idā و غیره موجود است. نحو §270.I.
DB 1.56, 93; 2.1f, 21f, 23, 67, 71, 85, 85f, 95°, 96; 3.5, 15, 16, 33, 36, 41, 71, 73, 86; 5.9, 10, 21, 24; DPd 14, 22, 24°; DPe 8; DSe 50; DSt 8°; XPb 28; XPc 12, 15; XPd 18; XPg 13; XSc 5°; XV 26; A¹Pa 23; D²Sa 3.

**hadaxaya** واژه‌ای ناشناخته (§163. VII) Sb 1.

**hadiš-** اسم «جایگاه، مسکن، قصر»: اوستا-haδiš؛ مشتق از -had «نشستن»؛ برای پسوند، مقایسه شود با -haxā-maniš از ریشه -man، اسم -manah، و سنسکریت -sádas، یونانی در حالت فاعلی مفرد خنثی εδos (§63.II, §76.III, §117, §122, §132.2-3, §156.IV, §185.III).
hadiš فاعلی مفرد خنثی DSf 22,27; A²Sd 3.
hadiš مفعولی صریح مفرد خنثی DSj 5°; XPc 11; XPd 16f; XSa 2; XSc 3°; A¹Pa 19°; D²Sb 3°, 4°; A²Sc 5.

**ha$^m$dugā-** اسم «سند، مقررات»: -ham بعلاوه -dugā، از ریشه فارسی‌باستان -daug،

سنسکریت -duh «دوشیدن، فشردن»، هندواروپایی آغازین -dheugh*
(§76.III, §140.V, §143.IV,V; Bv.BSLP 30.1.73-4, Gr.§260; صورت دیگر → König RuID 67-8, Hz. ApI 188-90).
از نظر ساخت همانند لاتین fuga، یونانی φυγη «پرواز»؛ برای معنی، مقایسه شود با انگلیسی‌نو press (اسم), imprint, express.
hadugā DB 4.55, 57; DNb 23f.

**hadubānam** نگاه کنید -hazāna.

**hanatā-** اسم «کهولت، گذشت زمان»: اسم معنی (§145) ساخته شده روی -hana* «پیر»، اوستا -hana، سنسکریت -sána یونانی ενος لیتوانیایی sēnas هندواروپایی آغازین -seno* (§143.III)، مقایسه شود با لاتین senex «پیرمرد».
ha[natāyā] بایی مفرد مونث DSe 46
(نظر Kent, JAOS 54.46، برپایه تحریر اکدی).

**hapariya-** برداشت نادرست از apariyāya؛ نگاه کنید به -pari بعلاوه -ay، زیر مدخل -ay «رفتن».

**ham-** پیشوند جدا نشدنی «باهم، با»، همانند لاتین -com و یونانی συν (با هیچیک از آنها خویشاوند نیست): اوستا -ham، سنسکریت -sam؛ در اصل با عدد -sem* «یک»، همانند است، نگاه کنید زیر مدخل -ha (§132.1, §204.I). قابل شناسایی بصورت پیشوند در ,-ha-karta-,ha-gmatāna-, ha-dugā، -ham-arana-, ha-miçiya و با فعل‌های -gam-,taxš-,dar و شاید با -kam (نگاه کنید زیر مدخل amaxamatā). نیز نگاه کنید به -hama.

**hama-** صفت «همان یکی»: اوستا -hama، سنسکریت samá، یونانی ὁμὸς، هندواروپایی آغازین -somo* (§109, §143.II)، مشتق از هندواروپایی آغازین -sem* «یک»، مقایسه شود با -ha و -ham. صرف .§203.III. نیز نگاه کنید به

hama-. hamātar-,hamapitar- در DB 4.90,92 خوانده نمی‌شود،نگاه کنید به Kent, JAOS 62.268-9) → علیرغم) Cam. JCS 5.52, Kent JCS 5.56.

hamahyāyā وابستگی مفرد مونث

ساخته شده روی صورت وابستگی مفرد مذکر *hamahyă (مقایسه شود با ahyāyā از -a) DB 4.4,41,45,52,60.

**hamātar-** صفت «دارای یک مادر (در مورد شخص معین دیگر)»، (§161.IIa): -hama بعلاوه -mātar، با حذف بقرینه (§129).

hamātā (§62, §124.5, §186.II, §186.n1) DB 1.30.

**hamapitar-** صفت «دارای یک پدر (در مورد شخص معین دیگر)»، (§161.IIa): -hama بعلاوه -pitar «پدر».

hamapitā فاعلی مفرد مذکر (§124.5, §186.II, §186.n1) DB 1.30.

**hamarana-** اسم «نبرد»: اوستا -hamarəna، سنسکریت -samáraṇa؛ اسم از ترکیب فعلی -ham بعلاوه -ar (§32, §140.V, VI, §147.I)؛ مقایسه شود با (Hz. ApI 182-4). نیز نگاه کنید به -hamaranakara.

hamaranam فاعلی مفرد خنثی DB 2.27, 37, 42, 47, 56, 62, 98; 3.8, 19, 40, 47, 64, 69.

hamaranam مفعولی صریح مفرد خنثی DB 1.90, 93, 94, 96; 2.23, 33, 34, 38, 39, 44, 45, 53, 54, 58, 59, 67, 67f, 70, 85, 96; 3.5, 16, 36, 37, 43, 44, 60, 61, 65, 66; 5.10°.

hamaranā مفعولی صریح جمع خنثی DB 4.5f, 32.

**hamaranakara-** اسم «رزم آور، جنگجو»: -hamarana بعلاوه -kara «سازنده»، از ریشه -kar (§160.Ia). نیز مقایسه شود با -ušhamaranakara.

hamaranakara فاعلی مفرد مذکر DNb 34.

**hamiçiya-** صفت «شورشی»، بعنوان اسم «شورش»: مشتق از -ham (یا -ha) بعلاوه

-miça «دوست» (نگـاه کـنید بـه -miθra)، بـعنوان (جـمع) «هـم پـیمانان»، مـقایسه شـود بـا (§78, §144.IV, §148.III; MB Gr. §261) δυνopkoι؛ Justi IFA 18.36 به احتمال بسیار ضعیف، جزء نخست نشانه نفی -a «غیر دوستانه»، دوباره الگوسازی شده از -ham از طریق ارتباط با -ham-arana «نبرد»، چنانکه از سوی Pisani, Riv. Stud. Or.19.96 پیشنهاد شده است ) به احتمال ضعیف، جزء دوم نیز عبارتست از –miθ از -miθah (چنانکه از سوی Hz. ApI 184-6 اختیار شده است)، با پسوند -ro- و -iya-.

hamiçiya فاعلی مفرد مذکر DB 1.40, 80;2.16, 31, 51, 79, 94; 3.27, 81f.

hamiçiyam مفعولی صریح مفرد مذکر DB 2.26, 35, 41, 46, 55, 61, 84, 87, 97f; 3.7,18,63,68;4.9f,12,15,17f,20°,23,25f,28,30f; مفعولی صریح مفرد خنثی DNb 36, 39.

hamiçiyā فـاعلی جـمع مـذکر DB 1.76; 2.32, 38; 43, 52, 57f, 93 (§189.n1); 3.65, 78.

hamiçiyā مفعولی صریح جمع مذکر DB 4.34.

hamiçiyaibiš بایی جمع مذکر DB 3.6.

hamiçiyā فاعلی مفرد مونث DB 3.11;5.5.

hamiçiyā فاعلی جمع مونث DB 2.6f; 4.33f.

**haraiva-** اسم «هرات»، ایالتی از امپراتوری ایران: عـیلامی har-ri-ma، اکـدی a-ri-e-mu، یونانی Αρειοι؛ مقایسه شود با سنسکریت -saráyu «هوا، باد، نیز رودی در هند»، از ریشه سنسکریت sárati «جریان دارد». نیز نگاه کنید به -harauvati.

haraiva فاعلی مفرد مذکر DB 1.16; DPe 16; DNa 22f; DSe 21°; DSm 9°; XPh 21.

**hara^h^uvati-** صـفت بـعنوان اسـم «رُخَـج»، ایـالتی از امـپراتـوری ایـران: عـیلامی har-ra-u-ma-ti-iš، اکـدی a-ru-ha-at-ti، یـونانی Αραχωσιā؛ سـنسکریت sárasvatī در حالت فاعلی مفرد مونث «پر آب»، از ریشه -sar «جریان داشتن»، صورت خنثی بعنوان اسم -sáras «برکه، دریاچه»، بعلاوه پسوند صـفت سـاز -vant، مـــــونث -vatī (§118.IV, §152.II, §156.II, §157) صـــرف

haraiva-, harauvatiya- نیز نگاه کنید به §179.V.

harauvatiš فاعلی مفرد مونث DB 1.17; DPe 17; DNa 24; DSe 23°; DSm 10°; XPh 20.

harauvatim مفعولی صریح مفرد مونث DB 3.55.

harauvatiyā ازی مفرد مونث DSf 44f.

harauvatiyā دری مفرد مونث DB 3.56, 72, 76.

**hara[h]uvatiya-** صفت «رُخَجی»: مشتق از واژه پیشین (§144.III)

harauvatiya فاعلی مفرد مذکر A?P 10.

**haruva-** صفت «همه»: اوستا haurva-، سنسکریت sárva-، یونانی ایونی ουλος آتیک ὅλος، هندواروپایی آغازین *soluos (§26, §35.II, §107, §114, §118.I, §150).

صرف §203.II. نیز نگاه کنید به fraharavam, haruvadā.

haruva فاعلی مفرد مذکر DB 1.40,80. haruva-šim DB 2.75, 90.

haruvahyāyā دری مفرد مونث

ساخته شده روی صورت وابستگی مفرد مذکر haruvahyă به عنوان بن (مقایسه شود با ahyāyā, hyāyā, hama-).

DSf 16,18, haruvahyāyā (§36.IVb) DSb 8.

**haruvadā** قید «هرجا»، DB 4.92°؛ نظر اشتباه Kent, JAOS 62.269، پس از عیلامی. نگاه کنید به vi[s]padā.

**hard-** فعل «روانه کردن»: اوستا hərəzaiti «رها می‌کند، پرتاب می‌کند»، سنسکریت sárjati ، srjáti، آلمانی فرازین میانه selken «نم‌نم باریدن»، هندواروپایی آغازین *selg-.

ava-+hard- «ترک کردن،رها کردن»: سنسکریت ava-srj- «رها کردن»،

avahar[da] ماضی استمراری بدون افزونه (§30, §52.IV, §213, §228.II), DB 2.94

-har[da] اصلاح شده بصورت Tm.Vdt.Stud.1.22, Lex. 70 -har[ja])

نیز، Bv. BSLP 31.2.69, Gr. §129 که از سوی CS 21,Johnson IV 50, پـذیرفته شـده است؛ Wb. ZDMG 61.726، avahar[ta] بـعنوان صـفت مفعولی در حالت فاعلی مفرد مذکر از -ava بعلاوه همریشه سنسکریت -sar «جریان داشتن» را پیشنهاد نموده که از سوی Morgenstierne, Acta Or. 1.249 مورد تایید قرار گرفته است، اما احتمال ایـن مـورد کـم است، زیـرا چیزی در حالت مفعول صریح وجود دارد).

**harbānam** نگاه کنید به -hazāna.

**haldita-** اسم «هلدیت» یک ارمنی، پدر «اَرخَ: عیلامی hal-ti-da (§6, §107).
halditahya (§36.IVb) وابستگی مفرد مذکر DB 3.79.

**hašiya-** صفت «حقیقی»: اوستا -haiθya، سنسکریت -staya (§80, §118.I) مشتق (§144.IV) از (سنسکریت) -sat، درجه ضعیف صفت فـاعلی (سـنسکریت) sant- (§240) از ریشه هندواروپایی آغـازین -es* «بـودن» (سـنسکریت -as، فارسی‌باستان -ah)، هندواروپایی آغازین -sn̥t-io*. احتمالاً در -āθiyābaušna (Hz. ApI 191-3). مـقایسه شـود بـا لاتـین ,absent-em, prae-sent-em، .Īn-sont-em
hašiyam مفعولی صریح مفرد خنثی DB 4.44.

**hazāna-** اسم «زبان»، صورتی برای -hizāna (§27)، با z فارسی‌باستان برابر بـا zb مـادی از هـندواروپـایی ghu (§91, §120): اوسـتا -hizvā مـتمایز از -hizu، سنسکریت -jihvā احتمالاً برپایه ریشه هندواروپایی آغازین -ghuā* (نگاه کنید بـه فـارسی‌باستان -zbā بـا zb مـادی)، بـا تکـرار آغازین و بـنابرایـن در ایـرانـی، ناهمگونسازی بخش آغازین (فارسی‌نو «زبان»، از گویشی دارای zb، که دارای افزایش واکه ä است). بن فارسی‌باستان همانند اوستا hizvā (-zv- بجای -zb- از طریق تاثیر صورت موازی یـعنی hizū) گسـترش یـافته بـوسیله پسـوندی کـه احتمالاً از صورت وابستگی جمع، گسترش یـافته است (§143.IV,§147.II؛ مقایسه شود با Lommel, KZ 50.261).

مفعولی صریح مفرد مذکر(قرائت از سوی کامرون تثبیت شده)$h^{a}$zānam
(§124.VI, §187) DB 2.74;
قرائت پیشین و اصلاحات:harbānam با $r^{a}$ $b^{a}$ $n^{a}$ آسیب دیده، KT؛
$h^{a}$zbānam، Mt. MSLP 19.58-9؛ uzbānam، Wb.ZDMG 61.726؛
$had^{u}$bānam، Lommel KZ 50.260-2 پذیرفته شده از سوی Bv.Gr.§129،
مقایسه شود با Kent Lg. 19.226-7.

**$hi^{n}$du-** اسم «سند»، ایالتی از امپراتوری ایران در بخش فوقانی رود سند؛ عیلامی hi-in-du-iš؛ اوستا hindu-، سنسکریت sìndhu- «نهر، رود سند، سرزمین اطراف سند» (§27,§111,§118.V,§153.I) و نیز نگاه کنید به hiduya-.
hiduš فاعلی مفرد مذکر DPe17f; DNa 25;DSe 24°; DSm 10°; XPh 25.
hidauv دری مفرد مذکر بعنوان حالت ازی(§251D),DPh 7;DSf 44
($h^{a}id^{a}uv^{a}$ ؛ نه $h^{a}id^{a}av^{a}$ برابر با hidāva چنانکه از سوی Scheil 21.18، BV.Gr,§318, König Burgbau 34 اختیار شده است)؛ DH 5f.

**$hi^{n}$duya-** صفت «(اهل) سند»: مشتق از واژه پیشین (§27, §144.III)
hinduya فاعلی مفرد مذکر A?P 13.

**hya** در حالت فاعلی مفرد مذکر،hyā در حالت فاعلی مفرد مونث، ضمیر موصولی و حرف تعریف معین؛ مقایسه شود با اشکال مشابه در سنسکریت (ودایی) syà-s syā «این»: خلط شده با ضمیر اشاره اوستا hō hā، سنسکریت sa-s sā، یونانی ὁ η، هندواروپایی آغازین *so *sā، با بن موصولی هندواروپایی آغازین *io-، نگاه کنید زیر $^{1}$tya-؛ نیز مقایسه شود با hauv, hyā, hyāparam صرف §198؛ نحو §261, §262.
۱) ضمیر موصولی«کسیکه، که» فاعلی مفرد مذکر: DB 1.21, 22, 49, 51, 84, 93; 2.13 (hya-šām), 18, 21, 23, 31, 51, 66, 84, 95 (hya-šaiy); 3.15, 30, 35, 54, 58, 70, 86, 89°; 4.37, 38°, 41, 48°, 65, 66, 68, 68°, 68 (hya-vā), 70, 82, 87; 5.18, 34°; DPa 5f; DNa 1, 2, 3, 3f, 5; DNb 1,2, 3,16,17; DSe 1,2,3°, 4°, 5°; DSf 1, 2°, 2,3°, 3,38, 40, 43, 58°; DSj 5; DSs 1°, 2,4°, 5°; DSt 1°, 2°, 3°, 4, 5°, 10°; DZc 1 bis, 2 bis, 3 bis; DE 2,3,4,5,7; XPa 1, 2bis, 3 bis; XPb 2,3,4,5, 7; XPc 1,2bis, 3,4;XPd 1,2,3,4,5; XPf 1,2,3,4,5,23; XPh 1,2 bis, 3,4,46,51; XE 3,4,5,6,7; XV 2,3,4 bis,6; $A^{1}$Pa 1°,2°,3°,4°, 5°; $A^{1}$I (بجای وابستگی مفرد مذکر §56.V);

$A^2$Hc 2,3 bis,4,5; $A^3$Pa 1,2,3,4,5.
hyā فاعلی مفرد مونث DPa8; hya بجای فاعلی مفرد مونث (§52.III) AmH 6.
۲) حرف تعریف معین: hya فاعلی مفرد مذکر AsH 6; DB 1.39, 44, 46, 53, 64, 65, 70 bis, 85; 2.16, 25°, 27, 35, 40, 46, 55, 60, 87; 3.17, 25, 26, 32, 38, 45, 62, 67, 81; 4.9°, 14, 27, 30°; DBb 2, 5; DBd 5; DBh 6; DBi 7; DBk 2; DPd 1; DPh 9; DSe 39; DSf 9°,12,13,29,30,32,37,39; DSp 1°; DH 7; XPc 11; XPf 30; XPg 7; XSa 2; XE 2; XV 1,18; $A^1$Pa 20°; $D^2$Sb 4°; $A^2$Hb; $A^2$Hc 1.
hyā فاعلی مفرد مونث DB 1.8; DBa 12; DNa 56 (در مورد hyā DPe22، نگاه کنید به hyā در بالا)

**hyā** حالت ازی مفرد خنثی از واژه پیشین، بعنوان قید «از این زمان» (§191.III, §198; Bthl. IF 12.127n, AiW 1844)؛ نه در حالت فاعلی مفردمونث بعنوان سازنده یک صفت نسبی برای قید بعدی؛ (Foy, KZ 37.561; Mt. MSLP 19.55)، و نه سوم شخص مفرد وجه تمنایی از -ah «بودن» (Thumb.ap.Tm.Lex.70; Hz. ApI 64). DPe 22.

**hyāparam** قید مرکب «از آن پس، پس از این»: احتمالاً صورت ازی hyā$^t$ بعلاوه aparam (§84, §191.III, §198; Foy, KZ 35.10, 37.500; Kent, Lg. 20.8-9)، باحتمال بسیار ضعیف param (Bthl.BB 14.246, AiW 1844)، مقایسه شود با hyā duvaištam DPe 22f؛ باحتمال بسیار ضعیف حالت مفعولی صریح مفرد خنثی hya$^t$ بعلاوه aparam، با ادغام دو واکه همجوار در یک واکه بلند.
DB 3.43,64f (Mt.MSLP 19.55, Bv.Gr.§339).

## اعداد (§43, §251C, §252D, §262.II; Lg.19.228-9)

| | | | |
|---|---|---|---|
| I | DB1.36,74,77;2.8°,14,75° 79,89;3.8,12,22,57, 78;4.7,10°,12°,15, 18,20,23,26°,28;5.5°,7° | VIII | DB 1.9,2.36; DBa 14. |
| | | IX | DB 1.10,42;2.47; 4.7,32;DBa 17. |
| II | DB 1.96;Wa 1. | X | DB 1.56. |
| V | DB 3.47. | XII | DB 3.39. |
| | | XIII | DB 3.63 |
| VII | DB 3.68. | XIV | DB 1.38. |

3.18.
XV DB 2.56.
XVIII DB 2.41.
XIX DB 4.5.
XX DSf 26̊.
XXII DB 2.98̊;
3.88.
XXIII DB 1.17;
XXV DB 2.69.
XXVI DB 1.89.
XXVII DB 2.26.
XL DSf 26.
LX Wd 1.
CXX Wc 1.

## قطعات ناقص

CMb بخش پیشین سطر ۳ تا پایان
DNb 58 +++++ فعل
DNb 58f ++++++++ātiy|ā حالت دری «هرکس»فاعلی + «در فرمانبرداری»
DNb 60 +++++ +++++ +++++ ina:
DSe 45 ++++ vardanam نام
DSm 11f پایان سطر، و ادامه.
DSn 1f +++...|.... +++ na
DSo 1f +++++ +++++ +++++ naš[a]| tam:
DSq 1-4 بخش‌هایی از همه سطرها
$A^2$Sc 6 ta +++++
$A^2$Sc 7 بخش آغازین سطر.
$A^2$Sc 8 سطر کامل و ادامه
SXc سطر ۲ بطور کامل.
Sb سطر ۲ بطور کامل، بخشی از سطر ۳.

# پیوست‌ها

این پیوست‌ها موارد زیر را در برمی‌گیرند.

۱)فهرستی از انتقادها، و توجه به بهره‌وری آنها و نیز مقالات اخیر؛

۲)بخشی در مورد یکسان سازی واژه‌های اکدی بر شمرده؛

۳)بخشی همانند، در مورد واژه‌های عیلامی، با آوانویسی دقیق، که در بخش پیشین کتاب داده نشده است؛

۴)افزوده‌هایی به قطعات ویژه‌ای از کتاب، با تعیین صفحه، ستون و سطر.

**انتقادهایی** که مورد توجه من قرار گرفته‌اند، بترتیب دریافت، در این‌جا فهرست شده‌اند:

H.H.Paper,JCS 4.195-7 (1950).

G.S.Lane,Lg.26.412-7 (1950).

A.Carnoy, Le Muséon 63.313-4(1950).

V.Pisani, Paideia 1950.392-7.

J.Duchesne-Guillemin, L'Antiquité classique 20.211-3 (1951).

L.H.Gray, AJP 73.325-8 (1951).

H.W.Bailey, JRAS 1951.193-5.

M.Lejeune, Revue des Ètudes anciennes 53.114-5 (1951).

G.Messina, Orientalia 21.117-9(1952).

W.Hinz, ZDMG 102.374-7 (1952).

محتویات این انتقادها در این کتاب که ویرایش بازنگریسته‌ای است، مورد

استفاده قرار گرفته است. مقالات متعددی در مورد موضوعات فارسی‌باستان، که اخیراً منتشر شده‌اند نیز داشته‌ام؛ در مورد آنها، جاییکه نظرهای گوناگون بر شمرده شده‌اند، سپاس شایسته بعمل آمده است.

**آوانویسی‌های اکدی** واژه‌های فارسی‌باستان، یکسان سازی و نیز نوسازی شده است، در این زمینه از کوشش‌های دقیق دوست و همکارم ای.آ.اسپیسر[۲۶] تشکر می‌کنم. با رعایت نظر او، من نه نیازی به فهرست تمایزات گوناگون نوشتاری موجود در اکدی احساس کردم، و نه نیازی به آوانویسی دقیق دیدم، آنهم در جاییکه (عمدة در نام ماه‌ها) اکدی برابر نهاد آوایی برای واژه‌های فارسی‌باستان نیست.

**آوانویسی‌های عیلامی** از فارسی‌باستان بدقت یکسان سازی شده است، در این زمینه از هـ هـ پی‌پر[۲۷] سپاسگزاری می‌کنم. نظام بکار رفته مربوط است به کامرون در PTT 81-2، بجز iaکه بجای ia و نیز qaکه بجای $ka_4$ او مورد استفاده قرار گرفته است.

نام ماهها، که در صفحه ۱۶۱ بصورت عادی شده، آمده، در فهرست زیر بترتیب الفبایی برابر نهادهای فارسی‌باستان آنها، با آوانویسی دقیق ارائه شده است؛ گونه‌های دیگر عیلامی نیز براساس Cam. PTT 44-5، و نیز مندرجات Poebel AJSLL 55.130-43 فهرست شده‌اند. این فهرست نوشتارهای دیگر را نیز، نه در واژه‌نامه ما، بلکه آنچه که در کتیبه‌های سلطنتی هخامنشی رایج است، بعلاوه آوانویسی دقیق ماهنام‌ها ارائه می کند. بخاطر داشته باشید که در عیلامی ia- در افزوده (از ایرانی؟) معمولاً به صفت بیانگر قومیت و نیز نسل پدری اشاره می‌کند؛ š- در افزوده نیز مشخصه ویژه عیلامی بنظر می‌رسد؛ p یا b(e)- پسوندی، جمع را نشان می‌دهد؛ عیلامی تمایز میان آواهای انسدادی بی‌واک و واکدار (k=g,t=d,p=b) را مشخص نمی‌کند، و بیشتر مواقع آواهای صفیری (s برابر با z، بجای z,c فارسی‌باستان ؛s و š نیز قابل تبدیل بنظر می‌رسند) را با یکدیگر در هم می‌آمیزد، بدین ترتیب، تفاوت این آواها باید در

---

۲۶. E.A.Speiser

۲۷. H.H.Paper

فارسی‌باستان و یا واژه‌های دیگری که آنها را در زبانی که چنین تمایزاتی در آن ایجاد شده، ارائه می‌دهند، باقی بماند. در فهرست‌ها، پرانتز برای مشخص کردن نشانه‌هایی که حذف یا وارد کردن آنها در املا واژه اختیاری می‌باشد، بکار رفته است.

| آوانویسی عیلامی | عنوان | صفحه[۲۸] |
|---|---|---|
| ha-ši-na | āçina- | 166b |
| ha-iš-ši-ia-ti-ia-iš | āçiyādiya- | 166b |
| ha-du-kán-na-iš | ādukanaiša- | 167b |
| ha-na-ma-ak-kaš | anāmaka- | 167b |
| har-ri-ia,har-ri-ia-ma, har-ri-ia-na-um | ariya- | 170a |
| ir-da-ik-šá-iš-šá, ir-tak-ik-šá-iš-šá, ir-tak-ik-šá-aš-šá | artaxšaça- | 171a |
| ir-šá-ma | aršāma- | 171b |
| hal-la-am-ti,hal-tam-ti,etc. | ūja-ūvja- | 175a |
| ma-raš-mi-ia, | uvārazmī- | 177b |
| qa-at-ba-du-kaš-be (جمع)، qa-ut-ba-du-qa | katpatuka- | 178b |
| ku-šá-a-ia,ku-ši-ia (قومیت) | kūša- | 180b |
| šá-ut-tar-ri-ud-da | xšaθrita- | 180-1 |
| ik-še-ir-šá | xšayāršan- | 182a |
| ir-du-ma-qa (gán- برای) | gadutava- | 183a |
| kar-ma-pát-taš | garmapada- | 183a |
| ṣi-iš-šá-in-tak-ma | ciçataxma- | 184ab |

۲۸. شماره صفحات مربوط به متن انگلیسی است؛ در ترجمه فارسی نگاه کنید زیر عنوان.

| | | |
|---|---|---|
| 186a | tacara- | da-(iṣ)ṣa-ra-um |
| 187b | θāigarci- | sa-a-kur-ri-ṣi-iš |
| 187b | θatagu- | sa-ud-da-ku-iš |
| 188b | θūravāhara- | tu-ir-ma-ir |
| 189a | dādarši- | da-tar-ši-iš |
| 189b | dārayavau- | da-ri-ia-ma-ù-iš (یکبار) |
| 193a | nabukudracara- | nab-ku-tur-ru-ṣir; نیز← nab-ku-tur-ṣir |
| | | (با ra یا ru حذف شده از سوی کاتب، پیش از ṣir؟) |
| 193a | Nabunaita- | nab-bu-ni-da |
| 196b | parθava- | pár-tu-maš |
| 199a | bāxtri- | +-ak-tur-+, ba-ak-tar-+ |
| 199a | bāgayādi- | ba-gi-ia-ti-iš |
| 203b | mudrāya- | mu-ṣir-ra-ia,[mu]-iṣ-ra |
| 208b | viyaxna- | mi-(ia)-kán-na-iš |
| 208b | vispazana- | mi-iš-ba-ṣa-na, [mi]-iš-ba-da-na |
| 209b | sugda- | šu-uk-taš-be(قومیت جمع)، šu-uk-da, šu-ik-da |
| 210b | spardiya- | i[š-p]ár-ti-ia-ap(جمع) |
| 211b | zraka- | [ṣir-ra]-in-kaš-be(جمع) |
| 211b | haumavarga- | u-mar-[qa], u-mu -mar -qa -ip(جمع) |
| 212a | haxāmanišiya- | ha-(ak-)qa-man-nu-(iš-)-ši-ia,ha-qa-man-na-ša, ha-ak-qa-man-nu-u-ši-ia, ha-ak-qa-man-nu-iš-ši-ia-ra |
| 213b | haraiva- | har-ri-i-ia-i[p](جمع) |

| 213b | harauvati- | har-ru-ma-ti-iš, ha-ru-[...], har-ra-u-ut-ti-iš |
|---|---|---|

**پیوست قطعات** ویژه در کتاب، با مشخص کردن صفحه، ستون و سطر در این جا ارائه شده است. در بخش اصلی کتاب، نشانه «A(۲۹)» در حاشیه، بیان می‌کند که در مورد مطلب مربوطه پیوستی که نظرهای بیان شده را مورد بحث قرار داده و آنها را تشریح می‌کند، وجود دارد.

کوته نوشت‌ها. 2b.23: کوته نوشت‌های در افزوده در صفحه ۵.

۱۲. 9b.34: گرایش دیگر به زبان آرامی، نظم وارونه‌ای است که در عبارات آغازین همانند «داریوش شاه می‌گوید»، وجود دارد؛ مقایسه شود با OT 2 Kings 18.19 (Gray, AJP 72.325)

۲۷. 14b.46: نه -hy و -iy بجای -hiy معلوم (چنانکه از سوی Bv. BSLP 47.1.23n اختیار شده است)، زیرا اول شخص مفرد از -man، میانه‌ای است غیر قابل اشتباه، نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه.

۲۷. 14b.49: نه $h^ai$ در hiduš صرفاً به سبب n نانوشتاری (چنانکه از سوی Bv. BSLP 47.1.23 اختیار شده)؛ توجه کنید به مثال‌های 12-§27,15a.1.

۵۳. 22b.19-20: احتمالاً -ā- در patiyābaram همانند namātaxšatā (پیوست 186a)، براساس Pisani, Paideia 1950.303-4؛ اما این مورد، در توضیح -ā- در avājaniyā بکار نمی‌آید.

۷۵. 29b.34: چنین خویشاوندان دوری برای فارسی‌باستان -kaufa ، همانند انگلیسی‌نو

---

۲۹. این نشانه در متن ترجمه نیز، در جای مربوطه آمده است؛ باید توجه داشت که شماره صفحه و سطر مندرج در این پیوست یعنی دو شماره سمت چپ براساس متن انگلیسی است. بنابراین در کنار هر توضیح در ترجمه، سه شماره (و یا به جای شماره سوم در واژه نامه و کتیبه‌ها، مشخصه سوم) آمده است که به ترتیب از سمت چپ عبارتست از شماره صفحه و سطر در متن انگلیسی و شماره پارگراف که در متن ترجمه با «پ» مشخص شده است (ویا مشخص سوم). در واقع مشخصه ستون که در متن انگلیسی با a/b مشخص شده در ترجمه فارسی حذف گردیده زیرا متن انگلیسی دوستونی و متن ترجمه فارسی یک ستونی تنظیم شده است.

heap، آلمانی فرازین نو haufen، با -f- فارسی‌باستان مطابقه نکنید؛ اما مقایسه کنید با Pisani, Paideia 1950.393 و Boisacq, DELG 536.

۷۶.31a.16: احتمالاً -taka دربردارنده ریشه هندواروپایی -*teqe «بافتن» است (Gray, AJP72.327; Walde-Pokorny,Vgl. Wrtb. d. idg. Sprachen 1.716)؛ در این صورت معنی عبارت باید «سپر بافته شده یا حصیری» باشد.

۱۷۹.61b.8 [اما مقایسه شود با پیوست مربوط به 191b.11.Ed.]

۱۹۱.66b.30: MB Gr. 325 بصورت avadaš, avaθāš-tā, dūradaš عادی سازی می کند؛ Gray AJP 72.326 این -š را از یک پیش ساخت بی‌واکه لاتین ex، یونانی εξ می‌گیرد، مقایسه شود با Walde-Hofmann LEW[3] زیر مدخل ex.

۱۹۲.67a.18: در این جا می‌توان -tanū «تن» را که در سنسکریت، اوستا و فارسی‌باستان به معنی انعکاسی «خود» نیز می آید، فهرست کرد.

۱۹۳.67b.4: صورت وابستگی جمع مختوم به -kam از سوی دانشمندان بسیاری بعنوان صفت در حالت فاعلی ـ مفعولی صریح مفرد خنثی بصورت کلیشه‌ای اختیار شده است.

۱۹۹.68b.40: در DB 4.89، ساخت فاعلی مفرد مونث، بصورت imª بجای iyªmª نوشته شده‌است،که البته این امر یا از طریق ادغام i-ya صورت گرفته است و یا صرفاً از طریق حذف (§140.III;§56.VI). در DB 4.91، imª به جای imªamª برابر با imām در حالت مفعولی صریح مفرد مونث، است، چه از راه حذف دو نشانه نوشتاری و چه از طریق ساخت مستقیم روی بن مونث کهن -ī.[اما مقایسه شود با Hinz ZDMG 102.34 و نگاه کنید به پیوست مربوط به 191b.11 Ed.]

۲۰۶.70a.38: مثال احتمالی دیگر مربوط به پیشوند مضاعف در hamātaxšatā DB 4.92؛ اما نگاه کنید به پیوست مربوط به 186a.8.

۲۱۱.71b.15: سنسکریت، همچنین صورت مفرد yuñjati، جمع yuñjanti (همانند لاتین) را داراست، اما تنها در او پانیشادها و زبان حماسه و دوره بعد؛ نه در متون ودایی کهن‌تر، یعنی جایی که تکیه‌ها مشخص شده‌اند.

۲۱۲.71b.38: بنظر می‌رسد که در این‌جا، زبان ایرانی در پاره‌ای از گویش‌ها، -ters با درجه قوی را دوباره متداول کرده است؛ نگاه کنید به §31.

۲۲۰.74a.8: در patiyafrasiya، جایی که کامرون (براساس یک نامه شخصی) تمام نشانه‌های

نوشتاری‌رادستکم تا اندازه‌ای قابل رویت می‌یابد، و s را محتمل می‌پندارد اما $\theta$ را نه، ما š را از s آمده از -k̄-s- در آئوریست s دار (§102) می‌دانیم.

بهمین صورت، چنانچه ساخت، ماضی استمراری مجهول باشد، ما š را آمده از k̄ پیش از k (§89) می‌دانیم، مگر اینکه $\theta$ آمده از k̄، از راه قیاس، نگهداری شود، همانند وجه تمنایی مجهول fraθiyaiš DNb 21. بهترین راه حل ممکن است این باشد که بپذیریم s در -afrasiya ناشی از تاثیر -s- در بن‌مضارع -parsa، از همان ریشه است (§212).

۲۴۰.78a.28: در مورد چنین ترکیباتی، نگاه کنید به

J.Duchesne Guillemin, Les Composés de l'Avesta §7, §23, §240n (1936).

۲۴۳.79a.14-7: Gray, AJP 72.326-7، بعنوان ترکیباتی ملکی می‌گیرد (§161) و نه بعنوان ترکیبات معین (§160) هر دو واژه یعنی -bagābigna و -aθiyābaušna، بنابراین «دارای فره‌ایزدی» (بخش دوم از ریشه -*bheig[u] «درخشیدن»)، همانند یونانی φοĩβος) و «دارنده رهایی از بدبختی» معنی می‌دهد.

۲۷۵.88a.43: دو مثال، هردو در DB 4.1-4، استحکام استدلال بنونیست در BSLP 47.1.30-1 را مبنی براین که نحوه بیان معلوم و مجهول تا اندازه‌ای در معنی از هم متمایزند، سست می‌کند.

کتابشناسی کتیبه‌هاDsf 110b.13: در مورد هنر و صنعتگران بیگانه در DSf، نگاه کنید به

Gisela M.A.Richter, Amer. Journal of Archaeology 50.15-30 (1946); G.Goossens, La Nouvelle Clio 1.32-44 (1949).

کتابشناسی کتیبه‌ها$D^2sb$ .113b بعداز $D^2Sb$: علاوه بر این، دو لوحه طلا با کتیبه‌هایی، به فارسی‌باستان وجود دارد، که آخرین شنیده حاکی است که آنها در مالکیت واسطه‌ها در ایالات متحده قرار دارند. آنها چنین وانمود می‌کنند که کتیبه‌ها به داریوش دوم تعلق دارند ونیز گفته شده که کتیبه‌های مذکور باید همانند AsH, AmH و $A^2Hc$ از همسایگی همدان آمده باشند. ما می‌توانیم آنها را $D^2Ha$ و $D^2Hb$ بنامیم. ظاهراً $D^2Ha$ عضو دیگر مجموعه‌ای است که AmH و غیره را در برمی‌گیرد، نگاه کنید به §18 n2. اما در مورد $D^2Hb$ نیز به اشتباه نوشته شده که این کتیبه احتمالاً یک جعل جدید است [؟کامرون]. متن این کتیبه‌ها بدون اجازه انتشار در اختیار من قرار گرفته‌اند؛ متن تنها مواد کلیشه‌ای را در برداشته و دارای هیچ واژه یا ساخت جدیدی نیست، از نظر گرایش به واژگان جدید نیز با $A^2Hc$ مطابقت می‌کند [نیز در حال حاضر

نگاه کنید به [H.H.Paper, JAOS 72.169-70.Ed].

یادداشت DB IV. 130b یادداشت مربوطه به سطر ۴۶: Bv. BSLP 47.1.33، utāmaiy را از واحد مقدم جداکرده و آنرا «... نیز از سوی من بسیار...» ترجمه می‌کند؛ اما من نه در فارسی‌باستان (ونه در اوستا) کاربرد utā در معنی «نیز» را، هنگامیکه به تنهایی در آغاز فراکرد خود قرار می‌گیرد، نیافتم.

پیوست تاریخی IV. 161a: آوانویسی دقیق عیلامی ماهنام‌ها در فهرست آوانویسی‌های عیلامی این پیوست‌هایافت خواهد شد.

مقدمه واژه نامه. 164a.18: در واژه‌نامه، ساخت افعال بدقت مشخص شده‌اند، بجز سوم شخص مفرد، (زمان) حال، (وجه)اخباری، (حالت) معلوم، که حذف گردیده‌اند.

auramazdāh-. 164b.42: در مورد گزارشات مربوط به دین داریوش و جانشینان وی، در این جا تنها به مورد زیر ارجاع داده شده است J.Duchesne-Guillemin, Zoroastre 105-33 (Paris, 1948)

āçiyādiya-. 166b.23: و.ب.هنینگ در JRAS 1944.134n، ریشه‌شناسی متفاوتی برای āçiyādiya- دارد، که با نظر J.Duchesne-Guillemin,BSOS 1950.638n متناقض است.

abicariš. 169a.2: Hinz (ZDMG 102.374)، برای abicariš «حوزه (آبیاری)» را ترجیح می‌دهد، زیرا کاربرد «زمین‌های مرتع» جلگه‌های مربوط احتمالاً باید از گله‌داران دور و جدا بوده باشد.

xšayāršan-. 182a.16: Joh.Schmidt, Pluralbild. d.idg.Neutra 418 (1889) در این ریشه‌شناسی بر بار تولومه پیشی جسته است. اما J.Duchesne-Guillemin, Les Composés de l'Avesta §240 n بصورت xšaya- «فرمانروایی کردن (بر)» بعلاوه aršan- «جنگجویان»، ترجمه می‌کند.

xšnav-. 182b.2: پیزانی واژه را از ریشه qes-* با آوای نرمکامی یا لبی ـ نرمکامی مشتق، می‌داند زیرا اوستا ماضی نقلی kuxšnu- را در، وجه آرزویی بصورت čixšnuša- مضاعف کرده است (چنانچه از gnō-* باشد، k-, č- اوستا بنابر قیاس پس از šn- تحول یافته و به xšn- تبدیل می‌شود، که البته این نظر کنت است)؛ برابرهای سنسکریت آن از نظر معنایی دارای دشواری هستند.

graθ-. 183b-22: graθ-، فعل «تشکیل دادن»: سنسکریت granth- «بستن، بهم بستن، شکل دادن (یک کار ادبی)»، اختصاص دارد به نوشته‌های روی پاپیروس و

پارشمن که برگه‌های آن باید بهم بسته می‌شد.

gra[θitā] (نظر DB 4.90(Kent,JCS 5.55-6,JAOS 72.14 صفت‌مفعولی گذشته،فاعلی مفرد مونث

.taumā- 185b.3: Bv.BSLP 47.1.37-9, taumā- «تخمه» و tauman- «نیرو» را در واژه tauman، خویشاوند اوستا taoxman- و غیره، با معنی «تخمه، نیروی مولد»، یعنی دارای هردو معنی «تخمه» و «نیروی (جنسی)»، به یکدیگر پیوند می‌دهد و آنرا با گفته هردوت 1.136 در مورد ایرانیان، که می‌گوید شایستگی مرد، پس از چابکی در نبرد، داشتن فرزندان بسیار است، قیاس می‌کند. برای توجه به عکس این نظر، بخاطر داشته باشید که taumā «تخمه» بن مختوم -ā- است، در حالی که حالت بایی جمع خنثی برای tauman-، صورت taumaniš است.

.takabara- 185b.31: برای ریشه‌شناسی احتمالی taka-، نگاه کنید به پیوست مربوط به 31a.16.

.taxš- 186a.8: hamā[ta]xšatā DB 4.92 (قرائت کامرون)، احتمالاً برای $h^am^a$ برابر با ham- بعلاوه ataxšatā، به سبب اشتباه کتیبه نویس، مقایسه شود با JAOS 72.15.

.tanū- 186a.16: در مورد tanū-، نگاه کنید به پیوست مربوط 67a.18

.θard- Szemerényi, JAOS 70.234-5:188a.1، برای صورت عادی سازی شده فارسی‌باستان θarad- بجای θard- براساس نمونه بویژه همریشه آن در سنسکریت، استدلال می‌کند.

.dipī- 191b.11: [یادداشت‌های کنت نشان می‌دهد که او در نظر داشته است به Hinz, ZDMG 102.28-38 ارجاع دهد (dipiy، خنثی). نشانه‌ای مبنی براینکه او پیشنهاد هینتز را پذیرفته باشد، وجود ندارد.]

.dipī- 193b.22: احتمال بسیار ضعیفی وجود دارد که nāviyā صورت فاعلی مسندی برای tigrā حذف شده باشد «دجله قابل کشتیرانی بود (= غیر قابل گذر بصورت پیاده)»، همانگونه که بیشتر دانشمندان بصورت غیر قطعی پیشنهاد کرده‌اند؛ من در متون فارسی‌باستان، قرینه‌ای برای چنین حذفی نیافتم.

.nāviyā- 194a.1: Szemerényi, JAOS 70.245-6, برای فارسی‌باستان niyāka- (فارسی‌میانه niyāg فارسی‌نو «نیا») بصورت ni-āva-ka-*، با ادغام میانی، ریشه‌شناسی می‌دهد؛ مقایسه شود با لاتین avos و غیره از هندواروپایی auos*

«نیا».

pavastā-. 196b.44: احتمالاً پیشوند -pa «در، روی» (درجه ضعیف از -apa، نگاه کنید به مدخل مربوطه ,Bthl. AiW 816) بعلاوه ریشه فعلی -ues «پوشاندن» (اوستا -vah[3] ,AiW 1394)، مقایسه شود با لاتین vestis «پوشاک»، بعلاوه پسوند وجه وصفی، اسمی شده (§145).

pasā. 197a.16: خویشاوند مستقیم pasā در لیتوانیایی pāskui، بواسطه ریشه‌شناسی دوم و سوم حذف شده است؛ در اوستا pasča، سنسکریت pascā، طبق ریشه‌شناسی سوم.

bagābigna-. 199a.32: ترجمه و برداشت دیگر در پیوست مربوط به 79a.14-7

bāgayādi-. 199a.43: W.B.Henning, JRAS 1944.134n، بـــــرای -bāgayādi، ریشه‌شناسی متفاوتی دارد.

magu-. 201b.24: -magu اوستا -moγu؛ بحث مشروح در مورد عملکرد (Bv., Les Mages dans l'Ancien Iran (1938

māniya-. 202b.3: -māniya؛ معنی مشخص شده از سوی پیشوند معین شخصی kur-taš در ترجمه عیلامی (Gershevitch, Asia Major N.S.2.139-42; Hinz, ZDMG 102.375)

[2]yadā-. 205a.1: نیز نه از نظر .Bv.BSLP 47.1.34-5، مقایسه شود با تردید خود او در صفحه ۴۹ (=پ ۱۴۱).

yam-. 205a.29: نظر کنت (JAOS 62.269) مبنی بر [a]tīya[si]ya در حال حاضر، بواسطه بازسازی هینتز در ZDMG 102.36 حذف شده و از سوی کامرون بصورت patifrasiya مورد تایید قرار گرفته است. نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل -fraθ و پیوست مربوط به 74a.18

yam-. 205a.31: Bv. BSLP 47.1.24-5 واژه niyasaya را بصورت niy-asaya گرفته و آنرا از ریشه -sā (نگاه کنید به واژه‌نامه، زیر مدخل مربوطه) می‌داند، ضمن اینکه صورت پارتی میانه آنرا نیز بصورت -ny-spy «به پایین زوردادن»، برمی شمارد؛ وی معنی مناسبی بدست آورده و گسترش بن مضارع -yasa (با -sk̄e-، §212) بوسیله پسوند وجه سببی را نمی‌پذیرد. این گسترش در واقع تنها می‌تواند در وضعیتی توجیه گردد که بن -yasa عادی سازی شده باشد و بلندتر از یک مشتق به نظر نرسد.

rā-. 205a.43: Bv.BSLP 47.1.26-7,50، rādiy را به θādiy «بگو، اعلام کن» بصورت فعل امر، از ریشه متداول -θah، اصلاح می‌کند؛ در این زمینه چند دشواری آوایی وجود دارد، و کامرون می‌پندارد که نشانه آغازین، به احتمال بسیار زیاد r[a] است.

van-. 206b.5: Bv.BSLP 47.1.25-6، گذر معنایی از «چیره شدن» به «انباشتن» را رد می‌کند و به avaniya از ریشه -van با معنی «گستردن، انباشتن»، که تنها از طریق

اشتقاقات گویشی در ایرانی متاخر شناخته شده است، توجه می‌کند.

.varkazana- :206b.45 Varkazana-: Gershevitch, Asia Major N.S.2.142، هم خانوادگی با واژه‌های ایرانی متاخر به معنی «ردپا، آثاروبقایا» را پیشنهاد می‌کند.

.vištāspa- :209a.3 Szemerényi, Btr. z. Namenforschung 2.166-77، بخش نخست را بعنوان وجه وصفی vi بعلاوه (سنسکریت) syáti «بهم بستن» می‌گیرد (مقایسه شود با AiW 1800)، «نابسته،بی‌پایان، مهار نشده».

.sā- :209a.28 در مورد احتمال اینکه nīyasaya در این‌جا دارای ساخت ماضی استمراری از -ni- + sā باشد نگاه کنید به پیوست مربوط به 205a.31

.stā- 210a، نگاه کنید به مدخل -stā، در پایان توضیحات مدخل:

nīštāya ماضی استمراری (§23.I; §140.III) XPh 52f.

fra- +stā- «روانه کردن»: f[rā]stāyam ماضی استمراری اول شخص مفرد (JAOS 72.15) DB 4.92.

.sta^m^b- :210a.26 هم خانواده‌ها و معنی از سوی Bv. BSLP 47.128-9، مورد بحث قرار گرفته است.